گزیدهٔ اسناد خلیج فارس

واحد نشر اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

Call No..........

Date............ ....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

161 - ک س
0164
FREE GIFT

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. ______ Book No. ______

Vol. ______ Copy ______

Accession No. ______

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

121

Call No..........
Date.........................
Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

بسم الله الرحمن الرحيم

Call No.......... Date........... ....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

وزارت امور خارجه

شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Call No.......... *Date..............................*

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

گزیدهٔ

اسناد خلیج فارس

جلد اول

جزایر خلیج فارس

از سال ۱۳۲۰ه.ق(۱۲۸۰ه.ش)
تا سال ۱۳۶۰ه.ق(۱۳۲۰ه.ش)

Presented By :
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تهران، ۱۳۶۸

JAMIA MILLIA UNIVERSITY
Urdu: Library
Acc; No 563131
Dated 7-2-09

Presented By :
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

گزیدهٔ اسناد خلیج فارس (جلد اول)

واحد نشر اسناد

چاپ اول: ۱۳۶۸

حروفچینی، چاپ و صحافی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تعداد: ۳هزار جلد

تمامی حقوق محفوظ است.

فهرست

پیشگفتار .... نُه
مقدمه .... یازده
فصل اول: بحرین ۱
فصل دوم: تنب و ابوموسی ۲۶۳
فصل سوم: قشم ۳۹۱
فصل چهارم: کیش ۴۸۹
فصل پنجم: هرمز ۵۰۳
فصل ششم: هنگام ۵۱۹
نقشه ها ۵۷۷

Call No.......... *Date........................*

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

پیشگفتار

اسناد تاریخی همواره از مهمترین منابع اطلاعاتی محققین، پژوهشگران و سیاستمداران به منظور نگارش هر نوع کتاب و یا تدوین هر سیاستی است و بی تردید هر اندازه مجموعه های منتشر شدهٔ اسناد زیادتر باشند، واقعیتها ملموستر و امکان خطا کمتر می گردد.

به همین جهت با تصویب مادهٔ واحدهٔ «قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شدهٔ وزارت امور خارجه» توسط مجلس شورای اسلامی، زمینهٔ نشر گرانبهاترین و با ارزشترین مجموعهٔ اسناد وزارت امور خارجه که سالها در آرشیو این وزارتخانه بلا استفاده مانده‌بود و یا به‌صورت بسیار محدود از آنها بهره گرفته می‌شد، فراهم آمد.

اهمیت استراتژیکی خلیج فارس و بخصوص پیوندهای مذهبی و فرهنگی مردم منطقه چنان وسیع و قابل توجه است که هر نوع تحقیق را پذیرا گردیده و می‌تواند برای بسیاری از مردم جهان و منطقه مفید باشد. با عنایت به این امر، مجموعهٔ کتابهای مربوط به اسناد خلیج فارس که کتاب حاضر اولین جلد آن است و در لابلای اسناد آن بوضوح ترفندهای استعمار دیده می‌شود، تدوین و منتشر می‌گردد تا همگان آن را مطالعه نموده و ازا ین بهره‌مند شوند.

این جانب از زحمات «شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد» به‌عنوان تعیین کنندهٔ خط مشی ها و سیاستها، جناب آقای عباس ملکی، مدیرکل دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی و جناب آقای رضا حسین میرزا طاهری، سرپرست واحد نشر اسناد، و جناب آقای علیرضا پروین، تهیه کنندهٔ مجموعهٔ حاضر، و سایر همکاران واحد نشر اسناد که با تلاش خود در ایجاد این اثر نقش فعّال داشت‌اند، تشکر نموده و موفقیت آنها را از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

علی اکبر ولایتی

وزیر امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

Call No.........

Date............ ....

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

مقـدمه

موفقیّت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس دریای کمی‌عمقی است به موقعیت جغرافیایی ۲۴ و ۳۰ درجهٔ عرض شمالی و ۴۸ و ۵۷ درجهٔ طول شرقی که در حاشیهٔ شمال غربی اقیانوس هند واقع شده و از شمال‌شرقی به کرانه‌های ایران، از شرق به بحر عمان و از جنوب و مغرب به شبه‌جزیرهٔ عربستان محدود می‌گردد.

مساحت تقریبی خلیج فارس معادل ۲۵۱۲۲۶ کیلومترمربع و عمق متوسط آن معادل ۳۵متر است. طول خلیج فارس از دهانهٔ اروندرود (شط‌العرب) تا تنگهٔ هرمز معادل ۱۲۵۹ کیلومتر و عرض آن از دهانهٔ مذکور تا ساحل عمان بتقریب بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیّر و در تنگهٔ هرمز تقریباً معادل ۸۵ کیلومتر است. قابل ذکر است که در تمامی نقاط تنگهٔ هرمز که از رأس‌المسندم تا بندرعباس امتداد دارد، به‌علّت عمق کم آب، کشتی‌های بزرگ قادر به عبور نبوده و مجبور هستند از ناحیهٔ محدودی که معادل ۱۵ کیلومتر است و عمق آب جهت عبور آنها کافی است حرکت نمایند. در قسمت شمالیِ این معبر، جزایر ایرانیِ قشم، هرمز و لارک قراردارند. علاوه‌بر این، در امتداد این راه عبور، کشتی‌های بزرگ جنگی و نفتکشها مجبور هستند از کنار جزایر ایرانی تمب بزرگ و کوچک، ابوموسی، فرور و سیری عبور کنند. از نظر شرایط اقلیمی، خلیج فارس در منطقهٔ فوق حارّه‌ای نیمکرهٔ شمالی قرار دارد و هوای گرم پدیدهٔ غالب اقلیمی در این منطقه محسوب می‌گردد.

تاریخچهٔ خلیج فارس

در این بخش از مقدمه، سعی شده است فهرست‌وار و گذرا تاریخچه‌ای از وقایع مهم خلیج فارس تا پیش از ارائهٔ اسناد حاضر در این کتاب که با تاریخ استعمار در خلیج فارس عجین است، بیان گردد.

همان‌طور که می‌دانیم، کرانه‌های خلیج فارس، خصوصاً کرانه‌های شمالی و شمال غربی آن، یکی از عرصه‌های مهم تاریخ تمدن بشری محسوب می‌گردد. قبل از

استقرار قوم پارس و تشکیل امپراتوری هخامنشی در این خطّه، امپراتوری‌های عیلام، بابل، سومر و آکاد در منتهی‌الیه شمال‌غربی خلیج فارس واقع بودند.

اولین دریانوردان مقتدر خلیج فارس ایرانیان بودند که در حدود پانصد سال قبل از میلاد مسیح و در زمان حکومت داریوش اول و بعد از آن پسرش خشاریارشا بزرگترین ناوگان نظامی جهان را در اختیار داشته‌اند.

داریوش اول برای نخستین‌بار دریاسالار خود به‌نام سیلاک را برای کشف موقعیّت سواحل خلیج فارس و از طریق خلیج عدن و باب‌المندب و سواحل بحر احمر، به همراه ۲۰۰ کشتی گسیل داشت که حاصل آن اکتشافات بسیار مهمی بود که منجر به تسخیر مصر و دستور حفر ترعهٔ سوئز و راهیابی از طریق بحر احمر به دریای مدیترانه گردید.

در زمان سلطنت داریوش اول و خشایارشا شاهد جنگهای عظیم ایران و یونان هستیم که عظمت و گستردگی نیروهای ایرانی در این تهاجم به سرزمین یونان که مهمترین صفحه از تاریخ یونان قدیم نیز محسوب می‌گردد، بارها و بارها توسط تاریخ‌نویسانی چون هرودت با اعجاب نگریسته شده‌است. هر چند اصولاً اسناد و مدارک فراوان و دقیق درخصوص چگونگی عظمت و قدرت نیروی دریایی ایران در طول کشمشکهای تاریخی در کشورما از میان رفته‌است، اما آثار برجای مانده، همچون کتیبه‌هایی که در نقاط مختلف یافت شده‌است ــ از جمله کتیبه‌ای که داریوش اول در آن فرمان کندن ترعهٔ سوئز را صادر نموده ــ و نیز آثار باقی‌مانده از تاریخ‌نویسان یونانی که البته به انگیزهٔ دشمنی با ایران، بدون غرض هم ننوشته‌اند، گواه این مدعاست.

بعد از هخامنشیان، در زمان حکومت سلسلهٔ اشکانیان و ساسانیان همواره ایرانیان دارای ناوگان عظیم دریایی در خلیج فارس بودند و قدرت بلامنازع تمامی سواحل خلیج فارس محسوب شده و هم از این طریق با جهان متمدن هم‌عصر خود ارتباط تجارتی گسترده داشتند.

بعد از ظهور اسلام، اقتدار نظامی ایرانیان در خلیج فارس روبه زوال نهاد و در امر تجارت از نیمهٔ دوم قرن یکم پیش از میلاد مسیح که رومیان بر سوریه و مصر مسلط شدند، به انگیزهٔ دشمنی قدیمی که مابین ایرانیان و رومیان وجود داشت و احساس عدم امنیت از جانب تجار رومی، خط تجارتی هند که از طریق خلیج فارس در حال شکوفایی بود با رکود مواجه شده‌بود.

با گسترش اسلام و تسلط مسلمین بر ایران، تجار عرب و ایرانی در آبهای گرم خلیج فارس تجارت را آغاز کردند. اما باز هم به سبب اختلافات مذهبی بین مسیحیان و مسلمانان از قرن دوازدهم میلادی به‌بعد، به مدت ۵ قرن، رکودی تجاری بین غرب و شرق به‌وجود آمد.

بعد از پایان جنگهای صلیبی، مجدداً بازرگانان اروپایی روابط تجاری با شرق و بخصوص هندوستان را به‌علّت نیاز مبرم مغرب‌زمین به کالاهایی مانند انواع ادویه (که برای بالا بردن مقاومت مواد غذایی در برابر فساد به‌کار می‌رفت) و ابریشم (که مشتری فراوانی در بین طبقهٔ متمول اروپایی داشت) آغاز کردند. در این میان، کشف دماغهٔ امیدنیک توسط واسکودوگاما و گشوده‌شدن راه تجاری کوتاه و امن دریایی از اروپا به هندوستان بر توسعهٔ روابط تجاری غرب و شرق افزود و بدین‌ترتیب پرتقالی‌ها توانستند با قدرت و اقتدار کامل و تسلّط بر این راه دریایی تا حدودی کنترل روابط تجاری غرب و شرق را به‌دست گیرند؛ تا اینکه در سال ۱۵۰۶، آلفوس دالبوکرک به همراه تعدادی کشتی جنگی پرتقالی، برای حفظ منافع این کشور و انحصار کامل تجارت غرب و شرق و جلوگیری از گسترش تجارت ونیزی‌ها که از طریق خلیج فارس صورت می‌گرفت، متوجه جزیرهٔ هرمز شد و به‌رغم مقاومت دلیرانهٔ مردم هرمز، آنجا را به اشغال خود درآورد. شایان ذکر است که جزیرهٔ هرمز در انتهای راههای کاروان‌رو از هندوستان و چین قرار داشت و کشتی‌های تجاری، کالاها و مصنوعاتی را که از هند و چین و سرزمینهای بین راه حمل می‌شد، از طریق مدیترانه به اروپا منتقل می‌کردند. لذا تصرّف هرمز برای پرتقالی‌ها بسیار پراهمیت بود و این تسلط تا بیش از یک قرن، نه تنها بر هرمز، بلکه بر سایر نقاط حساس خلیج فارس مانند مسقط، الخضیف، بحرین و... ادامه داشت.

در هر حال حکومت مرکزی ایران به‌علت بی‌سروسامانی و مشکلات داخلی از یک طرف و فقدان نیروی دریایی کارآمد از طرف دیگر قادر به دفع بیگانگان از خلیج فارس نبود. حتی شورش اهالی هرمز در مقابل پرتقالی‌ها بدون حمایت دولت مرکزی صورت گرفت و حملهٔ مجدد پرتغالی‌ها و تصرّف دوبارهٔ هرمز و بندرگامبرون (بندرعباس) طّی همین قرن، با واکنش مؤثری از طرف حکومت مرکزی ایران مواجه نشد.

در اینجا باید به راهیابی عثمانی‌ها به خلیج فارس، بعد از پیروزی جنگهای متعددی که به تصرّف بغداد و بصره منجر شد و ایجاد نیروی دریایی عثمانی در آبهای خلیج فارس اشاره کرد؛ هر چند که عثمانی‌ها هرگز نتوانستند به‌شکلی مؤثر در مقابل پرتقالی‌ها قرار بگیرند و از سلطه و اقتدار آنها بکاهند. گویا همواره در طول تاریخ تنها کشوری که در مقابل بیگانگان در خلیج فارس وظیفهٔ مقاومت و ایستادگی دارد، ایران است و اگر در مقاطعی فاقد قدرت و انسجام داخلی می‌گردید، راه برای صاحبان قدرت و زور هموار بوده‌است. به عبارتی، اگر نیروی دریایی ایران در خلیج فارس به عنوان تنها کشور قدرتمند منطقه و همچنین به‌عنوان کشوری با کیلومترها مجاورت با دریا توسعه می‌یافت، با عنایت به حضور مردم غیور جزایر و سواحل خلیج فارس، شاید هرگز پرتقالی‌ها نمی‌توانستند آغازگر سلطهٔ نظامی بیگانه در این منطقه باشند.

در اواخر قرن شانزدهم میلادی، رویدادهایی پیش آمد که همه چیز را رفته‌رفته تغییر داد. از یک طرف در سال ۱۵۸۱ پرتقال ضمیمهٔ اسپانیا شد و بدین‌ترتیب قدرت این کشور روبه‌زوال نهاد و از طرف دیگر در سال ۱۵۸۷ در ایران شاه‌عباس اول، پادشاه مقتدر صفوی، که از حضور و نفوذ پرتقالی‌ها بشدّت رنج می‌برد، زمام امور را به‌دست گرفت. در کنار این دو تحوّل عمده که بعدها تأثیر بسیار زیادی در موقعیت پرتقال در خلیج فارس به همراه داشت، تحولات دیگری به‌وقوع پیوست که در تاریخ خلیج فارس حائز اهمیت است. نخست ورود دو برادر انگلیسی به‌نامهای آنتونی و رابرت شرلی به ایران در سال ۱۵۹۸ بود که می‌توان آن را نقطهٔ شروع روابط ایران و انگلیس دانست. هدف از مأموریت این دو برادر، نخست گسترش تجارت ایران و انگلیس بود که با استقبال شاه‌عباس نیز مواجه‌شد؛ و دوم، تأسیس کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۶۰۰ بود که یک شرکت تجارتی بازرگانان لندن که با هند شرقی معامله و تجارت می‌کند محسوب می‌شد.

متعاقب آن در سال ۱۶۱۵، نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس که به دنبال بازار فروش مناسب در منطقه بودند، با توجه به شرایط آب‌وهوایی ایران، خصوصاً در مناطق شمالی که دارای هوای نسبتاً سرد در فصل زمستان است، زمینه را برای فروش منسوجات انگلیسی فراهم دیده و عازم ایران شدند و نهایتاً توانستند طی فرمانی که از شاه‌عباس اخذ کردند، موقعیت مناسبی به‌دست آورده و تجارت با ایران را شروع کنند. با گسترش روابط تجارتی بین ایران و انگلستان، بزودی از یک طرف تضاد منافع بین پرتقالی‌ها و انگلیسی‌ها و از طرف دیگر صلحی که بین ایران و عثمانی در سال ۱۶۲۱ برقرار شد و باعث فراغت شاه‌عباس گردید، زمینه را برای اقدام جدّی جهت اخراج پرتقالی‌ها ــ با همکاری انگلیسی‌ها ــ از هرمز به‌وجود آورد.

ناگفته نماند که قبل از آن و در سال ۱۶۰۲، شاه‌عباس توانسته‌بود پرتقالی‌ها را از بحرین اخراج کند و در سال ۱۶۲۰ آنها را از رأس‌الخیمه بیرون براند.

به هر صورت آخرالامر در سال ۱۶۲۲ بعد از یک جنگ سخت، پرتقالی‌ها از هرمز رانده شدند و پرچم پرتقال پس از یک قرن از فراز قلعهٔ آلبوکرک برای همیشه به پایین کشیده‌شد. بعد از زوال قدرت پرتقالی‌ها، انگلیسی‌ها که بدون رقیب مانده‌بودند، گرفتار رقابتهای شدید سیاسی و تجارتی با هلندی‌ها شدند؛ زیرا هلندی‌ها توانسته بودند در حالی که شاه‌عباس مشغول جنگ با دولت عثمانی و دفاع از بغداد بود، اجازهٔ تجارت ابریشم را اخذ کنند و چندی بعد نیز با کسب امتیازات جدیدی از شاه‌عباس، موقعیت تجاری انگلیس را تضعیف نمایند. بدین‌ترتیب، به‌رغم مشکلات داخلی و جنگهای ایران و عثمانی در این دوره، هرگز مواجه با قدرت بی‌رقیبی مثل پرتقالی‌ها در خلیج فارس نبوده‌ایم و همواره رقابت بین انگلیسی‌ها از یک طرف و هلندی‌ها از طرف دیگر و امتیازاتی که شاه‌عباس به هر یک از آنها اعطا

می‌کرد، نه تنها از قدرت‌گیری انحصاری این دو رقیب تجاری جلوگیری می‌نمود، بلکه باعث گسترش امر تجارت در ایران می‌شد.

بعد از وفات شاه‌عباس این وضع تا مدتی ادامه داشت، اما نفوذ هلندی‌ها و رقابت شدید تجارتی با انگلیسی‌ها توازن را به‌شکل فزاینده‌ای به‌نفع هلندی‌ها تغییر می‌داد به حدی که انگلیسی‌ها از سال ۱۶۳۹ به‌بعد رفته‌رفته تصمیم گرفتند فعالیت تجارتی خود را در خلیج فارس به‌جای بنادر ایران، در بصره گسترش دهند؛ و این در حالی بود که هلندی‌ها مصمم می‌شدند تا بتوانند حق تجارت انحصاری در ایران را کسب نمایند. به‌دنبال این تصمیم، سرانجام در سال ۱۶۴۵ متوسل به قوهٔ قهریه شده و به قشم حمله کردند و حاصل آن قرارداد صلحی بود که بین شاه ایران و هلندی‌ها به‌امضا رسید و به موجب آن هلندی‌ها اجازه یافتند در هر نقطه از ایران، هر اندازه که بخواهند، ابریشم خریداری و بدون پرداخت حقوق گمرکی صادر نمایند. متعاقب آن هلندی‌ها به بصره حمله برده و تجارتخانهٔ نوپای انگلیسی‌ها را در این بندر ویران ساختند و متعاقب آن، بسرعت قدرت و نفوذ خود را در خلیج فارس گسترش دادند. در نتیجه موقعیت تجاری انگلیسی‌ها بشدت ضعیف گردید تا اینکه بعد از یک سلسله تحولات در اروپا که منجر به اتحاد انگلستان و هلند در سال ۱۶۸۸ شد، سیاست خارجی هلند تحت‌الشعاع انگلیس واقع شد و رفته‌رفته انگلستان زمینهٔ مساعدی برای توسعهٔ فعالیت خود در خلیج فارس به‌دست آورد. این در حالی بود که از یک سو اصولاً هلندی‌ها به سبب اجحاف و تعدیات خود در ایران، به‌شکل گسترده‌ای اعتبار خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر رفته‌رفته سیاست کمپانی هندشرقی انگلیس نیز علاوه‌بر درنظر گرفتن مصالح اقتصادی و تجارتی، به لزوم استملاک اراضی و اتخاذ سیاست استعماری توجه مخصوصی می‌نمود و به‌دنبال همین سیاست بود که در سال ۱۷۰۸ میلادی پادشاه انگلستان رؤسای کمپانی را رسماً به سفارت و رؤسای تجارتخانه‌ها را نیز در هندوستان به‌سمت کنسولهای رسمی و دولتی تعیین کرد.

اما در خلیج فارس گسترش دزدی دریایی و اشغال بحرین توسط اعراب مسقط در سال ۱۷۱۸ که از اغتشاشات داخلی ایران و حملهٔ افغانها سوءاستفاده نموده بودند و متعاقب آن دست‌اندازی برپاره‌ای از جزایر، نفوذ و اعتبار ایران را در خلیج فارس مورد سؤال قرار می‌داد تا اینکه در سال ۱۷۳۶ نادرشاه ـــ که مدتها با افغانها مشغول جنگ بود و توانست آنها را از ایران بیرون براند ـــ تاج‌وتخت را نصیب خود کرد. شاه مقتدر افشار فرمان تشکیل یک نیروی دریایی مقتدر را به لطیف‌خان، یکی از سرداران خود، صادر کرد و به‌دنبال آن توانست از کمپانی هند شرقی دو کشتی بزرگ خریداری و سپس از سورات هند نیز چند کشتی دیگر تهیه کند. وی همچنین در بوشهر اقدام به تأسیس مرکز ساخت‌وتعمیر کشتی نمود و هر چند که از نظر تهیهٔ الوار برای ساختن کشتی با مشکلات زیادی روبه‌رو گردید، اما نهایتاً در این دوره توانست با ایجاد یک

ناوگان قدرتمند دریایی، بحرین و عمان را به تصرف درآورده و نقش ارزنده‌ای در انتظام خلیج فارس ایفا نماید. علاوه‌بر این، در زمان نادرشاه عواملی مثل امنیت نسبی بعد از شکست افغانها در داخل کشور، نظم حاکم‌بر خلیج فارس و همچنین ورود گنجینه‌های ثروت از هندوستان بعد از حملهٔ نادرشاه به آنجا، موجب رونق تجارتی ایران گردید. اما این وضعیت دیری نپایید و با توجه به مشکلات داخلی در سالهای آخرین سلطنت نادرشاه و عدم تعادل روانی وی و همچنین فقدان تجربهٔ کافی فرماندهان دریایی ایران و آخرالامر قتل نادرشاه در سال ۱۷۴۷ و ایجاد هرج‌ومرج داخلی، متأسفانه نیروی دریایی نوپای ایران نتوانست به رشد و توسعهٔ خود و کنترل تحولات در خلیج فارس در سالهای بعد ادامه دهد؛ شاید اگر بجـزاین می‌شد، تاریخ خلیج فارس به‌گونه‌ای دیگر تقریر می‌گردید.

به هر صورت هرج‌ومرج داخلی ایران بعد از قتل نادرشاه تا ظهور کریم‌خان زند و تسلط وی بر قسمت اعظم ایران ادامه داشت. در زمان کریم‌خان زند، در حالی که اوضاع داخلی رفته‌رفته روبه بهبود می‌گذاشت، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها کم‌وبیش به فعالیت تجارتی خود در بندرعباس ادامه می‌دادند تا اینکه در سال ۱۷۵۹ چهار کشتی جنگی فرانسوی در آبهای ساحلی بندرعباس ظاهر شدند، تأسیسات انگلیسی‌ها را به توپ بستند و در بندرعباس پیاده شده، اموال دفاتر شرکت هندشرقی انگلیس را مصادره و افراد آن را اسیر کردند (لازم به تذکر است که مرکز نیروهای فرانسوی در جزیرهٔ موریس و ریونیون در نزدیکی تنگهٔ موزامبیک قرار داشت و اصولاً فرانسه برای اجرای نقشه‌های سوق‌الجیشی خود و روابط بازرگانی با شرق و دستیابی به هندوستان، دریای سرخ را مناسبتر از خلیج فارس می‌دانست؛ بدین‌جهت عمدهٔ سیاست استعماری فرانسه در مصر متمرکز بود و به‌دنبال همین سیاست بود که در سال ۱۷۹۸ ناپلئون بناپارت مصر را متصرف شد. البته این بدان معنی نیست که فرانسوی‌ها به خلیج فارس کاملاً بی‌توجه بودند، زیرا همواره می‌کوشیدند بتوانند به رغم کارشکنی و مقاومت انگلیسی‌ها با عمان ارتباط نزدیک داشته، و نیز با عرضهٔ کالاهای ارزان و ایجاد روابط حسنه با ایران، مواضع مناسبی به‌دست آورند). به‌هر صورت پس از این واقعه، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها دفاتر خود را به بصره منتقل کردند تا اینکه در سال ۱۷۶۳ انگلیسی‌ها موفق شدند فرمانی از کریم‌خان زند اخذ کنند که به موجب آن توانستند یک مرکز تجارتی جدید در بوشهر تأسیس نمایند. به‌شکلی که دولت ایران متعهد شد تا زمانی که انگلیسی‌ها در بوشهر به فعالیت خود ادامه می‌دهند، به‌هیچ کشور دیگری اجازهٔ فعالیت تجارتی در این شهر داده نشود. علاوه‌بر این، کمپانی انگلیسی انحصار واردات منسوجات پشمی به ایران را به‌دست آورد و ا جازه یافت که مال‌التجارهٔ هر کس دیگری را که بخواهد این گونه اجناس را وارد نماید، توقیف کند. البته چند سال بعد به علت دخالت انگلیسی‌ها در امور داخلی ایران و ایجاد ارتباط با

حکام محلی و خوانین، مابین کریم‌خان زند و انگلیسی‌ها اختلافاتی بروز کرد که منجر به تعطیل دفتر آنها در بوشهر گردید و دنبال آن انگلیسی‌ها دفاتر خود را بار دیگر به بصره منتقل کردند. البته ناگفته نماند که پس از تصرف بصره توسط نیروهای ایرانی و نامساعد شدن امر تجارت، عمال کمپانی مرکز عملیات خود را دوباره از بصره به بوشهر منتقل نمودند.

پس از درگذشت کریم‌خان زند، تسلط و نفوذ ایران بر خلیج فارس رفته‌رفته کاهش یافته، ایران بار دیگر دچار هرج‌ومرج و اغتشاش گردید و شاهزادگان زندیه بر سر تاج‌وتخت با یکدیگر به مجادله و نزاع پرداختند تا اینکه سرانجام آقامحمد خان قاجار بعد از غلبه بر لطفعلی خان زند، سلسلهٔ زندیه را منقرض کرد و بر تخت نشست. بعد از گذشت کریم‌خان تا تسلط آقامحمد خان قاجار که ایران مجدداً دارای نظم و انسجامی نسبی گردید، از اتفاقات مهم خلیج فارس می‌توان به تصرف بحرین به‌دست اعراب عتیبی در سال ۱۷۸۳ و تصرف مسقط و سایر بنادر آن حدود توسط سید سلطان حاکم عمان و سپس دست‌اندازی وی بر بعضی از جزایر و سواحل ایرانی خلیج فارس اشاره کرد. البته بزودی طوایف وهابی و متحدین آنها، جواسم، در صحنهٔ عمان و مسقط ظاهر شدند و در نتیجه، قدرت‌یابی سلطان مسقط را با اشکال مواجه کردند. درخصوص دزدان دریایی خلیج فارس باید گفت که آنها عمدتاً در شارجه و رأس‌الخیمه مستقر بودند و همواره در طول تاریخ، هرگاه در ایران حکومت مرکزی قوی و منسجمی وجود داشته، قدرت ایشان کاهش می‌یافته و هرگاه با دوران هرج‌ومرج مواجه شده‌ایم، آبهای خلیج فارس را ناامن می‌کرده‌اند. پس از مرگ نادرشاه در سال ۱۷۴۷، با کاهش نفوذ و تسلط ایران بر خلیج فارس، دزدان دریایی، بویژه جواسم، بشدت قدرت یافته و تجاوزات خود را بسط دادند؛ حتی توانستند در سال ۱۷۶۰ جزیرهٔ قشم و سپس بندرلنگه را تصرف نمایند تا اینکه کریم‌خان زند در سال ۱۷۶۳ آنها را از نقاط مذکور بیرون راند. در اواخر قرن هجدهم میلادی، با قدرت‌گیری وهابی‌ها، جواسم تحت نفوذ آنها درآمدند و بر دامنهٔ فعالیتهای خود افزودند.

به‌هر صورت، به رغم اینکه سیاسیون انگلستان سعی می‌نمودند با دزدان مواجه نشوند، ولی حملهٔ جواسم به کشتی‌های انگلیسی باعث شد که کمپانی انگلیسی وادار به مواجهه با آنها شود درسال ۱۸۰۹ کشتی‌های جنگی انگلیسی وارد خلیج شدند و اماکن دزدان را تصرف و آنها را تارومار کردند. اما یک سال بعد، بار دیگر جواسم به فعالیت خود ادامه دادند و مجدداً به کشتی‌های کمپانی هند شرقی انگلیس حمله‌ور شدند تا اینکه بار دیگر در سال ۱۸۱۹ حکومت انگلیسی بمبئی ناوگان مجهزی عازم خلیج فارس نمود و قوای مذکور مراکز جواسم را نابود کرده، و کشتی‌های آنها را آتش زدند و سرانجام مذاکرات بین انگلیسی‌ها و شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس آغاز شد و منجر به قرارداد عمومی صلح سال ۱۸۲۰ گردید. محور دیگری که انگلستان با شیوخ

سواحل جنوبی خلیج فارس ارتباط برقرار کرد، در خصوص منع خرید و فروش و حمل برده و همچنین قاچاق اسلحه بوده است که قراردادهای مذکور رفته رفته در حالی که با ظاهر کاملاً مشروع و مقبول جلوه‌گر بود، در سنوات بعدی به شکل قراردادهای تحت‌الحمایگی درآمد؛ به‌گونه‌ای که حتی شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس اجازهٔ هرگونه ارتباط و ایجاد رابطه با هیچ‌یک از کشورهای دیگر را نداشتند، مگر به اذن انگلستان، وحتی درخصوص مسائل داخلی هم نظریات نمایندگان انگلستان در این کشورها حاکم بود. از این به‌بعد می‌توانیم نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان را بیش از هر زمان دیگر در خلیج فارس مشاهده کنیم.

از دیگر اتفاقات مهم خلیج فارس، حملهٔ انگلیسی‌ها به جزیرهٔ خارک در زمان محمدشاه قاجار بود. محمدشاه با تحریک روسها به هرات حمله کرد و این امر بشدت مورد اعتراض انگلیسی‌ها واقع گردید و به دنبال آن، انگلیسی‌ها در سال ۱۸۳۸ به جزیرهٔ خارک حمله برده و آنجا را تصرّف کردند تا آنکه در سال ۱۸۴۲ شاه مجبور به تخلیهٔ هرات شد. در سال ۱۸۵۶، مقارن حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار، بار دیگر بر سر قضیهٔ هرات بین ایران و انگلستان اختلاف بروز کرد و مجدداً جزیرهٔ خارک و سپس بوشهر و محمره (خرمشهر) و چندین نقطهٔ دیگر توسط انگلیسی‌ها به تصرف درآمد که نهایتاً منجر به قرارداد پاریس گردید که به موجب آن دولت ایران متعهد شد به‌هیچ وجه در امور افغانستان دخالت نکند. پس از این معاهده، مجدداً روابط ایران و انگلستان روبه بهبود گذاشت. در اینجا شایان ذکر است که در زمان صدارت امیرکبیر، وی به فکر ایجاد یک نیروی دریایی قوی برای ایران افتاد، اما با درگذشتش، این فکر نیز هرگز تحقق نیافت. چند سال بعد، ناصرالدین‌شاه مبادرت به خرید دو فروند کشتی از آلمانها به‌نامهای پرسپولیس و شوش نمود که اولی مأموریت مراقبت از بنادر را داشت و دومی به حمل مسافر و کالا در رود کارون اختصاص یافت. اما ایران هرگز در این زمان دارای یک نیروی دریایی کارآمد و مؤثر که بتواند تعیین‌کنندهٔ سیاست و تأمین‌کنندهٔ امنیت در خلیج فارس باشد نبود.

نام خلیج فارس

درخصوص نام خلیج فارس، هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد و از دیرباز به‌همین نام خوانده می‌شده است، به قسمی که هیچ‌گونه نیازی به اثبات آن نیست. اما به جهت پاره‌ای از ادعاهای مجعول، لازم است بازنگری سریعی بر متون پژوهشگران و دانشمندان قرون مختلف قبل و بعد از ظهور اسلام نموده و آنها را یادآوری کنیم.

۱. در کتیبهٔ داریوش اول که در تنگهٔ سوئز به‌دست آمده، به «دریای پارس» اشاره شده و عبارت «درایه‌تیه هچاپارسائی‌تی»، یعنی دریایی که از پارس سرچشمه می‌گیرد، مشاهده می‌شود.

۲. فلاویوس آریانوس در سدهٔ دوم میلادی در کتاب خود به‌نام آناباز‌یس که تاریخ سفرهای جنگی اسکندر را منعکس می‌کند، این خلیج را «پرسیکون کا ای تاس» ذکر نموده که ترجمهٔ آن، خلیج فارس است.

۳. استرابون جغرافی‌دان یونانی در نیمهٔ آخر قرن اول قبل از میلاد، مکرر به همان‌نام– «پرسیکون کا ای تاس»، یعنی خلیج فارس– اشاره نموده‌است.

۴. کوین‌توس کورسیوس روفوس، مورخ رومی در قرن اول میلادی، خلیج فارس را «آکوادوم پرسیکو» به معنی آبگیر فارس نام برده‌است.

۵. بطلمیوس عالم و جغرافیدان شهیر قرن دوم میلادی در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشته‌است از این آبراه به‌نام «پرسیکوس سینوس»، به معنی خلیج فارس یاد کرده‌است.

قابل توجه آنکه ترجمهٔ اصطلاح لاتینی «سینوس پرسیکوس» در دیگر زبانهای زندهٔ جهان باقی مانده‌است و همگان آن را به همین نام می‌خوانند: به فرانسوی «Golfe Persique»، به انگلیسی «Persian Gulf»، به آلمانی «Persidski Zaliv»، به ژاپونی «Perushawah» و به ترکی «Farsikorfozi» آمده که در تمام آنها کلمهٔ «پارس» وجود دارد.

بعد از ظهور اسلام نیز در کتب تاریخی و جغرافیایی دانشمندان بزرگ دورهٔ اسلامی، خلیج فارس به‌نام بحر فارس یا البحرالفارسی یا الخلیج‌الفارسی ذکر شده که تعدادی از معروفترین آنان از این قرار است:

۶. احمدبن محمدبن اسحاق‌بن ابراهیم همدانی معروف به ابن‌فقیه، در کتاب مختصر کتاب‌البلدان، خلیج فارس را دریای پارس ذکر نموده‌است.

۷. ابوعلی احمدبن رسته، صاحب کتاب، الاعلاق‌النفسیه، آن را خلیج فارس می‌خواند.

۸. سهراب، جغرافیدان مشهور قرن سوم هجری، در کتاب خود به‌نام عجایب‌الاقالیم السبعة الی نهایة‌العمارة، در توصیف خلیج فارس می‌گوید: «بحر فارس و هوالبحرالجنوبی‌الکبیر»، یعنی دریای پارس دریای بزرگی است. در جنوب.

۹. ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله‌بن احمـــد بن‌خردادبه خراسانی (متوفی به سال ۳۰۰ هجری) در کتاب المسالک و الممالک به دریای پارس اشاره نموده‌است.

۱۰. بزرگ‌بن شهریارالناخدا هرمزی (ناو خدای رامهرمزی) در کتاب عجایب‌الهند بر بحر وجزایره، در سال ۳۴۲هجری، این دریا را بحر فارس نامیده‌است.

۱۱. ابواسحق ابراهیم‌بن محمدالفارسی الاصطخری (متوفی به سال ۳۴۶هجری) در دو کتاب خود به نامهای مسالک‌الممالک و کتاب‌الاقالیم از آن به‌نام بحر فارس یاد کرده‌است.

۱۲. ابوالحسن علی بن الحسین بن علی مسعودی (متوفی به سال ۳۴۶ هجری) در دو کتاب خود به‌نامهـای مروج الذهب معادن الجوهر و التنبیه الاشراف خلیج فارس را دریای پارس می‌خواند.

۱۳. ابوریحان بیرونی (متوفی در سال ۴۴۰ هجری) در سه کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم و تحدید نهایات الاماکن و قانون مسعـودی این دریا را دریای پارس و خلیج پارس ذکر کرده‌است.

۱۴. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که قدیمترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی محسوب می‌گردد و در سال ۳۷۲ هجری نوشته‌شده، این دریا خلیج پارس ذکر شده و آمده‌است: «خلیج پارس از حدّ پارس برگیرد با پهنای اندک تا به حدود سند».

۱۵. شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر شامی مقدسی معروف به بشاری در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم در سال ۳۷۵ هجری این دریا را بحر فارس خوانده‌است.

۱۶. محمد بن نجیب بکیران در کتاب جهان‌نامه این دریا را بحر پارس نگاشته‌است.

۱۷. ابن البلخی در کتاب فارسنامه در سال پانصد هجری این دریا را بحر فارس و دریای پارس نامیده‌است.

۱۸. شرف الزمان طاهر مروزی در کتاب طبایع الحیوان در حدود سال ۵۱۴ هجری این دریا را «الخلیج الفارسی» نام‌برده‌است.

۱۹. شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله حمومی رومی (متوفی به سال ۶۲۶ هجری) در کتاب خود به‌نام معجم البلدان این دریا را بحر فارس خوانده‌است.

۲۰. ابوعبدالله زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (متوفی به سال ۶۸۲ هجری) در دو کتاب خود به‌نامهـای آثار الباقیه و اخبار العبـادو عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات این دریا را بحر فارس نامیده‌است.

۲۱. شمس الدین ابوعبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی الصوفی (متوفی به سال ۷۲۷ هجری) در کتاب نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر نام این دریا را بحر فارس و یا بحر الفارسی و یا خلیج فارس آورده‌است.

۲۲. حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی (متوفی به سال ۷۴۰ هجری) در کتاب نزهة القلوب این دریا را بحر فارس خوانده‌است و می‌نویسد: «جزایری که از حد سند تا عمان در بحر فارس است از حساب ملک فارس شمرده‌اند و بزرگترین آن به کثرت مردم و نعمت جزایر قیس (کیش) و بحرین است.»

۲۳. شرف الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله طنجی معروف به ابن بطوطه (متوفی به سال ۷۷۷ هجری) در کتاب تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجایب الافسار

این دریا را بحر فارس آورده است.

۲۴. احمد بن علی بن احمد القلقشندی (متوفی به سال ۸۲۱ هجری) در کتاب خود به نام صبح الاعشی فی کتابة الانشاء باز هم این دریا را دریای پارس خوانده و مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطینی، مشهور به حاجی خلیفه (متوفی به سال ۱۰۶۷ هجری) در کتاب معروف کشف الظنون و جهان نمای خود نیز همان نام را به کار برده است.

۲۵. طه الهاشمی یکی از رؤسای ستاد اسبق ارتش عراق در کتاب خود به نام جغرافی العراق خلیج فارس را به نام الخلیج الفارسی خوانده است.

بجز در موارد فوق، بسیاری دیگر از نویسندگان و اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی و همچنین اگر معدود سیاست‌بازان مغرض را در محاسبه نیاوریم، مابقی سیاسیون و زمامداران واقع بین کشورهای جهان چه به صورت مکتوب و چه در بیانات خود در سنوات مختلف، حقیقت فوق را اقرار نموده‌اند و در آثار و گفتار خود خلیج فارس را به نام حقیقی آن آورده‌اند.

اما در اینجا نکته‌ای که قابل ذکر است و بهتر است قدری دربارهٔ آن توضیح داده شود، اصطلاح «خلیج عربی» است که از دیرباز وجود داشته و به طور خاص به بحر احمر اطلاق می‌گردیده است. با این وجود، استعمار غرب با عنایت به اهداف سیاسیِ خاصی که دنبال می‌کرده است، برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ در کتابی که سرچارلز بلگریو، نمایندهٔ سیاسی انگلستان در خلیج فارس، بعد از پایان مأموریتش در این منطقه منتشر کرد، خلیج فارس را به طور مجعول «خلیج عربی» ذکر نمود که به رغم علم به جعلی بودن عنوان فوق، مورد بهره‌برداری پاره‌ای از زمامداران کشورهای عربی منطقه قرار گرفت؛ هر چند که اصولاً نامیدن خلیج فارس تحت عنوان «خلیج عربی» بدون هیچ‌گونه پایه و مبنایی است و در آینده در هیچ فرهنگ و زبانی مقبول نخواهد شد. اما این امر وظیفهٔ ما را به عنوان ساکنان اصلی و قدیمی خلیج فارس در بیان واقعیات و رفع شبهه کاهش نخواهد داد.

همان طور که گفته شد اصطلاح «خلیج عربی» وجود داشته و به رومی آن را «سینوس آرابیکوس»، یعنی خلیج عربها می‌گفتند و مطلقاً به بحر احمر که بین تنگهٔ باب المندب و کانال سوئز قرار دارد اطلاق می‌شده است. ضمناً به جهت شنهای سرخ ساحل آن، به یونانی آن را «اری تره» و به لاتین آن را «ماره روبروم»، به معنی دریای سرخ و همچنین بحر قلزم خوانده‌اند. اینک لازم است جهت تأیید مطلب فوق، به ذکر چند نمونه از شواهد تاریخی و جغرافیایی در آثار نویسندگان قرون مختلف بپردازیم.

۱. هکاتایوس ملطی از علمای قدیم یونان و ملقب به پدر جغرافیا در سال ۴۷۵ قبل از میلاد در نقشه‌ای که از جهان خود ترسیم نموده، بحر احمر را «خلیج عرب» ذکر کرده است.

۲. هردوت مورخ مشهور یونانی به سال ۴۲۵ قبل از میلاد در کتاب تاریخ معروف خود، نام بحر احمر را مکرر «خلیج عرب» نوشته است.

۳. اراتوس تنوس یونانی که در سال ۱۹۶ قبل از میلاد درگذشته است، باز هم در نقشه‌ای که از جهان ترسیم نموده، بحر احمر را «خلیج عرب» ذکر می‌نماید.

۴. استرابن جغرافیدان یونانی نیمهٔ دوم قرن اول پیش از میلاد و نیمهٔ اول قرن اول بعد از میلاد، می‌نویسد: «عربها بین خلیج عرب و خلیج فارس جای دارند».

۵. بطلمیوس جغرافیدان مشهور یونانی قرن دوم میلادی، بحر احمر را «آرابیکوس سینوس»، یعنی خلیج عربها آورده است.

۶. در کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب که در سال ۳۷۲ هجری تألیف گردیده، بحر احمر «خلیج العربی» ذکر شده است.

۷. حاج خلیفه کاتب چلبی که به سال ۱۰۶۷ هجری وفات یافته، در کتاب جهان‌نما که به ترکی تقریر نموده، می‌نویسد: «اما بحر قلزم که دریای مکه است، به‌مناسبت اینکه مشرقش جزیرة‌العرب «سینوس آرابیکوس» نامیده می‌شود و به‌مناسبت آنکه در کتب قدیمه بحر احمر نوشته شده، به‌معنی ماره بروم و ماره‌روسو آمده است.»

*

واحد نشر اسناد وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران مفتخر است با عنایت به قانون انتشار اسناد طبقه‌بندی شدهٔ وزارت امور خارجه، مصوب جلسهٔ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ نهم آذرماه همان سال به تأیید شورای محترم نگهبان نیز رسیده است و همچنین تصویب نامهٔ مورخ ۶۵/۴/۴ هیئت معظم دولت، اسناد مربوط به خلیج فارس را که یکی از نقاط استراتژیکی جهان محسوب می‌گردد در اختیار عموم، بویژه دانشمندان و پژوهشگران ارجمند قرار دهد.

اسناد حاضر در این کتاب که جلد اول از سری اسناد خلیج فارس محسوب می‌گردد، شامل اسناد مربوط به جزایر خلیج فارس از تاریخ ۱۳۲۰ هجری قمری تا پایان حکومت رضاخان پهلوی است که یکی از مهمترین مقاطع تاریخ خلیج فارس و نمایانگر تحولات سرنوشت‌ساز اکثر جزایر آن است. در این مجموعه سعی شده است با مطالعهٔ هزاران سند موجود در آرشیو وزارت امور خارجه، اسناد مهم و کلیدی انتخاب شده و پس از بازخوانی به شکلی در کنار یکدیگر قرار گیرند که تا حد ممکن پیوستگی اسناد حفظ شده و خود گویای واقعیت باشند.

در اینجا جای دارد از اشخاصی که در به‌وجود آوردن این کتاب نقش داشته‌اند نام ببریم:

۱. آقای رضاحسین میرزاطاهری، مسئول واحد نشر اسناد، برنامه‌ریزی و هماهنگی کلی امور را برعهده داشته و با درایت خود راهگشای مراحل مختلف

بوده‌اند.

۲. آقای علیرضا پروین کار تهیه، بررسی، بازخوانی اسناد و تدوین کتاب را برعهده داشته‌اند.

۳. آقای علیرضا سماواتی در تصویربرداری و بازخوانی اسناد همکاری داشته‌اند.

۴. آقای داود کریملو، سرپرست آرشیو، و دیگر همکاران محترم آرشیو در مرحلهٔ تهیه و تدارک اصل اسناد جهت تصویربرداری صمیمانه همکاری داشته‌اند.

۵. خانمها فریبا شعبانی نصر، مهوش شکرایی و خدیجهٔ افخمی روحانی از همکاران واحد نشر اسناد در مقوله‌بندی، تصحیح و تایپ مطالب کوشش فراوان کردند.

والسلام علی من التبع الهدی
واحد نشر اسناد

Call No.......... *Date........................*

Account No.........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. _______ Book No. __________

Vol. __________ Copy __________.

Accession No.__________________

فصل ۱

بحرین

شماره: ۱
فرستنده:
گیرنده:
تاریخ: ۲۵رجب ۱۳۲۲
متن سند:

فهرست عرض وزارت خارجه

از کارگذاری بوشهر شرحی نوشته بودند که اگر مابین رعایای دولت ابد آیت و اهالی کویت و بحرین اختلافی مستحدث شود به عثمانی‌ها باید مراجعه کرد یا انگلیس‌ها. مراتب از عرض خاکپای اقدس اعلی ارواحنافداه گذشت. مقرر گردید از سفارت عثمانی تحقیق شود، استفسار شد جواب دادند که هرکاری باشد تسویهٔ آن را باید از مأمور عثمانی بخواهند قونسول انگلیس در بوشهر لهذا مداخلهٔ عثمانی‌ها را در بحرین و کویت نمی‌پذیرد. حالا به هرنحو رأی عالم آرای اقدس اعلی ارواحنافداه‌مقرر فرماید، اطاعت خواهد شد.

والامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع

فهرست وزارت خارجه است، از عرض خاکپای ملک فرسای اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه‌می گذرد.

[پی نوشت:]
جناب اشرف صدراعظم
وزیر خارجه تلگرافاً از سفارت خودمان در لندن و اسلامبول بخواهد که آنجا مذاکره نموده، تکلیف را معین نماید.

[امضا: مظفرالدین شاه]

وزارت امور خارجه

دائره

اداره

مورخه

نمره

خدمت عرض وزارت خارجه

از کارگذاری شهر تبریز نوشته بعد از [illegible] رضای دولت ایران [illegible]

و [illegible] انگلیس [illegible] عرض حال

[illegible]

[illegible] انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۳۴۳
۶ رجب ۱۳۲۴

۲۵ رجب برگشت

وزارت امور خارجه

[illegible] به عرض خاکپای ملک فرسای اقدس همایون شاهانه ارواحنا فداه می‌گذرد

[illegible] از سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible]

۵

شماره: ۲

فرستنده: [کارگذاری بوشهر]

گیرنده: وزارت امور خارجه

تاریخ: ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۲

متن سند:

استخراج تلگراف رمز از بوشهر

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مدّظله العالی، جنرال قونسول انگلیس هفدهم روانهٔ بحرین شد، سه کشتی جنگی در بحرین است، جنرال قونسول علی ابن احمد، برادر زادهٔ حاکم بحرین که مفسد هستند و فتنه میان ایرانی‌ها و اعراب هم چندی قبل از آنها بود خواسته است، دستگیر نماید، فرار کرده‌اند. اموال آنها را ضبط نموده است. جنرال قونسول انگلیس پاره مداخلات است که گویا مقدمهٔ تصرّف بحرین باشد.

فدوی علی محمد

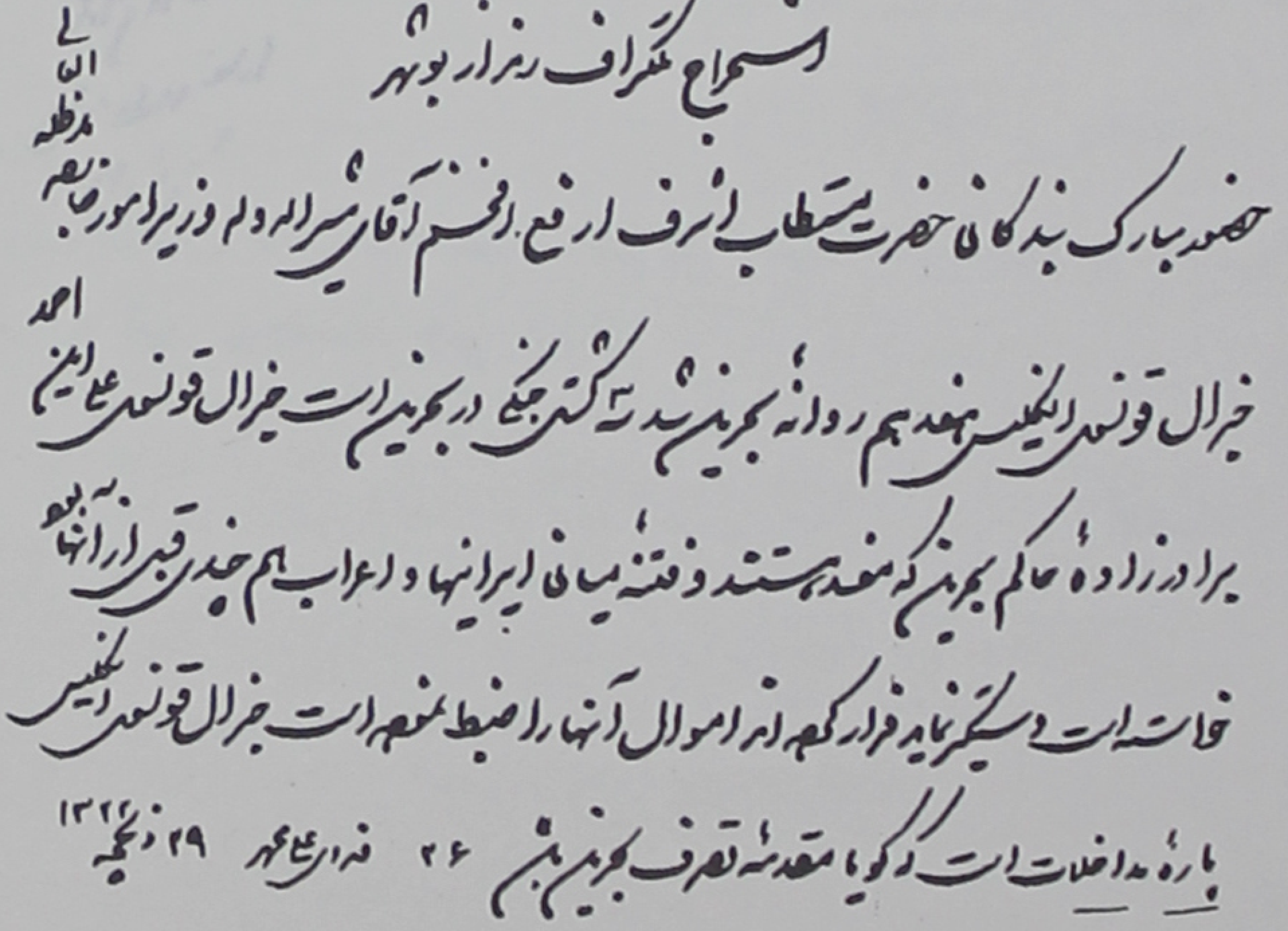
استخراج تلگراف رمز از بوشهر
حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مدظله العالی
جنرال قونسول انگلیس هفدهم روانهٔ بحرین شد سه کشتی جنگی در بحرین است جنرال قونسول علی ابن احمد
برادر زادهٔ حاکم بحرین که مفسد هستند و فتنه میان ایرانیها و اعراب هم چندی قبل از آنها بود
خواسته است دستگیر نماید فرار کرده اند اموال آنها را ضبط نموده است جنرال قونسول انگلیس
پاره مداخلات است که گویا مقدمهٔ تصرف بحرین باشد ۲۶ فدوی علی محمد ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۲

شماره: ۳
فرستنده: کارگذاری کل عربستان و شط‌العرب و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخی: ۲۵جمادی‌الثانی ۱۳۲۳
متن سند:

اگرچه از مدتی قبل دولت انگلیس، بحرین و بحرینی‌ها را در تحت حمایت خود می دانست، ولی رسمی و تااین درجه علنی نبود و اقداماتشان به طور خواهش و توسط و دوستانه و غیر رسمانه بود. حال به قرار معلوم در این اوقات به کلی آشکار کرده و رسمیت داده است و رسماً آنجا و آنها را زیر حمایهٔ خود می داند و تذکرهٔ رسمی می دهد و رسماً از آنها حمایت می‌نماید.

الامر الاشرف مطاع
فدوی حسین

کارگذاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون

اداره جهام کارگذاری

مورخه ۱۵ شهر [illegible] سنه ۱۳۲۲

نمره عمومی ۲۴۵۱ خصوصی ۶۶۹

اگرچه از بدو ترقی دولت انگلیس بحرین و کویت را در تحت حمایت خود میدانست ولی رسمی و تا این درجه علنی نبود

و اقدامات آنها بعد از خواهش توسط دوستانه و غیر رسمی بود حال به قراری که معلوم در این اوقات بکلی آشکار کرده و [illegible]

و در [illegible] هر دو جا را جزو ممالک خود میدانند و تذکره رسمی میدهد و [illegible] آنها حمایت مینماید

فدوی حسین [illegible]

الجواب [illegible]

[illegible]

شماره: ۴
فرستنده: کارگذاری عربستان و شط‌العرب و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴شعبان ۱۳۲۳
متن سند:

از قرار اطلاعات حاصله این اوقات مأمورین انگلیس به القاب و مراتب شیوخ این صفحات عنوان صاحب زیاد کرده‌اند، مثلاً به شیخ بحرین صاحب‌البحرین و به شیخ کویت صاحب‌الکویت می‌نویسند که معلوم است این فقره با تصویب دولتِ مشارالیها و برحسب مقتضیات پلتیک امروزی آنهاست و حاکی از این است که آنها را به این صفت و سمت شناخته‌اند و به این وسیله می‌خواهند خود را ذی‌حق بکنند که مستقیماً با آنها به دلخواه بعض معاملات و مراودات نمایند، که اولاً بدیهی است باید این را در تحت‌نظر تحقیق و تدقیق داشت و اگر مقتضی باشد، دولت ابد مدت علیه پوروتست فرمایند ثانیاً بیشتر می‌بایست مراقبت نمود مبادا با سایر شیوخ سرحدات که حالاً تبعهٔ این دولت علیه‌اند و آنها با انگلیسها یا انگلیسها با آنها بنای مراوده گذارده‌اند (،) رفته رفته مثل اماثلشان به آنها هم همچو عنوانی ببندند، چرا که شک نیست پلتیک آن دولتِ در این حدود خیلی شایان دقت است.

الامرالاشرف مطاع فدوی حسین

[پی نوشت:]
جناب اشرف اتابک اعظم به عرض رسید و این مطلب جالب دقت است، باید مراقب باشید و این پروتست هم بشود.

شهر شوال

[امضاء: مظفرالدین شاه]

[illegible]

کارگذاری کل عربستان و شط العرب
و مدیریت سیر سفاین در شط کارون
اداره مهام کارگذاری
مورخه ۱۴ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۲۳
نمره عمومی ۲۵۸۱ خصوصی ۷۲۰

از قرار اطلاعات حاصله این اوقات دولت انگلیس به القاب مرتبه شیخ این صفحات عنوان صاحب [illegible] داده‌اند حسب [illegible] بحرین صاحب البحرین و به شیخ کویت صاحب الکویت می‌نویسند که مسلم است این فقره با تصویب دولت [illegible] تقاضیات پلتیک امروزه آنها است و حالیه از این است که آنها را به این صفت و سمت شناخته‌اند [illegible] خودسری حق بکنند که [illegible] آنها به نحوی بعض معاهدات [illegible] نمایند که [illegible] [illegible] داشت [illegible] مقتضیات دولت ابد مدت علیه [illegible] قرار [illegible] با سایر شیوخ [illegible] که [illegible] تبعه این [illegible] انگلیس [illegible] شأن [illegible] آنها هم [illegible] عنوانی به بندند چرا که [illegible] پلتیک [illegible] دولت در این [illegible] است

[illegible] فدوی حسین [illegible]

شماره: ۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: کارگذاری عربستان
تاریخ: ۱۹ شعبان ۱۳۲۳
متن سند:

سواد کاغذ وزارت خارجه به کارگذاری عربستان، ۱۹ شهر شعبان ۱۳۲۳

از ملاحظهٔ راپرت نمره ۶۶۹ آن جناب در باب بحرین و بحرینی‌ها استحضار حاصل شد در این خصوص بتازگی مراسله از سفارت انگلیس رسیده است که سواد آن را برای اطلاع شما فرستاده، مراسلهٔ مزبوره به عرض می رسد، به هر طور مقرر شد و جواب سفارت داده شد، نتیجه را به شمـــا می‌نویسم که مستحضر باشید.

نصراله مشیرالدوله

سواد نامه وزارت جلیله خارجه [illegible] رعایت ه

۱۹ شهر شعبان ۱۳۲۳

از ملاحظه راپرت نمره ۹۶۴ آنجناب در باب کمپانی و حقانیت اشخاص مدعی شد در اینخصوص تا بحال مراسله از سفارت انگلیس رسیده است در سابق آقای [illegible] مطلع شد و نتیجه مراسله [illegible] که بطور [illegible] جواب سفارت داده شد نتیجه را اشعار میدارم

در شعبه [illegible]

شماره: ۶
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹رجب ۱۳۲۶
متن سند:

جناب مستطاب اشرف ارفع افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد

شرف دارم خاطر محترم جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه بیست ویک نفر بحرینی از زیارت مشهد مراجعت می کرده، در سکند حوالی یزد آنها را دزد می‌زنند و مبلغ پانصد وبیست وپنج تومان پنج هزار از آنها می برند. خواهشمندم اقدامات لازمه را برای به دست آوردن و تنبیه سارقین و استرداد وجه مسروقه به عمل آورند. در این موقع احترامات فائقهٔ قلبیهٔ خود را تجدید می‌نماید.

British Legation,
Tehran.

۲۹ رجب
۱۳۲۶

جناب جلالتمآب اشرف ارفع امجد را با کمال احترام تصدیع اوقات می‌گردد

شرف دارم خاطر محترم جناب اشرف را مستحضر سازم از اینکه بیست و چهار نفر بختیاری از ریاست

شهر را جلب کرده در سکنه حوالی یزد آنها را دزد و شریر دانسته به جهت بیجانی که از اهالی تهران

خواهشمندم مراتب را به عرض حضرت اقدس والا رسانیده و تقاضای تنبیه و تحقیق و استرداد و جبران را نموده و در این موقع احترامات فائقه را تجدید می‌نماید

Charles M. Marling

شماره: ۷
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: مشیرالسلطنه
تاریخ: ۶شعبان ۱۳۲۶
متن سند:

سواد کاغذ وزارت خارجه به مشیرالسلطنه

مراسله به تاریخ بیست‌ونهم شهر رجب از سفارت انگلیس به وزارت خارجه رسیده وچنانکه از ملاحظهٔ سواد آن خاطر شرافت مظاهر عالی مسبوق خواهد گردید، اظهار می‌دارند بیست‌ویک نفر بحرینی از زیارت مشهد مراجعت می‌کردند در سکند حوالی یزد آنها را دزد می‌زند و مبلغ پانصدوبیست‌وپنج تومان وپنج هزار از آنها می‌برند به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، دولت علیه، بحرین را خاک خود می‌داند و اهالی آنجا را نیز از اتباع مسلمهٔ خود محسوب می‌دارد و سالهاست در این خصوص مابین وزارت خارجه و سفارت انگلیس مکاتبات شده و می‌شود و کلیتاً وزارت خارجه کمال احترازرا دارد ازاینکه این قبیل اتفاقات، وسیلهٔ مداخله سفارت و اظهاربحرینهاشود. لازم است از طرف و به شرافت عالی احکامات بسیار سخت تلگرافی در دستگیری سارقین و اخذ اموال مسروقه آنها به جای لازم صادر گردد که به هر زودی که ممکن باشد، موجبات آسایش آنها را فراهم نمایند تا اظهارات سفارت دنباله پیدا نکرده و دولت علیه را به مشکلات و محذوراتی که وزارت خارجه از آن پرهیز می‌کند، دچار نکند و نتیجه را هم مقرر خواهد فرمود. عاجلاً اطلاع بدهند و این نکته را هم در احکامات مبارکه قید کنند، همین که اموال مسروقهٔ آنها را به دست آوردند مستقیماً بدون وساطت انگلیسی‌ها به خودشان برسانند و اگر خودشان رفته باشند، اطلاع بدهند تا وزارت خارجه ترتیب رساندن آن را مرتب دارد.

محمدعلی علاءالسلطنه

وزارت امور خارجه

نمره کتاب ثبت	۱۰۰۲۰
کارتن ۲۴	دوسیه ۳۳
نمره های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج ۶ شعبان ۱۳۲۶

سواد (کاغذ وزارت خارجه به [illegible])

در جواب مراسله مورخه دهم شهر رجب از سفارت انگلیس به وزارت خارجه رسید [illegible]

خاطر عالی مسبوق خواهد گردید [illegible] اظهار رسیده از قرار [illegible] شهر رجب [illegible]

آنها را از [illegible]

سفارت دولت علیه [illegible]

و سالهاست در این خصوص [illegible] وزارت خارجه و سفارت انگلیس [illegible]

[illegible] وزارت خارجه کمال احتراز را [illegible]

در [illegible] سفارت [illegible]

[illegible] در دستگیری سارقین و اخذ اموال مسروقه [illegible]

[illegible] موجبات [illegible] فراهم [illegible] سفارت [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] وزارت خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۸
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶صفر ۱۳۲۸
متن سند:

به تاریخ بیست‌وپنجم ژانویهٔ گذشته نمرهٔ (۱۰۰۳۴) تلگراف رئیس گمرک بوشهر را در خصوص اهالی بحرین به عرض رسانده ضمناً مستدعی است، معلوم فرمایند که آیا بحرین از متصرفات دولت انگلیس و در اختلافاتی که بین اهالی آنجا و گمرک پیش می‌آید، مأمورین دولت انگلیس رسماً حق مداخله درمذاکرات دارند یا نه.
زیاده عرضی ندارد.

وزارت مالیه

اداره مرکز

سواد [illegible] گمرک [illegible] ۵ صفر ۱۳۲۸ [illegible] ۱۰۷۳۳

مورخه ۶ صفر ۱۳۲۸

نمره ۷۷۳۶

بتاریخ بیست و پنجم ربیع الثانی گذشته نمره (۱۰۰۳۴) تلگراف رئیس گمرک بوشهر را در خصوص اهالی بحرین

بعرض رسانیده [illegible] سعیم فرمائید [illegible] از تقریرات دولت انگلیس [illegible] بحرین

اهالی آنجا و گمرک پیش آمده هر چند دولت انگلیس را حق مداخله در مذاکرات [illegible]

[illegible]

شماره: ۹
فرستنده: ادارهٔ گمرک
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۰
متن سند:

فوری است

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

محض جلوگیری از بعضی گفتگو و مذاکرت با مأمورین خارجه مستدعی است، مرحمت فرموده معلوم دارند، آیا از نقطه‌نظر ادارهٔ تفتیش تذکره می‌توان جزیرهٔ بحرین واقعه در خلیج‌فارس را خاک خارج تصور نمود یا اینکه جزو ایران محسوب می‌شود

زیاده جسارت است
از طرف مدیر کل منامه
مفتش کل

[پی نوشت:]
آقای معاضه‌السلطان
فوراً جواب را مطابق سابقه حاضر کنید.

ADMINISTRATION
DES
DOUANES DE PERSE

۱۴۵۰۰۷

Téhéran, le ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۳۰ — ۱۹ ۱۲ ۱۹۱۲

وزارت جلیله امور خارجه

محض جلوگیری از بعضی گفتگو و مذاکرات با مأمورین خارجه مستدعی است مرحمت فرموده معلوم دارند

آیا از نقطه نظر دولت و تفتیش مذکوره میتوان جزیرهٔ بحرین واقعه در خلیج فارس را خاک خارج

تصور نمود یا اینکه جزو ایران محسوب شود [illegible]

Mornard

دایره رسوم فرنگستان

وزارت [illegible]

شماره: ۱۰
فرستنده: ادارهٔ گمرکات
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چون باید جواب استفسار رئیس گمرک بوشهر داده شود، لزوماً مفاد معروضهٔ مورخهٔ شانزدهم مارس جاری نمرهٔ (۵۰۰۷) را یادآوری نموده مستدعی است، معلوم فرمایند آیا جزیرهٔ بحرین واقعه در خلیج فارس از نقطه‌نظر تفتیش تذکره باید جزو خاک خارجه یا ایران ملحوظ شود.

از طرف مدیر کل گمرکات منامه مفتش کل

اداره گمرکات
ADMINISITRATION
DES
DOUANES
Ind : № ۵۰۳۹
ANNEXE I

۱۳۳۰
۲۱ مارس ۱۹۱۲ = [illegible]

وزارت جلیله امور خارجه

چون باید جواب [illegible] رئیس گمرک بوشهر داده شود [illegible]
مورخه شانزدهم مارس جاری نمره (۸۰۰) [illegible]
[illegible] آیا جزیره بحرین واقعه در خلیج فارس [illegible]
[illegible] شد که باید جزو خاک خارجه یا ایران محسوب شود [illegible]

[signature]

شماره: ۱۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: اداره گمرک
تاریخ: ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰
متن سند:

از مدلول لایحهٔ نمره ۵۰۰۷ و نمرهٔ ۵۰۳۹ درباب بحرین استحضار حاصل شد، جزیرهٔ مزبور به ملکیت خارجه تصدیق نشده است تفتیش تذکره عجالتاً نقطه نظرخود را احتراز از اشکالی که موجب تجدید مکاتبات سیاسیه می‌تواند شد، باید قرار بدهد

به امضای مبارک حضرت وزارت پناهی خواهد رسید.

۱۱۶۹

نمره عمومی ۷۶۲۳	وزارت امور خارجه	نوع مسوده: رقعه به دوائر
نمره خصوصی ۶	اداره انگلیس	موضوع مسوده: ....
کارتن ۲۹		ضمیمه: ....
دوسیه ۲۲	بتاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳	پاک نویس کننده: .... ۲۴ ربیع الثانی

از دو فقره مراسله نمره ۵۰۰۶ و ۵۰۳۹ درباب بحرین انگلیسها ملتفت شده به وزیر مختار انگلیس تقاریر

تصدیق شده است تغییر شده نقطه نظر خود را اخطار از انگلیسها که موجب کدورت نگردد

سیاسی تغییر داده‌اند؟ به قرار ...

[امضا]

بالضروره باید بحضرت

وزارت پناهی خواهد رسید

شماره: ۱۲
فرستنده: کارگذاری بوشهر
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

قونسولگری انگلیس به رعایای بحرین که از بوشهر به آنجا مسافرت می کنند، به عنوان رعیت شیخ بحرین در تحت حمایت انگلیس ورقهٔ پاس می دهند. سابقاً معمول بوده است که ورقهٔ مزبوره را به کارگذاری می‌آورده‌اند و کارگذار امضا می کرده، ولی بنده از بدو مأموریت تاکنون یک ورقه از این اوراق را امضا نکرده است و پیوسته این مسئله با قونسولگری انگلیس موضوع مذاکره بوده و از کارگذاری خواستارند که همان معامله را که با رعایای سایر نقاط که در تحت حمایت انگلیس‌اند معمول است، با رعایای بحرین بنماید. بنده حتی‌الامکان ورقهٔ پاس را از رعایای بحرین گرفته و ورقهٔ علم و خبر داده است ولی هر جا که خودشان به این ترتیب راضی نشوند، مولد اشکال، و مورث تجدید مذاکرات قونسولگری است.

مستدعی است، تکلیف صریحی در این ماده تعیین فرمایند.

قونسولگری انگلیس اصرار دارند که به مستخدمین ایرانی خودشان در هنگام مسافرت ورقه پاس بدهند، بنده در این خصوص ایراد نموده است که چون مستخدمین مزبور ایرانی‌اند باید از کارگذاری تذکره بگیرند، آقامیرزا محمد منشی اول جنرال قونسولگری انگلیس چندی قبل از بوشهر عازم عتبات عالیات بود از قونسولگری می‌خواستند ورقهٔ پاس به او بدهند، بنده در عدم قبول این مسئله مساعی لازمه نموده و ورقهٔ تذکره بدون اخذ قیمت به مشارالیه دادم، چون اصرار قونسولگری در این خصوص و انکار بنده منجر به مذاکرات مفصلهٔ اتصالی شده، استدعا دارد که دستورالعملی در این باب مرقوم فرمایند که از آن قرار رفتار نماید.

۱۰ ربیع ثانی
۱۳۳۱
نمره ۴۱۵

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

قونسولگری انگلیس به رعایای بحرین که از بوشهر به انجا مسافرت میکنند بعنوان رعیت شیخ بحرین در تحت حمایت
انگلیس ورقه پاس میدهند. سابقاً معمول بوده است که ورقه مزبوره را تجار بکارگذاری میآورده اند و کارگذاری امضا
میکرده ولی بنده از بدو ماموریت تاکنون یک ورقه از این اوراق را امضا نکرده است و پیوسته این مسئله با
قونسولگری انگلیس موضوع مذاکره بوده و از کارگذاری خواسته اند که همان معامله را که با رعایای سایر نقاط
که در تحت حمایت انگلیس هستند معمول است با رعایای بحرین بنماید. بنده حتی الامکان ورقه پاس را از رعایای
بحرین گرفته و ورقه علم و خبر داده است ولی هرجا که خودشان باین ترتیب راضی نشوند تولید اشکال و شورش
تجدید مذاکرات قونسولگری است. مستدعی است تکلیف صریحی در این ماده تعیین فرمایند.
قونسولگری انگلیس اصرار دارند که مستخدمین ایرانی خودشان در هنگام مسافرت ورقه پاس بدهند بنده در این
خصوص ایراد نموده است که چون مستخدمین مزبور ایرانی هستند باید از کارگذاری تذکره بگیرند. آقا میرزا مهدی منشی اول
جنرال قونسولگری انگلیس چندی قبل از بوشهر عازم عتبات عالیات بود از قونسولگری میخواستند ورقه پاس باو
بدهند بنده در عدم قبول این مسئله ساعی لازم نموده و ورقه تذکره بدون اخذ قیمت بمشارالیه دادم
چون اصرار قونسولگری در این خصوص و انکار بنده منجر بمذاکرات مفصله طولانی شده استدعا دارد که
دستورالعمل در این باب مرقوم فرمایند که از آن قرار رفتار نماید. امر عالی

اسدالله

شماره: ۱۳
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج ایران—بوشهر
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۳
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

غالباً ایرانی‌های ساکنین بحرین از بی‌تکلیفی در امورات خودشان شکایت دارند از آن جمله آقا سید محمد نامی است تاجر که سواد عرض حال او را لفاً ملاحظه خواهید فرمود. این شخص اگرچه اصلاً بحرینی است ولی رعیت دولت علیه است و در موقع مسافرت به هر نقطه تذکرهٔ ایرانی می‌گیرد، لازم است که از طرف وزارت جلیله قراری که مستلزم آسایش آنها باشد، داده شود.

[پی نوشت:]

ادارهٔ انگلیس

جواب نوشته شود، توصیه از طرف وزارت خارجه متضمن محظورات عمده است. خودتان دوستانه و شفاهاً به جنرال قونسول توصیه کنید.

از بحرین الی بندر بوشهر

به شرف خدمت ذی مرحمت جناب مستطاب عمده‌الاعیان اقائی آقای مسعودالسلطان کارگذار دولت علیهٔ ایران در بوشهر دام اقباله تعالی عرض می‌شود:

که امیدوار به درگاه قادر متعال که وجود ذیجود مبارک به سلامت بوده باشد و سایهٔ حضرت متعال از سر آن جناب کم نگردد، بعد از درود و سلام عرض می‌شود از بابت اینکه مقدماتی داشتم در بندر بحرین رفتم در خانه بالیوزگری که شکایت خود را داخل بکنم بالیوزگری جواب حقیر داد که شما مستحق حمایت نیستید و گفتم که جهت چه است که حقیر مستحق حمایت نباشم، جواب داد که مراجعه به بالیوزگری بوشهر کردم و گفت که شما مستحق حمایت نیستید و بنده آن حال لازم و واجب بر خود دانستم که اطلاع به جناب عالی داده باشم و حال خواهش از جنابعالی دارم که نوعی بکنید که بالیوزگری شکایت حقیر را قبول کند، چرا که حقیر از دعاگویان دولت ایران هستم و لازم

است که حضرت عالی حمایت حقیر بکنید و وارسی به کار بنده بکنید، زیاده زحمت و مزاحم نمی‌شوم.

سید محمدبن سید علوی

کارگذاری اول بنادر خلیج ایران

بوشهر

بتاریخ ۹ ربیع الاول ۱۳۴۴

نمره ۳۳۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

غالب از اتباع ایرانی ساکنین بحرین از بی‌تکلیفی در امورات خودشان شکایت دارند

از آنجمله آقا سید محمد علوی است که برگ سواد عرض حال او را ملاحظه

خواهید فرمود این شخص اگرچه اصلاً بحرینی است ولی رعیت دولت علیه

و در موقع مسافرت به نقطه تذکره ایرانی میگیرد لازم است در این

وزارت جلیله قرار قطعی مستلزم آسایش اینها باشد داده شود

نمره ۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۴

۱۹۸۲

۲۸ ربیع الاول ۱۳۴۴

کارگذاری اول بنادر خلیج ایران

بوشهر

مورخه ۲۹ محرم ۱۳۳۳

نمره

سواد

ذریعه الی بندر بوشهر

بشرف عرض حضرت جناب مستطاب عمدة الاعیان دام اقباله عالیقدر آقای کارگذار دولت علیه ایران در بندر بوشهر دام اقباله العالی

عرض می‌شود که امیدوارم به درگاه خداوند متعال که وجود مبارک به سلامت بوده باشد و باید حضرت اقبال

از سراجعاب کم نمود ... از دور و سلام عرض می‌شود از بابت اینکه سفارشی داشتم در بندر بوشهر

رفتم در خانه بالیوزگری که شکایت خود را عرض کنم بالیوزگری جواب حقیر داد که شما مستحق حمایت

نیستید و گفتم که جهت چیست که حقیر مستحق حمایت نباشم جواب داد که مراجعه به بالیوزگری

بوشهر کردم و گفت که شما مستحق حمایت نیستید و بنده اکمال لازم و واجب بر خود دانستم

که اطلاع به حضرت عالی داده باشم و حال خواهش از جناب عالی دارم که نوعی بکنید که بالیوزگری

شکایت حقیر را قبول کند چرا که حقیر از دعاگویان دولت ایران هستم و لازم است

که حضرت عالی حمایت حقیر بکنید و داد رسی حقیر بکنید زحمت ... دوام نمودم

بنده ... بن سید ...

نمرهٔ تعرفه

نمرهٔ خصوصی محلی ١٢٧٨

(علم و خبر)

(مخصوص مسافرت از بندر داخله به بنادر داخله است)

دارندهٔ این علم و خبر محمد رفیع ــــ ولد جعفر تبعهٔ
دولت علیهٔ ایران از بندر لنگه عازم و روانهٔ بندر بحرین است
چون مسافرت او از داخله بداخله است ــ لهذا مأمورین تذکره و تفتیش
این بندر مانع عزیمت او نشوند و در بندر مقصود کسی متعرض او نگردد
بتاریخ ٢١ برج سنبله سنه ١٢٩٩

امضاء

(کارگذار و رئیس تذکره)

علم و خبر بدون تمر کارگذاری معتبر
نیست و دو مقابل جریمه خواهد شد

مطبعهٔ مظفری بوشهر

Countersigned

Head Clerk

H. B. M.'s Political Agent.
Bahrain.

18/1/20.

H. B. M.'S POLITICAL AGENT. BAHRAIN.

شماره: ۱۴
فرستنده: ادارهٔ کل گمرکات ایران
گیرنده: وزارت خارجه
تاریخ: ۴ژوئیهٔ ۱۹۲۲ (۱۳۴۰ق)

ترجمهٔ مراسلهٔ ادارهٔ گمرک
جناب مستطاب اجل آقای انتظام‌الملک

اطلاعاتی را که در خصوص طرز ترتیب احصائیهٔ گمرکی و پرداخت حقوق گمرکی مال‌التجارهٔ وارده یا صادره از بحرین خواسته بودید، ذیلاً معروض می‌دارد:

در احصائیهٔ گمرکی این مال‌التجاره‌ها را جداجدا از روی صورتهایی که دفاتر گمرکی جنوب تهیه کرده‌اند جمع‌آوری نموده و بعد آنها را یک قلم کرده و در تحت عنوان مال‌التجاره واردی از یا صادره به ممالک امپراطوری انگلستان در جزو صورتهای کل تجارت ایران قرار می‌دهند. این ترتیب از ۱۹۰۴ به این طرف یعنی اگر اشتباه نکرده باشم، از موقعی که حمایت انگلستان در بحرین می‌بایستی عملاً به رسمیت شناخته شود، معمول و متداول گردیده است.

اما در باب اینکه از نقطه‌نظر گمرکی بحرین را محل ورود یامحل صدور ایرانی دانسته و مال‌التجاره را که از آن نقطه می‌آید یا به آن محل می‌رود از حقوق گمرکی معاف داریم این اظهار فوق‌العاده غریب بوده و تا زمانی که دولت ایران بحرین را تملک ننموده است کاملاً مخالف منافع دولت ایران می‌باشد.

و چنانچه بخواهیم از حالا مال‌التجاره‌های وارده از یا صادره به بحرین را از پرداخت حقوق گمرکی معاف داریم، خواهیم دید که کلیهٔ مال‌التجاره‌ها را به همین اسم اظهار خواهند نمود و نقض کلّی در عواید گمرکات جنوب حاصل خواهد شد.

تا زمانی که در بحرین یک حاکم ایرانی و یک قوهٔ نظامی ایرانی و یک ادارهٔ گمرک ایرانی موجود نباشد، اجرای این ترتیب غیرممکن است.

خاتمتاً اشعار می‌دارد که به عقیدهٔ این جانب، این مسئله که فهرست کل تجارت ایران بحرین را محل وارده یا صادرهٔ مجزایی از عمان و امپراطوری انگلیس قلمداد نمی‌نماید به هیچ‌وجه سند یا علامت آن نیست که بحرین متعلق به ایران باشد یا نباشد، لیکن این مسئله از حدود اختیارات و صلاحیت این جانب خارج بوده و مربوط به من نیست.

مراتب... مولیتور

دار الترجمه وزارت امور خارجه

ترجمه رقیمه اداره گمرک مورخه ۵ ثور ۱۹۲۲

جناب مستطاب جلالتمآب اجل اکرم.

اطلاعاتی را در خصوص طرز ترتیب جداول گمرکی و پرداخت حقوق گمرکی مال التجاره
وارده یا صادره از بحرین خواسته بودید ذیلاً معروض میدارد:
در جداول گمرکی بحرین مال التجاره‌ها را جدا جدا از روی صورت‌هائی که دفاتر گمرکی خبر میدهد
کرده لذا جمع آوری نموده و بعد آنها را یک قلم کرده و در تحت عنوان مال التجاره واردی
از یا صادره به انگلیس بطوریکه انگلستان در جزو صورت کلی تجارت ایران
قرار میدهیم. این ترتیب از ۱۹۰۴ باینطرف یعنی اگر بتوان ۵ مرتبه بیشتر
از ترقی تجارت انگلستان در بحرین جلوگیری شده است و معمول و مستدام
گردیده است

اما در باب اینکه از نقطه نظر گمرکی بحرین را جزو ورود یا جزو صدور ایران دانسته
و مال التجاره را که از آن نقطه میآید یا بآن جا میرود از حقوق گمرکی معاف داریم
این اصل حقوق الملل مغرب بوده تا زمانیکه دولت ایران بحرین را ملک خود نگاهداشته است
کاملاً مخالف منافع دولت ایران میباشد
و چنانچه بخواهیم از مالیات مال التجاره‌های وارده از یا صادره به بحرین را
از پرداخت حقوق گمرکی معاف داریم خواهیم دید که کلیه مال التجاره با اینهمه اسم
باطل خواهد نمود و نقص کلی در عوائد گمرکات جنوب حاصل خواهد شد
تا زمانیکه در بحرین یک حاکم ایرانی و یک قوه نظامی ایرانی و یک اداره گمرک
ایرانی موجود نباشد اجرای این ترتیب غیر ممکن است
خاتمتاً اشعار میدارد که بعقیدهٔ اینجانب این مسئله که در صورت کلی تجارت ایران
بحرین را جزو وارده یا صادره مجزا از عمان و ایره بطوریکه انگلیس عمداً انتشار
میدهد بنشانیم عدم آن نیست که بحرین متعلق بایران باشد یا نباشد
لیکن این مسئله از جهت اعتبارات و معلومات اینجانب خارج بوده و مربوط بمن نیست
رادب . . . سرکرد

MMIA UNIVERSITY
Iqbal Library
No. 563131
7-2-09

شماره: ۱۵
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸مهر ۱۳۰۰

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
راجع به دخالت قونسول انگلیس مقیم بحرین در امورات اتباع ایران، مکتوبی تحت نمرهٔ ۲۷ از کارگذار لنگه، محتوی دو ورقهٔ علم و خبر صادره از قونسولگری انگلیس جهت رعایای ایران به کارگذاری کل واصل شده که سواد مراسله و یک ورقه از علم و خبر مزبور لفاً تقدیم شده، نسخه دیگر از جهت دفتر کارگذاری کل ضبط گردید و در این مسئله هر تصمیمی که اتخاذ خواهید فرمود مرقوم بفرمایند که به کارگذاری لنگه هم تعلیمات داده شود.

سواد مکتـــوب کارگذار لنگه به کارگذاری کل
مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج فارس و عربستان
قونسول انگلیس مقیم بحرین به عنوان سرپرستی در امورات اتباع دولت علیه دخالت می کند و در مراجعت اتباع دولت علیه از بحرین اوراق تصدیق تابعیت ایرانیه به آنها می دهد. محض استحضار خاطر مبارک دو ورقه از آن تصدیق نامه ها لفاً ایفاد داشته است.
حسین حسام السادات

از ادارهٔ جلیلهٔ بالیوزگری دولت انگلیس در بحرین نمرهٔ $\frac{۲۵۳}{۱۹۱۹}$ دارندهٔ این علم و خبر حاجی محمد ابن ملا مجید عبد الرحیم خنجی از رعایای دولت ایران هست و چندی در بحرین اقامت می داشت حالا مراجعت به موطن خود می نماید می گوید که در جهازستان سفری هست. بندرلنگه تاریخ ۳۰ماه اکتبر سنهٔ ۱۹۱۹ عیسوی مطابق تاریخ ۵ ماه صفر سنه ۱۳۳۸ هجری.
امضا: صاحب السعاده بالیوزالدوله البهیه القیصریه الانگلیزیه در بحرین

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

بتاریخ ۲۸ حوت ۱۳۰۰

نمره ۱۷۶

ضمیمه، سواد مراسله کارگذاری انگلیس و یک فقره ترجمه / مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

تحت نمره ۲۷ اتباع ایران در امورات بحرین مقیم انگلیس و قنسول برخلاف باج

عمارات ... دولت انگلیس ... صادره ... علم ... نمره کارگذار ...

روز ... از علم ... دیگر ... شده ... کارگذاری ...

در ... ضبط گردید کارگذاری ... از جمله دیگر نسخه ... تقدیم ...

کارگذاری ... در ... خواهد ... اشکال ... این مسئله ...

... تعلیمات داده ...

مورخه ۲۷ شهر رجب ۱۳۳۹
مطابق ۱۷ برج حمل تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد مکتوب کارگذار لنگه به کارگذاری کل
نمره ۲۷
ضمیمه

مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج فارس و عربستان

قونسولگری انگلیس مقیم بحرین بعنوان سرپرستی در امورات اتباع دولت علیه دعاوی
میکند و در مراجعت اتباع دولت علیه از بحرین اوراق تصدیق تابعیت
ایرانیه با آنها میدهد محض استحضار خاطر مبارک دو ورقه از آن اوراق تصدیق نامه
ها لفا ایفاد داشت حسین حسام السلطنه

کارگذار بندر لنگه

۲۵۴
۱۹۱۹ از اداره جلیله بالیوز گری دولت انگلیس در بحرین

دارنده این علم و خبر حاجی محمد ابن عبدالحسین عبدالرحمن خنجی که از رعایای دولت.
ایران هست و چندی در بحرین اقامت میداشت حالا مراجعت بوطن
خود مینماید میگوید که در جهاز ... سفری هستند ...
تاریخ ۲۰ علم ماه اکتوبر سنه ۱۹۱۹ عیسوی مطابق تاریخ ۵ ماه صفر
سنه ۱۳۳۸ هجری

Indian Asstt:
Political Agency
Bahrain, Persian Gulf.
30/10/19

H.B.M.'s POLITICAL AGENT, BAHRAIN

امضاء صاحب السعاده بالیوز الدوله البهیه القیصریه الانکلیزیه در بحرین

شماره: ۱۶
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ دلو ۱۳۰۰
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب معروضهٔ مورخهٔ ۲۲ ربیع الاول نمرهٔ ۱۳۵۷ دو فقره عرض حال متضمن اوراق (پاس) از طرف کاظم رضازاده راجع به اقدامات مأمورین انگلیس مقیم بحرین نسبت به اتباع ایران به کارگذاری کل واصل گردیده که سواد آنها به انضمام یک ورقهٔ پاس لفاً تقدیم و مستدعی است با استحضار خاطر مبارک از مفاد آنها به هرنحو که صلاح و مقتضی است مقرر فرمایند اقدامات لازمه در رفع این قبیل اقدامات مأمورین انگلیس نسبت به ایرانی‌ها به عمل آورند و البته هر دستوری هم که به کارگذاری کل صادر فرمایند، اجرا و معمول خواهد داشت.

سواد عرض حال کاظم رضازاده بوشهری ساکن بحرین، مورخهٔ ۲۰ جمادی‌اولی ۱۳۴۰

مقام منیع حضرت اجل اشرف عالی آقای یمین‌الممالک کارگذاری کل بنادر فارس و عربستان زید اجلاله تعالی

به شرف عالی می‌رساند ـ چون همواره اوقات مطرح نظر مظلومان بوده و هستید و هر فرد مظلومی از آن مقام منیع توقع مساعدت دارد لذا با قلبی مملو از غم و کبدی حرا عرضه می‌دارد که چون ما مشتی از رعایای دولت علیهٔ ایران در زیر فشار اجانب گرفتاریم و هر روزه ما را برای عبرت دیگران به میدانهای هولناک می‌اندازند گهی برای سرمشق دیگران افترای دزدی می‌زنند و ما را حبس یک ساله و گهی افترای دزدی ما را در زیر چوب می‌کشند و تمام اوقات حقوق ما را باطل می‌کنند و بدون بابت تقصیر به گردن ما می‌اندازند. برای شهادت این حرفها این بنده در سال گذشته با اختر نام هندی مرافعه داشتیم با وجودی که اختر نام به بنده زده بود و یک نفر شاهد بنده که همراه بنده سوی محکمه می‌آمد به ایشان هم در راه زد که خون از او جاری شد، در محکمه آمدیم شکایت کردیم باز تقصیر بر گردن ما انداختند ـ هرچند که وقت تنگ است و بنده هم عازم بحرین هستم بیشتر نمی‌توانم درج کنم زیرا که اگر بخواهم درج نمایم

شاهنامه هم رقیب این ظلمها نمی‌شود و چندی است برخلاف قانون بین‌المللی وبرخلاف امورات داخله بحرین را خارجه می‌گویند و علم و خبر ایرانی سقوط دادند و پاسپرت خودشان اجرا داشته‌اند. اینک یک عدد در جوف است، تقدیم حضرت عالی می‌نمایم. امیدوارم که قدمهای سریع در این راه خیر بردارید که باعث رضای خداست با کمال امیدواری خاتمه می‌دهد و مزید عمر و عزّت از خدا خواهانم.

ارادت کیش شما مخلص صمیمی

کاظم رضازادهٔ بوشهری، ساکن بحرین

۲۱۷۸

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

دایره

بتاریخ ۶ برج ... ۱۳۰۰

نمره ۱۷۲۴

۵۹۸۰

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب معروضه نمره ۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۷ و فقره صورتمجلس شیخ ادارات پلیس) از طرف

کاظم رضازاده راجع باقدامات مأمورین انگلیس مقیم بحرین نسبت باتباع ایران به کارگذاری گمرک صادر گردیده

در سواد آنها بانضمام یک ورقه پاس لفاً تقدیم و مستدعی است با استحضار خاطر مبارک از مضامین آنها

بهر نحو که صلاح و مقتضی است مقرر فرمایند اقدامات مجدانه در رفع این قبیل اقدامات مأمورین

پس ثبت با ایشان بعمل آورند و نتیجه را در مستدعیم در کارگذاری حکم صادر فرمایند اجرا

و معمول خواهد داشت

اداره ...

۱۴ حوت ۰۰

مورخه ۲۰ شهر جمادی‌الاولی ۱۳
مطابق ... برج ... ئیل

کار گذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد عرض حال کاظم رضا نواده بوشهری ساکن بحرین

نمره مراسله

مقام منیع حضرت اجل اشرف عالی آقای معین‌الممالک کارگزاری کل بنادر فارس و عربستان زید اجلاله العالی

بشرف عالی میرساند - چون همواره اوقات مطمح نظر مظلومان بوده و هستید هر فرد مظلومی از آن مقام منیع توقع دادرسی دارد
لذا با قلبی مملو از غم و بدنی مرتعش عرضه میدارد که چون ما هستیم از رعایای دولت علیه ایران در زیر فشار اجانب گرفتاریم
روزانه ما را برای عبرت دیگران بمیدانهای هولناک می‌اندازند که برای سرمشق دیگران اجرای در زندی میبندند
و ما را احساس بیکسی و لگد اقتداری در زندی ما را در زیر چوب میکشند و تمام اوقات حقوق ما را پامال میکنند و بدون بیت
تحقیر گردن ما می‌اندازند - برای شهادت این حرفها این بنده در سال گذشته با اخترنام هندی که رافعه داشتم
با وجود دیدن اخترنام بر بنده زده بود و بلنگرش بد بنده همراه بنده سوی محکمه بیاید باز شان هم در راه زدم خون
از او جاری شد در محکمه آمدیم شکایت کردیم باز تحقیر گردن ما انداختند - هرچند در وقت تنگ بهت و بنده هم
عازم کربلا هستم بیشتر نتوانستم درج کنم زیرا که اگر بخواهم درج نمایم شاه‌نامه هم رقیب این ظلمها نمیشود دیگر خدمت
برخلاف قانون بین‌المللی و برخلاف امورات داخله بحرین را خارجه میگویند و علم و خبر ایرانی را بسقوط
دادند پاسپرت خودشان ایراد داشته‌اند - اینک یک عریضه در جوف است تقدیم حضور عالی نمایم
امیدوارم اقدامهای سریع در این راه خبر دارید که باعث رضای خداست با کمال امیدواری خاتمه میدهم

CERTIFICATE OF IDENTITY.

No. 46

No Photograph.

Teskeb No. 21

This is to certify that Hajji Abdullah Bin Hajji Ali

who is proceeding from Bahrain

to Bushire for the purpose of trade

and whose description is given on the reverse is a Persian Subject by

Birth.

~~Naturalization~~

~~He/She is accompanied by the following members of his/her family :~~

This certificate of identity is available for voyage only.

Given at Bahrain the 2nd day of January 1922.

By order of the Civil Commissioner in Mesopotamia.

Rs. 2-8.

COURT FEE INDIA

H.B.M.'S POLITICAL AGENT

2/1/22

(1) Signature of competent authority.

Designation. Political Agent, Bahrain

(On reverse).

POLITICAL AGENT,
BAHRAIN, PERSIAN GULF

(2) Signature (with transcription in English if signature is in Vernacular).

(3) Thumb impression.

(4) General description, including height.

(5) Any real distinctive marks.

(6) Profession.

(7) Age.

(8) Address of destination.

Remarks—

G.C.P.B.—576—991—500 Bks.

۱۳۰۰ جدى ۲۲ / ۱۷۵۱

۵۱ / ۲۹

شماره: ۱۷
فرستنده: (کارگذاری بوشهر) رمز
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ حوت ۱۳۰۰
متن سند:

از بوشهر

از قرار مذکور پس از ورود کلنل تریور جنرال قنسول انگلیسی به بحرین، مجلسی در قونسولگری تشکیل و اختلافات حاصله بین اهالی و شیخ را اصلاح می‌نمایند. ولی اهالی باطناً از عملیات شیخ ناراضی هستند. اطلاعاً به عرض رسانید نمرهٔ ۱۸۲۹—۷ حوت

[صدیق‌الملک]

وزارت امور خارجه

اداره رمز دائره

مورخه ۹ حوت ۱۳۰۰

نمره ۸۹۰

ضمیمه

از بوشهر

از قرار مذکور پس از ورود کشتی تروپ جنرال قونسول

انگلیس به بوشهر مبلغی در موقع [illegible] کشتی [illegible]

[illegible] الی و شیخ را — [illegible] نمایند

ولی اهالی از حمایت شیخ ناراضی هستند

الحمدلله مرض رفع شد نمره ۱۸۲۹ کارگزاری

[illegible]

ملاحظه شد

۱۳۰۰/۱۲/۱۰

۱۰ حوت

شماره: ۱۸
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴جوزا ۱۳۰۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

از قرار راپورتی که تحت نمرهٔ ۹ ازکارگذاری بندرعباس به کارگذاری کل واصل شده، ادارهٔ گمرک بندر مزبور در استاتستیک سنهٔ ۱۳۰۰ بحرین را متعلق به انگلیس مندرج نموده به این عنوان (بحرین امپراطوری بریتانیا) چون مفاد راپورت مزبوربی نهایت قابل توجه خاطر مبارک وزارت جلیله خواهد بود، سواد آن لفاً تقدیم و مستدعی است با عطف توجه کامل به مفاد آن امر و مقرر فرمایند اقدامات جدّی برای تغییر این عنوان به عمل آورند که به این وسایل سلب حقانیت ایران از بحرین نشود و مجدداً کارگذاری کل توضیحات لازمه در این موضوع از کارگذاری بندرعباس خواسته است که پس از وصول جواب از مراتب خاطر مبارک را مستحضر خواهد داشت.

[صدیق الملک]

سواد راپورت کارگذاری بندرعباس نمرهٔ ۹ به تاریخ پنجم جوزا ۱۳۰۱

موقع منیع کارگذاری بنادر دامت شوکته

وزارت جلیله خارجه این همه مراقبت در علم و خبر بحرینی ها می فرمایند از طرف دیگر ادارهٔ گمرکات عباسی که ادارهٔ رسمی دولت است در استاتستیک سنهٔ ۱۳۰۰ هرجا که واردات از بحرین یا صادرات بحرین را درج کرده، بحرین را متعلق به انگلیسها شمرده و نوشته است، بحرین امپراطوری بریتانیا—به فرانسه این گونه نگاشته است: **Empr-brit bahrain** در سنوات ماضیه این قید را در استاتستیک نه می‌نمودند تاکنون هم در اسم مسقط و عمان این قید را نه می‌نمایند استاتستیک ادارهٔ گمرکات که به قونسولها داده می‌شود نوشتهٔ رسمی دولت محسوب شود، برای انگلیسها سندیت خواهد داشت. اطلاعاً عرض نمود.

کارگذاری عباسی
محمد علی

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

دایره
بتاریخ ۱۴ جوزا ۱۳۰۱
نمره ۲۰۹

لفاً قرار راپورتیکه نمره ۱۰۹ کارگذاری بندرعباس بکارگذاری کل واصل شده اداره گمرک بندر دیلم

در استاتیستیک سنه ۱۳۰۰ بحرین را مستملک انگلیس مندرج نموده‌اند این عنوان (بحرین امپراطوری بریتانیا)

چون مفاد راپورت مزبور بی‌نهایت قابل توجه خاطر مبارک وزارت جلیله خواهد بود سواد آن لفاً

تقدیم و مستدعی است با عطف توجه کامل بمفاد آن امر و مقرر فرمایند اقدامات جدیت برای تغییر

این عنوان بعمل آورند که با این وسیله حقانیت ایران در بحرین فوت و مجدداً کارگذاری گمرک

اداره ...
۵ سرطان

توضیحات لازمه در این موضوع از کارگذاری بندرعباس خواسته است که پس از وصول جواب از نظر مبارک

مستحضر خواهد داشت .

مورخه ...... شهر ۱۳

مطابق ۵ برج جوزا ئیل ۱۳۰۱

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد راپورت کارگذاری بندرعباس موقع مضیع کارگذاری بنادر و امارات ترکستان

نمره مراسله ۹

وزارت جلیله خارجه انهیه رفت درعلم و خبر بحرینی‌ها میفرمایند از طرف دیگر اداره گمرکات مملکتی که اداره رسومات راپرت استاتیستیک

سنه ۱۳۰۰ هرجا که واردات از بحرین یا صادرات بحرین را درج کرده بحرین را متعلق با انگلیس اشعار داده و نوشته است -

بحرین امپراطوری بریتانیا - نمونه انگلیسی نگاشته که emp. - brit bahrain

در صورتیکه سابقه این قید را در استاتیستیک نمینمودند تا کنون هم در رسم سقط و عمان این قید را نمی‌نمایند

استاتیستیک اداره گمرکات که از طرف دولت داده میشود نوشته رسم حالت محسوب شود برای انگلیسی‌ها سند بی‌خدشه خواهد است

اطلاعاً عرض نمود کارگذاری مملکتی

موقع محمد ...

[illegible]

شماره: ۱۹

فرستنده: قونسولگری ایران در کربلای معلی

گیرنده: وزارت امور خارجه

تاریخ: ۳۱سرطان ۱۳۰۲

متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکتها

در جریدهٔ الاستقلال شمارهٔ ۱۷۱ مورخه ۲ ذیقعده سنهٔ ۱۳۴۱ شرحی راجع به احوالات بحرین نوشته بود. چون نکات قابل توجهی دارد شرح مزبور را با ترجمهٔ آن منضماً با این راپورت حضور مبارک تقدیم نمود.

چاکر

محمدحسن بدیع

[پی نوشت:]

ادارهٔ اول به نظر حضرت آقای وزیر برسانید

۲۸ اسد

[پی نوشت:] به عرض رسید، فرمودند ضبط شود.

ترجمه از جریدهٔ الاستقلال، شمارهٔ ۱۷۱ مورخهٔ ۲۰ ذیقعده سنه ۱۳۴۱ منطبعهٔ بغداد

(اخبار بحرین)

خبرنگار مخصوص ما از کویت می‌نویسد

حالت خود سری که در بعضی از ممالک عرب حکمفرماست موجب تأسف شده و علت آن سستی و تهاون بعضی از امرای عرب است. از خداوند مسئلت می‌نماییم که ایشان را به راه راست هدایت فرماید. در ماه رمضان گذشته چند اتفاق در بحرین واقع شد. قضیهٔ اول در غرهٔ رمضان میان حمّالان ایرانی و اعراب نجدی واقع و منتهی به چوب کاری شد، ولی کسی تلف نشد و در ۹ رمضان آن نزاع به شکل سخت‌تری تجدید یافت و در ۱۴ رمضان آثار فتنه هویدا و بدتر از سابق نزاع شروع شد و در ۱۸ رمضان دعوای دیگری میان اهالی (البدیّع) و اهالی (عالی) که هردو از رعایای حکومت بحرین

هستند، واقع شد و در شب ۲۳ رمضان اهالی البدیع بر اهل عالی هجوم کرده از ایشان سه نفر مقتول و پنج نفر مجروح نمودند و در ۲۴ رمضان یک جنگ خونینی میان ایرانی ها و اهالی نجد درگرفت و طرفین از چوب و آهن آنچه دستشان رسید در آن زد و خورد استعمال کردند انبارهای هیزم که نزدیک میدان معرکه بود به طرفین مساعدت کرد، در هنگامی که هنگامهٔ گیرودار گرم بود، محمدشریف ایرانی رئیس بلدیهٔ شهر در این معرکه شرکت جسته به آدمهای خود یا به عبارت اخری به پولیسهایی که به نام حکومت بحرین تشکیل یافته، امر به تیراندازی می کند و اهالی نجد را تیرباران کردند. با این وضع حکومت بحرین کناره‌جویی اختیار کرده بود مثل اینکه این مملکت، مملکت او نیست و این اتفاقات در نظر او هیچ اهمیتی ندارد. در آن وقت میجر دایلی قونسول انگلیس مقیم بحرین در این قضیه مداخله کرده، از بعضی اعیان شهر تقاضا نمود که طرفین را از جنگ و فتنه‌جویی جلوگیری نمایند. به تقاضای او عمل شد و کاش زودتر در این کار مداخله می کرد، یعنی قبل از اینکه عده از طرفین کشته و زخمی و قربانی جهالت و اغراض خسیسهٔ خود شوند پس از آن میان خلیج منامه و محرق (جزیرهٔ بحرین دو قسمت است یکی را منامه و دیگر را محرق می‌نامند و یک شعبه از دریا، آن دو قسمت را از هم جدا می کند) چند کشتی دیده شد که در آن جمعیتی از نجدی ها برای کمک وامداد هموطنان نجدی خود آمده بودند. میجردایلی از عبدالله قصیبی برادر نمایندهٔ سلطان نجد تقاضا کرد که آنها را برگرداند والاّ با مترالیوز آنها را تیرباران خواهد کرد. کشتی های نجدی مجبوراً مراجعت کردند. تلفات نجدی ها سه نفر کشته و پنج نفر زخمی و ۱۸ نفر مفقودالاثر و از ایرانی ها دو نفر کشته و پنج نفر زخمی بوده و روز دوم و سوم این حادثه، دو کشتی جنگی وارد لنگرگاه بحرین شد، در یکی از آن کشتی ها کرنل نوکس رئیس قونسولهای (جنرال قونسول انگلیس در بوشهر) خلیج فارس بود و مجلسی از برای تحقیقات تشکیل نمود و عبدالله قصیبی را به سمت نمایندگی از طرف سلطان نجد در آن مجلس دعوت کرد و او عذر آورد که من در این کار مداخله ندارم و نمایندهٔ رسمی سلطان نجد برای انجام بعضی کارهای شخصی خود به بمبئی رفته. کرنل نوکس به او امر کرد که از بحرین خارج شود و ۲۴ساعت به وی مهلت داد. ظاهراً قصیبی بعد از دو ساعت از بحرین به سمت حساء حرکت کرد که ماجرا را به ابن سعود سلطان نجد اطلاع بدهد و اما کرنل نوکس مشغول اجرای **تحقیقات** گردید و پس از اتمام تحقیقات پولیسها را از کار خارج و فداوی ها یعنی خدام شیوخ را به جای پولیسها گماشت و مختصر تغییرات و اصلاحاتی در حکومت بحرین داد و از شیخ عیسی پسر علی حاکم بحرین تقاضا نمود که خود را از

حکومت بحرین خلع نموده و حکومت را به شیخ حمد پسر و ولیعهد خود واگذار نماید و به شیخ عیسی اظهار کرده بود که شما به واسطهٔ کبرسن از عهدهٔ حکومت بر نمی‌آیید و مملکت محتاج به ترقی و تجددی است که هیچ حکومتی از حکومتهای عالم از آن مستغنی نتواند شد. شیخ عیسی اول قدری امتناع، بعد در مقابل دلایل مقنعهٔ کرنل نوکس اگر نخواهیم سیاست بگوییم به این شرط قبول کرد که خود حاکم رسمی مملکت و ادارهٔ حکومت با پسرش شیخ حمد باشد و پسر کوچکش شیخ عبدالله معاون برادرش باشد و به این ترتیب قراردادی بسته شد و کرنل نوکس با ایشان شرط بست که هیچ کاری را بدون مشورت و مراجعت با قونسول انگلیس در بحرین نکنند و آنها قبول کردند و آنچه اظهار او لازم است این است که ما عربها اگر به عقل و تدبیر و اتحاد ممالک موروثی خود را حفظ نکنیم که غیر از آن امید موفقیت برای ما نیست، شکی نیست که ما محو خواهیم شد. بالأخره کرنل نوکس شیخ حمد و بعضی افراد خانوادهٔ شیخ بحرین و اعیان شهر را دعوت کرده در میان ایشان خطابه خواند و علت مداخلهٔ دولت انگلیس را در کار حکومتی بحرین بیان و قدر و منزلت شیخ عیسی را در نظر دولت انگلیس ضمناً اظهار کرد که شیخ مشارالیه در خلیج فارس از قدیمترین دوستان امپراطوری انگلیس است ولی پیری و سالخوردگی و عجز او سبب کنارجویی ایشان از کار حکومت گردیده و شیخ حمد بهترین خلف سلف خود می‌باشد و به شیخ حمد خیلی تأکید کرد که میان رعایا به طور عدالت و رأفت رفتار و در حقوق میان مردم مساوات کند و از افراد خانوادهٔ شیخ تقاضا کرد که به شیخ حمد کمک و همراهی نمایند والاّ حقوق آنها را قطع خواهد کرد و مالیهٔ بحرین را در تحت نظارت و کنترل انگلیس قرار داد که از حیف و میل حکام محفوظ بماند. قسمتی از مالیات بحرین را برای حقوق و معاش خانوادهٔ حاکمه تخصیص و قسمتی از برای صرف اصلاحات مملکت تعیین نمود و باقی مالیه را امر کرد در خزانهٔ دولت انگلیس یا یکی از بانکها محفوظ بماند. این بود خلاصهٔ وقایع اخیرهٔ بحرین و یک مسئلهٔ دیگر در اینجا مانده و آن عقیدهٔ عمومی اهالی بحرین است آن را ذکر می کنیم که بی فایده نیست: قسم اعظم مردم از این حادثه بدبین هستند و عقیده‌شان این است که این فتنه به واسطهٔ ایرانی‌ها و رئیس بلدیه شده‌واین تغییر و اصلاحی که در حکومت بحرین شده یک حرکتی است که غرض از آن اشغال شهر به قوای خارجه است و گمان نمی کنم این حد سیاست صحیح باشد، چون با اظهارات صریحهٔ مأمورین انگلیس منافات دارد، زیرا که همیشه مأمورین انگلیس عدم میل و رغبت خود را در اشغال بحرین اظهار می کردند، فلذا هیچ محلی از برای بدبینی مردم نیست. بالأخره ما طلوع عصر جدیدی از برای بحرین در

دست شیخ حمد و برادر او آرزو می کنیم.

قنسولگری دولتعلیه ایران درکربلا معلی

تاریخ ۳۱ سرطان ۳۰۲ سنة ۱۳۴

نمره ۳۶۵۰

ضمیمه مندرجات الاستقلال راجع به بحرین

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکتها

در جریده الاستقلال نمره ۱۷۱ مورخه ۲ ذیقعده ۱۳۴۱ شرحی راجع به حالات بحرین نوشته بود چون نکات

قابل توجه دارد شرح مزبور را با ترجمه آن منضماً با این راپورت حضور مبارک تقدیم نمود

چاکر

نمره ۹۱۸۸

به نظر حضرت ...

...لگری دولتعلیه ایران در کربلا معلی

نمره ... سنة ۱۳۴

ترجمه از جریده الاستقلال شماره ۱۷۱ مورخه ۲۰ ذی قعده ۱۳۴۱ مطبعه بغداد

(اخبار بحرین)

خبرنگار مخصوص ما از کویت می نویسد

حالت خونریزی که در بعضی از ممالک عرب حکمفرما است موجب تأسف شده و علت آن سستی و تهاون بعضی از امرای عرب است از خداوند مسئلت می نمائیم که آنها را براه راست هدایت فرماید در ماه رمضان گذشته چند اتفاق در بحرین واقع شده قضیه اول در غره رمضان میان معادن ایرانی و اعراب نجدی واقع و منتهی بچوب کاری شد ولی کسی تلف نشد و در ۹ رمضان آن نزاع بشکل سخت تری تجدید یافت و در ۱۴ رمضان آثار فتنه هویدا و بدتر از سابق نزاع شروع شد و در ۱۸ رمضان دعوای دیگری میان اهالی (البدیع) و اهالی (عالی) که هر دو از رعایای حکومت بحرین هستند واقع شده و در شب ۲۳ رمضان اهالی البدیع بر اهالی عالی هجوم کرده از ایشان ۳ نفر مقتول و پنج نفر مجروح نمودند و در ۲۴ رمضان یک جنگ خونینی میان ایرانیها و اهالی نجد درگرفت و طرفین از چوب و آهن و آنچه بدستشان رسید در آن زد و خورد استعمال کردند و انبارهای هیزم که نزدیک میدان معرکه بود بطرفین مساعدت کرد در هنگامیکه هنگامه گیرودار گرم بود مشهدی شریف ایرانی رئیس بلدیه شهر در این معرکه شرکت جسته به آدمهای خود یا بعباره اخری به پولیسهائی که بنام حکومت بحرین تشکیل یافته امر به تیراندازی می کند [illegible] اهالی نجد را تیرباران کردند با این وضع حکومت بحرین کناره جوئی اختیار کرده بود مثل اینکه این ملک مملکت او نیست و ابداً اتفاقات در نظر او هیچ اهمیت ندارد در آن وقت

و لکری دولتعلیه ایران در کربلا معلی

یخ   سنة ۱۳۴

ه صو ۲

میجر دالیلی قونسول انگلیس مقیم بحرین در این قضیه مداخله کرده از بعضی اعیان شهر تقاضا نمود طرفین را از جنگ و فتنه جوئی
جلوگیری نمایند بتقاضای او عمل شده و کسی رغبت در این کار مداخله نکرد یعنی قبل از اینکه عده از طرفین کشته و زخمی و قربانی
جهالت و اغراض خبیثه خود شوند و پس از آن میان خلیج منامه و محرق (جزیره بحرین دو قسمت است یکی را منامه
و دیگری را محرق می‌نامند و یک شعبه از دریا آن دو قسمت را از هم جدا میکنند) چندی دیر شده در آن جمعیتی از نجدیها
بطلب کمک و امداد هموطنان نجدی خود آمد بعد میجر دالیلی از عبدالله قصیبی برادر نماینده سلطان نجد تقاضا کرد
که آنها را برگرداند والا با امر النور آنها را تیرباران خواهد کرد کشتیهای نجدی مجبور بمراجعت گردند تلفات
نجدیها ۳ نفر کشته و پنج نفر زخمی و ۸ نفر مفقود الاثر و از آنها نفر کشته و پنج نفر زخمی بوده و روز ۲۵ و سوم
این حادثه کشتی جنگی وارد لنگرگاه بحرین شد در یکی از آن کشتیها کرنل نوکس رئیس قونسولهای جنرال قونسول انگلیس
در بوشهر (خلیج فارس) بود و مجلسی از برای تحقیقات تشکیل نمود و عبدالله قصیبی را بسمت نماینده‌گی از طرف
سلطان نجد در آن مجلس دعوت کرد و او عذر آورد که من در این کار مداخله ندارم و نماینده رسمی سلطان نجد
بطرف انجام بعضی کارهای شخصی خود به بمبئی رفته کرنل نوکس باو امر کرد که از بحرین خارج شود و ۲۴ ساعت باو مهلت
داد ظاهراً قصیبی بعد از ۵ ساعت از بحرین بسمت حسا حرکت کرد که ماجرا را با بن سعود سلطان نجد

نسولگری دولتعلیه ایران درکربلا معلی
تاریخ سنة ۱۳۴
نمره
ضمیمه

ص ۳

اطلاع بدهد و آقا کرنل نوکس مشغول اجرای تحقیقات گردید و پس از اتمام تحقیقات پولیسهارا از کار خارج و فداویها
یعنی خدام شیوخ را بجای پولیسها گماشت و مختصر تغییرات و اصلاحاتی در حکومت بحرین داد و از شیخ عیسی پیر علیل حاکم بحرین
تقاضا نمود که خودرا از حکومت بحرین خلع نموده و حکومت را به شیخ حمد پسر و ولیعهد خود واگذار نماید و شیخ عیسی اظهار
کرده بود که شما بواسطه کبر سن از عهده حکومت بر نمی آئید و مملکت محتاج به ترقی و تجدد است که هیچ حکومتی از
حکومتهای عالم از آن مستغنی نمی‌تواند بشود شیخ عیسی اول قدری امتناع بعد در مقابل دلایل مقنعه کرنل نوکس اگر
نخواهیم سیاست بگوئیم باین شرط قبول کرد که خود حاکم رسمی مملکت و اداره حکومت با پسرش شیخ حمد باشد
و پسر کوچکش شیخ عبداله معاون برادرش باشد و باین ترتیب قرارهائی بسته شد و کرنل نوکس با ایشان این
شرط نمود که هیچ کاری را بدون مشورت و مراجعه با قونسول انگلیس در بحرین نکنند و آنها قبول کردند
و آنچه اظهار او لازم است این است که ما هرگاه بعقل و تدبیر و اتحاد ممالک موروثی خود را حفظ نکنیم
که غیر از این امید موفقیت برای ما نیست شکی نیست که ما محو خواهیم شد بالجمله کرنل نوکس شیخ حمد و بعضی افراد
خانواده شیخ بحرین و اعیان شهر را دعوت کرده در میان ایشان خطابه خواند و علت مداخله دولت انگلیس را
در کار حکومت بحرین بیان و قدر و منزلت شیخ عیسی را در نظر دولت انگلیس ضمناً اظهار کرد که شیخ مشارالیه در خلیج فارس

قونسولگری دولت علیه ایران در کربلا معلی
سنة ١٣٤
نمره
ضمیمه ص ۴

از قدیم‌ترین دبستان امپراطوری انگلیس است ولی بزودی برخورد که عجز او سبب کناره‌جوئی ایشان از کار حکومت گردید و شیخ حمد بهترین خلف سلف خود می‌باشد و به شیخ حمد خیلی تأکید کرد در میان رعایا بطور عدالت و رأفت رفتار و در حقوق میان مردم مساوات کند و از افراد خانواده شیخ تقاضا کرد به شیخ حمد کمک و همراهی نمایند والا حقوق آنها را قطع خواهد کرد و مالیه بحرین را در تحت نظارت و کنترول انگلیس قرار داد که از حیف و میل حکام محفوظ باشد قسمتی از مالیات بحرین را برای حقوق و معاش خانواده حاکمه تخصیص و قسمتی از برای صرف اصلاحات مملکت تعیین نمود و باقی مالیه را امر کرد در خزانه دولت انگلیس یا یکی از بانکها محفوظ باشد این بود خلاصه وقایع اخیره بحرین و یک مسئله دیگر در اینجا مانده [illegible] عقیده عمومی اهالی بحرین است آنرا ذکر میکنیم که بی‌فایده نیست: قسمت اعظم مردم از این حادثه بدبین شدند و عقیده‌شان این است که این فتنه بواسطه ایرانیها و دسیسه بلدیه شده و این تغییر و اصلاحات که در حکومت بحرین شده یک حرکتی است که غرض از آن اشغال شدن بقوای خارجه است و گمان نمیکنم این حدسیات صحیح باشد چون با اظهارات صریحه مأمورین انگلیس منافات دارد زیرا که همیشه مأمورین انگلیس عدم میل و رغبت خود را در اشغال بحرین اظهار میکردند فلذا هیچ محلی از بدبینی مردم نیست بالاخره ما طلوع عصر جدیدی از برای بحرین در دست شیخ حمد و برادر او آرزو میکنیم

شماره: ۲۰
فرستنده: کارگذاری مهام خارجهٔ عربستان و مدیریت سیر سفاین
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ ذی حجه ۱۳۴۱
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
آقای آقا سید حسین ولد سید محمد روضه خوان بحرینی که اخیراً از بحرین به محمره آمده است تحقیقات ذیل را از مشارالیه نموده، راپرتاً به عرض می‌رساند. درتاریخ ۱۹ رمضان هذه‌السنه بین دو نفر حمّال ایرانی و بحرینی در حمل یک لنگه بار تولید نزاع و گفتگو می‌شود، حمال ایرانی می‌گوید یک روپیه می‌گیرم لنگهٔ بار را حمل می‌کنم، حمال بحرینی اظهارمی‌دارد برای حمل آن نیم روپیه می‌گیرم. این گفتگودنباله پیدا نموده، به همین واسطه فی‌مابین عجمها و بحرینی‌ها رشتهٔ عداوت محکم گشته، حمّال ایرانی به حاج علی ولد کاظم که حاکم ایرانی‌ها در بحرین است، تظلم و شکایت نمود. حاج مزبور به عجمها اظهار داشت شما اگر می‌توانید با بحرینی‌ها جنگ کنید من هم نهایت مساعدت و تقویت را با شما می‌نمایم. حمّال بحرینی می‌رود نزد حاکم بحرین که عبدالعزیز نام (الک سیبی) و از طایفهٔ بن سعود وفعلاً دربحرین برحسب ظاهر حکومت دارد، شکایت و تظلم می‌نماید، حاکم مشارالیه موافقت و مساعدت کرده، تقریباً هفت هزار نفر جمعیت مسلح از طایفهٔ بن‌سعود تهیه نموده در (۲۵ رمضان) بین بحرینی‌ها و عجمها جنگ شروع و نایرهٔ شرارت و هرزگی از طرف طایفهٔ بن سعود در شهر در نهایت شدت اشتعال یافت واین جمعیت مسلح که به بحرین هجوم آوردند، اسباب بی‌نظمی شهر و اغتشاش شدند قونسولگری انگلیس پلیس فرستاد تا طرفین را منع از جنگ و مهاجمه نمایند. عجمها کناره‌گیری نموده، مخفی شدند و پس از آن یک عده از عجمها به‌قونسولگری انگلیس رفته از طرف قونسولگری نسبت به آنها اظهار تقویت و مساعدت به عمل آمده، قونسول فرستاد (الک سیبی) عبدالعزیز حاکم بحرین را حاضر نموده، سه ساعت به مشارالیه مهلت داد تا هفت هزار نفر جمعیتی که مسلحاً از طایفه بن‌سعود تدارک نموده بوده از بحرین خارج نماید. پس از آن قونسول بحرینی‌ها را دو لک روپیه جرم نمود و مقدار یک هزاروهفصد قبضه تفنگ هم از طایفهٔ بن سعود گرفتند، چهار نفر از طایفهٔ بن‌سعود را تبعیدکردند. معلوم نشد به کدام نقطه آنها را تبعید نمودند. بعد از آن

جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین حاضر شدند می‌خواستند با بن‌سعود بنای زدوخورد و جنگ را بگذارند، از طرف قونسولگری به احتمال اینکه مبادا اسباب خسارت بشود جنگ را موقوف نمودند. از عجمها هیجده نفر کشته و بیست‌وپنج نفر مجروح شدند. از طایفهٔ بن‌سعود ده نفر کشته و پانزده نفر مجروح گردیدند و کلیهٔ جمعیت‌جنگی طایفهٔ بن‌سعود را ازبحرین خارج نموده، فعلاً حکومت‌بحرین‌با قونسولگری انگلیس است. جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین همان طور ایستاده بودند که سید مشارالیه از بحرین خارج شده است، لکن فدوی سپرده‌ام هر مسافر بحرینی که به محمره می‌آید به کارگذاری بیاورند تا تحقیقات نموده، راپرت وقایع مهمهٔ آن صفحات را به عرض برساند. هرگاه آن وزارت جلیله اجازه و تصویب می‌فرمایند، چون از محمره تا بحرین بیش از دو روز راه نیست در اوایل زمستان که هوای آنجا خوب است فدوی به آنجا رفته با نهایت دقت از جزئی و کلی امور جاریه و سیاسیات آنجا مطالعات و تحقیقات نموده، راپرت آن را معروض دارد. تصور می‌کنم با اسنادی که دولت علیه ایران راجع به استملاک بحرین در دست دارد با وضع بی‌ترتیبی فعلی آنجا و طلوع نقاضت و مخالفت که بین اهالی بحرین و طایفه بن‌سعود حاصل شده است، اگر یک نفر مفتّش یا مأمور ایران به آنجا برود و از اتباع ایران که در آنجا بدون سرپرست می‌باشند دلجویی نموده، به موافقت اهالی آنجا خیلی زود می‌شود موفقیت حاصل نمود و از قرار اطلاعات واصله اهالی بحرین نهایت رغبت و میل را دارند که در تحت حکومت ایران واقع شده تا جلوگیری از تعدیات و تجاوزات حقوقی که از طرف طایفهٔ بن‌سعود و جاهای دیگر نسبت به آنها می‌شود، به عمل آید و اگر اطمینانی از طرف اولیای دولت ایران حاصل نمود. رفع ناامیدی و یأس آنها بشود. خودشان از هرگونه اقدامی که اسباب پیشرفت کار شود مضایقه و خودداری نخواهند نمود، اطلاعاً عرض شد.

[پی نوشت:]

فرمودند جواب ندارد.

کارگذاری مهام خارجه عربستان

(و مدیریت سرحدات)

نمره ۱۲۷۰ / ۲۷۶

تاریخ ۹ شهر ذی‌القعده سنه ۱۳۴۱

مطابق برج اسد تنگوزئیل ۱۳۰۲

ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

آقای آقا سید حسین ولد سید محمد روضه‌خوان بحرینی که اخیراً از بحرین به محمره آمده است تحقیقات ذیل را در وزارت راپرت نموده، راپرت مزبور عرض می‌رساند

در تاریخ ۱۹ رمضان ۱۳۴۱ بین دو نفر حمال ایرانی و بحرینی در سر یک لنگه بار ترلیه نزاع و کشمکش می‌شود حمال ایرانی می‌گوید یک روپیه بگیر

لنگه بار را حمل می‌کنم حمال بحرینی اظهار می‌کند برای حمل آن نیم روپیه می‌گیرم این کشمکش دنباله پیدا نموده به همین وسیله فیمابین عجم‌ها

و بحرینی‌ها رشته عداوت محکم گشته حمال ایرانی به حاج ... که حاکم ایرانی‌ها در بحرین است تظلم و شکایت نموده حاج مزبور

به عجم‌ها اظهار داشت شما اگر می‌توانید با بحرینی‌ها جنگ کنید زیرا هم نهایت مساعدت و تقویت را با شما می‌نمایم حمال بحرینی

سرعت نزد حاکم بحرین عبدالعزیز (نام او آلک سیبی) ... از طایفه بن سعود دفعتاً در بحرین بر حسب ظاهر حکومت دارد رفته شکایت و تظلم

می‌نماید حاکم مشارالیه موافقت مساعدت کرده تقریباً هشتاد نفر جمعیت مسلح از طایفه بن سعود تهیه نموده در (۲۰ رمضان) بین وهابیه

و عجم‌ها جنگ شروع و نائره شرارت و هرزگی از طرف وهابیه بن سعود در شهر و در نهایت شدت اشتعال یافت و این جمعیت مسلح به بحرین

هجوم آورده ... ... منظم شده و اغتشاش شده ... قونسولگری انگلیس چیزی نفرستاد تا طرفین را از جنگ و دعوا جلوگیری نمایند

عجم‌ها که از ... گیری نموده نمی‌شدند ... عجم‌ها به قونسولگری انگلیس رفته ... از طرف قونسولگری نفت ... با نهایت اظهار

تقویت و مساعدت صادر آمد قونسول قرار داد نفر ... عبدالعزیز حاکم بحرین را حاضر نمود ... ساعت ... داده

هشتاد نفر جمعیت مسلح از طایفه بن سعود ... از بحرین خارج نماید ... قونسول بحرینی‌ها را ... زده

... از منطقه ... هم از طایفه بن سعود گرفته ... از طایفه بن سعود را ... کرده ... معلوم نشده ... نقطه ...

تشدید نموده سبب از آن جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین حاضر شدند نزدیک است با بنی سعود بنای زد و خورد و جنگ را
گذارند که از طرف قونسول گری با احتمال اینکه مبادا اسباب خسارت بشود جنگ را موقوف نمودند از عجم ۱۸ نفر کشته و ۲۵ نفر
مجروح شده‌اند از طایفه بنی سعود ۱۰ نفر کشته ۵۰ نفر مجروح گردیدند دیگر جمعیت جنگی طایفه بنی سعود را از بحرین خارج نموده فقط
حکومت بحرین با قونسول گری انگلیس است جهازات جنگی ایران و انگلیس در کنار دریا در بحرین ۴۱ نفر ایستاده بنده عرایض زیاد از بحرین
خارج شده است کتبی فعلی سپرده‌ام که از بحرین به بحسب تا به یادگاری یادداشت نمایند تا تحقیقات نموده روایات
وقایع همه این صفحات را عرض برساند هرگاه اولیای دولت علیه اجازه بتصویب بفرمایند چون از همه تا بحرین بیش از ده بلند
راه نیست در اداره [illegible] صلاح این خوب است فعلی با رفته با نهایت دقت از جزئی و کلی امور جاریه [illegible]
مطالعات و تحقیقات نموده روایات آن را معروض میدارد تصدیق میکنم با اینکه در [illegible] دولت علیه ایران راجع به تجدید
بحرین در دست دارد با وضع [illegible] و طلوع [illegible] و مخالفت [illegible] اهالی بحرین و بنی سعود حاضر است اگر
[illegible] ایران [illegible] از تابع ایران [illegible] دلجوئی نمودن از اهالی
[illegible] موفقیت [illegible] رغبت [illegible] تحت حکومت ایران
واقع شد [illegible] از طرف طایفه بنی سعود [illegible]
[illegible] از طرف [illegible] ایران [illegible] نموده رفع [illegible] خوشحال [illegible]

کارپرداز [illegible]

[illegible] ۵۷

نمرهٔ ۲۰

اداره [illegible]

۲۰ ۳ ۰۲
۸۸۸۵

شماره: ۲۱
فرستنده: اداره روزنامه ایران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸قوس ۱۳۰۲
متن: سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

یکی از ساکنین بحرین شرحی در تعدیات مأمورین خارجه نسبت به اهالی آنجا نوشته بود که ناچار در مقام تصدیع برآمده و توجه مخصوص حضرت اشرف را در مسائل ذیل تقاضا می‌نماید:

اولاً با اینکه بحرین در خلیج ایران و ملک مسلم ایران است جهت اینکه از طرف دولت علیه مأموری در آنجا نیست و اهالی آنجا باید گرفتار فشار مأمورین خارجه باشند، چیست؟؛ ثانیاً با اینکه تعرفهٔ اجرت محمولات پستی بحرین مطابق تعرفهٔ ولایات داخله است جهت چیست به محمولاتی که از بحرین می‌رسد تمبر خارجه الصاق می‌شود؛ ثالثاً به طوری که از ریاست کل پست سؤال شده و جواب داده‌اند معلوم می‌شود که دولت در بحرین دفتر پست نداشته و در کنفرانسی که برای تحویل گرفتن دفاتر پست جنوب در بوشهر منعقد شده اسمی از دفتر بحرین در آن نبوده و حال اینکه اهمیت بحرین اگر زیادتر از ولایات خلیج نباشد کمتر هم نیست و در صورتی که تمام اهل بحرین اشتیاق کامل به داشتن سرپرست و مأمورین دولت علیهٔ ایران دارند، معلوم نیست به چه جهت تاکنون به فرستادن مأمورین و افتتاح دوایر دولتی در آنجا مبادرت نشده است؟ به هر حال متمنی است مطالب معروضه را مورد توجه مخصوص خود قرار داده و اقدامات لازمه برای افتتاح دوایر دولتی و فرستادن مأمورین جدّی لایق به بحرین و سایر جزایر خلیج فرموده که وسایل آسایش اهالی با توجهات مخصوص حضرت اشرف عالی فراهم گردد.

[پی نوشت:]

راجع به بحرین دولت مشغول اقدام و مکاتبه با سفارت انگلیس می‌باشد و در کنفرانس بوشهر هم حق دولت برای تقاضای موقوفی دفتر پست حفظ شده است.

اداره روزنامه «ایران»
طهران
بتاریخ ۲۸ حوت ۱۳۰۲
نمره ۱۲۳۵
ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

یکی از مسائل بحرین [illegible] مأمورین خارجه نسبت به اهالی آن [illegible]
ناچار در مقام تقدیم رأی و توجه مخصوص حضرت اشرف [illegible]
[illegible]: اولاً اینکه بحرین در خلیج ایران و ملک مسلم ایران است [illegible]
از طرف [illegible] مأمورین [illegible] و اهالی [illegible] مأمورین خارجه
هستند چیست؟ ثانیاً اینکه تعرفه جزء محصولات [illegible] بحرین
[illegible] تعرفه و [illegible] داخله جهت صنعت محصولاتی که از بحرین [illegible]
تمبر خارجه الصاق میشود. ثالثاً نظر باینکه [illegible] ایران [illegible]
وجوب دارد اطلاع حاصل شود که [illegible] در بحرین [illegible]
که برای [illegible] در [illegible] بحرین [illegible]
در آن [illegible] رابعاً اینکه اهمیت بحرین اگر زیادتر از [illegible]
کمتر نیست و در صورتیکه تمام اهالی بحرین [illegible]
و مأمورین [illegible] ایران دارند معلوم نیست بچه جهت [illegible]
مأمورین و [illegible] در [illegible] است [illegible]
معروض [illegible] مورد توجه مخصوص خود قرار داده و [illegible]
[illegible] مأمورین [illegible] بحرین و [illegible] خلیج [illegible]
[illegible] با توجهات مخصوصه حضرت اشرف [illegible] فراهم گردد.

[illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه
تاریخ ۵ شهر [illegible] ۱۳۰۳
نمره ۱۲۸۸۵

[illegible]

شماره: ۲۲
فرستنده: کارگذاری اوّل بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ حمل ۱۳۰۳
متن سند:

محرمانه است

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

اخبار و حوادث اتفاقیهٔ بحرین را در هر مورد به عرض رسانیده و چنانکه در ضمن معروضه نمرهٔ ۲۰۳۳ عرضه داشته است. اینک اطلاعات اخیره را با تحقیقات کامله به عرض می‌رساند: بعد از واقعهٔ ماه رمضان گذشته که منجر به عزل شیخ بحرین و نصب شیخ حمد پسر مشارالیه گردید و مداخلات مستقیم انگلیس در تمام امور آنجا تقرب اهالی و ساکنین بحرین اعم از ایرانیان و اعراب بومی که شیعی مذهب هستند و اعراب بنی عبوث که عشیرهٔ مشایخ حالیهٔ بحرین می‌باشد نسبت به انگلیس زیادشده‌و می‌شود شیخ حمد حاکم حالیهٔ بحرین که از طرف انگلیسها منصوب است با چند نفری از اقوام و مشایخ موافق معمول همه ساله در دو سه ماه قبل برای شکار آهوبره به بندر لنگه آمدند؛ در آن اوان یاور علی اصغرخان رئیس قشون بنادر در بندر لنگه بود. شیخ حمد مشارالیه را ملاقات نموده و بعد از چند روزی که باز در بحرین اغتشاش رخ می‌دهد انگلیسها او را حرکت داده، نمی‌گذارند در بندر لنگه توقف کند. (شاید به علت همان ملاقات مأمورین دولتی از او اسباب تسریع حرکت او شده است) رئیس قشون بعد از انجام خدمات نظامی خود، در بندر لنگه و تعمیر قلعهٔ دولتی و ابنیهٔ جدیده برای سکونت نظامیان به طرف بوشهر عزیمت می‌نماید آن کسی که او را حامل بوده علی‌الرسم از لنگه به بحرین رفته مشارالیه وقت را غنیمت داشته از کشتی پیاده شده از طرف ایرانیان و اعراب عموماً پذیرایی و اظهار نهایت شادمانی به عمل می‌آید و به عنوان بازدید بازار شیخ حمد در آنجا ملاقات می‌کند (اگرچه این مسافرت بدون اراده و علی‌العقله پیش آمده بود، ولی ظاهراً خیل مستحسن به نظر می‌آید) در این ملاقات هم از طرفین اظهار کمال گرمی و مهربانی می‌شود با این پست کارگذار لنگه نیز در ضمن رقعهٔ شخصی شرح ذیل را به این بنده نوشته و خواسته بود او را به وزارت جلیله معرفی و عرایض کتبی و تلگرافی او را که به واسطهٔ آقا شیخ احمد فرامرزی به وزارت جلیله می‌رسد مورد

اعتماد و اطمینان بدانند. من جمع‌الجهات وضعیات محلهٔ بحرین برای استیلای دولت علیه بسیار مساعد است مگر محظورات خارجی موقع را مقتضی نداند.

معاضه‌السلطان

ملا عبدالله ابن حاجی عنایت ساکن بحرین از منسوبان آقا شیخ احمد فرامرزی است، به اینجا آمده به بندرعباس می‌رود، در آنجا با میل، آینده احتمال دارد عزیمت بوشهر نماید. حضور مبارک می‌رسد با مشایخ بحرین محرمانه قراری داده و توجه اولیای دولت را لازم است، جلب فرمایند. فعلاً قبیلهٔ مشایخ طالب اطاعت دولت علیه شده‌اند بنده هم با شیخ حمد حاکم حالیه، محرمانه مذاکراتی نموده وعدهٔ حمایت اولیای دولت را به او داده ولی چون که مشارالیه فعلاً محکوم به امر آنها است، فقط اظهار ممنونیت جواب داده تفصیل را با این پست یا پست آینده معروض می‌دارد ولی مقصود از این عرایض این است که اگر صلاح بدانید رمزاً به وزارت جلیله راپورت بدهد که تلگرافاً ازملاعبداله مزبور از عباسی یا بوشهر به آقا شیخ احمد فرامرزی مخابره می‌شود و ایشان به وزارت جلیله عرض می‌کنند محل اطمینان است.

اظهارات خصوصی کارگذار لنگه است.

معاضه‌السلطان

پی‌نوشت: ریاست اداره اول بعرض برسانید

[illegible]

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دایره

تاریخ ۱۹ ... ۱۳۰۲

نمره

[illegible]

شماره: ۲۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۱۰ ثور ۱۳۰۳
نمره: ۱۱۶۶
متن سند:

موافق اطلاعی که به وزارت امور خارجه رسیده است، رئیس قشون جنوب در موقع عبور از لنگه به بوشهر در بحرین پیاده شده و با احمدبن‌عیسی، حکومت بحرین ملاقات نموده و ایرانیان آنجا نیز از رئیس قشون ملاقات کرده‌اند علی‌هذا متمنی است، قدغن فرمایند رئیس قشون جنوب راپورت این مسافرت و مدتی را که در بحرین توقف نموده به انضمام اطلاعاتی که از احساسات و توجهات اهالی و ایرانیان بحرین تحصیل کرده است، به توسط آن وزارت جلیله به وزارت امور خارجه بفرستد که استحضار حاصل شود.

۴ نمونه (۳)

نمرهٔ عمومی ۱۱۶۶	وزارت امور خارجه	نوع مسوده بوزارت جنگ
نمرهٔ خصوصی	اداره [illegible]	موضوع مسوده
کارتن ۵۱	دایره ...... به	ضمیمه
دوسیه ۱۷		مسؤل پاکنویس

تاریخ پاکنویس ...... برج ...... تاریخ ثبت ۱۲ برج [illegible] تاریخ تحریر ...... برج ...... تاریخ خروج ۱۵ برج [illegible] ئیل ۱۳۰

راپرت اطلاعیه که بوزارت امور خارجه رسیده است رئیس قشون
جنوب در موقع عبور از قلعه ~~[illegible]~~ به [illegible] در بحرین پیاده شده
و با احترامات [illegible] حکومت بحرین ملاقات نموده و ایرانیان آنجا نیز از
رئیس قشون ملاقات کرده [illegible] اشتهار است قدغن فرمائید رئیس
قشون جنوب راپرت این مسافرت و ملاقات را در بحرین
[illegible] ~~[illegible]~~ با نظام [illegible] اطلاع عالی
[illegible] جهت اطلاع و [illegible] بحرین [illegible]
بتوسط از وزارت جلیله بوزارت امور خارجه نوشته شده ارسال گردد

[illegible signature]

[illegible signature]

شماره: ۲۴
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ ثور ۱۳۰۳
نمره ۴۸۷
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

برطبق مرقومهٔ محترمهٔ نمرهٔ ۱۱۶۶ اینک سواد راپورت رئیس گردان بنادر را که قبلاً به وزارت جنگ رسیده بود، برای استحضار خاطر محترم تلواً ایفاد می‌دارد.
رئیس ارکان حرب کل قشون

راپورت رئیس ساخلو بندر لنگه

پس از حرکت از بندر لنگه نظر به اینکه در زمان توقف در لنگه شیخ حمد خلیفه یا (سلطان) بحرین که به عزم شکار در آن بندر آمده بود به دیدن بنده آمده و خیلی اظهار مسّرت از ورود نظامیان به بنادر و مخصوصاً ساختن سربازخانهٔ جدید نمود ولی به محض اینکه انگلیسها از ملاقات مشارالیه با بنده مطلع شدند به عناوین مختلف که در بحرین نزاع سخت شده و وجود شما فوق‌العاده لازم است، مشارالیه را بفوریت با متور (کشتی جنگی) (لاربس) به طرف بحرین حرکت داده و از ملاقات او با این بنده فوق‌العاده نگران بودند. لذا پس از حرکت از بندر لنگه در موقع توقف کشتی در بحرین این بنده نیز از نقطه‌نظر سیاست لازم دانستم که در این چند ساعتی که کشتی توقف در ساحل بحرین دارد، بازدیدی از شیخ‌حمد سلطان بحرین نموده باشم. لذا در بحرین پیاده شده و زمان ورود ایرانیان حساس که بالغ بر دوازده‌هزار نفر می‌باشند و مدتها آرزو داشتند که یک نفر از صاحب‌منصبان قشونی ایران را ببینند به استقبال آمده و یک مرتبه در شهر فریاد هلهلهٔ زنده‌باد فرماندهٔ قشون نیرومند ایران، زنده‌باد ریاست قشون فارس و بنادر، بلند شده حتی پلیسها تمام با صدای بلند زنده‌باد گفتند و هورا می‌کشیدند حقیقتاً با یک حرارت فوق‌العاده استقبال نمود و بنده هم اول برای تشویق از عموم اهالی اظهار قدردانی کرده و بعد به مدرسهٔ اتحادیهٔ ایرانیان بحرین رفته و در آنجا نیز از طرف اطفال

مدرسه سرودی خوانده شد که عین آن نیز لفاً تقدیم گردید پس از آن هرچه جاسوسان انگلیس که در اطراف به اشکال مختلف در آمده و می خواستند بلکه قسمی شود که بنده با شیخ حمد خلیفه ملاقات ننمایم، اگرچه شیخ هم در سخیر که پانزده میلی بحرین است، بود. ولی باز بفوریت اتومبیل سوار شده و به دیدن مشارالیه رفتم. حقیقتاً می توان امیدوار بود از احساسات ایرانیان حساس بحرین چون در حدود پارهٔ مذاکرات که با ایشان شد حاضرندکه اکتفا به یک اجازه از طرف دولت نمایند وچنانچه حقیقتاً امری از طرف دولت به ایرانیان بحرین صادر شود، می‌توان گفت دولت ایران در بحرین دوازده‌هزار نفر قشون مسلح خواهد داشت که خودشان انگلیسها را خارج نمایند و شیخ حمد خلیفه هم که فوق العاده طرفدار تبعیت ایرانی و از انگلیسها متاذی است و قول داده است که در آتیه مرتباً داخل مکاتبات با بنده شده و فدوی را از حقایق اتفاقات بحرین آگاه سازد، چون پیش از این مداخله در این موضوع مهم از وظیفهٔ این بنده خارج است، لذا راپورتهای خود را تا همین درجه مکفی و بقیه را موکول به نظریه و پیشنهاد ریاست محترم در نزد اولیای دولت می دانم در خاتمه اهالی بحرین درخواست مجلهٔ قشون از این بنده نموده‌اند چنانچه اجازه فرمایند برای آنها مرتباً ارسال شود. علی اصغر و نیز از بندر لنگه جمعهٔ قبل روز حرکت مهمانی از هزار نفر فقرا نموده در سربازخانه نهار داده شد. مخارج دعوت را نیز آقا سید یوسف تاجر بحرینی متقبل گردید و این قسم مهمانی خیلی جالب توجه عموم اهالی گردید. (علی اصغر)

سواد مطابق سواد واصله است

وزارت جلیله جنگ

اداره [illegible]

دائره [illegible]

نمره ۲۸۷

تاریخ ۱۸ برج ثور ئیل ۱۳۰۳

ضمیمه [illegible]

[illegible]

برطبق مرقومه محترمه نمره (۱۱۹٤) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۳

بعرض رسید

۵ ثور ۱۳۰۳

[illegible]

۱۹ ثور

وزارت جنگ

سواد راپرت رئیس ستاد خود بندرلنگه

مورخه ــــــــــــ

نمره ــــــــــــ

پس از حرکت از بندرلنگه نظر باینکه در زمان توقف در لنگه شیخ حمد خلیفه یا (سلطان) بحرین که بعزم تماشا
در آن بندر آمده بود بدیدن بنده آمده و خیلی اظهار مسرت از ورود نظامیان به بنادر و مخصوصاً از جشن
سربازخانه جدید نمود ولی بمحض اینکه انگلیسها از حرکات مشارالیه با بنده مطلع شدند به عناوین مختلف که در بحرین
نزاع بحث شده وجود مشارالیه فوق العاده لازم است مشارالیه را بفوریت با موتور (کشتی جنگی) (هرمس)
بطرف بحرین حرکت داده و از حرکات او با این بنده فوق العاده نگران بودند لذا پس از حرکت از بندر لنگه
در موقع توقف کشتی در بحرین این بنده نیز از نقطه نظر سیاست لازم دانستم که در این چند ساعتی که کشتی توقف
در سواحل بحرین دارد بازدیدی از شیخ حمد سلطان بحرین نموده باشم لذا در بحرین پیاده شده و زمان ورود ایرانیان
هائی که بالغ بر دوازده هزار نفر می‌شدند همه آرزو داشتند که یکنفر از صاحبمنصبان قشون ایران را ببینند
باستقبال آمده و چندین مرتبه در شهر فریاد اعلیحضرت زنده باد فرمانده قشون نیرومند ایران زنده باد ریاست قشون
فارس و بنادر بلند شده حتی پلیسهای تمام با صدای بلند زنده باد گفته و هورا می‌کشیدند حقیقت با یک حرارت
فوق العاده استقبال نمود و بنده هم ایستاده برای تشویق از عموم اهالی اظهار قدردانی کرده و بعد بمدرسه اتحادیه

وزارت جنگ

سواد ______________

مورخه ______________

نمره ______________

ص ۲

ایرانیان بحرین رفته و در آنجا نیز از طرف اطفال مدرسه سرودی خوانده شد که عین آن نیز لفاً تقدیم گردید
پس از آن هرچه جاسوسان انگلیس که در اطراف با اشکال مختلف درآمده و میخواستند بلکه قسمی شود که بنده
با شیخ حمد خلیفه ملاقات ننمایم اگرچه شیخ هم در منزلی که پانزده میلی بحرین است بود و ۲ بار بفوریت اتومبیل
سوار شده و بدیدنش رفتیم حقیقتاً میتوان امیدوار بود از احساسات ایرانیان حاضر بحرین چون در حدود
پاره مذاکرات که با ایشان شد حاضرند که اکتفا بیک اجازه از طرف دولت نمایند و چنانچه حقیقتاً امری
از طرف دولت با ایرانیان بحرین محول شود میتوان گفت دولت ایران در بحرین دوازده هزار نفر قشون
مسلح خواهد داشت که خودشان انگلیسها را خارج نمایند و شیخ حمد خلیفه هم فوق‌العاده طرفدار تبعیت ایرانی
و از انگلیسها متنفر است و قول داده است که در آتیه مرتباً داخل مکاتبات با بنده شده و فدوی را از
حقایق اتفاقات بحرین آگاه سازد - چون بیش از این مداخله در این موضوع مهم از وظیفه این
بنده خارج است لذا راپورت خود را تا همین درجه مکفی و بقیه را موکول به نظریه و پیشنهاد ریاست محترم
وزراء نزد اولیای دولت میدانم در خاتمه اهالی بحرین درخواست عده قشون از این بنده نموده اند

وزارت جنگ

سواد ---

مورخه ---

نمره ---

ص ۳

چنانچه اجازه فرمایید برای آنها مرتباً ارسال شود ۱۴ صفر ونیز از بندر لنگه جمعه قبل روز حرکت

مهمانی از هزار نفر فقرا نموده در هر بار خانه نهار داده شد خارج دعوت را نیز آقا سید یوسف تاجر

بحرینی متقبل گردید واین قسم مهمانی خیلی جالب توجه عموم اهالی گردید (۱۴ صفر)

سواد مطابق سواد و اصل است

شماره: ۲۵
فرستنده: کارگذاری مهام خارجهٔ عربستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ سرطان ۱۳۰۳
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

از وقتی که فدوی محمره آمده، کوشش کرده است که نسبت به اهالی بحرین معاملات ایرانی به عمل آمده و جلوگیری از مداخلات مأمورین انگلیس در امور آنها بنماید و به وسایل مختلفهٔ آنها را به ایرانیت ترغیب و تشویق نموده. حالا اکثر آنها در موقع مسافرت به کارگذاری مراجعه نموده تذکرهٔ ایرانی می‌گیرند و وقتی هم که می‌خواهند به بحرین مراجعت نمایند، مثل سایر بنادر داخله ایران ورقهٔ جواز مسافرت به آنها داده می‌شود و چون این ترتیب به جریان افتاده، قونسولگری انگلیس هم تذاکری که به اهالی بحرین داده می‌شود امضا و ویزا می‌نماید و در بحرین هم با همان ورقه جواز مسافرت اجازه ورود می دهند و اخیراً عده‌ای از بحرینی‌ها برای عزیمت به عتبات عالیات به کارگذاری مراجعه و تقاضای گرفتن تذکره نمودند؛ فدوی حسب الامر به آنها تذکره نداد بعد شنید به قونسولگری انگلیس رفته تذکرهٔ انگلیسی بگیرند. قونسولگری از دادن تذکره استنکاف نموده و به آنها نداده است اطلاعاً عرض و در صورتی که تعلیمات دیگری باشد، مرحمت فرمایند که از همان قرار رفتار شود. امر امر مبارک است.

بتاریخ شهر سنه ۱۳

مطابق ۱۸ برج سرطان ئیل ۱۳۰۳

ضمیمه

کارگذاری مهام خارجه عربستان

نمره ۳۵۸

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

از وقتی که مردی محمره آمده گوشزد کرده است نسبت به اهالی بحرین سیاحت ایرانی تذکره آمده و [illegible] از مواظبت

مأمورین انگلیس بود اینکه آنها نباید ورقه‌های مختلفه آنها را به ایرانیت ترغیب و تشویق بنمایند حالا اگر آنها در ترجیح سیاحت

به کارگذاری مراجعه بنمایند تذکره ایرانی میگیرند و وقتی هم برای خود به بحرین مراجعت نمایند یک بار به [illegible] اول

ورقه عبور سفارت را به آنها داده‌اند و چنین این ترتیب بجریان افتاده قونسولگری انگلیس هم از یک سال به اهالی بحرین مقیم

آنها و دو از اینجا باید [illegible] هم با ۵۰ ورقه عبور سفارت اجازه ورود بدون آنکه ویزا عده از بحرین ... [illegible]

بعبارت عامیانه به کارگذاری مراجعه و تقاضای گرفتن تذکره نمودند مردی [illegible] را آنها تذکره نداده بود شخصاً قونسولگری انگلیس

رفته تذکره انگلیسی بگیرند قونسولگری از ماه [illegible] تذکره الحاق بنمایند و تا بحال نداده است البته تا عرض و در مورد تبعیت تعلقات دیگران ...

مرحمت فرمایید چون [illegible] رشد اداره [illegible] مردی

[illegible]

کارگذار مهام خارجه عربستان

۱۳۰۷

شماره: ۲۶
فرستنده: کارگذاری اوّل بنادر و جزایر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲ اسد ۱۳۰۳
نمره: ۶۸۰
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

متعاقب معروضهٔ مورخهٔ امروز نمرهٔ (۶۷۹) عرضه می‌دارد و اگرچه هنوز معلوم نیست، انگلیسها شیخ بحرین را به چه ملاحظه بوشهر آورده، در اینجا از او پذیرایی می‌کنند؛ کمترین ملاحظهٔ پلتیکی که در این امر متصور است یکی آن است که قدرت و استیلای خود را در سواحل این طرف می‌خواهند به او بفهمانند، دیگر اینکه در نقطه‌ای که او را پیاده می‌کنند تا عمارت جنرال قونسول تقریباً یک میل مسافت دارد از نقطهٔ اول که پا به ساحل می‌گذارد، تا به عمارت جنرال قونسول برسد، تمام مؤسسهٔ انگلیس [را] مشاهده می‌کند (کارخانهٔ تقطیر آب، کارخانهٔ یخ‌سازی، کارخانه چراغ برق، عمارات متعددهٔ تلگرافخانه، دستگاه عظیم تلگراف، بی‌سیم، جایگاه سپاهیان هندی که فعلاً دو ثلث آن خالی و ثلث دیگر سربازان هندی جای دارند، عمارت کلوب که این امر خود یکی از شاهکارهای سیاسی انگلیس است که عرب بیچاره را بیشتر مرعوب و به ا و بنمایانند) این طرف خلیج هم مانند بحرین در تحت مؤسسات و استیلای انگلیس است و اگر به واسطهٔ هیجانات اهالی و رغبت آنها به دولت علیه تمایلی به ایران داشته باشد، به کلی محو و زایل سازند.

معاضه السلطان

[illegible]

[illegible]

کارگذاری اول بنادر و جزایر خلیج فارس

دائره

تاریخ ۲ اسد ۱۳۰۳

نمره ۶۸۰

وزارت جلیله امور خارجه

تعقیب مرقومه مورخه نمره (۲۷۹) [illegible]

انگلیسها نقشه بحرین را که [illegible] داده در اینجا از او [illegible]

[illegible] از تصرفات [illegible] است [illegible]

اطراف [illegible] دیگر [illegible] در نقطه [illegible]

جزایر قزل تقریباً یکصد [illegible] دارد از نقطه اول [illegible]

عمارت جزایر قزل [illegible] تمام [illegible] انگلیسها [illegible]

تعمیرات کارخانه [illegible] کارخانه چراغ برق [illegible]

دستگاه عظیم تلگراف بی سیم [illegible]

خالی [illegible]

[illegible]

شماره: ۲۷
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ اسد ۱۳۰۳
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

شیخ احمد ولیعهد شیخ بحرین، با چند نفر از بستگان خود هفتهٔ گذشته با کشتی لورنس (کشتی مخصوص سرویس خلیج فارس) انگلیسی وارد بصره شده جمعی از اعیان شهر و مأمورین انگلیس از او دیدن نمودند و چند روزی در بصره توقف داشت و مفتش پولیس کپتان کویت همه جا همراه او بوده. بعضی‌ها می‌گویند برای قضیهٔ نفت بحرین بصره آمده و پاره‌ای می‌گویند به او تکلیف شده، لندن برود. اگر شایعهٔ اخیر مقرون به صحت باشد، البته در لندن یک قراردادی با او خواهند بست و چون دولت ایران بر بحرین ادعا دارد، نباید در این مسئله بی‌طرف بماند اطلاعاً عرض شد.

چاکر

محمد حسن بدیع

قنسولگری دولت علیه ایران در بصره

مورخه ۱۴ اسفند ۱۳۰۳

نمره ۳۶۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

شیخ احمد ولیعهد شیخ بحرین با چند نفر در یکشنبه گذشته با کشتی لورنس (کشتی مخصوص سرویس خلیج فارس) انگلیسی وارد بصره شده و جمعی از اعیان شهر و مامورین انگلیس از او دیدن نمودند و چند روزی در بصره توقف داشت و مفتش پولیس کاپیتان کویت همه جا همراه او بود بعضیها میگویند برای قضیه نفت بحرین بصره آمده و بعضی میگویند با وکیلش بلندن برود اگر شایعه اخیر مقرون بصحت باشد البته در لندن یک قرار دادی با او خواهند بست و چون دولت ایران به بحرین ادعا دارد نباید در این مسئله بیطرف باشد اطلاعاً عرض شد

[illegible]

۱۴۹۹۷

شماره: ۲۸
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۰ جدی ۱۳۰۳
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

تلگرافاً خاطر محترم را مستحضر داشت که در روزنامهٔ تایمز اشاره به عهدنامهٔ بین ابن‌سعود امیر نجد و دولت انگلیس شده است که در هشت سال قبل امضا شده و ابن‌سعود متعهد شده که به امورات بحرین و کویت مداخله ننموده، استقلال آنها را احترام نماید و دولت انگلیس خود نیز با بحرین و عمان و کویت در مواقع مختلفه قراردادهایی بسته است.

در این وقت هم که پست عازم است مجدداً برای مزید استحضار خاطر محترم تصدیع می‌دهد که مطلب فوق چندی قبل در روزنامهٔ تایمز درج شده بود، ولی چون در جزو اخبارات ایران منتشر نشده و مربوط به عربستان بود، لهذا در بدو امر توجه سفارت به آن جلب نشده بود ولی بعد از آنکه متوجه آن گردید، فوراً با تلگراف رمز خاطر مبارک را مستحضر داشت که هر اقدامی را مقتضی و صلاح دانند به موقع اجرا بیاید. اینک هم عین قطعهٔ روزنامه تایمز را لفاً ارسال می‌دارد که اشارهٔ که تایمز نموده است از نظر مبارک بگذرد.

داود مفتاح

ترجمهٔ جریده تایمز مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۲۴

شرایط معاهدهٔ انگلستان و وهابی‌ها

تشویش خاطر مسلمین که مبادا (بن‌سعود) سلطان فاتح وهابی‌های نجد در امور مسافرت حجاج مکه و مدینه مداخله نموده و یا از آنها جلوگیری نماید، باید از استحضار به پاره‌ای مواد عهدنامهٔ بین انگلستان و سلطان مذکور تا حدی تخفیف حاصل کند. معاهدهٔ مزبور در تاریخ ۲۶ دسامبر سنه ۱۹۱۵ بین (سرپرسی کاکس) وزیر مقیم انگلستان در خلیج و سلطان نجد انعقاد یافته و در تاریخ ۱۸ ژوئیهٔ سنهٔ ۱۹۱۶ از طرف نایب‌السلطنه هندوستان و حکومت آنجا تصویب گشت.

به موجب مادهٔ ۵ عهدنامهٔ سلطان نجد و مضافات آنجا یعنی (قطیف)، (الحصا)، و(جلبیل) با نهایت صراحت متعهد شده است که جاده‌های اماکن مشرفّه را که در خاک وی واقع است، مفتوح نگاه داشته و حجاج را حفظ و حراست نماید و تاکنون هم علامت و آثاری ظاهر نشده است از اینکه سلطان مذکور از رعایت مواد معاهده منصرف شده باشد.

علاوه بر این، نکتهٔ جالب توجه دیگر معاهدهٔ مزبوره آن است که سلطان نجد متعهد شده است، استقلال و اراضی مشایخ (کویت)، بحرین، عمان، و قطّار را که دولت انگلیس چندین مرتبه با آنها عهدنامه منعقد ساخته است، محترم شمارد.

سفارت علیه شاهنشاهی ایران در لندن

نمره ۷۰۱/۳۰۲

مورخه ۳۰ ... ۱۳۰۴

۱۰ آذر ۱۹۲۵

ضمیمه ۱

وزارت جلیله امور خارجه

تلگرافاً خاطر محترم را مستحضر داشت که در روزنامه تایمز اشاره بعهدنامه بین ابن سعود امیر نجد و دولت انگلیس شده است که در هشت سال قبل امضی شده و ابن سعود متعهد شده که با امورات بحرین و کویت مداخله ننموده استقلال آنها را احترام نماید و دولت انگلیس خود نیز با بحرین و عمان و کویت در مواقع مختلفه قراردادهائی بسته است .

در این وقت هم که پست عازم است مجدداً برای مزید استحضار خاطر محترم تصدیع میدهد که مطلب فوق چندی قبل در روزنامه تایمز درج شده بود ولی چون در جزو اخبارات ایران منتشر نشده و مربوط به عربستان بود لهذا در بدو امر توجه سفارت بآن جلب نشده بود ولی بعد از آنکه متوجه آن گردید فوراً با تلگراف رمز خاطر مبارک را مستحضر داشت که هر اقدامی را مقتضی و صلاح دانند بموقع اجرا بیاید . اینک هم عین قطعه روزنامه تایمز را لفاً ارسال میدارد که اشاره‌ئی که تایمز نموده است از نظر مبارک بگذرد

۲۱۴۵۴

G.S. S.-160

نمره [۵۸]

دارالترجمه وزارت امور خارجه

ترجمه جریده تایمز مورخه ۱۸ اکتبر ۱۹۲۴

شرایط معاهده انگلستان و وهابی‌ها

تشویش خاطر مسلمین که اسبابش (ابن سعود) سلطان فاتح وهابی‌های نجد در موقع تصرف حجاز مکه و مدینه شهرهای متبرکه فراهم و یا از آنها جلوگیری نماید از استحضار به مواد معاهده مابین انگلستان و سلطان مذکور تا حدی تخفیف حاصل کند. معاهده مزبوره در تاریخ ۲۶ دسامبر سنه ۱۹۱۵ مابین (سر پرسی کاکس) وزیر مقیم انگلستان در خلیج و سلطان نجد انعقاد یافته و در تاریخ ۱۸ ژوئیه سنه ۱۹۱۶ از طرف نایب السلطنه هندوستان و حکومت هندی به تصویب گذشت.

بموجب ماده ۵ معاهده، سلطان نجد و متصرفات آن یعنی (قطیف)، (الحساء)، و (جُبَیل) با نهایت صراحت متعهد شده است که جاده‌های اماکن مشرفه را که در خاک وی واقع است مفتوح نگاه داشته و حجاج را حفظ و حراست نماید و تاکنون هم علامت و آثاری ظاهر نشده است از اینکه سلطان مذکور از رعایت مواد معاهده منصرف شده باشد.

علاوه برین نکته جالب توجه دیگر معاهده مزبوره اینست که سلطان نجد متعهد شده است استقلال و اراضی شیخ (کویت)، بحرین، عمان، و قطر را که دولت انگلیس چندین مرتبه با آنها عهدنامه منعقد ساخته است محترم شمارد.

شماره: ۲۹
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۴
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چند روز قبل در بصره در کشتی لورنس که یکی از کشتی‌های نقالهٔ حکومت انگلیس در خلیج فارس است، کنفرانسی داده شد و اشخاصی که در آن مجلس حضور داشته و اجزای کنفرانس بوده‌اند: شیخ بحرین و قونسول انگلیس در بحرین و شیخ کویت و قونسول انگلیس در کویت و شیخ ابراهیم شیخ سابق زبیر و سید طالب پاشا از اعیان بصره و میجر ویلسن مفتش اداری بصره و احمد پاشا متصرف بصره و چند نفر از مأمورین سیاسی و نظامی انگلیس بوده‌اند، موضوع مشاورهٔ آنها هیچ معلوم نشد، چون خیلی به طور محرمانه بود ولی آنچه مردم حدس می‌زنند و در اطراف این کنفرانس مذاکره می‌کنند، یکی راجع به قضیهٔ موصل و اتخاذ تدابیر احتیاطی در مقابل حملات متصورهٔ ترکهاست و دیگری راجع به انفصال بصره از حکومت عراق است و می‌خواهند کویت و بحرین و حسا و قطیف را ضمیمهٔ بصره نمایند و یک حاکمی به نام خدیو برای بصره معین کنند و احتمال می‌رود سید طالب پاشا به سمت خدیوی معین شود و حکومت ملک فیصل در عراق منحصر بر بغداد و موصل باشد و اگر این نظریه از قوه به فعل آید، دولت نباید حقوق خود را راجع به بحرین فراموش بفرماید، چون لازم بود عرض شد.

چاکر

محمد حسن بدیع

قونسولگری دولت علیه ایران در بصره

بتاریخ ۲۱ برج اردیبهشت اودئیل ۱۳۰۴

نمره ۱۶۴ ضمیمه

[illegible]

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

چند روز قبل در بصره در کشتی لورنس که یکی از کشتیهای عالیه حکومت انگلیس در خلیج فارس است کنفرانسی [illegible] که در آن [illegible] حضور داشته و اجزای کنفرانس بوده اند شیخ بحرین و قونسول انگلیس در بحرین و شیخ کویت و قونسول انگلیس در کویت و شیخ [illegible] شیخ [illegible] سید طالب پاشا از اعیان بصره و [illegible] مستشار اداری بصره و احمد پاشا [illegible] بصره و چند نفر از مامورین سیاسی و نظامی انگلیس بوده اند موضوع [illegible] معلوم نشده چون جلسه بطور سری [illegible] ولی [illegible] مردم [illegible] و در اطراف

در صفحه ۲ ۲/۱۸

این کنفرانس مذاکره میکنند که راجع بقضیه [illegible] و [illegible] در نقاط [illegible] حملات [illegible] و [illegible] راجع به انفصال بصره از حکومت عراق است و میخواهند [illegible] و بحرین و [illegible] و قطیف را ضمیمه بصره نمایند و یک حاکم بنام خدیوی بصره معین کنند و احتمال میرود سید طالب پاشا بسمت خدیوی معین شود و [illegible] ملک فیصل در عراق منحصر به بغداد و موصل باشد و اگر این نظریه از قوه بفعل آید دولت باید حقوق خود را راجع به بحرین فراموش ننماید.

[illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه [illegible]
تاریخ ۱۸ [illegible]
نمره [illegible]

شماره: ۳۰
فرستنده: ژنرال قونسولگری دولت علیهٔ ایران در شام
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۲صفر ۱۳۴۴ (۱۵ شهریور ۱۳۰۴)
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً به عرض مبارک می‌رساند، چند روز است پسر و برادر امیر بحرین با چند نفر از حاشیهٔ خود به شام وارد و عازم لندن هستند، مشهور است که برای مشاهدهٔ اکسپوزسیون وامبلی به لندن می‌روند و چند روزی در شام توقف خواهند نمود. نظر به اینکه چندی پیش مطلبی راجع به بحرین در روزنامه‌جات طهران مطالعه شد، تصور می‌رود که این مسافرت این اشخاص تعلق به همان مطلب داشته باشد و اکسپوزسیون وامبلی شهرت بی‌اساس است. دیگر امر امر مبارک است.

فدوی
حبیب‌الله هویدا

ژنرال قنسلگری دولت علیه ایران
۱۵ شهریور ۱۳۰۴
۱۲ صفر ۱۳۴۴
نمره ۱۲۶

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً بعرض مبارک میرساند چند روز است پسر و برادر امیر بحرین با چند نفر از شیوخ بشام وارد و عازم لندن هستند مشهور است که بجهت شکایه از کمیسیونر و [illegible] بلندن میروند و چند روزی در شام توقف خواهند نمود نظر باینکه چندی پیش مطلبی راجع به بحرین در روزنامه‌جات طهران مطالعه شد تصور میرود که این مسافرت این اشخاص تعلق بهمان مطلب داشته باشد و از کمیسیونر [illegible] شهرت هست بی اساس است دیگر امر امر مبارک است

فدوی
[illegible]

اداره [illegible] ۳۰۳

[illegible]

شماره: ۳۱
فرستنده: وزارت دربار پهلوی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ آبان ۱۳۰۶
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

متمنی است جواباً معلوم فرمایند که آیا برطبق تصمیم هیئت محترم دولت در باب بحرین به جامعهٔ ملل اعتراض شده است یا خیر.

وزیر دربار پهلوی ــ تیمور تاش

وزارت دربار پهلوی

اداره کابینه

نمره ۴۰۶۸

تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۰۶

ضمیمه ...

وزارت جلیله امور خارجه

تمنی است جواباً معلوم فرمایند آیا مطابق تصمیم هیئت محترم دولت وزیر جنگ با مقدمه علی اعتراض شده است یا خیر -

وزیر دربار پهلوی تیمورتاش

[illegible]

شماره: ۳۲
فرستنده: ترجمه توسط ادارهٔ کابینهٔ دایرهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷
متن سند:

ترجمه از (تیمز) لندن ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷

وضعیت بحرین

اعتراض ایران (از مخبر ما در جامعهٔ ملل)

ژنو ۲۸ دسامبر

منشی کل جامعهٔ ملل برحسب تقاضای وزیر خارجهٔ ایران، یک فقره اعتراضنامه که به دولت انگلیس برای حفظ حقوق مسلمهٔ ایران بر جزایر بحرین داده است، بین اعضای جامعه انتشار داده است. این اعتراض مبتنی بر مادهٔ شش عهدنامه که در جده بین انگلستان و حجاز در ۲۰ مه ۱۹۲۷ امضا شده می‌باشد. متن اعتراض مورخهٔ ۲۲ نوامبر که به عنوان سرهنری کلایو وزیرمختار انگلیس در طهران فرستاده شده، به قرار ذیل است.

برطبق اطلاعی که به دولت ایران رسیده، مادهٔ ششم عهدنامه که بین سلطان عبدالعزیز ابن سعود و دولت انگلستان در جده در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ به امضا رسیده، از این قرار است: پادشاه حجاز و نجد و توابع متعهد می‌شود که با اراضی کویت و بحرین و شیوخ کاتار و سواحل عمان که روابط عهدنامه مخصوص با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دارند روابط صلح و دوستی را حفظ نماید.

چون بحرین بدون معارضه یکی از مستملکات ایران است و در موقع انعقاد قرارداد مخصوص بین دولت انگلستان و شیوخ بحرین دولت ایران حقاً به این قرارداد اعتراض نمود و لرد کلارندن در جواب خود به وزیرمختار ایران در لندن مورخهٔ ۲۹آوریل ۱۸۶۹ رسماً حقانیت آن اعتراض را تصدیق نمود. جنابعالی تصدیق می‌نمایید، که قسمتی از مادهٔ فوق‌الذکر که راجع به بحرین است، تخطی به تمامیت ارضی ایران محسوب شده و با روابط دوستی که همیشه مابین دو همسایه دوست وجود داشته، منافات دارد. لهذا دولت ایران قویاً به قسمتی از عهدنامه که ذکر شد اعتراض نموده، و از دولت انگلستان انتظار دارد که بدون تأخیر اقدامات لازمه در خنثی‌نمودن اثر آن

بنماید. برای اطلاع جنابعالی اضافه می‌نمایم که چون ایران عضو جامعهٔ ملل است برطبق مادهٔ ده اساسنامهٔ جامعه که تمامیت ارضی دول عضو جامعه را تأمین می‌نماید. یک نسخه ازاین مراسله را به جامعه فرستاده است، تا این اعتراض به اطلاع آنها برسد.
امضا: پاکروان کفیل وزارت خارجه

بحرین یک مملکت جزیره است که عبارت از پنج جزیره می‌باشد و ۱۲,۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در خلیج فارس به فاصلهٔ ۱۵ الی ۲۰ میل از سواحل عربستان واقع است. امیر آن شیخ عیسی بن علی الخلیفه (صاحب نشان امپراطوری هندوستان و نشان ستارهٔ هند) است، که با رابطهٔ عهدنامه با حکومت هندوستان دارد و این امتیاز حق یازده تیر توپ به جناب ایشان می دهد و یک نفر آژان سیاسی (ماژور س.س. بارت) که دارای حقوق قضایی وسیعی است در منامه پایتخت آنجا توقف دارد. به مناسبت کهولت شیخ نیابت امارت به پسر شیخ حمد بن عیسی واگذار شده که حق شلیک پنج تیر توپ در محل برای مشارالیه داده شده. در نیم قرن گذشته اهالی بحرین در خارجه از حقوق محافظت قونسولی انگلیسی برخوردار شده‌اند.

در قرن ۱۶ پرتقالی‌ها جزایر بحرین را متصرف شدند ولی در ۱۶۰۲ ایرانی‌ها آنها را بیرون کردند.

در ۱۷۸۳ اعراب (اتابی) جزیره را فتح نمودند و در سنهٔ ۱۸۰۰ امام مسقط آن را از تصرف اتابی‌ها خارج نمود. یک سال بعد امام را وهابی‌ها خارج نمودند و جزایر را تا ۱۸۱۱ در دست داشتند و در آن موقع دو مرتبه اتابی‌ها جزایر را متصرف شدند. کمپانی (ایست اندیا) برای جلوگیری از دزدی دریایی قراردادی با شیخ اتابی منعقد نمود و پس از آن چندین مرتبه در موقع دعاوی مصر و ایران و ترکیه بر استقلال جزایر بحرین، دولت انگلستان از شیخ بحرین حمایت کرد. چه انگلستان عقیده داشت که شیخ امیر مستقلی است که با حکومت هندوستان متحد است در ۱۸۴۷ و ۱۸۵۶ عهدنامه‌های دیگری برای جلوگیری از غلام فروشی منعقد شد. در ۱۸۶۱ شیخ عهدنامهٔ صلح و دوستی دایمی با حکومت هندوستان امضا نمود و در ۱۸۸۰ امیر حالیهٔ خود را مقید ساخت که با دول دیگر عهدنامه نبندد و به آنها بدون رضایت انگلستان اجازه ندهد که در بحرین نمایندگی سیاسی و قونسولی و یا استاسیون زغال سنگ برپا کنند. در ۱۸۹۲ شیخ اتابی عهدنامهٔ منحصرهٔ دیگری با انگلستان امضا نمود. به دفعات مختلف انگلستان در بحرین برای تنبیه اشخاصی که صلح را مختل نموده بودند و همچنین برای تعین وراثت مداخله نمود. و در سال ۱۹۰۵ مداخلهٔ مسلح انگلستان بحرین را از خطر تصرف اعراب

که از سواحل عربستان در تحت تحریک ترکها اقدام می‌نمودند نجات داد.

ترجمه از (تیمز) لندن ۲۹ دسامبر ۱۹۲۷

وزارت امور خارجه
اداره کابینه
دائره انتشارات و مطبوعات

وضعیت بحرین
اعتراض ایران
(از مخبر ما در جامعه ملل)

ژنو ۲۸ دسامبر —

منشی کل جامعه ملل برحسب تقاضای وزیر خارجه ایران یک فقره اعتراضنامه که به دولت انگلیس برای حفظ • حقوق مسلمه ایران بر جزائر بحرین • داده است بین اعضاء جامعه انتشار داده است.
این اعتراض مبتنی بر ماده ششم عهدنامه که در جده بین انگلستان و حجاز در ۲۰ مه ۱۹۲۷ امضا شده میباشد •
متن اعتراض مورخه ۲۲ نوامبر که بعنوان سر هنری کلایو وزیر مختار انگلیس در طهران فرستاده شده بقرار ذیل است :—

• بموجب اطلاعی که به دولت ایران رسیده ماده ششم عهدنامه که بین سلطان عبدالعزیز ابن سعود و دولت انگلستان در جده در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۲۷ بامضاء رسیده از این قرار است : • پادشاه حجاز و نجد و توابع متعهد میشود که با اراضی کویت و بحرین و شیوخ قطار و سواحل عمان که روابط عهدنامه مخصوص با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دارند روابط صلح و دوستی را حفظ نماید • •

چون بحرین بدون معارضه یکی از متصرفات ایران است و موضوع انعقاد قرارداد مخصوص بین دولت انگلستان و شیوخ بحرین دولت ایران حقا باین قرارداد اعتراض نموده و لرد کلارندن در جواب مراسله وزیر مختار ایران در لندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ رسما حقانیت آن اعتراض را تصدیق نموده جنابعالی تصدیق میفرمائید که نقض از ماده فوق‌الذکر که راجع به بحرین است تعدی به تمامیت ارضی ایران محسوب شده و با روابط دوستی که همیشه مابین دولتین موجود داشته منافات دارد • لهذا دولت ایران قویا به قسمتی از عهدنامه که ذکر شد اعتراض نموده و از دولت انگلستان انتظار دارد که بدون تاخیر اقدامات لازمه درخصوص تغییر آن بنماید • برای اطلاع جنابعالی اشعار میدارم که چون ایران عضو جامعه ملل است بر طبق ماده ده اساسنامه جامعه که تمامیت ارضی دول عضو جامعه را تامین مینماید یک نسخه از این مراسله را به جامعه فرستاده است تا این اعتراض به اطلاع آنها برسد • امضا : پاکروان کفیل وزارت خارجه •

بحرین یک مملکت جزیره است که عبارت از پنج جزیره میباشد و ۱۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد و در خلیج فارس بفاصله ۱۵ الی ۲۰ میل از سواحل عربستان واقع است. امیر آن شیخ (سر) عیسی بن علی الخلیفه (صاحب نشان امپراطوری هندوستان و نشان ستاره هند) است که با رابطه عهدنامه با حکومت هندوستان دارد و این امتیاز حق یازده تیر توپ به جانب ایشان میدهد و یک نفر آژان سیاسی (مانند س. ی. ا. پارسا) که دارای حقوق سالی

وسیعی است در منامه که پایتخت آنجا توقف دارد . بمناسبت کهولت شیخ نیابت امارت به پسر شیخ حامد بن عیسی آل عیسی الخلیفه واگذار شده که حق شلیک پنج تیر توپ در محل برای مشارالیه داده شده . در نیم قرن گذشته اهالی بحرین در خارجه از حقوق محافظت قونسولی انگلیس برخوردار شده اند . در قرن ۱۶ پرتغالی ها جزائر بحرین را متصرف شدند ولی در ۱۶۰۲ ایرانیها آنهارا بیرون کردند . در ۱۷۸۳ العتوب (اتابی ها) جزیره را فتح نمودند و در سنه ۱۸۰۰ امام مسقط [illegible] ف اتابی ها خارج نمود . یکسال بعد امام را وهابیها خارج نمودند و جزائر را ۱۸۱۱ در [illegible] ه و در آن موقع دو مرتبه اتابی ها جزائر را متصرف شدند . کمپانی (ایست اندیا) برای جلوگیری از دزدی دریائی قراردادی با شیخ اتابی منعقد نمود و پس از آن چندین مرتبه در موقع دعاوی مصر و ایران و ترکیه بر استقلال جزائر بحرین دولت انگلستان از شیخ بحرین حمایت کرد . چه انگلستان عقیده داشت که شیخ امیر مستقلی است که با حکومت هندوستان متحد است.

در ۱۸۴۷ و ۱۸۵۶ عهدنامه های دیگری برای جلوگیری از غلام فروشی منعقد شد . در ۱۸۶۱ شیخ عهدنامه صلح و دوستی دائمی با حکومت هندوستان امضاء نمود و در ۱۸۸۰ امیر حالیه خود را متعهد ساخت که با دول دیگر عهدنامه نبندد و به آنها بدون رضایت انگلستان اجازه ندهد که در بحرین نمایندگی سیاسی و قونسولی و یا استیشن ذغال سنگ برپا کنند . در ۱۸۹۲ شیخ اتابی عهدنامه منحصره دیگری با انگلستان امضاء نمود . بدفعات مختلف انگلستان در بحرین برای تنبیه اشخاصیکه صلح را مختل نموده بودند و همچنین برای تعیین وراثت مداخله نمود . و در ۱۹۰۵ مداخله مسلح انگلستان بحرین را از خطر تصرف العرب که از سواحل عربستان در تحت تحریک ترکها اقدام مینمودند نجات داد . — (ترجمه دائره المعارف)

شماره: ۳۳
فرستنده: توسط ادارهٔ کابینهٔ دایرهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۵ ژانویهٔ ۱۹۲۸
متن سند:

از (تیمز) لندن ۵ ژانویه ۱۹۲۸
یک اعتراض ایران

حکومت شاه یک ادعای مخصوص و غیرقابل انتظاری نسبت به جزایر بحرین که عبارت از یک جزیرهٔ بزرگ و چهار جزیرهٔ کوچک و در حدود بیست میلی سواحل عربستان واقع است، نموده است. این جزایر مرکز مهمترین صنایع خلیج فارس یعنی صید مروارید است که از بدو طلوع تاریخ تا به حال معمول بوده است و به همین جهت این جزایر مطمع نظر دولی که منافع تجارتی و بحری در شرق وسطی داشته‌اند، بوده است و تجار به این جزایر از زمان عظمت بابل به این طرف رفت و آمد داشته‌اند. این تجار دزدان دریایی را به آن محال جلب نموده تا اینکه قوای بحری انگلیس در پنجاه سال اوّل قرن گذشته دست آنها را پس از جنگ و جدال زیاد از این شغل کوتاه نمود. روابط دولت انگلیس با بحرین از ۱۸۲۰ به این طرف شروع شده یعنی وقتی که امیر محل قراردادی با کمپانی (جان) برای جلوگیری از دزدی دریایی برقرار نمود، و به عنوان رئیس مستقلی که با حکومت هندوستان متحد است، شناخته شد.

دیپلماسی انگلیس امیر محلی را برضد دعاوی ترک و ایران و مصر و وهابی حمایت نمود و بعد از یک عده معاهدات، شیخ بحرین در ۱۸۸۰ قراردادی بست و خودش را مقید ساخت که بدون رضایت انگلیس داخل در عقد معاهدات با سایر دول نشود.

در ۱۸۹۲ بحرین قرارداد انحصاری دیگری با دولت انگلیس بست و در ۱۹۰۵ یک نفر نمایندهٔ انگلیس برای اقامت در بحرین مأمور شد. لهذا طبیعی به نظر می‌آید که در قراردادی که در ماه مه گذشته منعقد شد، شرطی باشد که وهابی‌ها روابط دوستانهٔ خود را با بحرین حفظ نمایند. وهابی‌ها جزایر را در ۱۸۰۷ به تصرف درآورده و آن را محل و مقر غارت دریایی قرار دادند. چهار سال بعد سلطان عمان آنها را خارج نمود ولی چندین مرتبه تهدید به تصرف جزایر و شروع به عملیات خود نمودند و چون پس از ظهور

وهابی‌ها تاریخ عرب چندین مرتبه تکرار شده است، واضح است که دولت انگلستان مایل است معانتی برای استقلال بحرین به دست آورد. ادعای دولت ایران بر بحرین اولاً مبنی بر تصرف متناوب آن جزایر از طرف آن دولت در قرن ۱۷ و ۱۸ می‌باشد، و ثانیاً متکی بر تصدیق رسمی لردکلارندن در حقانیت اعتراض ایران است با اینکه اکثریت ساکنین بحرین مدتهاست عرب هستند و در نژاد و زبان با ایرانی‌ها فرق دارند و مذهب آنها نیز طریقهٔ دیگر اسلام است. راست است که شاه عباس کبیر جزایر را در ۱۶۰۲ از چنگ پرتقالی‌ها بیرون آورد و قوای ایران تا ۱۷۸۳ به غیر از اوقاتی که از طرف یاغی های محلی طرد می‌شدند در قلاع بحرین ساخلو داشتند در آن تاریخ اجداد امیر حالیه از ساحل به جزیره آمده و با کمک اهالی ایرانی‌ها را خارج نمود. از آن به بعد ایران بر بحرین حکومت نداشته و به همین جهت در آبهای خلیج‌فارس نیز حاکمیت نداشته و وظیفهٔ قلع و قمع دزدان دریایی به‌عهدهٔ جهازات انگلیسی واگذار شد.

هرچند لردکلارندن تقریباً در شصت سال قبل گفته باشد و هر اعتراضی که از طرف دولت شاه به قراردادهای سابق انگلیس با بحرین شده است، ادعایی که متکی بر تصرف است که از طرف بحرینی‌ها و اتابی‌ها در ۱۴۴ سال قبل با زور به آن خاتمه داده شده، مبنای حقیقی نمی‌تواند داشته باشد.

مادهٔ ۱۰ اساسنامهٔ جامعهٔ ملل که برطبق آن دولت ایران اعتراض خود را به جامعه ارسال داشته، راست است. تمامیت ارضی تمام اعضا را ضمانت می‌نماید ولی اثبات اینکه بحرین حالا جزو اراضی ایران است، به عهده طهران است و به نظر می‌آید که این مراجعه به اساسنامه خود سائل مسئلهٔ حقیقت است؛ کیفیت جوابی که وزارت خارجه انگلیس به این اعتراض ایران خواهد داد هنوز معلوم نیست ولی گویا کثرت دلایل انگلستان برای تأیید نظریهٔ خود به قدری است که برای وزارت خارجه مزاحم خواهد بود. عللی که دولت ایران را وادار به این اعتراض نموده، غیر معلوم است. ایرانی‌ها با عراق با چشم عدم دوستی نگاه می‌نمایند ولی بحرین هیچ نوع مناسبتی با دولت جوان عرب ندارد. نمی‌توان تصور نمود که مرواریدهای این جزایر منافع ایران را به آنجا جلب نموده، چه زمانی مرواریدهای پست‌تر انگلستان قیصر روم را جلب نموده بود. استناد این اعتراض به تشویق از طرف روسیه سویتی که اخیراً عهدنامهٔ تأمینیه با تهران امضا نمود چندان برای استقلال ایران که در چند سال گذشته خط‌مشی آمال ملی را تشکیل داده، پسندیده نیست.

ممکن است عدم میل دولت شاهنشاهی برای امتناع یک خط تجارتی هوایی در

سواحل جنوبی و مخصوصاً پیشنهاد انگلستان برای خط هوایی انگلیس از قاهره به کراچی تأثیری در این اعتراض داشته باشد* مذاکرات بعدی چندان پیشرفتی ننموده و اقلاً ممکن است تصمیم وزارت خارجه ایران که (بنته مفهوم نیست) قضیه ادعای بحرین را احیا و یا در واقع از قبر بیرون آورده، برای این است که بهانه به دست آورده از ایفای مواعید سابق خود خودداری نماید. (ترجمهٔ دایرهٔ اطلاعات)

* متجاوز از دو سال قبل قراردادی در این خصوص بین ایران و این مملکت به امضا رسید ولی دولت ایران ناگهان سیاست خود را تغییر داد.

وزارت امور خارجه
اداره کابینه
دائره اطلاعات و مطبوعات

از (تیمز) لندن ۵ ژانویه ۱۹۲۸

یک ادعای ایران

حکومت شاه یک ادعای مخصوص و غیر قابل انتظاری [illegible] به جزائر بحرین که عبارت از یک جزیره بزرگ و چهار جزیره کوچک و در حدود بیست میلی سواحل عرب [illegible] است نموده است. این جزائر مرکز مهمترین منابع خلیج فارس یعنی صید مروارید است که از بدو طلوع تاریخ تا حال معمول بوده است. و بهمین جهه این جزائر مطمح نظر دولی که منافع تجارتی و بحری در شرق وسطی داشته اند بوده است. و تجار به این جزائر از زمان عظمت بابل باینطرف رفت و آمد داشته اند. این تجار دزدان دریائی را به آن محال جلب نموده تا اینکه قوای بحری انگلیس در پنجاه سال اول قرن گذشته دست آنهارا پس از جنگ و جدال زیاد از این شغل کوتاه نمود. روابط دولت انگلیس با بحرین از ۱۸۲۰ باینطرف شروع شده یعنی وقتی که امیر [illegible] محل قراردادی با کمپانی (جان) برای جلوگیری از دزدی دریائی برقرار نمود و معنوناً رئیس مستقلی که با حکومت هندوستان متحد است شناخته شد. دیپلوماسی انگلیس امیر محلی را بر ضد دعاوی ترک و ایران و مصر و وهابی حمایت نمود و بعد از یک عده معاهدات شیخ بحرین در ۱۸۸۰ قراردادی بست و خود را مقید ساخت که بدون رضایت انگلیس داخل در عقد معاهدات با سائر دول نشود. در ۱۸۹۲ بحرین قرارداد انحصاری دیگری با دولت انگلیس بست و در ۱۹۰۵ یک نفر نماینده انگلیس برای اقامت در بحرین مامور شد. لهذا طبیعی بنظر می آید که در قراردادی که در ماه مه گذشته منعقد شد شرطی مانند که وهابی ها روابط دوستانه خود را با بحرین حفظ نمایند. وهابیها جزائر را در ۱۸۰۲ بتصرف در آورده و آنرا محل و مقر غارت دریائی قرار داد. چهار سال بعد سلطان عمان آنهارا خارج نمود ولی چندین مرتبه تهدید به تصرف جزائر و شروع به عملیات خود نموده اند. چون پس از ظهور وهابی ها تاریخ عرب چندین مرتبه تکرار شده است واضح است که دولت انگلستان مایل است ممانعتی برای استقلال بحرین بدست آورد. ادعای دولت ایران بر بحرین اولاً مبنی بر تصرف متناوب آن جزائر از طرف آن دولت در قرون ۱۷ و ۱۸ میباشد و ثانیاً متکی بر قصد غیر رسمی لرد کلارندن در حقانیت ادعای ایران است با اینکه اکثر ساکنین بحرین مدتهاست عرب هستند و در نژاد و زبان با ایرانیها فرق دارند و مذهب آنها نیز نظر به دیگر اسلام است. راست است که شاه عباس کبیر جزائر را در ۱۶۰۲ از دست پرتغالیها بیرون آورده و قوای ایران تا ۱۷۸۳ بغیر از اوقاتیکه از طرف یاغیهای محلی طرد میشدند در قلاع بحرین ساخلو داشتند در آن تاریخ اجداد امیر حالیه از ساحل به جزیره آمده و بکمک اهالی ایرانیهارا خارج نمود. از آن ببعد ایران بر بحرین حکومت نداشته و بهمین جهه در آبهای خلیج فارس نیز حاکمیت نداشته

ووظیفه قلع و قمع دزدان دریائی بعهده جهازات انگلیس واگذار شد . هرچند لرد کلارندن تقریبا درشصت سال قبل گفته باشد وهر اعتراضی که ازطرف دولت شاه به قرارداد ادعای سابق انگلیس با بحرین شده است ادعائی که متکی بر تصرف است که ازطرف بحرینی ها و اعرابی ها در ۱۷۸ سال قبل باشد به آن خاتمه دادند مبنای حقیقی نمیتواند داشته باشد .

ماده ۱۰ اساسنامه جامعه ملل که برطبق آن دولت ایران اعتراض خودرا به جامعه ارسال داشته است تمامیت ارضی تمام اعضاء را ضمانت مینماید ولی اثبات اینکه بحرین حالا جزو اراضی ایران است بعهده طهران است و بنظر می آید که این مراجعه به اساسنامه خود سائل مسئله حقیقت است کیفیت جوابی که وزارت خارجه انگلیس به این اعتراض ایران خواهد داد هنوز معلوم نیست ولی گویا کثرت دلائل انگلستان برای تائید نظریه خود بقدری است که برای وزارت خارجه مزاحم خواهد بود . عللی که دولت ایران را وادار به این اعتراض نموده غیرمعلوم است . ایرانیها باعراب بچشم هم دوستی نگاه مینمایند ولی بحرین هیچ نوع منطقیتی بادولت جوان عرب ندارد . نمیتوان تصور نمود که مروارید های این جزائر منافع ایران را به آنجا جلب نموده چه زمانی مروارید های پست تر انگلستان قیصر روم را جلب نموده بود . استناد این اعتراض به تشویق ازطرف روسیه شوروی که اخیرا عهدنامه تامینیه باطهران امضاء نمود چندان برای استقلال ایران که درچندسال گذشته خط مشی آمال ملی را تشکیل داده پسندیده نیست . ممکن است عدم میل دولت شاهنشاهی برای امتناع یک خط تجارتی هوائی در سواحل جنوبی و مخصوصا پیشنهاد انگلستان برای خط هوائی انگلیس ازقاهره به کراچی تاثیری دراین اعتراض داشته باشد * مذاکرات بعدی چندان پیشرفتی ننموده واقعا ممکن است تصمیم وزارت خارجه ایران که بقضیه ادعای بحرین را احیا وماهو واقع ازقبر بیرون آورده برای این است بهانه بدست آورده ازایفای مواعید سابق خود خودداری نماید (ترجمه دائره اطلاعات)

---

* متجاوز از دو سال قبل یک قراردادی در این خصوص بین ایران و این مملکت به امضاء رسید ولی دولت ایران ناگهان سیاست خودرا تغییر داد

شماره: ۳۴
فرستنده: اداره تذکره خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ دی ۱۳۰۶
متن سند:

موقع منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

تاکنون اتباع ایران با صدور ورقهٔ جواز مسافرت، به جزیرهٔ بحرین رفته و از آنجا پاس از قونسولگری انگلیسها گرفته به هندوستان یا بین النهرین مسافرت می‌نمودند، به موجب اطلاعی که اخیراً رسیده انگلیسها صدور پاس در بحرین برای اتباع ایران موقوف داشته‌اند.

رئیس تذکرهٔ بنادر محمدعلی

[پی نوشت:] سواد به ریاست وزرا و وزارت دربار بفرستید

۳بهمن

ادارهٔ بندرجات خلیج فارس

بتاریخ ۱۶ شهر رجب سنهٔ ۱۳۲۶

نمره ۳۰۹۰

۱۹/۱۰/۰۶

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

تاکنون اتباع ایران با صدور تذکره جواز مسافرت به جزیره بحرین رفته و از آنجا پاس از قنسولگری انگلیس گرفته به هندوستان یا بنادر آن مسافرت می‌نمودند بموجب اطلاعی که اخیراً رسیده انگلیسی‌ها صدور پاس در بحرین برای اتباع ایران موقوف داشته‌اند. زیاده زحمت ندارد

اداره انگلیس — اداره تذکرات ۲/۱۲/۳۰۶

نمره ۱۸۹۰۱

شماره: ۳۵
فرستنده: قونسولگری دولت علیهٔ ایران در کربلای معلی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
راجع به بحرین که در معاهدهٔ منعقده بین دولت انگلیس و حجاز اشاره شد و دولت ایران به مناسبت تباین معاهدهٔ مزبوره با حقوق حاکمیت آن در جزایر بحرین، اعتراض نموده در مجلس پارلمان انگلیس این موضوع مطرح، مذاکره واقع و در جریدة العراق شرحی نوشته اینک عین و ترجمهٔ آن را محض استحضار آن وزارت جلیله ارسال می دارد.
جریدة العراق نمره ۲۳۸۰

بین ایران و انگلیس

لوکار لامبصون در مجلس پارلمان جواب می دهد مسائلی را که مطرح مذاکره بوده، حکومت ایران احتجاجی را که در معاهده حجاز شده و اشاره هم راجع به بحرین شده بود، ادعا نمود که این عقد قراردادی که شده، منافی است بر حقوق سیادتمان به جزایر بحرین و حال آنکه دولت انگلیس می گوید ما یک معلومات قانونی که دولت ایران بتواند بر آن اساس تکیه گاه نماید، نمی بینم و دولت انگلیس از دولت ایران توضیح خواسته و نیز بیان نموده که مذاکرات بین این دولت راجع به بعضی از مسائل مهمهٔ جاری است. پس از آن یک نفر از وکلا سؤال کرد در این مسائل رها نمودن شیخ خزعل خان و نصبش به ریاست و دادنش صلاحیت بیشتر از سابق می باشد در جواب این وکیل لوکار لامبصون می گوید این سؤال فرعی شما خارج از این بحث و گفتگوهاست.

قونسولگري دولت عليهٔ ايران

در كربلاي معلى

اداره

مؤرخه ۱۳ اسفند ۱۳۰۶

نمره ۷۸۶

ضميمه ۲

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

راجع به بحرین که در معاهده منعقده بین دولت انگلیس و حجاز اشاره شده دولت ایران به مناسبت تباین معاهده مزبوره با حقوق حاکمیت آن در جزائر بحرین اعتراض نموده در مجلس پارلمان انگلیس این موضوع مطرح مذاکره واقع و در جریده العراق شرحی نوشته اینک علیحده دو جریده آن را محض استحضار آن وزارت جلیله ارسال میدارد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۹/ ۱۲/ ۱۶

جریدة العراق عدد ۲۳۸۰

بین ایران و انگلیس

لوکار لامپسون در مجلس پارلمان جواب سید هاشمی را که مطرح مذاکره بوده
حکومت ایران احتجاجی را که در معاهده حجاز شده و اشاره به راجع بحرین شده بود
ادعا نموده که این عهد قرارداد دیگر شده مخالف است بر حقوق سیادتمان بجزایر بحرین
و حال اگر دولت انگلیس میگوید ما یک معلومات قانونی که دولت ایران
بتواند بر آن اساس تکیه گاه نماید نمی بینیم دولت انگلیس از دولت ایران توضیح
خواسته و نیز بیان نموده که مذاکرات بین این دولت راجع ببعضی از مسائل
مهمه جاری است پس از آن یک نفر از وکلا سؤال کرده در این مسائل رها نمودن
شیخ خزعل خان و بعضی بر رعایت و دادن صلاحیت بیشتر از سابق میباشد
در جواب این وکیل لوکار لامپسون میگوید این سؤال فرعی شد خارج از
این بحث و گفتگو ها است

بين بريطانية وايران

هل يطلق سراح

الشيخ خزعل خان

قال لوكار لامبصون جوابا على ما طرح من الاسئلة في مجلس الامة البريطاني : ان حكومة ايران احتجت على شروط المعاهدة الحجازية بحجة ان الاشارة وردت فيها الى جزائر البحرين وهذا ينافي حقوق السيادة الايرانية على تلك الجزائر وقال ان انكلترة لاتعلم لماذا حجة قانونية في وضع ايران اتخاذها اساسا لهذا الادعاء وقد اوضحت انكلترة لحكومة ايران هذا الامر . وزاد في قوله ان المفاوضة لاتزال جارية بين الحكومتين بشأن عدة مسائل مهمة

ثم سأل احد النواب عما اذا كانت النقاط المختلف عليها بين الحكومتين تشمل طلب انكلترة القاضي باطلاق سراح الشيخ خزعل خان وتنصيبه على امارته بسلطة اوسع صلاحية من السابق فاجابه لوكار لامبصون بقوله ان هذا السؤال الفرعي خارج

شماره: ۳۶
فرستنده: وزارت امور خارجه ـ ریاست کل تذکره بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

اخیراً چون مطالب راجع به بحرین در روزنامه‌جات ملاحظه می‌شود سواد معاهدهٔ علی‌بن خلیفه با انگلیسها در اوراق خود یافته آن را به پارسی کرده بعضی توضیحات از خود مزید نموده، لفاً تقدیم داشت. با سواد عربی آن در موقعی که بنده کارگذار عباسی بود، کتاب معاهدات انگلیسها با دولت ایران و سایر شیوخ به دست آمد و صورت انگلیسی آن از کلیهٔ معاهدات انگلیسها با بحرین و عمان تا سنهٔ ۱۸۹۲ عیسوی در تحت نمرهٔ ۳۱۴/۶جدی ۱۳۰۱ به کارگذاری بنادر فرستادم و کارگذاری هم سواد کرده به وزارت خارجه تقدیم داشته است. البته در دوسیهٔ مربوطهٔ آن وزارت متبوعه موجود است، هرگاه موجود نیست صورت آن که در دفتر کارگذاری است در صورت لزوم از حکومت مطالبه فرمایند.

رئیس تذکرهٔ بنادر
محمدعلی

[پی نوشت:]

مراجعه به دفتر بشود اگر موجود نباشد سوادها از دفتر کارگذاری خواسته شود. این راپورت هم با ضمیمه به عرض برسد.

سواد معاهدهٔ علی‌بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

شیوخ بحرین آل عتواب از احمدبن خلیفه که در سنهٔ ۱۱۹۷ هجری مطابق سنهٔ ۱۷۸۲ عیسوی هرج‌ومرج ایران را غنیمت شمرده و بحرین را از تصرف شیوخ آل مذکور خارج کرده و آنها را به بوشهر فرستـــادو آن فرصت به واسطهٔ منازعات بین لطفعلی خان زند و آقا محمدخان قاجار بود. بعد از استقرار سلطنت قاجاریه، خود احمدبن خلیفه و اخلاف او مطیع دولت ایران بودند تا محمدبن خلیفه که انگلیسها مشغول مداخله شدند.

تقریباً در حدود ۱۲۸۰ واند هجری بود و محمد بن خلیفه زیر آن بار نرفت و نتیجه این شد که منفی به عدن و بعد به حجاز شد. پس از آنکه محمدبن خلیفه را در مرتبهٔ اوّل از بحرین قرار دادند علی بن خلیفه برادر محمد ابن خلیفه شیخ بحرین شده و مراسلهٔ ذیل که به پارسی کرده‌ام به کلنل پیلی جنرال قونسول وقت در خلیج فارس نگاشته و در آن مراسله معاهدات خود را شرح داده است و سواد نسخهٔ عربی آن هم لفاً تقدیم داشت.

ترجمه: به نام خداوند تعالی می‌گویم و من علی بن خلیفه‌ام با کافهٔ رعایای بحرین از خاص و عام آنکه محمدبن خلیفه به مرات و کرّات عدیده حاصل شده از او خلافها و دزدی در دریا و از سبب همین افعال خود، حال گریزان شده است از بحرین و ترک نمود آنچه مستحق بود از مشخیت و حکومت و گریزان شد از شهر، و حال از حکّام و مشایخ موجوده من علی بن خلیفه پس به همین‌سبب دریافت داشتم خطی که شما نگاشته بودید و خطاب کرده بودید در او شیخ محمدبن خلیفه را و ملتفت شدم مطلب را و من قبول می‌نمایم و راضی می‌شوم و شرط می‌کنم بر نفس خود شروط نگاشته شده در ذیل این معاهده فقط من التماس می‌نمایم از جناب سرکارذی الاقتدار (در خلیج فارس تاکنون دولت انگلستان را سرکار خطاب می‌نمایند) بعضی گذشتها و مسامحات اولاً کشتی‌های بحریه محمدبن خلیفه و من که علی بن خلیفه‌ام سرکارذی الاقتدار بخشیده و به من بدهند بعد از آنکه تسلیم نمودم شروط ذیل (آن کشتی‌ها را بتیل گویند).

ثانیاً تسلیم نمایم برای جناب افخم بالیوز صاحب (جنرال قونسول انگلیس را در بنادر بالیوز می‌گویند گمان می‌نمایم کلمه‌ای است هندی) صدهزار ریال که معادل چارلک قران است (ریال سکه‌ای است متعلق به فرانسه و اطریش که تاکنون در عربستان جاری است در بنادر ایران حالت نقره از چند سال قبل پیدا کرده است و متداول نیست و اقوا و دلیل ایرانیت بحرین این است که در آن موقع قران ایران در آنجا متداول بوده) و به تحقیق کرم بنماید به ما جناب صاحب افخم (یعنی کلنل پیلی) در اقساط و فصول چهارگانه از آن مبلغ صدهزار قران نقداً داده شود و سیصد هزار قران تسلیم نمایم در سر هر سال از همین تاریخ هر قسط صدهزار قران.

ثالثاً بدانند همگی آنکه محمدبن خلیفه خارج از بحرین و تخلیه کنندهٔ آنجاست و هرگاه مراجعت نماید، محمدبن خلیفه به بحرین قبول می‌نمایم بر نفس خود و ملتزم هستم که به یاری خداوند او را به طیب خاطر یا بغیر طیب خاطر او را خارج کنم، هرگاه عمل ننمودیم به آنچه نوشته‌ایم، پس ما مانند محمدبه خلیفه خائن و مخرب از امور دریا هستیم. به رجوع شونده است برای رفع فساد و اغتشاش در دریا و امنیت برای

مدافعه پیش آمد. احوال بخصوص تکلیف بر اهل قطر که آنها باشند، رعیت من چنانچه بوده‌اند (در اینجا دولت ایران می‌توانند قطر را هم تصاحب کند) و همین گونه عادت همیشگی بوده است و واجب است بر من هر موقع ببینم چیزهایی که اسباب اغتشاش می‌شوند فوراً فرستادند. بفرستم برای جناب عالیجاه بالیوز صاحب (خود کلمهٔ عالیجاه باز در این مراسله دلیل است برای ایرانیت آنها) و بتحقیق راضی شدم به این شروط نگارش یافته برای خود و آنانی که بعد از من آیند.

الواثق بالله الولی عبده علی مهرالواثق بالمنان فهد بن احمد آل سلمان مهر: سلمان‌بن محمود ال خلیفه مُهر عبده احمدبن خلیفه مهر مُهر غیر خانا.

این همه نتایج و خیمه، نتیجهٔ تفویض انتظامات دریا به انگلیسهاست. در سنهٔ ۱۸۱۸/۱۲۳۴ که باسعیدو را هم در همان موقع متصرف شده‌اند اطلاعاً عرض نمود.

محمدعلی

بتاریخ ۱۲/۶ ماه ۱۳۰۶

وزارت امور خارجه

ریاست کل تذکره بنادر خلیج فارس

نمره ۴۲۵

ضمیمه ندارد

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

اخیراً چون مسائل راجع به بحرین در روزنامجات ملاحظه میشود سواد معاهده عمال خلیج با انگلیس که در اوراق خود یافته از راه یادآوری با ذکر بعضی توضیحات از خود نیز در نموده لفاً تقدیم داشت با سواد عربی آن. در موقعی که بنده کارگزار عباسی بود کتاب معاهدات ایران انگلیس با دولت ایران و سایر شیوخ بدست آمد و صورت آن معاهدات انگلیس آنرا که از جمله معاهدات انگلیس با بحرین و عمان در سنه ۱۸۹۲ میلادی است تحت نمره ۲۱۴ ۹ جدی ۱۳۰۱ بکارگزاری بنادر فرستادم و کارگزاری هم سواد آنرا به وزارت خارجه تقدیم داشته است البته در دوسیه مربوطه آن در وزارت موجود است هرگاه موجود نیست صورت آن در دفتر کارگزاری است در صورت لزوم از کارگزاری مطالبه فرمایند.

۹ / ۱ / ۷

سواد معاهدهٔ علی بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

شیوخ بحرین آل عتوب از احمد بن خلیفه در سنهٔ ۱۱۹۷ هجری مطابق سنهٔ ۱۷۸۲ عیسوی بحرین را از ایران
به غنیمت شمرده و بحرین را از تصرف شیوخ آل مذکور خارج کرده و آنها را بوشهر فرستاد و آن
فرصت بواسطهٔ منازعات بین لطفعلی خان زند و آقا محمدخان قاجار بود بعد از استقرار سلطنت قاجاریه
خود احمد بن خلیفه و اخلاف او مطیع دولت ایران بودند تا محمد بن خلیفه که انگلیسها مشغول ماخذ شدند
تقریباً در حدود ۱۲۸۰ و اند هجری بود محمد بن خلیفه زیر آن بار نرفت در نتیجه این شد که منفی به عدن
و بعد به حجاز شد پس از آنکه محمد بن خلیفه را در مرتبهٔ اول از بحرین قرار دادند علی بن خلیفه برادر محمد بن خلیفه
شیخ بحرین شده و مراسلهٔ ذیل را به فارسی کرده و به کلنل پیلی جنرال قونسول وقت در خلیج فارس نگاشته
و در آن مراسله معاهدات خود با انگلیسها را شرح داده است و سواد نسخهٔ عربی آن هم تقدیم داشت

ترجمه بنام خداوند تعالی میگویم و من علی بن خلیفه ایم با کافهٔ رعایای بحرین از خاص و عام که محمد بن خلیفه به مرات
و کرات عدیده عاصی شده از او خلافها و دزدی در دریا و از سبب همین افعال خود حال گریزان شده است از بحرین
و ترک نموده آنچه مستحق بود از مشیخت و حکومت و گریزان شد از شهر و حال از حکام و شیوخ مرجوده من علی بن
خلیفه پس بهمین سبب دریافت داشتم خطی در شما نگاشته تهدید و خطاب کرده بود و دید داد شیخ محمد
بن خلیفه را و حقیقت شدم مطلب را و من قبول مینمایم و راضی هستم و شرط میکنم بر نفس خود شروط نگاشته
شده در ذیل این معاهده و فقط من التماس مینمایم از جناب سرکار ذی الاقتدار (در خلیج فارس تاکنون دولت
انگلستان را سرکار خطاب مینمایند) بعض گذشتها و مساهمات

اولاً کشتیهای بحریه محمد بن خلیفه و من که علی بن خلیفه ام سرکار ذی الاقتدار بخشیده و به من بدهند
بعد از آنکه تسلیم نمودم شروط ذیل و آن کشتی ها را بتیلی گویند.

ثانیاً تسلیم نمایم برای جناب افخم بالیوز صاحب (جنرال قونسول انگلیس در بنادر بالیوز میگویند گمان مینمایم
کلمهٔ هندی است) صد هزار ریال که معادل چهار لک و اند است (ریال سکه ای است متعلق به اطریش
که تاکنون در عربستان جاری است و بنادر ایران حالیت نقره که چندی قبل پیدا کرده است و متداول بنیت واقعا
در اطریش دلیل برای بحرین این است که در آن موقع در ایران هم متداول بوده) بتحقیق کرم نماید که
جناب صاحب محتشم (یعنی کلنل پیلی) در اقساط و فصول چهارگانه از آن مبلغ صد هزار قران نقد ادا شود و
سیصد هزار قران تسلیم نمایم در سر هر سال از همین تاریخ قسط صد هزار قران.

ثالثاً بدانند همگی آنکه محمد بن خلیفه خارج از بحرین دخالت کند کسانیکه همراه اوست بنماید محمد بن خلیفه
به بحرین قبول مینمایم بر نفس خود و ملتزم هستم که به یاری خداوند او را به طیب خاطر یا بغیر طیب خاطر او را
خارج کنم و هرگاه عمل ننمودیم با آنچه نوشته ام پس ما مانند محمد بن خلیفه خائن و منحرف از امور دریا هستیم
بر جمع گردیده است برای رفع فساد و اغتشاش در دریا و امنیت برای مدافعه بیشتر آید احوال بخصوص تعلیق
برای قطر که آنها هستند رعیت من چنانچه بوده اند (در اینجا دولت ایران میتواند قطر را هم تصاحب کند)
و همچنین عادت همیشگی بوده است و واجب است بر من هر موقع به بینم چیزها که اسباب اغتشاش
میشوند فوراً فرستادن نوشتم برای جناب عالیجاه بالیوز صاحب (خود کلمهٔ عالیجاه بازدید انهم دلیل است
برای اهمیت آنها) و تحقیق راضی شدم باین شروط نگارش یافته برای خود و آنانکه بعد از من آیند الواثق
بالله الولی عبده علی مهر الواثق بالمنان فهد بن احمد آل سلمان مهر سلمان بن محمود آل خلیفه مهر

عبده احمد بن خلیفه مهر مهر نجیر خانا

سواد معاهده علی بن خلیفه شیخ بحرین با انگلیسها

بسم الله تعالی اقول وانا علی بن خلیفه وکافة رعایای البحرین من الخاص والعام ان محمد بن
خلیفه مرارا واکرارا احصل منه الخلاف والسرقات فی البحر ومن سبب افعاله الآن هرب من البحرین
وترک ما یحقه من المشیخه والحکومه وهرب من البلاد والان الموجود من الحکام والمشایخ
وانا یا علی بن خلیفه فلذالک قبضت الخط الذی کتبه جنابکم وخاطبتم فیه الشیخ محمد بن خلیفه
وفهمت المطلب وانا اقبل وارضی واشرط علی نفسی الشروط محرره فی ذیل هذه المعاهده غیر انی
التمس من جناب السرکاد ذی الاقتدار بعض المساعدات

اولاً البتابیل البحریه وهم خشب محمد بن خلیفه وایضا خشبی انا یا علی بن خلیفه قد عفوا عنهم
السرکار ذی الاقتدار واعطونی ایاهم بکرامنهم بعد ما سلمتم لهم

ثانیاً اسلم الی جناب الافخم بالیوز صاحب الف ریال موجب دیعة لک قوان وقد سلمتم
علی جناب الصاحب الافخم فی مقاصلة اربعة سنوات من ذالک مایة الف قران اسلمه
حال التاریخ وثلاثة لک هسلم علی رأس کل سنه من هذه الشهر الحال مائة الف قران

ثالثاً ان یعرفوا الجمیع ان محمد بن خلیفه خارجاً ومخلیا من البحرین واذا رجع محمد بن خلیفه
الی البحرین اقبل علی نفسی والزم ان شاء الله منها بالطیب وبالغیر اطرده واذا
ما عملنا علی ما ذکرناه فنکون نحن مثل محمد بن خلیفه خائنین ومخرجین من البحرین راجعا
لاجل دفع الفساد والاغتشاش فی البحر والامنیه لی انا یا علی بن خلیفه والی
دیرتی البحرین یکون دائماً جناب الافخم البالیوز صاحب مطلعا لملافقة الاحوال

لا سیما تکلیف علی اهل قطر لیکونون رعیتی کما کانوا وجرت علیه العادة و
یجب علی اذا رأیت شیئاً یوجب الاغتشاش منهم ان اعمل لی طاروش الی
جناب عالیجاه بالیوز صاحب وقد رضیت بهذه الشروط المحرره
لی والی من یولی الواثق بالله الولی عبده علی مهر الواثق بالمنان
فهد بن احمد آل سلمان مهر سلمان بن محمود آل خلیفه مهر عبدالله احمد بن خلیفه مهر
مهر نمیر خانا

این همه شایع وخیمه شیخه تفویض انتظامات دریا بانگلیسها است در سنه ۱۸۱۸ که با سعیدی داریم در عمان
۱۲۳۴
موقع تصرف شد نظر اطلاع عرض نمود ...

شماره: ۳۷
فرستنده: نمایندگی سیاسی و جنرال قونسولگری دولت علیهٔ ایران در بین‌النهرین
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۰۶
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب راپرت مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۰۶ نمره ۳۵۵۸ راجع به جزایر بحرین که متعلق به دولت علیه است، شرحی در جریدة العالم العربی مورخهٔ ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ شمارهٔ ۱۲۲۱ درج گردیده که ترجمه با عین قطعهٔ روزنامهٔ مزبور را لفاً تقدیم و در صورتی که رأی محترم عالی اقتضا فرمایند، قدغن خواهند فرمود. جراید مرکزی هم راجع به بحرین که از متعلقات دولت علیه است مقالاتی را درج و یا اینکه در صورت تصویب در جراید بین‌النهرین به نام یک نفر ایرانی دراین باب به ایراد جوابهای لازمه مبادرت ورزد که رفع سوءتفاهم در جامعهٔ ایرانی و عراقی بشود.

ترجمه از جریدة العالم العربی مورخ ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ نمرهٔ ۱۲۲۱ مسئلهٔ بحرین بیانات وزیر امور خارجهٔ انگلیس

لندن فی ۲۹ فوریه: جزایر بحرین جزایر کوچکی است که در خلیج فارس واقع و نسبت به جزایر دیگر اهمیتی ندارد مگر از وجههٔ تاریخی زیرا وطن اصلی فنیقی‌ها بوده و شیخ مشمول در تحت حمایت انگلیس در آنجا حکومت می کند. این جزایر مدتهاست بین ایران‌و انگلیس محل نزاع است زیرا ایران ادعای سیادت بر آن جزایر می کند. در یکی از مواد معاهدهٔ انگلیس و حجاز که در سنهٔ ماضیه منعقد شده نیز ذکری از این جزایر شده بود و حکومت ایران بر حقی که حکومت انگلیس برای اقدام در این امر تحصیل نموده و اظهاری که راجع به حمایت خودش بر آن جزایر در معاهدهٔ مزبور نموده است، در نزد حکومت انگلیس و سایر اعضای مجمع‌الملل اعتراض و ادعا نمود که سیادت جزایر مزبور با اوست.

سراوستین سمبر لین یادداشتی امروز در جواب ادعاهای ایران نوشته و در آن تصریح نمود که جزایر بحرین نه از وجهه جغرافیائی و نه از وجههٔ قومی جزو ایران نیست و دلایل تاریخی نیز اقامه نمود که ثابت می کند براینکه دولت ایران اعتراف کرده است که دولت انگلیس حق حمایت بر جزایر بحرین را دارد و در خاتمه اظهار نمود که دولت

انگلیس برای تغییر وضعیت جزایر بحرین و ترقی آن به طور مسالمت خیلی سعی و کوشش نمود و حالا سزاوار نیست تقاضاهای غیر مشروع همسایه رونق و صفای آنها را از بین ببرد و بدیهی است آن تقاضای همسایه برای این است که آنها را نسبت به حکم اجنبی فروتن کند و نیز اظهار نمود که انگلیس حاضر نیست از سیاستی که تاکنون بر جزایر بحرین اجرا نموده است دست بر دارد و نیز اظهار نمود که حکومت بخوبی می‌داند که قشون ایران در قرن هفدهم و در اواخر قرن هیجدهم داخل جزایر بحرین شدند ولی قبایل عرب در ۱۷۸۳ آنها را بیرون کردند و فرمانده قشون عرب هم در آن موقع جد شیخ حالیه بود و از آن تاریخ تاکنون جزایر بحرین عملاً در تحت حکم دولت ایران در نیامده است.

این یادداشت دولت انگلیس ادعای دولت ایران را که گفته بود دولت انگلیس سیادت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است تکذیب نموده و تصریح نمود که روابط مخصوص که بین مشایخ بحرین و انگلیس است مبتنی بر معاهداتی است که متجاوز از یک قرن است متدرجاً بین آنها منعقد شده است و تمام آن معاهدات استقلال حکام بحرین را تصدیق کرده است.

دلایلی را که دولت ایران اقامه کرده و مدعی بود که به موجب این دلایل دولت انگلیس سیادت دولت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است، تمام آن دلایل را سرسمبرلین مشروحاً رد نمود و مهمترین آن دلایل که ایران متمسک به آن است، اظهار (ارل کلارندن) این طور گفته است که حاضر است از بعضی تکالیف و وظایفی که در خلیج فارس بر عهدهٔ او هست صرف‌نظر کرده و آنها را به دولت ایران واگذار نماید مشروط بر اینکه مایل به آن بوده و بتواند از عهدهٔ آن برآید. این عبارت به طور واضع می‌رساند که دولت انگلیس ادعای سیادت دولت ایران را بر جزایر بحرین به هیچ وجه تصدیق نکرده است و سرسمبرلین صریحاً اظهار نمود که در یادداشتی که سفیر انگلیس در سنهٔ ۱۹۰۶ به دولت ایران داده، وضعیت حالیه کاملاً معین و محدود شده است و دولت انگلیس در این یادداشت خود اظهار کرده است که سیادت ایران را بر بحرین ابداً تصدیق نکرده است و هیچ‌گونه ادعایی را هم از طرف ایران راجع به این موضوع نمی‌پذیرد.

ترجمه مطابق اصل است

محمد حسن

مورخه ۱۸ اسفند سنه ۱۳۰۶
نمره ۵۸۲۱ ضمیمه

نمایندگی سیاسی وجنرال قونسلگری دولتعلیه ایران
در بین النهرین

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب راپرت مورخه ۲۹ بهمن ۱۳۰۶ نمره ۳۵۵۸ راجع بجزایر بحرین
راجع به حق دولت علیه ایران شرحی در جریده العالم العربی مورخه ۱۲ رمضان ۱۳۴۶
شماره ۱۲۲۱ درج گردیده ترجمه عین قطعه روزنامه مزبور را لفاً تقدیم و در صورتیکه
رای محترم عالی اقتضا نماید قدغن خواهند فرمود جراید مرکزی هم راجع بحرین از حقوق
دولت علیه ایران مقالاتی را درج و بالاخره در صورت تصویب در جراید بین النهرین
بنام یک نفر ایرانی در این باب به ایراد جوابهای لازمه مبادرت ورزد و
سواد آنها هم در ضمیمه ایرانی [illegible]

اداره بحرین ۳۰۷/۱/۹

[illegible] ۵۱۵۴

سواد .... نمره .... مورخه .... وزارت / اداره که اصل آن بنمره .... ثبت شد

ترجمه از جریده العالم العربی مورخه ۱۲ رمضان ۱۳۴۶ م ۱۳۲۱

مسئله بحرین

بیانات وزیر امور خارجه انگلیس

لندن فی ۲۹ فوریه جزایر بحرین جزایر کوچکی است که در خلیج فارس واقع و نسبت بجزایر دیگر اهمیتی ندارد مگر از جهة تاریخی زیرا وطن اصلی فینیقیها بوده و شیخ شمول در تحت حمایت انگلیس در آنجا حکومت میکند این جزایر مدتهاست بین ایران و انگلیس محل نزاع است زیرا ایران ادعای سیادت بر آن جزایر میکند و یکی از مواد معاهده انگلیس و حجاز که در سنه ماضیه منعقد شده نیز ذکری از این جزایر شده بود و حکومت ایران بر جهتی که حکومت انگلیس برای اقدام در این امر توضیحی ننموده و اظهاری که راجع بحمایت خود بر آن جزایر در معاهده مزبور شده است در نزد حکومت انگلیس و سایر اعضای مجلس اعالی اعتراض و ادعا نمود بر سیادت جزایر مزبوره داده است.

سر اوستین چمبرلین یادداشتی امروز در جواب ادعاهای ایران نوشته و در آن تصریح نموده جزایر بحرین ابداً از جهة جغرافیائی و نه از جهة قومی جزو ایران نیست و دلیلی تاریخی نیز اقامه نموده که ثابت میکند بر اینکه دولت ایران اعتراف کرده است که دولت انگلیس حق حمایت بر جزایر بحرین را دارد و در خاتمه اظهار نموده که دولت انگلیس برای بهبود وضعیت جزایر بحرین و ترقی آن بطور مسالمت جمعی و کوشش نموده و حالا سزاوار نیست نقشه‌های غیر منتشره راجع بهمسایه رونق و صفای آنها را از بین ببرد و بدیهی است آن نقشه‌های همسایه برای این است که آنها را نسبت بحکم اجنبی فروتن کند و نیز اظهار نموده که انگلیس مامور نیست در سیاستی که نسبت بجزایر بحرین اجرا نموده دست بردارد و نیز اظهار نموده حکمرانی بحرینها سیادت قشون ایران در قرن هفدهم و در اواخر قرن هیجدهم داخل جزایر بحرین شدند ولی قبایل عرب در ۱۷۸۳

نمایندگی سیاسی و جنرال قونسلگری دولت علیه ایران — در بین النهرین

سواد ______ نمره ______ مؤرخه ______ وزارت / اداره که اصل آن بنمره ______ ثبت شد

و آنها را بیرون کردند و خانواده شیخ عرب هم در آن موقع جد شیخ حالیه بود و از آن تاریخ تاکنون جزایر بحرین عملاً در تحت حکم

دولت ایران خارج شده است

این یادداشت دولت انگلیس ادعای دولت ایران را که [illegible] انگلیس سیادت ایران را بر بحرین تصدیق کرده است

تکذیب نموده و تصریح نموده روابط مخصوصی بین شیخ بحرین و انگلیس است مبتنی بر معاهداتی است که متناوباً از یکصد سال است

منعقد بین آنها منعقد شده است و تمام این معاهدات استقلال حکام بحرین را تصدیق کرده است

و دلایلی را دولت ایران اقامه کرده و مدعی بود به موجب آنها دولت انگلیس سیادت دولت ایران را بر بحرین تصدیق

کرده است تمام آن دلایل را سر چمبرلین رد نموده و مهمترین آن دلایل دولت ایران مراسله ای است که در آن اظهار (ارل

کلارندون) اینطور گفته است که حاضر است از بعضی تکالیف و وظایفی که در خلیج فارس به عهده او است صرف نظر کرده

و آنها را به دولت ایران واگذار نماید مشروط بر اینکه [illegible] آن نموده و بتواند از عهده آن برآید

این عبارت بطور واضح میرساند که دولت انگلیس ادعای سیادت دولت ایران را بر جزایر بحرین به هیچوجه تصدیق نکرده است

و سر چمبرلین صریحاً اظهار نمود که در یادداشتی که سفیر انگلیس در سنه ۱۹۰۵ به دولت ایران داده وضعیت حالیه کاملاً معین و محدود شده است

و دولت انگلیس در این یادداشت خود اظهار کرده است که سیادت ایران را بر بحرین ابداً تصدیق نکرده است و به هیچوجه

دعاوی را هم از طرف ایران راجع به این موضوع نمی پذیرد

ترجمه مطابق با اصل است

محمد [illegible]

شماره: ۳۸
فرستنده: دفتر تذکرهٔ محمره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول خرداد ۱۳۰۷
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

حکمی به مهر حسام‌السلطنهٔ مرحوم که در سنهٔ ۱۲۷۷ فرمانفرمای فارس بود، راجع به برقراری سالی سی‌تومان وظیفه دربارهٔ شیخ محمدبن حسین به عنوان شیخ محمدبن خلیفه حاکم بحرین از مالیات آنجا موجود است. حکم مزبور دلالت می‌کند، تا آن سال حکام بحرین مالیات به ایالت فارس می‌پرداخته‌اند عکس آن که مستوفیان فارس در ظهر امضا کرده‌اند، لفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد، چنانچه جزء مدارک محسوب باشد، مقرر فرمایند که اصل آن را ایفاد دارد.

رئیس تذکره ــ حسین حسام

[مهر حسام‌السلطنه]

حکم والا شد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه شیخ‌المشایخ حاکم بحرین سرافراز بود، بداند که نظر به ظهور مرحمت دربار عالیجناب فضایل مآب شیخ محمدبن حنیفه از هذه سنهٔ سچی‌ئیل فرخنده دلیل و مابعدها، مبلغ سی‌تومان به صیغهٔ وظیفه در حق عالیجناب مشارالیه برقرار فرمودیم که بابت مالیات وجوهات دیوانی بحرین از اهالی دریافت نماید. باید اهالی از هذه سنه سچی‌ئیل خدمت تحمیل و مابعدها هر ساله مبلغ مزبور را در وجه عالیجناب مشارالیه مهمسازی دارد که به خرج مالیات بحرین مجری خواهد شد. مقرر آنکه عالیجاهان مجدت و نجدت اکتسباهان مقرب‌الحضرت الوالا مستوفیان عظام گرام مبلغ مزبور را در حق عالیجناب شیخ محمد حسین برقرار دانسته به خرج مالیات دیوانی بحرین منظور دارند. المقرر آنکه عالیجاهان کتاب سعادت اکتساب دفترخانه مبارکه، شرح رقم مبارک را ثبت و ضبط نمایند و در عهده شناسند. تحریر فی شهر ربیع‌الثانیه ۱۲۷۷.

امضا و مهرجمعی‌از مستوفیان فارس

وزارت امور خارجه

دفتر تذکره — محرمه

نمونه (۱۲۸)

بتاریخ اول خرداد سنه ۱۳۰۷

نمره ۹۳ ضمیمه صورت عکس

تقاضی منیع وزارت جلیله امور خارجه

حکمی که مرحوم حسام السلطنه در سنه ۱۲۷۷ فرمانفرمای فارس [illegible] برادری

سالی سی تومان وظیفه درباره شیخ محمد بن حسین به عنوان شیخ محمد بن خلیفه حاکم بحرین

از مالیات آنجا موجود است حکم مزبور دلالت میکند که تا ارسال احکام

بحرین مالیات با ایالت فارس میپرداخته اینک عکس آن را مستدعیان

فارسی نوشته امضا کرده [illegible] از لحاظ مبارک بگذرد و چنانکه خود هم در [illegible]

باشد مقرر فرمایند که اصل آن را از اینجا وارد [illegible]

حسام

اداره [illegible] ۳۰۲/۳/۱۲

[illegible]

۲ ... ۱۳۰۷/۳/۷

۸۰۰۲

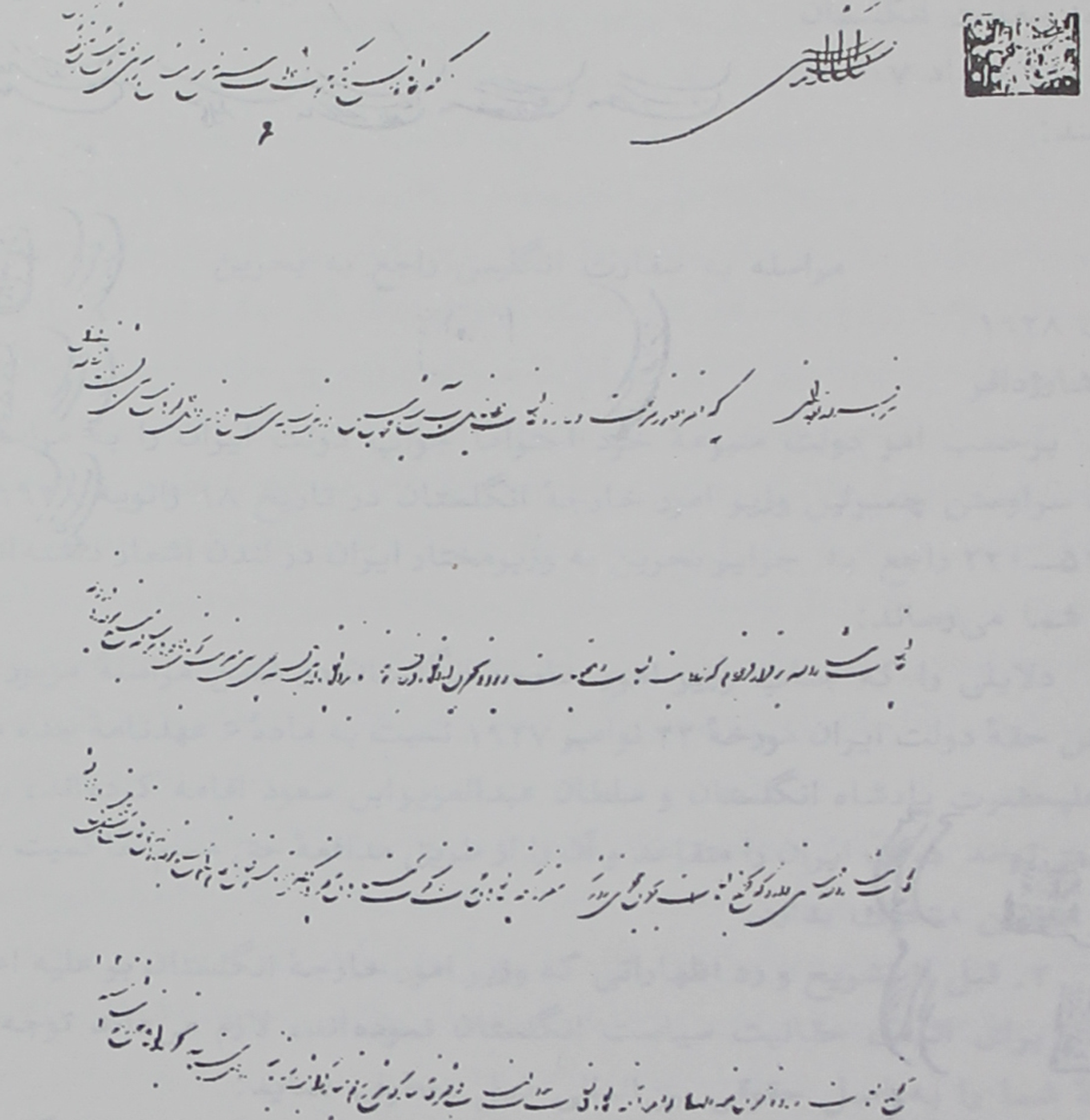

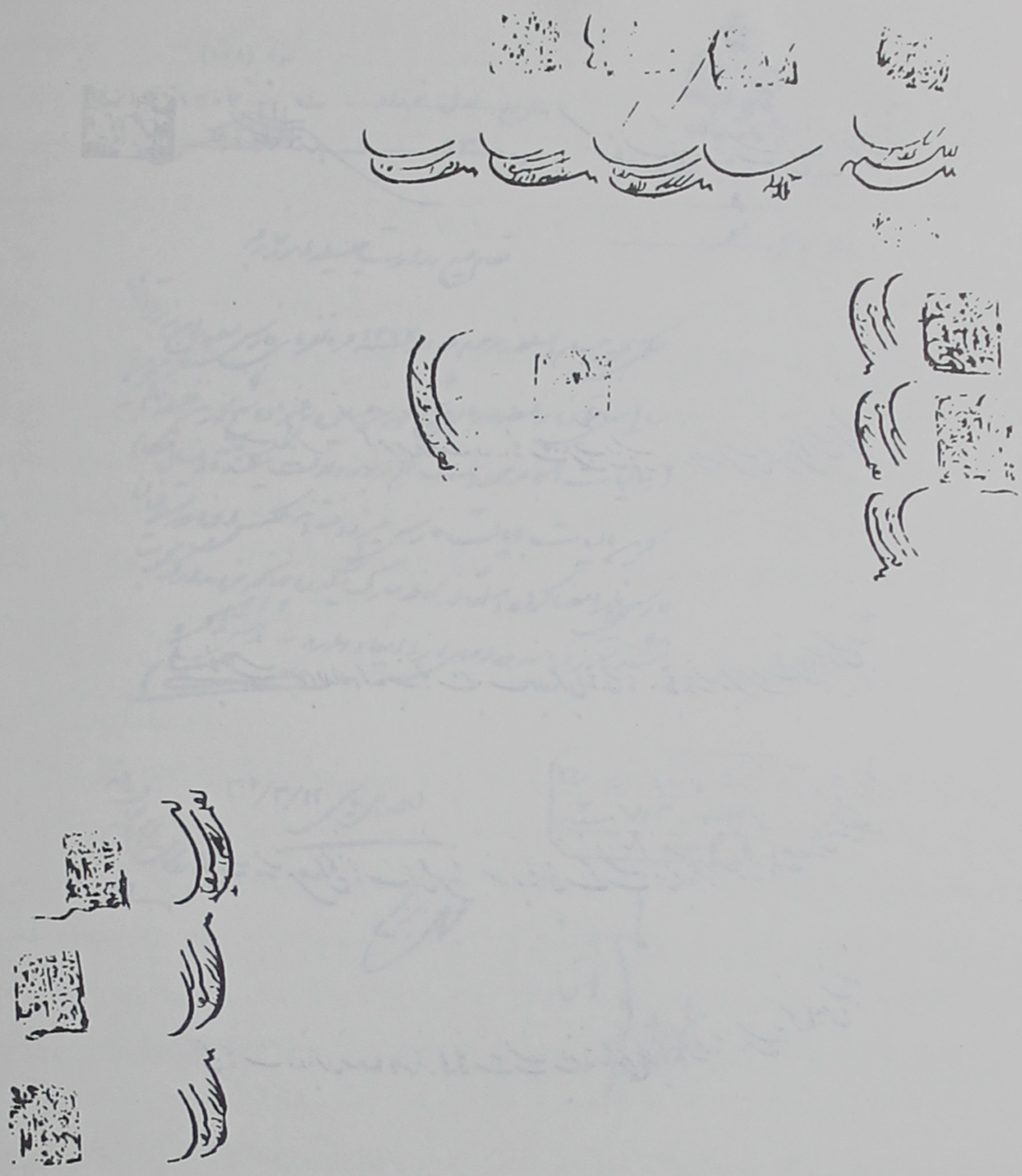

شماره: ۳۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۱ مرداد ۱۳۰۷
متن سند:

مراسله به سفارت انگلیس راجع به بحرین

۲ اوت ۱۹۲۸
آقای شارژدافر

برحسب امر دولت متبوعهٔ خود احتراماً جواب دولت ایران را به مراسله که جناب سراوستن چمبرلین وزیر امور خارجهٔ انگلستان در تاریخ ۱۸ ژانویهٔ ۱۹۲۸ نمرهٔ ۹۱ــ۵۱ــ۲۲۰ راجع به جزایر بحرین به وزیرمختار ایران در لندن اشعار داشته‌اند، به اطلاع شما می‌رساند:

دلایلی را که جناب وزیر امور خارجهٔ انگلستان در ضمن مراسلهٔ مزبور در رد اعتراض حقهٔ دولت ایران مورخهٔ ۲۲ نوامبر ۱۹۲۷ نسبت به مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده منعقده بین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سلطان عبدالعزیزابن سعود اقامه کرده‌اند، به هیچ وجه نمی‌تواند دولت ایران را متقاعد و آن را از طریق مدافعهٔ حق مسلم حاکمیت خود بر جزایر بحرین منحرف بدارد.

۲. قبل از تشریح و رد اظهاراتی که وزیر امور خارجهٔ انگلستان بر علیه اعتراض ایران و برای اثبات حقانیت سیاست انگلستان نموده‌اند، لازم می‌داند توجه دولت متبوعهٔ شما را به اصل حقوقی بین‌المللی ذیل معطوف نماید:

یک خاکی که متعلق به یک مملکت مستقلی باشد ممکن نیست از آن مملکت قانوناً مجزا شود و مادامی که حق مالکیت به واسطهٔ یک سند رسمی مثل قرارداد به دولت دیگری منتقل نشده و یا الحاق آن قطعه و یا استقلال آن از طرف مملکتی که مالک قانونی آن است رسماً شناخته نشده باشد. اینکه جزایر بحرین متعلق به ایران می‌باشد مثل تمام حقایق تاریخی بدیهی است هیچ وقت دولت مستقلی در عالم به اسم بحرین وجود نداشته و هیچ وقت دولت ایران از حاکمیت خود بر جزایر مزبوره صرف نظر نکرده و این حق خود را به دولت دیگری منتقل ننموده و هیچ یک از شیوخ جزایر مزبوره را به عنوان حکمران مستقل نشناخته است.

در تاریخ ایران بسا اتفاق افتاده است که حکام و خوانین و مشایخ یا سایر رؤسای محلی ایران برعلیه حکومت مرکزی عصیان نموده و بعد بلافاصله به اطاعت برگشته یا چندی به حال خود سری مانده و یا در میان رؤسای محلی مخاصمه رخ داده و آنکس که قویتر بوده است، ریاست محلی را ازدیگران منتزع نموده؛ ولی مانند آنها همیشه باز تابع و مطیع دولت مرکزی بوده است. بدیهی است این رقابتها و منازعات درونی هیچ وقت خللی به حق سیادت و تمامی ملکی ایران وارد نیاورده است. بنابر آنچه گذشت، به قطعی‌ترین وجهی به نام دولت خود اظهار می‌کنم که جزایر بحرین جزء لاینفک ایران بوده و دولت ایران نمی‌تواند قبول کند که خود سری موقتی با کم‌وبیش دوام یافتهٔ مشایخ بتواند به حق سیادت ایران بر آن جزایر خللی وارد آورد.

مطابق رسوم حالیهٔ بین‌المللی، هیچ وقت در موقع صلح از دولتی نمی‌توان تقاضا نمود که از حق سیادت خود بر یک قطعه از خاک خود صرف‌نظر کند به این عنوان که ساکنین آن قطعه به زبان ملی آن دولت متکلم نیستند یا اینکه آن قطعه به واسطهٔ دریا از آن مملکت جدا شده است. این حقیقت را دولت انگلستان کمتر از هر دولت دیگری می‌تواند انکار نماید. بحث در دلایل جغرافیایی و نژادی وقتی ممکن است مورد داشته باشد که یک دولتی دعوی الحاق یک قطعه خاک جدیدی را به مملکت خود به همین عنوان تقاضا نموده باشد.

گذشته‌ازحقوق ایران به جزایر بحرین، روابط نژادی و اقتصادی آن جزایر با ایران بیشتر از ارتباط آنها با هر مملکت مستقل متمدن دیگری است.

بحرین دایماً و بلا انقطاع در قرون سابقه جزء ایران بوده، جز در زمان تسلط پرتقالی‌ها از ۱۵۰۷ تا سال ۱۶۲۲ که در آن تاریخ ایران جزایر را مجدداً به تصرف درآورد.

مشایخ عرب که حکومت جزایر را داشتند حتی در قرون گذشته هم مانند حکمرانان یک مملکت مستقلی حکومت نداشتند بلکه مثل رؤسای قبایل و خوانین محلی از نواحی ایران که تا چند سال قبل هم حکومت دایم و یا ارثی داشته‌اند ولی همیشه در تحت تابعیت دولت ایران بوده‌اند.

مشایخ بحرین همیشه حاکمیت ایران را شناخته و نه فقط تا اواخر قرن هیجدهم بلکه بعدها هم به موجب اسناد معتبری که در دست است اطاعت کامل و وفاداری خود را به حکومت مرکزی ایران ابرازکرده‌اند و مالیات بحرین به خزانهٔ ایران عاید می‌شده است که این خود بهترین علامت انقیاد مشایخ بحرین نسبت به حکومت ایران است.

واضح است که این تبعیت تا وقتی که آنها در اثر مداخله یا تهدید و یا فشار دولت خارجی به عدم اطاعت تشویق نشده‌اند، مداومت داشته است.

۳. نه تنها بدیهی است که دولت ایران هیچ وقت تردیدی راجع به مالکیت و حاکمیت خود بر بحرین نداشته بلکه به دولت انگلیس هم در این حق ایران تردید نداشته است. گواه این حقیقت مکاتبه است که لرد کلارندون وزیر امور خارجهٔ انگلستان با سفارت ایران در لندن نموده است، لرد کلارندون بعد از اطلاع از اسنادی که سفارت ایران در لندن به او ارائه نموده و پس از شور با همقطار خود وزیر هندوستان در مراسلهٔ ۲۹آوریل ۱۸۶۹ خود اعلام داشته است: دولت انگلستان بسهولت اعتراف می کند که دولت شاه براینکه حق حاکمیت ایران نسبت به بحرین مورد اعتنا واقع نشده، اعتراض کرده و دولت انگلستان این اعتراض را مورد توجه لازمه قرار داده است.

به این ترتیب لرد کلارندون پس از استحضار از کیفیات و اسناد مربوطه اعلام می دارد که دولت انگلستان اعتراض دولت ایران را در مراعات نشدن حق حاکمیت او بر بحرین مورد توجهی که شایسته آن می باشد، قرار داده است. به عقیدهٔ ما ممکن نیست برای الفاظی که لرد کلارندون وزیر امور خارجهٔ وقت در مراسلهٔ خود استعمال نموده، معنای دیگری قایل شده و یا تعبیر دیگری غیر از آنچه مشهود است فرض نمود.

و همین که لرد مشارالیه در مراسلهٔ خود سعی می کند که علت مشروعی برای روابط انگلستان با مشایخ بحرین در مقابل دولت ایران اقامه نماید که البته این توضیحات در مقابل مالک مورد دارد و اینکه از طرف دیگر ساعی است که اقدامات انگلستان را در آنجا به جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده و حفظ امنیت خلیج محدود می‌نماید، خود بهترین دلیل حق حاکمیت ایران بر جزایر مزبوره می‌باشد. بی‌مورد نیست قسمت مربوطهٔ مراسلهٔ لرد مشارالیه در اینجا ذکر شود:

«خاطر شمار را مطمئن می‌سازم که دولت انگلستان شیخ بحرین را فقط برای جلوگیری از دزدی دریایی و تجارت برده و نگاهداری نظم خلیج وادار به اجرای این تعهدات می‌سازد.»

بنابراین هیچ صحبتی از حقی برای دولت انگلیس نسبت به بحرین یا استقلال جزایر مزبوره و شیوخ آن در بین نبوده است. باز در جای دیگر مراسلهٔ مزبوره، شناسایی حاکمیت ایران بر بحرین به طرز ثابتی تأیید شده است:

«اگر دولت ایران حاضر باشد که قوای کافی در خلیج برای این مقاصد نگاه دارد، این مملکت از یک وظیفهٔ پر زحمت و پر خرجی خلاص خواهد شد ولی اگر شاه

حاضر نیست که این وظایف را به عهده گیرد، دولت علیا حضرت ملکه نمی‌تواند تصور نماید که اعلیحضرت شاهنشاهی مایل هستند در آن آبها بی‌نظمی و جنایات به واسطهٔ عدم تنبیه تشویق شود.»

به این معنی که هر وقت دولت ایران مهیا به انتظام خلیج باشد، دولت انگلستان از «وظیفهٔ سنگین و مخارج گزافی که در آنجا متحمل می‌شود، رهایی یافته»، قوای خود را از آنجا خواهد برد و این وظایف را به عهدهٔ مالک حقیقی جزایر مزبوره که حقاً باید به آن عمل نماید، واگذار خواهد نمود.

و نیز لرد کلارندون اضافه می‌نماید:

«افتخار دارم به شما اشعار دارم که هر وقت عملی باشد دولت علیا حضرت ملکه از هر اقدامی که برای منقاد کردن شیخ در مواردی که رفتار شیخ مزبور لزوم آن را ایجاب کند، به عمل آورد، قبلاً دولت ایران را مطلع خواهد ساخت.»

این عبارت هم بخوبی می‌رساند که دولت انگلستان خود را موظف به اطلاع دادن مراتب به مالک واقعی جزایر مزبوره می‌دانسته است.

اظهارات صریح مذکوره فوق و تعهد رسمی دولت انگلستان در سال ۱۸۶۹ از طرفی دلیل بین بر سستی دعاوی انگلستان و از طرف دیگر شاهد قوی برای حق حاکمیت ایران نسبت به جزایر بحرین می‌باشد.

دولت ایران هیچ وقت اظهار نکرده است که شناسایی حق ایران بر بحرین از طرف اولیای دولت انگلستان موجد آن حق بوده، چنانکه بالعکس هم نمی‌تواند قبول نماید که عدم شناسایی حق ایران از طرف دولت مشارالیها حق مزبور را ساقط نماید زیرا حق حاکمیت ایران بر آن جزایر بدون تکیه به نظریات خارجی برقرار بوده و خواهد بود. مع‌هذا ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که دولت انگلیس که امروز معارض این حق ایران است که خود آن را مکرر در ادوار مختلفهٔ تاریخ شناخته است.

۴. تنها استدلالی که دولت انگلیس مکرر در موضوع بحرین بر رد حاکمیت ایران بر آن جزایر می‌نماید، موضوع دخول دولت اتگلیس در بعضی تعهدات قراردادی با شیوخ حکام بحرین می‌باشد.

در مقابل این اعتراف انگلستان دولت ایران سؤالات ذیل را می‌نماید:

یکی نقض یکی از قواعد مقدماتی حقوق بین‌المللی حقی برای نقض کننده ایجاد و آن را مجاز می‌نماید نتایجی را که از این اقدام برای سیاست آن مناسب است، اتخاذ نماید.

اگر یک نفر حاکم یا یکی از رؤسای محلی قطعه از خاک یک مملکت مستقلی، بدون اجازهٔ صریح دولت مرکزی، داخل در روابط مستقیم با یک دولت خارجی بشود؛ آیا از لحاظ حقوق بین‌المللی هیچ اثری نمی‌توان بر آن قائل شد.

آیا یک دولت خارجی حق دارد با حکام یا رؤسای محلی بدون تصدیق دولتی که حکام و رؤسای مزبوره تابع آن هستند، عقد قرارداد بنماید. و چنانچه اصول مسلمهٔ حقوق بین‌المللی از طرف یک حاکم یا رئیس محلی طوعاً و کرهاً نقض شود، ویا یک دولت خارجی برخلاف قواعد عمومی حقوق بین‌المللی داخل در روابط قراردادی با حکام یا رؤسای متمرد بشود، آیا حق حاکمیت دولت مرکزی نسبت به نقاطی که این اعمال غیر قانونی در آنها واقع شده، ساقط می‌شود.

و آیا آن حکام ویا رؤسای متمرّد می‌توانند حقاً به قراردادهای مزبوره متکی شده، دعوی استقلال نمایند.

دولت ایران هر وقت از عقد چنین قراردادهایی مطلع شده از پروتست شدید رسمی نسبت به آنها خودداری نکرده است.

۵. اظهارات وزیرمختار انگلیس در طهران در سال ۱۹۰۶ در انکار حقوق ایران بر جزایر بحرین و دعوی حمایت انگلستان نسبت به جزایر مزبوره که وزیر امور خارجهٔ انگلستان در مراسلهٔ خود به آنها اشاره فرموده‌اند، ابداً به دعاوی انگلیس قوت جدیدی نمی‌دهد.

در سنهٔ مزبوره، دولت ایران فوراً به آن اظهارات پروتست کرده و ضمناً به قرارداد مورخهٔ ۲۲ اوت ۱۸۲۲ منعقده بین کاپیتن بروس و شاهزاده حاکم فارس که حق حاکمیت ایران را نسبت به بحرین مشخص می‌نماید، متکی شده است.

بنا به اظهار وزیر امور خارجهٔ انگلستان، این قرارداد «به علت آنکه بدون اجازهٔ لازمه منعقده شده، فوراً در همان موقع از شناختن آن ابا شده است.»

بر فرض آنکه این قرارداد تصویب هم نشده باشد باز باید اعتراف نمود که قرارداد مزبور سند تاریخی فوق‌العاده گرانبهایی است که کاشف وضعیت دولت ایران و انگلیس در آن زمان نسبت به جزایر بحرین و مشایخ آن می‌باشد نکتهٔ مهم تاریخی که از آن قرارداد به دست می‌آید، همانا تصدیق و اذعان کاپیتن بروس بر این مطلب است که جزایر بحرین همیشه تابع ایالت فارس بوده است.

هیچ گونه تکذیبی نکتهٔ تاریخی مزبور را که در سال ۱۸۲۲ به وسیلهٔ یک شخص صلاحیتدار واقف به کیفیات آن حدود روشن شده، لطمه وارد نخواهد نمود. برای عدم

تصویب قرارداد مزبور هر نوع جهتی را ممکن است، فرض کرد به غیر از این علت که کاپیتن بروس تعلق بحرین را به ایران شناخته است. لرد کلارندون در مراسلهٔ مذکوره فوق که چهل و هفت سال بعد نوشته شده همان وضعیتی را راجع به بحرین تأیید و تقویت می‌نماید که کاپیتن بروس تشخیص داده است.

از طرف دیگر باید متذکر بود که اگر هم فتحعلی شاه قرارداد ۱۸۲۲ را تصویب ننموده باشد قطعاً به این علت نبوده است که حق حاکمیت او بر جزایر بحرین در قرارداد مزبور تصدیق شده است.

حقیقت این است که دولت ایران هیچ وقت حقی در تیره‌ترین مواقع تاریخ خود از اعلام حاکمیت خود بر بحرین غفلت نکرده و مخصوصاً راجع به قرارداد ۱۸۲۲، در جوابی که به تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۰۷ به مراسلات ۲ ژانویه و ۱۳ فوریهٔ ۱۹۰۷ وزیرمختار انگلستان در طهران داده، صریحاً اعلام داشته است:

«قرارداد ۱۸۲۲ ولو به طوری که آن جناب احتمال می‌دهند مجری نشده باشد، مزاحم با منظوری که اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند، نیست. مأمورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزایر و حقوق ایران را در آنجا آن طور دیده و شناخته‌اند که تصدیق کرده‌اند، حالا اگر قراردادی هم ضمناً داده باشند که آن قرارداد هم فرضاً اجرا نشده باشد، ربطی به اصل تصدیق مأمورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی همین نقطه است که دولت ایران منتظر حق‌گذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که از قدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده مرعی دارند.

۶. از زمان ارسال مراسلهٔ سابق‌الذکر لرد کلارندون که صریحاً متضمن اعتراف به حق حاکمیت ایران بر جزایر بحرین است تا این تاریخ هم هیچ گونه حقی برای دولت انگلستان در آن جزایر حاصل نشده و از این قرار دولت انگلستان حق نداشته‌است در قراردادی که با سلطان عبدالعزیزابن سعود در مه ۱۹۲۷ منعقد داشته، مداخله در این حق مسلم ایران بنماید.

این است که دولت ایران به مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده در قسمت راجعه به بحرین اعتراض کرده و به اعتراض خود باقی است.

در خاتمه دولت دوستدار امیدوار است که دولت انگلستان به دلایل تاریخی و حقوقی فوق توجه کرده تصدیق فرمایند چنین قیدی که در ماده ۶ عهدنامهٔ جده راجع به بحرین مندرج است فقط می‌تواند از طرف مالک حقیقی جزایر بحرین که ایران است،

بسته شود.

امضا ف. پاکروان
کفیل وزارت امور خارجه

مراسله به سفارت انگلیس راجع به بحرین

۲ اوت ۱۹۲۸

آقای شارژه دافر

بر حسب امر دولت متبوعه خود احتراما جواب دولت ایران را به مراسله که جناب سر اوستن چمبرلین وزیر امور خارجه انگلستان در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۲۸ نمره ۹۱ - ۵۱ - ۲۲۰ راجع به جزائر بحرین به وزیر مختار ایران در لندن اشعار داشته اند به اطلاع شما میرساند:

دلائلی را که جناب وزیر امور خارجه انگلستان در ضمن مراسله مزبور بر رد اعتراض حقه دولت ایران مورخه ۲۲ نوامبر ۱۹۲۷ نسبت به ماده ۶ عهدنامه جده منعقده بین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سلطان عبدالعزیز ابن سعود اقامه کرده اند بهیچوجه نمیتواند دولت ایران را متقاعد و آنرا از طریق مدافعه حق مسلم حاکمیت خود بر جزائر بحرین منصرف بدارد.

۲ - قبل از تشریح و رد اظهاراتی که وزیر امور خارجه انگلستان بر علیه اعتراض ایران و برای اثبات حقانیت سیاست انگلستان نموده اند لازم میداند توجه دولت متبوعه شما را به اصل حقوقی بین المللی ذیل معطوف نماید:

یک خاکی که متعلق به یک مملکت مستقلی باشد ممکن نیست از آن مملکت قانونا مجزی شود مادامیکه حق مالکیت بواسطه یک سند رسمی مثل قرارداد به دولت دیگری منتقل نشده و یا الحاق آن قطعه و یا استقلال آن از طرف مملکتی که مالک قانونی آن است رسما شناخته نشده باشد. اینکه جزائر بحرین متعلق به ایران میباشد مثل تمام حقائق تاریخی بدیهی است هیچوقت دولت مستقلی در عالم به اسم بحرین وجود نداشته و هیچوقت

۲

دولت ایران از حاکمیت خود برجزائر مزبوره صرف نظر نکرده و این حق خودرا به دولت دیگری منتقل ننموده و هیچیک از شیوخ جزائر مزبوره را بعنوان حکمران مستقل نشناخته است

در تاریخ ایران بسا اتفاق افتاده است که حکام و خوانین و مشایخ باسائر روسای محلی ایران بر علیه حکومت مرکزی عصیان نموده و بعد بلا فاصله به اطاعت برگشته یا چندی به حال خود سری مانده ویا درمیان روسای محلی مخاصمه رخ داده وآنکه قویتر بوده است ریاست محلی را از دیگران منتزع نموده ولی مانند آنها همیشه باز تابع و مطیع دولت مرکزی بوده است . بدیهی است این رقابتها و منازعات درونی هیچوقت خللی به حق سیادت و تمامی ملکی ایران وارد نیاورده است .

بنابرآنچه گذشت به قطعی ترین وجهی بنام دولت خود اظهار میکنم که جزائر بحرین جزء لاینفک ایران بوده و دولت ایران نمیتواند قبول کند که خود سری موقتی یا کمی بیش دوام یافته مشایخ بتواند به حق سیادت ایران برآن جزائر خللی وارد آورد .

مطابق رسوم حالیه بین المللی هیچوقت در موقع صلح از دولتی نمیتوان تقاضا نمود که از حق سیادت خود بریک قطعه از خاک خود صرف نظر کند بهاین عنوان که ساکنین آن قطعه به زبان ملی آن دولت متکلم نیستند یا اینکه آن قطعه بواسطه دریا ازآن مملکت جدا شده است . این حقیقت را دولت انگلستان کمتر ازهر دولت دیگری میتواند انکار نماید . بحث در دلائل جغرافیائی و نژادی وقتی ممکن است مورد داشته باشد که یک دولتی دعوی الحاق یک قطعه خاک خارجی را بمملکت خود بهمین عنوان تقاضا نموده باشد.

گذشته از حقوق ایران بجزایر بحرین روابط نژادی واقتصادی این جزایربا ایران بیشتر ازارتباط آنها با هر مملکت مستقل متمدن دیگری است .

بحرین دائما وبلا انقطاع درقرون سابقه جزء ایران بودمجزدرزمان تسلط پرتغالیها از ۱۵۰۷ تا

۳

سال ۱۶۲۲ که دران تاریخ ایران جزایر را مجددا بتصرف دراورد

منابع عرب که حکومت جزایر را داشتند حتی در قرون گذشته هم مانند حکمرانان یک مملکت مستقلی حکومت نداشتند بلکه مثل روسای قبائل و خوانین محلی از نواحی ایران که تا چند سال قبل هم حکومت دائم و یا ارثی داشته اند ولی همیشه در تحت تابعیت دولت ایران بوده اند .

منابع بحرین همیشه حاکمیت ایران را شناخته و نه فقط تا اواخر قرن هیجدهم بلکه بعدها هم بموجب اسناد معتبری که در دست است اطاعت کامل و وفاداری خودرا به حکومت مرکزی ایران ابراز کرده اند و مالیات بحرین به خزانه ایران عائد میشده است که این خود بهترین علامت انقیاد منابع بحرین نسبت به حکومت ایران است .

واضح است که این تبعیت تا وقتی که آنها در اثر مداخله یا تهدید و یا فشار دولت خارجی به عدم اطاعت تشویق نشده اند مداومت داشته است .

۳ - نه تنها بدیهی است که دولت ایران هیچوقت تردیدی راجع به مالکیت و حاکمیت خود بر بحرین نداشته بلکه به دولت انگلیس هم در این حق ایران تردید نداشته است . گواه این حقیقت مکاتبه است که لرد کلارندون وزیر امور خارجه انگلستان با سفارت ایران در لندن نموده است لرد کلارندون بعد از اطلاع از اسنادی که سفارت ایران در لندن به او ارائه نموده و پس از شور با همقطار خود وزیر هندستان درمراسله ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ خود اعلام داشته است :-

"دولت انگلستان بسهولت اعتراف میکند که دولت شاه براینکه حق حاکمیت ایران نسبت به بحرین مورد اعتنا واقع نشده اعتراض کرده و دولت انگلستان این اعتراض را مورد توجه لازمه قرار داده است."

به این ترتیب لرد کلارندون پس از استحضار از کیفیات و اسناد مربوطه اعلام میدارد که دولت انگلستان اعتراض دولت ایران را در مراعات نشدن حق حاکمیت او بر بحرین مورد توجهی که شایسته آن میباشد قرارداده است .

بعقیده ما ممکن نیست برای الفاظی که لرد کلارندون وزیرامورخارجه وقت درمراسله خود استعمال نموده معنای دیگری قائل شده وبا تعبیردیگری غیرازآنچه مشهوداست فرض نمود .

و همینکه لرد مثارالیه درمراسله خود سعی میکند که علت مشروعی برای روابط انگلستان با مشایخ بحرین درمقابل دولت ایران اقامه نماید که البته این توضیحات درمقابل مالک مورد دارد وآینکه ازطرف دیگر ساعی است که اقدامات انگلستان را درآنجا به جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده و حفظ امنیت خلیج محدود مینماید خود بهترین دلیل حق حاکمیت ایران بر جزائرمزبوره میباشد . بمورد نیست قسمت مربوطه مراسله لرد مشارالیه دراینجاذکر شود :

" خاطر شمارا مطمئن میسازم که دولت انگلستان شیخ بحرین را فقط برای جلوگیری از دزدی دریائی و تجارت برده ونگاهداری نظم خلیج وادار به اجرای این تعهدات میسازد .

بنابراین هیچ صحبتی ازحقی برای دولت انگلیس نسبت به بحرین یا استقلال جزائر مزبوره وشیوخ آن دربین نبوده است . باز درجای دیگرمراسله مزبوره شناسائی حاکمیت ایران برمجرین بطرز ثابتی تائید شده است :

اگردولت ایران حاضرباشد که قوای کافی در خلیج برای این مقاصد نگاهدارد این مملکت از یک وظیفه پرزحمت و پر خرجی خلاص خواهد شد ولی اگر شاه حاضر نیست که این وظائف را بعهده گیرد دولت علیاحضرت ملکه نمیتواند تصور نماید که اعلیحضرت شاهنشاهی مایل هستند درآن آبها بی نظمی و جنایات بواسطه عدم تنبیه تشویق شود .

بااین معنی که هروقت دولت ایران مهیا به انتظام خلیج باشد دولت انگلستان از وظیفه سنگین و مخارج گزافی که درآنجا متحمل میشود رهائی یافته " قوای خودرا ازآنجا خواهد برد واین وظائف رابعهده مالک حقیقی جزائر مزبوره که حقا باید بدآن عمل نماید واگذار خواهد نمود .

و نیز لردکلارندون اضافه مینماید :

" افتخاردارم به شما اشعاردارم که هروقت عملی باشد دولت علیا حضرت ملکه ازهراقدامی که برای منقاد کردن شیخ درمواردی که رفتارشیخ مزبورلزوم آن را ایجاب کند بعمل آورد قبلا دولت ایران را مطلع خواهد ساخت " .

این عبارت هم بخوبی میرساند که دولت انگلستان خودرا موظف به اطلاع دادن مراتب به مالک

واقعی جزائر مزبوره میدانسته است .

اظهارات صریح مذکوره فوق وتعهد رسمی دولت انگلستان در سال ۱۸۶۹ ازطرفی دلیل بین بر سستی دعاوی انگلستان و ازطرف دیگر شاهد قوی برای حق حاکمیت ایران نسبت به جزائر بحرین میباشد .

دولت ایران هیچوقت اظهار نکرده است که شناسائی حق ایران بر بحرین ازطرف اولیای دولت انگلستان موجد آن حق بوده چنانکه بالعکس هم نمیتواند قبول نماید که عدم شناسائی حق ایران ازطرف دولت مشارالیها حق مزبور را ساقط نماید زیرا حق حاکمیت ایران برآن جزائر بدون تکیه به نظریات خارجی برقرار بوده و خواهد بود معهذا ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که دولت انگلیس که امروز معارض این حق ایران است خود آنرا مکرر در ادوار مختلفه تاریخ شناخته است .

٤ ـ تنها استدلالی که دولت انگلیس مکرر در موضوع بحرین بر رد حاکمیت ایران برآن جزائر میماند موضوع دخول دولت انگلیس در بعضی تعهدات قراردادی با شیوخ حکام بحرین میباشد .

در مقابل این اعتراف انگلستان دولت ایران سوالات ذیل را مینماید .

یکی نقض یکی از از قواعد مقدماتی حقوق بین المللی حقی برای نقض کننده ایجاد و آنرا مجاز مینماید نتایجی راکه از این اقدام برای سیاست آن مناسب است اتخاذ نماید .

اگر یکنفر حاکم یا یکی از روسای محلی قطعه ازخاک یک مملکت مستقلی بدون اجازه صریح دولت مرکزی داخل در روابط مستقیم با یک دولت خارجی بشود آیا از لحاظ حقوق بین المللی هیچ اثری میتوان برآن قائل شد .

آیا یک دولت خارجی حق دارد با حکام یاروسای محلی بدون تصدیق دولتی که حکام وروسای مزبوره تابع آن هستند عقد قرارداد بنماید .

وچنانچه اصول مسلمه حقوق بین المللی ازطرف یک حاکم یا رئیس محلی طوعا وکرها نقض شود و یا یک دولت خارجی برخلاف قواعد عمومی حقوق بین المللی داخل در روابط قراردادی باحکام یا روسای متمرد بشود آیا حق حاکمیت دولت مرکزی نسبت به نقاطی که این اعمال غیرقانونی درآنها شده ساقط میشود .

۶

وآیا آن حکام و یا روسای متمرد میتوانند حقا به قراردادهای مزبوره متکی شده دعوی استقلال نمایند .

دولت ایران هروقت از عقد چنین قراردادهائی مطلع شده اوپروتست شدید رسمی نسبت به آنها خودداری نکرده است .

۵ — اظهارات وزیر مختار انگلیس در طهران در سال ۱۹۰۶ در انکار حقوق ایران بر جزائر بحرین و دعوی حمایت انگلستان نسبت به جزائر مزبوره که وزیرامورخارجه انگلستان در مراسله خود به آنها اشاره فرموده اند ابدا به دعاوی انگلیس قوت جدیدی نمید هد .

در سنه مزبوره دولت ایران فورا به آن اظهارات پروتست کرده و ضمنا به قرارداد مورخه ۲۲ اوت ۱۸۲۲ منعقده بین کاپیتن بروس و شاهزاده حاکم فارس که حق حاکمیت ایران را نسبت به بحرین مشخص مینماید متکی شده است .

بنا به اظهار وزیر امورخارجه انگلستان این قرارداد بعلت آنکه بدون اجازه لازمه منعقد شده فورا درهمان موقع از شناختن آن ابا شده است .

برفرض آنکه این قرارداد تصویب هم نشده باشد باز باید اعتراف نمود که قرارداد مزبور سند تاریخی فوق العاده گرانبهائی است که کاشف وضعیت دولت ایران و انگلیس درآن زمان نسبت به جزائر بحرین و منابع آن میباشد . نکته مهم تاریخی که ازآن قرارداد به دست می آید عمانا تصدیق و اذعان کاپیتن بروس براین مطلب است که جزائر بحرین همیشه تابع ایالت فارس بوده است .

هیچ گونه تکذیبی نکته تاریخی مزبور که در سال ۱۸۲۲ بوسیله یک شخص صلاحیتدار واقف به کیفیات آن حدود روشن شده لطمه نمی تواند بخواهد نمود .

برای عدم تصویب قرارداد مزبور هرنوع جهتی را ممکن است فرض کرد بغیرازاین علت که کاپیتن بروس تعلق بحرین را به ایران شناخته است . لرد کلارندون در مراسله مذکوره

فوق که چهل و هفتسال بعد نوشته شده همان وضعیتی را راجع به بحرین تائید و تقویت مینماید که کابینت پروس تشخیص داده است .

ازطرف دیگر باید متذکر بود که اگرهم فتحعلی شاه قرارداد ۱۸۲۲ را تصویب ننموده باشد قطعاً به این علت نبوده است که حق حاکمیت او برجزائر بحرین بر قرارداد مزبور تصدیق نشده است .

حقیقت این است که دولت ایران هیچوقت حتی در تیره ترین مواقع تاریخ خود از اعلام حاکمیت خود بر بحرین غفلت نکرده و مخصوصاً راجع به قرارداد ۱۸۲۲ در جوابی که بتاریخ ۱۰ اوت ۱۹۰۷ به مراسلات ۲ ژانویه و ۱۳ فوریه ۱۹۰۷ وزیرمختار انگلستان در طهران داده صریحاً اعلام داشته است :

" قرارداد ۱۸۲۲ ولو بطوریکه آنجناب احتمال میدهند مجری نشده باشد مزاحم با منظوری که اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند نیست ما مورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزائر و حقوق ایران را در آنجا آنطور دیده و شناخته اند که تصدیق کرده اند حالا اگر قراردادی هم ضمناً داده باشند که آن قرارداد هم فرضاً اجرا نشده باشد ولی به اصل تصدیق مامورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی همین نقطه است که دولت ایران منتظر حق گذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که از قدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده مرعی دارند . "

۶ - از زمان ارسال مراسله سابق الذکر لرد کلارندون که صریحاً متضمن اعتراف به حق حاکمیت ایران برجزائر بحرین است تا این تاریخ هم هیچگونه حقی برای دولت انگلستان در آن جزائر حاصل نشده و از اینقرار دولت انگلستان حق نداشته است در قراردادی که با اعلیحضرت عبدالعزیز ابن سعود در مه ۱۹۲۷ منعقد داشته مداخله در این حق مسلم ایران بنماید .

این است که دولت ایران به ماده ۶ عهدنامه جده در قسمت راجعه به بحرین اعتراض کرده و به اعتراض خود باقی است .

درخاتمه دولت دوستدار امیدوار است که دولت انگلستان بدلائل تاریخی و حقوقی فوق توجه کرده تصدیق فرمایند چنین قیدی که در ماده ۶ عهدنامه جده راجع به بحرین مندرج است فقط میتواند از طرف مالک حقیقی جزائر بحرین که ایران است بسته شود . امضاء ف . پاکروان
کفیل وزارت امور خارجه

شماره: ۴۰
فرستنده: وزارت داخله، ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

محرمانه

مقام محترم وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به موجب تلگرافی که رمزاً از نظمیهٔ محمره به وسیلهٔ نظمیهٔ ناصری واصل گردیده است، سلمان نام بحرینی، برای مسافرت به بصره تذکرهٔ قراء سرحدی از گمرک اخذ و برای ویزا به قونسولگری انگلیس برده در آنجا برخلاف سابق تحت عنوان اینک بحرین متعلق به انگلیس است، تذکره را ویزا نکرده و به مشارالیه جواز داده‌اند. نظمیه هم از ویزای جواز مزبور خودداری و راجع به معامله که نسبت به بحرینی‌ها باید شود کسب تکلیف نموده است. اینکه مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند امر مقرر فرمایند هر نوع مقتضی است، تکلیف اقدام را معین نمایند که از همان قرار به نظمیه آنجا دستور داده شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی—سرتیپ درگاهی

وزارت داخله

مدل ۱

بتاریخ [illegible] ماه [illegible] ۱۳۰۷

نمره [illegible] ضمیمه [illegible]

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

اداره [illegible]

شعبه

[illegible] محترم وزارت جلیله خارجه

در جواب [illegible] [illegible] [illegible]

وزارت [illegible] [illegible] [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] تحت عنوان اینکه [illegible] تبعه انگلیس است [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

نظمیه [illegible] [illegible]

دفتر [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]

نمره [illegible]

شماره: ۴۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

ادارهٔ محترمه کل تشکیلات نظمیه

در جواب مراسلهٔ نمره ۱ زحمت اظهار می دهد، بحرین متعلق به ایران است. و اهالی آنجا نیز مثل سایر اتباع ایران در موقع مسافرت به خارجه باید تذکرهٔ قانونی داشته باشند. اهالی بحرین که با تذکرهٔ قانونی و مطابق مقررات مملکتی اجازهٔ مسافرت به خارجه حاصل کردند، ویزا نمودن قونسول انگلیس به طریق معمول در تذکرهٔ آنها یا دادن ورقهٔ جداگانه برای مسافرت جهت بصره و سایر ممالک خارجه مانعی برای عزیمت آنها نخواهد بود ولی به هیچ وجه این قبیل ورقه های جداگانه که به اسم جواز از طرف قونسولگری انگلیس ممکن است داده شود، نباید از طرف مأمورین مربوطهٔ ایران ویزا شود.

۵ / ۲

وزارت امور خارجه

اداره ...

دائره ...

نمونه (۱۰)

بتاریخ ۱۴ / ر / ... سنه ۱۳۰۷

نمره ۲۳۴۴ ضمیمه ...

۱۴ ر ر

در باره [illegible]

در جواب مراسله نمره ۴ ... [illegible] اظهار ... کمپانی نفت ایران و انگلیس [illegible]

آنها ... تبعه ایران ... سفارت باید تذکره قانونی ... داشته باشند [illegible]

[illegible] در باب تذکره قانونی ... مقررات مملکتی [illegible]

[illegible] قونسول انگلیس ... [illegible]

[illegible] برای [illegible] آنها ... بعد ... قیمت ... [illegible]

از طرف قونسولگری انگلیس ... بنا به اطلاع ... [illegible]

ویزا شده

[illegible]

یکی ... با اداره ... [illegible]

شماره: ۴۲
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

جریدهٔ (اسکاتزمن **Scatzman**) منطبعهٔ (ادنبور **Edinborg**) در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۸ شرحی به مناسبت اقامت سید تیموربن فیصل بن ترکی، سلطان مسقط در انگلستان نوشته و ضمناً اشعار می‌دارد که مسقط چندین دست گشته و زمانی ایران، گاهی عثمانی، وقتی وهابی‌ها، و حتی در زمان سلف، پرتغالی‌ها بر آن استیلا یافته و در اواخر قرن نوزدهم نیز اختلاف مهمی بین دولتین انگلیس و فرانسه در موضوع آن روی داد. قبل از جنگ نیز روسیه می‌خواست خود را به آبهای گرم خلیج‌فارس رسانده، آلمان خیال داشت (کویت) را منتهی‌الیه راه‌آهن بغداد قراردهد و فرانسه و امریکا هم با دیدهٔ حسادت بر انگلستان می‌نگریستند. لکن از خاتمهٔ جنگ بین ملل به این طرف تصور می‌رود خلیج‌فارس یک دریاچهٔ انگلیسی گردیده و مرکز ثقل دسایس بین مللی از آنجا به ایران و عراق انتقال یافته، در صورتی که این طور نمی‌باشد زیرا روسیه از آنجا چشم نپوشانیده و در چند هفته قبل یک کشتی روسی موسوم به (توبولشک) به آنجا مسافرت نمود و گذشته از این دولت ایران هم تجدید مطلع کرد و ادعای مالکیت بعضی نقاط خلیج‌فارس را از قبیل بحرین می‌نماید.

آوانس ملکم

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

مورخه ۱۱ ماه مهر ۱۳۰۷
۳ اکتبر ۱۹۲۸

نمره ۵۵۴/۳۰۷

ضمیمه ندارد

وزارت جلیله امور خارجه

جریده انگلیسی (Scotsman) منطبعه (ادنبورگ Edinburg) در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۸
شرحی راجع به [illegible] سید تیمور بن فیصل بن ترکی سلطان مسقط در انگلستان نوشته و ضمناً اشعار داشته که [illegible] سلطان مسقط هنوز [illegible] و
زمانی اکنون گاهی در هلند و وقتی در ایتالیا و حتی مدتی زمان سلف [illegible] در ایتالیا ... در اواخر قرن نوزدهم نیز بر حسب اختلاف
مهمی بین دولتین انگلیس و فرانسه در موضوع آن روی داد. قبل از جنگ نیز روسیه منتهی درصدد [illegible] در خلیج فارس [illegible]
[illegible] (کویت) [illegible] قرار داده [illegible] انگلستان [illegible]
خاتمه جنگ بین‌الملل [illegible] خلیج فارس [illegible] انگلیس [illegible] بعد [illegible] عراق [illegible]
[illegible] روسیه [illegible] (آکو بولسک) [illegible]
[illegible] گذشته از این [illegible] بعضی نقاط خلیج فارس را [illegible]

[illegible] ۱۳۰۷/۸/۳

[illegible]

[illegible] ۱۳۰۷/۸/۳

وزارت امور خارجه [illegible]
تاریخ [illegible]
نمره ۴۴۴۰ [illegible]

شماره: ۴۳
فرستنده: سفارت ایران در واشنگتن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۰۷ ش
متن سند:

وزارت امور خارجه

متحد المآل مورخ ۲۱ شهریور گذشته، نمرهٔ ۱۱۱۹۵ واصل شد. در خصوص جزیرهٔ بحرین از وزارت خارجهٔ امریکا تحقیق شد چه نوع اطلاعاتی دارند، اظهار داشتند اطلاعات زیادی ندارند و دوسیهٔ مربوطه را نشان دادند در آنجا فقط سواد نوشتجاتی که اخیراً بین آن وزارت جلیله و سفارت انگلیس تحاطی شده و قطعات روزنامه‌جات انگلیس که در اطراف این امر مقاله نوشته‌اند، دیده شد و می گفتند نظر به اینکه دولت امریکا هیچ وقت منافعی در جزیرهٔ بحرین نداشته، اطلاعاتی راجع به آنجا نیز جمع‌آوری نکرده‌ایم، نقشه‌جات و نوشته‌جات دیگری بجزآنچه محتوی این دوسیه است در وزارت خارجه امریکا نیست. البته آن وزارت جلیله مطلع هستند که دولت امریکا برحسب مسلک معروف به (منرو دکترین **Manro Doctorin**) به امورومسائل خارج از امریکا مداخله نکرده و فقط به امور راجعه به اتازونی مشغول بودند، تا موقع جنگ که از مسلک مزبور تجاوز کرده و در جنگ عمومی اروپا دخالت و شرکت نمودند و همین مطلب مورد این تنقیدات در جراید و مجامع گردید. لیکن اهمیت جنگ و موافقت رئیس جمهور وقت مانع اثر تنقیدات گردید و بعد از جنگ نیز منافع و مصالح وقت اقتضا کرد که دولت امریکا نظریات پلتیکی و تجارتی خود را در اروپا بلکه در سایر نقاط تعقیب خصوصاً مسئلهٔ نفت که یکی از نکات مهمهٔ رقابت امروزه است اما در هرحال از اغلب مسائل که سابقاً منافعی در آن تصور نمی کرده‌اند اطلاعات خیلی محدودی دارند، من جمله مسئلهٔ بحرین است که نظر به مسلک سابق خود در دفاتر و کتابخانه‌های اینجا اطلاعات مفیدی یافت نمی‌شود.

نمره ۷۹۰ ....

ضمیمه — ....

سفارت شاهنشاهی ایران

واشنگتن ۲۳ مهر ۱۳۰۷

وزارت امور خارجه

[illegible] ۲۱ شهریور گذشته نمره ۱۱۹۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] Manro Doctorin [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۲ / ۸ / ۷

شماره: ۴۴
فرستنده: وزارت داخله ـ ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ آذر ۱۳۰۷
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب نمرهٔ ۵۰۷/۱ راجع به صدور جواز مسافرت. بحرینی‌ها از طرف قونسولگری انگلیس و خودداری نظمیه از ویزای جواز آنها، مجدداً از نظمیهٔ محمره به وسیلهٔ نظمیه ناصری رمزاً راپورت می‌دهد. قونسول انگلیس تذکرهٔ ایرانی بحرینی‌های مقیم محمره را ویزا نمی‌نماید؛ نظمیه نیز هرگاه بحرینی‌ها تذکرهٔ انگلیسی در دست داشته باشد، ویزا نمی‌کند. بدین واسطه هر یک از بحرینی‌ها که به بصره می‌روند دارای دو تذکره بوده به مأمورین سرحدی ایرانی تذکرهٔ ایرانی و به مأمورین عراقی تذکرهٔ انگلیس را ارائه و عبور می‌نمایند. مراتب را به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند که هر نوع امر و مقرر فرمایند به موقع اجرا گذارده شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی ـ سرتیپ درگاهی

مدل ۱

بتاریخ ۱۳ آذر ماه ۱۳۰۷

نمره ۸۹۵/۱۷ ضمیمه

وزارت داخله

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

دائره [illegible]

شعبه

وزارت جلیله امور خارجه

[illegible]

وزارت امور خارجه

[illegible]

Presented By:
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

[illegible]

شماره: ۴۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله ـ اداره کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۱۵ دی ۱۳۰۷
متن سند:

در جواب شرحی که تحت نمرهٔ ۸۹۵ راجع به مسافرت به بحرین و ورود بحرینی‌ها به بنادر خلیج اشعار داشته بودید، زحمت افزا می‌شود که به سفارت انگلیس از این تغییری که به ترتیب معمول سابق داده شده، اعتراض شد. لازم است به مأمورین مربوطه اکیداً و بفوریت قدغن فرمایید که به هیچ وجه تذکره برای مسافرینی که به بحرین عزیمت می‌نماید، صادر ننموده و جز با ورقهٔ علم و خبر به ترتیبی که معمول بوده است، مسافرت به بحرین را اجازه ندهند. همین طور نیز به وزارت مالیه نوشته شد.

Presented By :
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

نمونه (۲)

نمره عمومی ۱۹۷۱۶

نمره خصوصی

کارتن ۲۴

دوسیه ۱۷

وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

دائره .... شعبه

نوع مسوده باوای تلگرافیه

موضوع مسوده

ضمیمه

مسؤل پاکنویس

تاریخ تحریر ۱۵ ماه ۱۰ تاریخ پاکنویس ...... ماه ...... تاریخ ثبت ۱۵ ماه ۱۰

تاریخ خروج ۱۵ ماه ۱۰ سال ۱۳۰۵

در جواب مرقومه نمره ۴۸۹۵ راجع به سفارت بحرین و ورود
بحرینیها به بنادر خلیج اشعار داشته بودید زحمت افزا می‌شود که تقاضات
انگلیس و از این قبیل [illegible] ترتیب سمت سابق داده نشده اعتراض نمائید
لازم است [illegible] اگر [illegible] که بحرینیها تذکره
برای مسافرتی که به بحرین عزیمت نمایند صادر نمودید [illegible]
[illegible] سمت [illegible] است سفارت بحرین را اجازه ندهند
~~[illegible]~~ نیز [illegible] باید نوشته شود
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ اگر [illegible]
~~[illegible]~~

[illegible]

[illegible]

شماره: ۴۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت ایران در لندن
تاریخ: ۱۶ دی ۱۳۰۷
متن سند:

مطابق راپرتهای واصله مأمورین انگلیس به کمپانی کشتیرانی دستور داده‌اند که از قبول اوراق علم و خبر برای مسافرت به بحرین امتناع و فقط در مقابل تذکره و ویزای قونسولگری انگلیس مسافرین ایرانی را به بحرین ببرند، در حالی که تاکنون مسافرین به بحرین دارای جواز مخصوص عبور از بندر داخلی به بندر داخلی که از طرف مأمورین ایران داده می‌شد، بوده‌اند و برای این تغییر ترتیب به سفارت رسماً اعتراض شد و سواد مراسله به دارالانشای جامعهٔ ملل فرستاده می‌شود و قدغن شد با این ترتیب به مسافرین آنجا تذکره داده نشود و به مسافرینی هم که از بحرین می‌آیند و جواز ایران را نداشته باشند، اجازهٔ ورود به بنادر ندهند تا قضیه حل شود.

امضاء: پاک‌روان

اداره ...... 　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　　نمونه (۶)

☆(وزارت امور خارجه)☆

سواد [illegible] بنمره ...... مورخه ۱۶/۱۰/۷ وزارت/اداره که اصل آن بنمره: ...... ثبت شد .

مطابق راپورتهای واصله مأمورین انگلیسی مقیم بحرین گذرنامه و تذکره صادر کرده اند در ازای [illegible] اوراق هویت و خبر بعبور

سفارت بحرین اشخاص و نقاط و سواحلی تذکره داده و برای ترتیب گذرنامه انگلیسی بزنهای ایرانیان را بحرین

برده و در صورتیکه تاکنون بزنهای بحرینی دارای جواز مخصوص عبور از بندر واقع به بندر واقع

در از طرف مأمورین ایران داده میشده اند ولیکن این تغییر ترتیب سفارت را اعتراض

و ایراد در رابطه بدادالدوله و صاحبمنصبان تنظیم نمائید و تقدیم شده مادام ترتیب بزنهای اتباع

تذکره داده نشود و بزنهای ایرانی و از طرف سفارت [illegible] ایرانی نداشته باشند اجازه

ورود به بنادر ندهند تا قضیه معین شود .

[illegible]

۱۰۸۹

۱۶/۱۰/۷

شماره: ۴۷
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۰۷
متن سند:

ریاست محترم دایره تذکرهٔ وزارت جلیله امور خارجه

برطبق یادداشت متمم مورخ ۲۴ دی ماه، صورت مجلس ضمیمه را به امضا رسانده تلواً تقدیم می‌دارم. متأسفانه پریروز وقتی صورت مجلس از گمرک عودت داده شد که مقارن با تعطیل اداره بود و هذا با خبر شد.

صورت مجلس

حسب الامر برای مطالعه در ترتیب ورود بحرینی‌ها و مسافرینی که از بنادر ایران به بحرین می‌روند، کمیسیونی مرکب از امضاکنندگان ذیل دو ساعت قبل از ظهر روز یکشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۰۷ در وزارت امور خارجه تشکیل گردید. مسیوهس نیز که در مذاکرات بایستی شرکت و حضور داشته باشد، چون از طرف وزارت جلیلهٔ دربار پهلوی احضار شده و به قصر سلطنتی رفته بود، در کمیسیون حضور نداشت. مذاکراتی که در کمیسیون به عمل آمده از این قرار است:

۱. چون مأموری از ایران در بحرین نیست، بحرینی‌ها در موقع مسافرت از بحرین به ایران هیچ وسیله برای اخذ ورقهٔ علم‌وخبر ندارند. لذا هرگاه قایل شویم که بحرینی‌ها برای ورود به ایران باید یک سند هویتی داشته باشند، ناچار سند هویت خارجی تحصیل خواهند نمود زیرا فقط وسیلهٔ تحصیل سند خارجی برای آنها فراهم است و این خود بحرینی‌ها را به اخذ سند هویت خارجی تشویق می‌نماید و دال است بر عدم شناسایی آنها به تابعیت ایران بنابراین برای ورود بحرینی‌ها به بنادر ایران دو راه حل به نظر می‌رسد اولاً آنکه بحرینی‌ها را اجازه دهند بدون سند هویت وارد ایران شوند و به کلیهٔ بحرینی‌ها در موقع پیاده شدن از کشتی و ورود به ایران ورقهٔ علم و خبر داده شود؛ گرچه این اقدام موجب خواهد شد اشخاص خارجی هم بتوانند به طور قاچاق از بحرین به اسم بحرینی به ایران بیایند، در هرحال هرگاه در دست بحرینی‌ها در موقع ورود به ایران اسناد هویت خارجی دیده شود، باید مأمورین تفتیش تذکره، اوراق مزبور را از آنها

گرفته ضبط نمایند. ثانیاً به کلی ورود بحرینی ها را به بنادر ایران ممنوع داشت و برای اجرای این نظریه چون در بنادر جنوب بارانداز (اسکله) وجود ندارد و کشتی ها به مسافتی دور از ساحل لنگر انداخته به وسیلهٔ قایقهایی که از ساحل به طرف کشتی می روند مسافرین و مال التجاره محموله را به ساحل می فرستند فقط ممکن است به وسیله اعزام پلیس به کشتی ها ازپیاده شدن بحرینی ها از کشتی به قایق جلوگیری شود زیرا پس از پیاده شدن مسافر از کشتی به قایق جلوگیری از پیاده شدن مسافر از قایق به ساحل و مراجعت دادن آنها به کشتی غیر عملی است.

۲. بحرینی ها که در ایران هستند و می خواهند مراجعت به بحرین نمایند و همچنین سایر ایرانیانی که از بنادر ایران به بحرین می روند، مأمورین گمرکی علی المعمول به مشارالیهم فقط در صورت داشتن ورقه علم وخبر اجازهٔ مسافرت می دهند ولی چون کمپانی کشتیرانی تا ویزای مأمورین قونسولگری انگلیس را روی تذکره و اسناد هویت مسافرین مشاهده ننمایند بلیط به آنها نمی فروشند لذا بحرینی ها علاوه بر ورقهٔ علم و خبر از مأمورین قونسولی انگلیس نیز سند هویتی که اجازه مسافرت به بحرین به آنها می دهد برای ارائه به کمپانی کشتیرانی تحصیل می نمایند و در حین مسافرت به مأمورین ایران فقط ورقهٔ علم و خبر خود را نشان می دهند و به مأمورین انگلیس سند هویتی را که از قونسولگری انگلیس تحصیل نموده اند، ارائه خواهند داد. با این ترتیب منظور دولت حاصل نخواهد شد و طریق عملی برای استفادهٔ وسایل بر علیه کمپانی کشتیرانی که به مسافرین ایرانی که به بحرین می روند اعم از بحرینی و غیر بحرینی با داشتن ورقهٔ علم و خبر به تنهایی بلیط نمی فروشند، آن است که از طرف دوایر نظمیه قدغن شود که قایقها برای پیاده کردن مسافرین و مال التجاره کشتی هایی که از بحرین می آیند به طرف کشتی حرکت نکنند تا کمپانی مجبور شود مسافرین بحرین را با داشتن ورقهٔ علم و خبر صادره از طرف مأمورین گمرکی بدون شرط اخذ ویزا از مأمورین قونسولی انگلیس برای مسافرت به بحرین به کشتی قبول نماید.

بتاریخ ۲۶ دی ماه سنه ۱۳۰۷

نمره ________ ضمیمه ________

موضوع ________

وزارت مالیه

اداره ________

دایره ________

ریاست محترم دانشکده وزارت جلیله امور خارجه

برطبق امریه محترمه مورخه ۲۴ دیماه صورت مخارج ضمیمه را با امضاء و نشانه خود

تقدیم میدارم تا تقاضا بپردازید وجه صورت مخارج از مرکز عودت داده شود

در تقاضای تنظیم اداره نرود ولهذا تغییر شد

[امضاء]

۱۱۶

ل ۵۵۰۰

(نمونه (۸

بتاریخ .... ماه سنه ۱۳۰

نمرهٔ .... ضمیمه ....

وزارت امور خارجه

اداره ....

دائره ....

صورت مجلس

حسب الامر برای مطالعه در ترتیب ورود بحرینی‌ها و مسافرینی که از بنادر ایران به بحرین میروند کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌های ذیل

در ساعت قبل از ظهر روز یکشنبه ۲۳ دی ماه ۱۳۰۷ در وزارت امور خارجه تشکیل گردید مسیو ... که در مذاکرات بایستی

شرکت و حضور داشته باشد چون از طرف وزارت مالیه در رکاب پهلوی بخارج شده و بتعقیب سلطنتی رفته بود در کمیسیون حضور نداشت

permis de Passage

مذاکراتی که در کمیسیون بعمل آمده از قرار ذیل است :

۱- چون مأمورین ما از ایران در بحرین نسبت به بحرینی‌ها در ترتیب سازش با بحرینی‌ها برای ایجاد وسیله برای دخالت در قسمت جزایر

نه بهانه تابعیت که بحرینی‌ها برای ورود بایران باید یک سند هویت داشته باشند یا جواز سند هویت خارجی تحصیل خواهند کرد

زیرا فقط وسیله تحصیل سند خارجی برای آنها فراهم است و این خود بحرینی‌ها را با خذ سند هویت خارجی تشویق مینماید و دلالت

بر عدم شناسائی آنها بتابعیت ایران مینماید برای ورود بحرینی‌ها به بنادر ایران و راه حل بنظر میرسد اورده که بحرینی‌ها را

اجازه دهند بدون سند هویت وارد ایران شوند و بعقیده بحرینی‌ها در ترتیب پیاده شدن از کشتی و ورود بایران در تسلیم جواز

وارد بشوند اگرچه این اقدام موجب خواهد شد که اشخاص خارجی میتوانند بطور قاچاق از بحرین با اسم بحرینی بایران بیایند

ولی بهر حال هرگاه مقررات بحرینی‌ها در ترتیب ورود بایران اظهار هویت خارجی دیده شود باید امر بتفتیش کرده و از آنها اوراق

از آنها گرفته شود. ثانیاً تکلیف ورود بحرینی‌ها را به بنادر ایران تشریح داشت در برای اجرای این نظر چون در بنادر جنوب

بارانداز (اسکله) وجود ندارد و کشتی‌ها مسافرین را از راه دور لنگر انداخته بوسیله قایق‌هائی که از ساحل بطرف کشتی میروند

مسافرین و مال التجاره بکمرک و ساحل پیاده شده فقط ممکن است بوسیله اعزام مفتش بکشتی‌ها از پیاده شدن بحرینی‌ها از کشتی جلوگیری

جلوگیری شود زیرا پس از برپا شدن سازمان تعاقب جلوگیری از برپا شدن سازمان قاچاق لباس در رجعت دادن آنها کمکی غیر عملی است.

۲) بحرینی‌ها که در ایران هستند دیگر اجازه مراجعت به بحرین نداشته و همچنین مسافرین ایرانی که از بنادر ایران به بحرین بروند مأمورین گمرک عمل البحرین اشباه ایشان

فقط در صورت داشتن ورقه علم و خبر اجازه مسافرت بدهند ولی چون کمپانی‌های کشتی‌رانی تا در زمانی مأمورین قونسولگری انگلیس را روی عرشه در بنادر سیلون

مشاهده ننمایند بلیط آنها میسر نیست لذا بحرینی‌ها علاوه بر ورقه علم و خبر از مأمورین قونسولگری انگلیس نیز تذکره گرفته که اجازه مسافرت بحرین با آنها می‌دهد

برای ارائه به کمپانی‌های کشتی‌رانی تحصیل می‌نمایند و در حین مسافرت به مأمورین ایران فقط ورقه علم و خبر خود را نشان می‌دهند و به مأمورین انگلیسی تذکره را که

از قونسولگری انگلیس تحصیل نموده‌اند ارائه خواهند داد. بدین ترتیب منظور دولت عملی نخواهد شد. و طریق عملی برای آثار و سیاسی به بلیط کمپانی‌های کشتی‌رانی

که مسافرین ایرانی که به بحرین می‌روند اعم از بحرینی و غیر بحرینی با داشتن ورقه علم و خبر به تنهائی بلیط تسلیم شود و آنکه از طرف حاکم نظمیه [illegible]

برای پیاده کردن مسافرین در سال جاری کشتیهائی که از بحرین می‌آیند بطرف کشتی حرکت کنند تا کمپانی‌ها مجبور شوند مسافرین بحرین را با داشتن

ورقه علم و خبر سوار... از طرف مأمورین گمرک بدون شرط اضافه دیگر از مأمورین قونسولگری انگلیس برای مسافرت به بحرین تذکره قبول نماید

رئیس اداره [illegible] وزارت امور خارجه

شماره: ۴۸
فرستنده: وزارت امور خارجهٔ انگلستان
گیرنده: سفارت ایران در لندن
تاریخ: ۲۸ دی ۱۳۰۷
متن سند:

آقا

افتخار دارم وصول یادداشت نمرهٔ ۳۰۶ــ۹۱۰ مورخهٔ ۲۶ نوامبر جنابعالی را که شامل اعتراض رسمی است که دولت ایران مقتضی دیده‌اند بر علیه مادهٔ ۶ عهدنامهٔ جده منعقده در ۲۰ مه ۱۹۲۷ بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و توابع بنماید مبنی براینکه اشاره که در آن ماده نسبت به جزایر بحرین شده منافی تمامیت ارضی ایران است، اشعار دارم.

۲. متشکر می‌شوم اگر دولت خود را جواباً مطلع سازید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از هیچ زمینهٔ معتبری که دولت ایران بتواند ادعای خود را بر آن مبتنی بسازد، اطلاع ندارد. از نقطه‌نظر جغرافیایی، جزایر بحرین جزء ایران نیست و ساکنین آن نیز ایرانی‌نژاد نیستند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطلع است که در قسمتی از قرن هفدهم و چند سال آخر قرن هیجدهم بحرین از طرف قشون ایران یا پیروان بعضی رؤسای سواحل شرقی خلیج‌فارس تسخیر شده و تحت تصرف در آمده بود، ولی به نظر می‌آید که به تحقیق در سال ۱۷۸۳ یا در آن حدود در نتیجهٔ استیلای قبایل عرب در تحت ریاست جد مستقیم شیخ حالیه، دولت شاهنشاهی مالکیت جزایر را از دست دادند و از آن به بعد هیچ وقت جزایر در تحت نظارت مؤثر ایران در نیامده است.

۳. دولت ایران در موارد مختلفه دعوی نموده‌اند که ادعای ایران دایر به حق حاکمیت جزایر به بحرین از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شده است. اگرچه این مسئله محقق نیست، ولی به فرض صدق این ادعا و تفویض حق مالکیت به ایران، به دلایل دیگری اثبات این حق مشکل به نظر می‌آید. دولت اعلیحضرت پادشاهی احساس می‌نماید که باید یک مرتبه و برای همیشه اظهار دارد که این اظهارات به کلّی غیر قابل قبول است.

۴. روابط عهدنامهٔ مخصوص بین دولت اعلیحضرت پادشاهی و شیوخ بحرین که بدان در عهدنامه جده اشاره شده، متجاوز از صد سال است وجود دارد. اولین قدمی که

در انعقاد این رشته قراردادها برداشته شده، در سال ۱۸۲۰ به امضا رسیده است و تمام قراردادها بر این اصول بسته شده که شیخ یک امیر مستقلی است. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انکار نمی‌نماید که گاه‌گاهی دولت ایران دعوی استقلال شیخ را مخصوصاً درمباحثاتی که درسنهٔ ۱۸۶۹ پیش آمده‌ودر یادداشت جنابعالی به‌آن اشاره شده است مورد ایراد قرار داده است. مع‌هذا مایلم اظهار دارم که برای دولت جنابعالی در تعبیر مراسلهٔ ارل‌اف کلارندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ به وزیرمختار ایران و تصور اینکه در آن موقع مقصود تصدیق اعتبار دعاوی حق مالکیت ایران بر بحرین بوده سوءتفاهم کاملی دست داده است. در مراسلهٔ مزبور اشاره شده بود که دولت علیا حضرت ملکهٔ انگلستان، اعتراض ایران را راجع به حقوق حاکمیت ایران بر جزایر بحرین که از طرف اولیای امور انگلستان مورد توجه واقع نشده، تحت توجه قرار داده ولی به هیچ وجه چنین حقی را تصدیق ننموده است. بالعکس لحن تمام یادداشت بایستی این مسئله را روشن نموده باشد که دولت علیا حضرت ملکه انگلستان حقوق خود را در اینکه مستقیماً داخل روابط عهدنامه با شیخ بحرین به عنوان امیر مستقل شوند، حفظ نموده است. و اگرچه در همان موقع اشاره نمود که دولت انگلستان حاضر است با میل بعضی وظایف را در خلیج‌فارس که برای اجرای آن روابط عهدنامه ترتیب داده شده در صورتی که ایران قادر و مایل به اجرای آن باشد، به آن دولت انتقال دهد و نیز نظر به احساسات دوستانه که دولت انگلیس به ایران داشت پیشنهاد نمود که در صورت عملی بودن دولت ایران را از اقداماتی که برای مطیع ساختن شیوخ (در صورتی که رفتار آنها لزوم آن را ایجاب کند) می‌نماید قبلاً مطلع سازد. واضح است که در یادداشت مقصود تصدیق اعتبار اعتراض ایران یا ادعای آن دولت در حق حاکمیت نبوده و به آن اشاره نشده است. در حقیقت به طوری که سرهنری الیوت سفیر کبیر علیا حضرت ملکهٔ انگلستان در ترکیه در دسامبر ۱۸۷۱ به سفارت ایران در اسلامبول یادآوری نمود، یادداشت فوق‌الذکر جز اظهار اینکه ادعای ایران راجع به حق حاکمیت، سابقاً هم شده بود شامل چیز دیگری نبوده است. قراردادهای اضافی متعددی که مابین دولت انگلستان و امرای بحرین از ۱۸۶۹ تا امروز منعقد شده مبنی بر این فرض بوده که ادعای دایر بر حق حاکمیت چه از طرف دولت شاهنشاهی و چه از طرف دولت ترکیه امکان ندارد، از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شود.

۵. پس از مراسله‌ای که وزیرمختار انگلستان در طهران در سال ۱۹۰۶ برحسب دستور سلف اینجانب به شرح ذیل به دولت ایران داد، رویهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان واضحتر گردید: دولت انگلستان هیچ وقت مالکیت و یا حق حاکمیت ایران را بر بحرین تصدیق ننموده و این ادعا به عقیدهٔ دولت انگلستان غیر قابل قبول است. دولت انگلستان جزایر بحرین و سکنهٔ آن را تحت حمایت انگلیس می‌شناسد و می‌بایستی از تعقیب مذاکرات در این موضوع خودداری نماید. در یادداشت مزبور اضافه شده بود که همین جواب بعینه به دولت عثمانی که چندین مرتبه دعاوی بر بحرین داشته است، داده شده است. در جواب یادداشت مذکور اعتراض رسمی از طرف ایران واصل گردید و در آن ادعای حاکمیت بر بحرین را بر قرارداد مورخهٔ ۳۰ اوت ۱۸۲۲ که بین کاپیتن ویلیام بروس، کمیسر مخصوص دولت انگلستان و شاهزاده حکمران شیراز بسته شده بود، مبتنی می‌داشتند. به طوری که در مراسلات جوابیه وزیرمختار انگلیس مورخه ۲ ژانویه ۱۹۰۷ و ۲۳ فوریه ۱۹۰۷ اظهار شد این قرارداد در همان وقت از طرف نمایندگان صالح دولت انگلیس به عنوان اینکه بدون اختیارات بسته شده تصدیق نگردید و اعلیحضرت فتحعلی شاه نیز از شناختن شرایط آن ابا نمود و از اینکه شاهزادهٔ شیراز بدون اطلاع و یا دستور او داخل تعهداتی با دولت انگلیس شده تنفر خود را اظهار داشت. با این ترتیب بنابر حقوق و عادات بین المللی این قرارداد را نمی‌توان قابل اجرا دانست.

۶. از اشارات فوق ملاحظه خواهید نمود که دولت ایران محق نیست فرض نماید که دولت انگلستان در ۱۸۶۹ یا هر موقع دیگر خواسته است تصدیق نماید بحرین جزو ایران است و یا اینکه تصدیق می‌نماید که هرچند وقت یک مرتبه دعاوی در این موضوع از طرف دولت ایران شده ولی دولت انگلستان هیچ وقت صحت این دعاوی را که دولت ترکیه و دولت ایران مکرر در گذشته پیش آورده‌اند تصدیق ننموده است. رویهٔ دائم دولت انگلستان در قضیهٔ بحرین این بوده که سعی نماید ترقی مسالمت‌آمیز جزایر و راحتی ساکنین عرب آن با اقدامات غیر محقانهٔ همسایگان آن که بخواهند آن را تحت سلطهٔ خارجی قرار دهند، مشوب نشود. دولت انگلستان حاضر نیست که از این خط مشی خویش منحرف گردد.

مراتب احترامات

امضا: استین چمبرلین

ترجمه یادداشت جوابیه وزارت خارجه انگلیس به سفارت ایران در لندن

کابینه
اطلاعات و مطبوعات

لندن ۱۸ ژانویه ۱۹۲۸
نمره ۲۲۰ - ۵۱ - ۹۱

آقا

افتخار دارم وصول یادداشت نمره ۳۰۶ - ۹۱۰ مورخه ۲۶ نوامبر جنابعالی را که شامل اعتراض رسمی است که دولت ایران مقتضی دیده‌اند برعلیه ماده ۶ عهدنامه جده منعقده در ۲۰ مه ۱۹۲۷ بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و توابع بنمایند مبنی براینکه اشاره که در آن ماده نسبت به جزائر بحرین شده منافی تمامیت ارضی ایران است اشعار دارم.

۲ - متذکر میشوم اگر دولت خودرا جواباً مطلع سازند که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازهیچ زمینه معتبری که دولت ایران بتواند ادعای خودرا برآن مبتنی بسازد اطلاع ندارد. از نقطه نظر جغرافیائی جزائر بحرین جزء ایران نیست و ساکنین آن نیز ایرانی نژاد نیستند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطلع است که در قسمتی از قرن هفدهم و چندسال آخر قرن هیجدهم بحرین ازطرف قشون ایران یا پیروان یعنی روسای سواحل شرقی خلیج فارس تسخیر شده و تحت تصرف درآمده بود. ولی بنظر می‌آید که به تحقیق در سال ۱۷۸۳ یا درآنحدود در نتیجه استیلای قبایل عرب در تحت ریاست جد مستقیم شیخ حالیه دولت شاهنشاهی مالکیت جزائر را ازدست دادند و از آن ببعد هیچوقت جزائر در تحت نظارت موثر ایران درنیامده است.

۳ - دولت ایران در موارد مختلفه دعوی نموده‌اند که ادعای ایران دائر به حق حاکمیت جزائر بحرین ازطرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شده است. اگرچه این مسئله محرز نیست ولی بفرض صدق این ادعا و تصور حق مالکیت به ایران به دلائل دیگری اثبات این حق متعذر بنظر میاید. دولت اعلیحضرت پادشاهی اخطار مینماید که باید یک مرتبه و برای همیشه اظهار دارد که این اظهارات بکلی غیر قابل قبول است.

۴ - روابط عهدنامه مخصوص بین دولت اعلیحضرت پادشاهی و شیوخ بحرین که بدان در عهدنامه جده اشاره شده متجاوز از صد سال است وجود دارد. اولین قدمی که در انعقاد این رشته قراردادها برداشته شده در سال ۱۸۲۰ به امضا رسیده است و تمام قراردادها براین اساس بسته شده

(۲)

که شیخ یک امیر مستقلی است - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انکار نمی نماید که گاه گاهی دولت دولت ایران دعوی استقلال شیخ را مخصوصاً در مباحثاتی که در سنه ۱۸۶۹ پیش آمده و در یادداشت جناب عالی به آن اشاره شده است مورد ایراد قرار داده است. معهذا مایلم اظهار دارم که برای دولت جناب عالی در تعبیر مراسله ارل اف کلارندن مورخه ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ به وزیر مختار ایران و تصور اینکه در آن موقع مقصود تصدیق اعتبار دعاوی حق مالکیت ایران بر بحرین بوده سوء تفاهم کاملی دست داده است - در مراسله مزبور اشاره شده بود که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان اعتراض ایران را . راجع به حقوق حاکمیت ایران بر جزائر بحرین که از طرف اولیاء امور انگلستان مورد توجه واقع شده . تحت توجه قرار داده ولی به هیچ وجه حقی را تصدیق ننموده است. بالعکس لحن تمام یادداشت بایستی این مسئله را روشن نموده باشد که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان حقوق خود را در اینکه مستقیماً داخل روابط عهدنامه با شیخ بحرین بعنوان امیر مستقل بشوند حفظ نموده است. و اگرچه در همان موقع اشاره نمود که دولت انگلستان حاضر است با میل بعضی وظائف را در خلیج فارس که برای اجرای آن روابط عهدنامه ترتیب داده شده در صورتیکه ایران قادر و مایل به اجرای آن باشد به آن دولت انتقال دهد و نیز نظر به احساسات دوستانه که دولت انگلیس به ایران داشت پیشنهاد نمود که در صورت عملی بودن دولت ایران را از اقداماتیکه برای مطیع ساختن شیوخ (در صورتیکه رفتار آنها لزوم آن را ایجاب کند) مینماید قبلاً مطلع سازد . واضح است که در یادداشت مقصود تصدیق اعتبار اعتراض ایران یا ادعای آن دولت در حق حاکمیت نبوده و به آن اشاره نشده است. در حقیقت بطوریکه سر هنری الیوت سفیر کبیر علیاحضرت ملکه انگلستان در ترکیه در دسامبر ۱۸۷۱ به سفارت ایران در اسلامبول یادآوری نمود یادداشت فوق الذکر جز اظهار اینکه ادعای ایران راجع به [illegible] تفاهم شده بود شامل چیز دیگری نبوده است - قراردادهای اساسی متعددی که مابین دولت انگلستان و امرای بحرین از ۱۸۶۹ تا امروز منعقد شده مبنی بر این فرض بوده که ادعای دائر بر حق حاکمیت چه از طرف دولت شاهنشاهی و چه از طرف دولت ترکیه امکان ندارد از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق شود .

۵ - پس از مراسله که وزیر مختار انگلستان در طهران در سال ۱۹۰۶ برحسب دستور سلف اینجانب

(۲)

بشرح ذیل داده رویه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان واقف گردید: • دولت انگلستان هیچوقت مالکیت ویا حق حاکمیت ایران را بر بحرین تصدیق ننموده واین ادعاء بعقیده دولت انگلستان غیر قابل قبول است دولت انگلستان جزائر بحرین وسکنه آنرا تحت حمایت انگلیس میشناسد ومیبایستی از تعقیب مذاکرات دراین موضوع خودداری نماید • دریادداشت مزبور اضافه شده بود که همین جواب بعینه به دولت عثمانی که چندین مرتبه ادعای بر بحرین داشته است داده شده است • درجواب یادداشت مذکور اعتراض رسمی ازطرف دولت ایران واصل گردید ودر آن ادعای حاکمیت بر بحرین را بر قرارداد مورخه ۳۰ اوت ۱۸۲۲ که بین کاپیتن ویلیام بروس • کمیسر مخصوص دولت انگلستان • وشاهزاده حکمران شیراز بسته شده بود مبتنی میداشتند - بطوریکه درمراسلات جوابیه وزیرمختار انگلیس مورخه ۲ ژانویه ۱۹۰۷ و ۲۲ فوریه ۱۹۰۷ اظهار شد این قرارداد درهمان وقت ازطرف نمایندگان صالح دولت انگلیس بعنوان اینکه بدون اختیارات بسته شده تصدیق نگردید واعلیحضرت فتحعلی شاه نیز از شناختن شرائط آن ابا نموده واز اینکه شاهزاده شیراز بدون اطلاع ویا دستور او داخل تعهداتی با دولت انگلیس شده تنفر خودرا اظهار داشت - با این ترتیب بنابر حقوق وعادات بین المللی این قرارداد را نمیتوان قابل اجرا دانست.

۶ - ازاشارات فوق ملاحظه خواهید نمود که دولت ایران محق نیست فرض نماید که دولت انگلستان در ۱۸۶۹ یا درموقع دیگر خواسته است تصدیق نماید بحرین جزو ایران است وبا اینکه تصدیق مینماید که هرچند وقت یک مرتبه دعاوی دراین موضوع ازطرف دولت ایران شده ولی دولت انگلستان هیچوقت صحت این دعاوی را که دولت ترکیه ودولت ایران مکرر درگذشته پیش آورده اند تصدیق ننموده است - رویه دائم دولت انگلستان درقضیه بحرین این بوده که سعی نماید ترقی مسالمت آمیز جزائر وراحتی ساکنین عرب آن با اقدامات غیرمحقانه همسایگان آن که بخواهند آن را تحت سلطه خارجی قراردهند مغلوب نشود - دولت انگلستان حاضر نیست که ازاین خط مشی خودش منحرف گردد.

مراتب احترامات ....

امضاء : استین چمبرلین

---------- (ترجمه دائره اطلاعات وزارت خارجه)

شماره: ۴۹
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ اسفند ۱۳۰۷ ش
متن سند:

ترجمهٔ شرق نزدیک و هندوستان مورخهٔ ۸مارس ۱۹۲۸ ادعای ایران به بحرین

در جوابی که دولت انگلیس به یادداشت اخیر ایران راجع به مالکیت بحرین داد و هفتهٔ گذشته منتشر گشت، چیزی که موجب تعجب باشد، وجود ندارد. باید به خاطر آورد، دولت انگلیس در معاهدهٔ جدیدالانعقاد خود با سلطان نجد و حجاز استقلال و حقوق سلطنتی بحرین را تذکر داده در صورتی که این رویه می‌باشد که بالغ بر یک صد سال می‌شود اتخاذ نموده است.

دولت ایران این نظریه را نپذیرفته و راجع به حق مالکیت بحرین لااقل ده مرتبه اعتراض نموده در صورتی که هر خردبین بی غرض که بخواهد در اعتراضات مزبور قضاوت وحکمیت کند آنها را ابلهانه خواهد خواند. شالوده کلیهٔ قراردادهای انگلیس با بحرین در سابق بر روی استقلال شیخ جزایر مزبوره قرار گرفته و بالصراحه معلوم است نمی‌توان عادت یکصد ساله را تغییر داد. چنانکه از نظریهٔ دولت ایران استنباط می‌شود، اگر بنا باشد اوضاع عصر جرج سیم تجدید گردد، اتازونی امریکا باید تحت مالکیت انگلستان درآید. نه ادعای ایران و نه ادعای ترکیه را (در صورتی که ادعای مملکت اخیرالذکر نکتهٔ قابل ملاحظه‌ای دارد که ادعای ایران ندارد) دولت انگلیس می‌تواند بپذیرد و مقصود دولت اخیرالذکر چنانکه مشهود افتاده است «ترقی صلح طلبانهٔ جزایر مزبور و سعادت اهالی عرب آنجا می‌باشد» باید تذکر داد که خارج کردن ادعای ایران راجع به بحرین از سایر قضایا به هیچ وجه با سایر اختلافات موجود بین انگلستان و ایران ارتباطی ندارد. اختلافات مزبوره از جنس دیگری بوده‌وما یقین داریم قابل حل و تصفیه می‌باشد، مشروط بر آنکه حسن نیتی را که قضیهٔ بحرین (احتمال نمی‌رود از میان ببرد) طرفین حفظ نمایند.

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

مورخه .... ماه ۱۳۰
۱۹۲
نمره ....
ضمیمه ....

ترجمه شرق نزدیک و هندوستان مورخه ۸ مارس ۱۹۲۹

ادعای ایران بحرین

در جواب اینکه دولت انگلیس باید درباره دعاوی اخیر ایران راجع بمالکیت بحرین دلایل و شواهد دیگر گذشته منتشر گشت چیزی که موجب تعجب باشد وجود ندارد.
باید بخاطر آورد دولت انگلیس در معاهده جدید الانعقاد خود با سلطان نجد و حجاز استقلال و حقوق سلطنتی بحرین را شناخته در صورتیکه این رویه
میباشد که با این ترتیب یکصد سال میشود استقرار نموده است. دولت ایران این نظریه را نپذیرفته و راجع بحق مالکیت بحرین اقلاً ده مرتبه اعتراض نموده
در صورتیکه بر فرض همین مفروض که بخواهد در اختلافات مزبوره قضاوت و حکمیت کند آنها را ملاحظه خواهند نمود. شاید محکمه و آراء دولی
انگلیس با بحرین در سابق بر روی استقلال شیخ جزایر مزبوره قرار گرفته و با صراحه ممکن نیست بتوان عادت یکصد ساله را تغییر دهد. چنانکه نظریه
دولت ایران نسبت باین دعاوی اگر بنا باشد ادعای عصر قدیم تجدید گردد ادعای زیادی در این میان بمیان آید، بحث مالکیت انگلستان در کاله. نه ادعای
ایرلند و نه ادعای ترکیه را (در صورتیکه ادعای مملکت اخیرالذکر نکته قابل ملاحظه دارد که ادعای ایران ندارد) دولت انگلیس میتواند
بپذیرد و مقصود دولت اخیرالذکر چنانکه مشهود شده است لا ترقی صلح طلبانه جزایر مزبوره و سعادت اهالی عرب آنجا میباشد.
باید تشکر کرد که طرح کردن ادعای ایران راجع ببحرین از سایر قضایا بهیچوجه با سایر اختلافات موجوده بین انگلستان و ایران
ارتباطی ندارد. اختلافات مزبوره از جنس دیگری بوده و ما یقین داریم قابل حل و تصفیه میباشد مشروط بر آنکه هیچ طرفی را که قضیه
بحرین را احتمال میرود از میان ببرد طرفین حفظ ننمایند.

شماره: ۵۰
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجهٔ انگلستان
تاریخ: ۱۳۰۷
متن سند:

مراسله از طرف وزیر مختار ایران به وزیر خارجهٔ لندن

برحسب امر دولت متبوعهٔ خود احتراماً خاطر جنابعالی را قرین استحضار می‌دارد که دلایلی که وزارت امور خارجهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ضمن مراسلهٔ مورخه هیجدهم ژانویه نمرهٔ ۲۲ـ۵۱ـ۹۱ اشعار فرموده‌اند، به هیچ وجه نمی‌تواند دولت ایران را متقاعد نماید و عقایدی را که دوستدار در طی مراسلهٔ سابقه خود بیان نمود، تعقیب نمایند. لهذا دولت متبوعهٔ دوستدار کاملاً حقوق حاکمیت خود را بر جزایر بحرین برای خود مُحرز می‌داند.

۲. به عقیدهٔ دولت ایران از نقطه نظر جغرافیائی و نژادی که در مراسلهٔ محترمه به آن اشاره شده، به هیچ وجه دلیلی بر عدم حاکمیت ایران در بحرین نبوده بلکه بالعکس روابط ملی و اقتصادی ثابتی سکنهٔ سواحل ایران را با اهالی جزایر بحرین از دیرزمانی مربوط نموده است.

۳. از نقطه نظر تاریخی تسلط ایران در جزایر مزبوره که جزء لایتجزای ایران است نه فقط تا آخر قرن هیجدهم بوده بلکه به موجب اسنادی که در دست است در قرن نوزدهم در موارد مختلفه شیوخ حکام بحرین تبعیت سلطنت ایران را شناخته و به خزانهٔ ایران مالیات بحرین عاید شده است.

۴. دولت ایران هیچ‌وقت تردیدی راجع به حاکمیت خود در بحرین به واسطهٔ اظهارات دولت انگلستان که شیخ بحرین شخصاً مستقل است حاصل نکرده، این عنوان از طرف دولت انگلستان چندین مرتبه شده است چنانکه لرد کلارندن هم در مراسلهٔ خود مورخهٔ ۵ مارس ۱۸۶۹ با یک طرز قطعی این عنوان را کرده بود ولی پس از ملاحظه اسنادی که توسط سفارت ایران در لندن ارائه شد، لرد کلارندن که نمایندهٔ عقیدهٔ دولت انگلستان بود، به موجب مراسلهٔ مورخهٔ ۲۹ آوریل ۱۸۶۹ که مضمون آن به عقیدهٔ دولت ایران هیچ وقت نمی‌تواند مورد توجهی واقع شود، نقطه نظر خود را تغییر داد و به موجب مراسلهٔ مزبور دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق می‌نماید که دولت علیه ایران

از اینکه حقوق حاکمیت او نسبت به بحرین رعایت نشده، اعتراض نموده است و دولت انگلستان به این اعتراض ایرادی نکرده است، و هیچ عنوانی هم از حق حمایتی که تصور می‌نمود در آنجا داشته نکرده است فقط اظهار نموده است که شیخ بحرین با دولت انگلستان دارای قرارداد می‌باشد. در این مراسله دولت انگلستان پس از آنکه در مراسلهٔ سابقه خود حق حمایت خود را بر بحرین مسلم می‌دانست صریحاً تصدیق می‌کند که تعهدات دولت انگلستان نسبت به شیخ بحرین فقط برای این منظور است که از دزدی دریائی و خرید و فروش برده جلوگیری شود در این صورت چطور ممکن است و چگونه می‌توان تصور نمود که اجرای وظیفهٔ پلیس تبدیل به حق حمایت بشود. لردکلارندن در خاتمهٔ مراسله خود به دولت ایران این حق را صریحاً واگذار می‌کند که هرگاه دولت ایران وسایل پلیس خلیج را داشته باشد، دولت انگلستان این وظیفه را از خود سلب و دولت ایران را عهده‌دار خواهد داشت و تعهد نموده است که هر تعهدی را نسبت به شیخ بحرین نمایند، دولت ایران را مطلع سازند و علت این را هم بُعد مسافت بین خلیج و طهران دانسته است و این یک دلیل خیلی قوی بر حق حاکمیت دولت ایران است.

۵. اهمیت اثرات قرارداد ۱۸۲۲ راجع به بحرین، در مبادلهٔ یادداشتهای ۱۹۰۷ که فعلاً به آن اشاره می‌فرمایند با یک نظر موجه و بی‌تردیدی از طرف دولت ایران خاطر نشان شده است. اینک مضمون مراسلهٔ وزارت خارجهٔ ایران به سفارت انگلیس مورخ سلخ جمادی‌الثانیه ۱۳۲۵ هجری نمرهٔ ۶۴۸ را ذیلاً درج می‌نماید.

در قرارداد سنهٔ ۱۸۲۲ ولو به طوری که آن جناب احتمال می‌دهند مجری نشده باشد، مزاحم با منظوری که اولیای دولت علیه در آن قرارداد دارند، نیست. مأمورین رسمی دولت انگلیس در آن موقع حال آن جزایر و حقوق ایران را در آنجا آن طور دیده و شناخته‌اند که تصدیق کرده‌اند حالا اگر قراردادی هم ضمناً داده باشند که آن قرارداد فرضاً هم اجرا نشده باشد، ربطی به اصل تصدیق مأمورین آن دولت به حقوق این دولت در آن جزیره ندارد و در روی این نقطه است که دولت ایران منتظر حقگذاری آن دولت دوست هستند که این حق را که از قدیم در آن جزیره برای این دولت شناخته شده، مرعی دارند.

۶. به موجب مراسلهٔ لردکلارندن حق حاکمیت مستقیم دولت ایران نسبت به بحرین اذعان گردیده و از این تاریخ به بعد هم برای دولت انگلستان حق دیگری حاصل نشده است بنا به مراتب فوق هیچ وقت حق حاکمیت دولت ایران در جزایر بحرین قطع نگردیده و چندین مرتبه هم این حق دولت ایران بر جزایر مزبوره چنانکه اشاره شده از

طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شیوخ حکام بحرین شناخته شده است.

در خاتمه این نکته را خاطرنشان می‌نماید که بنا به مقررات حقوق بین‌الملل هرگاه اجرای وظیفهٔ پلیس، قطعه از یک مملکتی را نظر به مقتضاتی دولت دیگری عهده‌دار شود، هیچ گاه این حق ولو به طریق مرور زمان نیز باشد، ممکن نیست تبدیل به حق حاکمیت بشود.

دولت دوستدار امیدوار است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصدیق بفرمایند که مادهٔ که در عهدنامهٔ جده مذکور شده است، فقط می‌تواند به اسم مالک حقیقی جزایر بحرین که دولت ایران است بسته شود و هرگاه با دلایلی که در این مراسله تشریح شده است، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نخواهند خط‌مشی خود را تغییر بدهند، دولت علیهٔ ایران هم از حق حاکمیّت خود صرف‌نظر نخواهند کرد.

۴ نمونه (۸)

بتاریخ .... ماه سنه ۱۳۰

نمره .... ضمیمه

وزارت امور خارجه

اداره ....

دائره ....

مراسله از طرف وزیر مختار ایران به وزارت خارجه لندن

راجع به اینکه دولت متبوعه [illegible] اخیراً اظهاراتی را [illegible] که [illegible] وزارت خارجه دولت [illegible] انگلیس در مراسله [illegible] [illegible] (۱۹۱۰–۱۹۵۱) [illegible] بیهوده [illegible] [illegible] نمایند [illegible] تعقیب نمایند لهذا دولت متبوعه [illegible] حقوق حاکمیت خود بر جزایر بحرین [illegible] .

۲ — بعقیده دولت اینجانب از نقطه نظر جغرافیائی [illegible] که در مراسله [illegible] بیهوده دلیل بر عدم حاکمیت ایران در بحرین [illegible] جزایر بحرین [illegible] ایران را [illegible] مربوط [illegible] است .

۳ — از نقطه نظر تاریخی تسلط ایران در جزایر بحرین [illegible] ایران است [illegible] از قرن [illegible] [illegible] ... در [illegible] درباره [illegible] سلطنت ایران [illegible] ایران [illegible] بحرین [illegible] است

۴ — دولت ایران هیچوقت از [illegible] حاکمیت خود در بحرین [illegible] دولت انگلیس [illegible] بحرین [illegible] ۱۸۶۹ [illegible] این عنوان از طرف دولت انگلیس چندین مرتبه [illegible] است چنانچه لرد کلارندن هم در مراسله خود نمره ۵ مارس [illegible] با یک طرز قطعی [illegible] [illegible] توسط سفارت ایران در لندن ارائه شده لرد کلارندن [illegible] عقیده دولت انگلیس بود بموجب مراسله نمره ۲۹ اوت ۱۸۶۹ که مضمون آن عقیده دولت ایران [illegible] واقع شود نقطه نظر خود را تغییر [illegible] بموجب مراسله [illegible] دولت انگلیس [illegible] که [illegible] ایران [illegible] حاکمیت [illegible] بحرین رعایت شده [illegible] دولت انگلیس [illegible] ایران [illegible]

وزارت امور خارجه

اداره ....

دائره ....

۰۶ ٤ نمونه (۸)

بتاریخ .... ماه سنه ۱۳۰

نمره .... ضمیمه

(۲)

که تصور نمود در آن نوشته شده است فقط خواسته است که شیخ بحرین با دولت انگلیس دارای قرارداد باشد [illegible]
انگلیس پیش از آنکه در مواقع لازمه خود حمایت خود را نسبت به بحرین [illegible] صریحاً تصدیق میکند که تبعه [illegible]
شیخ بحرین [illegible] این نظریات [illegible] خرید و فروش برده جلوگیری نمود در این صورت چطور ممکن است [illegible]
تصور نمود که [illegible] حمایت نمود [illegible] خود [illegible]
که هرگاه [illegible] صحیح را داشته [illegible] دولت انگلیس این [illegible] دولت ایران [illegible]
[illegible] است که هر [illegible] شیخ بحرین تبعه دولت ایران [illegible]
داشته است ولی [illegible] ایران است

۵ — اینک [illegible] قرارداد ۱۸۲۲ [illegible] بحرین [illegible] ۱۹۰۷ که قبلاً [illegible]
[illegible] طرف دولت ایران [illegible] است [illegible] انگلیس [illegible]

۱۳۲۵ هجری نمره ۴۴۸ [illegible] درج شد :

در قرارداد [illegible] ۱۸۲۲ [illegible] قرارداد [illegible]
[illegible] انگلیس [illegible] ایران [illegible]
[illegible] قرارداد [illegible] که آن قرارداد [illegible] تصدیق [illegible]
[illegible] ایران [illegible]
[illegible] دارند »

۴ نمونه (۸)

بتاریخ .... ماه سنه ۱۳۰

نمره .... ضمیمه

وزارت امور خارجه

اداره: ....

دائره: ....

(۳)

۶ ـ علاوه بر مراتب فوق که در ذیل حق حاکمیت مسلم دولت ایران نسبت به بحرین ذکر شد از طرف دیگر همه وقایع تاریخی مسلم میدارد
انگلیس حق دیگری حاصل نکرده است بنابراین وقتی که حق حاکمیت دولت ایران در خصوص بحرین قطع نگردیده و خود انگلیس هم
این حق را تصدیق کرده بر خصوص مزبوره چگونه ممکن است از طرف دولت علیحضرت پادشاه انگلستان به یک شیخ محلی بحرین نسبت داده
شده است

در تمام این مذاکرات دولت ایران نشان داده که با تصدیق حقوق مسلمه ایران اجرای ولایت قطعه از مملکت ایران را تحت تصرف
دولت دیگری نخواهد گذاشت و هیچ گاه راضی و علاقمند نمیشود که این قسمت از مملکت بتصرف دیگری منتقل شود.
دولت ایران اظهار امیدواری میکند که دولت علیحضرت پادشاه انگلستان قبول نماید که در خصوص این موضوع مذاکره نمایند
فقط برای اینکه حقیقت موضوع بحرین کاملاً روشن شود و هیچگاه بنابر آن که دولت ایران تصور نماید
دولت علیحضرت پادشاه انگلستان نخواهد خط مشی خود را تغییر بدهد دولت ایران هم از حق حاکمیت خود صرف نظر نخواهد کرد

شماره: ۵۱
فرستنده: ادارهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ تیر ۱۳۰۸ ش
متن سند:

محرمانه است

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

نظمیهٔ بنادر راپورت می‌دهد اهالی آنجا که برحسب ضرورت و احتیاج می‌خواهند به بحرین مسافرت نمایند، قبلاً به وسیلهٔ کسان و بستگان خود در بحرین تحصیل جواز از حکومت محل نموده و پس از آن از نظمیه‌های بنادر به طور فورمالیته جواز گرفته مسافرت می‌نمایند و نیز متذکر گردیده در لنگرگاه بحرین از قرار مشهودات کسانی که دارای پاس انگلیسی هستند، پس از ارائهٔ آن به پلیسهای بحرین به طور آزادانه اجازهٔ پیاده شدن را به آنها می‌دهند و برعکس کسانی که دارای جواز مسافرت دولت علیه بوده و پاس انگلیسی تحصیل ننموده‌اند؛ پلیس از پیاده شدن آنها ممانعت می‌نماید قضیه به ریاست محترم وزرای عظام نیز راپورت گردیده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی ـ سرتیپ درگاهی

مدل - ۱
تاریخ ۱۹ / ۳ / ماه ۱۳۰۸
نمره ۹۶۸۱ ضمیمه

وزارت داخله

محرمانه است

اداره کل تشکیلات نظمیه مملکتی

دایره تذکره
شعبه

وزارت جلیله امور خارجه.

نظمیه بنادر راپورت میدهد اهالی آنجا که برحسب ضرورت و احتیاج میخواهند به بحرین مسافرت نمایند قبلاً بوسیله کسان و بستگان خود در بحرین تحصیل جواز از حکومت محل نموده پس از آن از نظمیه های بنادر بطور فورمالیته جواز گرفته مسافرت مینمایند ونیز متذکر گردیده در لنگرگاه بحرین ازقرار مشهود اتکسانیکه دارای پاس انگلیسی هستند پس ازارائه آن به پلیسهای بحرین بطور آزادانه اجازه پیاده شدن را بآنها میدهند وبرعکس کسانیکه دارای جواز مسافرت دولتعلیه بوده وپاس انگلیسی تحصیل ننموده اند پلیس ازپیاده شدن آنها ممانعت مینماید قضیه بریاست محترم وزراء عظام نیز راپورت گردیده است.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی - سرتیپ درگاهی

سیاسی
۱۸ تیر ۱۳۰۸
انگلیس

شماره: ۵۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ تیر ۱۳۰۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

تذکرهٔ نمرهٔ ۳۴۳۰۰/۱۴۲/۳ که تلواً ایفاد می‌شود در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۶ از قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره به اسم حسن تبعهٔ ایران صادر و در تاریخ ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۴۷ در بحرین ویزا شده و دو قطعه تمبر یک روپیه به آن الصاق گردیده این اولین مرتبه است که مصادر بحرین مبادرت به چنین اقدامی نموده و چون گمرک موظف است اوراق علم خبر به اتباع ایران که بین بحرین و بنادر جنوب مسافرت می کنند، بدهد؛ لذا همین قدر دفتر بوشهر تذکره را از صاحبش مسترد و به مرکز ارسال داشته است.

وزارت مالیه

اداره ......
دایره ......

بتاریخ ۸ ماه ۴ سنه ۱۳۰۸
نمره ۱۸۱۵۹ ضمیمه ......
موضوع ......

اداره کل تذکره ایجنسی المهرنظارت نامه

۹ / ۴ / ۸

وزارت جلیله امور خارجه

بنمره ۳/۲/۱۴۲/۳۰۰/۳۳۴۳ که تذکره [illegible]
در تاریخ نهم آبان ۱۳۰۶ از قونسولگری دولت شاهنشاهی
در بصره باسم حسن تبعه ایران صادر و در تاریخ ۲۳ ذیحجه
۱۳۴۷ در بحرین دزدیده شده و ۹ قطعه تمبر [illegible] روپیه
بآن الحاق گردیده. این اولین مرتبه است که [illegible]
بحرین مبادرت بچنین دزدی نموده و چون گمرک
موظف است [illegible] بتابع ایران که در
بحرین و بنادر جنوب مسافرت می‌کنند [illegible]
[illegible] گرده را از جانب [illegible] ارسال دارید

مدیر کل تذکره و تابعیت

۹ / ۴ / ۸

۲۸
۹ / ۴ / ۸

داخل
۹ تیر ۱۳۰۸

۹ / ۴ / ۸
۸۶۲۱

٦   6

بنام همایون اعلیحضرت شاهنشاه ایران

دارنده این تذکره حسین پسر علی لنگرجی

۶۰ و نبیره

تبعه دولت علیه ایران از راه ... عازم بحرین است مستحفظین حدود و ثغور ممالک محروسه دولت شاهنشاهی متعرض او نشده از مأمورین نظامی و غیر نظامی دول متحابه نیز خواهش میشود که موجبات تسهیل عبور مشار الیه را فراهم نموده لدی الاقتضا رعایت و طرفداری نمایند

امضای دهنده تذکره ... در بحرین

7   ٧

AU NOM DE SA MAJESTÉ IMPERIALE LE CHAHINCHAH DE PERSE

Le porteur du présent passeport

sujet persan, se rend via .... à ....

Les autorités frontières persanes n'auront nullement à inquiéter le porteur du présent passeport.

Les autorités civiles et militaires des Puissances amies sont priées de laisser passer librement le porteur et de lui prêter aide et assistance.

S.)   Délivré par

16   ١٦

Visas.   امضاء

POLITICAL AGENCY, KUWAIT.

No. F. 430, 10th December 1929.

Valid for the journey to ....

Bahrain

FEE RUPEE ONE RECEIVED.

J. C. More

Major,

Political Agent, Kuwait.

POLITICAL AGENCY KUWAIT

١٣٠٨/٣/١٧

حامل هذا الجواز حسين بن علي مأذون له بالسفر الى شيراز واصفهان وتبريز ...

... تحريراً في ٣ ذي الحجة ١٣٤٧
موافق ١٣ مايو ١٩٢٩

جلال الدين احمد

شماره: ۵۳
فرستنده: پادشاه حجاز و نجد و ملحقات
گیرنده: حاکم بحرین
تاریخ: ۱۳۰۸
متن سند:

ترجمهٔ سواد مکتوب اعلیحضرت ابن سعود پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن به جناب شیخ محمدبن شیخ عیسی حاکم بحرین

بعد از عنوان و القاب

مدتی است که اتباع ما از رفتار حکومت بحرین و سنگینی مالیات شکایت می‌نمایند، همین طور بعضی پیشامدهای دیگری راجع به بعضی از رعایا پیش آمده است؛ مثلاً جمعی از اهالی قطیف که مدت پنجاه‌وشصت سال بلکه صد سال است که در قطیف توقف دارند و همیشه معاملهٔ اتباع داخلی با آنها شده است، مدعی هستند که اتباع بحرین می‌باشند، البته مقصود از این حرف جز ایجاد نزاع و کشمکش چیز دیگری نیست.

بر جنابعالی معلوم است که ما هیچگاه از مطالبهٔ و احقاق حق خویش صرف‌نظر نکرده و نخواهیم کرد ولی در عین حال میل داریم که بین ما و بحرین در هیچ امری اختلافی روی ندهد و می‌خواهم مردم آسوده و مرفه باشند، لیکن چون آسایش مردم فراهم نگشت، مقتضی دانستم که در این باب به خود جنابعالی مراجعه نموده که خودتان در این مسئله غور فرموده و راجع به اتباع ما و مالیاتهایی که بر آنها تحمیل گشته است، نظر فرمایید. هرگاه جنابعالی مایل به اتفاق و رفع اختلاف باشید ما حاضریم که یک نفر نماینده از جانب خود به حضور شما ارسال داریم که در مسائلی که صلاح طرفین است مذاکره نمایید که ما و اتباع‌مان طریقی را که باید سلوک نماییم بفهمیم. می‌ترسم بفرمایید که مرجع این کار مقامات دیگری غیر از خود شما هستند البته این مسئله بسته برای خود شما است که به دیگری موکول نمایید یا ننمایید ولی باید خاطر شریف مستحضر باشد که ما حقوق خود را از هر دوستی اعم از خود شما و یا دیگری مطالبه خواهیم کرد تا آنکه مسائل بر یک اساس محکم و اطمینان‌بخش برقرار گردد و از تعدیات بر اتباع طرفین جلوگیری به عمل آید. البته بر جنابعالی معلوم است که آنهایی که در بعضی از امور بحرین مداخله دارند نیز با ما دوست هستند و از حفظ حقوق ما

خودداری نخواهند کرد ولی ما نمی‌توانیم قبل از اینکه به خود شما مراجعه نماییم به دیگری مراجعه کنیم، رجامندم که خوب در این مسئله غور و دقت نمایید تا آنکه مشکلات موجوده زایل گشته و اخوت و برادری برقرار گردد و مردم هم آسوده و فارغ‌البال شوند. هرگاه شما به حل این مسئله تمایل فرمایید، خیلی موجب امتنان برادر شما خواهد شد (چون اصلاً آل سعود حکام نجد و آل خلیفه مشایخ بحرین از یک خانواده هستند یعنی طرفین از بنی عتبه می‌باشند در مراسلات به همدیگر خطاب برادر می‌نمایند و ابن‌سعود به پدر شیخ حمد پدر خطاب می‌کند. مترجم)

خواهشمندم که در این باب بر ما خرده نگیرید زیرا هرکس مصالح خود و محل خود را در نظر می‌گیرد و اگر من هم برای حفظ مصالح مملکت و اتباع خود اقدام کرده‌ام باید مرا معذور بدارید والسلام

عبدالعزیز آل سعود

پس از وصول این مکتوب شیخ حمد با قونسل و مستشار حکومت و شیخ عبدالله برادر کوچک شیخ حمد مشوره نمود. جواب مبهمی به ابن‌سعود دادند، مفاد جواب مزبور این بود که محل و اتباع همه یکی هستند و هیچ گونه تفاوتی در میان نیست چنانکه بحرین و قطیف و احساء و نجد در حکم واحد هستند و همه به آن اعلیحضرت تعلق دارد تاکنون نتیجهٔ دیگری معلوم نشده است.

اینها راپرتی است که برای شخص من رسیده است و اینک بعد از ترجمه تقدیم می‌گردد.

احمد فرامرزی

۹۶

وزارت امور خارجه

ترجمه سواد مکتوب اعلیحضرت ابن سعود پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن
به جناب شیخ حمد بن شیخ عیسی حاکم بحرین

بعد از عنوان و القاب

مدتی است که اتباع ما از رفتار حکومت بحرین و سختگیری مالیات شکایت می‌نمایند و بعضی امور پیش آمده‌های دیگر راجع به بعضی از رعایا پیش آمده است مثلاً جمعی از اهالی قطیف که مدت پنجاه و شصت سال بلکه صد سال است که در قطیف توقف دارند و بیشتر معامله اتباع داخل با اهالی شده است مدعی هستند که اتباع بحرین می‌باشند البته مقصود از این حرف جز ایجاد نزاع و کشمکش چیز دیگر نیست

بر جنابعالی معلوم است که ما هیچگاه از مطالبه و احقاق حق خویش صرف نظر نکرده و نخواهیم کرد ولی در عین حال میل داریم که بین ما و بحرین در هیچ امری اختلافی رو ندهد و میخواهیم مردم آسوده و مرفه باشند لیکن چون آسایش مردم فراهم نگشت مقتضی دانستیم که در این باب به خود جنابعالی مراجعه نموده که خودتان در این مسئله غور فرموده و راجع به اتباع ما و مالیاتهائی که بر آنها تحمیل گشته است نظر فرمائید. هرگاه جنابعالی مایل به اتفاق و رفع اختلاف باشید ما هم حاضریم که یک نفر نماینده از جانب خود به حضور شما ارسال داریم که در مسائلی که صلاح طرفین است مذاکره نماید که ما و اتباع مان طریقی را که باید سلوک نمائیم بفهمیم

میسر هم بفرمائید که مرجع این کار مقامات دیگر غیر از شما هستند البته این مسئله بسته به اراده خود شما است که به دیگری محول نمائید یا ننمائید ولی باید خاطر شریف مستحضر باشد که ما حقوق خود را از هر حیث اعم از خود شما و یا دیگری مطالبه خواهیم کرد تا آنکه مابین ما یک اساس محکم و اطمینان بخشی برقرار گردد و از تعدیات بر اتباع طرفین جلوگیری بعمل آید

وزارت امور خارجه

بقیه سواد مکتوب سلطان نجد

البته بر جنابعالی معلوم است که انگلیسیها که در بعضی از امور بحرین مداخله دارند نیز با ما دوست هستند و از
حفظ حقوق ما خودداری نخواهند کرد ولی ما نمیتوانیم قبل از اینکه به خود شما مراجعه نمائیم به دیگری
مراجعه کنیم. رجامندم که خوب در این مسئله غور و دقت نمائید تا آنکه مشکلات موجوده
زایل گشته و اخوت و برادری برقرار گردد و مردم هم آسوده و فارغ البال شوند. هرگاه با به
در این مسئله تأمل فرمائید صلح موجب امتنان برادرتان خواهد شد (چون اصلاً آل سعود و حکام
و آل خلیفه مشایخ بحرین از یک خانواده هستند یعنی طرفین از بنی عتبه میباشند، در مراسلات
همه یکدیگر خطاب برادر مینمایند. و ابن سعود به پدر شیخ حمد پدر خطاب میکند - مترجم)
خواهشمندم که در این باب بر ما خورده نگیرید زیرا هر کس مصالح خود و ملک خود را در نظر میگیرد و از
من هم برای حفظ مصالح مملکت و اتباع خود اقدام کرده ام باید مراعات و مدارا نمائید والسلام

عبدالعزیز آل سعود

پس از وصول این مکتوب شیخ حمد با خویشان و مستشار حکومت و شیخ عبدالله برادر کوچک شیخ حمد مشورت نموده
جواب مبهمی به ابن سعود دادند مفاد جواب مزبور این بود که بحرین و اتباع آن یکی هستند و هیچگونه
تفاوتی در میان نیست چنانکه بحرین و قطیف و احساء و نجد در حکم واحد هستند و همه به آن
اعلیحضرت تعلق دارد. تاکنون نتیجه دیگری معلوم نشده است

اینها راپورتی است که برای شخص من رسیده است و اینک بعد از ترجمه تقدیم میگردد

احمد فرامرزی

شماره: ۵۴
فرستنده: ترجمه از روزنامهٔ شرق نزدیک
گیرنده:
تاریخ: ۵ ژوئن ۱۹۳۰
متن سند:

نفت

(ماژر فرانک هولمز **Major Frank Holmes**) نمایندهٔ یک شرکت نفتی وارد بحرین گردیده. این سندیکا چندین سال است امتیاز مهمی برای استخراج نفت این جزایر را تحصیل کرده، لکن تاکنون اقدامات آن از حدود تحقیقات و تفتیشات مقدماتی تجاوز نکرده بود ولی ازقرار معلوم حالیه تصمیم گرفته شده است که جداً کاراستخراج نفت شروع گردد. بناء علیه عما قریب شش دستگاه ماشین حفاری ویک عده مهندس وارد و عملیات حفر چاه در چندین نقطه شروع خواهد گشت. اهالی محل این قضیه را نقل هر مجلس قرار داده و جمعی از آنها معتقدند که بحرین در مدت قصیری تالی آبادان خواهد گردید. همین سندیکا امتیاز استخراج نفت کویت را نیز تحصیل نموده است. بعلاوه امتیاز حفر چاههای آرتزین را در بحرین گرفته و تاکنون در چند نقطه عمل حفر را خاتمه داده و حالیه آب از چاههای مزبور برداشته شده و به مصرف می‌رسد.

وزارت امور خارجه

ترجمه از روزنامه شرق نزدیک

تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۳۰

خلیج فارس

بحرین ۲ مه

نفت

(ماژور فرانک هولمز Major Frank Holmes) نماینده یک شرکت نفتی وارد بحرین گردیده. این مشارالیه چندین سال است امتیاز مهمی برای استخراج نفت این جزایر را تحصیل کرده لکن تاکنون اقدامات آن از حدود تحقیقات و تفتیشات مقدماتی تجاوز نکرده بود ولی از قرار معلوم حالیه تصمیم گرفته شده است که جداً کار استخراج نفت شروع گردد. بناءً علیه عنقریب شش دستگاه ماشین حفاری و یک عده مهندس وارد و عملیات حفر چاه در چندین نقطه شروع خواهد گشت. اهالی محل این قضیه را نقل هر محل قرار داده و بعضی از آنها معتقدند که بحرین در مدت قصیری ثانی آبادان خواهد گردید. همین مشارالیه امتیاز استخراج نفت کویت را نیز تحصیل نموده است. بعلاوه امتیاز حفر چاههای ارتزین را در بحرین گرفته و تاکنون در چند نقطه عمل حفر را خاتمه داده و حالیه آب از چاههای مزبور برداشته شده و بمصرف میرسد. —

شماره: ۵۵
فرستنده: قونسولگری شاهنشاهی ایران در بصره
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ:۲۲ مرداد ۱۳۰۹
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

از قراری که اطلاع حاصل نموده است، اخیراً بیانیه‌ای از طرف شیخ بحرین صادر شده که از تاریخ ۲۲صفر ۱۳۴۹ تذاکر مسافرت برای بحرینی‌ها از طرف حکومت بحرین صادر و به امضای شیخ بحرین خواهد بود و قونسول انگلیس مقیم بحرین دیگر پاسپورت انگلیسی مثل سابق برای رعایای بحرین صادر ننموده فقط در مورد مسافرت آنها به ممالکی که مربوط به انگلیس می‌باشد پاسپورت آنها را ویزا خواهد نمود. سواد بیانیهٔ‌مزبوربه دایرهٔ پاسپورت بصره دیروز ابلاغ شده است. چون لازم بود عرض شد.

فدوی ــ محمد حسن بدیع

قونسولگری شاهنشاهی ایران
(بصره)

تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۰۹/

نمره ۹۲۶
ضمیمه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

از قراریکه اطلاع حاصل نموده است اخیراً بیانیه از طرف شیخ بحرین صادر شده که از تاریخ ۲۲ صفر ۱۳۴۹ تذاکر مسافرت برای بحرینی‌ها از طرف حکومت بحرین صادر و بامضای شیخ بحرین خواهد بود و قونسول انگلیس مقیم بحرین دیگر پاسپورت انگلیسی مثل سابق برای رعایای بحرین صادر ننموده فقط در مورد مسافرت آنها به ممالکیکه مربوط بانگلیس میباشد پاسپورت آنهارا ویزا خواهد نمود. سواد بیانیه مزبور بدایره پاسپورت بصره دیروز ابلاغ شده است. چون لازم بود عرض شد.

شماره: ۵۶
فرستنده: قونسولگری ایران بمبی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه
اگرچه خبر روتر راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی ایران نسبت به اقدام سندیکای انگلیس در به دست آوردن امتیاز استخراج نفت بحرین تقریباً در تمام جراید محلی روز ۲۷ اگست درج بود، روزنامهٔ ایندین دیلی میل مختصر تاریخی نیز از گذشته این جزایر و ادعای دولت ایران بر آن نوشته است که چون قابل توجه بود، آن قطعه لفاً تقدیم گردید.

ترجمه از **Theindianmail**
مورخهٔ ۲۷ اوت ۱۹۳۰

تهدید ایران

امتیاز نفت بحرین

اعتراض به اقدامات سندیکای انگلیسی

ژنو ۲۶ اوت
وزیر امور خارجهٔ ایران سواد مراسله‌ای را که دایر به اعتراض از اقدام یک سندیکای انگلیسی برای تحصیل امتیاز نفت در جزیرهٔ بحرین از شیخ بحرین تسلیم سفارت انگلیس در طهران نموده است، به دارالانشای جامعهٔ ملل تقدیم کرده که نسخ آن را بین عموم اعضای جامعه توزیع نماید.

در مراسلهٔ مزبور ادعای ایران نسبت به مالکیت بحرین تکرار و اعلام شده است که دولت ایران خود را آزاد می‌داند هر نفع حاصله از اعطای امتیاز را مطالبه نماید، بدون آنکه خود را مسئول هرگونه خسارتی بداند.

جزایر بحرین

زمین فوق‌العاده متنازع فیه

جزایر بحرین عبارت از یک دسته جزایری است که در بیست میلی شرقی ساحل (الحصاء) در خلیج فارس واقع گردیده و از قدیم‌الایام مرکز تجارت هندوستان و مبدأ عزیمت کاروانان به عربستان بوده است.

جزیره که ا ز سایرین بزرگتر است بحرین نام دارد و طولش از شمال به جنوب ۲۷ میل و عرضش تقریباً ده میل است.

اهالی آن نژاد مختلطی از عرب، عثمانی و ایرانی هستند و در کلیهٔ نقاط خلیج به واحد بودن لیاقت و استعداد تجاری و صنعتی نامبردارند.

در ظرف چهارصد سال گذشته جزایر مزبوره دچار ابتلائات سیاسی متعدده گردیده‌اند. مثلاً در سنهٔ ۱۵۰۷ پرتقالی‌ها به تصرف آنها پرداختند لکن در سنهٔ ۱۶۲۲ شاه‌عباس آنها را از آنجا خارج ساخت. پس از آن بین ایرانیان و اعراب مابه‌النزاع واقع گردیده و عاقبت در سنه ۱۷۸۴ طایفه عرب بر آنجا استیلا یافت.

مداخلهٔ انگلیس

شیخ فعلی بحرین (شیخ سر حمید عیسی‌بن علی‌الحنیفه) صاحب دو نشان (K.C.I) (C.S.I) می‌باشد که در حدود سنهٔ ۱۸۵۰ اجدادش را ترکها از داخلهٔ اقلیم آسیا که دارای ضیاع و عقار زیاد بودند بیرون کردند. در سنهٔ ۱۸۶۷ ایرانیان بحرین را تحت تهدید قرار دادند و در سنهٔ ۱۸۷۷ ترکها آنجا را متصرف شدند. مداخلهٔ انگلیس در هر دو مورد برای حفظ حیثیت حکومت عرب موفقیت حاصل کرده و اینک جزایر بحرین تحت حمایت انگلیس می‌باشند.

شیخ بحرین از سنهٔ ۱۸۲۰ با حکومت هندوستان دارای مناسبات عهدنامه بوده و یک نفر عامل سیاسی انگلیس هم در آنجا مأموریت دارد. بحرین از سنهٔ ۱۸۸۰ متعهد شده است با سایر ممالک عهدنامه منعقد نسازد.

اقتدار بحری انگلیس در سرتاسر خلیج فارس به پایه‌ای رسوخ پیدا کرده است، که تمام طوایف ساکن جزایر مأمور انگلیس را حکم و مستشار خویش می‌شمارند.

اگرچه صادرات اصلی جزایر مزبور غالباً مروارید، خرما، شکر، پنبه بوده ولی اخیراً به واسطهٔ کشف معادن نفت، حائز اهمیت جدیدی گردیده است.

در این اواخر دولت ایران مدعی شیخ بحرین گشت ولی دولت انگلیس ادعای مشارالیه را نسبت به تصرف مطلق و مالکیت جزایر تقویت نموده و در نتیجهٔ آن، مشاجرهٔ

ممتدی بین طهران و لندن روی داد. ادعای ایران رد شد ولی دولت ایران از هر فرصتی که به دست آید نسبت به آنکه انگلستان آنجا را تحت‌الحمایه قرار داده و یا نسبت به مالکیت شیخ اعتراض می‌کند و اعتراض قبلی نیز یکی از آن موارد می‌باشد.

ژنرال قونسولگری ایران
بمبئی

تاریخ ۹ شهریور ۱۳۰۹

نمره ۲۶۶ ضمیمه ۱

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

اگرچه خبر روزنامه راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی ایران نسبت به اقدام کمپانی انگلیس
در بدست آوردن امتیاز استخراج نفت بحرین تقریباً در تمام جراید محلی ۲۶ اگست
درج بود [illegible] اینجانب [illegible] مختصر تاریخی از گذشته‌های جزایر
[illegible] ایرانی نوشته است چون قابل ترجمه بود آن قطعه لفاً
تقدیم گردید

[illegible] ملاحظات [illegible]

[illegible]

۹/۶/۱۵

[illegible]

۱۵۹۱۲
۷۱۰ ۱۲۱۲
۹/۶/۱۵

ترجمه و تقدیم شد

وزارت امور خارجه

ترجمه از The Indian Mail مورخه ۲۷ اوت ۱۹۳۰

تهدید ایران
امتیاز نفت بحرین
اعتراض علیه اقدامات سندیکای انگلیسی

دلی ۲۶ اوت

وزیر امور خارجه ایران سواد مراسله نمره که دائر به اعتراض از اقدام یک سندیکای انگلیسی برای تحصیل امتیاز نفت در جزیره بحرین از شیخ بحرین تسلیم سفارت انگلیس در طهران نموده است بدارالانشاء جامعه ملل تلغراف کرده که نسخ آنرا بین عموم اعضاء جامعه توزیع نماید.
در مراسله مزبور ادعای ایران نسبت بمالکیت بحرین تکرار و اعلام شده است که دولت ایران خود را آزاد میداند هر نفع حاصله از اعطاء امتیاز را مطالبه نماید بدون آنکه خود را مسئول هرگونه خسارتی بداند.

جزایر بحرین
زمین فوق العاده متنازع فیه

جزایر بحرین عبارت از یک دسته جزائر هست که در بیست میلی شرقی ساحل (الحساء) در خلیج فارس واقع گردیده و از قدیم الایام مرکز تجارت هندوستان و مبداء عزیمت کاروانان بصره بوده است.
جزیره که از سایرین بزرگتر است بحرین نام دارد و طولش از شمال بجنوب ۲۷ میل و عرضش تقریباً ده میل است.
اهالی آن نژاد مختلطی از عرب ـ عثمانی ـ و ایرانی هستند و در کلیه نقاط خلیج بواسطه بودن لیاقت واستعداد تجاری وصنعتی نامبردارند.
در ظرف چهارصد سال گذشته جزایر مزبوره دچار انقلابات سیاسی متعدده گردیده اند.
مثلا در سنه ۱۵۰۷ پرتقالیها بتصرف آنها پرداختند لکن در سنه ۱۶۲۲ شاه عباس آنها را

وزارت امور خارجه

(۲)

ازآنجا خارج ساخت. بعد از آن بین ایرانیان و اعراب مابه النزاع واقع گردیده و عاقبت در سنه ۱۷۸۴ طایفه عرب بر آنجا استیلا یافت.

مداخله انگلیس

شیخ فعلی بحرین (شیخ سر حمد عیسی بن علی الخلیفه) صاحب دو نشان (K. C. I.) و (C. S. I.) میباشد که در حدود سنه ۱۸۵۰ اجداد شیخ را ترکها از داخله اقلیم آسیا که دارای شجاعت و تهور زیاد بودند بیرون کردند. در سنه ۱۸۶۷ ایرانیان بحرین را تحت تهدید قرار دادند و در سنه ۱۸۷۷ ترکها آنجارا متصرف شدند. مداخله انگلیس در هر دو مورد برای حفظ حیثیت حکومت عرب موفقیت حاصل کرده و اینک جزایر بحرین تحت حمایت انگلیس میباشند.

شیخ بحرین از سنه ۱۸۲۰ با حکومت هندوستان دارای مناسبات عهدنامه بوده و یک نفر عامل سیاسی انگلیس هم در آنجا ماموریت دارد. بحرین از سنه ۱۸۸۰ متعهد شده است با سایر ممالک عهدنامه منعقد نسازد.

اقتدار بحریه انگلیس در سرتاسر خلیج فارس بپایه رسوخ پیدا کرده است که تمام طوایف ساکن جزایر مامورین انگلیس را حکم و مستشار خویش میشمارند.

اگرچه صادرات اصلی جزایر مزبور غالبا مروارید - خرما - شکر - پنبه - بوده ولی اخیرا بواسطه کشف معادن نفت جزایر اهمیت جدیدی پیدا کرده است.

در این اواخر دولت ایران مدعی شیخ بحرین گشت ولی دولت انگلیس ادعای مشارالیه را نسبت به تصرف مطلق و مالکیت جزایر تقویت نموده و در نتیجه آن مشاجره شدیدی بین طهران و لندن روی داد. ادعای ایران رد شد ولی دولت ایران از هر فرصتی که بدست آید نسبت باینکه انگلستان آنجارا تحت الحمایه قرار داده و یا نسبت بمالکیت شیخ اعتراض مینماید و اعتراض تلگرافی اخیر نیز یکی از آن موارد میباشد.

شماره: ۵۷
فرستنده: وزارت دربار
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به استحضار از مدلول راپرت قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره که سواد آن را در ضمن مراسلهٔ نمرهٔ ۱۶۱۴۹ ارسال فرموده‌اند، زحمت می‌دهد که از نقطه‌نظر دعاوی ایران فرقی ندارد که شیخ بحرین تذکرهٔ مسافرین بحرینی‌ها را امضا کند یا مأمورین انگلیس؛ البته مأمورین ایران در موقع ورود بحرینی‌ها به خاک ایران هیچ یک از این تذکره‌ها را نباید معتبر بشمارند و باید مطالبهٔ تذکرهٔ ایرانی بنمایند. خوب است آن وزارت جلیله این نقطه‌نظر را به ادارات مربوطه خاطرنشان بفرمایند.

وزیر دربار پهلوی ــ تیمور تاش

۳۲۴۶
۹/۶/۲۰

وزارت جلیله امور خارجه

با اشعار از وصول راپرت جنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی در بصره راجع به [illegible]
آن را در ضمن مراسله ۱۶۱۴۹ ارسال و [illegible]
زحمت میدهد از نقطه نظر دولت ایران فرقی ندارد در تاریخ [illegible]
بحرین هر که باشد [illegible] بحرینی‌ها را امضا کنند [illegible] انگلیس
آنچه ما در ایران [illegible] بحرینی‌ها [illegible] ایران [illegible] از آن
تذکره‌ها را [illegible] ایرانی [illegible]
خوب است آن وزارت جلیله [illegible] نقطه نظر [illegible]
مربوطه خاطر [illegible]

وزیر دربار [illegible]

[illegible]

۹/۶/۲۳

[illegible]
۹/۶/۲۵

[illegible] ۱۳۰۹/۶/۲۴ [illegible]

شماره: ۵۸
فرستنده: نمایندگی ایران در جامعهٔ ملل ژنو
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ مهر ۱۳۰۹ش
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

روزنامهٔ دو ژنو در شمارهٔ ۳۰ اوت خود شرحی تحت عنوان «جنگ نفت» اشاعت داد و چنین می‌نویسد که در اوایل این هفته دولت ایران به وزیر مختار انگلیس در طهران و همچنین به دارالانشای جامعهٔ ملل از جهت نقضی که به حقوق حاکمیت آن دولت در جزیره بحرین از طرف دولت انگستان به عمل آمده است، اعتراض نموده زیرا شیخ بحرین حق استخراج منابع نفت جزیره را به یک سندیکای انگلیسی تفویض نموده است و حال آنکه بحرین یکی از منضمات قطعی ایران بوده و هرگونه امتیازی که بدون اجازهٔ ایران داده‌شود باطل و از درجهٔ اعتبار ساقط است.

ضمناً روزنامه مزبور چنین می‌نویسد: دولت انگلیس که در ۱۸۷۹ حق حاکمیت ایران را نسبت به جزیره بحرین شناخته بود در ۱۹۲۷ به وسیلهٔ معاهده که با دولت حجاز منعقد کرد، استقلال شیخ بحرین را اعلام نمود و دولت ایران بر علیه این معاهده اعتراض نموده‌وموضوع اختلاف به جامعهٔ ملل نیز اطلاع داده شد. دولت انگلستان به وسیلهٔ وزیر امور خارجه وقت، سراوتسن چمبرلن جداً جواب داد که چون ایران حقوق مالکیت از ۱۷۸۳ به این طرف اعمال ننموده و تقاضای آن دولت قابل قبول نمی‌باشد و به همین جهت این مرتبه هم مانند دفعهٔ گذشته تصور نمی‌رود که انگلستان نظریهٔ ایران را بپذیرد؛ زیرا گذشته از مسئلهٔ ارضی که از لحاظ تاریخی قدری پیچیده و مبهم است، موضوع نفت در میان می‌باشد.

در لندن مصراً به این عقیده هستند که دولت ایران نه فقط از جهات نفع شخصی این اقدام را نموده بلکه احتمال کلی دارد که روسیهٔ ساوتی و همچنین دول معظمهٔ دیگری که با نهایت تأسف می‌بینند انگلستان دست روی یک جزیره که از حیث نفت سرشار است، انداخته و ممکن است روزی مرکز رقابت شدید برای منابع نفت عراق و بین‌النهرین بشود، حکومت طهران را به این اقدام واداشته‌اند. قسمت اخیر مقاله مربوط به سیاست نفتی دنیاست که عین آن تلواً تقدیم می‌شود.

نمایندگی ایران در جامعه ملل
ژنو

بتاریخ ۹ مهر ۱۳۰۹
نمره ۴۴۵ ن ضمیمه قطعه روزنامه

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

روزنامه ژورنال دوژنو در شماره ۳۰ اوت خود مقاله‌ای تحت عنوان «در جنگ نفط» انتشار داده و چنین می‌نویسد: در اوایل این هفته دولت ایران به وزیر مختار انگلیس در طهران و همچنین بدارالانشاء جامعه ملل از جهت تعدی که به حقوق حاکمیت آن دولت در جزیره بحرین از طرف دولت انگلستان به عمل آمده است اعتراض نموده زیرا شیخ بحرین حق استخراج منابع نفط جزیره را به یک سندیکای انگلیسی تفویض نموده است و حال آنکه بحرین یک از متصرفات قطعی ایران بوده و هرگونه امتیازی که بدون اجازه ایران داده بشود باطل و از درجه اعتبار ساقط است.

همان روزنامه مزبور چنین می‌نویسد: دولت انگلیس که در ۱۸۷۹ حق حاکمیت ایران را نسبت به جزیره بحرین شناخته بود در ۱۹۲۷ بر طبق معاهده‌ای که با دولت حجاز منعقد کرد استقلال شیخ بحرین را اعلام نمود و دولت ایران بر علیه این معاهده اعتراض نموده و موضوع اختلاف به جامعه ملل نیز اطلاع داده شد. دولت انگلستان توسط وزیر امور خارجه وقت سر اوستن چمبرلن جداً جواب داده که مدعیات ایران حقوق مالکیت از ۱۷۸۲ به این طرف اعمال ننموده و تقاضای آن دولت

۲

بتاریخ ۶ ۱۳

نمرة ضمیمة

نمایندگی ایران در جامعه ملل

ژنو

تا بین قرار باشد و بهمین جهة اینمرتبه مانند دفعه گذشته تصور می رود در انگلستان

نظریه ایران را بپذیرد زیرا گذشته از مسئله ارضی و از لحاظ تاریخی قدری پیچیده و

مبهم است موضوع نفط در میان باشد

در لندن متذکر باین قضیه هستند حرکت ایران نه فقط از جهات نفع شخصی

این اقدام را لازم بلکه احتمال کلی دارد در روسیه سابقه داشته در ضمن حل مسئله گیری که

بالنهایت ثابت می بینند انگلستان دست روی یک ورقه از منابع نفط

برشمارات انداخته و ممکن است روزی مرکز قوت شدید برای منابع نفط

عراق و بین النهرین بشود حکومت طهران را باین اقدام وادار داشته اند قسمت اخیر

مقاله مربوط به سیاست نفطی دنیا است در حین آن بلوز شدت داده می شود

ثبت شد ۹/۷/۲۴

وزارت امور خارجه

نمره ۱۹۸۸۳

۹/۷/۲۴

۷۱۰۱۲۱۴

۹/۷/۲۷

اداره ... ارسال شد

۹/۷/۲۷

شماره: ۵۹
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ آبان ۱۳۰۹ ش
متن سند:

فوری است

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمد علی‌خان فروغی وزیرامورخارجه
وزیر عزیزم

از محمره یک راپرت تلگرافی به دوستدار رسیده حاکی از اینکه بار دیگر مأمورین محلی به اهالی بحرین فشار آورده‌اند که اوراق تابعیت ایرانی بگیرند. در یک مورد یک نفر بحرینی را مدت بیست وچهار ساعت حبس کرده بودند و فقط مشارالیه را وقتی آزاد نمودند که متعهد شده بود تابعیت ایرانی قبول نماید. در مورد دیگر ادارهٔ پلیس یک عدد پاسپورت صادره از طرف قونسول انگلیس در بصره را توقیف نموده بود، به وسایل مختلفهٔ دیگری نیز متشبث شده‌اند که بحرینی‌ها را مجبور به گرفتن اوراق تابعیت ایرانی نمایند.

۲. چنانچه جناب اشرف تصدیق خواهند فرمود یک چنین اقدامی برخلاف وعده‌ای است که در ۹سپتامبر ۱۹۲۹ به‌سررابرت کلایو داده‌شده مبنی براینکه تا زمانی که مسئلهٔ وطن بحرینی‌های مقیم ایران هنوز به مناسبت عهدنامهٔ عمومی در تحت مذاکره است، متعرض و مزاحم بحرینی‌های مزبور نخواهند شد.

و چون به طوری که موافقت داریم که مذاکرات راجع به عهدنامه فقط موقتاً موقوف گردیده، نمی‌توانم تصور نمایم که قصد دولت ایران این باشد که وضعیت فعلی (**Status quo**) را در این مورد نقض نمایند، چنانچه جناب اشرف مستحضرند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به سهم خود از روی صداقت مراعات وضعیت فعلی (**Status que**) را نموده‌اند و با وجود حس روبه‌تزاید تکرر و انزجاری که در بحرین به واسطهٔ رفتار نسبت به بحرینی‌های مقیم ایران تولید شده، دولت انگلیس تا حال با زحمت و اشکال توانسته‌اند با سعی و کوشش حکومت بحرین در قضاوت و حکومت نسبت به رعایای ایران که از مدت زمانی قبل در جزایر مزبور سکونت یافته‌اند، مقاومت نمایند. بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را مُحق می‌دانند که به یک چنین روح

معاضدتی نیز از طرف ایران متکی شوند و ممنون خواهم شد جناب اشرف محبت فرموده مقرر دارند تعلیمات تلگرافی فوری به خوزستان مخابره شود که وضعیت فعلی (**Status que**) را مراعات کرده و از تشبث به اقدامات جبریه که در فوق به آن اشاره کردم، خودداری نمایند.

موقع را برای تجدید احترامات فایقه خود مغتنم می‌شمارم.

سفارت انگلیس طهران

۱۳ آبان ماه ۱۳۰۹

فوری است

وزیر محترم

از محمره یک راپورت تلگرافی باینجانب رسیده حاکی از اینکه
باز دیگر مأمورین محلی به اهالی بحرین فشار وارد می‌آورند که
اوراق تابعیت ایران بگیرند. در یک مورد یک نفر بحرینی را
مدت بیست و چهار ساعت حبس کرده بودند و فقط وقتی او را
آزاد نمودند که متعهد شده بود تابعیت ایران قبول
نماید. در مورد دیگر اداره نظمیه یک عدد پاسپورت
صادره از طرف قونسول انگلیس در بصره را توقیف نمود.
به وسایل مختلفه دیگر نیز متشبث شده‌اند که بحرینی‌ها را مجبور
به گرفتن اوراق تابعیت ایران نمایند.

۲ ــ حضرت اشرف تصدیق خواهند فرمود که
۱۹۲۹
چنین اقدامی برخلاف وعده ایست که در ۹ سپتامبر
به سر رابرت کلایو داده شده خبر به اینکه تا زمانیکه مسئله
وطنی بحرینی‌های مقیم ایران حل نشود نسبت به آنها مزاحمتی

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی وزیر امور خارجه

(1)

British Legation,

Tehran,

November 4th,1930.

Urgent.

My dear Minister,

I have received a telegraphic report from Mohammerah to the effect that the local authorities are once again bringing pressure to bear on Bahreinis to take out Persian nationality papers. In one case a Bahreini was imprisoned for twenty four hours and was only released on his undertaking to adopt Persian nationality. In another, the police confiscated a passport issued by His Britannic Majesty's Consul at Basrah; and various other means have been resorted to with a view to coercing Bahreinis to take out Persian nationality papers.

2. Such action, Your Highness will agree, is contrary to the promise made to Sir R.Clive on September 9th,1929, that Bahreinis resident in Persia would not be molested while the question of their

country

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Foroughi
Minister for Foreign Affairs.

-2-

country was still under discussion in connection with the General Treaty; and since we are agreed that our treaty negotiations are merely suspended temporarily, I cannot think that it is the intention of the Imperial Government to violate the status quo in the matter. On their side, as Your Highness is aware, His Britannic Majesty's Government have loyally observed the status quo, and in spite of the growing resentment in Bahrein at the treatment of Bahreinis in Persia, they have so far been able, not without difficulty, to resist all efforts of the Bahrein Government to extend its jurisdiction to Persian subjects long settled in the islands. In these circumstances His Britannic Majesty's Government feel justified in counting on a similar spirit of collaboration on the Persian side also, and I should be grateful if Your Highness would be so good as to cause urgent telegraphic instructions to be sent to Khuzistan to observe the status quo and abstain from the coercive measures to which I have alluded above.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

R. C. Parr

۹/۸/۱۲

[illegible]

شماره: ۶۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش
متن سند:

جناب مستطاب اشرف آقای میرزامحمدعلی‌خان فروغی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

محترماً وصول مراسلهٔ جناب اشرف نمرهٔ ۲۸۱۱۱/۷۱۰۱۲۱۴ مورخهٔ ۹ بهمن (۲۹ ژانویه) را در باب ترتیب تذکرهٔ حکومت بحرین اطلاع می‌دهم

۲. در حالی که مایل نیستم وارد بحث بی حاصل در اصول بشوم از نقطه‌نظر روشن ساختن مطلب، خود را ناگزیر می‌بینم در اول وهلهٔ خاطرنشان نمایم که اختلافات عقیده که در این مورد پیش آمده تا اندازهٔ کلی در نتیجه تفسیر متفاوتی است که از اطمینانهای متقابله و متبادله راجع به وقایهٔ وضعیت کنونی (**Status quo**) به عمل آمده است.

جناب اشرف تفسیر دولت ایران را از بابت این مسئله در ضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۲۱۷۷۲/۷۱۰۱۲۱۴ موورخهٔ اول آذر ۱۳۰۹ (۲۲ نوامبرگذشته) بیان فرمودند. در مراسلهٔ مزبور در جواب اعتراضی که راجع به اقدام پلیس خوزستان در مجبور ساختن بحرینی‌ها به گرفتن پاسپورتهای ایرانی شده مراتب ذیل را اظهار می‌فرمایید.

«... تصدیق می‌فرمایید که اگر اقدامی مخالف ترتیبات معموله یا حفظ **Status quo** شده از طرف مأمورین ایران نبوده برعکس تمام سعی دولت و مأمورین ایران در حفظ خود و برطبق معمولات جاریه بوده است...»

و نیز می‌فرمایند: «دلیل واضح دیگر براینکه مأمورین برخلاف **Status quo** رفتار نکرده‌اند این است که چون دولت ایران بحرین را جزء خاک ایران می‌داند بحرینی‌ها را هم طبعاً تبعهٔ ایران می‌شمارد...»

به عبارت اخری از قرار معلوم دولت ایران اطمینانهای مزبور را طوری تعبیر می‌نمایند که آنها را محق می‌سازد که اظهارات و دلایل طرف مقابل این موضوع متنازع فیه را به کلی تجاهل نموده و با بحرینی ها در موردی مانند رعایای ایران رفتار کنند.

۳. وقتی که مطلب از این قرار باشد، منطقاً نتیجه این می‌شود که حکومت

بحرین به سهم خود حق دارند کاملاً نظیر این تفسیر را بنمایند و نیز محق اند هرگونه اقداماتی را که مقتضی دانند نسبت به بحرینی‌ها مجری دارند. به علاوه دولت ایران به وسیلهٔ امتناع اخیر خود از شناختن صحت و اعتبار تصدیقنامه‌های موقتی تابعیت انگلیس، یک موضوع بکلی جدیدی در ترتیبات خود راجع به تفتیش تذکره ایجاد کرده‌اند؛ درضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۳ مورخهٔ ۲ ژانویه (۱۲ دی)، مخصوصاً خاطر جناب اشرف را به برقراری این موضوع جدید معطوف ساختم و به واسطهٔ این مسئله باید در اینجا اعتراف کنم که‌نمی‌توانم انکار آن جناب را بفهمم در اینکه می‌فرمایند در این اواخر به‌هیچ‌وجه در ترتیبات راجع به تفتیش تذکرهٔ ایران تغییری داده نشده است.

از مراجعه به مکاتبات راجع به این مسئله، جناب اشرف ملاحظه خواهند فرمود که در حقیقت این ترتیب جدید باعث اشکال و عسرت زیاد جهت یک عده اشخاص گردیده که حفظ منافع آنها بر عهدهٔ سفارت است. در این مورد مایلم خاطر جناب اشرف را مراجعه دهم به شکایات متوالیه که این سفارت مجبور بوده است در باب اقدام بلامجوز مأمورین ایران در خلیج در اینکه اتباع ممالک مستقل عرب را از قبیل مسقط مجبور ساخته‌اند پس از ورود به ایران اوراق هویت ایرانی بگیرند، بنماید.

۴. در جملهٔ ۷ مراسلهٔ فوق‌الذکر جناب اشرف اظهار به تعجب می‌فرمایند از اینکه بحرین در ردیف ممالک خارجه از قبیل عراق به طور مساوی اسم برده شده است. در این مورد چندان احتیاجی نمی‌بینم به جناب اشرف توضیح دهم که این مسئله به علت این است که به عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان، بحرین یک دولت پادشاهی مستقلی می‌باشد.

۵. اما در باب شکایات جناب اشرف راجع به اقدام کمپانی کشتیرانی هند و انگلیس (برتیش اندیا استیم‌نویگشن کمپانی) در امتناع از قبول بحرینی‌هایی که می‌خواهند به بصره مسافرت نمایند ولی دارای پاسپورت بحرینی نیستند، فقط لازم است توضیح دهم که‌جهت و دلیلی مشاهده نمی‌شود که انتظار داشته باشند یک مؤسسهٔ تجارتی به واسطهٔ قبول مسافرینی که نتوانند در محلی که بلیطهای ایشان جهت آن صادر شده، پیاده شوند، متحمل ضرر و خسارت شود. هرگاه مؤسسهٔ مزبور یک چنین کاری را بنماید مجبور خواهد شد یا این اشخاص را مجاناً به نقطه مبدأ مجدداً حمل نماید یا اینکه کرایهٔ مراجعت را از آنها مأخوذ دارد و نتیجه این میشود که در هر دو صورت بلاجهت پولی تلف می‌گردد.

۶. در جملهٔ ۱۱ مراسله خود جناب اشرف شکایت می‌فرمایند که‌ویس قونسول

اعلیحضرت پادشاه انگلستان در محمره عادت کرده در اینکه اصرار نماید که بحرینی‌هایی که مایل‌اند به بصره مسافرت کنند، بایستی پاسپورت بحرینی منظم دریافت دارند؛ جواباً خاطرنشان می‌نمایم که نظر به تصمیم حکومت بحرین دایر به برقراری یک ترتیب منظم پاسپورت، واضح است که ویس قونسول اعلیحضرت پادشاه انگلستان محق نخواهند بود اسنادی را ویزا کند که صحت و اعتبار آنها را تصدیق ننموده باشد.

۷. بالأخره در ضمن جملهٔ ۱۲ جناب اشرف اظهار می‌فرمایند که لازم بود شکایات راجع به سوءرفتار نسبت به بحرینی‌های شیعه در ایران بفوریت به قونسول جنرال اعلیحضرت پادشاه انگلستان مراجعه می‌گردید که به ثبوت برسد.

جناب اشرف بیشتر از یک مورد را به خاطر دارند که این سفارت قضایایی را که کاملاً به ثبوت رسیده و راجع بوده است و تضییقاتی که نسبت به بحرینی‌ها در ایران وارد آمده و به استحضار خاطر شریف رسانیده است. از جمله قضیه راجع به حاجی حمید ابن حاجی عبود بحرینی اهل محمره را ذکر می‌نمایم (رجوع شود به مراسلهٔ سررابرت کلایو مورخهٔ ۲۵ فوریه ۱۹۳۰ به عنوان حضرت اشرف آقای وزیر دربار) که در آن باب با وجود مکاتبات مکرر رسمی و غیررسمی تا به حال توضیحات رضایت بخش داده نشده است. قضایای دیگری که از آن جمله قضیهٔ راجع به حبس یک نفر بحرینی تا زمانی که مشارالیه حاضر شده بود پاسپورت ایرانی بگیرد، باشد در ضمن مراسلهٔ دوستدار مورخهٔ ۴نوامبر به استحضار خاطر جناب اشرف رسیده، این وقایع قهراً در بین هموطنان این اشخاص که در بحرین اقامت دارند تولید حس انزجار شدیدی می‌نماید و دوستدار نمی‌توانم در تعجب جناب اشرف شرکت نمایم که وعاظ شیعه می‌بایستی توجه مأمور مقیم سیاسی را به‌این قبیل بی‌عدالتی‌ها معطوف ساخته باشند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نمایم.

British Legation,

Tehran,

February 25th, 1931.

No. 81.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to acknowledge the receipt of Your Highness' note No. 28111/7101214 of January 29th concerning the Bahrein Government's passport system.

2. While I am unwilling to enter into an arid discussion of principles, I feel bound for the sake of clearness to point out in the first place that the differences of opinion which have arisen in this connexion are due in large measure to a divergent interpretation of the reciprocal assurances exchanged in regard to the maintenance of the status quo. Your Highness defined the Persian Government's interpretation of this question in the course of your note No. 21772/7101214 of November 22nd last, in which, in reply to a protest regarding the action of the Khuzistan police in forcing Bahreinis to take out Persian passports, you make the following observations :-

"..... you will agree that if acts contrary

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi
Minister for Foreign Affairs.

سفارت انگلیس طهران

۶ اسفند ۱۳۰۹

نمره ۸۱

آقای وزیر

ترجمه وصول مرقومه جناب اشرف نمره ۲۸۱۱۱/۷۱۰۱۲۱۴

مورخه ۹ بهمن (۲۹ ژانویه) را در باب

ترتیب تذکره حکومت بحرین اعلام میدارم.

۲ - در حالیکه مایل نیستم وارد بحث بی حاصل در اصول

شوم در نقطه نظر روشن ساختن مطلب خود را مجبور

میبینم در درجه اول خاطر نشان نمایم که اختلافات عقیده

که در این مورد پیش آمده تا اندازه کلی در تفسیر

مختلف [illegible] است که از اطمینانهای متقابله راجع به

[illegible] حفظ وضعیت [illegible] (status quo) [illegible]

جناب اشرف تفسیر دولت ایران را از این مسئله

ضمن مرقومه خود نمره ۲۱۷۷۲/۷۱۰۱۲۱۴

مورخه اول آذر ۱۳۰۹ (۲۲ نوامبر گذشته) بیان

فرموده [illegible] در جواب اعتراضی که راجع

باقدام نظمیه خوزستان در مجبور ساختن بحرینیها به اخذ

پاسپورتهای ایرانی [illegible] اظهار نموده اید:

..... تصدیق میفرمایید که اگر اقدامات مخالف [illegible]

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی وزیر امور خارجه

[illegible]

١٩٥

منظور حفظ وضع موجود مشاهده شده از طرف مأمورین

ایران نبوده بلکه تمام مساعی دولت و مأمورین ایران

در حفظ حقوق و برطبق مقررات جاریه بوده است ....)

ونیز متذکر شده‌اند: (دلیل دیگر براینکه مأمورین

برخلاف وضع موجود اقدامی ننموده‌اند این است

که چون دولت [illegible] بحرین را جزو خاک ایران میداند

بحرینیها طبعاً تبعه ایران شمرده میشوند ....)

بعبارت اخری از قرار معلوم دولت ایران اظهارات

مزبوره را طوری تعبیر مینماید که آنها را حق میدهد

که ادعاهات دولتی طرف مقابل در موضوع تنازع فیه را

کاملاً نادیده گرفته و با بحرینیها در هر مورد مانند رعایای

ایران رفتار کنند.

۳- وقتیکه مطلب از اینقرار باشد منطقاً نتیجه این میشود

که حکومت بحرین هم بنوبه خود حق دارند که عیناً نظیر این تفسیر را

بنمایند و نیز محق اند هرگونه اقداماتی را که مقتضی دانسته

نسبت به بحرینیها مجری دارند. [illegible] دولت [illegible]

بوسیله امتناع خود از شناختن صحت و اعتبار

تذکره‌های [illegible] تابعیت [illegible] که موضوعاً [illegible]

جدیدی در ترتیبات خود راجع به [illegible] ایجاد کرده‌اند

"contrary to the regulations in force
"or the maintenance of the status quo
"have been committed, they were not
"committed by Persian officials. On
"the contrary, the whole efforts of
"the Persian Government and of their
"officials have been directed towards
"upholding the rights of the Persian
"Government in accordance with the
"laws in force ......" and again:
"Another proof that (Persian) officials
"have not acted in a sense contrary
"to the status quo is that, as the
"Persian Government consider Bahrein
"as Persian territory, Bahreinis are
"naturally reckoned as Persian
"subjects.....". In other words, the
Persian Government appear to interpret
the assurances in question as entitling them to ignore completely the
contentions of the other party to the
dispute, and to treat Bahreinis in
every way as Persian subjects.

3. That being so, it follows logically that the Bahrein Government
on their side are entitled to a
precisely similar interpretation, and
are justified in applying to Bahreinis
whatever measures they may deem
expedient. The Persian Government

have

have moreover introduced an entirely new element into their passport control system by their recent refusal to recognise the validity of British emergency certificates. It was to this innovation, in particular, that I referred in my note No. 3 of January 2nd and in the light of it I must confess myself unable to understand Your Highness' denial that there has been any recent change in the Persian system of passport control. Your Highness will see from the correspondence that in actual fact this innovation has been the source of considerable trouble and hardship to a large number of persons whose interests this Legation is bound to protect. In this connection I would also refer Your Highness to the repeated complaints which this Legation has been forced to make concerning the unwarrantable action of the Persian authorities in the Gulf in compelling the nationals of independent Arab States such as Muscat to take out Persian identity papers on their arrival in Persia.

4. In paragraph 7 of Your Highness' note under reference you express surprise that Bahrein should be referred to as on a par with foreign states such

[illegible]

as 'Iraq. I need hardly explain to Your Highness at this juncture that this is due to the fact that in the view of His Britannic Majesty's Government Bahrein is an independent sovereign State.

5. With regard to Your Highness' complaints regarding the action of the British India Steam Navigation Company in refusing to accept Bahreinis wishing to travel to Basrah but not in possession of Bahreini passports, I need only observe that there can be no justification for demanding that a purely commercial concern should bear the loss entailed by accepting passengers unable to disembark at the place for which their tickets are made out. Were they to do so, they would be obliged either to re-convey such persons free to their point of departure, or recover the return fare from them, wasting money quite uselessly in either case.

6. In paragraph 11 of Your Highness' note you complain that His Britannic Majesty's Vice-Consul at Mohammerah has taken to insisting that Bahreinis desirous of travelling to Basrah should take out regular Bahreini passports. I would point out in reply that in view of the decision of the Bahrein Govern-

ment

ment to introduce a regular passport system, it is evident that His Majesty's Vice Consul would not be justified in visaing documents the validity of which is not recognised by the latter.

7. Finally, in paragraph 12 Your Highness observes that any complaints regarding the ill-treatment of Shia Bahreinis in Persia should have been immediately made to His Britannic Majesty's Consul-General for the purposes of substantiation. Your Highness will recall more than one instance in which this Legation has brought to your notice fully substantiated cases of hardships suffered by Bahreinis in Persia. I would cite for example the case of Haji Hamid ibn Haji Abood Bahreini of Mohammerah, - (see Sir Robert Clive's letter of February 25th 1930 to His Highness the Minister of Court) - concerning which, in spite of many official and unofficial representations, no satisfactory explanation has ever been forthcoming. Other cases, including the imprisonment of a Bahreini until he consented to take out a Persian passport, were brought to Your Highness' notice in my letter of November 4th. These incidents inevitably

۶

دولت بحرین قرار دهند ترتیب منظم پاسپورت واضح است
که ویس قونسول اعلیحضرت پادشاه انگلستان محق نخواهد بود
اسنادی را ویزا کند که صحت و اعتبار آنها را اخیری تصدیق
نشده باشد.

۷ — بالاخره در فقره ۱۲ جناب اشرف والا میفرمایند
که لازم بود شکایات راجع بسوء رفتار نسبت به
بحرینیهای شیعه در ایران فوراً به قونسول جنرال اعلیحضرت
پادشاه انگلستان راجع گردد که به ثبوت برسد.
جناب اشرف بیش از یک مورد را بخاطر دارند که این سفارت
قضایایی را که کاملاً به ثبوت رسیده راجع به مشقاتی
که نسبت به بحرینیها در ایران وارد آمده
به استحضار خاطر شریف رسانیده است. از جمله قضیه
راجع به حاجی حمید ابن حاجی عبود بحرینی اهل محمره را ذکر
مینمایم (رجوع شود به مراسله سر روبرت کلایو مورخه
۲۵ فوریه ۱۹۳۰ بعنوان حضرت اشرف آقای وزیر دربار)
که در این باب با وجود مذاکرات رسمی و غیر رسمی
تاکنون توضیحات رضایت‌بخشی داده نشده است. قضایای دیگر
که از آنجمله قضیه راجع به حبس کردن یک بحرینی تا زمانیکه
حاضر شد پاسپورت ایرانی بگیرد بوده در ضمن مراسله
مورخه ۴ نوامبر باستحضار خاطر جناب اشرف رسید

ably cause much resentment among the compatriots of the victims in Buhrein, and I cannot share Your Highness' surprise that Shiá priests should have called the attention of the Political Resident to such injustices.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

R. Clive

این وقایع یقیناً در بین هموطنان این اشخاص که در
بحرین آسیب دیده‌اند تولید حس انزجار شدیدی خواهد
نمود و بنده نمی‌توانم در تعجب جناب اشرف شرکت نمایم
که روحانیون شیعه باید توجه نماینده سیاسی را به این
قبیل بی‌عدالتیها معطوف ساخته باشند.
[illegible] نوشته شده [illegible] تجدید [illegible]

[illegible] — [illegible]
۱۰/۱۲/۹

[illegible] دفتر کابینه وزارت امور خارجه
نمره [illegible]
[illegible]

شماره: ۶۱
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در حجاز و نجد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ فروردین ۱۳۱۰
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه دامت شوکته

راپرتاً به عرض می‌رساند، دیروز شیخ یوسف یاسین مستشار اعلیحضرت ابن سعود برای دیدن و ملاقات به سفارت شاهنشاهی آمد؛ در اثنای مصاحبه ذکر جزیرهٔ بحرین به میان آمد. زیرا در روزنامهٔ الاحرار منطبعهٔ بیروت که علی‌حده تقدیم می‌نمایم، تلگرافی را از طهران نشر داده که دولت علیهٔ ایران پیشنهاد دولت انگلیس را در باب اشتراک در اداره کردن حکومت بحرین وشرکت در انتخابات بلدیه و فرستادن یک نفر کمیسر عالی از طرف دولت علیه ایران در بحرین رد کرده است و سؤال نمود که آیا این خبر صحت دارد یا نه، گفتم: خبر رسمی در این خصوص ندارم ولی من هم این روزنامه را مطالعه کرده‌ام و بدیهی است اگر چنین پیشنهادی شده باشد، دولت علیه ایران که خود را مالک مطلق جزیرهٔ مذکوره می‌داند و عملاً و تاریخاً حق ایران ثابت و تردیدپذیر نیست، جز تصرف مطلق جزیره هرگونه پیشنهادی را رد خواهد کرد. سپس گفت در صورتی که دو ثلث سکان جزیره بحرین از رعایای ابن‌السعود هستند و تجارت وسیعی در آنجا داشته و داریم دولت انگلیس مانع از این شده است که ما به آنجا نماینده و یا قنسل (قونسول) بفرستیم و هرچه مذاکره می‌نماییم حاضر به قبول نمی‌شود و می‌گوید اگر از طرف شما قنسلی را قبول نماییم سایر دول نیز همین تقاضا را خواهند نمود و ما مایل نیستیم که دول در آنجا نماینده داشته باشند. ولی اگر شما بخواهید قنسل به بحرین بفرستید ما نیز باید نماینده‌هایی به نجد بفرستیم و در قطیف و ریاض و احساء قنسل داشته‌باشیم. لهذا ما از قبول این پیشنهاد انگلیسها چون امتناع ورزیده‌ایم، آنها نیز در امتناع خود اصرار دارند و همین مطلب لاینحل مانده است. سپس گفت: ما خیلی آرزو داریم و مایل هستیم که دولت علیه ایران جزیره را تصرف کند زیرا با دولت ا یران بهتر و سهلتر می‌توانیم کنار بیاییم. گفتم شکی ندارم که بالأخره دولت ایران جزیره را متصرف می‌شود زیرا بحرین از املاک غیرقابل‌التجزیه ایرانی است و چون دولت متبوعهٔ من نسبت به دولت متبوعهٔ شما کمال دوستی و وداد را دارد، البته در مساعدت و همراهی با

اعلیحضرت ابن السعود کوتاهی نخواهد نمود. از طرز بیانات شیخ یوسف یاسین چنین استنباط می‌شود که از دولت انگلیس دل‌پری دارند. محض اطلاع به عرض رسانید.

حبیب الله هویدا

سفارت شاهنشاهی ایران
در حجاز و نجد

۲۸۰

۲۶ فروردین ۱۳۱۰

ضمیمه روزنامه الاحرار راجع به بحرین

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دولت متبوعه

راپرتاً بعرض مبارک میرساند دیروز شیخ یوسف یاسین مستشار اعلیحضرت ابن السعود برای دیدن و ملاقات بسفارت شاهنشاهی آمد در اثنای مصاحبه ذکر جزیره بحرین بمیان آمد زیرا در روزنامه الاحرار منطبعه بیروت که علیحده تقدیم میشود یک تلگرافی را از طهران نشر داده که دولت علیه ایران پیشنهاد دولت انگلیس را در باب اشتراک در اداره کردن حکومت بحرین و شرکت در انتخابات بلدیه و فرستادن یک نفر کمیسر عالی از طرف دولت علیه ایران در بحرین رد کرده است. سؤال نمود که آیا این خبر صحت دارد یا نه گفتم خبر رسمی در این خصوص ندارم ولی خبر این روزنامه را مطالعه کرده‌ام و بدیهی است اگر چنین پیشنهادی شده باشد دولت علیه ایران که خود را مالک مطلق جزیره مذکوره میداند و بعقیده ما هم تاریخاً حق ایران ثابت و تردید پذیر نیست جز تصرف مطلق جزیره هرگونه پیشنهادی را رد خواهد کرد. سپس گفت در صورتیکه دو ثلث سکان جزیره بحرین از رعایای ابن السعود هستند و تجارت بسیاری در آنجا داشته و داریم دولت انگلیس مانع از این شده است که ما در آنجا نماینده و یا قنسول بفرستیم و هر چه مذاکره مینمائیم تعقیب نمیشود و میگویند اگر از طرف شما قنسولی تعیین نمائید سایر دول نیز همین تقاضا را خواهند نمود و ما هم نمیتوانیم بدول در آنجا نماینده داشته باشند ولی اگر شما بخواهید قنسول به بحرین بفرستید ما نیز باید نماینده‌ها به بحرین بفرستیم و در قطیف و ریاض و احساء قنسول داشته باشیم لهذا ما از قبول این پیشنهاد انگلیسها چنانکه امتناع ورزیده‌ایم آنها نیز در امتناع خود اصرار دارند و همین مطلب لاینحل مانده است سپس گفت ما خیلی آرزو داریم و مایل هستیم که دولت علیه ایران جزیره را تصرف کند زیرا با دولت ایران بهتر و سهلتر میتوانیم کنار بیائیم
گفتم شکی ندارم که بالاخره دولت ایران جزیره را متصرف میشود زیرا بحرین از املاک غیر قابل التجزیه ایران است و چنین دولت متبوعه من نسبت بدولت متبوعه شما کمال دوستی و وداد را دارد البته در صورت عدالت و همراهی اعلیحضرت ابن السعود کوتاهی نخواهد نمود
از طرز بیانات شیخ یوسف یاسین چنین استنباط میشود که از دولت انگلیس دل پری دارند. برای اطلاع بعرض رسانید

حبیب‌الله هویدا

اداره ... بایگانی شود
۱۰/۲/۱۵

۴۲۸
۱۰ ۲ ۱۹

شماره: ۶۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ آذر ۱۳۱۰
متن سند:

وزارت جلیلۀ امور خارجه

ادارۀ تذکره و تابعیت با اشعار وصول مرقومۀ ۲۴ آبانماه گذشته نمرۀ ۲۴۶۰۳/۱۰۱۲۵۴ زحمت‌افزا می‌شود، نظمیه بوشهر و بندرعباس در نتیجۀ سوء تفسیر تعلیمات آن وزارت جلیله، تقاضا نموده است دوایر گمرک محل جواز مسافرت معروف به علم و خبر به مسافرین تبعۀ ایران که به عمان مسقط و کویت می‌روند، بدهند. و حال آنکه مسافرین مزبور باید برای رفتن به نقاط مزبور دارای تذکرۀ معمولی باشند و ورقۀ علم خبر مخصوص مسافرت به جزایر بحرین است که به منزلۀ خاک ایران تلقی می‌شود برای رفع سوء‌تفاهماتی که در این خصوص بین گمرک و نظمیۀ محل روی داده. متمنی است، دستور صریح به ادارۀ تشکیلات نظمیه صادر فرمایند تا تکلیف مأمورین آن اداره در موضوع ترتیباتی که مسافرین فوق برای رفتن به بنادر خلیج (ساحل عربستان) باید اجرا نماید، مشخص گردد.

اما ملاحان و ناخداهای جهازات بادی ایران که بین بنادر عربستان و ایران ایاب و ذهاب می‌نمایند، مسلماً باید به این طبقۀ مسافرین کماکان از طرف گمرک تذاکر نقاط مجاور داده شود و در این باب اختلاف‌نظری بین گمرک و نظمیه موجود نیست.

مهر وزارت مالیه

[پی نوشت:]

دستور لازم در تاریخ ۱۰/۴/۱۲ تحت نمره ۱۲۲۴۹ برای تشکیلات نظمیه داده شده است.

وزارت مالیه

اداره گمرکات

دایره

بتاریخ ۱۴ بر ۹ ماه ۱۳۱۰

نمره ۵۷۰۰/۲۴ ضمیمه

۱۰/۹/۱۵

وزارت جلیله داخله - اداره تذکره و تابعیت

با اشعار وصول مرقومه مورخه ۱۹ آبانماه گذشته نمره ۱۰۱۲۴/۶۰۳ زحمت
افزا میشود نظمیه بنادر و بندر عباس و غیره [illegible] تشکیلات وزارت جلیله [illegible]
و ادارات گمرک هم جواز مسافرت [illegible] خارجی [illegible] ایران که [illegible]
[illegible] و ورقه [illegible] . و حال اگر مسافرین [illegible] برای رفتن بنقاط
[illegible] دارای تذکره میباشند [illegible] مسافرت [illegible]
که [illegible] خاک ایران [illegible] میشوند برای [illegible] که [illegible] خصوصی
بین گمرک و نظمیه [illegible] داده ممکن است [illegible] نظمیه [illegible]
[illegible] تکلیف [illegible] آن ادارات [illegible] که مسافرین فوق برای
رفتن [illegible] ([illegible]) [illegible] مشخص گردد .
[illegible] اعلان [illegible]
[illegible] نظمیه [illegible] .
گمرک [illegible] نقاط [illegible] داده بود [illegible] بین گمرک
و نظمیه موجود نیست .

ل - ۵۰۰

شماره: ۶۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

جناب آقای هر، وزیرمختار دولت پادشاهی انگلیس
آقای وزیرمختار

محترماً به استحضار خاطر شریف می‌رساند که مطابق متحدالمآل دفتر پستی بین‌المللی اتحاد عمومی پست برن مورخهٔ ۲۴ اوت ۱۹۳۲ نمره ۲۳۹/۵۷۸۷، ادارهٔ پست هندوستان اطلاع داده است که قریباً مقداری تمبر پست هند و انگلیس که روی آنها سورشارژ (بحرین) خورده است، صادر و به جریان انداخته خواهد شد. ضمناً حسب‌المعمول نمونه از این تمبرها توسط دفتر بین‌المللی برن برای ادارات پست ممالک عضو اتحاد ارسال خواهند داشت. دوستدار با ذکر مراتب فوق نسبت به این رفتار ادارهٔ پست هند و انگلیس که به حقوق ثابتهٔ مالکیت ایران دربحرین لطمه وارد آورده، قویاً اعتراض کرده و در تعقیب مراسلاتی که راجع به اثبات حقوق حقهٔ ایران در آن جزایر سابقاً به اسلاف آن جناب نوشته شده و دلایلی که در این خصوص اقامه گردیده؛ بار دیگر متذکر می‌شود که مبادرت به این قبیل اقدامات متصرفانه هر قدر متمادی و مکرر باشد، خدشه به مالکیت مسلمهٔ دولت شاهنشاهی وارد نیاورده و دولت متبوع دوستدار در نظریات خود نسبت به این موضوع پایدار است. در خاتمه امیدوار است که اقدامات لازمه از طرف آن جناب در جلوگیری از انتشار تمبرهای فوق به عمل آید و در هرحال از طرف دولت شاهنشاهی ایران به کلیهٔ دوایر پستی دستور داده شده است که از حمل پاکتهایی که در روی آنها تمبر سورشارژ بحرین الصاق شده باشد، امتناع ورزند. احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس
نمره ۴۶۳۲
تاریخ ۱۰۱۲۵۶ / ۱۱ / ۱۳۱۱
ضمیمه

۱۰۱۲۵۴
۹۸۶

آقای وزیر مختار

۵۷۸۷ / ۳۳۹

محترماً باستحضار خاطر شریف میرساند که مطابق تصمیم سال قبل قرار شد بین اطلاع اتحاد عمومی پست بر طبق مراسله مورخه ۲۴ اوت ۱۹۳۲

اداره پست هندوستان اطلاع داده است که قونسول معتمد دولت انگلیس که در بحرین است سرپرستی در بحرین اخیراً

در بحرین اند چه خلاف ضمناً حسب المعمول نمونه تمبرها از سال قبل بین المللی برای ادارات پست ممالک عضو اتحاد ارسال

خواهند داشت. مستدعی است از ذکر مراتب فوق نسبت به رفتار اداره پست هند و انگلیس که بحقوق ثابته مالکیت ایران

در بحرین لطمه وارد آورده قویاً اعتراض کرده و تقاضا میکند تعقیب مسئله که راجع باثبات حقوق حقه ایران در آن جزایر است بالطرف

آن جناب ارجاع شده. در حالیکه در خصوص اضافه کرده بار دیگر خاطر نشان میشود که مبادرت باین قبیل اقدامات که منافی قرار

تمامی دیگر باشد خدشه بمالکیت مسلمه دولت شاهنشاهی وارد ننماید. دولت متبوع مستدعی در نظریات خود نسبت بآن پافشاری

پافشاری است. در خاتمه امیدوار است که اقدامات لازمه از طرف آن جناب در جلوگیری از انتشار تمبرهای فوق بعمل آید

و در هر حال از طرف دولت شاهنشاهی نیز بکلیه ادارات پست اطلاع داده میشود که در جزیره بحرین تمبرهای دیگر

بجزیره الحاق شد. باز امتناع ورزند. احترامات فائقه را تجدید مینماید

جناب آقای هور وزیر مختار دولت پادشاهی انگلیس

شماره: ۶۴
فرستنده: سفارت انگلیس ـ تهران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲ مهر ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسن علی‌خان غفاری کفیل وزارت خارجه
کفیل عزیزم

مراسلهٔ جناب اشرف نمرهٔ ۱۰۱۲۵۴ص/۱۴۵۱۱ مورخه ۲۶تیر گذشته (۱۷ ژویه) در باب مراسمی که رعایای ایرانی که مایلند به بحرین مسافرت نمایند باید اجرا کنند، واصل گردید.

۲. ملاحظهٔ آرشیوهای سنوات اخیره به شکل وضوح حاکی از این است که این مسئله موضوع مباحثهٔ بلاثمر و مفصل بوده است.

۳. به قراری که ملاحظه می‌کنم، تا آخر سال ۱۹۲۸، رعایای ایران مجاز بوده‌اند به اعتبار ورقهٔ (علم‌وخبر) به بحرین مسافرت نمایند.

۴. به همین نحو تا سنهٔ ۱۹۲۶ اهالی بحرین با اسناد مسافرتی صادره توسط مأمورین انگلیسی یا بحرینی مسافرت می‌نمودند.

۵. در سنهٔ ۱۹۲۶ مأمورین ایرانی شروع نمودند اوراق مزبور را توقیف نموده و اوراق ایرانی در عوض تحمیل نمایند.

۶. در سنهٔ ۱۹۲۸ شیخ بحرین تصمیم اتخاذ نمود دایر به اینکه به ایرانیان اجازه داده نشود به بحرین پیاده شوند مگر اینکه دارای یک پاسپورت مرتبی باشند که به ویزای یک نفر مأمور قونسولگری انگلیس رسیده باشد.

۷. تصمیم مزبور از اول ژانویه ۱۹۲۹ به موقع اجرا گذارده شده لکن در باب این ترتیب بعضی مستثنیاتی قائل شدند یکی از این مستثنیات راجع می‌شود به اعضای جهازات که در آن باب توضیحات دیگری لازم نیست.

یکی دیگر راجع می‌گردد به غواصان از هر ملیت که ممکن است به اعتبار یادداشتی که در (دفاتر غواصی) آنها قید می‌گردد، وارد بحرین شوند. استثنای سومی که مهمتر از همه است راجع می‌شود به تجار ایرانی که معمولاً در بحرین اقامت دارند (ودر بعضی موارد نیز راجع می‌شود به سایر تجار ایرانی) که مجازند به اعتبار جوازهای

(Noobjection) صادره از طرف حکومت بحرین حتی در صورتی هم که پاسپورت یا ویزاهایی نداشته باشند، به بحرین پیاده می‌شوند. دوستدار تصور می‌نمایم مراسلهٔ جناب اشرف اشاره می‌نماید به این جوازها که صدور آنها بلاشک مشروط است به اینکه یک نفر شخص معتبری در بحرین ضمانت تاجر مربوط را بنماید این شرط فقط به منفعت تجار ایرانی مزبور است. زیرا در غیر این صورت به ملاحظهٔ امتناع دولت ایران از صدور پاسپورت جهت بحرین یا شناختن ویزا جهت بحرین به کلی از مسافرت به بحرین ممنوع می گردند. وضعیت تجار ایرانی در حقیقت از همین حیث نسبت به سایر خارجه‌ها معتبر و مناسبتر می‌باشد زیرا کلیهٔ رعایای خارجه به انضمام اتباع انگلیس بایستی قبل از اینکه بتوانند به بحرین پیاده شوند تحصیل ویزا نمایند.

۸. جناب اشرف اشاره می فرمایند به قرار راجع به Status quo مورخهٔ سپتامبر ۱۹۲۹. وضوحاً قرار مزبور در اینجا مورد ندارد زیرا تصمیم راجع به پاسپورتها مذکوره در دو جملهٔ قبلی ۹ماه زودتر به موقع اجرا گذارده شده.

۹. در این صورت بحث قرار مزبور در اینجا چندان مورد ندارد لکن دوستدار خود را محق می دانم خاطرنشان نمایم که در وقتی که قانون نظام‌وظیفه وضع شد، دولت ایران این طور اظهار داشتند که اجرای قانون مزبور نسبت به بحرینی‌ها متضمن نقض‌قرار (Status quo) نمی‌باشد زیرا بحرینی‌ها اتباع ایران محسوب می گردیدند به نظر دوستدار مسلماً نمی‌توان حکومت بحرین را متهم به نقض قرار Status quo دانست در صورتی که نظامات راجع به پاسپورت یا تغییر نظامات فعلی را که معمولاً نسبت به خارجه‌ها اجرا می‌شود، در مورد ایرانیان نیز مجری دارند.

دوست صمیمی

British Legation,
Gulhek,
September 24th,1932.

My dear Excellency,

I duly received His Highness' letter No. 14511/S.101254 of July 17th on the subject of the formalities to be fulfilled by Persian subjects wishing to visit Bahrein.

2. An examination of the archives of recent years reveals very clearly that it is a subject fruitful of most sterile controversy.

3. I find that up to the end of 1928 Persian subjects were allowed to travel to Bahrein on the strength of an Elm-o-Khabar.

4. Similarly up to 1926 Bahreinis travelled to Persia on travel documents issued by British or Bahreini officials.

5. In 1926 the Persian authorities began to confiscate these papers and impose Persian papers.

6. In 1928 the Sheikh of Bahrein decided that Persians should not be allowed to land at Bahrein unless provided with a regular passport duly visaed by a British Consular Officer.

7...

His Excellency
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari
Gérant du Ministère des Affaires Etrangères.

7. This decision was enforced as from January 1st, 1929, but certain exceptions are made to the rule. One of these applies to ships' crews and calls for no comment; another applies to divers, who may enter Bahrein, whatever their nationality, on the strength of an entry made in their "Diver's books": the third and most important applies to Persian merchants ordinarily resident in Bahrein (and in some cases to other Persian merchants) who are allowed to land on the strength of "No objection" passes issued by the Bahrein Government, even though not provided with passports or visas. It is these passes, the issue of which is doubtless conditional upon some person of standing in Bahrein vouching for the merchant concerned, to which I fancy His Highness' letter refers. This provision is made solely in the interests of these Persian merchants, who would otherwise be prevented by the refusal of the Persian Government to issue passports for Bahrein, or to recognise visas for Bahrein, from visiting the island at all. Persian merchants are in fact in a more favourable position that any other foreigners, all of whom, including British subjects, must secure visas before they

دارای تذکره پاسپورت مرئی باشند که بتوانند ببحرین بروند
نامه توسط قنسول انگلیسی رسیده باشد.

۷ – تصمیم مزبور از پنجم ژانویه ۱۹۲۹ موقع اجرا گذارده شد لکن در باب این ترتیب بعضی مستثنیات قائل شدند یکی از این مستثنیات راجع میشود باعضاء جهازات که در باب توضیحات زیادی لازم نیست. یکی دیگر راجع میگردد بغواصان از هر ملیت که ممکن است باعتبار یادداشتها که در (دفاتر غواص) آنها قید میگردد وارد بحرین شوند استثنای سوم که مهمتر از همه است راجع میشود به تجار ایرانی که معمولاً در بحرین اقامت دارند (و در بعضی موارد نیز راجع میشود بسایر تجار ایرانی) که اجازه دارند باعتبار جوازهای (عدم ممانعت) صادره از طرف حکومت بحرین حتی در صورتیکه پاسپورت یا ویزا نداشته باشند بحرین پیاده میشوند. دوستدار تصور مینمایم مراسله جناب اشرف اشاره مربوط باین جوازها که صدور آنها بدون تردید مشروط است باینکه یک نفر شخص معتبری در بحرین ضمانت تاجر مزبور را بکند بنماید. این شرط فقط بمنفعت تجار ایرانی مقرر شده است زیرا در غیر اینصورت بملاحظه امتناع دولت ایران از صدور پاسپورت جهت بحرین یا شناختن ویزا جهت بحرین تجار مزبور از مسافرت به بحرین ممنوع میگردیدند. حقیقتاً تجار ایرانی در حقیقت از نقطه نظر نسبت بسایر خارجه ها بهتر و مناسبتر

با به بحرین کلیه رعایای خارجه با نظام اتباع تغییر
بایستی قبل از اینکه بتوانند به بحرین پیاده شوند تذکره
ویزا نمایند.
وضع موجود ستاتوکو
۸ — جناب اشرف شیخ اشاره به قرار داد
وضع موجود قرارداد
مورخه سپتامبر ۱۹۲۹
در اینجا مورد ندارد زیرا تصمیم راجع به پاسپورتها که
در دو فقره فوق ذکر شده ۹ ماه زودتر بموقع اجرا گذارده شده
۹ — در این صورت بحث در اطراف آن در اینجا چندان
مورد ندارد و لیکن دوستدار خود را محق میدانم خاطر
نشان نمایم که در وقتیکه قانون نظام اجباری وضع شد
دولت ایران اظهار داشته که اجرای قانون مزبور
نسبت به بحرینیها نقض وضع موجود ستاتوکو
نیست زیرا ... آنها را ... تبعه ایران محسوب میکرد ...
به نظر دوستدار نمیتوان حکومت بحرین را متهم به نقض
وضع موجود دانست اگر نظامات راجع به پاسپورت یا تغییر
نظامات فعلیه را که عموماً نسبت به خارجه اجرا میشود در
باره ایرانیان نیز مجری دارند.
دوستدار

before they can land in Bahrein.

8. His Highness refers to the "Status quo" agreement of September 1929. It is clearly not involved, as the decision regarding passports mentioned in the two preceding paragraphs was put into force nine months earlier.

9. In the circumstances it is hardly relevant to discuss that agreement, but I feel justified in pointing out that when the conscription law was introduced the Persian Government maintained that it was no breach of the status quo to apply it to Bahreinis because they were regarded as Persian subjects. To my mind the Bahrein Government can certainly not be accused of a breach of the status quo if they apply to Persians any passport regulations or modification of existing regulations which are generally applicable to foreigners.

Yours sincerely

R. H. Hoare

شماره: ۶۵
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران_بغداد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۱۱ش
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به قراری که جراید بغداد می‌نویسند اخیراً شیخ عیسی آل خلیفه شیخ بحرین، وفات نموده و بدین مناسبت از طرف اعلیحضرت ملک فیصل تلگراف تعزیتی به عنوان پسرش شیخ حمد خلیفه مخابره شده است که اینک سواد ترجمهٔ شرح مندرجه در روزنامهٔ صوت‌العراق با ترجمهٔ تلگراف اعلیحضرت ملک فیصل و جواب شیخ حمد خلیفه تلواً تقدیم می‌شود.

سواد به دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی تقدیم شده است. وزیرمختار دولت شاهنشاهی

سواد شرح مندرجه در روزنامه صوت‌العراق مورخهٔ ۳۰دسامبر ۱۹۳۲

وفات امیر بحرین

به قراری که اطلاع رسیده، شیخ عیسی آل خلیفه امیر کنونی بحرین دارفانی را وداع و به رحمت ایزدی پیوسته است. این خبر تمام دوستان مرحوم مغفور را که دارای صفات حمیده و اخلاق پسندیده بود متأثر نمود.

امیر معظم‌له در شعبان ۱۲۶۵ هجری متولد و در اواخر سال ۱۲۸۶ در موقعی که ۲۱ساله بود به امارت نایل گردید. و اختلافات سیاسی را که بین پدر و عموی مرحومش ایجاد شده بود، مشاهده نموده و همچنین در محاربه‌ای که بین پدرش و دشمنان او تولید و منجر به شهادت پدرش گردید، حضور داشته و زخمهای زیادی بر بدنش وارد شده که تا دم مرگ اثر آن باقی بود. فقید مشارالیه به حسن معامله و اخلاق حسنه با رعایا و افراد فامیل خود معروف و مشهور بود. و پس از آنی که به سن پیری رسید، ولیعهد خود شیخ احمد پسر عیسی را از طرف خود نایب مناب نمود. ومشارالیه هم زمام امور را تا موقع مرگ پدرش که روز جمعهٔ ۸شعبان بود به دست گرفت.

اینک ما هم مراتب تعزیت خویش را به حاکم بحرین و جمیع افراد فامیل ایشان تقدیم و برای فقید مزبور طلب رحمت می‌نماییم.

از طرف اعلیحضرت ملک هم تلگراف ذیل به پسرش مخابره گردیده است:

والاحضرت شیخ حمد خلیفهٔ بحرین

در این مصیبت عظمی با شما شرکت جسته و خود را به وفات مرحوم والد شما رحمة‌الله‌علیه تعزیت می‌گوییم. و جواب ذیل هم از طرف شیخ حمد الخلیفه مخابره گردیده است:

(فیصل)

اعلیحضرت ملک فیصل بغداد:

تلگراف تعزیت آمیز شما در وفات والد واصل از احساسات شما ممنون و برای آن مرحوم طلب رحمت می‌نماییم.

(حمد الخلیفه)

نمره ۴۶۱۶۴
مورخه ۱۴/۱۰/۱۳۱۱
ضمیمه ۲

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

وزارت جلیله امور خارجه

بقراریکه جراید بغداد مینویسند اخیرا شیخ عیسی آل خلیفه شیخ بحرین وفات نموده و بدین مناسبت ازطرف اعلیحضرت ملک فیصل تلگراف تعزیتی بعنوان پسرش شیخ حمد خلیفه مخابره شده است که اینک سواد ترجمه شرح مندرجه در روزنامه صوت العراق باترجمه تلگراف اعلیحضرت ملک فیصل وجواب شیخ حمد خلیفه تلوا تقدیم میشود.

سواد بدفتر محترم مخصوص شاهنشاهی تقدیم شده است. وزیر مختار دولت شاهنشاهی

اداره دفتر
سواد ترجمه شرح مندرجه در روزنامه صوت العراق
نمره ۱۳
تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۳۲

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

وفات امیر بحرین

بقراریکه اطلاع رسیده شیخ عیسی آل خلیفه امیر کنونی بحرین دار فانی را وداع و برحمت ایزدی پیوسته است. این خبر تمام دوستان مرحوم مغفور را که دارای صفات حمیده و اخلاق پسندیده بود متأثر نمود.
امیر معظم له در شعبان ۱۲۶۵ هجری متولد و در اواخر سال ۱۲۸۶ در موقعیکه ۲۱ ساله بود بامارت نائل گردید. و اختلافات سیاسی را که بین بد روعوی مرحومش ایجاد شده بود مشاهده نموده و همچنین در محاربه که بین پدرش و دشمنان او تولید و منجر بشهادت پدرش گردید حضور داشته و زخمهای زیادی ببدنش وارد شده که تا دم مرگ اثر آن باقی بود. فقید مشار الیه بحسن معامله و اخلاق حسنه با رعایا و افراد فامیل خود معروف و مشهور بود. و پس از آنکه بسن پیری رسید ولیعهد خود شیخ احمد پسر عیسی را از طرف خود نایب مناب نمود. و مشار الیه هم زمام امور را تا موقع مرگ پدرش که روز جمعه ۸ شعبان بود بدست گرفت.

اینک ما هم مراتب تعزیت خویش را بحکومت بحرین و جمیع افراد فامیل ایشان تقدیم و برای فقید مزبور طلب رحمت مینمائیم.

از طرف اعلیحضرت ملک هم تلگراف ذیل به بحرین مخابره گردیده است :-

والاحضرت شیخ حمد خلیفه بحرین

در این مصیبت عظمی با شما شرکت جسته و خود را بوفات مرحوم والد شما رحمة الله علیه تعزیت میگوئیم.

(فیصل)

و جواب ذیل هم از طرف شیخ حمد الخلیفه مخابره گردیده است :-

اعلیحضرت ملک فیصل بغداد.

تلگراف تعزیت آمیز شما در وفات والد واصل از احساسات شما ممنون و برای آن مرحوم طلب رحمت مینمائیم.

(حمد الخلیفه)

سواد تطبیق با ترجمه گردید

[signature]

شماره: ۶۶
فرستنده: وزارت پست، تلگراف و تلفن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ دی ۱۳۱۱ش
متن سند:

محرمانه
متحد المال

ادارهٔ پست و تلگراف

به موجب اطلاع واصله از دفتر بین المللی برن، ادارهٔ پست هندوستان مبادرت به تهیهٔ و انتشار یک سری تمبر پستی هند و انگلیس که روی آنها سورشارژ «بحرین» **Bahrain** زده شده نمود که روی مراسلات صادره از بحرین به کار خواهند رفت. چون بحرین متعلق به ایران است و ادارهٔ دیگری حق انتشار تمبر مخصوص بحرین ندارد، برحسب تصمیم هیئت معظم دولت اگر پاکتهایی با تمبر مزبور از بحرین برسد، مانند مراسلات بی‌تمبر ملاحظه کرده و با دریافت دو مقابل نرخ متعلقهٔ داخله به گیرندگان تسلیم نمایید و اگر از تأدیه مبلغ مذکور امتناع نمودند، عیناً با ذکر علت به مبدأ مرجوع دارید.

وزیر پست و تلگراف و تلفن

نمونه ۱۹۴

بتاریخ ۱۷ / ۱۰ ماه سنه ۱۳۱۲

نمره ۱۵۸۷ ضمیمه

وزارت پست و تلگراف و تلفن

اداره: پست

دایره:

محرمانه — فوری

اداره پست ...

بموجب راپرت واصله از بحرین اخیراً اداره پست هندوستان مقداری تمبر

هندوستان که سری تمبر پستی هند و انگلیس است بر روی آنها سورشارژ بحرین Bahrain

زده شده فعلاً در ادارات پستی بحرین بکار خواهند رفت .

چون بحرین متعلق بایران است و اداره دیگری حق چاپ تمبر مخصوص بحرین ندارد و برحسب

تقسیم‌بندی منظم دولت اگر پاکتهائی با تمبر مزبور از بحرین به ... رسید باید تمبر

مزبور باطل کرده و با دریافت دو مقابل نرخ متعلقه وجه ... تسلیم نشد و اگر از

تادیه مبلغ مذکور امتناع نمودند منبعاً با ذکر علت به مرجع ولی ... دهید .

وزیر پست و تلگراف و تلفن

[signature]

شماره: ۶۷
فرستنده: تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

محرمانه مستقیم

مقام وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مطابق راپورت نظمیهٔ بوشهر چند روز قبل قونسول انگلیس مقیم بحرین، مشهدی حسین پسر علی کاظم بوشهری و مشهدی عباس کازرونی و برادران که از تجار طبقهٔ دوم و مقیم بحرین هستند جلب و آنها را ملتزم و تهدید نمود که مجاز نیستند شبها دور هم جمع شوید و بعلاوه رفتار قونسول و جلالخان مستشار با اتباع دولت شاهنشاهی نسبت به سابق خشنتر شده است. مراتب را برای اطلاع به استحضار آن وزرات جلیله می‌رساند.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی—سرتیپ آیرم

وزارت داخله

تشکیلات کل نظامیه مملکتی

اداره: سیاسی

دایره: اول

شعبه:

بتاریخ ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۱۱

نمره ۱۲۹۶۹ ضمیمه

فوری

محرمانه ۷۹۴۴

مقام وزارت جلیله امور خارجه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وصول بکابینه وزارت امور خارجه

نمره ۶۳۹۹

۱۱ / ۱۲ / ۱۳

شماره: ۶۸
فرستنده: وزارت داخله ـ تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

محرمانه است

مقام وزارت جلیله امور خارجه

عطف به مرقومهٔ محترمه محرمانهٔ نمرهٔ ۱۳۵۴ ۱۰ ص/۲۶۹۳۳ـ۱۱/۸/۱۴ راجع به شهادت نامه‌هایی که اهالی عمانات برای ورود به خاک ایران در دست دارند، سواد راپرت محرمانهٔ نمرهٔ ۶۴۷ نظمیهٔ بوشهر متضمن سواد راپرت شعبهٔ تذکرهٔ نظمیهٔ مزبور تلواً برای استحضار آن وزارت جلیله ایفاد می‌گردد. متمنی است امر و مقرر فرمایند چنانچه در این خصوص نظر مخصوصی داشته باشند، مرقوم دارند که برای اجرای آن دستور لازم صادر گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی ـ سرتیپ آیرم

راپرت نظمیهٔ بوشهر مورخهٔ ۲۹ بهمن ۱۳۱۱ نمره ۶۴۷

محرمانه

مقام منیع ریاست جلیلهٔ کل تشکیلات نظمیهٔ مملکتی دامت عظیمه

محترماً سواد راپورت شعبهٔ تذکره را برای استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم و به اداره گمرکات نیز نوشته شده است که چنانچه ویزایی به عنوان بحرین دیده شود، فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. رئیس نظمیه بوشهر و بنادر.

سواد راپرت شعبه تذکره مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۱۱ نمره ۴۳۹
محرمانه

بعدالعنوان

طبق اطلاع حاصله در چند یوم قبل که یکی از مسافرین جهت ویزا نمودن تذکره که عازم بمبئی بود و قونسولخانهٔ انگلیس جهت ویزا نمودن تذکره خود رفته و تقاضا نموده که اجازه به مشارالیه داده شود که به بحرین پیاده شود، ویس قونسول انگلیس به مشارالیه اظهار می‌دارد که اگر مایل به پیاده شدن در بحرین هستند ممکن است که در تذکرهٔ شماویزای بحرین نیز داده شود نظر به اینکه جزء لاینفک خاک دولت شاهنشاهی است و برای اینکه خارجی‌ها نتوانند مدرکی تهیه نمایند، مستدعی است در صورتی که مقتضی دانند شرح لازم به ادارهٔ گمرکات نوشته شود که اگر ویزایی به اسم بحرین دیده شود فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. رئیس تذکره.

وزارت داخله
تشکیلات کل نظمیه مملکتی
[illegible]
اداره [illegible]
دایره ......
شعبه ......

بتاریخ ۱۴ ماه [illegible] ۱۳۱۱
نمره ۱۹۹۴۰ ضمیمه ......

۲۸۵

[illegible]

[illegible]

۰۲۲۶۶۱۱۰

مقام وزارت جلیله امور خارجه

عطف به مرقومه محترمه نمره ۱۰۱۳۵۴/۲۶۹۲۲ مورخه ۱۴/۸/۱۱ راجع به شهادت‌نامه
که لازم است برای ورود به خاک ایران در وزارت داخله صادر شود
نمره ۶۴۷ نظمیه و هر شخص وارد راپرت شده که نظمیه مراقبت
بدون اظهار آن وزارت جلیله پیشنهاد گردد متمنی است اگر تغییر فرمان
چنانچه در این خصوص نظر مخصوصی داشته باشند مرقوم دارند که برای اجرای
آن دستور لازم صادر گردد. رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرتیپ [illegible]

نمره ثبت اداره وزارت امور خارجه
۴۴۹۹۸
۱۱/۱۲/۲۰

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی

سواد راپورت نظمیه بوشهر مورخه ۲۹ / ۱۱ / ۱۳۱۱ نمره ۶۴۷۰

محرمانه

مقام منیع ریاست جلیله کل تشکیلات نظمیه مملکتی دامت عظمته

محترماً سواد راپورت شعبه تذکره را برای استحضار خاطر مبارک علواً تقدیم و باداره کارگزاری نیز نوشته شده است که چنانچه دوبرانی به عنوان بحرین دیده شد فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند. — رئیس نظمیه بوشهر [illegible]

سواد مطابق اصل است

افشار [illegible]

[illegible]

وزارت داخله

تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی

سواد راپورت شعبه تذکره مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۱۱ نمره ۴۳۹۶

محرمانه

بعد العنوان

طبق اطلاع حاصله چندی قبل که یکی از مسافرین جهت ویزا نمودن تذکره عازم بمبئی بوده و قونسولخانه انگلیس جهت ویزا نمودن تذکره خود رفته و تقاضا نموده اجازه بمشارالیه داده شود که به بحرین پیاده شود ولی قونسول انگلیس بمشارالیه اظهار میدارد که اگر مایل بپیاده شدن در بحرین هستید ممکن است که در تذکره شما ویزای بحرین نیز داده شود لیکن نظر باینکه جزء لاینفک خاک دولت شاهنشاهی است ویزای خارجی را نمیتوانند در تذکره نمایند متذکر است در صورتیکه مقتضی دانند شرح لازم باداره گمرکات نوشته شود که اگر ویزای بحرین دیده شود فوراً تذکره را به نظمیه اعاده دهند رئیس تذکره

سواد مطابق اصل است

سواد مطابق سواد است مهدی پور

[signature]

شماره: ۶۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: تشکیلات کل نظمیهٔ مملکتی
تاریخ: ۲۲ اسفند ۱۳۱۱
متن سند:

با عطف مراسلهٔ نمرهٔ ۱۰۹۴۰ــ۱۱/۱۲/۱۶ حاوی راپورت نظمیهٔ بوشهر راجع به اظهار قونسول انگلیس در لزوم ویزا برای بحرین زحمت می‌دهد که دستوری که نظمیهٔ بوشهر به ادارهٔ گمرک داده‌اند، صحیح است و نباید ادارهٔ گمرکات ویزای قونسول انگلیس را برای اشخاصی که به بحرین می‌روند قبول نماید.

(محرمانه)

نمونه ۳ | **وزارت امور خارجه** | موضوع مسوده
نمره ضبط .... | | ضمیمه ....
نمره ۲۲۶۶۸۴ | اداره [illegible] | مسئول پاکنویس [illegible]
دوسیه ....

۲۲۲ | تاریخ تحریر ۲۲ اسفند | تاریخ پاکنویس ۲۳/۱۲ | تاریخ ثبت و خروج [redacted] ۱۳/۱

عنوان مسوده .... اداره [illegible]

اداره [illegible]

[illegible] ۱۰۹۳۰ [illegible] ۱۶/۱۱/۱۱ [illegible]

[illegible] [redacted] [illegible]

[illegible]

۱۳۱۱/۱۲/۲۵

امضا: محمد علی فروغی

شماره: ۷۰
فرستنده: وزارت مالیه ــ ادارهٔ گمرکات
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۵ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه ــ ادارهٔ تذکره

یک فقره جواز مسافرت صادره برای یکی از سکنهٔ بحرین که در دفتر تفتیش تذکرهٔ لنگه ضبط شده است، تلواً ایفاد می‌شود.

شعبهٔ تفتیش تذکرهٔ سرحدات ابداً اهمیت به این قبیل اوراق نداده و با دارندگان آن مثل اتباع ایران رفتار می‌نماید.

از طرف وزیر مالیه

تاریخ ۵ ماه ۶ ۱۳۱۲

نمره ۱۰۸۱۰ ضمیمه

وزارت مالیه

اداره [illegible]

دایره

وزارت جلیله داخله - اداره تذکره

یک فقره جواز مسافرت صادره برای یکی از [illegible]

بحرینی که در دفتر تفتیش تذکره لنگه ضبط شده است

توأماً ارسال می‌شود.

شعبه تفتیش تذکره سرحدات لهذا اهمیت مالی

[illegible] ورود آن نداده و با اداره [illegible]

دیگران رفتار شد.

از طرف وزیر مالیه

ضبط شود

۷۳۸۷

۱۲/۶/

[illegible]

اداره [illegible]

۳۲۶۹۶

۱۲/۹/۶

[illegible]

حكومة البحرين جواز السفر

بدون

تصوير

نمره ١٨١

نشهد بان محمد

من رعايا حكومة البحرين

متوجه من البحرين الى لنجه

بواسطة المركب

لاجل الزيارة

مسموح له ان يرجع الى بلاد البحرين بمدة اثنا عشر شهر من تاريخه

ادناه طبق التاريخ الهجري وينزل في ميناء المنامة

مصطحب الافراد الاتين من عائلته

هذه الشهادة صالحة لمدة ١٢ شهر عربي فقط

صدر بالبحرين يوم ٢٨ شهر جمادى الثانيه ١٣٥٢

{ بامر حضرة صاحب السعادة الشيخ حمد بن عيسى آل خليفه
سي . اس . اي نائب حاكم حكومة البحرين }

امضاء او ختم وصفة السلطة

التي اصدرت هذا الجواز

﴿ الاوصاف ﴾

(١) اسم الأب او الزوج علي

(٢) الامضاء

(٣) محل الابهام

(٤) الاوصاف العمومية مع الطول ٥ ١/٢ ع

(٥) العلامات الفارقة ليه في الذراع الايسر

(٦) الصنعة اجير

(٧) العمر ٥٥ سنه

(٨) العنوان في محل الاقامة ليس معلوم

THE GOVERNMENT OF BAHRAIN.

No.
Photograph

No.

TRAVELLING PASS

THIS IS TO CERTIFY THAT

Mr.

subject of

is proceeding to

by

for the purpose of

He/She is permitted to return to the STATE OF BAHRAIN within months of the date hereof (Anno Hejirah), and land at the port of Manama.

He/She is accompanied by the following members of his/her family :—

This certificate is valid for (Arabic) months only.

Given at Bahrain
on the day of 13

By order of
His Excellency Shaikh Hamad bin Isa
Al Khalifah, C. S. I.,
Deputy Ruler of Bahrain.

(Signature or seal and description of authority issuing this pass.)

Description,-

(1) Father's/Husband's name.
(2) Signature.
(3) Thumb Impression
(4) General Description, including height,
(5) Distinctive marks
(6) Occupation
(7) Age years
(8) Address at destination.

شماره: ۷۱
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت خارجه
تاریخ: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷
متن سند:

مستقیم محرمانه فوری

وزارت امور خارجه

فرمانداری بوشهر تلگراف می کند، طبق اطلاع موثقی که از بحرین رسیده، شیخ بحرین در حدود پانصد نفر از ایرانیان را که هر یک پانزده تا بیست سال سابقهٔ اقامت دارند به عنوان اینکه بدون اجازه وارد گردیده، حبس و به آنها ابلاغ نموده خارج شوند. زن و بچه و کسان آنها متوحش و ضمناً مالکین به استناد رسیدن موعد آگهی نسبت به نقل‌وانتقال املاک متوحش و بذل توجه دولت را خواستارند.

مراتب به ریاست وزرا هم عرض شده است.

به جای وزیر داخله

بتاریخ ... ماه ۱۳۱۷

شماره ...

وزارت داخله

اداره کل امور کشور

دایره ....

مستقیم محرمانه فوری

وزارت امور خارجه

فرمانداری بوشهر تلگراف میکند طبق اطلاع موثق
کمازبحرین رسیده شیخ بحرین در حدود پانصد نفر از
ایرانیان راکه هریک پانزده تابیست سال سابقه اقامت
دارند بعنوان اینکه بدون اجازه وارد گردیده حبس وبه
آنها ابلاغ نموده خارج شوند زن و بچه وکسان آنها متوحش
وضمنا مالکین باستناد رسیدن موعد آگهی نسبت به نقل
وانتقال املاک متوحش وبذل توجه دولت راخواستارند .

مراتب بریاست وزراء هم عرض شده است .

بجای وزیر داخله

شماره: ۷۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله
تاریخ: ۸ خرداد ۱۳۱۷ ش
متن سند:

وزارت داخله

عطف به نامهٔ شماره ۲۳۹/س—۱۳۰ مورخهٔ ۱۷/۲/۱۱ راجع به ایرانیان بحرین اشعار می دارد: همان طور که مکرر به اطلاع آن وزارتخانه رسانده است، نظر به اینکه دولت شاهنشاهی جزایر بحرین را جزو لاینفک خاک ایران می داند، همواره در اقدام است که اختلافات موجوده رفع و حاکمیت ایران در جزایر مزبور تحکیم و تثبیت گردد، ولی چون هنوز این اختلافات مرتفع نشده و فعلاً وضعیت خاصی در بحرین جریان دارد که کاملاً مورد اعتراض دولت شاهنشاهی است، عجالتا ایرانیان آنجا را چاره نیست جز اینکه با کمال بردباری و بدون یأس ودلشکستگی منتظر نتیجهٔ اقدامات و توجهات دولت شاهنشاهی باشند. بنابراین چنانکه سابقاً هم از آن وزارتخانه خواهش شده بود، مقرر خواهند فرمود به وسایل مقتضیه به ایرانیان بحرینی توصیه شود صبر و تأمل را از دست نداده بامتانت احساسات میهن دوستی و دولتخواهی را محفوظ و به توجهات اولیای دولت شاهنشاهی نسبت به تأمین وضعیت خودشان کاملاً امیدوار و مطمئن باشند. مخصوصاً به آنها گوشزد شود که دولت شاهنشاهی انتظار دارد ایرانیان بحرین به وسیلهٔ ابراز متانت و تحمل، اقدامات دولت شاهنشاهی را در راه تحکیم حق حاکمیت ایران نسبت به جزایر بحرین تسهیل و کمال علاقه‌مندی را به دولت و کشور خود به اثبات رسانند.

رونوشت به ضمیمهٔ رونوشت نامهٔ وزارت داخله برای استحضار خاطر ریاست وزرا تقدیم می شود.

وزیر امور خارجه

اداره ... عموم سیاسی

نمره ضبط ...... موضوع مسوده ......

نمره ۷۴۲۹ ...... ضمیمه ......

وسیه ...... مسؤل پاکنویس ......

وزارت امور خارجه

اداره ......

۷۱۴ | تاریخ تحریر ...... تاریخ پاکنویس ۱۳۱۷/۲/۲۹ تاریخ ثبت و خروج ۱۷/۳/۸ ...... ۱۲

عنوان مسوده ......

وزارت داخله

عطف بنامه شماره ۱۲۹ مورخه ۱۱/ ۲/ ۱۷ راجع بایرانیان بحرین اشعار
ص – ۱۲۰
میدارد همانطوریکه مکرر باطلاع آنوزارتخانه رسانده است نظر باینکه دولت شاهنشاهی جزایر
بحرین را جزو لاینفک خاک ایران میداند همواره در اقدام است که اختلافات موجوده رفع
و حاکمیت ایران در جزایر مزبور تحکیم و تثبیت گردد ولی چون هنوز این اختلافات مرتفع نشده
و فعلا وضعیت خاصی در بحرین جریان دارد که کاملا مورد اعتراض دولت شاهنشاهی است لذا بجا
ایرانیان انجا را اجازه نمیدهد جز اینکه با کمال بردباری بدون یاس و دلشکستگی منتظر نتیجه
اقدامات و توجهات دولت شاهنشاهی باشند بنابراین چنانکه سابقا هم از آنوزارتخانه خواهش
شده بود مقرر خواهند فرمود بوسائل مقتضیه بایرانیان بحرینی توصیه شود صبر و تامل را از دست
نداده با متانت احساسات میهن دوستی و دولتخواهی را محفوظ و بتوجهات اولیاء دولت
شاهنشاهی نسبت باین وضعیت خودشان کاملا امیدوار و مطمئن باشند مخصوصا بانها گوشزد
شود که دولت شاهنشاهی انتظار دارد ایرانیان بحرین بوسیله ابراز متانت و تحمل اقدامات
دولت شاهنشاهی را در راه تحکیم حق حاکمیت ایران نسبت بجزایر بحرین تسهیل و کمال علاقه
مندی را بدولت و کشور خود باثبات رسانند .

رونوشت بضمیمه رونوشت نامه وزارت داخله برای استحضار خاطر ریاست وزراء تقدیم میشود .

کفیل وزارت امور خارجه

[signature]

بایگانی شد ... وزیر

چاپخانه طلوع

شماره: ۷۳
فرستنده: وزارت خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۲۶ بهمن ۱۳۱۷
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

روزنامه النهار بیروت در شمارهٔ ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ خود شرحی تحت عنوان (بحرین در زیر تازیانه انگلیس مانده است—رایزن انگلیس دیکتاتور بحرین است) انتشار داده که ترجمهٔ آن در زیر نگاشته می‌شود:

«اوضاع بحرین روز به روز بدازبدتر می‌شود. اخیراً کلیه روزنامه‌های عربی که راجع به بحرین چیزی نوشته‌اند از ورود به بحرین ممنوع شده‌اند. شیخ بحرین آلت بیکاره در دست رایزن انگلیسی است. رایزن انگلیسی ملیون بحرین را زیر تازیانه و شکنجه افکنده است. مصیبت ملّیون بحرین کمتر از مصیبت ملّیون فلسطین نیست. چند روز پیش یکی از پیشوایان ملّیون بحرین از اثر تازیانهٔ رایزن انگلیسی در زندان وفات کرده است.»

وزارت امور خارجه

موضوع پاکنویس .... گانی ....

پیوست .... اداره سیاسی ۵۵۶۰

مسئول پاکنویس ....

۶۴	تاریخ تحریر ۲۲/۱۱/۱۷	تاریخ پاکنویس	مسئول پاکنویس ۱۷/۱۱/۲۲	۱۳

عنوان پاکنویس ریاست وزراء عظام

روزنامه النهار بیروت در شماره ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ خود شرح

تحت عنوان «کردهای در زیر تازیانه انگلیس نابود است ـ ایران انگلیسی

دیگر تحمل نمی‌کند) انتشار داده که ترجمه آن در زیر نگاشته می‌شود:

«اوضاع کردها روز بروز بدتر می‌شود اخیراً کلیه روزنامه‌های عربی که راجع به کردها

چیزی نوشته‌اند از ورود به عراق ممنوع شده‌اند. شیخ کردها که دولت بیچاره در

دست ایران انگلیسی است. ایران انگلیسی هنوز کردها را زیر تازیانه و

شکنجه افکنده است مصیبت کردها کمتر از مصیبت فلسطین نیست.

چند روز پیش یکی از اشراف کرد بر اثر تازیانه ایران انگلیسی

در زندان وفات کرده است.»

اداره کل سیاسی ملاحظه فرمایند

۲۵/۱۱/۱۷

بایگانی شود

۲۲/۱۱/۱۷

شماره: ۷۴
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۸
متن سند:

وزارت امور خارجه
پیرو گزارش شماره ۱۲۰۲ مورخ ۱۸/۲/۱۰ راجع به مسافرت ابن سعود به بحرین

سفارت عربی سعودی در بغداد بیانیه‌ای راجع به مسافرت ابن سعود به بحرین در جراید انتشار داده که ترجمهٔ آن به پیوست تقدیم می‌شود و به اضافه در جریدهٔ الاستقلال هم درج گردیده که ابن‌سعود به کویت هم عزیمت خواهد نمود ترجمهٔ آن را هم ملاحظه می‌فرمایند.

وزیرمختار

ترجمه از روزنامهٔ الاستقلال
مورخهٔ ۱۳۱۸/۲/۱۲

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود به کویت

تلگراف وارده از لندن حاکی است که اعلیحضرت عبدالعزیزالسعود پادشاه کشور عربی سعودی در اثر دعوت امیر کویت از معظم‌له برای مسافرت به پایتخت امارت تصمیم گرفته دعوت نامبرده را اجابت نماید و به قرار اطلاعاتی که از بحرین رسیده، اعلیحضرت ابن سعود روز سه‌شنبه آینده به قصد عزیمت به منطقهٔ قریه واقعه در مرز بین نجد و کویت و ملاقات با والاحضرت امیر احمد جابر صباح از طهران حرکت خواهد نمود.

ترجمه از روزنامهٔ الاستقلال
مورخهٔ ۱۳۱۸/۲/۱۳

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود به بحرین
بیانیهٔ سفارت سعودی به روزنامه‌ها

روز دوشنبه والاحضرت امیر فیصل آل‌سعود نایب ملک و وزیر خارجه به همراهی برادرشان والاحضرت امیر خالد و نیز جمال حسینی و شیخ حافظ وهبه و ابراهیم سلیمان،

به وسیلهٔ هواپیما وارد بحرین شده و از طرف امیر بحرین و امیر سعود ولیعهد و برادرشان امیر محمد و سایر رؤسای آل خلیفه وجوه بحرین از معزی الیهم استقبال به عمل آمده بود. والاحضرت امیر فیصل و همراهانشان صبح سه‌شنبه از بحرین حرکت و به قصد رسیدن به حضور ابن‌سعود به طهران عزیمت نمودند ظهر همان روز ابن‌سعود به همراهی ولیعهد خود و سایر امرای آل سعود و ملتزمین از ظهران به سمت بحرین حرکت و ساعت ده به آنجا وارد و از طرف امیر بحرین شیخ احمد آل خلیفه و عدهٔ زیادی از اهالی، از ایشان استقبال شایانی به عمل آمد. اعلیحضرت ابن‌سعود شام را نزد شیخ احمد خلیفه امیر بحرین صرف نمودند.

سفارت عربی سعودی ــ بغداد

سفارت شاهنشاهی ایران
بغداد

اداره دفتر
نمره ۱۳۵۱
تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۸
ضمیمه ۲ فقره ترجمه

موضوع ــ مسافرت ابن سعود به بحرین و کویت

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش شماره ۱۲۰۲ مورخ ۱۸/۲/۱۰
راجع بمسافرت ابن سعود به بحرین

سفارت عربی سعودی در بغداد بیانیه ای راجع بمسافرت ابن سعود به بحرین در جراید انتشار داده که ترجمه آن به پیوست تقدیم میشود و باضافه در جریده الاستقلال هم درج گردیده که ابن سعود به کویت هم عزیمت خواهد نمود ترجمه آنرا هم ملاحظه میفرمایند ۰۰

وزیر مختار

اداره ... ۹۵۵
۱۸/۲/۱۷

۱۸/۲/۱۹

۶۹۸۵
۱۸/۲/۲۲

ترجمه از روزنامه الاستقلال

مورخه ۱۳۱۸/۲/۱۲

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود بکویت

تلگراف وارده از لندن حاکی است که اعلیحضرت عبدالعزیز السعود پادشاه عربستان سعودی که در اثر دعوت امیر کویت از معظم له برای مسافرت به پایتخت امارت تصمیم گرفته دعوت نامبرده را اجابت نماید. بقرار اطلاعاتی که از بحرین رسیده اعلیحضرت ابن سعود روز سه شنبه آینده بقصد عزیمت بمنطقه مرزی واقعه در سرزمین نجد وکویت و ملاقات با والاحضرت امیر احمد جابر صباح از ریاض حرکت خواهد نمود.

مانند ترجمه است

ترجمه از روزنامه الاستقلال

مورخه ۱۳۱۸/۱/۱۲

مسافرت اعلیحضرت ابن سعود

به بحرین

بیانیه سفارت سعودی به روزنامه ها

روز شنبه والاحضرت امیر فیصل آل سعود نایب الملک وزیر خارجه بهمراهی برادران والاحضرت امیر خالد و نیز جمال حسینی و شیخ حافظ وهبه و ابراهیم سلیمان بوسیله هواپیما وارد بحرین شده و از طرف امیر بحرین و امیر سعود ولیعهد و برادران امیر محمد و سایر روساء آل خلیفه و وجوه بحرین از معظم الیهم استقبال بعمل آمده بود. والاحضرت امیر فیصل و همراهانشان صبح سه شنبه از بحرین حرکت و بقصد رسیدن بحضور ابن سعود بظهران عزیمت نمودند. شهریار ابن سعود بهمراهی ولیعهد خود و سایر امراء آل سعود و ملتزمین از ظهران بسمت بحرین حرکت و ساعت ده بآنجا وارد و از طرف امیر بحرین شیخ احمد آل خلیفه و عده زیادی از اهالی از ایشان استقبال شایانی بعمل آمد. اعلیحضرت ابن سعود شام را نزد شیخ احمد خلیفه امیر بحرین صرف نمودند.

سفارت عربی سعودی — بغداد

مانند ترجمه است

عابدی

شماره: ۷۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ نخست وزیر
تاریخ: ۷ اسفند ۱۳۱۸
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ جناب آقای نخست وزیر

روزنامۀ الاهرام چاپ قاهره بیانات شیخ بحرین را که موقع هفتمین سال جلوس خود شرحی مشعر بر قدردانی از دولت انگلیس اظهار نموده، انتشار داده که ترجمۀ آن برای آگهی پیوست تقدیم می‌شود.

جشن سال هفتم جلوس شیخ بحرین

لندن ــ دیروز مراسم جشن هفتمین سال جلوس شیخ بحرین با نهایت تجلیل در منامه برگذار گردید. شیخ بحرین در میان مهمانان نطقی ایراد کرده، چنین گفت:

«دولت بریتانیای عظمی از یک قرن‌ونیم پیش به خلیج‌فارس آمده و برای اهالی امنیت و صلح و سلام آورد و فرمانروایان عرب خلیج را تحت حمایت خویش قرار داده در عین حال استقلال تام‌وتمام آنها را محفوظ داشت. پدران و نیاکان ما به دوستی و پیمانهای دولت بریتانی اعتماد و اطمینان داشته ما نیز این دوستی را از آنان ارث می‌بریم و همینکه آتش جنگ افروخته شد، به قدر توانایی با دولت انگلیس همراهی کرده و پیوسته دوست و هواخواه این دولت بوده برای حفظ اصول دموکراسی با مرام نازی و طرفداران او مخالفت می‌کنیم.»

وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

موضوع پاکنویس ....

پیوست ....

مسئول پاکنویس ....

تاریخ تحریر ۱۸/۱۲/۷   تاریخ پاکنویس   مسئول پاکنویس   ۱۳

عنوان پاکنویس: ریاست [illegible]

روزنامه الاهرام چاپ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در اداره [illegible]

[illegible]

۱۸/۱۲/۲

وزارت امور خارجه

خلاصه ترجمه از الاهرام قاهره شماره ۱۹۹۰۷
تاریخ اصل ۱۱/ ۱/ ۴۰

جشن سال هفتم جلوس شیخ بحرین

لندن — دیروز مراسم جشن هفتمین سال جلوس شیخ بحرین با نهایت تجلیل در منامه برگذار گردید شیخ بحرین در میان مهمانان نطقی ایراد کرده چنین گفت:
دولت بریتانیای عظمی از یک قرن و نیم پیش بخلیج فارس آمده و برای اهالی امنیت و صلح و سلام آورد و فرمانروایان عرب خلیج را تحت حمایت خویش قرار داده درعین حال استقلال تام وتمام آنها را محفوظ داشت پدران و نیاکان ما بدوستی و پیمانهای دولت بریتانی اعتماد واطمینان داشته ما نیز این دوستی را از آنان ارث میبریم و همینکه آتش جنگ افروخته شد بقدر توانائي با دولت انگلیس همراهی کرده و پیوسته دوست و هوا خواه این دولت بوده برای حفظ اصول دموکراسی با مرام نازی و طرفداران او مخالفت میکنیم. —

شماره: ۷۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ نخست وزیر
تاریخ: ۳ خرداد ۱۳۱۹
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ــ جناب آقای نخست وزیر

خلاصهٔ ترجمهٔ روزنامهٔ البحرین راجع به بودجهٔ سال جاری جزیرهٔ بحرین برای آگهی به پیوست تقدیم می گردد.

بودجهٔ بحرین در سال جاری

جمع کل درآمد حکومت بحرین درسال جاری ۴,۵۰۷,۰۰۰ روپیه است که ازآن جمله سه میلیون روپیه، سهمیه نفت و بقیه بابت درآمد گمرک و غیره می باشد و جمع کل هزینهٔ حکومت بحرین نیز همان مبلغ ۴۵۰۷۰۰۰ روپیه تعیین گشته است که از آن جمله یک میلیون ونیم بابت حقوق شیخ بحرین و سایر اعضای خاندان شیخ است و یک میلیون و سیصد هزار روپیه هزینهٔ فرهنگ و قریب یک میلیون روپیه صرف بیمارسانها و بهداری همگانی و مبارز با مالاریا خواهد شد.

حکومت بحرین ضمن بودجهٔ امسال خود یکصدوپنجاه هزار روپیه برای ساختمان یک بیمارستان تخصیص داده است.

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

موضوع پاکنویس

پیوست ....

مسئول پاکنویس

نمره:

شماره ....

شماره ۱۲۴۴۳/۲۲۴۵

پرونده

تاریخ تحریر ۱۹/۳/۴	تاریخ پاکنویس	تاریخ ثبت و خروج ۹/ ۴/ ۱۹ ...... ۱۳

عنوان پاکنویس [illegible]

[illegible]

پیوست [illegible]

۲۶/۳/۵

شماره ۵ ...

خلاصه ترجمه از البحرین شماره ۹...
تاریخ اصل ۲۰.۵/۲/۴۰

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

تاریخ ترجمه ۱۹/۳/۲
مترجم [illegible]

بودجه بحرین در سال جاری

جمع کل درآمد حکومت بحرین در سال جاری ۴،۵۰۷،۰۰۰ روپیه است که از آنجمله سه میلیون روپیه سهمیه نفت و بقیه بابت درآمد گمرک و غیره میباشد و جمع کل هزینه حکومت بحرین نیز همان مبلغ ۴،۵۰۷،۰۰۰ روپیه پیش‌بینی گشته است که از آنجمله یک میلیون و نیم بابت حقوق شیخ بحرین و سایر اعضاء خاندان شیخ است و یک میلیون و سیصد هزار روپیه هزینه [illegible] و قریب یک میلیون روپیه صرف بیمارستانها و مدارس [illegible] خواهد شد

حکومت بحرین ضمن بودجه امسال خود مبلغ پنجاه هزار روپیه برای ساختمان یک بیمارستان تخصیص داده است

اداره کل سیاسی
[illegible]
۱۹/۳/۲

[illegible]
۳۰۱۲
۱۹-۳/۲

[illegible]
۱۹/۳/۲

شماره: ۷۷
فرستنده: ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران در هندوستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۱۹
متن سند:

وزارت امور خارجه

در یکی از روزنامه‌های مدرس نقل از روزنامۀ پاری‌سوار **Parissoir** راجع به بحرین مقاله‌ای نوشته شد که بیشتر جنبۀ فکاهی دارد. نگارندۀ مقاله این طور می‌نویسد که نخست وقتی فرانک هلمس برای استخراج نفت به بحرین رفت، شیخ حاضر نمی‌شد با او داخل گفتگو شود و به او گفته بود در صورتی ممکن است راجع به نفت با او قراری بگذارد که چند چاه آرتزین برای پیدایش آب در بحرین حفر نماید. پس از آنکه سرگرد هلمس چند چاه آرتزین به او تحویل داد، شیخ به وی اجازه داد که آب اطراف بحرین را که محل صید مروارید است با بوی نفت متعفن سازد، ولی پس از آنکه فراورده‌های نفت بحرین در ۱۹۴۰ به یک میلیون و دویست هزار تن رسید، وحال آنکه فرآوردۀ نفت گالیسی که آلمان آن طور طالب آن است، فقط ۵۰۰هزار تُن و فرآورده‌های نفت رومانی از هشت ملیون تن تجاوز نمی‌کند شیخ نظر خود را تغییر داد و دیگر دربند مروارید نیست، زیرا در حال حاضر مروارید را کسی نمی‌خرد، ولی نفت را همۀ دنیا خواهان‌اند.

سر کنسول

ژنرال قونسولگری دولت شاهنشاهی ایران
هندوستان

شماره ۸۶۲
مورخه ۱۳۱۹/۶/۶

وزارت امور خارجه

در یکی از روزنامه‌های مدرس نقل از روزنامه عباری سوار [illegible] راجع به بحرین مقاله‌ای نوشته شده که بیشتر جنبه فکاهی دارد ـ نگارنده مقاله اینطور می‌نویسد که نخست وقتی فرانک هلمس برای استخراج نفت به بحرین رفت شیخ حاضر نمی‌شد با او داخل گفتگو شود و گفته بود در صورتی ممکن است راجع به نفت با او قراری بگذارد که چند چاه آرتزین برای پیدا کردن آب در بحرین حفر نماید پس از آنکه سرگرد هلمس چند چاه آرتزین با تحویل داد شیخ به وی اجازه داد که اطراف بحرین را که محل صید مروارید است با بوی نفت متعفن سازد ولی پس از آنکه فرآورده‌های نفت بحرین در ۱۹۴۰ به یک میلیون و بیست هزار تن رسید و حال آنکه فرآورده نفت گالیسی که آلمان اینطور طالب آن است فقط ۵۰۰ هزار تن و فرآورده‌های نفت رومانی از هشت میلیون تن تجاوز نمی‌کند شیخ نظر خود را تغییر داده و دیگر دربند مروارید نیست زیرا [illegible] حاضر مروارید را کسی نمی‌خرد ولی نفت را همه می‌خواهند

سرکنسول

[امضا]

اقتصادی
سیوم
اطلاعات

[مهر:] ۲۸۱۷۴
۲۰/۶/۱۹

اقتصادی
۲۵۱۱
۲۱/۱/۱۹

شماره: ۷۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۱۳ آبان ۱۳۱۹
متن سند:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

قسمتی از گزارش کنسولگری شاهنشاهی در بصره راجع به بمباران هواپیماهای ایتالیایی به معادن بحرین و خاک سعودی و انعکاسی که این موضوع بین هیئت عرب نموده برای آگهی به پیوست تقدیم می‌گردد.

گزارش پانزده روز آخر مهر ماه

وزارت امور خارجه

بمباران هواپیماهای ایتالیایی به معادن نفت بحرین و خاک سعودی تولید اضطراب بین مأمورین محلی و مخصوصاً انگلیسها نموده و حتی‌الامکان سعی دارند موضوع را کوچک و بی‌اهمیت جلوه دهند. دیروز با کنسول انگلیس ملاقات و ضمن صحبت که معلوم بود با اشخاص با اطلاع و اهل فن صحبت کرده، اظهار داشت: تصور نمی‌رود هواپیماهای ایتالی توانسته باشند از سومالی به بحرین پرواز و مراجعت کرده باشند، زیرا طول این راه هزار میل است که دو سره دو هزار میل تقریباً سه هزار کیلومتر می‌باشد و هواپیماهای ایتالی قادر به این مدت پرواز نیستند، احتمال قوی می‌رود که کشتی مخصوص حمل هواپیما در نزدیکی‌های مسقط و نقاط مجاور بحرین آمده و هواپیماها توانسته‌اند خود را به بحرین برسانند. به همین جهت به ناوهای جنگی ما در اقیانوس و سواحل هندوستان دستور داده شده است که با جدیت موضوع را تعقیب نمایند شرکت امریکایی بحرین نیز به وسیلهٔ دولت امریکا اعتراض نموده است. در هر حال مردم خیلی حرفها می‌زنند و حتی تاجری اظهار می‌داشت که هنوز نتوانسته‌اند چاهها را خاموش کنند و اضطراب و وحشت فوق‌العاده در بحرین برپاست و حتی پاره‌ای اظهار می‌دارند دو کشتی نفتکش هم در بندر بحرین غرق شده و رادیوی برلن هم کمکی برای انتشار این اخبار شده ولی انگلیسها ابداً به روی خود نیاورده و حتی تکذیب

می کنند. روزنامهٔ الثغر نیز ضمن اخبار لندن اضافه می کند، با وجودی که موسولینی اعلام کرده بود بی‌طرفی دولتهای اسلامی را محفوظ بدارد، برخلاف قول خود در ماه رمضان بی‌طرفی کشور مستقل سعودی و امارت بحرین را نقض نموده است.

وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

شماره بایگانی

شماره ۳۶۵۸۹ / ۱۷۸۱

پرونده

موضوع پاکنویس

پیوست

مسئول پاکنویس

تاریخ تحریر ۱۳/۸/۱۹ — تاریخ پاکنویس — مسئول پاکنویس — ۱۹/۸/۱۹ ۱۲

عنوان پاکنویس ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

[illegible]

[illegible] ۱۴۲۱

[illegible]

گزارش پانزده روزه آخر مهرماه

تاریخ ۱۹/۸/۲
نمره ۱۹۲۱
پیوست ندارد

کنسولگری ایران

بصره

وزارت امور خارجه

بسبب باران هواپیماهای ایتالیائی به معادن نفت بحرین وخاک سعودی تولید اضطراب بین مامورین محلی ومخصوصا انگلیسها نموده وحتی الامکان سعی دارند موضوع را کوچک وبی اهمیت جلوه دهند دیروز با کنسول انگلیس ملاقات وضمن صحبت که معلوم بود با اشخاص با اطلاع واهل فن صحبت کرده اظهار داشت تصور نمیرود هواپیماهای ایتالی توانسته باشند از سومالی به بحرین پرواز و مراجعت کرده باشند زیرا طول این راه هزار میل است که دوسره دوهزار میل تقریبا سه هزار کیلومتر میباشد وهواپیماهای ایتالی قادر باین مدت پرواز نیستند احتمال قوی میرود که کشتی مخصوص حمل هواپیما در نزدیکیهای مسقط ونقاط مجاور بحرین آمده وهواپیماها توانسته اند خودرا به بحرین برسانند بهمین جهت بناوهای جنگی مادر اقیانوس وسواحل هندوستان دستور داده شده است که باجدیت موضوع را تعقیب نمایند. شرکت امریکائی بحرین نیز بوسیله دولت امریکا اعتراض نموده است درهرحال مردم خیلی حرفها میزنند وحتی تاجری اظهار میداشت که هنوز نتوانسته اند چاهها را خاموش کنند واضطراب ووحشت فوق العاده در بحرین برپاست وحتی پاره اظهار میدارند دو کشتی نفت کش هم در بندر بحرین غرق شده ورادیوی برلن هم کمکی برای انتشار این اخبار شده ولی انگلیسها ابدا بروی خود نیاورده و حتی تکذیب میکنند روزنامه الثغر نیز ضمن اخبار لندن اضافه میکند با وجودیکه موسولینی اعلام کرده بود بیطرفی دولتهای اسلامی را محفوظ بدارد برخلاف قول خود درماه رمضان بیطرفی کشور مستقل سعودی وامارت بحرین را نقض نموده است.

اداره کل سیاسی
۱۹۱۰
۱۹/۸/۹

۳۸۴۴۷
۱۹/۸/۱۰

شماره: ۷۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ نخست وزیری
تاریخ: ۱۴ اسفند ۱۳۱۹
متن سند:

دفتر مخصوص شاهنشاهی ـ نخست وزیری

رونوشت گزارش سفارت شاهنشاهی در برن راجع به مندرجات روزنامهٔ اسکیایتالیا چاپ لوگانوی سوئیس مورخهٔ ۲۶ ژانویهٔ ۱۹۴۱ مطابق ۶ بهمن ماه ۱۳۱۹، تحت عنوان چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته، برای استحضار خاطر محترم به پیوست تقدیم می‌گردد.

(گزارش سفارت شاهنشاهی ایران در برن)

روزنامه اسکیایتالیا در لوگانو (سویس) **Squilla Italica Lugano** شرحی راجع به واگذاری بازرسی چاههای نفت بحرین از طرف انگلیس به اتازونی منتشر نموده که عین قطعهٔ مزبور به پیوست ایفاد و ترجمهٔ آن به شرح زیر درج می‌شود:

چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته

طبق اطلاع واصله از نیویورک چاههای نفت انگلیس در بحرین (خلیج پارس) تحت بازرسی کامل اتازونی قرار داده شد. دولت انگلیس سعی می کند که کمک مالی اتازونی را برای پیشرفت جنگ به دست آورد، از این نقطه‌نظر ۵۰هزار سهام شرکت نفت تکزاس کمپانی **Texas Co** را که تاکنون در اختیار انگلیس بوده به اتازونی واگذار نموده.

این اطلاعات قابل ملاحظه است:

۱. تبلیغات انگلیس راجع به بمباردمان ایتالیا در بحرین که انتشار داده شده بود به منابع اتازونی خسارت وارد آورده، صحیح نبود زیرا این منافع اخیراً به اتازونی واگذار شده است.

۲. ترس ورود قوای هوایی ایتالیا در نقاط نفت‌خیز، انگلیس را وادار نموده است که نقاط مزبور را تحت حمایت اتازونی قرار دهد هرچند نقاط مزبور هزارها کیلومتر از مرکز ایتالیا دور است.

۳. تسویهٔ حسابها از طرف انگلیس به نفع اتازونی در توسعه است.

قطعهٔ روزنامهٔ **Actnalis Zurich** که در موضوع بالا و تاریخ پیدایش نفت بحرین به دست انگلیسها به پیوست ایفاد می‌گردد.

نمره بایگانی ....   **وزارت امور خارجه**   موضوع پاکنویس ....

نمره ....   پیوست ....

نمره ....   اداره [illegible]   مسئول پاکنویس ....

۴۹۱۱	تاریخ تحریر ۱۹/۱۲/۱۴	تاریخ پاکنویس ۱۹/۱۲/۱۷ [illegible]	مسئول پاکنویس ۱۹/۱۲/۱۸ ۱۳

۱۶/۱۱

عنوان پاکنویس [illegible] نفت [illegible]

رونوشت [illegible] ۱۷۱۹ [illegible]

رونوشت [illegible] نفت [illegible] روزنامه

[illegible] مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۲۱ [illegible] ۱۴۱۹ تحت

عنوان [illegible] نفت انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible]

نمونه ۳

سفارت شاهنشاهی ایران
برن

اداره
نمره ۱۷۱۹
تاریخ ۱۷ بهمن ۱۹
ضمیمه

وزارت امور خارجه

روزنامه اسکیا ایتالیا در لوگانو (سویس) Squilla Italica Lugano شرحی راجع به واگذاری

بازرسی چاههای نفت بحرین از طرف انگلیس به اتازونی منتشر نموده، که عین قطعه مزبور به پیوست ایفاد و ترجمه آن بشرح

زیر درج میشود.

چاههای نفت انگلیس در بحرین که تحت بازرسی اتازونی قرار گرفته

طبق اطلاع واصله از نیویورک چاههای نفت انگلیس در بحرین (خلیج پارس) تحت بازرسی کامل اتازونی قرار داده شده

دولت انگلیس سعی میکند که کمک مالی اتازونی را برای پیشرفت جنگ بدست آورد از این نقطه نظر ۵۰ هزار

سهام شرکت نفت تکزاز کمپانی Texas Co را که تاکنون در اختیار انگلیس بود، به اتازونی

واگذار نموده.

این اطلاعات قابل ملاحظه است.

۱- تبلیغات انگلیس راجع به بمباردمان ایتالیا در بحرین که انتشار داده شده بود بمنافع اتازونی خسارت وارد آورده

صحیح نبود زیرا این منافع اخیراً به اتازونی واگذار شده است.

۲- ترس ورود قوای هوائی ایتالیا در نقاط نفتخیز انگلیس را وادار نموده است که نقاط مزبور را تحت حمایت

اتازونی قرار دهد هرچند نقاط مزبور هزارها کیلومتر از مرکز ایتالیا دور است.

۳- تسویه حسابها از طرف انگلیس به نفع اتازونی در توسعه است.

قطعه روزنامه Actualis Zurich که در موضوع بالا و تاریخ پیدایش نفت بحرین بدست

انگلیسها به پیوست ایفاد میگردد.

شماره: ۸۰
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه شاهنشاهی ایران
تاریخ: ۲۲ بهمن ۱۳۲۰
متن سند:

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران
آقای سهیلی عزیزم

جنابعالی در حل و تصفیهٔ عملی دو مسئلهٔ مربوط به بحرین یعنی مبادلهٔ تلگرافات و مبادلهٔ کیسه‌های پستی بین بحرین و بنادر ایران در خلیج‌فارس فعلاً مساعدت ذی‌قیمتی فرموده‌اید. و اینک اشعار می‌دارم که چنانچه بتوانید لااقل برای مدت جنگ یک راه حل عملی پیدا کنید که اشکالات موجوده در باب مسافرت اشخاصی که به مأموریت مهم به بنادر ایران می‌روند از قبیل مأمورین انگلیس که مقتضی است به بوشهر بیایند و اشخاصی از قبیل عملجات کشتی‌های شراعی بحرین که محتاج مساعدت هستند که بار کشتی‌ها را در بنادر ایران خالی کنند، رفع شود.

خدمت بزرگی به مملکتین ما به عمل آمده است. پیشنهاد می‌شود که این قبیل اشخاص گواهینامه‌های هویتی همراه داشته باشند و این اوراق فقط در مورد بنادر ایران در خلیج‌فارس از طرف مأمورین ایران مورد قبول واقع شود. این گواهینامه‌ها از طرف یک مقام صلاحیتدار انگلیس صادر خواهد شد و در آن تصریح خواهد گردید که به چه علت حامل آن به ایران می‌آید. واضح است که بخوبی معلوم خواهد شد که به وضعیت بحرین در اثر این ترتیب لطمه‌ای وارد نخواهد شد و این ترتیب کاملاً دارای جنبهٔ عملی بوده و منظور از آن تسهیل مسافرتهایی است که در بسیاری موارد برای ایران و مسافرینی که مایل به مسافرت می‌باشند مفید فایده خواهد بود.

مایلم خاطر جنابعالی را متذکر شوم که قضیهٔ نظیر و متشابه آن مربوط به اشخاصی است که لازم است از هندوستان جهت تعمیر و تجدید خط‌آهن از میر جاوه به زاهدان به ایران بیایند. از لحاظ اینکه کارهای ساختمانی که متضمن منافع مملکتین است، تسهیل گردد، دولت ایران لطفاً مقرر داشته‌اند که تشریفات مربوط به گذرنامه،

موقوف و گواهینامه‌های هویت صادرهٔ از طرف ادارهٔ بلوچستان مورد قبول واقع شود.

دوست صمیمی

(ار. دبیلیو. بولارد)

[پی نوشت:]

در جلسهٔ روز شنبه ۱۳۲۰/۱۱/۲۵ هیئت وزیران مطرح گردید و موافقت شد برای مدت جنگ و با شرط اینکه این عمل لطمه‌ای به حق دولت نسبت به بحرین نزند، جواب موافق داده شود.

British Legation,
Tehran.

سفارت انگلیس
طهران

۲۲ بهمن ۱۳۲۰

شماره ۱۰۲۱

آقای سهیلی عزیزم

جنابعالی در حلّ و تصفیه عملی دو مسئله مربوط ببحرین یعنی مبادله تلگرافات و مبادله کیسه های پستی بین بحرین و بنادر ایران در خلیج فارس فعلاً مساعدت ذیقیمتی فرموده اید و اینک اشعار میدارم که چنانچه بتوانند لا اقل برای مدّت جنگ یک راه حلّ عملی پیدا کنند که اشکالات موجوده در باب مسافرت اشخاصیکه بماموریت مُهم به بنادر ایران میروند از قبیل مامورین انگلیسی که مقتضی است ببوشهر بیایند و اشخاصی از قبیل عمله جات کشتیهای شراعی بحرین که مُحتاج مساعدت هستند که بار کشتیها را در بنادر ایران خالی کنند رفع شود

جناب آقای علی سهیلی وزیر امور خارجه شاهنشاهی ایران
طهران

11th February, 1942.

No. 1021.

Dear Monsieur Soheily,

You have been instrumental in helping to bring about a practical solution for the time being of two questions relating to Bahrain, viz. the exchange of telegrams and the exchange of postal bags between Bahrain and Iranian Ports in the Persian Gulf, and I suggest that it would render a great service to our two countries if you could find a practical solution, at least for the period of the war, of the difficulties attendant upon journeys from Bahrain to Iranian Ports of persons travelling on important business, e.g. British officials who

/require

His Excellency,
Monsieur Ali Soheily,
Imperial Ministry of Foreign Affairs.

British Legation,
Tehran.

require to visit Bushire, and such persons as Bahrain lightermen who are needed to help in unloading ships at Iranian ports. It is suggested that such persons should carry identity certificates which the Iranian authorities should recognise as valid only for the Iranian ports in the Gulf. These certificates will be issued by a competent British authority and would specify the reason why the bearer's entry into Iran is considered desirable. It would of course be fully understood that the question of the status of Bahrain was in no way affected by this arrangement, which would be purely practical and designed to facilitate journeys which in many cases would be of advantage to Iran as well as to the travellers wishing to make the journeys.

I would remind you of the somewhat /analogous

خدمت بزرگي بمملكتين ما بعمل آمده است
پيشنهاد ميشود كه اين قبيل اشخاص گواهي نامه هاى هويتي همراه داشته باشند واين اوراق فقط در مورد بنادر ايران در خليج فارس از طرف مامورين ايران مورد قبول واقع شود . اين گواهي نامه ها از طرف يك مقام صلاحيت دار انگليس صادر خواهد شد و در آن تصريح خواهد گرديد كه بچه علت حامل آن بايران ميايد . واضح است كه بخوبي معلوم خواهد شد كه بوضعيت بحرين در اثر اين ترتيب لطمه ٔ وارد نخواهد شد واين ترتيب كاملاً داراى جنبه ٔ عملي بوده و منظور از آن تسهيل مسافرتهائي است كه در بسياری موارد براى ايران و مسافريني كه مايل بمسافرت ميباشند مفيد فايده خواهد بود .

مايلم خاطر جنابعالي را متذكر شوم كه قضيه ٔ نظير و متشابه آن مربوط باشخاصي است كه لازم است از هندوستان جهت تعمير و تجديد خط آهن از ميرجاوه

British Legation,
Tehran.

بزاهدان بایران بیایند ۰ از لحاظ
اینکه کارهای ساختمانی که متضمن
منافع مملکتین است تسهیل گردد
دولت ایران لطفاً مقرر داشته اند که
تشریفات مربوط بگذرنامه موقوف و
گواهی نامه های هویت صادره ۰ از طرف
اداره ۰ بلوچستان مورد قبول واقع شود ۰

دوست صمیمی

(ار. دبلیو. بولارد)

analagous case of the persons requiring to come into Iran from India to work on the restoration of the railway from Mirjawa to Zahidan. In order to facilitate construction work which is designed to be of benefit to both the countries concerned, the Iranian Government have kindly arranged to dispense with the ordinary passport formalities and to recognise identity certificates issued by the administration of Baluchistan.

Yours sincerely

R W Bullard

شماره: ۸۱
فرستنده: ترجمهٔ روزنامهٔ اژیپسین توسط ادارهٔ اطلاعات و مطبوعات و ترجمه
گیرنده:
تاریخ: ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ش
متن سند:

شیخ جدید بحرین

بحرین دوشنبه ۲۳ فوریه ــ والاحضرت سرحمدبن عیس الخلیفه شیخ بحرین که به طور ناگهانی در ۲۰فوریه وفات نمود، پسر بزرگ وی سلمان جانشینش شد.

شیخ جدید در ابلاغیهٔ خود اظهار می‌دارد: «ما سلمان ابن حمد الخلیفه زمام دولت بحرین را برطبق آرزو و میل پدرم و رضایت کامل اعمام و برادران و سایر اقوام خود به دست می‌گیرم.

من رسماً و علناً وعده می‌دهم آرزو و آمال آنها را به عمل آورم. عقاید مذهبی خود را محفوظ و به کشور خویش صمیمانه و به طور درستکاری خدمت خواهم نمود.

آنچه از دستم برآید سعی و اهتمام به عمل خواهم آورد که عادلانه و عاقلانه حکمرانی نموده و روابط دوستانه را با بریتانیا ادامه داده و همیشه منافع وی را محفوظ خواهم داشت. خداوند در این امر مرا توفیق فرماید.»

حکمران بحرین چهل‌وهفت سال دارد و مورد احترام اهالی می‌باشد. وی یک مرد با وقار و متین میانه بالا بوده یک عرب حقیقی است و ورزش را دوست می‌دارد.

مناسبات وی با زمامداران کشورهای دیگر عرب دوستانه بوده و دوست صمیمی بریتانیای کبیر می‌باشد.

۱۰۸۶
۱۷/۱/۱۳

وزارت امور خارجه
اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه از روزنامه اژیپسین
تاریخ اصل ۲۴ فوریه ۱۹۴۲

اداره ایران
۲۷/۱۲/۲۰
تاریخ ترجمه ۲۶ اسفند
مترجم غ ۰ ع ۰ اردلا

شیخ جدید بحرین

بحرین دوشنبه ۲۳ فوریه ــ والاحضرت سرحمد بن عیسی الخلیفه شیخ بحرین که بطور ناگهانی در ۲۰ فوریه وفات نمود پسر بزرگ وی سلمان جانشینش شد ۰

شیخ جدید در ابلاغیه خود اظهار میدارد ((ما سلمان ابن حمد الخلیفه زمام دولت بحرین را برطبق آرزو ومیل پدرم ورضایت کامل اعمام وبرادران وسایر اقوام خود بدست میگیرم من رسما وعلنا وعده میدهم ارزو وآمال آنهارا بعمل آورم ــ عقائد مذهبی خود رامحفوظ وبه کشور خویش ضمیمانه وبطور درستکاری خدمت خواهم نمود ۰

آنچه ازدستم برآید سعی واهتمام بعمل خواهم آورد که عادلانه وعاقلانه حکمرانی نموده وروابط دوستانه را با بریتانیا ادامه داده وهمیشه منافع وی را محفوظ خواهم داشت ۰ خداوند دراین امر مرا توفیق فرماید))

حکمران بحرین چهل وهفت سال دارد ومورد احترام اهالی می باشد ۰ وی یک مرد باوقار و متین میانه بالا بوده یک عرب حقیقی است وورزش را دوست میدارد ۰

مناسبات وی با زمامداران کشورهای دیگر عرب دوستانه بوده و دوست صمیمی بریتانیای کبیر میباشد ۰

ورود بدفتر اداره سیاسی
۵۳۳۰
۲۷/۱۲/۲۰

[illegible]
۳۰/۱۲/۲۰

فصل ۲

تنب و ابوموسی

شماره: ۸۲
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزیر اعظم (عین‌الدوله)
بتاریخ: ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۲
شماره: ۱۶۹
متن سند:

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امنع امجد اسعد معظم والا بندگان شاهزاده وزیر اعظم دامت شوکته‌الوالا

از قرار راپورت مسیو دامبرن، رئیس گمرکات بنادر خلیج فارس شیخ رأس‌الخیمه مدعی ملکیّت جزیرهٔ تامب شده و شیخ شرقا نیز ادعای ملکیّت جزیرهٔ ابوموسی نمـوده، بیرق خودشان را در آنجاها نصب نموده‌اند. محض استحضار خاطر مبارک جسارت گردید.

MINISTÈRE DES DOUANES
ET DES POSTES

وزارت گمرک و پست

TÉHÉRAN, le ...۲۲ ۲۴ ... 190

Ind: نمره ۱۰۹

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد اعظم بندگان اقدس والا رئیس‌الوزرا عظام دامت شوکته العالی

ANNEXE:

از قرار راپورت مسیو ... رئیس گمرکات بنادر خلیج فارس شیخ راس‌الخیمه بیدق مملکت
جزیره تنب شده و شیخ شارجه نیز از دولت مملکت جزیره ابوموسی را برداشته بیدق نموده.
خودشان را در آنجا نصب نموده‌اند ممنون ... که تدارک ...

شماره: ۸۳
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۳
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد، چندی قبل به توسط جناب مؤتمن الملک به دوستدار اظهار شد که از قراری که می گویند شیخ شرجه بعضی عمارات در جزیرهٔ تمب احداث می‌نماید و خواسته بودند که این کار را ترک نمایند. تا اینکه اعلیحضرت اقدس همایونی از فرنگستان مراجعت و دولت ایران فرصتی داشته باشند، که ادعای حقوق سلطنتی خود را در جزیرهٔ مزبور ثابت نمایند. این خواهش جناب مستطاب اجل عالی را به دولت هندوستان و بالیوز اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم خلیج فارس تلگراف نمود، و چون تا دیروز جوابی نرسیده بود، تلگراف مجددی حاضر کردم، ولی امروز تلگرافی از میجر کاکس به دوستدار رسید. مشعر بر اینکه مشارالیه بشخصه به جزیرهٔ تمب رفته، معلوم نماید که آیا این راپورت که از جناب دریابیگی به جناب مستطاب اجل عالی رسیده حقیقت دارد یا خیر و معلوم شده که ابداً حقیقت ندارد. به نظر دوستدار افسوس است که اشخاصی به رتبهٔ جناب دریابیگی بدون اینکه قبل از وقت متحمل زحمت شده، معلوم نمایند که آیا هیچ حقیقتی در این گونه شهرتها هست یا خیر، تلگرافاً به حکومت مرکزی اطلاعاتی دهند که اسباب زحمت و مورث اشتباهات فی‌مابین دو دولت دوست گردد. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

امضا

۱۳۲۳
۲۸ رب [illegible]

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا میشود

چندی قبل بتوسط جناب [illegible] مرقوم و اظهار شده که در قراری که میگویند شیخ شارجه بعضی عمارات در جزیره تمب احداث
مینماید و خواسته بودند که یکبار دیگر تذکر نمایند تا اینکه اعلیحضرت اقدس همایونی از [illegible] دولت ایران [illegible] داشته باشند
که ادعای حقوق سلطنتی خود را در جزیره مزبور ثابت نمایند این خواهش جناب مستطاب اجل عالی را بدولت متبوعه [illegible]
اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم خلیج فارس تلگراف نموده‌ام و تا دیروز جوابی نرسیده بود تلگراف [illegible] حاضر نکردم
ولی امروز تلگرافی از مسیو کاکس جنرال قونسول بوشهر رسیده بر اینکه مشارالیه شخصاً بجزیره تمب رفته معلوم داشته که [illegible] را آورده است
که از جانب دریابیگی بجناب مستطاب اجل عالی رسیده حقیقت دارد یا خیر و معلوم شد که ابدا حقیقت ندارد [illegible]
افسوس است که [illegible] جناب دریابیگی [illegible] اینکه قبل از وقت موجب زحمت شد معلوم نماید که [illegible] حقیقت

[illegible]

شماره: ۸۴
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

مراسلهٔ مورخهٔ دیروز جناب مستطاب اجل عالی در باب جزیرهٔ تمب (تنب) و ابوموسی، شرف وصول بخشید. هر دلایلی که اقامه نمایند براینکه ادعای دولت ایران در ملکیت این دو جزیره بر ادعای شیخ شرغا تفوّق دارد، برای دولت هندوستان ارسال خواهد داشت.

جناب مستطاب اجل عالی باید ملتفت باشند که دوستدار این اشعاری را که اول وحله است اصغا می‌نماید، نمی‌تواند قبول کند که شیخ مزبور را نخواهد گذاشت بیرقی را که مأمورین گمرکی ایران پایین آورده‌اند، مجدداً به جای خود نصب نمایند و نیز خاطر محترم عالی را به ارتباط این مسئله متذکر می‌سازد که ما به دولت ایران اصرار ننمودیم که تا اینکه معارضهٔ ملکیت جزیرهٔ مزبور که از چندین سال قبل بین دولتین بوده است، از طرفین مرتفع نگردد و بیرق خود را از جزیرهٔ سیری بردارند. هرگاه شیخ شرغا بیرق موجود دولت ایران را از جزیرهٔ تمب (تنب) و ابوموسی برداشته بود، مسئله طور دیگری می‌بود. کاری که مشارالیه کرده فقط این بوده است که بیرق خود را در جزایری که هنوز رسماً در تصرف هیچ یک از دول نبوده، نصب کرده است و به ملاحظهٔ اینکه اول کسی بوده که آنجا را تصرّف نموده است، حق دارد که بیرق خود را به حال خود نگاه دارد تا اینکه در حقانیّت شرعیهٔ مشارالیه بر سه جزیرهٔ مزبور اختلافی به میان آید و در این موقع احترامات فایقهٔ قلبیهٔ خود را تجدید می‌نماید.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان مهربان استظهاری [illegible]

مراسله مورخه دیروز جناب مستطاب اجل عالی در باب جزیره تنب و ابوموسی شرف وصول بخشید هر دلایلی اقامه نمایند

براینکه ادعای دولت ایران در ملکیت این دو جزیره بر ادعای شیخ شارجه تفوق دارد [illegible]

جناب مستطاب اجل عالی باید ملتفت باشند که دوستدار از این شرح [illegible] که اول وهله باید صحت [illegible]

نخواهد گذاشت بیرق را که مأمورین گمرک ایران [illegible] نصب نمایند [illegible]

همیشه تذکر می‌دادند که با دولت ایران اصرار نموده‌ایم تا اینکه معارضه ملکیت جزیره [illegible]

بعد از [illegible] بیرق خودشان از جزیره بیرون بردند هرگاه شیخ شارجه بیرق [illegible]

از جزیره تنب و ابوموسی برداشته [illegible]

خودشان در جزایر [illegible] نصب کرده است [illegible]

که آنجا را تصرف نموده است [illegible]

۱۳۲۲

بر سر جزیره [illegible]

[illegible]

شماره: ۸۵
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزیر اعظم (عین‌الدوله)
تاریخ: ۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۲
متن سند:
حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف ارفع امجد اسعد اکرم افخم والا، شاهزاده عین‌الدوله وزیر اعظم دامت شوکته

با نهایت افتخار خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، مسیو (وافلارت) رئیس گمرکات عربستان به موجب قراردادی که بین حضرت مستطاب اشرف والا و وزیرمختار انگلیس شده بود، بیرق دولت علیه ایران و اجزای گمرکی را که در جزیرهٔ تانب گماشته بود، بدون صعوبت و اشکال خارج نمود. چیزی که هست همه متفق‌القول برآنند که جزیرهٔ مزبوره بدون شک و شبهه متعلق به دولت علیه ایران است، لیکن سند و دلیلی در این باب در دست نیست. جزیرهٔ ابوموسی نیز هنوز متنازع‌فیه است.

مسیو وافلارت به جزیره هنجان رفته، در آنجا دفتر تلگراف انگلیس دایر است. لیکن به جای بیرق دولت علیه که چندی قبل به توسط اتباع دولت جاوید آیت منصوب شده، بیرق دولت انگلیس را افراشته‌اند. مخصوصاً تلگراف‌چیان که اتباع دولت انگلیس‌اند مدعی هستند که چوب بیرق مزبور از بدو امر به توسط ایشان نصب شده است و مسلماً این مسئله بی‌اصل و مأخذ است.

دیگر اینکه اظهار می‌کند که این تلگراف مخصوص رئیس پست انگلیس مقیم بندرعباس، و طلب انگلیسی است در این صورت معلوم می‌شود که دفتر مزبور مخصوص به اشخاص مزبوره است و این مسئله هم مخالف معاهده است.

به موجب راپورت مسیو (وافلارت) و به عقیدهٔ چاکر دولتخواه لازم است که بیرق دولت علیه ایران فوراً در هنجان نصب شود و راهدار خانهٔ گمرکی در آنجا برقرار گردد و مخصوصاً به ادارهٔ مرکزیه تلگرافخانهٔ انگلیس اظهار شود که به رئیس تلگرافخانهٔ هنجان غدغن و سفارش نمایند، تلگرافات ادارات دولتی را بدون تعلل و مسامحه مخابره نمایند.

از طرف دیگر حسب‌الامر الاقدس الاعلی و حضرت مستطاب اشرف والا، چند روز دیگر پست دولتی بین بندرعباس و هنجان دایر و برقرار خواهد گردید.

علی ای حال، به رئیس گمرکات خلیج فارس مجدداً غدغن و سفارش خواهم کرد که حتی‌الامکان بیرق دولت علیه ایران در جزایر خلیج مزبور همیشه باید منصوب و

برقرار باشد. زیاده جسارت است.

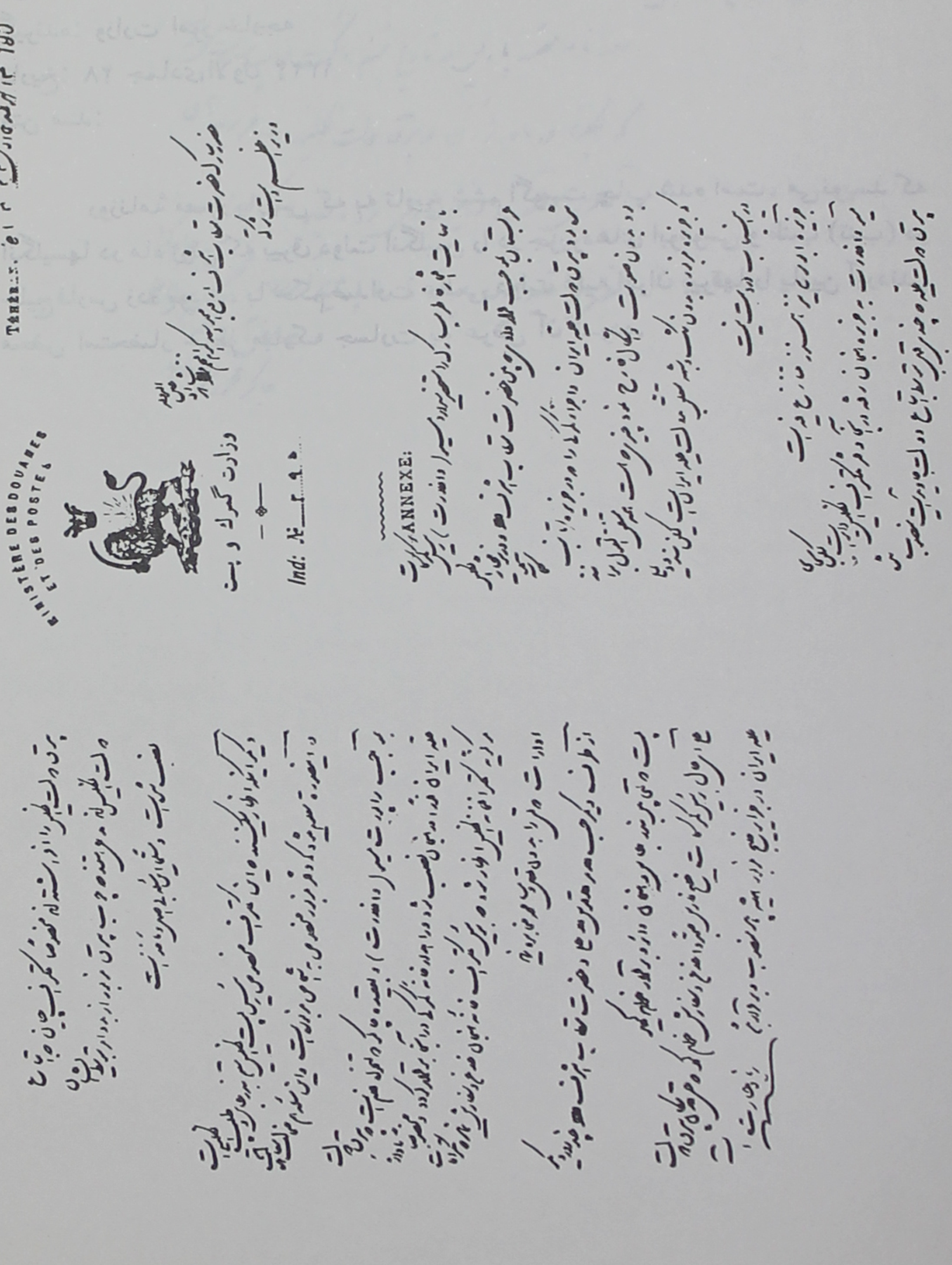

شماره: ۸۶
فرستنده: جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در هندوستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۲
متن سند:

روزنامهٔ مصور پاریس که به تاریخ ششم اگوست چاپ شده است، می‌نویسد که انگلیسها در ماه ژوئن که بیرق دولت انگلیس را در جزیره‌های ابوموسی و طنب (تنب) در خلیج فارس زده بودند، با حکم صدارت عظمی دولت علیه ایران بیرقها را پایین آوردند. محض استحضار خاطر مبارک جسارت به عرض آن نموده.

جنرال قونسلگری دولت علیه ایران
در هندوستان
نمره ۱۳۳ فی ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۳

روزنامه مشهور پاریس در تاریخ ششم اگست چاپ شده می‌نویسد
که انگلیس‌ها در ماه ژون دو بیرق دولت انگلیس را در جزیره‌های
ابوموسی و طنب در خلیج فارس زده‌اند بنده با حکم صدارت
عظمی در تحقیق این بیرق‌ها را پایین آوردند متمنی است نتیجه را خاطر مبارک
به بنده اطلاع دهند
خدمت مرحمت آن نمره
چاکر محمود منتظم السلطنه

شماره: ۸۷
فرستنده: یادداشت وزیر امور خارجهٔ وقت ایران
گیرنده:
تاریخ: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۳
متن سند:

در باب تمب و ابوموسی با وزیرمختار انگلیس مذاکرات مفصل شد یک دفعه به واسطهٔ پیغام و یک دفعه بلاواسطه. خود دیشب مذاکره کرد حرف وزیرمختار انگلیس این است که من این اظهار دولت ایران را به دولت خود تلگراف نمایم تا جواب بدهند.

ولی این دو محل، ملک شیخ شرقان است سری هم که محل ممکن است مال شیخ شرقان است سری را دولت ایران تصرف کرد و بیرق در آنجا افراشته این دو محل تمب و ابوموسی را هم که دولت ایران ادعا دارد، شیخ شرقان بیرق بلند کرده هر دو طرف یا باید بیرق خود را بردارند. یعنی دولت ایران بیرق خود را از سری بردارد. شیخ شرقان هم بیرق خود را از تمب و ابوموسی بردارد تا رسیدگی شود یا اگر دولت ایران در سری مداخله خود را موقوف ندارد، شیخ شرقان هم مداخله دراین دو محل تمب و ابوموسی باید داشته باشد تا وقتی که تحقیق و رسیدگی شود. جواب داده شد که سری هرگز با تمب وابوموسی شباهت ندارد که هر معامله در تمب و ابوموسی شود در سری هم شود دولت ایران سری، تمب وابوموسی و تمام بنادر و جزایر خلیج‌فارس را ملک مخصوص خود می‌داند. شیخ شرقان بتازگی در این دو جزیرهٔ تمب و ابوموسی تصرفات کرد و بیرق بلند کرد و حقش همان بود که بیرق او موقوف و بیرق ایران افراشته شود، سفارت انگلیس اصرار کرد بیرق شیخ باقی بماند.

وزارت امور خارجه

اداره .... دائره ....

مورخه ۱۵ .... ۱۳۲۳

نمره ....

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وزیر ۱۱۰ ... ۱۶۰۵

شماره: ۸۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: حاکم بوشهر (دریابیگی)
تاریخ: ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۳
متن سند:

سواد تلگراف وزارت خارجه به توسط موقرالدوله به دریابیگی حاکم بوشهر ۱۹جمادی الاول ۱۳۲۳

تلگراف شما در باب تصرفات مالکانهٔ شیخ ابودعس در جزیرهٔ تمب رسید و به سفارت اظهار شد و به جنرال قونسولگری بوشهر تلگراف کردند و حالا از قرار اطلاعی که از جنرال قونسولگری می گویند، رسیده است. اظهار می دارند که شیخ مشارالیه در جزیرهٔ تمب ابداً تصرفی نکرده و خانه و بنایی نساخته است و نیز می گویند که جناب سامی هم در آنجا پیاده نشده اید و از جهاز با دوربین آنجا را تماشا کرده اید و بالنتیجه اظهارات شما را تکذیب می کنند و اظهار می دارند که جنرال قونسول بوشهر مأموری تعیین می کند. حاکم بوشهر هم مأموری معین نماید که این دو به اتفاق بروند در آنجا متفقاً اقدامات شیخ را مشاهده کنند و اگر این طور باشد، ممانعت از او خواهد شد. لهذا زحمت می دهم که اگر همین طور است که اظهار داشته اند، یک نفر مأمور مطلع شایسته با اطلاع جناب موقرالدوله معین کرده و اطلاع بدهید تا از اهتمام سفارت به جنرال قونسول اطلاع بدهد که مأمور معین نماید و به اتفاق بروند، تحصیل اطلاعات کرده راپورت صحیحی بدهند تا اقدامات لازمه بشود.

نصرالله مشیرالدوله

۴۹۲

سواد تلگراف وزارت خارجه [illegible] به [illegible]

(۱۹ جمادی الاولی ۱۳۲۳

تلگراف شما درباب تعرض مالکانه شیخ [illegible] در جزیره تنب رسید و بنابر اظهارات [illegible] جنرال قونسول بوشهر تلگراف کرده و [illegible] جنرال

قونسولگری [illegible] اظهار میدارند که شیخ شارجه در جزیره تنب [illegible] توقف نکرده و فقط [illegible] که [illegible]

[illegible] و از جهاز [illegible] انجا را [illegible] و نتیجه اظهارات [illegible] اظهار میدارند که جنرال قونسول بوشهر مأمور

تفتیش [illegible] [illegible] تحقیقاً [illegible]

[illegible] که از چه طرف [illegible] اظهار داشته اند [illegible] جناب [illegible]

[illegible] جنرال قونسول [illegible] و [illegible] تحقیق اطلاعات [illegible] صحیح [illegible]

شماره: ۸۹

فرستنده: مظفرالدین شاه

گیرنده: صدراعظم

تاریخ: ۱۳۲۳

متن سند:

جناب اشرف صدراعظم

به وزیر خارجه ابلاغ نمایند که به سفارت انگلیس بگوید، پارسال در این باب مذاکرات شد. دولت انگلیس از ما خواهش کرده که بیدق خودمان را از این دو جزیره برداریم تا رسیدگی و گفتگو شود در صورتی که ما خودمان می‌دانیم که این دو جزیره، ملک مسلمهٔ دولت ایران است در این صورت حالا چطور دولت انگلیس در عالم دوستی راضی می‌شود که ما ملک طلق خودمان را به شیخ واگذار کنیم واوبیدق در آنجا بیفرازد. شما باز هم گفتگو کنید و ما به هیچ وجه از حق خود نخواهیم گذشت.

امضا: مظفرالدین شاه

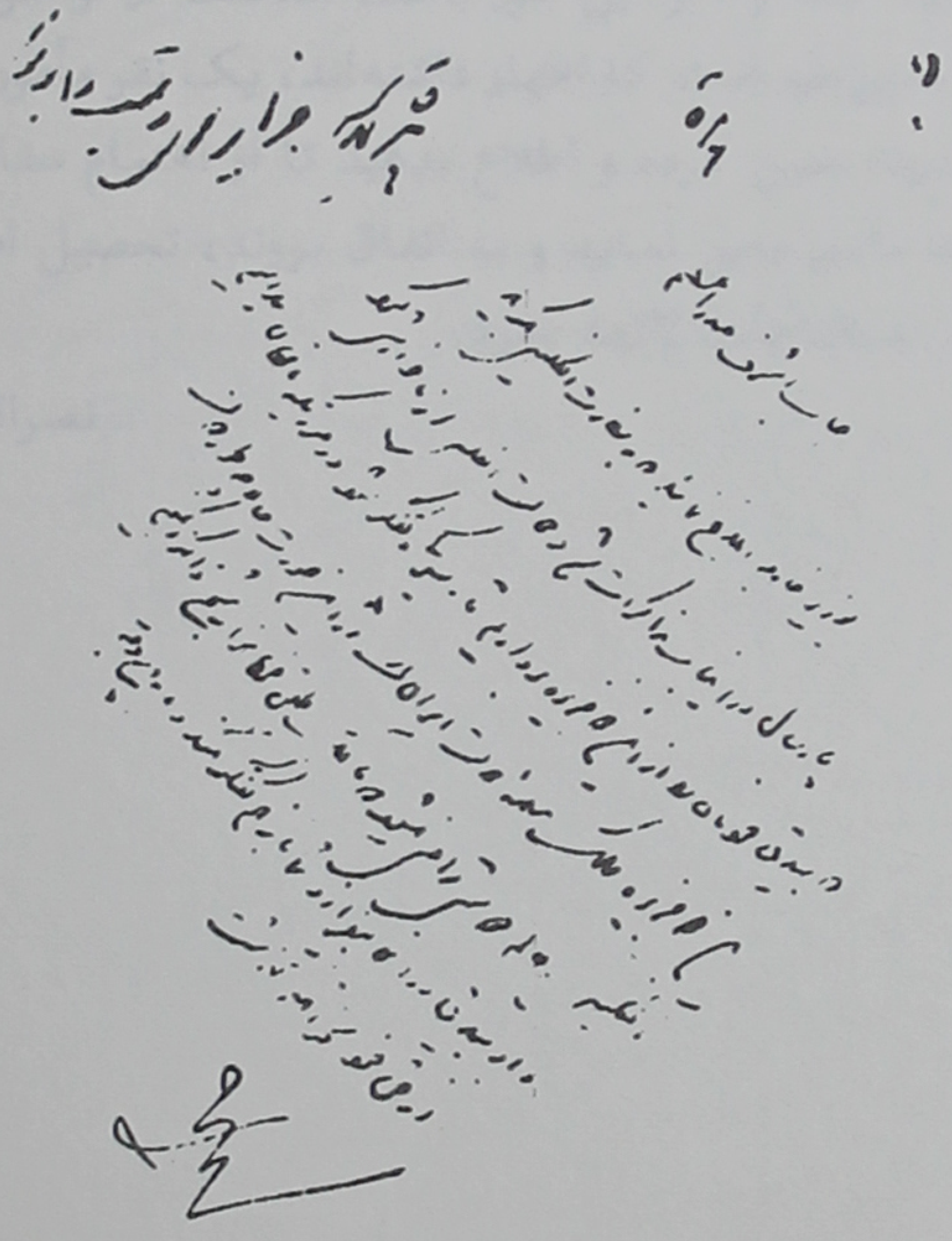

شماره: ۹۰
فرستنده: کارگذاری اول بنادروجزایر خلیج ایران و سواحل بلوچستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

در اوایل سنهٔ ۱۳۲۶ تکران ملکم وکیل کمپانی استریک، چند نفر مزدور را با توصیهٔ خارجی از بوشهر به بندر لنگه فرستاده، از بندر لنگه نیز مزدور زیادی به معاضدت و همراهی و مباشرت علی و ابراهیم برادران آقا بدر بابیل و اسباب حفاری در جهاز بادی به جزیرهٔ ابوموسی رفتند. چندی در معدن مشهور ابوموسی گلک [گل] سرخ حفر نموده . پس از آماده شدن مقدار کافی جهاز طبرستان از بوشهر به جزیرهٔ ابوموسی رفت و گلک [گل] موجوده را برای لندن حمل نمود. در موقعی که جهاز طبرستان مشغول حمل گلک بود، کاپیتان جهاز مشغول تحصیل اطلاعات و معلومات جدیده در جزیرهٔ مزبوره شده و گویا چند معدن گلک دیگر را نیز در آن جزیره پیدا نمودند، ولی اهمیتش از معدن اولی کمتر بوده در سنهٔ ۱۳۲۷ مجدداً همان علی و ابراهیم با چند مزدوری بدان جزیره رفته مشغول حفر گلک شدند، مقداری حفر و در یکی از جهازات کمپانی استریک به لندن فرستاده‌اند. گویا در اواخر سنهٔ ۱۳۲۷ مرتبهٔ ثالث نیز به همان ترتیب حفر و حمل لندن کرده باشند و مسلم است که این اقدامات وکیل کمپانی استریک نباید بدون اطلاع و اجازه جنرال قونسولگری انگلیس باشد.
محض اطلاع خاطر خطیر مبارک جسارت به عرض ورزید.

۱۹ ... ۱۲

کارگذاری اول بنادر وجزایر خلیج ایران
وسواحل بلوچستان
اداره ...

از ... مورخه ۱۴ شهر شوال ۷ سنه ۱۳۲۸
نمره عمومی
خصوصی
۶۴

در اوایل سنه ۱۳۲۶ مستر ان ... و کمپانی استریک چند نفر مزدور را با توصیه خارجی از بوشهر
به بندر لنگه فرستاده از بندر لنگه نیز ... تجار زیادی به معاضدت و همراهی و مباشرت شیخ ابراهیم
... بندر با بیل و اسباب حفاری در جهاز بادی بجزیره ابوموسی رفتند چندی در معدن مشهور
ابوموسی گلک سرخ حفر نمودند پس از آماده شدن مقداری که ... جهاز ... ستان از بوشهر
بجزیره ابوموسی رفت و گلک موجوده را برای لندن حمل نمود در موقع ورود جهاز ... ستان
مشغول حمل گلک بود کاپیتان جهاز مشغول تحصیل اطلاعات و معلومات جدیده در جزیره
مزبوره شده و گویا چند معدن گلک دیگر را نیز در آن جزیره پیدا نموده ولی از تفتیش
آن معدن اولیه کمتر بعمل ... در سنه ۱۳۲۷ مجدداً همان علی و ابراهیم با ... به آن جزیره رفته مشغول
حفر گلک شده مقداری حفر و در یکی از جهازات کمپانی استریک به لندن فرستاده اند گویا
در اواخر سنه ۱۳۲۷ مرتبه ثالث نیز بهمان ترتیب حفر و حمل به لندن کرده باشند و مسلم است
در این اقدامات وکیل کمپانی استریک بنابر بدون اطلاع و اجازه جنرال قونسولگری
انگلیس بوده ... خاطر خطیر مبارک ... ...

شماره: ۹۱
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۴ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

جزیرهٔ ابوموسی واقع در خلیج فارس بیست و پنج درجه و پنجاه دقیقه در عرض شمالی، و پنجاه و پنج درجهٔ طول شرقی، از گرینچ اتفاق افتاده. جنوباً پنجاه و پنج میل از لنگه و چهل و پنج میل از شارجه دور می باشد. مساحت ارضیهٔ آن تقریباً شش الی هشت میل مربع، جمعیت آن گاهی از سی الی چهل خانوار می رسد. این جزیره چون آب گوارا نداشته، غالباً غیرمسکون بوده است، و معلوم نیست ساکنین موقتی آنجا به کسی مالیات داده باشند و یا تحمیلی بر آنها از طرف شیخ یا رئیس برقرار شده بوده است یا خیر. سابق بر این که تمام برّ عمان جزو مستملکات ایران بود، مسلماً این جزایر در حال مسکونی و آبادی باجگذار و مالیات بدهٔ دولت علیه بوده اند. ولی از زمانی که تسلط ایرانیان از برّ عمان کاسته شد، این جزایر نیز هر روز به دست یکی از مشایخ اعراب افتاد و چون فایدهٔ فعلی و آنی نداشت، متصدیان امور بنادر در صدد رفع سلطهٔ مشایخ اعراب از آنجاها برنیامدند و اوقاتی که معدن گلک [گل] در جزیرهٔ مزبوره کشف شد، مرحوم ناخدا علی بوشهری و حسن بن علی سمیه که وکیل کمپانی جهازات عجم [کشتی های ایرانی] در لنگه بود، به هر ملاحظه که داشته استخراج گلک [گل] را از شیخ شارجه اجازه نموده بودند. که گویا ناخدا علی و یا پسر او حقوق خود را به تجارتخانهٔ آلمانی ترک کرده بوده است که در سه چهار سال قبل تجارتخانه مزبوره می خواسته است بنای عمارتی در آنجا کرده و اسباب و مقتضیاتی فراهم بیاورد که شیخ شارجه مانع شده. موجب احداث مذاکرهٔ فی مابین انگلیسها و آلمانها گردید که گویا تاکنون این گفتگو فی مابین مأمورین دولتین معظم لها مطرح مذاکره است و هشت سال قبل موسیو دامرن رئیس گمرکات جنوب با اطلاع موسیونوز و یا به خودی خود بی موقع و بدون ملاحظه اطراف کار با کشتی دولتی مظفری به جزیرهٔ موسی رفته، بیدق دولت علیه را در آن جزیره نصب و تفنگچی و استعداد در آنجا گذاشت. ولی شیخ شارجه به سوق طبیعت عشایری و یا به تحریک دیگران به ادعای مالکیت برخواست، که گفتگوی این فقرها در دارالخلافه به کجا منجر و منتهی شده. البته در دفاتر وزارت جلیلهٔ خارجه باید

مضبوط باشد که بالأخره به حکم طهران، موسیو وافلر رئیس گمرک جنوب به جزیرهٔ مزبوره رفته تفنگچی و غیره را که موسیو دامرن در آنجا گذاشته بود، برداشت. محض مزید اطلاع خاطر خطیر جسارت به عرض ورزید.

(کارگذاری اول بنادر خلیج فارس)

تاریخ ۱۴ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۲۸

نمره ۶۳

ق

جزیره ابوموسی واقع در خلیج فارس بیست و پنج درجه و پنج دقیقه عرض شمالی و پنجاه و پنج درجه طول شرقی ارتفاع

قسمت جنوبی پنجاه و پنج متر از سطح و چهل و پنج متر از [illegible] مساحت اراضی آن تقریباً شش مایل [illegible]

جمعیت آن گاهی از پنجاه خانوار می‌رسد این جزیره چون آب گوارا نداشته غالباً غیر مسکون بوده است و معلوم نیست

سکنه [illegible] از طرف شیخ [illegible] ساحل سابق ایران [illegible]

بر عمان جزو متعلقات ایران بوده و سکنه این جزایر در حال سکونت [illegible]

از زمانی که [illegible] این جزایر [illegible] شیخ اعراب [illegible]

[illegible] تصدیق [illegible] سلطنت شیخ اعراب [illegible] معدن گل [illegible] در جزیره

[illegible] (کشتیهای ایرانی) [illegible]

[illegible] استخراج گل [illegible] از شیخ شارجه اجاره [illegible] حقوق خود

[illegible]

[illegible] شیخ شارجه [illegible] انگلیس و آلمانها

[illegible]

[illegible] رئیس گمرکات جنوب [illegible] موسیو [illegible]

[illegible] جزیره [illegible] شیخ شارجه [illegible]

[illegible]

در دفاتر وزارت جلیله خارجه [illegible] بالاخره به حکم طهران موسیو وافلر رئیس گمرک جنوب به جزیره مزبوره

رفته تفنگچی و غیره را که موسیو دامرن در آنجا گذاشته بود برداشت محض مزید اطلاع خاطر خطیر جسارت به عرض ورزید

[illegible]

شماره: ۹۲
فرستنده: (کارگذاری فارس)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۶ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

استخراج تلگراف رمز از شیراز

تلگراف رمز مورخهٔ چهارم ششم زیـارت چند روز گذشته هم کردستونی‌ها از طوایف قشقایی سیم را خراب کرده بودند. دولت علیهٔ ایران در ابوموسی تصرف مرددی نداشتند. در سال ۱۳۱۷ که معین‌التجار هرمز را اجاره کرد، چون جزیرهٔ ابوموسی گِل سرخ (اکسیداوایرن) دارد، ناخدا علی به رقابت او ابوموسی را از شیخ شارقه اجاره نمود. همان وقت بایستی مأمورین دولت از او مؤاخذه کنند و جزیره را تصرف نمایند، ولی اقدامی نشد. در اواخر سال ۱۳۲۱ بنده باز به بوشهر رفتم، این فقره را به وزارت خارجه نوشتم و به گمرک هم نوشتم مستقیماً به مشارالیه حکم شد و بیرق دولت را در ابوموسی و تمب افراخت. طولی نکشید که باز مستقیماً به او حکم رسید که بیرق دولت را از جزیره بردارد، همان ایام هم انگلیسها بنای بعضی تصرفات را در جزیرهٔ هنگام گذاشته که تفصیل آن را البته در دفتر وزارت خارجه ملاحظه فرموده‌اند.

[پی نوشت:]
آقای معاون وزارت خارجه

مجلس اداری رجوع به سابقهٔ این کار نموده، آنچه لازم است به وزارت داخله نوشته شود تا امضا نمایم.

حسینقلی ۲۷ شوال ۱۳۲۸

وزارت امور خارجه

اداره کابینه ۲۱ — داره رمز — استخراج تلگراف رمز از شیراز

مورخه ۲۶ [illegible] ۱۳۲۸

نمره ۱۰۹۴

از جواب قنقاعی گروه تنها هم گذشته

تلگراف رمز نمره چهارم ششم زیارت چند روز گذشته

سیم جواب که بعد دولت علیه ایران در ابوموسی تصرف مرزداری داشته در سال ۱۳۱۷

که همین ابتدا از جزیره اجاره که حین جزیره ابوموسی گل سرخ (اکسید دوران)

داده نامه اعلی به رقابت او ابوموسی را از شیخ شارجه اجاره نموده

بالبتی مامورین دولت — ازاو مزاحمت کرده و جزیره را التصرف نمایند ولی

اقدامی نشده در اواخر سال ۱۳۲۱ بنده باز بوشهر رفتم این فقره را

بوزارت خارجه نوشتم و به گمرک هم نوشتم مستقیماً به شارجه حکم شده و بیرق

دولت را در ابوموسی و تنب افراخت طولی نکشید که باز مستقیماً

حکم رسید که بیرق دولت را از جزیره بردارد الان ایام انگلیس‌ها تا

بعضی تصرفات را در جزیره انجام گذاشته که تفصیل آن را البته در دفتر

وزارت خارجه ملاحظه فرمودند

علیمحمد

شماره: ۹۳
فرستنده: (کارگذاری بوشهر)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ شوال ۱۳۲۸
متن سند:

استخراج تلگراف رمز بوشهر

جزیرهٔ ابوموسی تقریباً پنجاه‌وپنج میل از لنگه و چهل‌وپنج میل از شارجه دور واقع است و در تحت نفوذ اعراب است و گلک آنجا را کمپانی استریک حمل فرنگستان می‌نماید. هفت هشت سال قبل مسیو دامرن رئیس گمرک با کشتی مظفری رفته بیدق را آنجا نصب و تفنگچی گذاشت که بالاخره مسیووافلر رئیس گمرک رفته بیرق و تفنگچی را برداشت.

اطلاعات مبسوط مشکل است کتباً عرض می‌شود.

امضاء غلامعلی

اداره کابینه

وزارت امور خارجه

اداره کابینه دائره رمز — استخراج تلگراف رمز بوشهر

مورخه ۲۹ شهر شوال ۱۳۲۸

نمره ۹۶

جزیره ابوموسی تقریبا پنجاه و پنج میل از لنگه و چهل و پنج میل از شارجه دور واقع است و در تحت نفوذ اعراب است و گلک آنجا را کمپانی استریک حمل فرنگستان مینماید هفت هشت سال قبل مسیو دامرن رئیس گمرک با کشتی مظفری رفته بیدق را در آنجا نصب و تفنگچی گذاشت که بالاخره مسیو وافلر رئیس گمرک رفته بیدق و تفنگچی را برداشت اطلاعات مبسوط مشکل است کتبا عرض خواهد شد ۱۰۴

غلامعلی

شماره: ۹۴
فرستنده: مجلس شورای ملی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

یکی از نمایندگان محترم از آن وزارت جلیله سؤال خواهد نمود که جزیرهٔ ابوموسی که از جزایر خلیج فارس و در مقابل بندر لنگه است، در دست کی است و چه حالت دارد. اخطاراً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی
ذکاء الملک

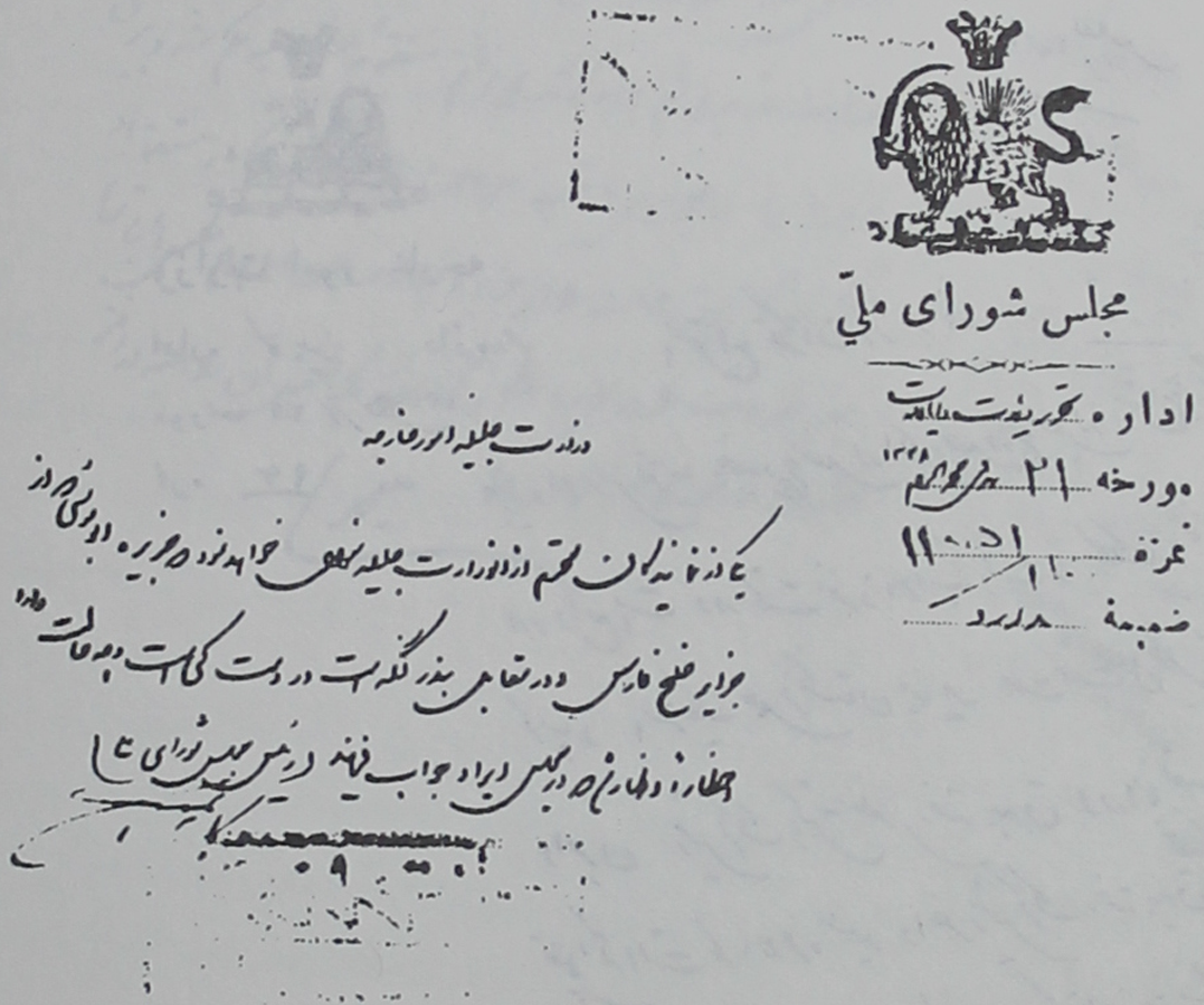

شماره: ۹۵
فرستنده: راپورت ادارهٔ اول سیاسی وزارت امور خارجه
گیرنده: (وزیر امور خارجه)
تاریخ: ۲۹ آذر ۱۳۰۵
متن سند:

راپورت

مکتوب وزارت مالیه و سابقهٔ آن در باب جزیره ابوموسی واقعه در خلیج فارس، از لحاظ مبارک می گذرد، سابقهٔ که این سنوات قدیمه در دفتر وزارت خارجه به دست آمده، موافق راپورتی است که ادارهٔ گمرک به وزارت مالیه داده و در لف است. از دو سه سال قبل که این مسئله مطرح شد، وزیرمختار انگلیس در مقام رد یاداشت وزارت خارجه راجع به ابوموسی برآمد و اظهار داشت که هرگاه دولت ایران بخواهد ادعای خود را بر آنجا که در تصرف شیخ شارجه است طرح کند، ما هم ناگزیریم که جزیرهٔ سیری را از دولت ایران مطالبه کنیم. شرحی در این باب به مقام ریاست وزرا نوشته‌که‌در کابینهٔ آنجا البته ضبط است حالا هر طور نظر مبارک است، مقرر فرمایند که به وزارت مالیه جواب نوشته شود.

[پی نوشت:]

سابقهٔ این کار از دفتر استخراج و راپورت داده شود تا تکلیف جواب وزارت مالیه معین شود.

امضا

نمره (۱۰)

تاریخ ۲۹ آذر سنه ۱۳۰۱

وزارت امور خارجه

اداره: اراک

دایره:

راپورت

مقرب وزارت مالیه [illegible] درباب [illegible]

در قضیه [illegible] اراک [illegible] سابقه [illegible]

قریه [illegible] وزارت خارجه [illegible]

و ادارهٔ گمرک [illegible] وزارت مالیه [illegible]

در [illegible] سال قبل [illegible] مطلع [illegible] وزیر مختار

انگلیس در تهران [illegible] وزارت خارجه

راجع به اراک [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

برای اینکه [illegible] شیخ محمره [illegible]

ل - ۳۸۲

شماره سند: ۹۶

فرستنده: راپورت اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه

گیرنده: (وزیر امور خارجه)

تاریخ: ۱۴ دی ۱۳۰۵

متن سند:

نظر به راپورت واصله از کارگذاری بوشهر در خصوص جزایر تنب، ابوموسی و سیری و غیره و سؤال وزارت مالیه راجع به مالکیت دولت ایران در جزیره تنب و ابوموسی که ضمیمهٔ این راپرت است، مقرر فرموده‌اند راپورتی از دوسیه‌های قدیم و جدید وزارت خارجه تهیه و تقدیم شود. اینک به شرح ذیل مبادرت به عرض می‌ورزد:

در سنهٔ ۱۳۳۲ راپورتی به وزارت خارجه واصل گردید که جنرال قونسول انگلیس مقیم بوشهر در مقام اجارهٔ خاک سرخ واقعه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی از شیخ شارجه (از مشایخ جزایر عمان است) برآمده است راپورتی برحسب امر مقام وزارت از دوسیه‌های سابقه استخراج و تقدیم شد که خلاصه آن از این قرار است:

در زمان وزارت گمرک مسیونوز به تاریخ ۲۴ ربیع الاول ۱۳۲۲، رئیس گمرک بنادر خلیج می‌خواسته در جزیرهٔ تنب و ابوموسی بیرق دولت علیه را نصب نماید، شیخ رأس الخیمه (که از مشایخ جزایر عمان است) مدعی مالکیت جزیرهٔ تنب و شیخ شارجه مدعی مالکیت جزیرهٔ ابوموسی شده بیرق خودشان را در این دو جزیره نصب می‌نمایند.

سفارت انگلیس به موجب مراسلهٔ مورخهٔ ربیع الثانی ۱۳۲۲ به این مسئله استناد نمود که چون در این دو جزیره از طرف دولت ایران تصرفات مالکانه به هیچ وجه نشده و این دو شیخ اول کسی بوده‌اند که مبادرت در نصب بیرق نموده‌اند، دولت ایران دست نگاه دارد تا رسیدگی در حق مالکیت طرفین بشود. دولت ایران نیز بنابر مصالحی موقتاً بیرق خود را پایین آورده ولی بعد از چندی باز موضوع با سفارت انگلیس به میان گذاشته شده.

مدیر ادارهٔ انگلیس در تاریخ ربیع الاول ۱۳۳۱ وزیرمختار را ملاقات نمودند. اظهار ژنرال قونسولگری انگلیس مقیم بوشهر را دایر براینکه چون سابقاً حکام بندر لنگه از مشایخ جواسمی بوده‌اند و مشایخ شارجه هم از همان طایفه هستند، و به این جهت حاکم بندر لنگه دخالتی در آنجا کرده است، رد و اظهار نموده است که جواسمی کنگی

از جواسمی عمانی مجزی بوده و هستند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است و راجع به جزایر مزبور نیز از روی نقشه این طور استدلال کرده است که این دو جزیره به ساحل ایران نزدیک و از عمان دور و از توابع بندر لنگه هستند و دخالت شیخین به کلی برخلاف حق است ولی سفارت موکول به مراجعه لندن نموده و اختلاف مزبور ادامه داشته است.

از مقام وزارت مقرر گردیده که مراسلهٔ اعتراضیه به سفارت نوشته شود.

در تاریخ دویم جوزای ۱۳۰۲ به سفارت انگلیس نوشته شد که نظر به حق مالکیت دولت ایران در دو جزیره مزبوره، لازم است جنرال قونسول انگلیس از مبادرت به اجارهٔ غیر مشروع خاک سرخ احتراز نماید.

معلوم شد قبل از اینکه مراسله به سفارت فرستاده شود، سفارت از خارج مستحضر گردیده و یادداشتی حضوری به حضرت اشرف آقای مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرای وقت داده، ولی آقای وزیر امور خارجه وقت مسبوق نبوده‌اند.

پس از اینکه مراسله به سفارت فرستاده شد، وزیرمختار انگلیس آن مراسله را با مکتوب دیگری که بعنوان حضرت اشرف آقای مستوفی‌الممالک می‌نویسد، به توسط نایب سفارت حضور حضرت معظم می‌فرستند و وزیرمختار در هر دو مکتوب خود، دوستانه آقای رئیس‌الوزرای وقت را واقف می‌کند که اگر در این ادعای مالکیت نسبت به تنب و ابوموسی تجدید مطلع شود، دولت انگلیس اقدامات مؤثره برای حفظ حقوق شیخ شارجه نسبت به جزایر مزبوره خواهد کرد.

دلایل مالکیت دولت علیه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی مطابق سابقه که در وزارت خارجه است، از این قرار است:

اولاً، جزیرهٔ تنب و ابوموسی سابقاً ضمیمهٔ حکومت بندر لنگه بوده است.

ثانیاً، نقشه را که وزارت جنگ انگلیس کشیده و وزارت خارجه انگلیس در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ ۱۷ ذیقعده ۱۳۰۵ (۲۷ ژوئیه ۱۸۸۸) به وزارت خارجهٔ ایران ارسال داشته است، در آنجا جزیرهٔ تنب و ابوموسی و سیری را جزو خاک ایران تعیین و به‌رنگ خاک داخلهٔ ایران رسم نموده‌اند و بحرین به رنگ مستملکات خارجی رسم شده است.

ثالثاً، جواسمی دو طایفه بوده‌اند عرب و عجم، طایفهٔ عجم در بندر لنگه در جزیرهٔ تنب و ابوموسی سکنی نموده‌اند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است. فقط شیخ شارجه که از جواسمی عرب است، به عنوان اینکه سکنهٔ تنب و ابوموسی نیز جواسمی هستند، آنجا را جزء حکومت خود می‌دانند و اگر حقوق دولت ایران در تنب و ابوموسی

تعقیب نشود، حق دولت را در جزیرهٔ بحرین که دورتر از سواحل ایران است، متزلزل خواهد نمود.

بعد آقای مصدق‌السلطنه وزیر خارجهٔ وقت با وزیرمختار انگلیس شفاهاً داخل مذاکره شدند. وزیرمختار گفته بود که هرگاه دولت ایران بخواهد دعاوی خود را در خصوص جزیرهٔ تنب و ابوموسی تجدید نماید، دولت انگلیس هم در خصوص جزیرهٔ سیری دعوای خود را مسکوت‌عنه گذارده است، تجدید خواهد کرد. زیرا تصرفات دولت ایران در سیری از سپتامبر ۱۸۸۷ میلادی است که به آنجا قشون فرستاد و دولت انگلیس این‌تصرف را تصدیق نکرده و مطلب را مسکوت‌عنه گذارده است. حال هرگاه دولت ایران در دو جزیرهٔ مزبوره دعاوی خود را تکرار کند، دولت انگلیس هم ناگزیر است ادعای خود را در جزیرهٔ سیری اقامه کند.

وزیرمختار اظهار داشته است که در سنهٔ ۱۹۰۴ این عمل خاتمه یافته و دولت ایران فقط وقتی می‌تواند تقاضای رسیدگی در امر نماید که دلایل دیگری غیر از دلایل ۱۹۰۴ اقامه کند. وزیرمختار گفته بوده است نقشه و کاغذ (لُرد سالیس بُری) یک دلیل جدیدی است که در ۱۹۰۴ اقامه نشده و نمی‌تواند مدارک ادعای دولت ایران واقع شود.

آقای مصدق‌السلطنه یادداشتی برای ضبط در دوسیه مرقوم داشتند مشعر بر اینکه در جلسهٔ ۱۶ میزان ۱۳۰۲، موضوع جزیرهٔ تنب و ابوموسی برای دستور اقدام در هیئت وزرای عظام تعقیب شد به دلایلی که در صورت جلسهٔ مزبوره درج گردیده، قرار شد چندی تأمل شود تا مقصودی که دولت در نظر دارد انجام یافته و بعد از مراجعت وزیرمختار انگلیس از عربستان، در این باب اقدام شود. مقصود مزبور راجع به طغیان شیخ‌خزعل و قشون‌کشی دولت به خوزستان بوده است.

اخیراً هم گویا از طرف ادارهٔ گمرک یک کشتی برای تفتیش به جزیرهٔ ابوموسی رفته بوده است و سفارت انگلیس مکاتبهٔ خصوصی با ریاست وزرا، اعتراضاً نموده که البته در کابینهٔ ریاست وزرا ضبط است و وزیر مختار شفاهاً با آقای داود خان مفتاح، کفیل وزارت خارجه هم مذاکره کرده بوده است، حالا منوط به نظر دولت است.

امضا

[پی نوشت:]

محرمانه است

ریاست ادارهٔ اول سیاسی

به نظر بنده، اولاً باید تمام سوابق موجوده در این باب چه در وزارت خارجه و

چه در وزارتخانهٔ مالیه و داخله و جاهای دیگر، هرچه زودتر جمع‌آوری شده و مطالعات دقیقتری راجع به هریک از جزایر که در این راپرت ذکر شده، به عمل آید و وضعیت فعلی هر یک از آنها به طور صریح و قطعی معین گردد و البته می‌توان از ارباب بصیرت و مطلعین به وضعیات آن نقاط نیز تحقیقات لازمه نمود. تمام اسناد و دلایل مالکیت ایران را به دست آورد و بدیهی است عندالاقتضا دستورهای جامعی به مأمورین محلی هم صادر خواهید فرمود و ثانیاً پس از اینکه معین شد کدام یک از جزایر مزبوره بلامعارض و کدامیک از آنها متنازع‌فیه است، باید نسبت به قسمتی که بلامعارض است اقدام مقتضی برای تصرف آنها به عمل آید و در باب قسمت متنازع‌فیه لازم است مطالعات عمیقی برای پیدا کردن طرق قانونی تصرف آنها شده و معین شود که دولت ایران برطبق قوانین بین‌المللی و اساسنامهٔ جامعهٔ ملل به چه ترتیب می‌تواند در این باب اقدام نماید. بدیهی است به فوریت با تبادل‌نظر با رئیس ادارهٔ جامعهٔ ملل، راپرت جامع‌الاطرافی برای هیئت وزرا تهیه خواهید فرمود.

۱۳ بهمن

[پی نوشت:]

دستور حضرت آقای معاون کل به عرض مقام منیع وزارت رسید، مقرر فرمودند نظر به وضعیات سیاسی فعلی عجالتاً مسکوت بماند تا در موقع خود مطرح شود.

۲۲ بهمن ۱۳۰۵

۴ نمونه (۸)

بتاریخ ۱۳ ثور ماه سنه ۱۳۰۷

نمره .... ضمیمه ....

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

دائره:

راپورت

نظر به راپورت واصله از کارگزاری بوشهر در خصوص جزایر تنب و ابوموسی و سیری و غیره و استعلام وزارت جلیله راجع به مالکیت دولت ایران در جزیره تنب و ابوموسی ضمیمه این راپورت است مشروحه‌ای از راپورتها و دوسیه‌های قدیم و جدید وزارت خارجه تهیه و تقدیم شود. اینک شرح ذیل از سوابق دوسیه عرض میشود:

در سنه ۱۳۲۲ راپورتی به وزارت خارجه واصل گردیده که جنرال قونسول انگلیس مقیم بوشهر در شام و اعلام داشته که [illegible] واقعه در جزیره تنب و ابوموسی از شیخ شارجه (از شیوخ جزایر عمان است) برآمده است.

راپورتها برحسب امر مقام وزارت از دوسیه‌های سابقه استخراج و تقدیم شد که خلاصه آن از این قرار است:

در زمان وزارت گمرک مسیو نوز به تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۲ بیرقهای گمرک را در خلیج نصب و در جزیره تنب و ابوموسی بیرق دولت علیه را نصب نماید شیخ رأس الخیمه (که از شیوخ جزایر عمان است) مدعی مالکیت جزیره تنب و شیخ شارجه مدعی مالکیت جزیره ابوموسی شده بیرق خودشان را در این دو جزیره نصب مینمایند.

سفارت انگلیس به موجب مراسله مورخه ربیع الثانی ۱۳۲۲ اینطور اظهار نموده که چون در این دو جزیره از طرف دولت ایران تصرفات کافی به هیچوجه نشده و این دو شیخ ادعای کلی نموده‌اند سفارت در نصب بیرق خواهش نموده دولت ایران دست نگاه دارد تا رسیدگی در حق مالکیت طرفین بشود دولت ایران نیز با رضای موقتی بیرق خود را پایین آورده ولی

بعد از چندی باز موضوع با سفارت انگلیس میان گذاشته شد.

مدیر اداره انگلیس در تاریخ ربیع الثانی ۱۳۳۱ وزیر مختار را ملاقات نموده اظهار نماید که ژنرال قونسولگری انگلیس مقیم بوشهر را

۲

دلایل اینکه چون تقریباً حکام بندرلنگه از شیوخ جواسم بوده‌اند و شیوخ شارجه هم از همان طایفه هستند و این جهت حاکم بندرلنگه [illegible] در آنجا بیرق
کرده است رد و ابطال نموده است که جواسم لنگه از جواسم عمانی مجزی بوده و هستند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است و دلایل تکرار از این نیز
در روی نقشه انگلیس استدلال کرده است که این دو جزیره به سواحل ایران نزدیک و از متعلقات [illegible] و از توابع بندرلنگه هستند و دخالت شیخ
[illegible] برخلاف حق است ولی سفارت موکول به جواب [illegible] نموده و تا حال درباره [illegible] اداره نشده است.

در ششم [illegible] مقرر گردیده که مراسله اعتراضیه به سفارت نوشته شود.

در تاریخ [illegible] جوزای ۱۳۰۲ به سفارت انگلیس نوشته شد که به نظر [illegible] دولت ایران در دو جزیره [illegible] عدم [illegible] اعتراض نمود
انگلیس [illegible] باعث تأثیر [illegible] اعتراض نماید.

معلوم شد قبل از اینکه مراسله به سفارت نوشته شود سفارت از خارج مستحضر گردیده و به [illegible] حضوری به حضرت اشرف آقای مشیرالملک
رئیس الوزراء [illegible] داده و [illegible] وزیر امور خارجه وقت مسبوق نموده‌اند.

پس از اینکه مراسله به سفارت نوشته شد وزیر مختار انگلیس آن مراسله را با مکتوب دیگری به عنوان حضرت اشرف آقای مشیرالدوله [illegible] مسترد داشت
می‌نویسد [illegible] توسط نایب سفارت حضور حضرت [illegible] شده و وزیر مختار در [illegible] مکتوب خود [illegible] رئیس الوزراء
[illegible] می‌کند که اگر دولت ایران [illegible] نسبت به تنب و ابوموسی [illegible] دولت انگلیس اقدامات [illegible] برای حفظ
حقوق شیخ شارجه نسبت به [illegible] خواهد کرد.

دلایل [illegible] دولت علیه در جزیره تنب و ابوموسی [illegible] در وزارت خارجه است از این قرار است:

اولاً — جزیره تنب و ابوموسی سابقاً ضمیمه حکومت بندرلنگه بوده است.

ثانیاً — نقشه‌ای را که وزارت جنگ انگلیس کشیده و وزارت خارجه انگلیس در ضمن مراسله مورخه ۱۲ جمادی ۱۳۰۵ / ۲۷ ژانویه ۱۸۸۸ به دولت علیه ایران ارسال داشته است در آن نقشه جزیره تنب و ابوموسی و سیری را جزو خاک ایران تعیین و به رنگ خاک داخله ایران رسم نموده‌اند و بحرین به رنگ متملکات خارجی رسم شده است.

ثالثاً — حوالی دو طایفه‌اند طایفه عرب و عجم. طایفه عجم در بندر لنگه و در جزیره تنب و ابوموسی سکنی نموده‌اند و تبعیت آنها به دولت علیه مسلم است. فقط شیخ شارجه که از حوالی عرب است به عنوان اینکه سکنه تنب و ابوموسی نیز حوالی هستند آنها را جزء حکومت خود میدانند و اگر حقوق دولت ایران در تنب و ابوموسی تعقیب نشود حقانیت دولت را در جزیره بحرین که دورتر از سواحل ایران است متزلزل خواهد نمود.

بنده آقای مصدق‌السلطنه وزیر امور خارجه وقت با وزیر مختار انگلیس شفاهاً وارد مذاکره شدند. وزیر مختار گفته بود هرگاه دولت ایران بخواهد دعاوی خود را در خصوص جزیره تنب و ابوموسی تجدید نماید دولت انگلیس هم در خصوص جزیره سیری دعوای خود را که مسکوت عنه گذارده است تجدید خواهد کرد زیرا تصرفات دولت ایران در سیری از سپتامبر ۱۸۸۷ میلادی است که از آنجا قشون فرستاده و دولت انگلیس این تصرف را تصدیق نکرده و مطلب را مسکوت عنه گذارده است. حال هرگاه دولت ایران در باب جزیره مزبوره دعاوی خود را تکرار کند دولت انگلیس هم ناگزیر است ادعای خود را در جزیره سیری اقامه کند.

وزیر مختار اظهار داشته است که در سنه ۱۹۰۴ این عمل خاتمه یافته و دولت ایران فقط وقتی میتواند تقاضای دیگر در این باب بنماید و دعوی دیگری غیر از دعاوی ۱۹۰۴ اقامه کند.

وزیر مختار گفته بود که نقشه و کاغذ (لرد سالیسبوری) یک دلیل جدیدی است و در ۱۹۰۴ اقامه نشده و نمیتواند مدرک ادعای دولت ایران واقع شود.

۲

آقای مصدق السلطنه پیشنهادی برای ضبط در دوسیه مرقوم داشته‌اند مشعر بر اینکه در جلسه ۱۹ برج [illegible] ۱۳۰۲ موضوع حوزه نفت و [illegible]

برای اینکه اقدام در هیئت وزراء عظام تعقیب شد ولی نظر به اینکه در صورت جلسه مزبوره درج گردیده قرار شد چندی تأمل شود تا مقصودی

که دولت در نظر دارد انجام یابد و بعد از مراجعت وزیر مختار انگلیس از مرخصی در این باب اقدام شود مقصود راجع به [illegible] خزعل

و تشویق کردن دولت [illegible] بوده است.

اخیراً هم گویا از طرف اداره گمرک یک کشتی برای تفتیش به جزیره ابوموسی رفته بوده است و سفارت انگلیس [illegible] مخصوصاً بارها [illegible]

اعتراضاتی نموده است در کابینه ریاست وزراء ضبط است و وزیر مختار شفاهاً با آقای داود خان مفتاح کفیل وزارت خارجه هم مذاکره

کرده بوده است [illegible] منظور دولت است.

[illegible]

ریاست وزراء اداره [illegible]

نظر به اینکه دولت باید [illegible] به ایران [illegible] [illegible]

[illegible] از جزایر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از جزایر مزبوره [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۹۷
فرستنده: (قونسولگری ایران در بروکسل)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳۰ دی ۱۳۰۵
متن سند:

خلیج فارس

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

به طوری که خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله مستحضراست، مطالعات و عقیدهٔ خود را راجع به خط سرحدی شط العرب در ضمن راپرت مورخهٔ ۳۰ شهریور ۱۳۰۴ به عرض رساند. اینک به اجازهٔ آن وزارت جلیله، نتیجهٔ مطالعات خود را در اطراف خلیج و جزایر آن تقدیم می‌دارد:

متأسفانه باید اظهار کرد که نظر به عدم علاقهٔ ایرانیان به دریانوردی خلیج فارس (یگانه راه آزاد رابط ایران با دنیا) هیچ‌وقت مانعی برای اجرای سیاست خارجیان در آن نبوده و این عدم علاقه باعث شد که ملل بیگانه آن را تحت سیادت خود قرار داده و کلیهٔ منافع مالی و سیاسی را منحصر به خود کنند. فدوی برای تحصیل دلیل این بی‌میلی و بی‌اعتنایی ملت ایران به این نقطهٔ مهم در این مدت چهارسال‌ونیم اقامت خود در اروپا، عمیقاً در این مسئله داخلی نه فقط به مطالعهٔ کتب بلکه با مذاکره با ایرانیانی که خود را از رجال سیاسی مملکت دانسته و بعضی از آقایان صاحب‌منصبان آن وزارت جلیله این‌طور نتیجه حاصل نموده که نه فقط به واسطهٔ عدم اطلاع اولیای امور و اعضای آن وزارت جلیله، بخصوص به تاریخ و موقعیت سیاسی مملکت است، بلکه بیشتر به واسطهٔ عدم میل و علاقه اعضای آن وزارتخانه به رشته که در آن خدمت می‌کنند است؛ چه به عقیدهٔ فدوی عضو وزارت خارجهٔ مملکتی که آگاه به وضعیت سیاسی مملکت خود نباشد و میل و علاقه به داشتن آن نداشته باشد، موفق به اجرای خدمات مرجوعه نخواهد شد و نیز زمامداران مملکتی که آگاه و علاقمند به وضعیت سیاسی مملکت خود نبوده هیچ وقت موفق به اخذ سیاست ثابتی نخواهند گردید. پس از ذکر این مقدمه بی‌مورد نمی‌داند قبلاً به شرح وضعیت جغرافیائی خلیج مبادرت ورزد:

وضعیت جغرافیایی خلیج ــ دربارهٔ وضعیت جغرافیایی خلیج دو عقیدهٔ مختلف است. انگلیسهای متجدد، خلیج فارس را از تنگهٔ هرمز الی مجمره و بصره تفسیر می‌کنند. در

صورتی که ایرانی‌ها خلیج را از تنگهٔ هرمز الی فاو (دهنهٔ شط‌العرب) می‌دانند. البته آنها از این تفسیر مقصودی دارند که شاید صرفهٔ ما در تعقیب این عقیده نباشد و نیز شاید بهتر باشد همیشه عقیدهٔ خود را تعقیب و خلیج‌فارس را از فو [فاو] بالاتر ندانیم.

این خلیج دارای جزایر زیادی است که متأسفانه به واسطهٔ قرارداد سرحدی ایران و عثمانی ادعای دولت ایران از قسمت عمدهٔ آنها سلب گردیده زیرا در قرارداد مزبور می‌گویند (جزایر نزدیک به خاک ایران متعلق به ایران است) و از این جمله هم توانسته‌اند سوءاستفاده کنند. و به عقیدهٔ فدوی در صورتی که بزودی چاره برای آن نجوید، در آتیه دچار مشکلات زیادتری خواهیم شد زیرا به‌طوری که در نظر دارد، روزی در لندن با شخصی انگلیسی که به خیال تحصیل امتیاز گِل‌سرخ در جزیرهٔ هرمز بود، راجع به جزایر دیگر که دارای گل‌سرخ‌اند مذاکره می‌کرد. بنده اتفاقاً از جزیرهٔ ابوموسی صحبت نموده، شخص مذکور با توسل به فصل راجع به جزایر در خلیج در قرارداد سرحدی ایران و عثمانی اظهار نمود که جزیرهٔ مزبور متعلق به ایران نیست* و دلیل دیگری که اظهار می‌نمود این بود که آلمانها قبل از جنگ در جزیرهٔ مزبور بدون اجازهٔ هیچ دولتی شروع به استخراج گل‌سرخ نمودند. بنده اظهار کردم که بهترین دلیل براینکه این جزیره تعلق به ایران دارد این است که حاجی معین بوشهری در جزیرهٔ مزبور مشغول استخراج گل‌سرخ و این اجازه هم از طرف دولت ایران به او داده شده و هیچ سابقه هم ندارد که این جزیره به غیر دولت ایران تعلق داشته. باری از این قبیل ادعاها تدریجاً شده و می‌شود.

خلاصه جزایر در خلیج غالباً دو جنبه دارند، جنبهٔ اقتصادی و جنبهٔ استراتژی. فقط جزیره‌ای که امروزه از نقطه‌نظر اقتصادی بیشتر از سایرین طرف اهمیت است، بحرین است. و جزایری که از نقطه‌نظر استراتژی فوق‌العاده اهمیت دارند، جزایر ذیل‌اند:

هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب، ابوموسی، خارک و عبادان* که اهمیت آنها در قسمت تاریخی و استراتژی این راپورت به عرض می‌رسد. وضعیت تاریخی و استراتژی خلیج‌فارس: خلیج‌فارس از ازمنهٔ قدیم به واسطهٔ موقعیت محلی طرف توجه و استفادهٔ ملل مختلفهٔ غیر از ایران بوده است.

* [در پی نوشت:] این موضوع اشتباه شده است. قرارداد سرحدی راجع به شط‌العرب صحبت می‌کند نه راجع به خلیج‌فارس. ۱۲/۹/۲۱

*[در پی نوشت:] آبادان به خلیج ارتباطی ندارد.

مثلاً به طوری که از نوشتجات کس مُس Cosmos ها که در حوالی ۵۵۰ـ۵۳۰ میلادی نوشته، استفاده می‌شود، کشتی‌های چینی در این آب از دیر زمانی مشغول آمدوشد بودند و به طوری که کلنل یول Yule می‌نویسد این آمدوشد تا سنهٔ ۸۷۸ میلادی دوام داشته و در آن موقع به واسطهٔ جنگهای داخلی چین متروک گردید و غیر از این از هزاران سال قبل از مسیح، تجار بحرینی از راه دریا با مصری‌ها طرف معامله بوده و مروارید بحرینی در بازار مصر رواج کامل داشته امروزه هم به طوری که سرارنلدویلسن Sir Arnold Wilson (حاکم سیاسی بین‌النهرین در موقع جنگ و عضو کمپانی نفت جنوب امروزه که می‌نویسد ۸۰٪ مروارید دنیا را بحرین می‌دهد) خلاصه اینکه این قسمت آب همیشه یا تحت استفادهٔ فنقیه‌ها و یا چینی‌ها و یا بابلی‌ها و یا عربها و بالأخره پرتقالی‌ها و هلندی‌ها بوده و ملت ایران هیچ‌گاه خود را یک ملت دریانوردی نشان ندادند و به این واسطه این قسمت آب بدون مانعی برای استفـاده سایرین آزاد بوده و هست. سنهٔ ۱۶۲۲ میلادی در حالی که حامل یک مشتری جدیدی برای خلیج بوده شروع و دولت انگلیس به اسم مساعدت با ایران در تصرف جزیرهٔ هرمز اولین دخالت خود را در خلیج مرعی ساخت از آن موقع روزبه‌روز اهمیت خلیج توجه انگلیسها را جلب نموده. فقط موقعی که ایرانی به خیال تشکیل قوای بحری افتاد و می‌رفت به اهمیت سواحل خود برخورد، عهد نادرشاه بوده. این پادشاه پس از مشکلاتی که در تشکیل قوای بحری در بحر خزر تحمل نمود (که شرح آن فعلاً از موضوع ما خارج است)، به تشکیل قوای بحری در خلیج شروع و کشتی‌های اولیه که از اروپا و ممالک دیگر خریداری نموده بالغ بر ۲۰ فروند بودند و فقط به این اکتفا نکرده، در بوشهر کارخانهٔ کشتی‌سازی دایر نموده و به طوری که لرد کرزن متوفی می‌نویسد یکی از کشتی‌های نیمه تمام که در اوایل قرن فعلی روی ماسه‌های بوشهر دیده می‌شدند. ولی متأسفانه باز به واسطهٔ جُبن ایرانیان از دریا، شاهنشاه مزبور مجبور شد ملاحان این کشتی‌ها را از هندوستان استخدام نماید و باز به طوری که کرزن می‌نویسد نظر به اینکه ملاحان مسلمان و مسلمانان هندوستان عموماً سنی مذهب هستند، لهذا در موقع جنگ برضد اعراب حاضر به جنگیدن با آنها که نیز سنی هستند نشده و پس از مقتول کردن صاحب‌منصبان ایرانی خود کشتی‌ها را برداشته از آبهای ایران خارج شدند!!!؟ تأسف‌آورتر اینکه پس از این قضیه، قتل نادرشاه صورت گرفت و به آن پادشاه با عزم فرصت تجدید این خیل داده نشد و این مسئـله به ما تعلیـم داد که اگر در آتیـه تصمیـمی در تشکیـل قوای بحـری بگیـریم، به هر قسـم هست باید ایرانی‌ها را برای این کار تربیـت کنیم.

دیگر این مسئله یعنی تشکیل قوای بحری در خلیج تکرار نگردید تا بعد از جنگ با افغان. این جنگ از طرفی خوشبختانه مضار نداشتن قوای بحری را به ایرانیان آموخت و باز برای دفعهٔ دیگر آنها را به تشکیل قوایی تشویق نمود. لهذا در سنهٔ ۱۸۶۵ میلادی دوسه کشتی که باز با ملاحان هندی و صاحب منصبان انگلیسی اداره می‌شد، تهیه گردید. ولی از طرف دیگر بدبختانه به انگلیسها آموخت که برای جلوگیری از هر اقدامی از طرف ایرانیان بر ضد منافع انگلیس، لازم است سیادت خود را در خلیج تحکیم نمایند و نیز استخدام صاحب منصبان انگلیسی برای کشتی‌های فوق‌الذکر خود یک موفقیت و فرصتی بود که بتوانند سواحل خلیج را بخوبی دقت نمایند. نقاطی که توجه انگلیسها را در خلیج جلب نمود جزیرهٔ هرمز و دیگری و بخصوص جزیرهٔ کوچک خارک در جلوی بوشهر است. کاپتن هانت **Hant** که در جنگ ایران و انگلیس بوده و شرح جنگ را می‌نویسد، از قول کلنل شیل **Sheil** (وزیرمختار وقت انگلیس در ایران ۱۸۵۳) این طور می‌نویسد: «این جزیرهٔ کوچک در سی میلی بوشهر واقع ودر هوای بدو ناسالم خلیج بهترین و سالمترین نقطه است. دارای ساحل خوب و آب بسیار گوارایی است که بوشهر را نیز مشروب می‌کند و از نقطه‌نظر استراتژی محافظ دهنهٔ شط‌العرب و دست انگلیس را قادر می‌کند که کنترل کامل به دو طرف خلیج داشته باشد و فعلاً صحبتی از اینکه در آتیه تجارت در این نقطه موفقیتی خواهد داشت، نخواهم کرد و مقصودم این نیست که این جزیره را با هرات معاوضه کنیم ولی در هر صورت این جزیره نقطهٔ بی‌قیمتی نیست»

این جزیره برطبق قرارداد سرحدی اخیر ایران و عثمانی متعلق به ایران* ونیز در نقشه‌هایی که اخیراً در سنهٔ ۱۹۱۸ توسط ادارهٔ ارکان حرب انگلیس منتشر گردیده، ذکری از اینکه این جزیره به غیر دولت ایران تعلق دارد، نمی‌کند ولی سرآرنلدویلسن سابق‌الذکر این طور می‌نویسد که: «انگلیس غیر از جزیرهٔ خارک و چند میل مربع در جنوب غربی جزیره قشم متصرفه دیگری در خلیج ندارد»

هیچ معلوم نیست که از روی چه مدرک و سندی این اظهار را می‌کند و این دو قسمت به چه شکل و در چه تاریخ جزو مستملکهٔ انگلیس شده است. غیر از محاسنی که دربارهٔ این جزیره کوچک معروض افتاد در اطراف آن نیز غوص مروارید هم می‌شود.

متأسفانه قرارداد سرحدی اخیر سندی است براینکه انسان بتواند راجع به سواحل عربستان خلیج صحبتی کند والا چند کلمه از منافعی که در آن طرف خلیج دارا

* [در پیوست:] کاملاً اشتباه است.

بوده و از دست داده‌ایم به عرض می‌رساند، فعلاً در اطراف آنچه که در دست ماست صحبت می‌کند. بنادر و جزایر دیگری که از نقطه‌نظر استراتژی اهمیت دارد، هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب و ابوموسی است. این شش جزیره حکم قراولان تنگه، و بنادر جاسک و چاه‌بهار و راشین کوه و میدانی در خلیج عمان حکم پیش‌قراولان تنگه را دارند. در بعضی از این جزایر سابقاً استحکاماتی در ایام پرتقالی‌ها بنا شده بود که هنوز خرابهٔ آنها دیده می‌شود. کلیهٔ این جزایر خارج از نقطه‌نظر استراتژی دارای اهمیت مالی هم هستند، زیرا اغلب آنها دارای معادن گل‌سرخ یا نمک می‌باشند و متأسفانه دولت فقط استفادهٔ خیلی قلیل از گل‌سرخ می‌نمایند در صورتی که اگر کارخانهٔ آهن آب‌کنی در هرمز دایر و آهن گل‌سرخ را استخراج کنند شاید منافع آن در سال بعد بیش از پنج مقابل آنچه که امروزه است بشود و از قرار معلوم در سنوات قبل از جنگ، از طرف بعضی از کمپانی‌های اروپایی پیشنهادی در این خصوص به دولت شد ولی متأسفانه چون در ایران منافع شخصی همیشه بر منافع ملی برتری داشته این امر معوق ماند.

خلاصه تغییراتی که در اثر جنگ ایران و افغانستان در سیاست ایران پیدا شد، دولت انگلیس را مجبور نمود که بیشتر از بیشتر نظر خود را متوجه ایران نماید. از نقطه‌نظر مصالح مملکتی باید اظهار کرد که متأسفانه دولت ایران قبل از اینکه فکری برای خلیج نماید، شروع به اقداماتی نمود که خود موجب تحکیم سیادت انگلیس در خلیج گردید. یکی از آنها عقد قرارداد تجارتی ایران و روس ۱۹۰۲ بود که باعث ازدیاد نفوذ روس در ایران و شکست فاحش تجارت چای هندوستان شد. این قرارداد را دولت انگلیس یک شکستِ سیاسی بر خود فرض و لردلنزدون **Lansdone** وزیر خارجهٔ وقت انگلیس را مجبور نمود که سیاست خود را نسبت به ایران در مجلس لردها این قسم اظهار نماید، «بریتانیای کبیر با تمام قوا استقامت خود را در مقابل تصمیم هر ملتی در تأسیس قوایی در سواحل خلیج محفوظ خواهد داشت.» و در موقع دیگر نیز اظهار نمود که «ما تأسیس یک قوای بحری و یا استحکاماتی را در بنادر خلیج توسط ملت دیگری تهدید به منافع انگلیس فرض کرده و البته با تمام قوا در مقابل آن استقامت خواهیم کرد»

و در تعقیب این اظهارات در نوامبر ۱۹۰۳ لُرد کرزن (نایب‌السلطنهٔ وقت هندوستان) با چهار کشتی جنگی مأمور بازدید سواحل خلیج گردید که خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله از تفضیل آن بخوبی مستحضر است و بالأخره نظر به اختلافاتی که بین دولتین انگلیس و روس و در تعقیب جنگ روس و ژاپن حاصل شده بود، به واسطهٔ عقد عهدنامهٔ ۱۹۰۷ مرتفع گردید و منافع انگلیس در خلیج توسط روسها رسماً شناخته

شد. (به قسمت دوم مراسلهٔ وزیر خارجه انگلیس سرادواردگری منضم به عهدنامه ۱۹۰۷ رجوع شود.) (فدوی نیز از آن می‌ترسد که این عهدنامه یا شبیه آن در نتیجهٔ انقلابات چین تجدید شود.) آنچه تا اینجا به عرض رسید، سیاستی بود که دولت انگلیس تا قبل از جنگ بین‌الملل راجع به خلیج داشت حال باید دید بعد از جنگ چه تغییری در سیاست انگلیس حاصل گردید آیا این سیاست بر شدت خود افزود یا نه؟ متأسفانه باید اظهار نمود که نتیجهٔ جنگ طوری بوده که این سیاست چندین درجه بر شدت خود افزوده و برای اثبات این عقیده، توجه اولیای آن وزارت جلیله را به فصل راجع به استحکامات سرحدی در کتابی که کمیسیون مختلط نظامی ایران و انگلیس در تعقیب عهدنامهٔ ۱۹۱۹ منتشر گردید، جلب می‌نماید. غیر از این نفت ایران که ناجی بحریهٔ انگلیس در موقع جنگ واقع شد (به جلد اول کتاب بحران دنیا، تألیف مستر چرچیل وزیر بحریهٔ انگلیس در موقع جنگ مراجعه شود) دولت انگلیس را به تحکیم سیادت خود در خلیج مجبور نمود و امروز به واسطهٔ تأسیس راه هوایی امپراطوری (از لندن به کراچی) که از خلیج عبور می‌کند به موقعیت خلیج اهمیت فوق‌العاده خواهد داد. در مقابل تمام این اقدامات ما چه می‌کنیم و در چه فکریم!!!!!؟

آیا منافع ایران در خلیج به اندازهٔ یک‌صدم منافع دولت انگلیس که هزاران فرسنگ دور از ایران واقع شده نیست؟ صحیح است که در مقابل این مملکت کوچک ضعیف و حمله نمی‌توانیم کنیم ولی آیا از حق خود هم دفاع نمی‌توانیم کنیم؟ هر کس به این آب اظهار علاقه می‌کند ولی ما لب آن نشسته و حق دست زدن به آن نداریم!!!! امروز انگلیسها فردا ژاپونی‌ها یا دیگران اظهار علاقه به این آب خواهند کرد و ما باز تماشا خواهیم کرد.

گمان می‌کند زیاد از حد باعث تصدیع خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله شده، لهذا عقیدهٔ خود را در چند کلمه عرض و به راپورت خود خاتمه می‌دهد:

به طوری که خاطر اولیای محترم آن وزارت جلیله مستحضر است، به واسطهٔ سواحل طویل جنوب و عدم وجود پلیس بحری برای حفاظت آن، اقسام مال‌التجاره‌های مشروع و یا غیرمشروع به طور قاچاق وارد خاک ایران می‌شود و از این راه نه فقط شکست فاحش به عایدات مملکت وارد می‌آید بلکه اغلب امنیت مملکت هم تهدید شده است در صورتی که اگر یک قوای مختصری به اسم پلس بنادر یا پلیس خلیج (اسم آن را هم در ابتدا قوای بحری نمی‌گذاریم که باعث سوءظن بعضی‌ها شود) تأسیس و در کلیهٔ بنادر و جزایر پست‌هایی تشکیل و هم شکی نخواهد بود که عواید گمرکی جنوب در

سال بعد بیشتر از ۵۰٪ اضافه خواهد شد و مهمتر از همه نفوذ دولت جای‌گیر نفوذ دیگران خواهد گردید. این را هم لازم است به عرض رساند که برای اجرای این مقصود به طوری که در تمام ممالک متمدنه معمول است، برای هر بندر و جزیره یک قایق مسلح لازم است (قایق مسلح در اروپا به کشتی‌های کوچک زغالی یا نفتی می‌گویند که دارای دو تا چهار توپ سبک است و نیز برای اطلاع عرض می‌کند که به طوری که در موقع جنگ به تجربه رسیده کشتی‌های نفتی سرعت سیرشان نسبت به کشتی‌های زغالی بیشتر است) که پلیسهای هر پست بتوانند بخوبی وظایف خود را انجام دهند.

این یک اقدام اولیه خواهد بود که دولت برای حفظ منافع خود در خلیج خواهد نمود و این سیاست باید متدرجاً تعقیب و در مدتی که بیش از بیست‌وپنج سال نباشد دولت باید منافع مالی و استراتژی خود را به واسطهٔ تشکیل یک قوای بحری ثابتی بخوبی حفظ و مخصوصاً برای حفظ اراضی نفت‌خیز مجبور به استحکام سواحل و جزایر خلیج خواهیم شد لهذا محلهایی‌که از نقطه‌نظر استراتژی دارای اهمیت‌اند در نقشه مَلْفوفْ با رنگ قرمز رنگ نمود. مخصوصاً توجه اولیای محترم را به قسمت دماغه عمان جلب می‌نماید بیش از این تصدیع نداده عریضهٔ خود را به دوام استقلال میهن باستانی خود ختم می‌نماید.

فدوی عبدالله مطیع

[پی نوشت:] ادارهٔ محترم جامعهٔ ملل ملاحظه نمایند.

به عرض رسید که این راپورت شایان‌توجه و اقدام است.

برکلی ۳۰ دی ۱۳۰۵

خلیج فارس

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

نظر بر اینکه خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله مستحضر است مطالعات و عقیده خود را راجع به خط سرحدی شط العرب در ضمن راپرت مورخه ۳۰ شهریور ۱۳۰۴ معروض داشته اینک با اجازه آن وزارت جلیله قسمت مطالعات خود را در اطراف خلیج و جزایر آن تقدیم میدارد :-

متأسفانه باید اظهار کرد که در نظر بعدم علاقه ایرانیان در برابر وقوعی خلیج فارس (یگانه راه آزاد رابطه ایران با دنیا) هیچ وقت مانعی برای اجرای سیاست خارجیان در آن نبوده و این عدم علاقه باعث شده که همیشه آزادانه سیاست خود قرار داده و کلیه منافع پولی و سیاسی را منحصر بخود کنند فقط برای تکمیل دلایل این مدعی و به اعتنائی ملت ایران را به این نقطه مهم در این مدت چهار سال اقامت خود در اداره با حقیقت در این مسئله دخیل بوده نقطه مطالعه گرفت که بذاکره با ایرانیان تمام خود را از رجال سیاسی مملکت دانسته و بعضی از آقایان صاحب منصبان آن وزارت جلیله این طور نتیجه حاصل نمود که نقطه به واسطه عدم اطلاع اولیای امور و ضعف آن وزارت جلیله کمتر کسی تا این درجه به موقعیت سیاسی مملکت است بلکه بیشتر به واسطه عدم میل و علاقه اعضاء آن وزارت خانه بوده که در آن خدمت [illegible] هر به عقیده فدوی عضو وزارت خارجه مملکتی که آگاه به وضعیت سیاسی مملکت خود نباشد و میل و علاقه به دانستن آن نداشته باشد برای ترقی به اجرای خدمات مرجوعه کوتاهی نموده و نیز زمامداران مملکتی که آگاه و علاقمند به وضعیت سیاسی مملکت خود نبوده هیچ وقت موفق نخواهند سیاست ثابتی اتخاذ نمایند پس از ذکر این مقدمه بی مورد نمیداند فقط شرح وضعیت جغرافیائی خلیج سابق‌الذکر وارد :

وضعیت جغرافیائی خلیج — درباره وضعیت جغرافیائی خلیج هر عقیده مختلف است انگلیسی‌ها حدود خلیج فارس را از دهنه اروند الی محمره و بصره تعبیر میکنند در صورتیکه ایرانیها خلیج را از دهنه اروند الی فاو (دهنه شط العرب) میدانند البته آنهائیکه این تعبیر مقصودی دارند هرگز نمیخواهند ما در تعقیب این عقیده باشیم و نیز شاید بهتر باشد همیشه عقیده خود را تعقیب و خلیج فارس را از فاو بالاتر ندانیم .

این خلیج دارای جزایر زیادی است که متأسفانه بواسطه قرارداد سرحدی ایران و عثمانی ادعای دولت ایران از ثبت عهده آنها

[illegible] ۱۱

بعرض رسید
به اداره [illegible] رجوع
و تعقیب لازم [illegible]

۲

سلب گردیده زیرا در قرارداد لندن به دیگری (جزایر نزدیک کرانه ایرانی متعلق به ایران است) داده این جمله را توانسته‌اند منسوخ کنند و بقیه تا فعلاً در صورتیکه مربوط به جزیره برای آن بگویند در اینجا وجه مشخصات نادیده‌ای خوانده‌اند زیرا با طویله نظر دارد دوری و لبنان با بعضی انگلیسی در یک کمیسیون استانداری که گوگرد دارد در جزیره ابوموسی به راحتی با بعضی جزایر دیگر هم دارای گوگرد به فعله مانده بگیرند و اتفاقاً که از جزیره ابوموسی جهت نمونه شکلی ذکر کرده‌اند سایر بعضی راجع به جزایر در خلیج در قرارداد و سرحدی ایران و عثمانی نمونه هم جزیره نزدیک متعلق به ایران است و دلیل دیگر هم اطلاع دارم اینست که آنها قبل از جنگ در جزیره نزدیک بدون اجازه هیچ کس شروع به استخراج گوگرد نمودند. اطلاع کردم هم بهترین دلیل بر اینکه این جزیره متعلق به ایران دارد این است هم حالیکه متوجه در جزیره نزدیک مشغول استخراج گوگرد و داشتن اجازه هم از طرف دولت ایران باید داده شده و چون سابقه هم ندارد هم این جزیره هیچ نیز دولت ایران تعلق داشته بنا بر این قبلی ادعا تذکر داده شده.

خلاصه جزایر در خلیج فارس هم جنبه دارند جنبه اقتصادی و جنبه استراتژی فقط جزیره هرمز و از نقطه نظر اقتصادی بیشتر از سایرین طرف اهمیت است. بکرات است و جزایری هم از نقطه نظر استراتژی فوق‌العاده اهمیت دارند جزایر ذیل اند:

هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب، ابوموسی، خارک و عبادان

هم اهمیت آنها در قسمت تاریخی و استراتژی این راپورت بعرض می‌رسد.

وضعیت تاریخی و استراتژی خلیج فارس: ـــــ خلیج فارس از قدیم‌ترین به واسطه موقعیت خود طرف توجه دانشمندان مشغول بوده ایرانیها بوده است. بطوریکه از نوشته‌جات کنت Cosmos هم در حوالی ۵۵۰–۵۲۰ میلادی نوشته مشغول بوده کشتیهای چینی در این آب از دیر زمانی مشغول آمد و رفت بوده و بطوریکه کلنل یول Yule محقق این آمد و رفت تا سنه ۸۷۸ میلادی دوام داشته و در آن موقع به واسطه جنگهای داخلی چین متروک گردیده و غیر از این از هزاران سال قبل از مسیح تجارت بحری از راه دریا با مصر به طرف معامله بوده و مروارید بحرین در بازار مصر رواج کلی داشته (ارنولد ویلسن بطوریکه شرح داده و میگوید Sir Arnold Wilson (که رئیس بین‌النهرین در موقع جنگ و عضو کمپانی نفت جنوب امروزه) می‌نویسد ۸۰٪ هشتاد درصد مروارید دنیا را بحرین می‌دهد) خلاصه اینکه این قسمت آب همیشه یک مشغله نقشه‌ها و دنیا چیزها دیده [illegible] و بالاخره بر [illegible] به وضعیت ایرانی هیچگاه خود را کمتر در دریا نشان نداده

در این موضوع نیز نوشته شده که قطعنامه مربوط به ... محترمانه به ... ۱۲/۲/۲۱

آنان ... ارسال داده

?

۳

و بعین واسطه این قبیل آب بدون عمق برای استفاده ساربین آزاد بوده است سنه ۱۶۲۲ میلادی در هنگامی که کشتی جنگی
برای خلیج نبوده شد دولت انگلیس پس مساعدت با ایران در تصرف جزیره هرمز اولین دخالت خود را در خلیج شروع ساخت
از آنموقع روز بروز اهمیت خلیج توجه انگلیسها را جلب نمود . فقط موقعیکه ایران یک تشکیلات قوای بحری ایجاد
و برقرار به امنیت سواحل خود برخورد عهد نادرشاه بود این پادشاه پس از [illegible] تشکیلات قوای بحری در [illegible] نمود
(م شرح آن منظور از موضوع ما خارج است) این تشکیلات قوای بحری در خلیج شامل کشتیهای اولیه هم از اروپا و ممالک دیگر خریداری نمود
بالغ بر ۲۰ فروند بوده و نقطه این ایالات [illegible] بوشهر کارخانه کشتی سازی دایر نمود و علاوه لرد کرزن متوفی
مینویسد یکی از کشتیهای [illegible] تمام آن در اوایل قرن [illegible] روی ماسه های بوشهر دیده میشد ولی [illegible] بواسطه جنگ ایرانیان
لذا دریاسالار [illegible] مجبور [illegible] ملاحان این کشتیها را از هندوستان استخدام نماید و باز علاوه لرد کرزن می نویسد : "نظر باینکه
ملاحان مسلمان هندوستان عموماً شیعه مذهب نبوده لهذا در موقع جنگ بر ضد اعراب حاضر بجنگیدن با آنها هم مذهب
سنی خود نشده . و پس از تحقیق که صاحب منصبان ایرانی خود کشتیها را [illegible] از آبهای ایران خارج شده"!!!؟
بطور کلی [illegible] این قضیه قتل نادرشاه صورت گرفت و آن پادشاه با عزم درست که در این خیال داشت
در این مسئله ما تعلیم داد که اگر دولت ایران تصمیم بر تشکیل قوای بحری بگیرد بهترین است به ایرانیها را برای اینکار تربیت کنند
دیگر این مسئله یعنی تشکیل قوای بحری در خلیج [illegible] تا بعد از جنگ با افغان این جنگ از طرف خود [illegible]
قوای بحری را به ایرانیان آموخت [illegible] برای دفعه دیگر [illegible] تشکیل قوای [illegible] نمود لهذا در سنه ۱۸۶۵ میلادی [illegible]
هم باز با ملاحان هندی و صاحب منصبان انگلیسی اداره کشتی [illegible] ولی از طرف دیگر [illegible] انگلیسها آموخت که برای
جلوگیری از هر اقدامی از طرف ایرانیان بر ضد منافع انگلیس لازم است سیاست خود را در خلیج محکم نمایند و نیز استخدام صاحب منصبان
انگلیسی برای کشتیهای [illegible] خود که [illegible] موفقیت [illegible] میتوانند سواحل خلیج را که بدقت نمایند [illegible]
٭ انگلیسها را در خلیج جزیره هرمز و [illegible] بخصوص جزیره کوچک خارک در جلوی بوشهر است . کاپیتن Hunt
هم در جنگ ایران و انگلیس [illegible] جنگ را [illegible] از قول کلنل شیل Sheil (وزیر مختار وقت انگلیس
در ایران ۱۸۵۲) نقل مینویسد " این جزیره کوچک در سی میل به بوشهر واقع [illegible] خلیج

۴

بهترین و سالم‌ترین نقطه است دارای هوای خوب و آب بسیار گوارائی است هم به شهرهای شهر و بستک نزدیک است و از نقطه نظر
ستراتژی مهم نقطه در مدخل شط العرب دولت انگلیس با قلعه کردن هم کنترل کامل به طرف خلیج داشته باشد و نقطه مهمی است که
در آتیه تجارت در این نقطه ترقی خواهد داشت کوتاه که و مقصود این نیست هم این جزیره را با بندرعباس مقایسه نمائیم
ولی در هر صورت این جزیره نقطه با قیمتی است.

این جزیره برطبق قرارداد سرحدی اخیر ایران و عثمانی متعلق به ایران است و نیز در نقشه‌ای که اخیراً در سنه ۱۹۱۸ توسط اداره اخیراً تهیه شده است.
ارکان حرب انگلیس منتشر گردیده ذکری از اینکه این جزیره جزو خاک ایران تعلق دارد نمیکند ولی سر آرنولد ویلسن
Arnold Wilson که سابق الذکر شد مینویسد: انگلیس غیر از جزیره خارک و چند بندر
در جنوب غربی جزیره قشم متصرفه دیگری در خلیج ندارد.
پس معلوم نیست چرا از روی چه مدرک و سندی این اظهار را میکند و این هم قسمتی که تا کنون دوره تاریخ جزو متصرفه انگلیس شده است
غیر از جاهائی هم درباره این جزیره کوچک به وضعی اتفاق در اطراف آن نیز غواصی مروارید میشود.
۶ متاسفانه قرارداد سرحدی اخیر سندی است برای اینکه ایران نتواند راجع به سواحل عربستان خلیج حقی که در آنجا داشته از مناطق
در آن طرف خلیج دارا بوده واز دست داده یا مدعی بشود نفعی در اطراف آنکه هم از دست داده است صحبت بکنند.
بنابراین جزایر دیگری هم که از نقطه نظر ستراتژی اهمیت دارند عبارتند از: قشم، لارک، هنگام، تنب و ابوموسی است این شش جزیره
حکم قراول این تنگه و بندر عباس و چابهار و ... کوه و بنادر در خلیج عمان حکم قراول این تنگه را دارند
در بعضی از این جزایر سابق استحکاماتی در ایام پرتغالیها ساخته شده بود هم خرابه‌های آنها دیده میشود که این جزایر خارج
از نقطه نظر ستراتژی دارای اهمیت هستند زیرا اغلب آنها دارای معادن مثل سنگ نمک و آهن میباشند و متاسفانه
دولت ایران تا کنون از آن معادن بهره‌ای نبرده در صورتیکه در کارخانه آهن آب کردن در بر دارند و آهن مثل سنگ را
استخراج کنند ... آن در سالهای بیشتر از این تقریباً که هم امروز است سعی و در قرار معلوم در سنوات قبل از جنگ
از طرف بعضی از کمپانیهای اروپائی پیشنهادهائی در این خصوص به دولت شد ولی متاسفانه چون در ایران ... شخص ...
رسیدن تا بر تری داشته این امر معوق ماند.

۵

خلاصه تغییراتی که در اثر جنگ ایران و افغان در سیاست ایران به دولت انگلیس را مجبور نمود که بیشتر از پیش نظر خود را
متوجه ایران نماید. از نقطه نظر مصالح مملکتی باید اظهار کرد که متأسفانه دولت ایران قبل از اینکه فکری برای خلیج نماید
شروع به اقدامات تازه نمود که خود موجب گردید سیاست انگلیس در خلیج تغییر گردید. یکی از آنها عقد قرارداد تجارتی ایران و روس ۱۹۰۲ بود
در بحث ازدیاد نفوذ روس در ایران و شکست فاحش تجارت چای هندوستان از این قرارداد دولت انگلیس یک شکست
سیاسی به خود فرض کرده لرد لنزدون Lansdowne وزیر خارجه وقت انگلیس را مجبور نمود که در پارلمان
بار اول در مجلس لردها این قسم اظهار نماید: "بریتانیای کبیر با تمام قوا استقلال خود را در مقابل تقسیم و مداخلات
قائم در سواحل خلیج محفوظ خواهد داشت." و در موقع دیگر نیز اظهار نموده: "با تأسیس هر قوای بحری و یا استحکامات را
در سواحل خلیج توسط دولت دیگری تهدیدی به منافع انگلیس فرض کرده و البته با تمام قوا در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد."
و در تعقیب این اظهارات در نوامبر ۱۹۰۳ لرد کرزن (نایب السلطنه وقت هندوستان) با چهار کشتی جنگی مأمور
بازدید سواحل خلیج گردید که هنگام ورود او تشریفات جلیله از تفصیل آن که خارج از موضوع است و با این حال نظر با نفوذ
بین دولتین انگلیس و روس در تعقیب جنگ روس و ژاپون حاصل شده بود و با واسطه عقد عهدنامه ۱۹۰۷ مرتفع گردید
و منافع انگلیس در خلیج توسط روسها رسماً شناخته شد (در ضمن رساله وزیر خارجه انگلیس E. Grey که بعنوان سند اداره گردید
ضمیمه به عهدنامه ۱۹۰۷ درج شده) [فقط یکی از آن تغییراتی که این عهدنامه باعث شد در آن و بعد از انعقاد آن حاصل گردید].
آنچه تا اینجا موضوع بحث ما بود سیاستی بود که دولت انگلیس تا قبل از جنگ بین‌المللی راجع به خلیج داشت. حال باید دید بعد از جنگ
چه تغییری در سیاست انگلیس حاصل گردید. آیا این سیاست بر شدت خود افزوده یا نه؟ متأسفانه باید اظهار نمود که
نتیجه جنگ طوری بوده که این سیاست خیلی بیش از پیش بر شدت خود افزوده و برای اثبات این عقیده توجه اولیای امور را
به فصل راجع به ... که در کتاب کمیسیون مختلط نظامی ایران و انگلیس در تعقیب عهدنامه ۱۹۱۹ منتشر گردید
جلب نماید. غیر از این نفت ایران که ... به انگلیس در موقع جنگ داشت (به جلد اول کتاب ... دنیا
تألیف ... وزیر بحریه انگلیس در موقع جنگ مراجعه شود) دولت انگلیس را به کمک سیاست خود در خلیج ...
دائر ... تا مسیر راه ... (از لندن به کراچی) که از خلیج عبور بکند به ... اهمیت ...

در مقابل تمام این اقدامات ما چه کرده‌ایم و در چه فکریم !!!!!!؟

آیا منافع ایران در خلیج فارس به اندازه‌ای که منافع دولت انگلیس در آن حدود است بر اثر این واقعه تهدید نشده است؟ صحیح است ما مملکت کوچک ضعیف و عقب‌مانده‌ای هستیم و کاری نمی‌توانیم بکنیم ولی آیا لااقل حق خود را در دنیا نمی‌توانیم بگوییم؟ اگر کسی در این باب از ما مطالبه‌ای بکند ما جواب آن است که ما دست زدن به آن نداریم !!!! [illegible] انگلیسی‌ها فردا [illegible] دیگران [illegible] مطالبه [illegible] این باب خواهند کرد و ما باز تماشا خواهیم کرد.

گمان نکنید [illegible] خالی [illegible] از وزارت [illegible] شده [illegible] که [illegible] بر این است [illegible] :-

[illegible] حفظ [illegible] از وزارت [illegible] به واسطه سواحل [illegible] حفاظت آن [illegible] و از راه خاک ایران [illegible] و از این راه [illegible] مملکت [illegible] که [illegible] شده است [illegible] اگر [illegible]

[illegible] ۵۰٪ [illegible]

[illegible] در تمام [illegible] است [illegible]

[illegible] ۱۰ [illegible]

و اینکه [illegible] اقدام [illegible] خواهند [illegible] منافع [illegible] خواهند [illegible]

[illegible] منافع [illegible] و [illegible]

[illegible] حفظ [illegible] برای حفظ [illegible] مجبور [illegible] سواحل [illegible] خواهند [illegible] ابدا

[illegible] از نقطه نظر [illegible] دارای [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۹۸
فرستنده: سفارت انگلستان (قلهک)
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ امرداد ۱۳۰۷ ش
متن سند:

فوری است

جناب مستطاب اجل آقای میرزا فتح‌الله‌خان پاکروان کفیل وزارت خارجه
آقای کفیل

افسوس دارم از اینکه خاطر محترم عالی را مراجعه دهم به یک حادثهٔ بسیار ناگواری که به‌واسطهٔ حرکت یک قایق موتوری گمرکی ایران در جزیرهٔ تمب واقعه در خلیج‌فارس در جنوب جزیره قشم رخ داده است

۲. ظاهراً چندی است که قایق ایران از طرف تمب در حرکت بوده و در اواخر ژوئیه یک قایق بادی متعلق به بندر دبی را گرفته و قایق مزبور را با پانزده نفر زن و بچه که در آن بوده‌اند به لنگه برده است.

۳. از قراری که به دوستدار اطلاع رسیده تمام مایملک عابرین مزبور از پول و جواهر و حتی ملبوس آنها را گرفته و آنها را با قایق در لنگه نگاهداشته‌اند قایق مزبور حامل بار نبوده است.

۴. جزیرهٔ تمب متعلق به شیخ رأس‌الخیمه که عرب است، می‌باشد و مشارالیه جزو خانوادهٔ شیخ شارجه است. گرفتن قایق بادی متعلق به یک نفر رعیت خارجه در آبهای یک نفر شیخ عرب مستقل یک رفتار فوق‌العاده سوئی از طرف مأمورین ایران می‌باشد و علاوه بر این برخلاف قانون و رسوم بین‌المللی است. نظر به عهدنامه‌های موجود فی‌مابین، این مشایخ عرب و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برحسب دستورالعمل دولت خود بایستی پروتست سختی از این رفتار جابرانه بنمایم.

۵. بنابراین محترماً از دولت علیه خواهشمندم فوراً به دایرهٔ مربوطه دستورالعمل دهند که قایق مزبور و عابرین آن را فوراً آزاد نموده و آنچه را از عابرین مزبور برده‌اند مسترد دارند. این مسئله را نیز باید اظهار دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای خود کاملاً این حق را محفوظ می‌داند که از طرف اشخاص که این رفتار نسبت به آنها شده است ادعای غرامت از دولت علیه بنماید موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نمایم.

۳۰۴
۱۳ امرداد ۱۳۰۷

British Legation,
Gulhek,
N: 204.
August 4th, 1928.

Urgent.

Monsieur le Gérant,

I regret to have to draw Your Excellency's attention to a most serious incident which has been brought about by the action of a Persian Customs motor boat at the island of Tunb situated in the Persian Gulf to the South of Kishm.

2. It appears that for some time past the Persian boat has been operating from Tunb and now at the end of July it has seized a sailing boat belonging to the port of Debai and taken the boat together with its fifteen women and children passengers to Lingah.

3. I am informed that the passengers have been deprived of all their belongings, money, jewels and even clothes and both they and the boat have been detained at Lingah. The boat carried no cargo.

4. The island of Tunb belongs to the Arab Sheikh of Ras-el-Khaimeh, who is allied to the family of the Sheikh of Shargah. In capturing a sailing boat belonging to a foreign subject within the territorial

waters

His Excellency
Mirza Fatoullah Khan Pakrevan,
Acting Minister for Foreign Affairs.

-2-

waters of an independent Arab Sheikh is an act of ultra vires on the part of the Persian authorities concerned and is, moreover, contrary to international law and usage. In view of the treaties which exist between these Arab Sheikhs and His Majesty's Government I have, on the instructions of my Government, to register a serious protest against this arbitrary act.

5. I have therefore the honour to request that the Imperial Government will at once issue instructions to the competent department to release the boat and its passengers immediately and to restore to the latter all the belongings of which they have been deprived. I am further to add that His Majesty's Government reserve to themselves full liberty to present to the Imperial Government a claim for compensation on behalf of the people who have been treated in this manner.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. C. Parr

در آبهای یک شیخ عرب مستقل یک رفتار فوق الحدود
شده از طرف مأمورین ایرانی میباشد و علاوه براین
برخلاف قانون و رسوم بین المللی است. نظر به
معاهداتی که بین این شیوخ عرب و دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان موجود است دولت متبوع
[illegible]
۵ ـ بنابراین تقاضا از دولت علیه مینماید
به اداره مربوطه دستور صادر نمایند که قایق مزبور و مسافرین
آنرا فوراً آزاد نمایند و آنچه را از عابرین
مزبور [illegible]
[illegible] که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
[illegible] این حق را محفوظ میدارند که
از طرف اشخاصی که این رفتار نسبت بآنها شده
ادعای خسارت از دولت علیه بنمایند.
[illegible]

شماره: ۹۹
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳۱ مرداد ۱۳۰۷ مطابق ۲۲ اوت ۱۹۲۸
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

دیروز تلگرافاً از تفصیل توقیف کشتی عرب در خلیج فارس سؤال نمود، اینک در تکمیل تلگراف خود به عرض می‌رساند؛ سه‌چهار روز است جراید اینجا راجع به این واقعه و اقدامات دولت انگلیس انتشاراتی می‌دهند و این مسئله از نقطه‌نظر اینکه عنقریب انعقاد جلسهٔ مجمع اتفاق ملل شروع می‌شود و لابد قضیهٔ بحرین نیز مطرح خواهد گردید، خیلی جالب توجه است و ممکن است با این شایعات مقاصد دولت علیه طور دیگری جلوه داده شود. بنده منتظر بودم که فوراً از جریان ماوقع این سفارت را مستحضر فرمایند که بتواند بدون فوت وقت انتشارات جراید را تکذیب و تصحیح نماید، متأسفانه تا امروز از آن وزارت جلیله ابداً دز این موضوع اطلاعی نرسیده.

ترجمهٔ سه فقره روزنامجات را لفاً تقدیم می‌دارد که ملاحظه فرموده و مقرر فرمایند در این قبیل مسائل که دارای اهمیت است همیشه سفارت را در موقع خود از جریان قضیه مطلع سازند.

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

مورخه ۳۱ ماه امرداد ۱۳۰۷
۲۲ « اوت ۱۹۲۸

نمره ۳۹۲/۱۳۰۷

ضمیمه سه نمره ترجمه جراید

وزارت جلیله امور خارجه

دیروز که تلگرافاً از تفصیل توقیف کشتی حربی در خلیج فارس شرح داده بود [illegible] تلگراف خود بعرض رساند

سه فقره از روزنامه‌جات جراید اینجا راجع باین واقعه و اقدامات دولت انگلیس نشر داده‌اند و این مسئله از نقطه نظر اینکه

عنقریب انعقاد جلسه مجمع اتفاق ملل شروع میشود و دولت در قضیه بحرین نیز مطلع خواهد گردید خیلی جالب توجه و ممکن است

باین شایعات مقاصد در نتیجه طور دیگر جلوه داده شود بدین ملاحظه که فوراً از جریان واقع این سفارت را

مستحضر فرمایید که بتواند بدون فوت وقت انتشارات جراید را تکذیب و تصحیح نماید متأسفانه تا بحال از

آن وزارت جلیله ابداً در این موضوع اطلاعی نرسیده

ترجمه سه فقره روزنامه‌جات را لفاً تقدیم میدارد که ملاحظه فرموده و مقرر فرمایند در این قبیل مسائل که دارای اهمیت است

همیشه سفارت را در موقع خود از جریان قضیه مطلع سازند اوامر عالی

اداره [illegible] ۸/۶/۱۳۰۷

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۰۰
فرستنده: سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۶ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در جراید فرانسهٔ **Temps** و **Matin** از قول جراید انگلیس، مخصوصاً **(Daily Telegraph)** در باب توقیف کشتی عرب از طرف مأمورین گمرکی دولت علیه و ضبط قند محمول کشتی مذکور و اغتشاش بعضی نقاط ساحل خلیج فارس، شرحی درج و مخصوصاً جریدهٔ انگلیسی مقاله‌ای از روی کمال مخالفت و غرض نوشته، ادعا کرده است که جزایر خلیج مال اعراب و از طرف مأمورین ایران نسبت به آنها تعدی می‌شود و از لحن مقاله به طور کلی استنباط می‌شود که دولت هند قصد دارد جزایر خلیج را تحت حمایت خود گیرد. از طرف سفارت مدتی قبل از وصول تلگراف نمرهٔ ۶۰۶ آن وزارت جلیله، توسط سفارت لندن قضیه تکذیب و سواد رقعه و ابلاغیه که به آژانس **hawas** و سردبیر **Temps** فرستاده شده و آنها با بعضی تغییرات و حذف پاره‌ای جملات چاپ کرده‌اند، به انضمام قطعات روزنامه‌های مذکور و مقاله روزنامهٔ **Daily Telegraph** برای استحضار خاطر اولیای آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد. ضمناً معروض می‌دارد که مدلول تلگراف نمره ۶۰۶ در تکمیل ابلاغیهٔ سفارت به روزنامه‌های مذکور برای درج فرستاده خواهد شد.

بتاریخ ۶ تیر ماه سنهٔ ۱۳۰۷
نمرهٔ ۵۶۲ ضمیمه ۸ فقره

سفارت شاهنشاهی ایران
در پاریس

وزارت جلیله امور خارجه

در جرائد فرانسه Temps و Matin از قول جرائد انگلیسی مخصوصاً (Daily Telegraph)
در باب توقیف کشتی جنگی از طرف مأمورین گمرک در بندر ... و ضبط محمولهٔ کشتی مذکور و همچنین بعضی نقاط سواحل جنوبی خلیج فارس
از حقوق و مخصوصاً جریده انگلیسی مقاله‌ای از روی کمال مخالفت و خوش نوشته اند که هرگاه از خلیج فارس و جزایر
و از طرف مأمورین ایران نسبت باینها تعدی شود و از جمله شاید با بلوکی اشتباه شود در اینصورت حکومت هند قصد دارد جزایر خلیج را
تحت حمایت خود گیرد. از طرف سفارت مدتی قبل از وصول تلگراف نمرهٔ ۹۰۶ از وزارت جلیله و توسط سفارت
لندن قضیه تکذیب و اطلاع دادند جواب غیره در به تأثیر Havas و بر رویتر Temps
فرستاده شده و آنها با بعضی تغییرات و حذف پاره جملات چاپ کرده اند با انضمام قطعات روزنامه های مذکور
و مقاله روزنامه Daily Telegraph برای استحضار خاطر اولیای امور وزارت جلیله ارسال
میگردد. تا سوقی رسیده از مدلول تلگراف نمرهٔ ۹۰۶ در تکمیل اطلاعیه سفارت بروزنامه های مذکور
برای درج فرستاده خواهد شد

[signature]

اداره ... ۲۳/۶/۳۰۷

[stamp] ... ۱۲۷۰۴

شماره: ۱۰۱
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ شهریور ۱۳۰۷
نمره: ۲۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا فتح‌الله خان پاک‌روان
آقای کفیل

مراسلهٔ نمرهٔ ۱۱۰۲۴ مورخهٔ ۳۰ امرداد (۲۱ اوت)، در خصوص توقیف قایق بادی متعلق به بندر دُبی از طرف یک قایق گمرکی ایران، واصل و ازاینکه عابرین آن آزاد و اموال آنها مسترد شده اطلاع حاصل گردید. معجلاً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر می‌سازم که قند محموله در قایق را نمی‌توان به هیچ‌وجه قاچاق تصورنمود(به کلی صرف‌نظر از مالکیت جزیرهٔ تمب که در این باب بعد مطرح خواهد شد) مسلم است قایقی که متحمل شش هفته یا بیشتر دریانوردی می‌شود بایستی به طور مناسب آذوقه همراه داشته باشد و همچنین برخلاف تمام قوانین و رسوم بین‌المللی است که یک قایق در حال مسالمت مشغول دریانوردی است و مرتکب هیچ‌گونه جنایتی نشده، جبراً توقیف شود. بنابراین بایستی مجدداً خواهش کنم که قند مزبور را رها نمایند و این حق را برای خود محفوظ می‌دارم که برای این توقیف غیرقانونی مطالبهٔ غرامت کنم

در اظهاراتی که در جملات ۳و۴ مراسلهٔ جناب مستطاب‌عالی شده است، بایستی قویترین اعتراض را بنمایم.

اولاً، جناب مستطاب عالی اشاره فرموده‌اید به جزیرهٔ ابوموسی که حتی در مراسلهٔ دوستدار هم که مراسلهٔ جنابعالی در جواب آن است، اشاره هم به آن نشده است. بنابراین از ذکر آن در این مراسله خودداری بنمایم و فقط اظهار می‌کنم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به هیچ‌وجه نمی‌توانند ادعای مالکیت دولت ایران را نسبت به آن جزیره قبول نمایند.

ثانیاً، سابقاً در ضمن مذاکره، به جناب مستطاب عالی اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرت‌پادشاه‌انگلستان از این ادعای ناگهانی دولت ایران بر جزیرهٔ تمب با تأثیر متعجب شده‌اند. یقین دارم جنابعالی احساسات مودت‌آمیز دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان را که همیشه نسبت به حقوق سلطنتی ایران مشهود داشته‌اند، قدردانی می‌فرمایند. ولیکن دولت مشارالیها نمی‌توانند ادعای دولت ایران را بر مالکیت جزیرهٔ مزبور تصدیق کنند.

ثالثاً، جناب مستطاب عالی اظهار فرموده بودید که دولت ایران نمی‌توانند شیخ‌رأس‌الخیمه را مستقل یا مالک جزیره مزبور بدانند.

به دوستدار فرض است که از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به طور قطعی به‌جنابعالی اطلاع دهم که شیخ مزبور سالهای سال است که بدون اعتراض جزیرهٔ مزبور را در تحت تصرف داشته و باستثنای اینکه تا اندازه که به موجب روابط عهدنامه با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مربوط است، مستقل می‌باشد. در جملهٔ آخری مراسلهٔ آن جناب این طور نوشته شده (بنابراین دولت متبوعهٔ دوستدار به هیچ‌وجه نمی‌توانند رویه را که دولت انگلستان به عنوان داشتن عهدنامه با مشایخ غرب مذکور اختیار کرده‌اند، تصدیق و بالنتیجه اظهار حمایتی را که نموده‌اند، قبول نماید)

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به هیچ‌وجه ملتفت این اظهار نمی‌شوند زیرا که روابط فی‌مابین دولت مشارالیها و رؤسای اعراب یک صد سال بلکه بیشتر موجود بوده و قراردادهای قطعی که آخری آنها در ماه مارس ۱۸۹۲ بوده، با مشایخ‌رأس‌الخیمه و شارجه بسته شده و مشایخ مزبور در جزو سایر مطالب قبول نموده‌اند که هیچ دولتی بغیر از دولت انگلیس داخل قرارداد و مکاتبه نشوند. برای اطلاع جناب مستطاب عالی و دولت علیه صورت قرارداد اختصاصی که در ماه مارس ۱۸۹۲ با هر یک ازمشایخ بسته شد، لفاً ارسال می‌دارم اسامی از این قرار است: شیخ ابوظبی، دبی، عجمان، شارجه، رأس‌الخیمه و ام‌القواین، بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند قبول نمایند که دولت ایران مستقیماً با مشایخ مزبور داخل مراوده شوند و نیز به اعتقاد دولت مشارالیها اگر دولت ایران بر علیه آنها داخل عملیاتی شود، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نخواهد توانست که از اقدامات مشایخ برای تلافی جلوگیری نمایند و به این طور وقایع امنیت در خلیج‌فارس دچار اشکال خواهد شد. من مجدداً خاطر جناب مستطاب عالی را متذکر می‌شوم از اطمینانی که جناب آقای تیمور تاش به سرابرت کلایو داده‌اند و اظهار عقیده نمایم که اقدام محلی نه فقط ناقض این اطمینان خواهد بود بلکه به هیچ‌وجه اسباب پیشرفتی هم برای ادعای مندرجه در مراسلهٔ جناب مستطاب عالی نخواهد بود موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

ترجمهٔ قرارداد اختصاصی رئیس ابوظبی با دولت انگلیس مورخهٔ ۶مارس ۱۸۹۲

اینجانب زائدابن خلیفه رئیس ابوظبی در حضور لیوتنان کلنل ا.سی تالبت رزیدنت مقیم خلیج فارس به موجب این نوشته متعهد می‌شوم که از طرف خود و وراث و اخلاف خودم به شروط زیر عمل نمایم:

۱. به هیچ‌وجه داخل قرارداد یا مکاتبه با هیچ‌یک از دول به غیر از دولت انگلیس نشوم.

۲. بدون رضایت دولت انگلیس رضا ندهم که وکیلی از طرف دولت دیگری در خاک من توقف نماید.

۳. به هیچ‌وجه هیچ قسمت از خاک خود را واگذار و فروش و رهن یا به طور دیگری برای تصرف واگذار ننمایم، مگر به دولت انگلیس.

ابوظبی مورخهٔ ۶مارس ۱۸۹۲ مطابق ۵شعبان هجری ۱۳۰۹.

امضای زاید‌ابن خلیفه رئیس ابوظبی

امضای ا.سی.تالبت لیوتنان کلنل مقیم خلیج‌فارس

لندزدون نایب‌السلطنه و فرمانفرمای هندوستان

در روز ۱۲ ماه مارس ۱۸۹۲ به تصدیق جناب نایب‌السلطنه و فرمانفرمای هندوستان در سیملا رسیده است.

ح.م. دوراند سکرتر خارجه هندوستان

(قراردادهایی که به امضای سایر مشایخ دوست که مشایخ دبی، عجمان، شارجه، رأس‌الخیمه و ام‌القواین رسیده و سه نفر اولی در تاریخ هفتم و دو نفر دیگر در تاریخ هشتم ماه مارس ۱۸۹۲ امضا نمودند موافق همین نوشته می‌باشد.)

۳۲۱

British Legation,

Gulhek,

September 7th, 1928.

№ 228.

Monsieur le Gérant,

Your note No. 11024 of August 21st in regard to the seizure of a sailing boat belonging to the port of Debai by a Persian Customs vessel has been duly received and note has been taken of the release of the passengers and their belongings. I hasten, however, to inform Your Excellency that the sugar carried in the boat can in no way be considered to have been smuggled (quite apart from the question of the ownership of the island of Tunb with which I shall deal later) as it is obvious that a boat which is undertaking a cruise of six weeks and more must be suitably supplied with provisions. It is also contrary to all International law and usage to seize by force a vessel which is undertaking a peaceful cruise and committing no crime of any description. I must therefore request again that this sugar be released while reserving the right to claim compensation for this illegal seizure.

His Excellency
Mirza Fatoullah Khan Pakrevan,
Acting Minister for Foreign Affairs.

-2-

seizure.

It is, however, to the statements made in the third and fourth paragraphs of Your Excellency's note that I must take the greatest exception. In the first place Your Excellency refers to the island of Abu Musa which was not even mentioned in my communication to which your note is a reply. I propose therefore to refrain from alluding to it at all in this note except for stating that His Majesty's Government cannot admit any claim to ownership on the part of the Persian Government.

In the second place I have already informed Your Excellency in conversation that His Majesty's Government are painfully surprised at this sudden claim of the Persian Government to the island of Tunb. Your Excellency will I am sure appreciate the sympathetic consideration which His Majesty's Government have always given to Persia's sovereign rights but they are unable to admit the claim of the Imperial Government to own this island.

In the third place Your Excellency states that the Sheikh of Ras-el-Khaima can be considered by the Persian

Government

در اظهاراتی که در صفحات ۳ و ۴ مراسله
جناب مستطاب عالی شده است باید بیشتر از همه تعرض نمایم
اولاً — جناب مستطاب عالی اشاره نموده‌اید
به جزیره ابوموسی که حتی در مراسله
دوستانه‌ام که مراسله جناب عالی در جواب آن است
اشاره هم به آن نشده است بنابراین از ذکر آن
در این مراسله خودداری نمایم و فقط اظهار میکنم
که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند
ادعای مالکیت دولت ایران را نسبت به آن
جزیره تصدیق نماید.
ثانیاً — سابقاً در ضمن مذاکره به جناب مستطاب عالی
اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
از این ادعای ناگهانی دولت ایران به جزیره تنب
با تأثر متعجب شده‌اند یقین دارم جناب عالی
ملاحظات مودت‌آمیز دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را
که همیشه نسبت بحقوق سلطنتی ایران مبذول داشته‌اند
قدردانی خواهند نمود ولیکن دولت متبوعه اینجانب
نمیتوانند ادعای دولت علیه را به مالکیت جزیره
مزبوره تصدیق کنند.
ثالثاً — جناب مستطاب عالی اظهار فرموده‌اید که دولت علیه
نمیتوانند شیخ راس‌الخیمه را مستقل یا مالک جزیره بداند

Government neither as independent nor as owner of the island in question.

It is incumbent on me to inform Your Excellency definitely on behalf of His Majesty's Government that this Sheikh has been in uncontested possession of the island for a great many years and that he is independent except insofar as he is bound by treaty relations with His Majesty's Government.

This brings me to the concluding point in Your Excellency's note to the effect that the Imperial Government "cannot in any way approve of the attitude "that the British Government has adopted "on the pretext of having treaties with "the above-mentioned Arab Sheikhs and "cannot accept the resulting declaration "which they make of protecting them".

His Majesty's Government entirely fail to understand this statement in view of the fact that the relations between them and the Arab Chiefs have existed for a hundred years and more and that definite agreements were made as late as March 1892 with the Chiefs of Ras-el-Khaima and Shargah whereby they agreed inter alia to enter into no agreement or correspondence with any Power other than the British Government.

For the

مرقومه

به دوستدار وضوح است که از طرف دولت اعلیحضرت
پادشاه انگلستان بطور قطع بیان بنمایم که این
شیخ مزبور سالهای سال است که بدون معارض
جزیره مزبوره را در تحت تصرف داشته و باستثنای
آنچه تا اندازه که بموجب روابط عهدنامه با
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مربوط است مستقل میباشد
در جمله آخری مراسله آنجناب جلالتمآب نوشته شده
از اینکه دولت متبوعه دوستدار بهیچ وجه نمیتواند
رویه را که دولت انگلستان بعنوان داشتن عهدنامه
با شیوخ عرب مذکوره اختیار کرده‌اند تصدیق و تایید
و اظهارات حاکیه را که مینمایند قبول نماید
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بهیچوجه ملتفت
این اظهار نمیشوند نظر باینکه روابط فیمابین دولت
[illegible] و رؤسای اعراب یک صد سال بلکه
بیشتر موجود بوده و قراردادهای قطعی که اخیراً
آنها در ماه مارس ۱۸۹۲ بعمل آمد با شیوخ
رأس‌الخیمه و شارجه بسته شده و شیوخ مزبور
در ضمن سایر مطالب تعهد نموده‌اند که با هیچ دولت
غیر از دولت انگلیس داخل قرارداد و مکاتبه نشوند

برای اطلاع جناب مستطاب وزارت جلیله و دولت علیه صورت
قرارداد انحصاری که در ماه مارس ۱۸۹۲
با هریک از شیوخ ذیل منعقد شده لفاً در طی این مراسله
ارسال میدارد :- شیخ ابوظبی - دبی
- عجمان - شارجه - راس الخیمه و ام القوین

بنابراین دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
نمیتوانند قبول نمایند که دولت ایران مستقیماً
با شیوخ مزبور داخل مراوده شوند و نیز عقیده دارند
دولت متبوعه‌شان اگر دولت ایران بر علیه آنها
داخل عملیات شود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
نخواهند توانست که از اقدامات شیوخ برای تلافی
جلوگیری نمایند و با اینطور حفظ امنیت در خلیج
فارس دچار اشکال خواهد شد

مجدداً جناب مستطاب عالی را متذکر میشوم از
اطمینانی که جناب آقای تیمورتاش به سر رابرت کلایو
داده بودند و در ضمن عقیده دارم که اقدام محلی نه فقط
نقض این اطمینان خواهد بود بلکه بهیچوجه باعث پیشرفت
ادعائی که در مراسله جناب مستطاب عالی شده نخواهد بود
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینماید

For the information of Your Excellency and of the Imperial Government I append to this note the text of the Exclusive Agreement concluded in March 1892 with each of the following Sheikhs :

The Chiefs of Abu Dthabi, Dabai, Ajman, Snargah, Ras-ul-Khaima and Umm ul Gawain.

His Majesty's Government are therefore unable to admit that the Persian Government should have direct dealings with the chiefs in question and are further of opinion that if the Persian Government take action against them His Majesty's Government will be unable to restrain the Chiefs from taking retaliatory action thereby rendering difficult the maintenance of peace in the Persian Gulf.

I venture again to remind Your Excellency of the assurance given to Sir R.Clive by His Excellency Teymourtache and to express the opinion that action taken locally will not only be a violation of this assurance but will also in no way further the claim advanced in Your Excellency's note.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

ترجمه

قرارداد اختصاصی شیخ ابوظبی با دولت انگلیس مورخه ۶ مارس ۱۸۹۲

اینجانب زاید بن خلیفه شیخ ابوظبی در حضور لیوتنان کلنل ا. س. تالبت رزیدنت مقیم خلیج فارس

بموجب این نوشته متعهد میشوم که از طرف خود و وراث و جانشینان خودم شروط زیر عهد نمایم:-

(۱) بهیچوجه وارد قرارداد یا مکاتبه با هیچیک از دول بغیر از دولت انگلیس نشوم.

(۲) بدون رضایت دولت انگلیس رضا ندهم که وکیلی از طرف دولت دیگری در قلمرو من توقف نماید.

(۳) بهیچوجه هیچ قسمت از قلمرو خود را واگذار و فروش و رهن یا بطور دیگر برای تصرف واگذار ننمایم مگر بدولت انگلیس.

ابوظبی مورخه ۶ مارس ۱۸۹۲ مطابق ۵ شعبان هجری ۱۳۰۹

امضاء: زاید بن خلیفه شیخ ابوظبی

امضاء: ا. س. تالبت لیوتنان کلنل مقیم خلیج فارس

تنفیذ شدن نایب السلطنه وفرمانفرمای هندوستان

در روز ۱۲ ماه مه ۱۸۹۲ بتصدیق جناب نایب السلطنه وفرمانفرمای هندوستان رسید

ه. م. دوراند سکرتر خارجه هندوستان

(قراردادهائی که با امضای سایر شیوخ دولت که شارجه دبی عجمان ام القیوین رأس الخیمه ... در تاریخ ۷ و ۸ مارس ۱۸۹۲ امضاء شده عیناً مثل همین نوشته میباشد).

EXCLUSIVE AGREEMENT OF THE CHIEF OF ABU DTHABI with the BRITISH GOVERNMENT, dated the 6th March, 1892.

I, Zaeed bin Khalifah, Chief of Abu Dthabi, in the presence of Lieutenant-Colonel A.C.Talbot, C.I.E., Political Resident in the Persian Gulf, do hereby solemnly bind myself and agree, on behalf of myself, my heirs and successors to the following conditions, viz :-

1st - That I will on no account enter into any agreement or correspondence with any Power other than the British Government.

2nd - That without the assent of the British Government I will not consent to the residence within my territory of the agent of any other Government.

3rd - That I will on no account cede, sell, mortgage or otherwise give for occupation any part of my territory, save to the British Government.

Dated Abu Dthabi, 6th March 1892, corresponding to 5th Shaaban 1309 Hijri.

Signature of Zaeed bin Khalifa, Chief of Abu Dthabi.

A.C.TALBOT, Lieut-Col.,
Resident in the Persian Gulf.

LANDSDOWNE.
Viceroy and Governor General of India

Ratified by His Excellency the Viceroy and Governor General of India at Simla on the twelfth day of May 1892.

H.M.DURAND
Secretary to the Government of India,
Foreign Department.

(The agreements signed by the other Trucial Sheikhs, viz:- the Chiefs of Dabai, Ajman, Shargah, Ras-ul-Khaima, and Umm ul Gawain, the first three dated the 7th and the last two the 8th March, 1892, are identical in form).

شماره: ۱۰۲
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۰۷ ش
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

عطف به مرقومهٔ نمرهٔ ۱۱۱۰۸ مورخهٔ ۱۸مرداد ماه ۱۳۰۷ موضـــوع کشتی توقیفی در جزیرهٔ تمب، اینک سواد توضیحات ادارهٔ گمرکات به انضام سواد صورت استنطاق مربوطه را که در محل به عمل آمده تلواً برای استحضاراولیای آن وزارت جلیله ایفاد می‌دارد.

مهر وزارت مالیه

کشتی شراعی ناخدا عطیب‌بن رشید که حامل ۳نفر تبعهٔ ایران (محمد علی اهوازی، اسحق‌بن محمـــد و محمد بن ملا) و دو نفر خانم بی‌تذکره بود، در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۰۷، توسط قایق بخاری ۴گمرکات در شمال غربی جزیره تمب معاینه شد. برطبق اظهارات ناخدا، کشتی مزبور عازم قشم و مهتابی و سپس خصیب بوده. دور ۱۶ تیرماه دفتر کشتی گمرکی ذکری از انقلاب هوا ننموده، محمولات کشتی عبارت بوده است از ۱۶ من‌ونیم چای، ۲۷ من قند، ۳۳ من شکر و قریب ۶۰۰من برنج و خرما. بعلاوه خود ناخدا هم ۴۰۰ روپیه که ورود آن به خاک ایران ممنوع است، همراه داشته است. در موقع توقیف کشتی مزبور، کنترولر گمرکات که با قایق بخار حرکت می‌کرده به خانمهای مسافر کشتی مزبور که عازم قصیب بودند، پیشنهاد می‌نماید با کشتی حسن طالب بستانو که در راه با آن مصادف شده بودند، و می‌تواند کلیهٔ اسبابهای آنهارا حمل نماید، مسافرت نمایند، ولی مشارالیها این پیشنهاد را قبول نمی‌کنند. در موقع ورود کشتی مزبور به بندر لنگه مسافرین با تمام اشیای خود آن را و یکی از خانمهابا قایق ناخدا محمد موسی صالح به سمت باسیدو (باسعیدو) عزیمت می‌نماید. برطبق حکم صادره از گمرکات بوشهر کشتی توقیفی مزبور با کلیهٔ محمولات و روپیه به استثنای قند و چای از توقیف خارج گردید. سواد صورت مجلسی که ضمیمه است، دیگر تردیدی راجع به قصد قاچاق قند توسط کشتی مزبور به ایران باقی نمی‌گذارد.

مبلغ چهار صد روپیه که به توسط موتر (موتور) نمرهٔ۲ از طرف ادارهٔ گمرکات

توقیف شده بود، تمام کمال به اینجانب رسیده. توضیح آنکه مبلغ سیصد روپیه مال خود من بوده و صد روپیه مال مسافری که در جهاز حقیر بوده می‌باشد و ملتزم می‌شوم که وجه صد روپیه را به خود مسافر رد کنم و اگر چنانچه بعداً مسافرین جهاز من از ادارهٔ گمرک ادعایی بنمایند، من ازعهده برآیم. لنگه ۱۷ مرداد ۱۳۰۷ ش.

عتیب بن راشد

مبلغ چهارصد روپیه در حضور ما امضا کنندگان ذیل تحویل عتیب بن راشد گردید.

محل امضا	محل امضا	محل امضا
محمدشریف حاجی عبدالرحیم آذری	حسن ابراهیم عمانی	ابراهیم کلداری

مخفی نماند آنکه یک فروند جهاز (جالبوت) مال حقیر امضا کنندگان ذیل که موتر دولتی در غربی جزیرهٔ (تمب) گرفته، اینک به توسط ادارهٔ جلیله گمرکات لنگه جهاز مزبور با سامان آن مع کلیهٔ مال التجاره محمولهٔ آن که متعلق به خودم و پنج نفر عنصری که عبارت از سه مرد و دو زن باشد، تعلق داشته و اصل و عاید حقیر گردید و چنانچه من بعد ادارهٔ گمرک ادعایی از حقیر بکند، مسئول آن هستم، زیاده است.

عبید بن راشد

به موجب فوق صحیح است اما قند و شکر و چای مسترد نشد و ضبط گمرک می‌باشد.

شهد تذاکر	شهد باقراره	حسن ابراهیم رحمانی
محمدشریف حاجی عبدالرحیم آذری	ابراهیم کلداری	سواد مطابق سواد است

به توسط ادارهٔ جلیلهٔ گمرکخانهٔ بندر لنگه

یک فروند جهاز (جالبوت) مال حقیر امضا کنندگان ذیل که موتر دولت در شمال تمب مار حص نموده و اصل و عاید حقیرگردید و ملتزم هستم که هرگاه حکمی از ادارهٔ گمرکات بوشهر راجع به جهاز من و سایر اشیا برسد، به موجب حکم اطاعت نمایم.

عبد بن راشد دبی

موجب نوشتهٔ فوق باقرار ناخدا رسیده است.

عباسعلی کرسحی

کشتی با لوازم به ناخدا مسترد شد.
میرزا حیدر مفتش بنادر جز لنگه
سواد مطابق سواد است.

مقام محترم ریاست جلیلهٔ گمرکات بندر لنگه و مضافات

توقیراً معروض می‌دارم از آنجایی که بنده از وارد نکردن قند و چای و شکر به بنادر جزء ایران نمی‌دانم از حضرتعالی استدعا می‌نمایم، چون این دفعه بنده ابداً اطلاعی از قانون نداشتم، عفو فرمایند. ملتزم می‌شوم در آتیه که مال التجاره انحصاری به مهتابی و غیره ابداً حمل ننمایم. البته این دفعه را که مسبوق نبودیم، عفو فرمایید اگر من بعد به‌بنادر جزء لنگه قند و شکر و چای حمل نمایم، اداره هر چه مجازات در حق فدوی قرار بدهد مطیع هستم. مستدعی است این دفعه را عفو فرمایند که مطلع از قانون قند و شکر که به بنادر جزء برده نشود نبودیم.

عتیب‌بن راشد

در حضور ما امضاکنندگان ذیل این ورقه را اقرار و تقدیم نمود.

محل امضا	محل امضا	محل امضا
ابراهیم کلداری	حاج محمد شریف عبدالرحیم آذری	حسن ابراهیم

سواد مطابق سواد است

صورت استنطاق ناخدا عتیب‌بن راشد که در تاریخ ۲۶تیرماه ۱۳۰۷ به عمل آمده

س) هویت خود را بیان کنید؟

ج) اسم: عتیب، اسم پدر: راشد، تبعهٔ ایران، ساکن دبی.

س) از کجا آمده و چند نفر مسافر در جهاز داری و به کجا می‌روی؟

ج) یک نفر مرد برای عباد، یکی برای مهتابی، یک مرد دیگر و دو زن برای خصیب دارم.

س) چه اجناس در جهاز دارید؟

ج) گندم، خرما، برنج، قند، شکر، چای، قهوه، تنباکو.
س) پاس اجناس جهازت را ارائه بده؟
ج) پاس ندارم.
س) آیا از دوبی تا نزدیک تمبار خط مستقیم آمده یا در بنادر دیگر ایران هم رفتی؟
ج) جای دیگر نرفته‌ام، اما بعد به مهتابی خواهم رفت.
س) مگر نمی‌دانی که ورود قند و شکر در بنادر کوچک ایران ممنوع است؟
ج) بلی می‌دانم، اما برای ایران نیست.
س) صندوق چای متعلق به کیست و شکر مال کیست و همچنین قندها؟
ج)چای و شکر متعلق است به مسافرین خصیب و قند مال مسافر مهتابی است.
س)در صورتی که اظهار داشتی قند و شکر و چای برای ایران نیست، چگونه کیسهٔ ۳۰ من قند متعلق به مسافر مهتابی است؟
ج) اما نمی‌دانم مقصرم همه به دست خودتان هرکار می‌کنید بکنید.
س) در صورتی که عبور جهازات حامل قند شکر و چای در بنادر کوچک و از نزدیکی آنها ممنوع است، چگونه به آنجا آمده و به مهتابی نیز می‌خواهی بروی؟
ج) بلی می‌دانم که ممنوع است، اما در ایران پیاده نمی‌کنم، می‌برم خصیب.
س) در صورتی که محل و مقصد تو خصیب می‌باشد، پس برای چه از دوبی به خط مستقیم به آنجا نرفته‌ای؟
ج) من گفتم که مسافر تمبار و مهتابی دارم.
س)چهار صد روپیه متعلق به کیست؟
ج) سیصد روپیه مال خودم و یکصد روپیه مال ملا محمد.
س) ورود روپیه به ایران ممنوع است. چرا آورده‌اید؟
ج) من نمی‌دانستم، از این به بعد نمی‌آورم.

محل امضای رئیس محل امضای جاسم محل امضای صفر محل امضای عسکر

آنباردار

محل امضای حکمی تفتیش تذکره

۳۳۱ ۶۳۴ ۶۵۲ ۶۳۱

س)ناخدا شما چند نفر جاشو دارید؟

ج) پنج نفر اهل جزیرهٔ قشم، دو نفر مال صلح، یکی مال گوران، دو نفر مال تول و یکی اهل کریه روان.

س) دو نفر ضعیفه مال کجا بودند؟

ج) یکی خواهر خودم، دیگری هم اصلاً خصیبی است.

در حضور ما امضاکنندگان ذیل از ناخدا اظهارات فوق استماع گردید.

محل امضا کتیمان　　محل امضای جاسم　　محل امضای میرزا

حیدر

عبداله محسن

مفتش بنادر

سواد مطابق سواد است

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره

بتاریخ ۲۸ ماه ۶ سنه ۱۳۰۷

نمره ۲۷۷۴۱ ضمیمه ۹

موضوع

وزارت جلیله امور خارجه

عطف برقیمه نمره ۱۱۱۰۸ مورخه ۱۸ مرداد ماه ۱۳۰۷
موضوع کشتی توقیفی در جزیره تنب اینک سواد توضیحات
اداره گمرکات با انضمام سواد صورت استنطاق مربوطه را
که در محل بعمل آمده توأماً برای استحضار اولیاء آن وزارت جلیله
ایفاد میدارد.

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

کشتی تجارتی ناخدا عطیه بن رشید که های ۳ نفر تبعه ایران در مجمع الجزایر - الحسن بن مهدی و محمد بن حمد)
و ده نفر هم تبعه کویت بوده در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۰۷ توسط قایق بخاری گمرکات در شمال غربی جزیره تنب
معاینه شد . بر طبق اظهارات ناخدا کشتی مزبور عازم قشم و لنگه و بندر قطیف بوده دو روز قبل از آن
دفتر کشتی گمرکی ذکری از انقلاب ننموده - محمولات کشتی عبارت بوده است از عبا و مقداری ...
و ۳۳ من شکر و توتون - ۶۰۰ من برنج و ... خود ناخدا ۱۰۰۰ روپیه که در دیوان ... ایران ممنوع است
همراه داشته است - در موقع توقیف کشتی مزبوره کشتی دیگر از گمرکات ... که با قایق بخاری حرکت میکرده
بنا به ادعای مسافرین کشتی مزبور که عازم قطیف بوده پیشنهاد نموده کشتی عرض ... که در راه با آن
مصادف شده بودند و تقریباً کلیه اسبابهای آنها را حمل ... مسافرت نمایند ولی مشارالیهما این پیشنهاد را
قبول نمی‌کنند در موقع ورود کشتی مزبور به بندر لنگه مسافرین با تمام اثاثیه خود ... دیگر از ... نمایند
با قایق ناخدا محمد ... صالح قسمت بایستی ... شوند - برطبق حکم صادره از گمرکات
در بندر کشتی توقیفی مزبور با کلیه محمولات و روپیه ... و جای ... از توقیف خارج گردید
برای صورت مجلس که ضمیمه است دیگر تردیدی به انجام نقشه قاچاق ... توسط کشتی مزبور باقی
باقی نمی‌گذارد

۸۵۱

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

مبلغ چهارصد روپیه که بابت موتر نمره ۳) از طرف اداره گمرکات توقیف شده بود تماماً
باینجانب رسیده توضیح آنکه مبلغ سیصد ۳۰۰ روپیه مال خودمن بوده و صد روپیه مال مسافری
که در جهاز حسین بوده میباشد و ملتزم میشوم که وجه صد روپیه را بخود مسافر رد کنم و اگر چنانچه
بعداً مسافرین جهاز من از اداره گمرک ادعائی نمایند من از عهده برآیم لنگه ۱۷ مرداد ۱۳۰۷

حسن بن راشد

مبلغ چهارصد روپیه در حضور ما امضا کنندگان ذیل تحویل حسن بن راشد گردید

محل امضا — مهر شریف حاجی عبدالرحیم ذوری

محل امضا — محسن ابراهیم حمانی

محل امضا — ابراهیم کلداری

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

مخفی نماند آنکه یک فروند جهاز (عابدت) مال حقیر امضاکننده کاپیتانی که موتور جرثی در غرب
جزیره (تب) گرفته بودند بتوسط اداره جلیله گمرکات لنگه جهاز مزبور با سامان آن مع کلیه
مال التجاره محموله آن که متعلق بخودم و پنجنفر خبری که عبارت از سه مرد و دو زن باشد تعلق داشت
وصول و عاید حقیر گردید و چنانچه من بعد اداره گمرک ادعائی از حقیر بکند مسئول آن اتهام بایداست
(عقیه بن راشد)

مراتب فوق صحیح است اما قند و شکر و چای مسترد نشده و ضبط گمرک شد

شهد بذاکر — شهد با قراره — حسن ابراهیم رحمانی

مهر شریف حاجی عبدالرحیم لاری — ابراهیم کلداری — سواد مطابق با اصل است

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

بتوسط اداره جلیله گمرکخانه بندر لنگه

یک فروند جهاز (جالبوت) مال حقیر مصطفی کننده کان دبی که موتور است در شمال تنب مارص
نموده و جمیع و عاید حقیر گردید ملتزم هستم که هرگاه حکمی از اداره گمرکات بوشهر راجع بجهاز من و بار
اشعار رسید بموجب حکم اطاعت نمایم عقبه بن راشد دبی

بموجب نوشته فوق
باقرار ناخدا رسیده است
عباس کرسی

کشتی با لوازم به ناخدا مسترد شده
میرزا حیدر مفتش بنادر لنگه

سواد مطابق اصل است

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

مقام محترم ریاست جلیله گمرکات بندر لنگه دامت عزته

توقیراً معروض میدارم زمانیکه بنده از ورود نکردن قند و چای و شکر به بنادر جزایر ایران مینمودم
از حضرت آقای استدعا مینمایم چون این دفعه بنده ابداً اطلاعی از قانون نداشتم عفو فرمایند ملتزم میشوم
در آتیه که مال التجاره انحصاری به مهتابی و غیره ابداً حمل ننمایم البته این دفعه را که مسبوق نبودم عفو
فرمایید اگر من بعد به بنادر جزیره لنگه قند و شکر و چای حمل نمایم اداره هرچه مجازات در حق فدوی قرار دهد
مطیع هستم مستدعی است این دفعه را عفو فرمایید که مطلع از قانون قند و شکر که به بنادر جزیره برده نشود
نبودم عقیب بن راشد

اداره................................

دایره ....

تاریخ ۱۳

نمره ....

ضمیمه ....

موضوع ....

وزارت مالیه

در حضور ما امضاکنندگان ذیل این ورقه را اقرار و تصدیق نمود

محل امضاء — محل امضاء — محل امضاء

ابراهیم گلداری — حاج محمد شریف عبدالرحیم ازدری — حسن ابراهیم

سواد مطابق با اصل است

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۴
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

صورت استنطاق ناخدا عبید بن راشد که در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ بعمل آمد

س — هویت خود را بیان کنید

ج — اسم عبید اسم پدر راشد تبعه ایران ساکن دبی

س — از کجا آمده و چند نفر مسافر در جهاز داری و بکجا میروی

ج — یکنفر مرد برای عباد یکی برای مهتابی یکمرد دیگر و دو زن برای خصب دارم

س — چه جنس در جهاز دارید

ج — گندم - خرما - برنج - قند - شکر - چای - قهوه - تنباکو

س — پاس اجناس جهازت را ارائه بده

ج — پاس ندارم

س — آیا از دبی تا نزدیک تمب بخط مستقیم آمده یا در بنادر دیگر ایران هم رفته

ج — جای دیگر نرفته‌ام آنا بعد به مهتابی خواهم رفت

س — مگر نمیدانی که ورود قند و شکر در بنادر کوچک ایران ممنوع است

ج — بلی میدانم آنها برای ایران نیست

س — صندوق چای متعلق بکیست و شکر مال کیست و همچنین قندها

ج — چای و شکر متعلق است به ناخدای خصب و قندها مال مسافر مهتابی است

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

س — درصورتیکه اظهار داشتی قند و شکر و چای برای ایران نیست چگونه کیسه ۳۰ من قند متعلق به فرمهتابی است

ج — اما نمیدانم مقصرم همه بدست خودتان هر کاری میکنید بکنید

س — درصورتیکه عبور مجاز است های قند و شکر و چای در بندر کوچک ولنز نزدیکی آنها ممنوع است چگونه بیرون آمده و مهتابی نیز مشغول بردن بودی

ج — بلی میدانم که ممنوع است اما در ایران پیاده میکنیم میبرم خصیب

س — درصورتیکه مال مقصد تو خصیب میباشد پس برای چه از دریا بخط مستقیم بآنجا نرفته

ج — من گفتم در مسافرت تمام راه مهتابی دارم

س — چهارصد روپیه متعلق بکیست

ج — سیصد روپیه مال خودم و یکصد روپیه مال ملاح است

س — ورود روپیه بایران ممنوع است چرا آورده اید

ج — من نمیدانستم از این بعد نمی آورم

محل انگشت عسکر تعقیب کرده
محل امضاء صفر ابازر
محل امضاء رئیس
محل امضاء جاسم
محل امضاء حکمی

۶۳۱ ۶۵۲ ۶۳۴ ۳۳۱

س — ناخدا شما چند نفر جاشو دارید

ج — پنج نفر اهل جزیره قشم دو نفر اهل سیح یک اهل گوران دو نفر اهل تول یک اهل کرک روراق

اداره ....
دایره ....
تاریخ ۱۳
نمره ....
ضمیمه ....
موضوع ....

وزارت مالیه

س — دو نفر ضعیفه مال کی بودند

ج — یکی خواهر خودم دیگری هم صیغه مخصوص بود

در حضور ما امضاکنندگان ذیل از نادر اظهارات فوق استماع گردید

محل امضاء میرزا احمد   محل امضاء جاسم   محل امضاء کیتاه

نقش نادر   عبدالرحمن

[illegible]

شماره: ۱۰۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۰۷
متن سند:

مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۱۶ شهریور نمرهٔ ۲۲۸ عزّ وصول بخشید. با مطالعهٔ مندرجات و ضمیمهٔ آن لازم می‌داند خاطر شریف را متذکر سازد که دولت متبوعهٔ دوستدار به هیچ وجه نمی‌تواند نقطه‌نظر خود را که در مراسلهٔ دوستدار، مورخهٔ ۳۰ امرداد نمرهٔ ۱۱۰۲۴ اشعار گردیده، تغییر دهد.

۱. به طوری که خاطر نشان کرده است، جزایر تمب و ابوموسی جزء لایتجزای مملکت ایران است و فوق‌العاده مایهٔ تعجب و تأسف است که این حق مسلم ایران محل تردید دولت انگلستان واقع شده است.

۲. راجع به تعهدنامهٔ شیخ ابوظبی که سواد آن را ارسال و اسامی شیوخ دیگری هم ذکر کرده و اشعار داشته‌اند که از آنها نیز این قبیل تعهدات را دارند، لازم می‌داند خاطر شریف را متذکر سازد، که هرگونه تعهدی که برعلیه حقوق و منافع ایران صورت گرفته و یا حقوق و منافع ایران را محدود سازد، مورد اعتبار و شناسایی نبوده و نمی‌تواند مدرک اقدامی از نقطه‌نظر حقوقی برعلیه ایران واقع گردد.

در خاتمه خاطر شریف را مستحضر می‌دارد، به موجب صورت مجالسی که از گمرک رسیده، قایقی که موضوع بحث است متعلق به یک نفر تبعهٔ ایران بوده و مسافرین آن هم بیش از پنج نفر نبودند و محمول آن موافق اقرار خود ناخدا و سایرین که صورت مجلس را امضا کرده‌اند، قند و شکر و چای قاچاق به مقصد جزیرهٔ قشم بوده است و دوستدار نهایت درجهٔ تأسف را دارد که در این موقع کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس توقیف یک قایق متعلق به تبعهٔ ایران را در آبهای ساحلی ایران که حامل قاچاق به مقصد ایران بوده است، مورد بحث قرار داده و در اطراف آن تا این درجه توجیهات و انتشارات غیر واقع شده است و در نتیجه در مطبوعات انگلیس برخلاف واقع انعکاساتی یافته است.

وزارت امور خارجه

اداره:

دائره:

بتاریخ ۹ شهریور ماه سنه ۱۳۰۷

نمره ۱۵۰۱ ضمیمه

مراسله محترمه مورخه ۱۶ شهریور نمره ۲۳۸ عزّ وصول بخشید. بملاحظه [illegible] جناب‌عالی زحمت داده

خاطر شریف را متذکر می‌سازد که دولت متبوعه دوستدار بهیچوجه تغییر از نقطه نظر خود راجع بمراسله

دوستدار مورخه ۳۰ مرداد [illegible] نداده.

۱- علاوه بر اینکه خاطرنشان کرده است جزایر تنب و ابوموسی و همچنین بحرین متعلق به ایران است

و حقوق [illegible] باید متذکر داشت که این حق مسلم ایران تاکنون مورد تردید دولت انگلستان

واقع شده است.

۲- راجع به تعهدات شیخ [illegible] که مورد ادعا [illegible] و اظهارات شیخ [illegible]

داشته‌اند و از آنها نیز این قبیل تعهدات را داده‌اند لازم می‌داند خاطر شریف را متذکر سازد

که هرگونه تعهدی که برعلیه حقوق و منافع ایران صورت گرفته و با حقوق و منافع ایران

محدود سازد مردود [illegible] نتیجتاً مدرک [illegible]

برعلیه ایران واقع گردد.

در خاتمه خاطر شریف را متذکر می‌سازد که برحسب [illegible] گمرک [illegible]

موضوع کشتی متعلق به [illegible] تبعه ایرانی [illegible]

[illegible] واقع [illegible] قرار [illegible]

[illegible] قاچاق [illegible] ایرانی [illegible]

[illegible] کارگزاران [illegible]

[illegible] قاچاق متعلق به تبعه ایرانی را در آبهای ساحلی ایران

قاچاق متعلق به ایرانی [illegible]

[illegible] واقع شده است.

[illegible]

ل-۹۰۲

شماره: ۱۰۴
فرستنده: سفارت انگلیس طهران
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷فوریهٔ ۱۹۲۹ مطابق ۱۸ بهمن ۱۳۰۷
متن سند:

یادداشت

در خصوص یک قایق متعلق به اعراب که مأمورین گمرکی ایران در تمب گرفته و در لنگه توقیف نموده بودند، در عرض تابستان گذشته مکاتبات زیادی فی‌مابین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجه به عمل آمده است. نتیجهٔ مکاتبات مزبور، اختلاف عقیده در خصوص مالکیت جزیره تمب ایجاد نمود.

مقصود از این یادداشت مذاکره در خصوص حق سلطنتی جزیرهٔ مزبور نمی‌باشد، بلکه یادآوری به دولت ایران است که در مراسلهٔ اولیه سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان (مورخهٔ ۴ اوت و نمره ۲۰۴ و همچنین در مراسلهٔ ۷سپتامبر نمره ۲۲۸ دولت انگلیس این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند که برای اشخاص که در این واقعه صدمه به آنها رسیده است، مطالبهٔ غرامت بنمایند و نیز چنین تصور می‌رود که دولت ایران حاضر باشند غرامتی در این مورد پیشنهاد نمایند. به آسانی می‌توان فهمید که توقیف قایق مزبور اسباب خسارت نقدی ناخدای آن شده است. به ملاحان و مسافرین نه فقط زحمت وارد آمده بلکه اموال شخصی آنها از میان رفته است. در نتیجهٔ تحقیقات کاملی که به عمل آمده، تقریباً غرامت معتدل این مسئله هزار روپیه برای ناخدای مزبور و چهار هزار روپیه برای تقسیم فی‌مابین ملاحان و مسافرین می‌باشد.

سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار است که دولت ایران راهی برای ادای این غرامت به طوری که در فوق ذکر شد پیدا نماید. این را که اقتضای عدالت این نیست که جهات سیاسی مانع توانایی اشخاص متفرقه در حصول حقوق آنها بشود.

[پی نوشت:]
۷/۱۱/۲۰
مقرر فرمایید فوراً راپرت مختصری تهیه و ضمیمه و تقدیم شود که امروز عصر به عرض هیئت وزرا برسد.

British Legation,

Tehran,

No. 36. 7th February, 1929.

MEMORANDUM.

Considerable correspondence occurred during the summer between His Majesty's Legation and the Imperial Ministry of Foreign Affairs on the subject of an Arab dhow seized at Tunb by the Persian Customs authorities and detained at Lingah. This correspondence led to a divergence of opinion on the subject of the ownership of the island of Tunb.

The object of the present memorandum is not to discuss the question of the sovereignty of the island but to remind the Persian Government that both in the original Note from His Majesty's Legation (No. 204 of August 4th) and in the Note No. 228 of September 7th His Majesty's Government reserved the right to claim compensation for the persons who suffered injury by this incident. It is presumed also that the Persian

Government

سفارت انگلیس طهران

۱۸ بهمن ۱۳۰۷

نمره ۳۶

یادداشت

درخصوص کشتی تاجر متعلق به اعراب که مامورین گمرک ایران در تنب گرفته و در لنگه توقیف نموده بودند در عرض تابستان گذشته مکاتبات زیاد فیمابین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجه سفارت جلیله نتیجه مکاتبات مزبوره اختلاف عقیده درخصوص مالکیت جزیره تنب ایجاد نمود.

مقصود از این یادداشت مذاکره درخصوص حق سلطنت جزیره مزبوره نمیباشد بلکه یادآوری به دولت ایران است که در مراسله اولیه سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان (نمره ۲۰۴ مورخه ۱۳ اسد) و همچنین در مراسله ۷ شهریور نمره ۲۲۸ دولت انگلیس این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند که برای اشخاصی که در این واقعه صدمه دیده‌اند مطالبه غرامت نمایند. بنابراین چنین تصور میرود که دولت ایران

Government would be prepared to offer compensation in this connection.

It will be easily realized that the detention of the dhow involved the captain in considerable pecuniary loss. The crew and passengers also suffered not only great personal inconvenience but also loss of private property.

As a result of careful investigations which have been made it has been estimated that reasonable compensation would be one thousand rupees for the captain and four thousand rupees to be distributed among the crew and passengers.

His Majesty's Legation trust therefore that the Imperial Government will see its way to accord compensation on these lines, as it would not be fair that political reasons should prevent these private sufferers from obtaining what is due to them.

فوری

شماره: ۱۰۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۸ مهر ۱۳۰۸
متن سند:

در جواب به مراسلهٔ نمرهٔ ۳۴۰ مهرماه جاری که در آن جنابعالی رجوع به یادداشت نمرهٔ۳۶، ۱۸بهمن ۱۳۰۷ نموده‌اید، زحمت می‌دهد ماحصل یادداشت مذکور این بود که با صرف نظر از مسئلهٔ حق سلطنتی جزیرهٔ تمب، کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس بروفق مراسلهٔ ۳ اوت و ۷ سپتمبر ۱۹۲۸ حق دعوی غرامت را برای مسافرین قایقی که در تمب مأمورین گمرک دولت علیه (به واسطهٔ حمل مال قاچاق) به بندر لنگه برده بودند، برای خود محفوظ می‌دارند. اساس این دعوی غرامت در مراسلهٔ ۴ اوت و ۷سپتمبر دو چیز بود.

۱. قایقی را که متعلق به تبعهٔ ایران نبود حامل پانزده زن و بچه بود، کشتی گمرکی ایران گرفته به لنگه برده و تمام مایملک مسافرین از پول و جواهر و حتی ملبوس آنها را گرفته‌اند.

۲. قایق حامل مال قاچاق نبود و قند و چای که در قایق بود آذوقهٔ لازمه برای شش هفته دریانوردی بود.

به طوری که در مراسلهٔ ۲۹ شهریور ۱۳۰۷ وزارت امور خارجه توضیح داده شد، اولاً اقدام مأمورین گمرک ایران در آبهای ساحلی ایران بوده است.

ثانیاً برحسب صورت مجالس موجوده که از گمرک رسیده، تمام آن صورتها را عبید بن راشد دوّبی ناخدای قایق در حضور چند نفر شاهد امضا کرده. عبیدراشد خود و پدرش تبعهٔ ایران هستند و مسافرین قایق هم بیش از ۵نفر که سه مرد تبعهٔ ایران و دو زن بیش نبودند و جز چهارصد روپیه (که آنهم قاچاق محسوب است) چیزی از اموال آنها گرفته نشده و آن چهارصد روپیه هم در لنگه بعد از خاتمه استنطاقات به موجب سندی که داده‌اند به خودشان مسترد شد. و حتی به زنهـــایی که عازم قشم بودند تکلیف شده بود که با کشتی حسن طالب بستان که در راه به آنها مصادف شده بود، با کلیه مایملکشان به مقصد خود بروند ولی آنها قبول نکرده بودند!!

ثانیاً قند و چایی که در قایق بود، برحسب صورت مجالس فوق آذوقه نبوده بلکه

به طور قاچاق به جزیرهٔ قشم حمل می‌شده و صورت آنها به قرار ذیل است: چایی ۱۶من، قند ۲۷من، شکر ۳۳من، برنج و خرما ۶۰۰۰من. مدت مسافرت حضرات به مقاصدشان بیش از یک یا دو هفته نمی‌توانست طول بکشد و فرضاً هم مدت شش هفته نظریهٔ سفارت قبول شود، در مدت شش هفته برای ۵نفر بیش از چهارمن قند، نیم من چای طرف احتیاج نمی‌شود پس به دلایل فوق و موافق اقرار خود ناخدا قند و چای محمولهٔ قایق مال قاچاق محسوب می‌شد.

و مراتب و حقایق مسلمهٔ فوق البته آن جناب تصدیق می‌فرمایید که نه فقط اسنادات به مأمورین گمرک دولت علیه در گرفتن مایملک و لباس زن و بچه‌های تصوری بسیار تعجب‌آور است، بلکه تعقیب از طرف کارگذاران دولت فخیمهٔ انگلیس در چنین موارد و تا این درجه موجب تأسف می‌شود.

نمونه (۲)

نمره عمومی	۸۰۶
نمره خصوصی	
کارتن	
دوسیه	

وزارت امور خارجه

اداره: انگلیس

دائره / شعبه:

نوع مسوده	مراسله به سفارت انگلیس
موضوع مسوده	راجع به قایق [illegible]
ضمیمه	
مسئول پاکنویس	[illegible]

تاریخ تحریر ۱۶ ماه ۷ — تاریخ پاکنویس ۱۷ مهر ماه — تاریخ ثبت ۱۸ [illegible]

تاریخ خروج ۱۸ ماه ۷ سال ۱۳۰۸

۱

در جواب مراسله نمره ۳۲ [illegible] مهر ماه جاری در مورد [illegible] رجوع به یادداشت نمره ۳۴ مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۰۷

[illegible] زحمت [illegible] یادداشت مذکور این بود [illegible] صرف نظر از مسئله حق

سلطنتی جزیره [illegible] دولت فخیمه انگلیس [illegible] مراسله ۳ اوت و ۷ سپتامبر ۱۹۲۸

حق دعوی خسارت [illegible] قایقی [illegible] مأمورین گمرک [illegible]

[illegible] قاچاق) به بندر لنگه برده بودند [illegible]

اساس این دعوی خسارت در مراسله ۳ اوت و ۷ سپتامبر دو چیز بود:

(۱) قایقی را که متعلق به تبعه ایران بوده [illegible] زن و بچه [illegible] گمرکات ایران گرفته

به لنگه برده و تمام [illegible] از [illegible]

(۲) [illegible] قایق [illegible] مال قاچاق بوده [illegible]

[illegible] بوده.

× بطوریکه در مراسله ۲۹ [illegible] ۱۳۰۷ وزارت [illegible] توضیح داده شد.

[illegible] به حسب صورت [illegible] از گمرک رسیده [illegible] تمام آن [illegible]

[illegible] ۸/۷/۱۶

× اداره [illegible] گمرک ایران [illegible]

نمونه (۲)

نمره عمومی	نوع مسوده ....
نمره خصوصی	موضوع مسوده ....
کارتن	ضمیمه ....
دوسیه	مسؤل پاکنویس ....

وزارت امور خارجه

اداره ....
دائره .... شعبه ....

تاریخ تحریر .... ماه .... تاریخ پاکنویس .... ماه .... تاریخ ثبت .... ماه ....
تاریخ خروج .... ماه .... سال ۱۲۰

عده‌ای [illegible] با [illegible] قاچاق در حضور چند نفرشان [illegible] کرده
عده [illegible] خود و پدرش [illegible] و [illegible] قاچاق را بیش از ۵ نفر [illegible]
و در آن بیش [illegible] و [illegible] قاچاق [illegible] چیزی از اموال آنها
گرفته نشده بود و آن لنجها [illegible] از خانه [illegible] اطلاعات که موجب [illegible]
که داد و فریاد کودکان بلند شده بود و حتی [illegible] عازم قشم [illegible] تکلیف شده بود
در کشتی حسن ملاح [illegible] در راه [illegible] مصادف شده [illegible]
[illegible] حرکت کرده و به دولت [illegible] ترک کرده و رو به!!
تا کنون صد و چهار [illegible] قاچاق بوده [illegible] به طور قاچاق
[illegible] و صورت آنها [illegible] است: [illegible] ۱۶ نفر [illegible] ۲۷ نفر
[illegible] ۳۳ نفر [illegible] ۹۰۰۰ [illegible] مدت مسافرت [illegible]
بیش از یک ماه در [illegible] که در تمام مدت شش هفته [illegible] سفارت [illegible]
[illegible] و در مدت شش هفته برای ۵ نفر بیش از [illegible] و [illegible] طرف

نمونه (۲)

نمره عمومی	نوع مسوده ....
نمره خصوصی	موضوع مسوده ....
کارتن	ضمیمه ....
دوسیه	مسؤل پاکنویس ....

وزارت امور خارجه

اداره ....

دائره .... شعبه ....

تاریخ تحریر .... ماه .... تاریخ پاکنویس .... ماه .... تاریخ ثبت .... ماه ....

تاریخ خروج .... ماه .... سال ۱۲۰

طرف احتیاج نمی‌شود تنبیه مدیر فوق و برائت او قرار خود نامه داده شده و بجای کمک‌های قاچاق

ال قاچاق جزو محسوب بشود

با مراتب و حقایق مسئله فوق، البته اینجانب تصدیق می‌نمایم شاید در نقطه استعداد کارگران

بزرگ نفت حقیقه در گرفتن مالیک و مدعیان زیاد و کمپانی که از حقوق [illegible] تمام اوراق

~~[illegible]~~ به عنف ~~[illegible]~~ از طرف کارگران نفت کمپانی انگلیس در جنوب ~~[illegible]~~

در جنوب برقرار و تا اینده [illegible] موجب کمک تأسف یکروز [illegible] .

[illegible signature]

شماره: ۱۰۶
فرستنده: وزارت جنگ ــ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۰۸
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

با ارسال سواد راپرت فرماندهٔ کل قوای جنوب، دایر به نصب بیرق و گماشتن مأمورین از طرف انگلیسها در جزیرهٔ تمب، و ابوموسی، که از شرف عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنا فداه گذشته، متمنی است از نتیجهٔ اقداماتی که در این باب به عمل می‌آید وزارت جنگ را مستحضر دارند.

کفیل ارکان حرب کل قشون

سواد راپرت فرمانده کل قوای جنوب
محرمانه
بعدالعنوان

بنابر اطلاعاتی که فرماندهٔ گردان بنادر داده است، از طرف انگلیسها در دو جزیرهٔ متعلق به ایران تمب و ابوموسی، اخیراً چند بیرق نصب گردیده و مأمورینی گماشته‌اند که این مسئله، اسباب تعجب و حیرت اهالی شده است. متمنی است مراتب را به شرف عرض خاکپای همایونی ارواحنا فداه برسانید.

فرماند کل قوای جنوب

وزارت جنگ

ارکانحرب کل قشون

دایره [illegible]

شعبه [illegible]

مورخه ۵ [illegible] ۱۳۰۸

ضمیمه [illegible]

نمره ۹۲۸۰

درجواب مراسله حروف واعداد ممیزه که مقدم ه است بانمره ذکر شود

وزارت جلیله امورخارجه

در باب [illegible] فرمانده کل قوای جنوب راجع به نصب برق [illegible]

[illegible] در جزیره قشم [illegible] گذشته

[illegible] آنچه [illegible] بدین [illegible] وزارت [illegible] مستحضر [illegible]

رئیس ارکان حرب کل قشون سرتیپ

[illegible]

[illegible] ۹۴۶

دفتر

[illegible]

ارکان حرب کل قشون.

سواد: بلا ... مراسله ... [illegible]

مورخه ۲۷ / ۱۱ ماه ۱۳۰۸

نمره ۵۷۷۸ / ۱۰۷۵۰

ضمیمه مکتوب نمره ....

وزارت جنگ

محرمانه

بعد العنوان

بنا بر اطلاعاتی که در فرانسه گرفته [illegible] داده است از طرف انگلیسها در جزیره [illegible] بیمارستان [illegible]

[illegible] چند نفر [illegible] گماشته [illegible] موجب تعجب و حیرت اولیای

[illegible] است [illegible] مراتب [illegible] اقدام لازم

[illegible] امیر لشکر [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۰۷
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۵ اسفند ۱۳۰۸
متن سند:

جناب سررابرت کلایو وزیرمختار انگلیس
آقای وزیرمختار

توقیراً به اطلاع آن جناب می‌رساند که مطابق اطلاعات واصله، در جزایر تمب و ابوموسی بیرق انگلیس افراشته شده است. دولت ایران جزایر مزبور را متعلق به خود دانسته و در مقابل این اقدام که منافی حقوق مالکیت ایران در جزایر مزبور است، خودرا ناچار به پروتست می‌بیند.

آنقدری که وزارت امور خارجه اطلاع دارد، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در باب مالکیت جزایر مذکوره هیچ نوع دعوی نداشته و افراشتن بیرق که حاکی از ادعای حقوق مالکیت است، عاری از هرنوع سابقه می‌باشد بنابراین با نهایت احترام از آن جناب متمنی است که اقدام در استقرار استاتوکو در جزایر مزبوره فرمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید.

نمره ضبط ...... [illegible]   وزارت امور خارجه   موضوع مسوده ......

نمره ۱۴۴۷۰   ادارهٔ کل [illegible]   ضمیمه ......

دوسیه ...... [illegible]   اداره ......   مسئول پاکنویس ......

تاریخ تحریر ۵ / ۱۲ / ۸   تاریخ پاکنویس ۵ / ۱۲ / ۸   تاریخ ثبت و خروج ۵ / ۱۲ / ۱۳۰۸

عنوان مسوده ......

آقای وزیر مختار

توقیراً باطلاع آنجناب میرساند که مطابق اطلاعات واصله در جزایر تنب و ابوموسی بیرق انگلیس افراشته شده است دولت ایران جزایر مزبور را متعلق بخود دانسته و در مقابل این اقدام که منافی حقوق مالکیت ایران در جزایر مزبور است خود را ناچار به پروتست مینماید.

انقدریکه وزارت امور خارجه اطلاع دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در باب مالکیت جزایر مذکوره هیچ نوع دعوی نداشته و افراشتن بیرق که حاکی از ادعای حقوق مالکیت است عاری از هر نوع سابقه میباشد بنابراین با نهایت احترام از آنجناب متمنی است که اقدام در استقرار استاتوکو در جزایر مزبوره فرمایند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید.

[illegible]

جناب سر رابرت کلایو وزیر مختار انگلیس.

شماره: ۱۰۸
فرستنده: وزارت امور خارجه (سواد این نامه از سفارت انگلیس به وزارت خارجه در سال ۱۳۰۸ ارسال شده است)
گیرنده: (سفارت انگلستان)
تاریخ: ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳
متن سند:

جناب جلالت مآب فخامت نصاب دوستان استهظارا [استظهارا] مشفق مکرم مهربان

برای استحضار خاطر گرامی آن جناب جلالت مآب اظهار می‌دارد که در خصوص جزیرهٔ تمب و ابوموسی که دولت ایران آن دو جزیره را متعلق به خود می‌داند اقدام مباشرین گمرک در آن دو محل آنچه شده بدین موجب بوده است. ولی چون نتیجهٔ مذاکراتی راکه‌در حین ملاقات با آن جناب جلالت‌مآب چند روز قبل به عمل آمده به عرض حضور همایونی شاهنشاهی دامت سلطانه رسانید، امر و مقررشد که‌عجالتاً اقدامی را که مباشرین گمرک در آنجا نموده‌اند موقوف باشد و در آن دو محل از هیچ طرف نصب بیرق نشود تا بعداً قراری در خصوص آنها داده شود.

(مشیرالدوله)

سواد مکتوب

۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۳

جناب جلالتمآب فخامت نصاب دوستان استظهارا مشفق مکرم مهربانا

برای استحضار خاطر گرامی آن جناب جلالتمآب اظهار میدارد که در خصوص جزیره تنب و ابو موسی
که دولت ایران آن دو جزیره را متعلق بخود میداند اقدام به برداشتن بیرق کرد در آن دو محل
آنچه شد چندان مطلب مهمی نیست ولی چون نتیجه مذاکرات را که در حین ملاقات با آن جناب
جلالتمآب چند روز قبل نموده ام بعرض حضور همایون شاهنشاهی دام سلطنته رسانیده
امر و دستور شد که عاجلانه اقداماتی را که برای برداشتن بیرق در آنجا نموده اند موقوف باشد
و در آن دو محل از هیچ طرف نصب بیرق نشود تا بعدا قراری در خصوص آنها داده شود.

(مشیرالدوله)

شماره: ۱۰۹
فرستنده: وزارت جنگ ـ ارکانحرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۴ شهریور ۱۳۰۹
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در تعقیب مراسلهٔ نمرهٔ $\frac{۳۹۸-۵۷۹}{۲۲۱۷}$ و معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ $\frac{۱۰۴}{۷۱۰۱۲۱۴}$، صادره از ادارهٔ کل سیاسی در موضوع مداخلهٔ انگلیسها در جزایر تمب و ابوموسی، زحمت‌افزامی‌شود راپرتهای اخیر فرمانده تیپ مستقل کرمان و ادارهٔ تشکیلات نظمیه واصله به ارکان حرب کل قشون حاکی است که بیرق انگلیس در جزایر فوق‌الذکر چندی است افراشته شده. نظر به اینکه عملیات انگلیسها در جزایر مزبور برخلاف مالکیت دولت علیه و رویهٔ دوستانه است، مراتب اطلاع داده شد تا به هر قیمتی صلاح می‌دانند، این اقدام حق‌شکنانهٔ انگلیسها را مورد تعرض قرار داده و از نتیجهٔ اقدامات مؤثره این وزارتخانه را مستحضر دارند.

از طرف وزیرجنگ ـ کفیل ارکان حرب کل قشون

[پی نوشت:]

کاغذ خصوصی به وزیرمختار نوشته و حقیقت قضیه استفسار نمایند.

وزارت جنگ

ارکانحرب کل قشون

دایره: محرمانه
شعبه:
نمره: ۵۰۳۲/د ۳۴۹۳ / ۲۲۱۵۹

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم نمره است با نمره ذکر شود

مورخه ۲۴ / ۹ ماه ۱۳۰۹
شنبه

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسله نمره ۳۹۸/۵۷۹ — ۲۲۱۷ و مخصوصاً نمره ۱۰۴ — ۷۱۰۱۲۱۴ صادره از اداره سیاسی

در موضوع مداخله انگلیسها در جزایر تنب و ابوموسی زحمت افزا میشود راپرتهای اخیر فرمانده [illegible] مستقر در [illegible]

و اداره تشکیلات نظمیه واصله بارکانحرب قشون حاکی است که بیرق انگلیس در جزایر فوق الذکر

چند سال است افراشته شده نظر باینکه عملیات انگلیسها در جزایر مزبور برخلاف حقوق ثابت مسلمه

و دولت ایران است مراتب اطلاع داده شد تا بهر قسمی صلاح میدانند در این قسمت حق شکایت انگلیسها را

مورد تعرض قرار داده و در نتیجه اقدامات شود. اینجانب از نتیجه استحضار دارد —

از طرف وزیر جنگ — کفیل ارکانحرب قشون [signature]

[illegible] خصوصی [illegible]

انگلیس

بایگانی وزارت امور خارجه
نمره ۹۴۴
نمره ضبط ۷۱۰۱۲۲۱
ضمیمه ۲۵
۱۳۰۹/۸/۶

شماره: ۱۱۰

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: وزارت جنگ

تاریخ: ۲۶ مهر ۱۳۰۹

متن سند:

وزارت جلیلهٔ جنگ

در جواب مرقومهٔ نمرهٔ ۵۰۳۲ـ د ـ ۳۲۶۲ / ۲۲۱۵۹ مورخهٔ ۲۴ شهریور سال جاری، راجع به افراشتن بیرق از طرف انگلیسها در جزیرهٔ تمب و ابوموسی، زحمت اشعار می‌دارد که به طور مقتضی از وزیرمختار انگلیس استفسار به عمل آمد. مطابق جوابی که رسیده است افراشتن بیرق انگلیس را در جزیرهٔ تمب و ابوموسی تکذیب نموده‌اند.

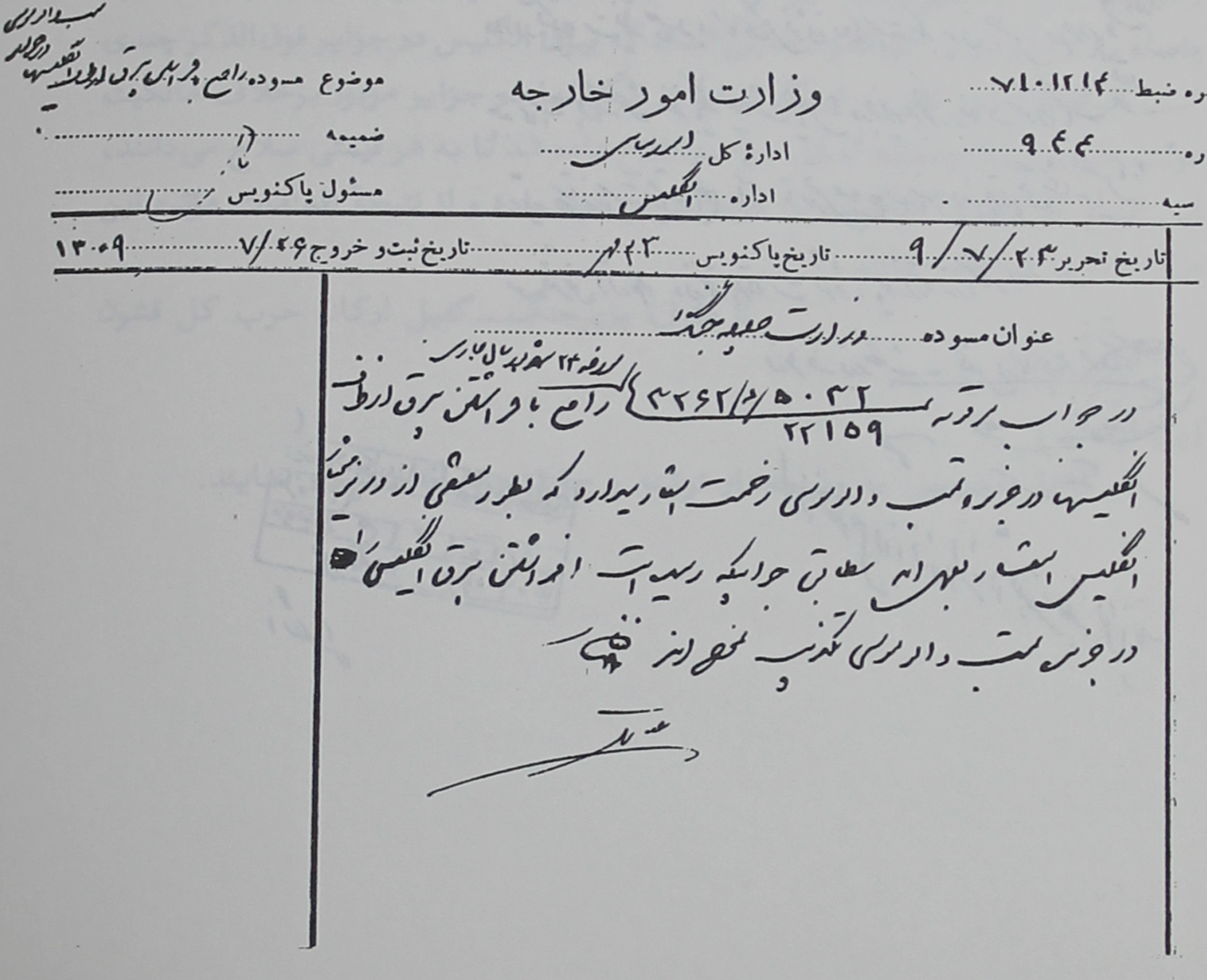
وزارت امور خارجه

نمره ضبط ۷۱۰۱۲۱۴

نمره ۹۴۴

نمره سبه

موضوع مسوده راجع به افراشتن بیرق از طرف انگلیسها در جزیره تمب و ابوموسی

ضمیمه

مسئول پاکنویس

اداره کل اروپایی

اداره انگلیس

تاریخ تحریر ۲۴/۷/۹ تاریخ پاکنویس ۲۴ مهر تاریخ ثبت و خروج ۲۶/۷ ۱۳۰۹

عنوان مسوده وزارت جلیله جنگ

در جواب مرقومه ۳۲۶۲/د/۵۰۳۲ / ۲۲۱۵۹ مورخه ۲۴ شهریور سال جاری راجع به افراشتن بیرق از طرف انگلیسها در جزیره تمب و ابوموسی زحمت اشعار میدارد که بطور مقتضی از وزیرمختار انگلیس استفسار بعمل آمد مطابق جوابیکه رسیده است افراشتن بیرق انگلیس را در جزیره تمب و ابوموسی تکذیب نموده‌اند

شماره: ۱۱۱
فرستنده: وزارت جنگ ــ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطـــوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ $\frac{۹۴۴}{۷۱۰۱۲۱۴}$ ، صادره از ادارهٔ انگلیس مورخهٔ ۹/۷/۲۶ در موضوع برافراشته شدن بیرق انگلیس در جزایر تمب و ابوموسی زحمت اشعار می‌دهد، مراتب مجدداً از مأمورین مربوطه استفسار، سواد راپرت جوابیهٔ نمرهٔ ۱۸۲ و نمره ۱۷ ساخلو هنگام تلواً ارسال و به طوری که ملاحظه می‌فرمایید افراشته شدن بیرق در چندی قبل از طرف انگلیسها صحت داشته که از طرف سلطان ابن سالم حکومت رأس‌الخیمه جلوگیری گردیده و سکوت انگلیسها در مقابل ممانعت شیخ مزبور، خود دعوای مالکیت مشاراله و اظهارات انگلیسها را که در صدر مرقومهٔ نمرهٔ $\frac{۱۰۴}{۷۰۱۲۱۴}$ مورخه ۲۷فروردین ۱۳۰۹ مندرج است، تأیید می‌نماید و نتیجهٔ حاصله اعم از بیرق انگلیسها یا شیوخ ساکنین جزایر مذکور منتهی به یک اصل (نقض حقوق مالکیت دولت شاهنشاهی) می‌باشد. متمنی است، از نتیجهٔ اقداماتی که از طرف آن وزارت جلیله معمول خواهد گردید، این وزارتخانه را مستحضر فرمایید.

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

دکن: ...

نمره: ۳۸۷۴ / ۲۰۴۸۱ / ۱۲۹۶

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم نمره است با نمره ذکر شود

مورخه ۱۷ / ۲ / ۱۰ ماه

ضمیمه ۲

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً به مرقومه ۹۴۴ / ۷۱۰۱۲۱۴ صادره از اداره انگلیس مورخه ۹/۷/۲۴ در موضوع برافراشته شدن بیرق انگلیس در جزایر تنب و ابوموسی جهت استحضار میرساند مراتب مجدداً از ناحیه جنوب مربوطه استفسار سواد راپرت جوابیه نمره ۱۸۲ و نمره ۱۷ ناحیه ... که ملاحظه میفرمایید برافراشته شدن بیرق در جزیره تنب از طرف انگلیس ها صحت داشته و از طرف سلطان ابن سالم حکومت رأس الخیمه جلوگیری گردیده دولت انگلیسها در مقابل ممانعت شیخ مزبور خود دعوای مالکیت مشارالیه را داشته است انگلیسها را هم در صدد مرقومه نمره ۱۰۴ / ۷۱۰۱۲۱۴ مورخه ۲۷ فروردین ۱۳۰۹ مندرج است تأیید نموده و نتیجه حاصله اعم از بیرق انگلیسها یا شیخ ساکنین جزایر مذکور منتهی به یک چیز و نقض حقوق مالکیت دولت شاهنشاهی میباشد متمنی است از نتیجه اقداماتیکه از طرف وزارت جلیله معمول خواهد گردید اداره ارکان حرب کل قشون را مستحضر فرمایند

رئیس ارکان حرب کل قشون

ثبت شد
۱۲ / ۲ / ۱۰

۷۴۱

۱۷ / ۲ / ۱۰

شماره: ۱۱۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۲۶ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ جنگ

با عطف به مراسلهٔ نمرهٔ ۱۷۳۰۴۹ خرداد جاریه در موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تمب و ابوموسی، حاوی راپرتهای ساخلوی هنگام توجه آن وزارت جلیله را بدین نکته جلب می‌نماید که جملات راپرتها پیچیده و باهم مخالف‌اند!

در راپرت نمرهٔ ۱۸۲ می‌نویسد سال گذشته از طرف انگلیسها در جزایر تمب و ابوموسی بیرق افراشته بودند ولی از طرف شیخ سلطان ابن سالم حکومت رأس‌الخیمه از افراشتن بیرق ممانعت به عمل آمد. اولاً معلوم نیست که بعد از افراشتن و بودن بیرق انگلیس برای مدتی شیخ رأس‌الخیمه ممانعت کرده بود یا اینکه از اول مانع برافراشتن شده بود؟

ثانیاً متعاقب آن می‌نویسد از قرار تحقیقات، جزیرهٔ تمب را شیخ رأس‌الخیمه جزء توابع خود قرار داده و جزیرهٔ ابوموسی را شیخ شارجه جزء مایملک خود قرارداده (چنانکه در نمرهٔ ۱۰۴ این وزارتخانه همین نکته تأیید شده است) در این صورت چطور می‌تواند شیخ رأس‌الخیمه در امور هر دو جزیره مداخله نماید!

و در راپرت نمره ۱۷ ساخلو هنگام می‌نویسد شیوخی که در جزایر تمب و ابوموسی بیرق افراشته‌اند، تبعهٔ عبدالعزیز ابن صعود می‌باشند معلوم نیست مقصود از صعود، ابن سعود پادشاه حجاز و نجد است یا ابن‌السعود دیگر است به طوری که در راپرت سابق ذکر کرده و صحیح هم هست شیخ رأس‌الخیمه و شارجه در آن جزایر بیرق افراشته و این شیوخ تبعهٔ کسی معلوم نیست باشند؛ و از طرف دیگر در راپرت ذکر شده علامت بیرق در تمب و ابوموسی یک پارچهٔ سرخ و حاشیه بیرق دورادور پارچه سفید است، علامت بیرق غیر از بیرق اعراب است. اگر این بیرق، بیرق اعراب نیست پس بیرق کیست. زیرا انگلیس غیر از سه قسم بیرق بیرق دیگری ندارد و در میان آنها هیچ یک همچو علامتی را ندارد. گذشته از اینها از طرف جهاز انگلیس یک پرده بیرق به چه مناسبت و چه مقصود تحویل محمود نام ایرانی ساکن جزیرهٔ تمب داده شده بود؟ و

اگر محمود هم نتوانسته است تمیز بدهد، علامت بیرق علامت انگلیس است یا اعراب چرا علامت آن را توضیح نداده! لهذا به ملاحظات فوق، از این راپرتها مفهوم صحیحی به دست نمی‌آید تا به یک نتیجه بتوان رسید. با این حال آن وزارت جلیله تصدیق می‌فرمایند که لازم است دستور به مأمورین محلی صادر شود که در راپرتهایی که می‌فرستند، نهایت دقت را نمایند که وزارتخانه‌های مربوطه نتیجه‌ومفهومی از آنها به دست بیاورند.

علاوه بر مراتب فوق به طوری که در مشروحهٔ نمرهٔ ۱۰۴ این وزارتخانه تصریح شده، دولت علیه جزایر مذکور را جزء مملکت ایران می‌شمارد و در سنهٔ ۱۳۲۲ برای تصرف و اجرای حق مالکیت اقدامات به عمل آورد. و از طرف دیگر دولت انگلیس مدعی است که آن جزایر متعلق به شیخ رأس‌الخیمه و شارجه است و این موضوع هم حال مدتی است بین دولت علیه و دولت انگلیس در ضمن مسائل دیگر مربوط به خلیج فارس، مورد مشاجره و مذاکره است و وزارت خارجه و دولت علیه در این خصوصات مذاکرات و اقدامات لازمه را اتصالاً تعاقب می‌نماید و از تحصیل حق دولت علیه، وزارت امور خارجه از تشبث به هیچ وسایل دیپلماسی و بین‌المللی فروگذار نمی‌کند. با این حال آن وزارت جلیله تصدیق می‌فرمایند این وزارتخانه در اجرای تکالیف و وظایف خود، ذرهٔ خودداری و تکاهل نورزیده و نخواهد ورزید.

نمونه ۳

محرمانه

وزارت امور خارجه

نمره ضبط ____________

نمره ۷۴۱

دوسیه ۴۳۰۷

موضوع مسوده تنب و ابوموسی

ضمیمه ____________

مسئول پاکنویس ____________

اداره کل ____________

اداره ____________

۲۷ | تاریخ تحریر ____________ | تاریخ پاکنویس ____________ | تاریخ ثبت و خروج ۲۶/۳/۱۳۱۰

عنوان مسوده ____________

عطف به راپرت نمره ۳۰۲۹ (۱۷ خرداد) جاریه در موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تنب و ابوموسی (?) ... راپرتهای ... هنگام ترجمه به وزارتخانه ... این نکته جلب توجه نمود که جملات راپرتها پیچیده و با ابهام میباشند!

در راپرت نمره ۱۸۲ متوجه (?) نوشته شده از طرف انگلیسیها در جزایر تنب و ابوموسی بیرق افراشته بوده (?) لیکن از طرف شیخ سلطان ابن سالم حکومت رأس الخیمه از افراشتن بیرق مخالفت بعمل آمد، از قرار معلوم نیست که بعد از افراشتن و بودن بیرق انگلیسی برای مدتی شیخ رأس الخیمه مخالفت کرده بود یا اینکه از اول مانع برافراشتن شده بود؟

ثانیاً مطابق آن متوجه (?) از قرار تحقیقات جزیره تنب را شیخ رأس الخیمه جزو توابع خود قرار داده و جزیره ابوموسی را شیخ شارجه جزو املاک خود قرار داده (چنانکه در نمره ۱۰۴ همین نکته تأیید شده است) در اینصورت چطور متوجه (?) شیخ رأس الخیمه در امور هر دو جزیره مداخله نماید! و در راپرت نمره ۱۷ ... که در جزایر تنب و ابوموسی بیرق افراشته از شیخ عبدالعزیز رأس الخیمه ... معلوم نیست مقصود از مسعود ابن سعود ... است یا ابن السعود دیگر است، بطوریکه در راپرت سابق ذکر گردید و صحیح هم هست شیخ رأس الخیمه و شارجه در آن جزایر بیرق افراشته و آنها ... معلوم نیست باشند.

نمونه ۳

وزارت امور خارجه

نمره ضبط ــــــــــ		موضوع مسوده ــــــــــ
نمره ــــــــــ	ادارهٔ کل ــــــــــ	ضمیمه ــــــــــ
دوسیه ــــــــــ	اداره ــــــــــ	مسئول پاکنویس ــــــــــ

تاریخ تحریر ــــــــــ تاریخ پاکنویس ــــــــــ تاریخ ثبت و خروج ــــــــــ ۱۳

عنوان مسوده ــــــــــ

و از طرف دیگر در راپورت ذکر شده "علامت بیرق در پشت والوری که با رنگ سرخ
و حاشیه بیرق هم راه دار با رنگ سفید است، علامت بیرق غیر از بیرق اعراب است"
اگر این بیرق بیرق اعراب نیست پس بیرق کی است، زیرا انگلیس غیر از سه قسم بیرق
بیرق دیگری ندارد، و در سیاق آنها هیچ این نحو علامتی را ندارند، که گذشته از اینها از طرف
اتباع انگلیس یک پرده بیرق که به مناسبت [illegible] مقصود و کوچکی محمود نام ایرانی ساکن جزیره [illegible]
حاضر شده بود؟ و اگر محمود هم توانسته است تمیز بدهد علامت بیرق علامت انگلیسی است
یا اعراب، چرا علامت آنرا توضیح نداده! لهذا تمیز عملیات فوق از این راپورتها معلوم
[illegible] است نباید تا یک نتیجه [illegible] رسید، با این حال دولت [illegible] تصدیق میفرمایند
که لازم است دستور [illegible] تا [illegible] مطلع [illegible] و هر دو راپورتهائی [illegible] دقت [illegible]
نمایند [illegible] که [illegible]
در [illegible] نتیجه و معلومی از آنها به دست بیاورند
علاوه بر این راپورت فوق [illegible] در نمره ۱۰۴ [illegible] تقریباً شده [illegible]
جزایر مذکوره متعلق به مملکت ایران میباشد و در سنه ۱۳۲۲ برای تصرف و اجرای حق
مالکیت اقدامات عملی آورده. و از طرف دیگر دولت انگلیس مدعی است در آن جزایر
[illegible] شیخ [illegible] راس الخیمه و شارجه است و این [illegible] حالی [illegible] است [illegible]

نمونه ۳

وزارت امور خارجه

نمره ضبط ________

____

ضمیمه ________

اداره کل ________

اداره ________

موضوع مسوده ________

ضمیمه ________

مسئول پاکنویس ________

تاریخ تحریر ________ تاریخ پاکنویس ________ تاریخ ثبت و خروج ________ ۱۳

عنوان مسوده ________

دولت انگلیس در این مسئله نیز مانند مسائل دیگر [illegible] خلیج فارس [illegible]

دولت علیه در خصوص مذاکرات و اقدامات [illegible] تعقیب نماید

و از [illegible] وزارت امور خارجه [illegible]

فروگذاری نکند [illegible]

[illegible]

۱۲

شماره: ۱۱۳
فرستنده: وزارت دربار
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ خرداد ۱۳۱۰
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

سواد کشف یک فقره تلگراف رمز واصله از بوشهر، لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال می‌شود.

وزیر دربار پهلوی
تیمور تاش

سواد مراسلهٔ وزارت جلیله پست و تلگراف نمره ۲۲۴ ۱۰/۳/۲۲

بعد از عنوان

یک ورقه رمز نمرهٔ ۲۵۱۵ بوشهر، برای استحضار خاطر مبارک محترماً تقدیم می‌گردد. در صورت اقتضا از شرف عرض و خاکپای مهر اعتلای مقدس بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه بگذرانید.

وزیر پست و تلگراف

سواد کشف رمز بوشهر از اداره کابینه وزارت پست و تلگراف نمره ۵۹۵/۱۳۱۰/۳/۲۲ شعبهٔ مرموزات

بعد از عنوان

راپرت واصله از رئیس پست لنگه: به طوری که در لنگه شایع است، جزیرهٔ تمپیار را که بین هنگام و بندر لنگه واقع و متعلق به دولت ایران است، انگلیسها از شیخ‌سلطان حکومت رأس‌الخیمه از قرار سالی پانصد روپیه به مدت پنجاه سال اجاره نموده‌اند.

۱۰/۳/۲۲ نمرهٔ ۲۵۱۵ــامضا

وزارت دربار پهلوی

اداره ....

تاریخ ۲۹/۳/ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۱۷۵/م

سواد کشف رمز [illegible] نمره ۵۹۵ ۱۳۱۰/۳/۲۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰/۳/۲۲ نمره ۲۵۱۹ [illegible]

وزارت دربار پهلوی

اداره ....

تاریخ ۲۹/۳/ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۱۷۵/م

سواد [illegible] نمره ۲۲۴ ۱۰/۳/۲۲

[illegible]

[illegible] کشف رمز ۲۵۱۵ [illegible]

[illegible]

۱۱۷۵/م
۱۳۱۰/۳/۲۹

نمره ...
وزارت جلیله امور خارجه

سواد کشف یک فقره تلگراف رمز واصله از یوشهر لنگه برای اطلاع آنوزارت جلیله ارسال میشود. تیمورتاش
وزیر دربار پهلوی

اکبر
۱۰/۳/۳۰

۱۰۶۵۲

السید نصرالله

شماره: ۱۱۴
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۹ آبان ۱۳۱۱
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ ۷۴۱ـ۲۶ـ۳ـ۱۰ صادره از ادارهٔ انگلیس راجع به موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تمب و ابوموسی، اینک سواد راپرت توضیحهٔ نمرهٔ (۳۱۰۰) گردان مستقل عباسی ، واصله از تیپ مستقل کرمان تلواً برای مزید استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌گردد.

سواد راپرت گردان مستقل عباسی نمره ۳۱۰۰ مورخه ۳ مهر ۱۳۱۱

بعدالعنوان

عطف به امریهٔ نمرهٔ ۵۰۳۸ ۱۱/۶/۲۹، طبق اطلاع حاصله جزیرهٔ بن موسی دارای هفت خانوار جمعیت و از طایفهٔ جاسمی که خود را تحت قیومیت شیخ شارجه می‌دانند، در دو سال قبل دولت انگلیس یک چوبی به اسم علم در آنجا نصب کرده تا مدت یک سال باقی بوده. بعداً به واسطهٔ دلتنگی که شیخ فوق‌الذکر از انگلیسها، علمی در آنجا نصب نشده فقط یک چوبی در آنجا باقی است که معروف است به علم شیخ و گاهی که شیخ شارجه بدانجا می‌آید، یک پارچهٔ قرمزی به اسم پردهٔ علم بدان نصب می‌نمایند. خاتمتاً معروض می‌دارد که جزیرهٔ بن موسی ضمیمهٔ بندر لنگه بوده و اهالی لنگه هم از طایفهٔ جاسمی می‌باشند.

یاور نصرتی

مورخه ۹ / ۸ / ۱۳۱۱

ضمیمه ۱

نمبر
۱۰ / ۸ / ۱۱

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن سوم

شعبه ۱

نمره ۹۱۴۲ / ۱۱۴۲ / ۱۰۱۵۱۰

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً به مرقومه نمره ۷۴۱ / ۲۶ / ۳ / ۱۰ - صادره از اداره انگلیس راجع

به موضوع برافراشتن بیرق خارجی در جزایر تنب و ابوموسی اینک سواد

راپرت توضیحیه نمره (۳۱۰۰) گردان [illegible] حاکی واصله از تیپ [illegible]

کرمان تلواً برای مزید استحضار آن وزارت جلیله ارسال میگردد.

از طرف وزیر جنگ - ~~رئیس ارکان حرب~~ امیر لشکر

نمره ۲۰۲۹۲

۱۳۱۱ / ۸ / ۱۰

۱۱۹۶

ارکان حرب کل قشون

سواد راپرت [illegible]

مورخه ۱۲/۷/ ماه ۱۳۱۱

نمره ۱۰۹۰۰

ضمیمه مکتوب نمره

وزارت جنگ

[illegible]

۵۰۴۸

۲۹/۱۰/۱۱

طبق اطلاع حاصله جزیره تنب بزرگ دارای بیست خانوار جمعیت و از طایفه [illegible] در تحت [illegible] شیخ شارجه میباشند در دو سال قبل دولت انگلیس یک چوب با اسم علم در آنجا نصب کرده تا یکسال باقی [illegible] بعد آنرا برداشته [illegible] که شیخ [illegible] از انگلیس [illegible] علمی در آنجا نصب [illegible] فقط یک چوب در آنجا [illegible] نصب [illegible] علم شیخ [illegible] شیخ شارجه [illegible] یک پارچه قرمزی با اسم [illegible] علم [illegible] جزیره تنب [illegible] از طایفه [illegible]

یاور [illegible]

شماره: ۱۱۵
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ خرداد ۱۳۱۲
متن سند:

آقای میرزا محمد خان شایسته ـ وزارت جلیلهٔ امور خارجه
آقای شایستهٔ عزیزم

خاطر شریف را مراجعه می‌دهم به مراسله خصوصی که جناب میرزا غفارخان جلال در تاریخ ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت)، بلافاصله قبل از حرکت خود در باب مذاکراتی که در سنهٔ ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) در باب جزایر تمب و ابوموسی به دوستدار نگاشته‌اند.

به نظر دوستدار چنین می‌رسد که اشتباهی رخ داده باشد و جناب آقای جلال به مناسبت عجله در حرکت خود، تاریخ مراسلهٔ مرحوم مشیرالدوله به عنوان سرآرترهاردینگ را که سواد آن را ارسال داشته بودند، اشتباهاً خوانده بودند. تاریخ مراسلهٔ مزبور ۳۱ می ۱۹۰۵ (۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۳) که اشعار داشته‌اند، نبوده بلکه ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴ (۲۹ ربیع الاول ۱۳۲۲) بوده است. در واقع در جواب این مراسله بوده که سرآرتورهاردینگ مراسلهٔ مورخهٔ روز ۱۵ ژوئن ۱۹۰۴ را که سواد آن را در طی مراسلهٔ خود مورخه ۲۶ اوت ۱۹۳۲ (۴ شهریور ۱۳۱۱) به جناب آقای جلال ارسال داشته‌ام، نگاشته بودند. در هر حال تصور نمی‌نمایم دولت علیه دو مراسله به یک مضمون به سفارت ارسال داشته باشند.

[پی نوشت:]
به عرض رسید.
سواد مراسلهٔ جناب آقای جلال در دوسیه نبود. به طور خصوصی از سفارت خواسته شد.

سفارت انگلیس طهران

۳ خرداد ۱۳۱۲

آقای شایسته عزیزم

خواهشمند است رجوع بنامه خصوصی که جناب آقای میرزا غفارخان جلال در تاریخ ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) بلافاصله قبل از حرکت خود درباب مذاکراتی که در سنه ۱۹۰۴ (۱۳۲۲) درباب جزایر تنب و ابوموسی [illegible] نگاشته‌اند.

بنظر دوستدار چنین میرسد که اشتباهی رخ داده و جناب آقای جلال بشتاب عجله در حرکت خود تاریخ نامه مرحوم مشیرالدوله بعنوان سر آرتور هاردینگ را که سواد آنرا ارسال داشته بودند اشتباهاً خوانده بودند. تاریخ نامه مزبور ۳۱ مه ۱۹۰۵ (۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳) نبوده بلکه ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴ (۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۲) بوده است. در واقع در جواب این نامه بوده که سر آرتور هاردینگ نامه مورخه ۱۵ ژوئن ۱۹۰۴ را که سواد آنرا در طی نامه خود مورخه ۲۶ اوت ۱۹۳۲ (۴ شهریور ۱۳۱۱) بجناب آقای جلال ارسال داشتم نگاشته‌اند. در هر حال تصور نمیفرمایم دولت شاهنشاهی دو مراسله بیک مضمون بسفارت ارسال داشته باشند.

British Legation,

TEHRAN.

May 28th 1933.

Dear Mr. Sheyesteh,

May I ask you to refer to the private letter which His Excellency Mirza Ghaffar Khan Jelal wrote to me on April 29th (9th Ordibehesht) immediately before his departure on the subject of the discussions that took place in the year 1904 (1322) respecting the islands of Tamb and Abu Musa.

It seems to me that some confusion has occurred, and that in the rush of departure Jelal has mis-read the date of the letter from Mushir-ed-Dowleh to Sir Arthur Hardinge of which he enclosed a copy. It was not dated May 31st, 1905 (Rabi-ul-Avval 26th 1323) as he stated, but June 14th 1904 (Rabi-ul-Avval 29th 1322). It was in fact in reply to this letter that Sir Arthur Hardinge wrote his note of June 15th 1904, of which I sent Jelal a copy in my letter of August 26th 1932 (4th Shahrivar 1311). At least I suppose the Imperial Government would not have sent the Legation two notes in identical terms.

Yours sincerely

R. H. Hoare

Mirza Muhammad Khan Sheyesteh,

Ministry for Foreign Affairs.

آقای میرزا محمدخان شایسته [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۱۶
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: به وزارت امور خارجه ارسال گردیده
تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۱۵
متن سند:
محرمانه مستقیم

وزارت مالیه
تعقیب نامهٔ شمارهٔ (س ۱۹۱۲/۱۰۷۲) ۱۵/۱۱/۱۷ راجع به استخراج گل سرخ از جزیرهٔ بوموسی اینک سواد گزارش خلیفه بن راشد، ضابط جزیرهٔ سری که به وسیلهٔ حکومت بنادر جنوب رسیده است، لفاً ایفاد می گردد.ــ از طرف وزیر داخله
سواد مطابق اصل است.

گزارش ضابط سری به حکومت لنگه

موضوع جزیرهٔ بن موسی واقع در خلیج ایران، اینک در چند سال قبل یک نفر کمپانی آلمانی برای استخراج معدن (گل گلک) از جزیرهٔ مذکور امتیاز از شیخ شارجه نموده بوده است که کمپانی مذکور در سنوات ماضیه اشتغال به کار گلک در جزیرهٔ مذکور داشته. بعد از آن تا به حال هم مدتی بوده که استخراج معدن مزبور ساقط، واحدی استخراج نداشته است تا آنکه سال گذشته موقعی که زمام حکمرانی لنگه عهدهٔ آقای فهیمی بود، مجدداً یک نفر کمپانی انگلیسی، امتیاز استخراج معدن مذکور از شیخ شارجه موسوم به سلطان ابن سقر نمود و محمولهٔ کشتی هم حمل و صادر داشته است. بعد از آن تا به حال استخراج معدن مذکور موقوف بوده ولی باز ازبیست روز به این طرف مجدداً کمپانی فوق الذکر اشتغال و استخراج معدن مذکور داشته و دارد و همچنین در اثر استخراج معدن جزیرهٔ مذکور، چند خانواده از اهالی جزیره سری قصد مسافرت و مهاجرت به عمان و بنی موسی داشته بوده. ولی اینجانب از مسافرت و مهاجرت ایشان از جزیره ممانعت و جلوگیری داشته‌ام و فقط چند نفری از ایشان برای اشتغال موقتی در جزیرهٔ بنی موسی عازم شده‌اند و قریباً مراجعت به سری می دارند و خانواده ایشان هم در جزیرهٔ سری مقیم معیشت دارند. ضابط سری خلیفه بن راشد. سواد مطابق اصل است ــ سواد مطابق سواد است.

اداره درامد معادن

وزارت مالیه

سواد نامه وزارت داخله نمره س ۱۱۰۱ / ۲۰۰۵ مورخه ۱۶ اسفند ۱۳۱۵ وزارت / اداره .... که اصل آن

به نمره .... و تاریخ .... در اندیکاتور ثبت شده

محرمانه مستقیم

وزارت مالیـــه

تعقیب نامه شماره (س ۲ ۱۰۷/ ۱۹۱۲) ۱۷/ ۱۱/ ۱۵ راجع باستخراج گل سـرخ
از جزیره بوموسی اینک سواد گزارش خلیفه‌بن راشد ضابط جزیره سری که بوسیله
حکومت بنادر جنوب رسید ه است لفا ایفاد میگردد. ـ ازطرف وزیر داخله
سواد مطابق اصل است.

۱۳۰۸

وزارت مالیه

اداره درامد معادن

سواد گزارش ضابط سری بحکومت لنگه

مورخه ________

نمره ________

موضوع جزیره بن موسی واقع در خلیج ایران اینک درچند سال قبل یکنفر کمپانی المانی برای استخراج معدن (گل گلك) از جزیره مذکور امتیاز از شیخ شارجه نموده بوده است که کمپانی مذکور در سنوات ماضیه اشتغال بکار گلك درجزیره مذکور داشته بعد ازان تا بحال هم مدتی بود که استخراج معدن مزبور ساقط و احدی استخراج نداشته است تا انکه سال گذشته موقعیکه زمام حکمرانی لنگه عهده اقای فهیمی بود مجددا یکنفر کمپانی انگلیسی امتیاز استخراج معدن مذکور از شیخ شارجه موسوم به سلطان ابن سقر نموده و محموله کشتی هم حمل و صادر داشته است بعد ازان تا بحال استخراج معدن مذکور موقوف بوده ولی باز از بیست روز باینطرف مجددا کمپانی فوق الذکر اشتغال و استخراج معدن مذکور داشته و دارد و همچنین در اثر استخراج معدن جزیره مذکور چند خانواده از اهالی جزیره سری قصد مسافرت و مهاجرت بعمان و بنی موسی داشته بوده ولی اینجانب از مسافرت و مهاجرت ایشان از جزیره ممانعت و جلوگیری داشتم و فقط چند نفری از ایشان برای اشتغال موقتی درجزیره بنی موسی عازم شده اند و قریبا مراجعت به سری میدارند و خانواده ایشانهم در جزیره سری مقیم و معیشت دارند ضابط سری خلیفه بن راشد ٠ـ سواد مطابق اصل است ـ سواد مطابق سواد است ٠

شماره: ۱۱۷
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ اسفند ۱۳۱۵
متن سند:

وزارت امور خارجه

به طوری که استحضار دارید به‌وسیلهٔ آن وزارتخانه از دولت انگلستان تقاضا شده است، مادام که تکلیف قطعی جزیرهٔ ابوموسی تعیین نگردیده، دولتین ایران و انگلیس از استخراج معدن خاک سرخ جزیرهٔ مزبور خودداری نمایند. معهذا مطابق اطلاعاتی که به این وزارتخانه رسیده است، برخلاف انتظار از طرف شرکت انگلیس که مرکز آن در انگلستان است و نمایندهٔ آن در شارجه می‌باشد، با اجازهٔ سلطان نام شیخ شارجه مرتباً اقدام به استخراج خاک سرخ نموده و به وسیلهٔ کشتی‌های استریک به خارجه حمل می‌نمایند. نظر به اینکه این اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی ایران است، متمنی است مراتب را به مقامات مربوطه یادآوری و تقاضا فرمایید که دستورات لازمه به کمپانی مزبور بدهند که از مداخله در امر استخراج معادن خاک سرخ جزیرهٔ فوق خودداری و نتیجه را هم به این وزارتخانه اعلام فرمایید.

کفیل وزارت مالیه

مدل ۵۵۱

تاریخ ۸/۱۲ ماه ۵ ۱۳۱

شماره ۴۷۹۹۴ ضمیمه ....

موضوع ــ خاک سرخ جزیره ابو موسي

وزارت مالیه

اداره ....

دایره ....

وزارت امور خارجـــه

بطوریکه استحضار دارید بوسیله انوزارتخانه از دولت انگلستان تقاضا شده است مادام که تکلیف قطعي جزیره ابوموسي تعیین نگردیده دولتین ایران و انگلیس از استخراج معدن خاک سرخ جزیره مزبور خود داری نمایند معهذا مطابق اطلاعاتي که باین وزارت خانـــه رسیده است بر خلاف انتظار از طرف شرکت انگلیس که مرکز آن در انگلستان است و نماینده آن در شارجه میباشد با اجازه سلطان نام شیخ شارجه مرتبا اقدام باستخراج خاک سرخ نموده و بوسیله کشتیهای استریک بخارجه حمل مینمایند نظر باینکه این اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهي ایران است متمني است مراتب را بمقامات مربوطه یاد آوری و تقاضا فرمائید که دستورات لازمه بکمپاني مزبور بدهند که از مداخله در امر استخراج معادن خاک سرخ جزیره فوق خود داری ونتیجه را هم باین وزارتخانه اعلام فرمائید ۰ ــ کفیل وزارت مالیـــه

۱۰/۱/۹

دفتر کابینه وزارت امور خارجه
نمره ۵۲۴۴
تاریخ ۹ آذر ماه ۱۲ ۱۵

شماره: ۱۱۸
فرستنده: گزارش ادارهٔ محرمانهٔ وزارت خارجه
گیرنده: وزیر خارجه
تاریخ: ۱۶ فروردین ۱۳۱۶
متن سند:

فوری است

به عرض می‌رسد

در دو سال قبل که شرکت انگلیسی موسوم به **Golden valley** ، اجازهٔ استخراج خاک سرخ جزیرهٔ ابوموسی را از شیخ محمود، شیخ شارجه تحصیل نمود و بعداً هم که انگلیسها شروع به استخراج خاک سرخ در جزیرهٔ مزبور نموده‌اند؛ حق مالکیت خودمان را به جزیرهٔ ابوموسی خاطرنشان نمودیم و نسبت به اقدام شرکت انگلیسی در تحصیل امتیاز و استفادهٔ غیر مشروع از منابع ثروت این جزیره اعتراض کردیم.

اقدامات خودمان را در آن وقت بر روی این پایه قرار داده‌ایم: دولت ایران ابوموسی را ملک خود می‌داند و اقدام شرکت به منزلهٔ تصرف مالکانه در مال غیر است و چون اساس مناسبات ما بر این است که تا موقع انعقاد عهدنامهٔ جدید نسبت به اختلافاتی که داریم، اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد، ننمائیم. لذا این اقدام را نقض قراری می‌دانیم که راجع به مسائل متنازع فیه فی‌مابین داده شده است.

سفارت انگلیس اظهار داشته که نقض قراری نشده چون شیخ شارجه فعلاً مالک و متصرف جزیره است، و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است. بنابراین کاری خارج از قاعده نشده است. در آن موقع به سفارت جواب داده شده، تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد، چون به مالکیت او ما معترض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی‌بماند تا تکلیف معلوم بشود. لذا شیخ حق نداشته تصرفاتی‌که دال بر مالکیت است بنماید.

چون وزارت مالیه اخیراً اطلاع می‌دهند که انگلیسها مرتباً خاک سرخ جزیرهٔ ابوموسی را استخراج و حمل می‌نمایند و این اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی است، بعلاوه نقض قراری است که راجع به مسائل متنازع فیه با انگلیسها داریم، لذا مراتب به عرض رسید تا در صورتی که تصویب بفرمایند در زمینه که سابقاً اقدام شده، مجدداً اقدام و به سفارت انگلیس اعتراض بشود.

اداره: ...
نمره:
تاریخ: ۱۰/۱/۱۶
ضمیمه: ...

وزارت امور خارجه

بعرض میرسد

در دو سال قبل که شرکت انگلیسی موسوم به Golden Valley اجازه استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسی از شیخ محمود شیخ شارجه تحصیل نمود و بعداً هم که انگلیسها شروع به استخراج خاک سرخ در جزیره مزبور نموده اند حق مالکیت خودمان را به جزیره ابوموسی خاطرنشان نمودیم ونسبت به اقدام شرکت انگلیسی در تحصیل امتیاز واستفاده غیر مشروع از منابع ثروت این جزیره اعتراض کردیم .

اقدامات خودمان را در آنوقت بر روی این پایه قرار داده ایم : دولت ایران ابوموسی را ملک خود میداند واقدام شرکت بمنزله تصرف مالکانه در مال غیر است وچون اساس مناسبات ما بر این است که تا موقع انعقاد عهدنامه جدید نسبت به اختلافاتیکه داریم اقداماتیکه اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد ننمائیم واین اقدام را نقض قراری میدانیم که راجع به مسائل متنازع فیه فیمابین داده شده است .

سفارت انگلیس اظهار داشته که نقض قراری نشده چون شیخ شارجه فعلاً مالك و متصرف جزیره است واعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است بنا براین کاری خارج از قاعده نشده است در آنموقع بسفارت جواب داده شده تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد . چون به مالکیت او ما معترض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتیکه دال بر مالکیت است بنماید .

چون وزارت مالیه اخیرا اطلاع میدهد که انگلیسها مرتباً خاک سرخ جزیره ابوموسی را استخراج وحمل مینمایند واین اقدام مخالف منافع دولت شاهنشاهی است بعلاوه نقض قراری است که راجع به مسائل متنازع فیه با انگلیسها داریم لذا مراتب بعرض رسید تا درصورتیکه تصویب بفرمایند درزمینه که سابقاً اقدام شده مجددا اقدام و بسفارت انگلیس اعتراض بشود .

[signature]

۲۹/۱/۳۱۶

شماره: ۱۱۹
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۵ خرداد ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت مالیه

عطف به نامهٔ شمارهٔ (۱۲۳۱۰) مورخهٔ ۱۶/۳/۱۶ راجع به عدم استخراج خاک سرخ در جزیرهٔ ابوموسی و جلوگیری از عملیات شرکت انگلیسی اشعار می گردد، موضوع با سفارت انگلیس مطرح گردیده و با اعتراض به عملیاتی که برای استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسی می‌شود تذکر داده شد که دولت ایران جزیرهٔ ابوموسی را ملک خود می‌داند و اقدام شرکت به منزلهٔ تصرف مالکانه در مال غیر است و چون اساس مناسبات ما بر این است که نسبت به اختلافاتی که داریم، اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت باشد، ننمائیم، لذا این اقدام را نقض قراری می‌دانیم که راجع به مسائل متنازع فیه بین دولتین ایران و انگلیس داده شده است و تقاضا شد دستور فوری به کمپانی مزبور صادر نمایند که از مداخله در امور استخراج معادن خاک سرخ جزیرهٔ نامبرده خودداری نماید. بدیهی است وزارت امور خارجه موضوع را دنبال نموده و نتیجه را در موقع به آن وزارتخانه اعلام خواهند داشت.

۳ ۱۲۲۲۰

ضبط:

نمره: ۱۰۲۲۲

سیره:

وزارت امور خارجه

اداره سوم سیاسی

موضوع مسوده

ضمیمه

مسئول پاکنویس

۱۰۵ | تاریخ تحریر ۲۳ / ۲ / ۱۶ تاریخ پاکنویس ۲۳ / ۲ / ۱۶ تاریخ ثبت و خروج ۲۴ / ۲ / ۱۳۱۶

عنوان مسوده وزارت مالیه

عطف به نامه شماره (۱۲۲۱۰) مورخه ۱۵ اردیبهشت ۱۵ راجع به عدم استخراج خاک سرخ

در جزیره ابوموسی و جلوگیری از جدیت شرکت انگلیسی اشعار میگردد موضوع به سفارت

انگلیس ابلاغ گردیده و در اوقاتی که جدیتی هم برای استخراج خاک سرخ جزیره ابوموسی

بشود تذکر داده شده هم دولت ایران جزیره ابوموسی را ملک خود میداند و اقدام

شرکت بمنزله تصرف مالکانه در مال غیر است و چون اساساً مناسبات

ایران با انگلیس هم نسبت به اختلافاتی که داریم اقداماتی که اسباب تشدید یا تغییر وضعیت

باشد ننمائیم لذا این اقدام را تصفیه قرار داده میدانیم در راجع به مسائل متنازع فیه بین

دولتین ایران و انگلیس داده شده است و وقت خواسته شد و شرکت مزبور را که کمپانی مزبور

مذاکره هم از دخالت در امور استخراج معادن خاک سرخ جزیره ابوموسی خودداری نماید

به عهده وزارت امور خارجه موضوع را دنبال نموده و نتیجه را در موقع به آن وزارت

اعلام خواهند داشت.

در دفتر [illegible] ابلاغ [illegible]

شماره: ۱۲۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۱۶ ش
متن سند:

وزارت مالیه

عطف به نامهٔ مورخه ۱۶/۵/۲۸ شمارهٔ ۱۹۳۹ راجع به استخراج گل سرخ جزیرهٔ ابوموسی به استحضار آن وزارتخانه می‌رساند، سفارت انگلیس اظهار می‌دارد که دولت انگلستان در نظریه که راجع به این موضوع در ۱۹۳۵. اظهار داشته است، باقی است و می‌گویند چون شیخ شارجه فعلاً مالک و متصرف جزیره است، و اعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است؛ لذا کار او خارج از قاعده نبوده و نقض قراری نشده است. به سفارت انگلیس جواب داده شد تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد، چون به مالکیت او متعرض هستیم و قرار شده است وضعیت به همین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتی که دال بر مالکیت است بنماید.

از طرف وزیر امور خارجه

سوم سیاسی

وزارت امور خارجه

موضوع مسوده ....

ضمیمه ....

مسئول پاکنویس ....

اداره ....

ضبط ....

تاریخ تحریر .... تاریخ پاکنویس .... تاریخ ثبت و خروج ۱۳

۵۰ >

عنوان مسوده ....

وزارت مالیه

عطف بنامه مورخه ۱۶/۵/۲۸ نماره ۹ ۱۹۲۹ راجع باستخراج گل سرخ جزیره ابو موسی باستحضار آن وزارتخانه میرساند سفارت انگلیس اظهار میدارد که دولت انگلستان در نظریه که راجع باینموضوع در ۱۹۲۵ اظهار داشته است باقی است و میگویند چون شیخ شارجه فعلا مالک و متصرف جزیره است واعطای امتیاز از حقوق طبیعی تصرف است لذا اکار او خارج از قاعده نموده و نقض قراری نشده است بسفارت انگلیس جواب داده شد تصرف غیر از مالکیت است و بر فرض اینکه جزیره در تصرف شیخ باشد چون بمالکیت او تصدیق نشده و قرار شده است وضعیت بهمین حال باقی بماند تا تکلیف معلوم بشود لذا شیخ حق نداشته تصرفاتیکه دال بر مالکیت است بنماید

از طرف وزیر امور خارجه

شماره: ۱۲۱
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ شهریور ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت امور خارجه

از اقداماتی که نسبت به مداخلات شیخ شارجه در جزیرهٔ ابوموسی و فروش خاک سرخ آنجا فرموده و نتیجه را به وسیله ۲۶۴۳۴/۲۵۰۸ اعلام فرموده‌اید، استحضار حاصل گردید. ضمناً مقتضی است به مقامات مربوطه تذکر بدهند که اتباع انگلیس نبایستی از این وضعیت استفاده نموده و با پرداخت وجه قلیلی یکی از معادن مهم جزیره را متصرف و بهره‌برداری نماید. در خاتمه انتظار می‌رود که با توجهات آن وزارتخانه، موضوع جداً تعقیب و بیش از این موجبات خسارت دولت فراهم نگردد.

کفیل وزارت مالیه

مدل ۵۵۱

بتاریخ ۲۷/۹ ماه ۱۳۱۹

شماره ۲۶۴۸۴ ضمیمه ....

موضوع ـ گل سرخ جزیره ابوموسی

[و]زارت مالیه

....

[ا]داره معادن

....

وزارت امور خارجــــــه

از اقداماتی که نسبت بمداخلات شیخ شارجــه در جزیره ابوموسی و فروش خاکسرخ انجا فرموده و نتیجه را بوسیله ۲۵۰۸/ ۲۶۴۳۴ اعلام فرموده ایــد استحضار حاصل گردید ضمنا مقتضی است بمقامات مربوطــه تذکر دهند که اتباع انگلیس نبایستی از این وضعیت استفــاده نموده وبا پــرداخت وجه قلیلی یکی از معادن مهم جزیره رامتصرف و بهره برداری نماید درخاتمه انتظار میرود که با توجهات انوزارتخانه موضوع جدا تعقیب و بیش از این موجبات خسارت دولت فراهم نگردد . ـ کفیل وزارت مالیه

[امضا]

۲۷۴۶۸
۱۳۱۹/۱۰/۱
۲۸

۲۶۳۸
۱۹/۱۰/۱۳

شماره: ۱۲۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۲۵ دی ۱۳۱۶
متن سند:

وزارت مالیه

پاسخ شمارهٔ $\frac{۳۴۴۲۸}{۳۸۲۵ش}$ راجع به مداخلهٔ شیخ شارجه در جزیرهٔ ابوموسی اشعار می‌شود که در تعقیب اظهارات و تذکرات مکرر سابق، مجدداً با سفارت انگلیس مذاکره و خاطرنشان شد که چون دولت شاهنشاهی معترض مالکیت شیخ مزبور نسبت به جزیره ابوموسی می‌باشد، و قرار شده است وضعیت به همین حال بماند تاتکلیف معلوم شود. لهذا مداخلات شیخ‌شارجه در آنجا چه به عنوان تصرف و چه به عنوان مالکیت، موردی ندارد و عملیات مشترک انگلیس برای استخراج خاک سرخ آن جزیره هم مخالف ترتیب راجع به حفظ استاتوکو می‌باشد. سفارت انگلیس وعده داده نتیجهٔ اقدامات خود را به وزارت امور خارجه آعلام دارد.

۲

وزارت امور خارجه

ضبط:	موضوع مسوده:
شماره:	ضمیمه:
به:	اداره:
	مسئول پاکنویس:

۳/۳ — تاریخ تحریر ۲۰/۱۰/۱۵ — تاریخ پاکنویس ۱۵/۱۰/۲۰ — تاریخ ثبت و خروج ۱۵/۱۰/۲۵ ۱۳

عنوان مسوده: وزارت مالیه

پاسخ نامه شماره ۴۴۴۲۸/۳۸۲۵ راجع به مخالفت شیخ شارجه در جزیره ابوموسی اشعار میشود که در تعقیب اظهارات مکرر
و مذاکرات مکرر شفاهی مجدداً با سفارت انگلیس مذاکره و خاطرنشان نموده چون دولت شاهنشاهی معترض مالکیت
شیخ مزبور نسبت بجزیره ابوموسی میباشد و قرار شده است وضعیت بهمین حال بماند تا تکلیف قطعی معلوم شود لهذا استخواسته
شیخ شارجه در اینجا چه بعنوان تصرف و چه بعنوان مالکیت حق ندارد عملیات شرکت انگلیسی برای استخراج خاک
سرخ آن جزیره بهم خواهد زد ترتیب ~~[illegible]~~ راجع کنند تا ترتیب ~~[illegible]~~ میباشد. سفارت انگلیس وعده داد

نتیجه اقدامات معموله هم بوزارت امور خارجه اعلام دارد.

[امضاء]

این مذاکره بنا بر ... شفاهی ... سفارت انگلیس در ۲۰/۱۰/۱۵ واقع شد

[امضاء]

رئیس

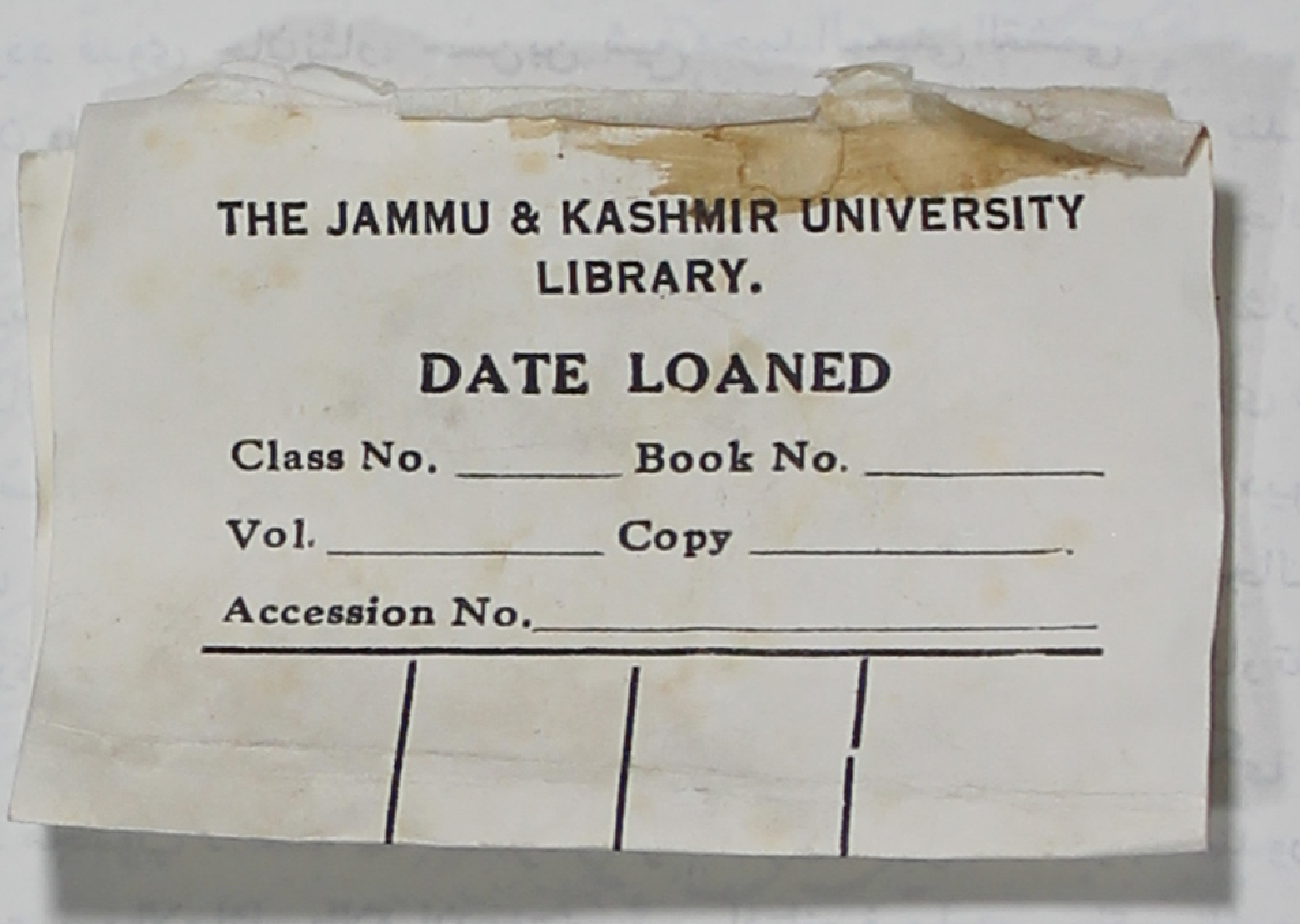
THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.
DATE LOANED
Class No. ______ Book No. __________
Vol. __________ Copy __________
Accession No. __________________

فصل ۳

قشم

شماره: ۱۲۳
فرستنده: حسن بن شیخ محمد المعینی القشمی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۰ق
متن سند:

تصدقت گردد فدوی جان‌نثار، حسن بن شیخ محمد المعینی القشمی

چون واجب و لازم است که هر روزه به عرایضات حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل امجد افخم روحی فداه جسارت نموده، اظهار چاکری و جان‌نثاری خود نماید. به دست آویز مراحم بیکران گستاخی نمود استدعای فدوی جان‌نثار براین است که در هر حال نظر مرحمت اثر شامل حال فدوی دانسته که ملجأ و ملازی دیگر ندارم. چاکر سالهاست که آباً عن جداً نیابت جزیرهٔ قشم داشته‌ایم و خدمت به دیوان نموده در فرمانبرداری و تنظیم ملک و رعایا هیچ کوتاهی نداده امساله علی العجاله که جزیرهٔ قشم به دیگری واگذار شده ولی امیدواری تمام دارم که باز به خود جان‌نثار تفویض شود. مستدعیم که جان‌نثار از خواطر مرحمتی مظاهر محو نفرموده و در سلک یکی از چاکران و بستگان خود محسوب دانسته که مقصود و مرام فدوی همین است و به صدور قواله‌جات مرحمت آیات بین الاماثل والاقران مفتخر و سرافرازم فرمایند. باقی ظل عالی مخله و لایزالی.

تصدقت شوم

فدوی خان محسن بن شیخ محمد
المعیری القمی

... و لازم است که هر روزه به اطلاعات حضور مبارک برسانند

حضرت مستطاب اجل امجد افخم روحی فداه صدارت پناه الطاف عالی و غمخواری خود را نسبت با فدوی مرحمت فرموده سرافراز

گستاخی نمود بسعادت فدوی شاهد بر این است که در هر حال الطاف و مرحمت آن حضرت شامل حال فدوی بوده و داشته است

علی الخصوص که فدوی تربیت یافته چاکر آستان مبارک هستم از این جهت فدوی جز برضای خاطر مبارک قدمی برنداشته‌ام و خدمت بر وجه احسن نموده

در فرمان برداری و نظم ملک و ملت هیچ کوتاهی نکرده با تمام قوت در تمشیت امور جدیت داشته و کلیه امور را به صداقت انجام داده شده

و البته در نوبه خود امیدواری تمام دارم که باز هم از آن عنایات و الطاف همیشگی که از خود آن حضرت مرحمت شده بهره‌مند شوم

و دیگر یکی از چاکران و بستگان نیز مجبور است مقصود و مرام فدوی را به اطلاع حضور مبارک برسانند و تصدیق

مرحمت و عنایات بالی الایام و الاوقات معظم و سرافراز فرمایند ایام عظمت و اقبال مستدام باد الاحقر

شماره: ۱۲۴
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷ مرداد ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در ورود به بوشهر لزوماً از کارگذار لنگه پارهٔ توضیحات لازمه نسبت به تصرفات انگلیسها در لافت و باسعیدو و وضعیت آنجاها خواسته بودم که جواباً به رسم اختصار بعضی اطلاعات داده و برای تکمیل تحصیل اطلاعات مفیده اجازه مسافرت به عباسی خواسته بود، چون لافت و با سعید از اضلاع جزیرهٔ قشم در بندرعباس نزدیکتر است، بهتر آن دانستم که تحقیقات لازمه از کارگذار عباسی به عمل آید و بنابراین شرحی به کارگذار مشارالیه اشعار و توضیحات لازمه را سریعاً خواستار شدم. اینک راپورتی تحت نمرهٔ ۳۷۰ از کارگذار عباسی متضمن مشروحه جداگانه که شامل وضعیات با سعید و تصرفات انگلیسها است به ضمیمهٔ سواد نقشه آنجا که از دفتر قدیم مأمور متوفی انگلیسها حاج محمود نام حفاظ استخراج نموده، به کارگذاری کل رسیده است که محض استحضار وزارت جلیله خارجه سواد راپورت واصله و منضمات آن را لفاً تقدیم می‌دارد. با سعید و نقطهٔ مهم استراتژی و برای لنگرگاه کشتی‌ها بهترین بندر جزیرهٔ قشم است.

عبدالله

[پی نوشت:]

بندر لافت از بنادر جزیره قشم است.

سواد راپورت کارگذاری عباسی به تاریخ ۲ اسد ۱۳۰۲

نمرهٔ ۷۱۸ زیارت کرده، از بابت لافت تاکنون اجانب در آنجا تصرفات نداشته سابقاً هم نداشته اند. نقطهٔ مزبوره قصبهٔ معتبری است از جزیره قشم در شمال جزیره در کنارهٔ دریا واقع است. از بابت با سعید و شرح آن نگاشته لفاً تقدیم داشت با نقشه آن که از دفتر قدیمه حاجی محمد محمود حفاظ مأمور متوفی انگلیسها برداشته شده است.

کارگذار عباسی محمد علی

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دایره ۱۲۰۲
تاریخ ۱۷ اسد [illegible]
نمره ۸۳۱

بندر لافت از بنادر جزیره قشم است

مقام منیع وزارت جلیله خارجه

در ورود بوشهر [illegible] کارگذار لنگه [illegible] جنرال قونسول [illegible]
[illegible] خواسته بودم که جواب [illegible] اطلاعات [illegible]
[illegible] اطلاعات [illegible] خواسته بود چون [illegible]
در خصوص جزیره قشم [illegible] تهران داشتم [illegible]
[illegible] بنابراین شرحی [illegible] جنرال قونسول [illegible]
[illegible] نمره ۳۷۰ [illegible] کارگذار [illegible]
[illegible] تصرفات انگلیسها [illegible] نقشه [illegible] قشم [illegible]
[illegible] خط [illegible] [illegible] جزیره [illegible]
[illegible] اظهارات [illegible] تقدیم [illegible]
[illegible] بندر جزیره قشم [illegible]

[illegible] ۱۰ / ۶ / ۷

[illegible]

۱۲۵ [illegible]
۱۳۰۱ [illegible]
۱۳۶۲۱ [illegible]

مورخه شهر ۱۳

مطابق ۲ برج اسد ۱۳۰۲ ئیل

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

سواد راپورت کارگذاری عباسی

نمره مراسله ۳۶۷۰

۷۱۸ زیارت گردید از بابت لافت بالکوتن اجانب در آنجا تصرفات نه اکنون سابقاً هم نداشته‌اند

نقطهٔ مزبوره قصبهٔ معتبری است از جزیرهٔ قشم در شمال جزیره در کنارهٔ دریا واقع است —

از بابت باسعیدو شرح آن نگاشته لفاً تقدیم داشت با نقشهٔ آن که از دفتر قدیمهٔ حاجی محمد محمود حفاظ

مأمور متوفی انگلیس‌ها برداشته شده است —

کارگذار عباسی

مطابق است

شماره: ۱۲۵
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۴ بهمن ۱۳۰۴
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

مرقومهٔ مطاعهٔ مورخهٔ ۱۴ دی ماه نمرهٔ ۲۰۷۸۰ راجع به با سعیدو زیارت گردید. مداخلهٔ انگلیسها به قراری که تحقیق شده است، از سنهٔ ۱۲۳۴ بوده که از آنجا به عنوان استاسیون کشتی‌ها ابنیه و عمارت مفصلی ساخته بودند و در سنهٔ ۱۳۰۰ محل مزبور را ترک کرده به هنگام رفتند و فقط یک نفر مستخدم ایرانی را در آن ابنیه گذارده که همه روز بیرق دولت انگلیس را در آنجا می‌افراشتند و در جنگ بین‌المللی ابنیهٔ مذکوره که قدری مخروبه شده بود، مجدداً تعمیر نموده و یک عده قشون در آنجا داشتند به طوری که سابق عرض شده است، از آن تاریخ به بعد دیگر در آنجا بنای جدیدی احداث نکرده‌اند. اینکه کفیل کارگذاری در ضمن راپورت نمرهٔ ۸۸۸ عرض نموده است، از طرف دولت علیه ایران با سعیدو به انگلیسها واگذار شده در این باب سندی و مدرکی در دفتر کارگذاری هم نیست ولی مشارالیه اظهار می‌دارد که موقعی‌که کارگذار بندرعباس بوده و مخصوصاً برای پاره‌ای تحقیقات به محل مذکور رفته، سواد فرمان مرحوم فتحعلی شاه قاجار را که خطاب به سیدسعید امام مسقط صادر شده، در دفتر انگلیسها که در نزد همان ایرانی مستحفظ بوده، دیده است. ممکن است سواد آن فرمان هم از میان رفته باشد البته پس از اینکه وزارت جلیله خواستند راجع به محل مذکور مذاکر و اقدامی فرمایند اگر انگلیسها فرمان و مستمسکی داشته باشند، ارائه خواهند داد.

وزارت امور خارجه

کارگذاری اول بنادر

خلیج فارس

نمره ۱۰۳۳

ضمیمه —

بتاریخ ۲۴ برج بهمن ماه سنه ۱۳۰۳

[illegible]

شماره: ۱۲۶
فرستنده: راپرت ادارهٔ اول سیاسی وزارت امور خارجه
گیرنده:
تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش
متن سند:

راپورت

در خصوص با سعیدو که مراسلهٔ نمره ۵۰۰۱ وزارت مالیه را به ادارهٔ اول سیاسی مراجعه و مقرر فرموده‌اند، اظهارنظر شود. مراتب ذیل را مطابق سوابقی که در دوسیه امر موجود است، به عرض می‌رساند: از وزارت جنگ در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ نهم آبان ۱۳۰۴، سواد راپورتی از ارکان حرب جنوب واصل و مشعر بود براینکه در باسعیدو که جزو جزیرهٔ قشم است، در موقع جنگ بین‌المللی انگلیسها، عمارات و انبار ذوغال [زغال]سنگ بنا کرده و بعد از جنگ محل مزبور را تخلیه و به هنگام رفته و در ثانی به باسعیدو مراجعت و مشغول تعمیرات شده‌اند. برطبق راپورت مزبور، از وزارت خارجه شرحی به کارگذاری بنادر نوشته شده بود که تحقیقات لازمه را نموده، راپورت دهد. از کارگذاری مزبور جوابی رسیده که انگلیسها در سنهٔ ۱۸۱۸ میلادی فرمانی به اسم بنای استاسیون برای کشتی‌های جنگی از دولت ایران در زمان فتحعلی شاه گرفته و بنایی‌در آنجا نموده‌اند و در سنهٔ ۱۳۰۰ هجری آنجا را متروک داشته و به یک نفر از گماشتگان خود که تبعهٔ ایران‌بوده، تفویض‌کرده‌اند که در روزهای یکشنبه بیرق انگلیس را در آنجا بلند نموده و در جنگ عمومی مجدداً آنجا را تعمیر و انبار ذوغال [زغال]سنگ نموده و بعد از جنگ باز آنجا را متروک و به همان ایرانی گماشتهٔ خود واگذار کردند و چون در دفتر وزارت امور خارجه، سابقه راجع به فرمان واگذاری آن قسمت به انگلیسها نبوده و فقط راپورتهایی از کارگذاری عباسی و بنادر در دفتر کل موجود است که آنها هم اشاره به فرمان کرده‌اند که بنای استاسیون در جزیرهٔ قشم برطبق آن فرمان بوده، مجدداً به کارگذاری بنادر اشعار شده است که هرگونه مدرک در این خصوص به دست آورد به وزارت امور خارجه ارسال دارد. از کارگذاری مزبور راپورتی رسیده که به سند و مدرکی دسترس‌پیدا نکرده‌اند.

نظر به مراتب معروضه در فوق، عقیدهٔ اداره اول این است که از سفارت انگلیس مدرک تصرفات آنها در نقطهٔ مزبوره خواسته شود که در صورتی که مدرکی داشته باشند،

معلوم شود که تا چه حد و چه مقدار اجازه و امتیاز دارند. والاّ رسماً تقاضای کف بر آنها بشود. ضمناً این نکته را معروض می‌دارد که مطابق راپورتهای موجوده در موقع جنگ عمومی، انگلیسها در پاره نقاط دیگر جنوبی ایران نیز بناهایی نموده و بعد از جنگ خراب کرده‌اند. سواد شرحی که از کارگذاری عباسی راجع به وضعیت باسعیدو و تصرفات انگلیسها در آنجا به ضمیمهٔ سواد نقشه آنجا به کارگذاری بنادر فرستاده شده و از آنجا به وزارت امور خارجه ارسال داشته‌اند نیز محض مزید استحضار خاطر مبارک تلواً تقدیم می‌شود.

[پی نوشت:]

مدلول این راپورت سابقاً به عرض وزرای وقت هم رسیده بود، ولی تصمیم قطعی اتخاذ ننمودند.

۴ نمونه (۸)

بتاریخ ۶ ۱ آبان ماه سنه ۱۳۰۴

نمره: ضمیمه ۸ [illegible]

وزارت امور خارجه

اداره: [illegible]

دائره:

راپورت

درخصوص [illegible] (۵۰۰۱) وزارت جلیله [illegible] متوجه [illegible]

که در [illegible] وزارت جنگ [illegible] مورخه نهم آبان ۱۳۰۴ [illegible]

[illegible] قسمت است [illegible] عمارات [illegible]

[illegible] راپورت [illegible]

۱۸۱۸ [illegible] راپورت [illegible]

۱۳۰۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نظر به [illegible]

ل - ۲۸۳

خواهش شود [illegible] معلوم شود که تا چه قدر [illegible] دارند و [illegible]

[illegible] که مطابق [illegible] در جنگ عمومی انگلیسها داشته [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] جنگ [illegible] که [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible] وزرای [illegible]

تقدیم حضور [illegible] شد

شماره: ۱۲۷
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۸ تیر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اشرف آقای میرزا محمدعلی‌خان فروغی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

سررجینالد هور، در طی مراسلهٔ خود، نمرهٔ ۱۲۶ مورخهٔ ۱۷ مارس (۲۶اسفند ۱۳۱۱)، محترماً به استحضار خاطر جناب اشرف رسانیدند که مأمورین ایرانی داخل در حوزهٔ انگلیس در باسعیدو شده و از چند نفر از صاحبان نخلستانها مالیاتهایی اخذ کرده‌اند. سواد قبوض مربوطه نیز ارسال گردیده بود.

۲. حال اطلاع یافته‌ام که در تاریخ ۱۰ می گذشته (۲۰اردیبهشت)، رئیس ادارهٔ مالیهٔ جزیرهٔ قشم، دو نفر از این اشخاص را به باسعیدو ایران احضار نموده و مدت چهار ساعت آنها را توقیف کرده است. مشارالیه سعی کرده بود که به وسیلهٔ تهدید قبوضی را که بابت مالیات به آنها داده بودند، پس بگیرد. لکن چون قبوض را به خارج فرستاده بودند، نتوانستند به این امر اقدام نمایند. بعلاوه مجبور شده‌اند نوشته امضا نمایند دایر به اینکه درختهای آنها در خاک ایران غرس شده و خود آنها رعایای ایران هستند. موضوع اولی برخلاف حقیقت است. اما مطلب ثانی محتمل است حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد. لکن در هر صورت به هیچ‌وجه ربطی با موضوع اخذ مالیات در نواحی انگلیس ندارد.

۳. محترماً خواهشمندم که تعلیمات لازمه به مأمورین محلی داده‌شود که ازاین قبیل رفتار خودداری نمایند و نیز خاطرنشان می‌نمایم که سررجنیالدهور، در مراسلهٔ خود مورخهٔ ۱۲ می گذشته (۲۲اردیبهشت) اشکالاتی را که در نتیجهٔ اقدامات این اعضای جزء تولید می‌گردد به استحضار خاطر جناب اشرف رسانیدند.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نماید.

[پی نوشت:]

به عرض مقام وزارت رسید، فرمودند نوشتن به وزارت مالیه صلاح نیست که این

قبیل اقدامات از طرف مأمورین ایران نشود. باید شفاهاً مذاکراتی نمود تا اصل مسئله حل شود.

British Legation,

Gulhek.

19th July, 1933.

No. 372.

Monsieur le Ministre,

In his note No. 126 of March 17th (Esfand 26th, 1311), Sir Reginald Hoare had the honour to bring to Your Highness' notice the fact that Persian officials had entered the British area at Basidu and had collected taxes from certain owners of date gardens. Copies of the receipts given were enclosed.

2. I now learn that on May 10th last (Ordibehesht 20th) the head of the Malieh Department of Kishm Island summoned two of these men to Persian Basidu and detained them for four hours. He tried by threats to make them hand back the receipts they had been given for their taxes, but the receipts had been sent away and they could not do so. They had also to sign a letter stating that their plantations were in Persian territory and that they were Persian subjects. The first admission is incorrect; the second may or may not be true, but is quite irrelevant to the question of taxation in the British area.

/3.

His Highness
Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi,
Minister for Foreign Affairs.

3. I have the honour to request that instructions be sent to the local authorities to refrain from conduct of this nature and to point out that Sir Reginald Hoare, in his letter of May 12th last (Ordibehesht 22nd), has already brought to Your Highness' notice the difficulties that are being caused by the actions of these subordinate officials.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

Vaz[illegible]

ممکن است حقیقت داشته باشد یا نداشته باشد.
ولی در هر صورت بهیچوجه ربطی بموضوع رفع مالیات
در نواحی انگلیسی ندارد.
سوم ـ محترماً خواهشمندم که تعلیمات لازمه بمأمورین محلی
داده شود که از این قبیل رفتار خودداری نمایند و نیز
خاطرنشان نمایند که سر رجینالد هور بموجب مراسله خود
مورخه ۱۲ می گذشته (۲۲ اردیبهشت) اشکالاتی را
که در نتیجه اقدامات این اعضاء جزء تولید میگردد باطلاع
خاطر والا رسانیده‌اند.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینماید.

بعرض مقام وزارت رسید
[illegible] نوشتجات وزارت [illegible] در جنوب [illegible]
[illegible] اقداماتی از طرف مأمورین ایران
نشود. [illegible]
[illegible] ۱۲/۵

جواب داده شد.

شماره: ۱۲۸
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول مهر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای انوشیروان خان سپهبدی کفیل وزارت امورخارجه
آقای کفیل

محترماً وصول مراسله را که جناب اشرف آقای میرزا محمد علی خان فروغی در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ (۱۲ سپتامبر جاری) به دوستدار نگاشته اند و راجع بوده است به پایین کشیدن بیرق انگلیس در باسعیدو در ۳۱ژوییه گذشته (۹مرداد ۱۳۱۲)، از طرف صاحب منصبان بحریهٔ دولت علیه اطلاع می دهم.

۲. دوستدار بفوریت متن مراسلهٔ مزبور را به وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم حال برحسب دستورالعمل معزی الیه، خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازم که دوستدار تأیید مندرجه در مراسلهٔ فوق الذکر را نسبت به اظهاراتی که جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در تاریخ ۲۶ اوت گذشته (۴ شهریور) شفاهاً به دوستدار فرمودند، یاداشت نمودم. به این معنی که اقدام صاحب منصبان فوق الذکر از بحریهٔ دولت شاهنشاهی با اجازهٔ دولت علیه نبوده و دولت علیه آن را رد کرده است و اینکه اقدام دیسیپلین به عمل آمده و احکامی صادر شده که از اقدامات بحریهٔ دولت علیه که ممکن است به یک اتفاق بین المللی منجر شود، جلوگیری به عمل آید و علاوه براین احکامی به مأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که به ترتیبات بحری انگلیس مداخله ننمایند و مخصوصاً این مسئله را تأمین کند که صاحب منصبان بحریهٔ دولت علیه در آتیه چنانچه با یک وضعیت غیرعادی مواجه شوند که دارای جنبهٔ بین المللی باشد، قبل از مبادرت به هر اقدامی به طهران مراجعه و کسب تکلیف نمایند.

۳. به اتکای اظهارات فوق الذکر و اطمینانهای کتبی و شفاهی دولت علیه، محترماً خاطر جنابعالی را مستحضر می‌سازم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس مسرورند از اینکه می‌توانند این قضیه را خاتمه یافته محسوب دارند.

۴. ضمناً سرجان سایمون به دوستدار دستورالعمل داده‌اند که بار دیگر توجه

جدی جنابعالی را معطوف سازم به شکایات مختلفه که برعلیه اقدامات بحریهٔ ایران و سایر جهازات مسلح متعلقه به دولت علیه در مورد دیدن بدون اجازهٔ محل چراغ دریایی در جزیرهٔ تمب (رجوع شود به مراسله دوستدار نمره ۴۲۹ مورخه ۲۲ اوت (۳۱ مرداد) و در مورد سه فقره قضایای مربوطه به مداخلاتی که در بلمهایی که دارای بیرق کویت بوده به عمل آمده (رجوع شود به مراسلات دوستدار نمره ۳۶۲—۳۹۴—۳۹۵ مورخه ۱۸ژوییه (۲۷تیر) ۲۹ژوییه (۷مرداد) ۲۹ژوییه (۷مرداد) و در باب اقدامات بی‌قاعدهٔ یک قایق بخاری مسلح گمرک در آبهای ساحلی مسقط) (رجوع شود به مراسلهٔ نمرهٔ ۴۰۳ مورخهٔ ۳اوت (۱۲مرداد) به عمل آمده است. محترماً اظهار امیدواری می‌نمایم که بزودی جوابهای عاجل و رضایت‌بخشی به مراسلات فوق‌الذکر که مبتنی بر اطمینانهای دوستانه که حال دولت علیه داده‌اند بوده باشد، دریافت دارم.

۵. در این مورد و به ملاحظهٔ اطمینانهای جامع مذکور در فوق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را محق می‌دانند چنین تصور کنند که بحریهٔ دولت علیه حال تعلیمات قطعی دریافت داشته است که در اواسط دریای خلیج‌فارس از مداخله به بلمهای هندی و جهازات متعلق به حکومتهای عرب واقعه در ساحل خلیج‌فارس خودداری نمایند. این را یک چنین مداخله‌از طرف یک جهاز جنگی خارجی از حدود آبهای ساحلی خود در مواردی که مقررات عهدنامهٔ مخصوص بین حکومتهای مربوطه وجود نداشته باشد، بکلی با قانون و رسوم بین‌المللی مخالف است. بلاشک فقط به ملاحظهٔ عدم اطلاع از این موضوع بوده است که قضایای مورد شکایت در سابق اتفاق افتاده. با این تصور که تعلیمات لازمه از طرف دولت علیهٔ ایران به مضمون فوق صادر شده است، به صاحب‌منصب ارشد بحری انگلیس در خلیج‌فارس اطلاع داده شده که دیگر جهتی مشاهده نمی‌شود که تکرار نظایر این قضایا پیش‌بینی شود. این سوءتفاهمهایی که موجب این حوادث بوده، مرتفع گردیده است.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

سفارت انگلیس قلهک

سواد ترجمه یادداشت

۲۵۰۱۸

نمره ۴۸۰

British Legation,

Gulhek.

23rd September, 1933.

No. 480.

آقای کفیل

متن مراسله‌ای را که جناب اشرف آقای میرزا محمدعلی خان
فروغی در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۱۲ (۱۲ سپتامبر) خطاب به
دوستدار نگاشته بودند راجع به پائین کشیدن بیرق
انگلیس در باسعیدو در ۳۱ ژوئیه گذشته (۹ مرداد ۱۳۱۲)
توسط صاحبمنصبان بحریه دولت علیه ایران وصول گردید.
۲ — دوستدار فوراً متن مراسله مزبوره را به وزیر امور خارجه
اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم مطابق دستور ایشان
مفتخر است خاطر جنابعالی را مستحضر سازد که دوستدار تأیید
مندرجه در مراسله فوق الذکر را نسبت به اظهاراتی که
جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در تاریخ ۲۶ اوت گذشته
(۴ شهریور) شفاهاً به دوستدار فرموده بودند یادداشت نمودم
با این معنی که اقدام صاحبمنصبان فوق الذکر از بحریه دولت
شاهنشاهی بدون اجازه دولت علیه بوده و دولت علیه آنرا
رد کرده است و اینکه اقدام دیسیپلینی اتخاذ و احکامی
صادر شده که از اقدامات بحریه دولت علیه که ممکن است

جناب مستطاب اجل آقای انوشیروان خان سپهبدی کفیل وزارت امور خارجه

Monsieur le Gérant,

I have the honour to acknowledge receipt of the note addressed to me on September 12th last (Shahrivar 21st, 1312) by His Highness Mirza Mohamed Ali Khan Feroughi, on the subject of the hauling down of the British flag at Basidu on July 31st last (Mordad 9th, 1312) by officers of the Imperial Persian navy.

2. I immediately communicated the text of this note to His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs, on whose instructions I have the honour to inform Your Excellency that I take act of the confirmation contained therein of the statements already made to me orally by His Highness the Minister for Foreign Affairs on August 26th last (Shahrivar 4th), namely that the action of the said officers of the Imperial Persian Navy was unauthorised by and disapproved by the Imperial Government; that disciplinary action has been taken and orders issued with a view to prevent

/action

His Excellency
Mirza Anoshirvan Khan Sepahbodi,
Acting Minister for Foreign Affairs.

action by the Imperial Persian navy which might lead to an international incident; and further that orders have been issued to the responsible Persian naval authorities to avoid interference with British naval arrangements and in particular to ensure that officers of the Imperial Persian navy shall in future report to Tehran for orders before taking action when confronted with an unusual situation of an international kind.

3. On the basis of the above statements and assurances of the Imperial Government, both written and oral, I have the honour to inform Your Excellency that His Majesty's Government in the United Kingdom are glad to be able to consider the incident as closed.

4. At the same time Sir John Simon instructs me to invite Your Excellency's earnest attention once more to the various complaints against the the actions of the Persian navy and other armed vessels belonging to the Imperial Government in the matter of the unauthorised visit to the lighthouse on the island of Tamb (my note No. 429 of August 22nd - Mordad 31st), in the three cases of interference with dhows flying the flag of Koweit (my notes Nos. 362, 394 and 395 of 18th July (Tyr 27th), 29th July (Mordad 7th), and 29th July

/(Mordad

بیک اتفاق بین‌المللی منجر شود عملیاتی بعمل آید و علاوه براین
احکامی بمأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که ترتیبات
بحری انگلیس را مداخله ننمایند و مخصوصاً نیز مقرر شده اطمینان
کنند که صاحب‌منصبان بحریه دولت علیه در آتیه قبل از اینکه با یک
وضعیت غیر عادی مواجه شوند که دارای جنبه بین‌المللی
باشد قبل از مبادرت باقدامی بطهران مراجعه و کسب تعلیمات
نمایند.

۳ - بنابراین، باظهارات فوق‌الذکر و اطمینانات کتبی
و شفاهی دولت علیه مفتخراً باستحضار عالی میرساند که
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس مسرورند
از اینکه میتوانند این قضیه را خاتمه یافته محسوب دارند.

۴ - ضمناً سرجان سایمون به دوستدار دستور داده‌اند مجدداً
که توجه جدی آن جناب را بشکایات متعدده
که بر علیه اقدامات بحریه ایران و سایر کشتیهای مسلح متعلقه
بدولت علیه در مورد ورود بدون اجازه بفانوس دریائی
در جزیره تنب (مراسله دوستدار نمره ۴۲۹
مورخه ۲۲ اوت (۳۱ مرداد) و در سه مورد دخالت
قضایای مربوط بمداخله در سه فقره بغله که دارای بیرق
کویت بوده‌اند (مراسلات دوستدار نمره ۳۶۲ -
۳۹۴ و ۳۹۵ مورخه ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر)

(Mordad 7th) respectively, and in the case of the irregular proceedings of an armed customs launch in Muscat territorial waters (my note No. 403 of 3rd August - Mordad 12th). I have the honour to express the hope that I may shortly receive from Your Excellency early and satisfactory answers to the above notes in the spirit of the friendly assurances now given by the Imperial Persian Government.

5. In this connection and in the light of the comprehensive assurances enumerated above, His Majesty's Government feel justified in assuming that the Imperial Persian navy have now received definite instructions to refrain on the high seas of the Persian Gulf from interference with Indian dhows and with vessels belonging to the Arab States bordering on the Persian Gulf, such interference by a warship outside her own territorial waters being totally at variance with international law and usage where no special treaty arrangements exist between the States concerned. It is doubtless merely through ignorance of this fact that the incidents complained of have occurred in the past. On the assumption that the necessary instructions have been issued by the Imperial Persian Government in this

/sense

۲۹ ژوئیه (۷ مرداد) ۲۹ ژوئیه (۷ مرداد)
و در باب اقدامات بی‌قاعده یک قایق مسلح گمرک
در آبهای ساحلی مسقط (رجوع شود به یادداشت ۴۰۳
مورخه ۳ اوت (۱۲ مرداد)) مبنی است. افتخاراً
اظهار امیدواری می‌نماید که به زودی جواب رضایت‌بخش و مقرون به
روحیه دوستی فوق الذکر که مبتنی بر اطمینانهای دوستانه
که حالیه دولت علیه داده‌اند به اینجانب دریافت دارم.
۵- در این مورد و با ملاحظه اطمینانهای جامع مذکوره
در فوق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را محق
می‌دانند چنین تصور کنند که بحریه دولت علیه حال
تعلیمات قطعی دریافت داشته است که در اواسط دریای
خلیج فارس از مداخله به لنج‌های هندی و کشتیهای
متعلق به حکومتهای عرب واقعه در سواحل خلیج فارس خودداری
نمایند. نظر به اینکه چنین مداخله از طرف یک جهاز جنگی خارج
از حدود آبهای ساحلی خود در موردی که مقررات عهدنامه مخصوص
بین حکومتهای مربوطه موجود نباشد کلیتاً با قانون و رسوم
بین‌المللی مخالف است. بدیهی است فقط بواسطه عدم اطلاع
از این موضوع بوده است که قضایای مورد شکایت در سابق
اتفاق افتاده. با این تصور که تعلیمات لازمه از طرف
دولت علیه ایران به مضمون فوق صادر شده است اینجانب مستدعی است
به مأمورین در خلیج فارس اطلاع داده شود که دیگر

ش به مرکز رسیده که تکرار نظایر این قضایا پیش‌بینی
نمی‌شود زیرا سوء تفاهماتی که موجب این حوادث بوده
رفع گردیده است.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نمایم

sense, the British Senior Naval Officer in the Persian Gulf has been informed that there is no longer any reason to anticipate the recurrence of such incidents, the misunderstandings which gave rise to them having been removed.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

V. A. L. Mallet

شماره: ۱۲۹
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۶ مهر ۱۳۱۲
متن سند:

آقای شارژدافر
مراسلهٔ شریفهٔ مورخهٔ اول مهر ماه جاری نمرهٔ ۴۸۰ که در جواب مراسلهٔ ۲۱شهریور ۱۳۱۲ نمره ۲۳۲۹۲ جناب اشرف آقای فروغی به جناب آقای سپهبدی نگاشته اید، واصل گردید. دوستدار مسرورم که موافق مدلول مراسلهٔ مزبوره، رفع نگرانی که در باب پارهٔ حوادث واقعه در خلیج فارس داشته اید، شده و قضیه از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خاتمه یافته تلقی گردیده است. ضمناً لازم می دانم خاطر شریف را به دو نکته ذیل متوجه سازم.

اولاً دوستدار نمی‌توانم مقصود از جمله ذیل را: «و علاوه براین احکامی به مأمورین بحری مسئول ایران صادر شده که به ترتیبات بحری انگلیس مداخله ننمایند» که در قسمت دوم مراسلهٔ شریفه ذکر شده، درک کنم.

ثانیاً نظر به اینکه جریان مذاکرات مابین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و وزارت امور خارجهٔ شاهنشاهی با طرز دوستانه و حسن تفاهم بوده، خبر منتشره در آژانس تلگرافی بریطانیا و مخصوصاً رویهٔ بعضی از جراید انگلستان در طرز انتشار این خبر مخالف با روح صمیمیت موجوده بوده و یقین دارم تصدیق خواهند نمود که حقاً می‌تواند موجب تأثر و نگرانی اولیای دولت شاهنشاهی باشد.

راجع به مسائل دیگری که در مراسلهٔ سابق‌الذکر به آنها اشاره شده، امیدوارم بزودی نظریات خود را جداگانه به استحضار خاطر شریف برسانم. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارم.

[پی نوشت:]
در جلسه ۱۵مهر ماه هیئت وزرا مذاکره و عیناً مطابق شرح فوق به تصویب رسید.

۲۵۰۹۸

به کابینه وزارت   بتاریخ ...... ماه .... سنه ۱۳   ۱۶ / ۷ / ۱۲

نمره .... ضمیمه ....

وزارت مالیه

۲۱۴۰

آقای [illegible]

اداره ....

دایره ....

در جواب مراسله نمره ۴۸۰ مورخه اول مهرماه جاری [illegible] مراسله شریفه ۲۳۲۹۲۴

۲۱ مهر در جواب ۱۲۱۲/۱ از طرف آقای فروغی بجناب آقای سپهبد [illegible]

و صادر گردید. [illegible] مراسله اول [illegible]

گذرانیده و در باب [illegible] حوادث واقعه در خلیج فارس و [illegible]

شده [illegible] از طرف دولت اعلیحضرت [illegible]

خاتمه یافته تلقی گردیده است.

ضمناً [illegible] خاطر شریف [illegible] ترجمه [illegible]

[illegible] از جمله [illegible] را:

([illegible] بحریه ایران صادر شده

[illegible] انگلیسی [illegible])

که در قسمت [illegible] مراسله شریفه ذکر شده [illegible]

~~[illegible]~~

تا [illegible] جریان [illegible] سفارت اعلیحضرت

.....

با دریافت تلگرافی که در وزارت امور خارجه از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی بطرز جداگانه و جهت ...
بعلاوه خبر منتشره در آژانس های ... بریتانیا و مطبوعات ... بعضی از جرائد انگلستان
در طول انتشار این خبر مخالف با روح صمیمیت موجوده یقین دارم تصریح خواهند
نمود که حقاً تیرگی موجب آزردگی و نگرانی دولت شاهنشاهی باشد.
راجع بمسائل دیگری که در مراسله ... که بآنها اشاره شده امیدوارم بورود
نظریات هیئت وزراء جداگانه باستحضار خاطر شریف برسانم. موقع را برای تجدید
احترامات فائقه مغتنم میشمارم

در جلسه ۱۵ مهرماه هیئت وزراء مذاکره
وعیناً مطابق شرح فوق بتصویب رسید

شماره: ۱۳۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی، وزیر امور خارجه
آقای وزیر

برحسب دستورالعمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان، محترماً مراسلهٔ ذیل را به جناب مستطاب عالی می‌نگارم.

۲. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس متأسف‌اند از اینکه بایستی در باب یک قضیه راجع به مداخلهٔ مدیر گمرکات ایران مقیم باسعیدوی ایران در مورد یک بلمی که در ساحل ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو لنگر انداخته بود، به دولت علیه شکایت نمایند.

۳. مشاهده گردیده بود که مدیر گمرک که کراراً از طرف صاحب‌منصبان جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مورد مداخله نسبت به ترتیبات فعلی در باسعیدو مورد اخطار و تذکر واقع شده بود، تقریباً در ساعت شش غروب روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) از یک بلمی که تفتیش نموده بود، پیاده می‌شود. بلم مزبور بلافاصله در ساحل ناحیهٔ انگلیس و داخل آبهای ساحلی متصل به قسمت مزبور لنگر انداخته بود. نزدیکترین نقطهٔ ساحلی (و در نقطه که مدیر گمرکات پیاده شده بود) تقریباً به مساحت یک میلی داخل حدود ناحیهٔ انگلیس بوده است. مدیر به اتفاق فراش خود بوده است.

۴. این اقدام مدیر عبارت از یک نقض صریح **Statusquo** بوده که به طوری که دولت علیه مسبوق‌اند، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس برطبق آن **Statusquo** حقوق انحصاری خود را در مورد ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو اعمال می‌دارند و نمی‌توانند اغماض نمایند که یک نفر مأمور ایران بدون اجازه وارد آن شود.

۵. در حالی که مدیر گمرک را برای تحقیق مسئله به یکی از جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان که در ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو لنگر انداخته بود، برده

بودند، مشارالیه اظهار داشته بود که احکام کتبی که در دست دارد بالصراحه حاکی از این است که موظف است، داخل کلیهٔ بلمهایی که در هر قسمت از باسعیدو لنگر انداخته اند، بشود.

۶. این اظهار برای مأمورین بحری انگلیس غیر ممکن می‌ساخت این قضیه را یک عدم اطلاع یا سوءتفاهم محلی بدانند. لهذا برای تصفیهٔ رضایت‌بخش این قضیه به صاحب‌منصب ارشد بحری دستور داده شده بود که مدیر گمرک و فراش او را بدون تعویق در بندرعباس پیاده کرده و به‌حکمران بندرعباس اطلاع دهد شکایتی دایر به رفتار مدیر به دولت مرکزی در طهران خواهد شد.

۷. امیدوارم جناب‌مستطاب‌عالی از نقطه‌نظر حفظ روابط حسنه، همه گونه اقدامات لازمه به عمل آورده و مقرر خواهند داشت تعلیمات فوری و مصرح به کلیهٔ مأمورین از هر سمت در باسعیدو و حوالی آن صادر شود که این مسئله تأمین گردد که نظایر این قضایا در آتیه رخ نخواهد داد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

No. 529. October 14th 1933.

سفارت انگلیس
طهران

۲۳ مهر ۱۳۱۲
نمره ۵۲۹

آقای وزیر

برحسب دستورالعمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان
[illegible] مراتب ذیل را بجناب مستطاب عالی تقدیم میدارم.
۲ - دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با کمال تأسف
مجبور است از دولت شاهنشاهی در باب یک قضیه دخالت
بیجای مدیر گمرکات ایران مقیم باسعیدو ایران
در مورد یک جهازی که در ساحل ناحیه انگلیس در باسعیدو
لنگر انداخته بود بدولت علیه شکایت نماید.
۳ - گزارش رسیده بود که مدیر گمرک که مکرراً
از طرف صاحب‌منصبان جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان
در مورد مداخله نسبت بترتیبات فعلی در باسعیدو
مورد اخطار واقع شده بود تقریباً در ساعت
شش غروب روز ۹ اکتبر (۱۷ مهر) از یک
جهازی که تفتیش نموده بود پیاده شود. جهاز مزبور بلافاصله
در ساحل ناحیه انگلیس و در آبهای ساحلی متصل
بناحیه مزبور لنگر انداخته بود. نزدیکترین نقطه ساحل
(و در نقطه که مدیر گمرکات پیاده شده بود) تقریباً

Monsieur le Ministre,

I have the honour, under instructions from His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs, to make the following communication to Your Excellency:

2. His Majesty's Government in the United Kingdom regret that they have to complain to the Imperial Government regarding a case of interference by the Persian Mudir of Customs who is stationed in Persian Basidu, with a dhow lying off the shore of the British area at Basidu.

3. The Mudir, who has repeatedly been cautioned by officers of His Majesty's Ships against interfering with the existing arrangements at Basidu, was seen at about six-o-clock in the evening on October 9th (17th Mehr) landing from a dhow which he had been inspecting. This dhow was lying immediately off the shore of the British area and in the territorial waters adjoining this area. The nearest point on the shore (and the point where the Mudir landed) was about one mile within the boundary of the British area. The Mudir was accompanied by his ferrash.

4. This

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi,
Minister for Foreign Affairs.

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه

۳۲۵۴

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

-2

4. This action on the part of the Mudir was a clear infringement of the status quo, under which, as the Imperial Government are aware, His Majesty's Government in the United Kingdom exercise exclusive rights in connexion with the British area at Basidu, where they cannot tolerate intrusion by any Persian official.

5. The Mudir, on being taken for investigation on board one of His Majesty's Ships which was then lying off the British area at Basidu, stated that his written orders were definitely to the effect that he was to board all dhows lying off any part of Basidu.

6. This statement made it impossible for the British naval authorities to regard the case as one of local ignorance or misunderstanding, and with a view to the satisfactory disposal of the incident the Senior Naval Officer has accordingly been instructed to land the Mudir and his ferrash at Bander Abbas without delay and to inform the Governor of Bander Abbas that a complaint regarding the conduct of the Mudir is being addressed to the Central Government at Tehran.

7. I trust that Your Excellency will take all necessary measures in the interests of good relations, to cause urgent

مباشرت کند بیع دفتر حدود ناحیه انگلیسی بوده است
مدیر باتفاق فراش خود بوده است.
۴ — این اقدام مدیر عبارت از یک نقض صریح
وضع موجود است که بطوریکه دولت علیه مستحضرند
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس طبق
آن وضع موجود حقوق انحصاری در حدود
ناحیه انگلیسی در باسعیدو اجرا میدارند و نمیتوانند
بهیچ صاحب منصب که یک نفر مأمور ایرانی باشد اجازه دخالت بدهند
۵ — در حالیکه مدیر گمرک را جهت تحقیق برده بودند
بیکی از جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان که در ناحیه انگلیسی باسعیدو
لنگر انداخته بودند مشارالیه اظهار داشته بود که احکام
کتبی که در دست دارد بالصراحه حاکی از اینست که طبق آن
بجمیع کشتیهای بادی که در هر قسمت از باسعیدو لنگر انداخته
باشد سوار شود
۶ — این اظهار مأمورین بحری انگلیس غیر ممکن ساخت که
این قضیه را یک عدم اطلاع یا سوء تفاهم محلی بدانند
برای تصفیه رضایت بخش این قضیه صاحب منصب ارشد بحری
دستور داده شده بود که مدیر گمرک و فراش او را بدون تعویق
در بندر عباس پیاده کرده و بحکمران بندر عباس اطلاع دهد
که شکایتی راجع برفتار مدیر به دولت مرکزی در طهران فرستاده میشود
۷ — امیدوارم جناب مستطاب عالی از نقطه نظر حفظ

روابط حسنه [illegible] اقدامات [illegible] دستور
خواهشمند است تعلیمات فوری و صریح بکلیه مامورین
ذی ربط در باسعیدو و حوالی آن صادر شود که از این
ببعد [illegible] که نظایر این قضایا در آتیه رخ
نخواهد داد.
[illegible]

urgent and precise instructions to be issued to officials of all kinds in the neighbourhood of Basidu which shall ensure that there shall be no recurrence of such incidents.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

V A L Mallet
...

شماره: ۱۳۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سیدباقرخان کاظمی وزیر امور خارجه
آقای وزیر

محترماً خاطر جناب مستطاب‌عالی را مستحضر می‌سازم که حسب‌الوظیفه مندرجات مراسلهٔ شریفهٔ نمره ۲۷۹۷۸ مورخه ۲۷مهر۱۳۱۲ (۱۹ اکتبر) را در باب باسعیدو به وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخابره نمودم. حال از سرجان سایمون تعلیماتی به دوستدار رسیده جواب ذیل را بنگارم.

۲. جناب مستطاب عالی بلاشک مستحضرند که قرارداد **Statusquo** که در مراسلهٔ خود نمرهٔ ۵۲۹ مورخه ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر) بدان مراجعه نمودم، عبارت از یک قرارداد غیرکتبی شرافتمندانه **Gentelmans agreement** است که در سال ۱۹۲۸ در وقتی که برای اولین دفعه در باب دخول در مذاکرات راجع به عقد یک قرارداد کلی که شامل بعضی مسائل معوقه بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایران بوده، پیش آمد داده شد و پس از آن در مواقع عدیده از طرف وزیر امور خارجه وقت قرارداد مزبور را با سررابرت کلایو و سررجینالدهور شفاهاً تأیید گردید. قرارداد مزبور عملاً عبارت از یک موافقتی است دایر به اینکه تا زمانی که مذاکرات مزبور به خاتمهٔ موفقیت‌آمیزی نرسیده و یا اینکه قطعاً متروک نشده است، هیچ‌یک از دولتین تا حدی که مربوط است به مسائل مورد مذاکره اقداماتی بری تغییر **Statusquo** در خلیج‌فارس به عمل نخواهند آورد. به عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مفهوم قرارداد **Statusquo** تا حدی که مربوط به ناحیهٔ انگلیس در باسعیدو می‌شود این است که کلیهٔ این قبیل حقوقی که در عرض مدت یکصدوده سال تصرف انگلیس مورد استفاده بوده است، بدون مداخلهٔ ایران کمافی‌السابق مورد استفاده بوده باشد. حقوق مزبور همواره شامل قضاوت انحصاری انگلیس در داخل ناحیهٔ مزبور می‌باشد که در این صورت مأمورین ایران در آنجا وظایفی را انجام ندهند. به این جهت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانند دخول بدون اجازه مأمورین ایران را در داخل ناحیهٔ انگلیس که عبارت از یک

نقض Statusquo می‌باشد، مجاز دارند.

۳. مدیر گمرک به این جهت توقیف گردیده بود که با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر به او داده شده بود، اصرار داشت سعی نماید وظایف خود را که برخلاف حقوق مزبوره است در ناحیهٔ انگلیس اجرا نماید و در وقتی که مورد ایراد واقع گردیده بود، اظهار داشته بود که برطبق تعلیمات مقام عالی‌تر رفتار می کرده است. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می‌نمایم.

~~LEGATION~~,
TEHRAN.

30th October, 1933.

No. 553.

Monsieur le Ministre,

I have the honour to inform Your Excellency that I duly communicated to His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs the contents of your note No. 27978 of October 19th (Mehr 27th, 1312) respecting Basidu. I have now received instructions from Sir John Simon to make the following reply:

2. Your Excellency is no doubt aware that the status quo agreement to which I referred in my note No. 529 of October 15th (Mehr 23rd) is an unwritten "gentleman's agreement" reached in the year 1928 when the question first arose of embarking upon negotiations for the conclusion of a general treaty to cover certain questions outstanding between the Governments of the United Kingdom and Persia, and since orally confirmed with Sir R. Clive and Sir R. Hoare on numerous occasions by the Minister for Foreign Affairs of the day. This agreement is in effect an understanding that until the negotiations shall have /been

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi,
Minister for Foreign Affairs.

نمره ۵۵۳
آقای وزیر
محترماً خاطر جناب مستطاب اجل عالی را مستحضر میسازم که مراسله
شماره ۲۷۹۷۸ مورخه ۲۷ مهر ۱۳۱۲ (۱۹ اکتبر) را در باب باسعیدو به وزیر امور خارجه اعلیحضرت
پادشاه انگلستان مخابره نمودم. حال از سر جان سایمون
تعلیماتی دریافت داشته‌ام که جواب ذیل را بدهم:
۲- جناب مستطاب اجل عالی مستحضرند که قرارداد
که در مراسله خود نمره ۵۲۹ مورخه ۱۵ اکتبر (۲۳ مهر)
بدان مراجعه نمودم عبارت از یک قرارداد غیر کتبی شرافتمندانه
gentleman's agreement است که در سال ۱۹۲۸
در وقتیکه برای اولین دفعه در باب دخول در مذاکرات
راجع به انعقاد یک قرارداد کلی که شامل بعضی مسائل معوقه
بین دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ایران باشد پیشنهاد
داده شد و سپس مکرراً در مواقع عدیده از طرف وزیر
امور خارجه وقت قرارداد مزبور با سر ر. کلایو و
سر ر. هور شفاهاً تأیید گردید. قرارداد مزبور

۲۱۸۰۳

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقر خان کاظمی وزیر امور خارجه

۳۲۸/۱

مسئله عبارت از یک موافقت است و آن اینکه تا زمانیکه
مذاکرات راجع بمسائل فوق بموفقیت انجام نرسیده و یا بکلی
قطع مذاکرات نشده است هیچیک از دولتین اقداماتیکه
مربوط است بمسائل مورد مذاکره اقداماتی برای تغییر
وضع موجوده در خلیج فارس بعمل نخواهند آورد.
بعقیده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مفهوم قرارداد
وضع موجوده تا حدی که مربوط بناحیه اراضی انگلیسی در باسعیدو میشود
اینست که کلیه این قبیل حقوقی که در مدت یکصد و ده سال
تصرف انگلیسی مورد استفاده بوده است بدون مداخله ایران
کماکان باقی مورد استفاده خواهد بود. حقوق مزبوره همواره
شامل قضاوت انحصاری انگلیسی در حدود ناحیه مزبوره بوده که
در نتیجه مامورین ایران در آنجا وظایفی را انجام نمیدهند.
باین جهت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند دخول
بدون اجازه مامورین ایران را در ناحیه انگلیسی که
عبارت از یک تخطی وضع موجوده میباشد مجاز دارند.
۳ - مدیر گمرک باین جهت توقیف گردیده بود که با وجود
اخطارات مکرره که در این اواخر باو داده شده بود اصرار داشت
سعی نماید وظایف خود را که برخلاف حقوق مزبوره است
در ناحیه انگلیسی اجرا نماید و در موقعیکه مورد اعتراض واقع
گردیده بود اظهار داشته بود که بر طبق تعلیمات مقام
عالیتری رفتار کرده است.

been brought to a successful conclusion or definitely abandoned, neither of the two Governments will take any steps to alter the status quo in the Persian Gulf so far as the questions at issue are concerned. As applied to the British area at Basidu, the status quo agreement is held by His Majesty's Government in the United Kingdom to mean that all such rights as have been enjoyed by them there during the one hundred and ten years of British occupation will continue to be enjoyed without Persian interference. These rights have always comprised exclusive British jurisdiction within the said area, where Persian officials, in consequence, perform no duties. For this reason His Majesty's Government cannot admit the intrusion of Persian officials into the British area, which constitutes an infringement of the status quo.

3. The Mudir of Customs was arrested because he insisted, in spite of many recent warnings, on attempting to exercise his functions in the British area in derogation of these rights, and when challenged asserted that he was acting under instructions from superior authority.

I avail myself of this opport

/unity

unity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

[signature]

شماره: ۱۳۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۲ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

آقای شارژه‌دافر

مراسله شریفهٔ مورخهٔ هشتم آبان ۱۳۱۲ نمره ۵۵۳ که در جواب مراسلهٔ دوستدار مورخه ۱۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ ترقیم یافته، عز وصول بخشید.

از مدلول آن این طور معلوم می‌شود، تنها امری که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان می‌خواهند به موجب آن وانمود کنند که رفتار مأمورین بحریهٔ آن دولت نسبت به مدیر گمرک باسعیدو جایز بوده، همانا مسئلهٔ استاتوکو می‌باشد.

دوستدار فعلاً نمی‌خواهم در اصل مسئلهٔ استاتوکو در خلیج‌فارس که آن را یک قرارداد غیرکتبی شرافت‌مندانه در سال ۱۹۲۸ ذکر فرموده‌اید، داخل در بحث شوم و نظریات خود را در این باب به موقع دیگری محول می کنم. ولی میل دارم خاطر شریف را متذکر شوم که هیچ‌وقت حق قضاوتی برای دولت انگلیس در هیچ قسمت از باسعیدو وجود نداشته و همیشه مأمورین دولت شاهنشاهی در باسعیدو انجام وظیفه نموده‌اند و همین اظهار خود شما در مراسلهٔ خودتان که می نویسید «با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر به مدیر گمرک داده شده بود. مشارالیه اصرار داشت سعی نماید وظایف خود را اجرا کند» دلیل براین است که مأمورین ایران در آنجا به انجام وظیفهٔ خود مشغول و دوایر مربوطهٔ ایران در کلیهٔ نقاط باسعیدو به تکالیف مأموریتی خود عمل نموده و ادارهٔ مالیه قشم هم همیشه تمام مالیاتهای قانونی را از کلیهٔ قصبهٔ با سعیدو دریافت داشته‌اند، و در صورتی هم که رعایت استاتوکو لازم باشد باید همین وضعیت که حاکی از اعمال حق حاکمیت ایران در آن نقاط است محترم شمرده شود و در هرحال یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که معنی استاتوکو این نیست که هر روز مأمورین انگلیس اقدامات تازه‌ای در خلیج‌فارس بنمایند و به محض اینکه فردای آن روز اعتراضی از طرف دولت ایران بشود، جواب بدهند که دیروز این طور بوده و به موجب استاتوکو باید به همین حال باقی بماند. بلکه طبیعتاً باید برای احتراز از چنین وضعی، پایهٔ هر اقدام و ادعایی مبتنی بر اساس و مدرکی بوده باشد و متأسفانه با وجود اینکه وزارت امور خارجه شاهنشاهی

در موارد عدیده که آخری آنها دهم خرداد ۱۳۰۵ بوده، مدرک اظهارات و دعاوی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در باسعیدو خواسته‌اند، تاکنون جوابی به این تقاضای دولت شاهنشاهی داده نشده است. مسئلهٔ قابل توجه در حادثه باسعیدو این است که رفتار مأمورین بحریهٔ انگلیس که عبارت از چندین رفتار مغایر اصول مسلمهٔ بین‌المللی و خلاف دوستی می‌باشد، با هیچ ترتیبی موافقت نمی‌کند و برفرض که دولت انگلستان ادعایی داشته باشند که از آنجا استفاده‌ای می‌کرده‌اند، چنین اقداماتی از طرف بحریهٔ انگلستان نمی‌بایستی شده باشد.

دوستدار تصریحاً خاطرنشان می‌کنم که دولت شاهنشاهی و افکار عمومی ایران حقاً این رفتار را ناقض حق حاکمیت ایران و مخالف با حیثیات مملکت شاهنشاهی می‌دانند و با حسن روابط موجوده بین مملکتین نمی‌توانند جهتی برای این امر تصور نمایند و یقین دارند هرگاه موضوع به هر مجمع بین‌المللی و یا به هر قاضی بی‌طرفی مراجعه شود، قطعاً حق را به طرف ایران خواهند داد.

در خاتمه، دوستدار وظیفهٔ خود می‌دانم که به جمله (ناحیهٔ انگلیس) مندرجه در مراسلهٔ شریفه اعتراض خود را تکرار و به طوری که در مراسلهٔ ۲۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ خود اشعار داشته‌ام تقاضای دولت شاهنشاهی را در ترمیم این رفتار و تأدیب مأمورین مربوطه انگلیس تجدید نمایم.

موقع را برای ابراز احساسات صمیمانه مغتنم می‌شمارم.

محل امضا: کاظمی

سواد مراسله وزارت امور خارجه بسفارت انگلیس نمره ۱۹۸۰۲ مورخه ۱۱/ ۸/ ۱۳۱۲

آقای شارژه دافر

مراسله شریفه مورخه هشتم آبان ۱۳۱۲ نمره ۵۵۴ که در جواب مراسله دوستدار مورخه ۱۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ ترقیم یافته عز وصول بخشید .

از مدلول آن اینطور معلوم میشود تنها امری که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میخواهند بموجب آن وانمود کنند که رفتار مامورین بحریه آن دولت نسبت بمدیر گمرک باسعید و جائز بوده ، همانا مسئلهٔ استاتوکو میباشد .

دوستدار فعلا نمیخواهم در اصل مسئلهٔ استاتوکو در خلیج فارس که آنرا یك قرار داد غیر کتبي شرافتمندانه در سال ۱۹۲۸ ذکر فرموده اید داخل در بحث شوم و نظریات خود را در این باب بموقع دیگر محول میکنم ولی میل دارم خاطر شریف را متذکر شوم که هیچوقت حق قضاوتي برای دولت انگلیس در هیچ قسمت از باسعید وجود نداشته و همیشه مامورین دولت شاهنشاهی در باسعید وانجام وظیفه نموده اند و همین اظهار خود شما در مراسله خودتان که مینویسید با وجود تذکرات مکرره که در این اواخر بمدیر گمرک داده شده بود مشارالیه اصرار داشت سعی نماید وظائف خود را اجرا کند " دلیل براینست که مامورین ایران در آنجا بانجام وظیفه خود مشغول و دوائر مربوطه ایران در کلیه نقاط باسعید و بتکالیف ماموریتی خود عمل نموده ، و اداره مالیه قشم هم همیشه تمام مالیاتهای قانونی را از کلیه نصبه باسعید و دریافت داشته اند و در صورتی هم که رعایت استاتوکو لازم باشد باید همین وضعیت که حاکی از اعمال حق حاکمیت ایران در آن نقاط است محترم شمرده شود و در هر حال یقین دارم تصدیق خواهید فرمود که معنی — استاتوکو این نیست که هر روز مامورین انگلیس اقدامات تازهٔ در خلیج فارس بنمایند و بمحض اینکه فردای آنروز اعتراضی از طرف دولت ایران بشود جواب بدهند که دیروز اینطور بوده و بموجب استاتوکو باید بهمین حال باقی بماند بلکه طبیعة باید برای احتراز از چنین وضعی پایه هر اقدام و ادعائی مبتني بر اساس و مدرکی بوده باشد و متاسفانه با وجود اینکه وزارت امور خارجه شاهنشاهی در موارد عدیده که آخری آنها دهم خرداد ۱۳۰۵ بوده اند مدارك اظهارات و دعاوی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در باسعید و خواسته

—۲—

تا کنون جوابی باین تقاضای دولت شاهنشاهی داده نشده است ۰

مسئله قابل توجه در حادثه پاسعید و اینستکه رفتار مامورین بحریه انگلیس که عبارت از چندین رفتار مغایر اصول مسلمه بین المللی و خلاف دوستی میباشد با هیچ ترتیبی موافقت نمیکند و برفرض که دولت انگلستان ادعائی داشته باشند که از آنجا استفاده میکرده اند چنین اقداماتی از طرف بحریه انگلستان نمیبایستی شده باشد ۰

دوستدار تصریحا خاطر نشان میکنم که دولت شاهنشاهی و افکار عمومی ایران حقا این رفتار را ناقض حق حاکمیت ایران و مخالف با حیثیات مملکت شاهنشاهی میدانند و با حسن روابط موجوده بین مملکتین نمیتوانند جهتی برای این امر تصور نمایند و یقین دارند هرگاه موضوع بهر مجمع بین المللی ویا بهر قاضی بیطرفی مراجعه شود قطعا حق را بطرف ایران خواهند داد ۰

در خاتمه دوستدار وظیفه خود میدانم که بجمله (ناحیه انگلیس) مندرجه در مراسله شریفه اعتراض خود را تکرار و بطوریکه در مراسله ۲۷ مهر ۱۳۱۲ نمره ۲۷۹۷۸ خود اشعار داشته ام تقاضای دولت شاهنشاهی را در ترمیم این رفتار و تادیب مامورین مربوطه انگلیس تجدید نمایم ۰

موقع را برای ابراز احساسات صمیمانه مغتنم میشمارم ۰

محل امضاء ۰ کاظمی

شماره: ۱۳۳
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ آبان ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

خدمت جناب مستطاب اجل آقای کاظمی وزیر محترم امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه راجع به قضایای واقعه در باسعیدو، اینک سواد چهار فقره راپرت واصل از بندرعباس را به ضمیمهٔ سواد بارنامه جهازی که از طرف صاحب منصب انگلیس، فرمانده مستحفظین انبار باسعیدو به ناخدای جهاز بادی داده شده، تلواً برای استحضار خاطر محترم ارسال می‌دارد.

وزیر مالیه

راپرت گمرک قشم مورخه ۲۰ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم ایالتی گمرکات اقصی جنوب

محترماً عین راپرت واصله از دفتر هنگام و ورقهٔ ضمیمه آن را راجع به جهاز شراعی وارده در باسعیدو تقدیم می‌دارد. متمنی است دستوری برای این قبیل جهازات که از نقطهٔ مزبور به قوهٔ اجبار بدون اسناد گمرکی حرکت و به بنادر داخله وارد می‌شوند، مرقوم فرموده و ضمناً تکلیفی برای جهاز فعلی و امتعهٔ آن که فاقد از جواز کاپوتاژ و اجازهٔ حرکت می‌باشد، معین فرمایند.

مدیر گمرک قشم دولتشاهی

راپرت گمرک هنگام مورخه ۱۶ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم گمرکات ناحیه قشم

محترماً معروض می‌دارد دیروز یک فروند جهاز بادی متعلق به ناخدای محمد ابراهیم ساکن هنگام که در تحت اختیار جهازات جنگی انگلیس بوده، از باسعیدو وارد شده. ۱۰ راس گوسفند حمل دارد بدون جواز کابوتاژ و اجازهٔ حرکت می‌باشد. از قراری که خود ناخدا اظهار می‌دارد، نمایندهٔ سیاسی انگلیس که در باسعیدو می‌باشد، مانع

شده که بروم اجازهٔ حرکت کابوتاژ گوسفند تحصیل نمایم. گفته است چون از باسعیدوی انگلیس حرکت می کند لازم نیست بروید اجازهٔ حرکت و جواز کابوتاژ از گمرک بگیرید. ناخدا گفته نمی‌توانم بدون اجازه حرکت به هنگام بروم، مدیر هنگام مطالبهٔ اجازه حرکت می‌نماید و اسباب زحمت برای بنده خواهد شد. نمایندهٔ سیاسی قبول نکرده که برود گمرک اجازه حرکت بگیرد حکم کرده گوسفندها را حمل کرده خودش یک ورقه به اسم مانیفست و اجازهٔ حرکت که لفاً تقدیم شده نوشته داده به ناخدا گفته حرکت کنید. ناخدا چیزی که در دست دارد همین ورقه است که نمایندهٔ سیاسی به مشارالیه داده است. جهاز موضوع بحث نه دارای اجازه حرکت و نه جواز کابوتاژ ده راس گوسفند است. آیا با این جهاز چه نوع رفتار باید کرد منتظر دستور است محض اطلاع عرض شده مدیر گمرک هنگام.

امضا شریفی

راپرت گمرک صلح مورخه ۲۰ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم گمرکات ناحیه قشم دام بقائه

محترماً اطلاع می دهد، عطف به مرقومهٔ نمرهٔ ۱۲۴۹–۱۲/۷/۱۶ آن ریاست محترم، ۱ امروز صبح جهاز مال از لنگه وارد و به موجبی که ناخدا اظهار می داشت، در موقع حرکت دو لنگهٔ پاکت اداری به ناخدای مزبور تحویل نموده‌اند که به آقای مدیر باسعیدو تحویل نموده، رسید دریافت بدارد. دو روز قبل وارد باسعیدو می شود و به اداره می رود که پاکت را تحویل نماید. آقای مدیر و فراش را ملاقات نمی کند. از منزل آقای مدیر سؤال می کند که آقای مدیر کجا تشریف دارد. اظهار می دارند که تقریباً دو روز است که باسعیدو محلی که انگلیسها سکنی دارند برای تفتیش جهازی رفته، هنوز برنگشته است و به طوری که خبر رسید، خودش با فراش انگلیسها توقیف نمودند. ناخدای مزبور از منزل آقای مدیر می رود در شهر که درست بفهمد قضایا از چه قرار بوده. به طوری که جویا می شود ظاهراً جهاز بادی از بندرعباس میوه حمل داشته برای عمان جهاز مزبور در جلو باسعیدو کهنه که محل سکنای انگلیسهاست، لنگر انداخته آقای مدیر و فراش برای تفتیش و رسیدگی به جهاز مزبور به آن محل می روند. همان موقع یک نفر از انگلیسها پول به نوکرش می دهد و امر می کند که به جهاز رفته میوه خرید کند، نوکر مزبور برای خرید به جهاز می رود ظاهراً آقای مدیر از فراش، جلوگیری می کند. فوراً نوکر مزبور برگشته و به ارباب خودش خبر می دهد. شخص انگلیسی درباب

همان نوکر امر به چند نفر از نظامیهای خودشان می کند. همین که مدیر و فراش از جهاز پایین آمدند، نزد من بیاورید. آنها هم به موجب امر آن رفتار کرده، مدیر و فراش به نزدش می برند حکم می کند آنها را در مسافرخانه توقیف نمایند و گویا به وسیلهٔ بی‌سیم به کشتی جنگی خودشان اطلاع می‌دهد. پس از مدتی کشتی جنگی وارد و صاحب منصبان آن پیاده می‌شوند و به مسافرخانه رفته آقای مدیر و فراش را به کشتی برده توقیف می کند و گویا هم قضایا را به بوشهر اطلاع داده‌اند؛ ۲ـ ساعتی نگذشت شتربانی از باسعیدو آمد سؤالات شد. به موجب شرح فوق اظهار داشت و گفت تا دیروز هم مرخص نشده‌اند؛ ۳ـ مجدداً همین امروز هم برادر عیال علی عبدالرحمن فراش گردان آمد، سؤال نمود، می گفت شخصی از باسعیدو آمد و اظهار داشت هنوز در کشتی توقیف هستند.

مدیر گمرک صلح

سواد راپورت مورخهٔ ۲۴ مهر ۱۳۱۲ مدیر گمرک باسعیدو

مقام محترم ریاست کل گمرکات ایالتی بندرعباس و مضافات دام اقباله

با کمال احترام معروض می دارد که یوم ۱۷ مهر ماه ۱۳۱۲ ساعت ۱۲ کشتی جنگی فام لوین به بندر باسعیدوی کهنه لنگر انداخت ساعت ۴ اینجانب با مستحفظ خود حرکت کردیم به طرف باسعیدوی کهنه برای تحقیقات. دربین باسعیدوی کهنه و نو یک فروند جهاز بادی لنگر انداخته بود. ملاحظه کردیم که جهاز مزبور متعلق به حاجی علی مقیم بندرعباس بود. اینجانب با مستحفظ خود رفتم در جهاز ملاحظه شد که خربزه و انجیر و گردو و غیره از بندرعباس به ساحل دریا لدی الورود یک نفر از صاحب منصبان کشتی جنگی با یک نفر مترجم با چهار نفر نظامی مسلح ساحل دریا ما را گرفتن و اظهار نمودند که مگر شما نمی دانید که این بندر خارجه است. جواب دادم خیر دیگر اظهار نمود که اینجا بندر خارجه است و شما حق ندارید در ورود و خروج جهازات در این بندر تفتیش کنید. جواب دادم که شما کتباً به ما بنویسید تا دستور از ریاست مافوق خود بخواهم هرنوع دستور دهد اطاعت کنم. فوراً ما را گرفتن تحت الحفظ بردند به گارد خودشان تا ساعت ۱۰ از شب دیگر تحت الحفظ ما را حرکت دادند به کشتی جنگی لوین و ما را نگاهداشتند. مورخهٔ ۱۸ مهر ساعت یک از کشتی لوین ما را حرکت دادند به کشتی بدیفر. کاپیتان بدیفر فرمود که مگر شما نمی دانید اینجا بندر باسعیدو خارجه است، جواب دادم خیر و به ما معلوم نیست دیگر اظهار فرمود که باسعیدو بندر خارجه است و

شما حق ندارید که جهازات در این بندر ورود و خروج تفتیش کنید. جواب دادم که دستور از ریاست مافوق خود می‌خواهم هرنوع امر فرمایند (،) اطاعت می کنم. دیگو ما را مراجعت دادند به کشتی لوین تحت‌الحفظ نگاهداشتند. امروز ۲۳ مهر ۱۳۱۲ به بندرعباس به حکمران کل ایالتی بندرعباس رسانیدند. محض اطلاع عرض شد از آن ریاست محترم کل ایالتی بندرعباس استدعا دارم که نوعی بفرمایند که به هر چند زودتر به پست خود حرکت کنم و مشغول به خدمت دولت خود باشم و مخارج مسافرتم معین فرمایند. مدیر گمرک باسعیدو.

عبدالنور شهورزی

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره

بتاریخ ۱/۸ ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۹۰۸۰ ضمیمه ۵ ورق

محرمانه

مقام جناب مستطاب اجل آقای کاظمی وزیر محترم امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه راجع بقضایای واقعه در باسعیدو اینک راپورت چهار فقره راپرت واصله از بندر عباس راجع بضبط یکی از جهازی که از طرف صاحب‌منصب انگلیس فرمانده مستحفظین انبار باسعیدو بناخدای جهازهای وارده شده [illegible] برای استحضار خاطر محترم ارسال میدارد.

وزیر مالیه

[امضاء]

۳۳-۶

ل - ۵۰۰

وزارت مالیه

اداره گمرک بوشهر

تاریخ ۳۰/۷/۱۳۱۲

۱۲۷۰

ریاست محترم کل گمرکات ایالات جنوب

محترماً [illegible] راپرت [illegible] از [illegible] و ورقه ضمیمه [illegible] راجع بجواز [illegible] وارده در [illegible] و [illegible]
[illegible] [illegible] پیشنهاد [illegible] [illegible] نظر [illegible] [illegible] اظهار گمرک [illegible] واردات
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از جواز [illegible] و [illegible] گمرک
ملاحظه [illegible] — مدیر گمرک بوشهر [illegible]

رونوشت به اداره [illegible]
[illegible]

وزارت مالیه

اداره ....
سواد راپرت گمرک لنگه
مورخه ۱۳/۷/۱۶
نمره ۴۴۶

ریاست کل گمرکات [illegible]

محترماً معروض می‌دارد دیروز یک فروند جهاز آهنی [illegible] که در [illegible] انگلیس [illegible] رسید

وارد شد ده هزار کیسه [illegible] حمل دارد [illegible] و جواز [illegible] گمرک [illegible] جهاز [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] گمرک [illegible] گفته است [illegible]

[illegible] گمرک [illegible] جواز [illegible] گمرک [illegible] جهاز [illegible]

مدیر گمرک [illegible] مطالبه [illegible] گمرک [illegible]

[illegible] که [illegible] گمرک [illegible]

[illegible] گمرک [illegible] دارد [illegible] جهاز [illegible]

[illegible] گمرک [illegible] جهاز [illegible] متعاقباً [illegible]

[illegible] معروض شد. مدیر گمرک لنگه [illegible]

سواد مطابق [illegible]

[illegible]

وزارت ماليه

اداره ....

سواد راپرت گمرک صحنه

مورخه ۲۰/۷/۱۳

نمره ۲۳۳

ریاست معظم کل گمرکات جنوب دام اقباله

[illegible] نمره ۱۲۳۹ مورخه ۱۶/۷/۱۳ [illegible] امروز صبح [illegible]

[illegible]

[illegible]

وزارت مالیه

اداره ....

سواد ....

مورخه ۱۳۱۲/۷/۲۴

نمره [illegible]

مقام منیع ریاست کل گمرکات [illegible] آقای میرزا عباس [illegible]

[illegible] در ۱۷ مهر ۱۳۱۲ ساعت ۱۲ کشتی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۰ دقیقه [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۸ مهر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در روز ۲۳ مهر ۱۳۱۲ [illegible] میرزا عباس [illegible]

[illegible] میرزا عباس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[signature]

Port clearance certificate British Basidou

Name of ship

Lhow in charge of

Mohamed Ebrahim

Bound from to

Bristish Basidou Hengam

Cargo 10 sheeps

Number of crew

Four

Bridport

Sahib

Officer in charge of guard
British Basidou

Date 5 October 1933

۴/۲/۱۱

تاریخ ———— ماه ———— ۱۳۱
نمره ———— ضمیمه ————

وزارت مالیه

اداره ————
دایره ————

PORT CLEARANCE CERTIFICATE-BRITISH BASIDU

NAME OF SHIP — Dhow in charge of Mohamed Ebrahim

BOUND FROM

BRITISH BASIDU

TO

HENJAM

CARGO

10 SHEEP

NUMBER OF CREW

F O U R

BRIDPORT

SAB; LT.

OFFICER IN CHARGE OF GUARD,

BRITISH BASIDU

DATE 5 October 1933

سواد مطابق با اصل است
(مدیر اداره ...)
(دارالترجمه)

سواد مطابق سواد است

شماره: ۱۳۴
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ آبان ۱۳۱۲
متن سند

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مرقومهٔ مورخهٔ ۱۳۱۲/۸/۲ نمره ۲۸۳۸۱، صادره از ادارهٔ محترمهٔ اروپا و امریکا راجع به اعتراض دولت شاهنشاهی به پیاده کردن قوا در باسعیدو عز وصول داد. جواباً به عرض می‌رساند در موقعی که برای مذاکره در زمینهٔ اوامر تلگرافی به وزارت امور خارجه رفته بودم در این خصوص هم مذاکره کردم. رئیس ادارهٔ شرق اظهار می‌داشت که اخیراً در آنجا قوایی پیاده نشده. ولی از مدتی قبل تا به حال در آن نقطه عدهٔ مختصری وجود دارد که گاهگاهی عوض می‌شوند. عدهٔ مزبور عبارت است از ۸ تا بین دو صاحب‌منصب، دو ملاح و یک آشپز با وسایل آشپزخانه و عدهٔ دیگری به آنها علاوه شده و ممکن است در موقعی که این عده تغییر و دسته دیگری به جای آنها می‌آمده است، این تصور رفته که قوای نظامی به آنجا پیاده شده است و توپ و توپخانه هم در کار نبوده ضمناً به طور شوخی می‌گفت ممکن است عرابهٔ حامل اشیای آشپزخانه و اشیای مزبور را به جای توپ و تیر الیوز گرفته باشند. مراتب محض استحضار خاطر مبارک عرض شد.

شارژدافر نوری اسفندیاری

۷۵۷
۱۳۱۲/۸/۲۹

سفارت شاهنشاهی ایران

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه مورخه ۲۰/۸/۱۳۱۲ نمره ۲۸۳۸۱ صادره از اداره مجزیه امور اروپا و امریکا راجع باعتراض پست شاهنشاهی به پیاده کردن قوادر باسعید عرض میکند جواباً عرض میرساند در دفعه سابق که در مرحله اول این اشکال در وزارت امور خارجه رفته بودم در تلفن حضوراً هم مذاکره کردم رئیس اداره شرق اظهار داشته است در اجرا و اینکه قوانین ساده شده ولی از مدتی قبل تا بحال در آن نقطه عده محسوسی وجود دارد در کارگاه عرض متوجه عده مزبور عمارت است از ۸ تا بین بر صاحب درجه و یک آتشزنها و بیاریان آتش خانه و عده دیگر بانها عده پیاده شده ممکن است در دفعه اول عده تغییر داده شده بجای آنها باید عده استخدامی گذارده شود و اول وقت بانها باید ادراک لازم شد و وقت دیگر تا زمانی کار برده حتی الامکان نقص ممکن است عوض بجای اینکه آتشخانه را داشته و مرتب بکار برند بجای قرت و قدر البرز گرفته باشند مراتب بجهت اطلاع خاطر مبارک عرض شد شارژ دافر

ب ۱۲۹ / ۱۲۹۳ - ۱۲۹۱

در پرونده بایگانی

جمال اداره

اداره اروپا و امریکا

۳۳۶۳۵
۱۵/۹/۱۲

شماره: ۱۳۵
فرستنده: یادداشت برای ضبط در دوسیه (پرونده) توسط آقای شایسته
گیرنده:
تاریخ: آبان ۱۳۱۲
متن سند

در تاریخ شانزدهم آبان که در سفارت فرانسه برای شام میهمان بودم، آقای مالت شارژدافر انگلیس را ملاقات نمودم. پس از حادثهٔ مدیر گمرک باسعیدو و مذاکرات سختی که با تلفن بین بنده و ایشان شده بود، تا حال یکدیگر را ندیده بودیم. در این مجلس مذاکرات مختصری مابین ما شد. چون مشارالیه را دعوت به بریج کردند به بنده اظهار داشت که اگر میل دارید، ممکن است وقت دیگری باهم صحبت کنیم. بنده جواب دادم بی‌میل نیستم و فردا ساعت ده را معین نمودم. مشارالیه در ساعت مقرر به وزارت خارجه آمده، قریب دو ساعت‌ونیم ملاقات ما طول کشید در مطالب مختلفی باهم صحبت نمودیم که یادداشت آنها در دوسیه‌های مربوطه می‌باشد. راجع به حادثهٔ اخیر باسعیدو هم مذاکرات مفصلی به عمل آمد که خلاصه آن به قرار ذیل است:

شارژ دافر اظهار داشت واقعهٔ مدیر گمرک باسعیدو مربوط به یک سلسله حوادثی است که از چندی قبل به این طرف در خلیج فارس ظاهر شد و نمی‌توان یک واقعه را به طور علی‌حده وتنها قضاوت نمود. رفتاری که مدتی است بحریهٔ شاهنشاهی نسبت به مسلمهای اعراب ساکنین خلیج اتخاذ نموده‌اند و همچنین مسئلهٔ پایین آوردن بیرق انگلیس در باسعیدو و اصراری که مأمورین ایران در داخل شدن در حوزهٔ انگلیس در باسعیدو داشته‌اند، تماماً منجر به این پیشامد شده است.

بنده جواب گفتم از بیان شما چنین معلوم می‌شود که احساسات عامهٔ ایرانیان در اینکه حادثهٔ مدیر گمرک یک امر تهیه شده بود، کاملاً موافق با واقع است و مأمورین انگلیس برای تلافی قضایای گذشته این رفتار را نموده و بعد هم در تمام حدود خلیج مطلب را شهرت داده‌اند تا به عقیدهٔ خودشان جبران کاملی کرده باشند. شارژدافر جواب داد این طور نیست برای اینکه اگر مدیر گمرک به آنجا نیامده بود، این واقعه پیش نمی‌آمد. بنده جواب گفتم مدیر گمرک همیشه انجام وظایف خود را می‌نمود، چگونه فقط حالا بحریهٔ انگلیس این رفتار را نمود. شارژدافر اظهار کرد که یک بار دیگر هم در سال ۱۹۲۸ چنین واقعه راجع به مدیر گمرک پیش آمده بود، ولی مخصوصاً

مکاتبه نکرده‌اند و سررابرت کلایو شفاهاً این مطلب را با وزارت دربار ختم نمودند. در سال گذشته هم وقایع کوچکی اتفاق افتاد که ما لازم ندانستیم تذکر بدهیم ولی در باب اخذ مالیات از باسعیدو شکایت نمودیم. بنده گفتم که حقیقتاً این رفتار باعث تعجب شخص من گردیده زیرا بکلی خارج از رویهٔ معمولی دولت انگلیس می‌باشد که چنین رفتار این اندازه سخت و خشن بنماید: فرض کنیم که دولت انگلیس در باسعیدو انبار ذغالی برای کشتی‌های خود داشته آیا این مسئله تولید حق مالکیت در آن نقطه می‌نماید؟ و بر فرض اینکه دولت ایران در نتیجهٔ اوضاع و احوال مخصوصه نخواسته یا نتوانسته مانع برقراری انبارها بشود، آیا این مسئله تولید حق‌آب ساحلی در آن قسمت از خاک ایران برای دولت انگلیس می‌کند؟ خود شما می‌دانید که آب ساحلی عبارت از آبهایی است که وصل به سواحل یک مملکتی باشد. آیا دولت انگلیس آن قسمت مخصوصهٔ باسعیدو را خاک خود می‌داند که برای آن آبهای ساحلی قایل شده است؟ بعلاوه بر فرض محال که تمام این مسائل را ممکن بدانیم آیا این رفتاری که نسبت به مدیر گمرک شده، امری است که با هیچ عادت و معمول و قوانین بین‌المللی وفق می‌دهد؟ فرض کنیم مدیر گمرک یک مملکتی در خاک مجاور مملکت دیگر داخل شود و کارهایی بکند تصور می‌کنم وظیفهٔ مملکت ثانوی آن است که مانع عملیات او بشود و یا اینکه او را از ورود به خاک خود منع کند. دستگیری او به وسیلهٔ قوای بحری نظامی برای چیست؟ معلوم می‌شود مدیر گمرک را که در حین انجام وظیفه دستگیر کرده‌اند، مدت پنج روز در کشتی جنگی توقیف و از یک کشتی به کشتی دیگر برای استنطاق برده‌اند. ملاحظه می‌نمایید که چندین رفتار خلاف ترتیب شده بعلاوه چیزی را که تصور نمی‌کنم خود شما هم بتوانید محملی برای آن قایل شوید، این است که کشتی جنگی انگلیسی مدیر گمرک را از محل خود برداشته و بدون اجازهٔ قبلی ایران وارد آبهای ساحلی بندرعباس شده است.

شارژدافر گفت شما قضایایی را که در ایران و از طرف مأمورین ایران اتفاق می‌افتد بکلی فراموش می‌کنید. هنوز مدت طولانی از دستگیری کاپیتن ماک‌لو انگلیسی توسط بحریهٔ ایران و توقیف او در محمره نگذشته، آن هم یک مأمور و صاحب‌منصب انگلیسی بود که در موقع انجام وظیفه، بحریهٔ ایران او را دستگیر کرده‌اند. بنده جواب دادم که در آن قضیه تصور نمی‌کنم لازم باشد دولت انگلیس داخل در بحث با ما شود زیرا تابعیت کاپیتن ماک‌لو در این موقع اثری ندارد. دولت عراق که کاپیتن ماک‌لو را استخدام نمود، به دولت ایران در این باب مراجعه نمود و جواب لازم شنیده است. بعلاوه

طرز تسویهٔ قضایا مابین ما با دولت عراق بکلی غیر از وضعی است که با شما داریم. ما با عراق دو مملکت همسایه هستیم که در طول سرحداتمان هزاران وقایع رخ می کند و دوستانه آنها را حل و تسویه می کنیم. شارژدافر انگلیسی گفت: آیا شما تصدیق ندارید که اصلاً یک حس ضد اروپایی در ایران تولید شده است؟ ملاحظه بفرمایید هیچکس حق رفت‌وآمد با ما را ندارد و یک نفر شخصی که گاهی به سفارت می‌آمد و با بعضی از اعضای سفارت دوستی و آشنایی داشت، الان مدت هشت ماه است در حبس می‌باشد. شخص مزبور موسوم به رشیدی است و چند مرتبه سررجینالدهور با جناب اشرف آقای فروغی در باب او مذاکره کرده‌اند که معظم‌له جواب داده‌اند که این شخص یک نفر تبعهٔ ایران است شما چرا در کار او مداخله می کنید. بنده اظهار داشتم که از قضیهٔ رشیدی هیچ خبر ندارم و تقریباً می‌توانم یقین داشته باشم که برای توقیف او علت و جهتی‌بوده ولی درهرحال‌جوابی که آقای رئیس الوزرا به آقای وزیر مختار در این موضوع داده‌اند، خیلی کافی است. در خصوص حس ضد اروپایی که اظهار داشتند، لازم است تذکر دهم که من شخصاً با نظر شما همراه نیستم و چنین عقیده دارم که ایرانی به واسطهٔ اخلاق ملایمت و میهمان‌نوازی که دارد، نمی‌تواند ضد خارجی بشود. راست است که می‌شنوم طبقهٔ نظامیان از معاشرت و رفت‌وآمد با سفارتخانه‌های خارجی تا حدی خودداریٔ می کنند. ولی این مسئله در نتیجهٔ وضع جغرافیایی و همسایگی ایران با مملکتی است که تمام ممالک دنیا پارهٔ احتیاطات نسبت به آنها می‌نمایند. شما می‌دانید که اگر در اینجا دقتهای خیلی‌زیادنشود، ممکن است تبلیغاتی به عمل آید که نه تنها برای ایران بلکه برای ممالک دیگر هم مضر بوده باشد. من تصور می کنم که دولت انگلستان از این رویهٔ که اظهار می کنید باید خوشحال باشند. نه متأسف زیرا منافع آن عاید آن دولت می‌شود.

حقیقت امر این است که من شخصاً از اظهارات شما تعجب می کنم زیرا تصور می کردم دولت انگلستان منافع عالیتری در شرق نزدیک و شرق وسطی دارند که نمی‌بایستی به این جزئیات اهمیت بدهند و در هرحال وظیفهٔ خود می‌دانم به شما تذکر دهم که واقعهٔ دستگیری و تبعید مدیر گمرک باسعیدو یک محیط فوق‌العاده نامساعدی را بین ما تولید نمود و تا زمانی که این مسئله جبران نشود و دولت انگلیس رضایت خاطر ما را فراهم ننماید، به هیچ‌وجه نخواهیم توانست به یکدیگر نزدیک بشویم و یک همکاری و معاضدت معنوی برای تسویهٔ مسائل مهمه بنمائیم و خیال می کنم وظیفهٔ شما این باشد که همین مطالب را به دولت خودتان اطلاع بدهید و چگونگی قضایا را به آنجا

بفهمانید و کوشش کنید هرچه زودتر اقدام در استرضای خاطر ما بنمایند. زیرا دوام این وضع تولید کدورتهایی خواهد نمود که به آسانی رفع آن ممکن نخواهد گردید.

شایسته

اداره اروپا و امریکا
نمره
تاریخ
ضمیمه

وزارت امور خارجه

یادداشت کلی ضبط در پرونده

صفحه ۱
ضبط شود

در تاریخ شانزدهم آبان که در سفارت فرانسه [illegible] بودیم آقای [illegible]
شارژدافر انگلیس را ملاقات نمودم. پس از حادثه مدیر گمرک با سعیدو و مذاکرات سختی که با تلفن با این‌جانب [illegible]
داشتیم تا حال یکدیگر را ندیده بودیم. — در این ملاقات مذاکرات مختصری با هم نموده [illegible]
دعوت به بریج کردند و بعد اظهار داشت که اگر میل دارید ممکن است وقت دیگری با هم صحبت کنیم
بنده جواب دادم بی‌میل نیستم و فردا ساعت ده را معین نمودم. — شارژدافر در ساعت مقرر در وزارت خارجه
آمد و قریب دو ساعت و نیم ملاقات ما طول کشید. در این ملاقات تحقیقی با هم صحبت نمودیم که [illegible]
در خصوص کلیه روابط [illegible] راجع به حادثه اخیر با سعیدو مذاکرات مفصلی [illegible]
آن به قرار ذیل است:

شارژدافر اظهار داشت واقعه مدیر گمرک با سعیدو مربوط به یک سلسله حوادث است
که از چندی قبل به این طرف در خلیج فارس ظاهر شده و [illegible] واقعه را [illegible] و [illegible]
[illegible] تحریکات [illegible] نسبت به [illegible] اعراب ساکن خلیج [illegible]
[illegible] از [illegible] [illegible] برق انگلیس در باسعیدو و اصرار [illegible] مأمورین ایران
[illegible] [illegible] [illegible] پائین آوردن بیرق انگلیس [illegible] [illegible] شده است.
[illegible] [illegible] انگلیس در باسعیدو [illegible] تا [illegible] [illegible] ایرانیان [illegible] حادثه [illegible]
بنده جواب گفتم از بیانات شما [illegible] معلوم می‌شود که [illegible] [illegible] [illegible] انگلیسی برای [illegible]
مدیر گمرک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] واقع است و مأمورین انگلیس [illegible]

نمره ....
تاریخ ....
ضمیمه ....

صفحه ۲

وزارت امور خارجه

قضایای گذشته این رفتار را بفهمم و بعدها در ۲۷ [illegible] حدود خلیج مطلب را [illegible] اظهار داده‌اند با تعقیب
خودشان جبران کاملی کرده باشند. — شارژدافر در جواب [illegible] انگلیس [illegible] اگر
مدیر گمرک با کمال بی‌ادبی این دو اقدام پیش نماید. — بنده جواب گفتم مدیر گمرک البته در آنجا
وظایف خود را می‌فهمد چگونه فقط [illegible] انگلیس این رفتار را [illegible]. — شارژدافر اظهار کرد
که یک مرتبه دیگر هم در سال ۱۹۲۸ چنین واقعه راجع به مدیر گمرک پیش آمده بود ولی من خودم شکایت کرده‌ام از
[illegible] شفاهاً این مطلب را به وزارت [illegible] در سال گذشته
وقایع که [illegible] اتفاق افتاده که لازم بود [illegible] مذاکره نمودیم ولی در باب اخذ مال [illegible]
نمودیم. بنده گفتم که حقیقتاً این رفتار باعث تعجب شخص گردید زیرا که خارج از رویه معمول
دولت انگلیس بود که چنین رفتاری این اندازه سخت و خشن نماید: فرض کنید که دولت
انگلیس در [illegible] انبار ذغالی که کشتی‌ها [illegible] آیا راضی شده تولید حق مالکیت
در آن نقطه بنماید؟ و در فرض اینکه دولت ایران [illegible] اوضاع و احوال [illegible] قسمت
[illegible] برقراری انبارها بشود آیا راضی شده تولید حق آب ساحل [illegible] از
از خاک ایران کلیه دولت انگلیس بکند؟ [illegible] اسم برده‌اند که آب ساحل [illegible] قسمت [illegible]
آبهایی است که [illegible] ملکی باشد آیا دولت انگلیس [illegible] فرض محال اگر
به خاک [illegible] که کلیه آن آبهای ساحلی [illegible] است؟ علاوه بر [illegible]
این [illegible] نمی‌دانیم آیا در این رفتار [illegible] نسبت به مدیر گمرک [illegible]

[illegible]

وزارت امور خارجه

صفحه ۴

معمول و قوانین بین المللی در چه میباشد؟ فرض کنیم مدیر گمرک یک مملکتی در خاک مملکت دیگر
داخل شود و کارهائی بکند که اصولاً تصور بکنیم وظیفه مملکت ثانوی آنست که مانع عملیات او بشود و یا اینکه
او را از ورود به آن کشور منع کند و دستگیری او بوسیله قوای بحری انتظامی کاملاً صحیح است؟ این است
معلوم است مدیر گمرک را که در حین انجام وظیفه دستگیر کرده‌اند مدت پنج روز در کشتی جنگی توقیف
و از یک کشتی جنگی به کشتی دیگر و بالاخره به اسکله استنطاق کشیده‌اند. ملاحظه بفرمائید که چه طور این رفتار خلاف
ترتیب شده و علاوه چیزی را که تصور بکنیم مشخص شده است می‌توانند محاکمه کنند آن قاچاقچی‌هائی است که
کشتی جنگی انگلیسی مدیر گمرک را از کشتی مشخص برداشته و بدون اجازه مقامات ایران وارد آبهای ساحلی
بندر عباس شده است.

شما روز را ز گفت که قضایائی را که در ایران و از طرف مرزی ایران اتفاق می‌افتد
کجا فراموش می‌کنید. هنوز مدت طولانی از دستگیری کاپیتان ماک‌لور انگلیسی توسط بحریه
ایران و توقیف او در محبس نگذشته است! آنهم که مأمور و صاحب منصب انگلیسی هم نبود که برخلاف
انجام وظیفه بحریه ایران او را دستگیر کرده‌اند. - در جواب لازم است که در آن قضیه اصولاً
بمحاکمه لازم باشد دولت انگلیس دخالتی در بحث [illegible] زیرا تابعیت کاپیتان ماک‌لور
در این موضوع اثری ندارد. دولت عراق که کاپیتان ماک‌لور را استخدام نموده دولت ایران
در این باب مراجعه نمود و جواب لازم شنیده است. علاوه طرز قضیه قضایای مابین
ما با دولت عراق کاملاً غیر از وضعی است که با شما داریم. ما با عراق هم مملکت همسایه
هستیم که در طول سرحدات آن هزاران وقایع رخ می‌کند و آنها را حل و تسویه می‌کنیم

به

صفحه ۳

وزارت امور خارجه

سفیر انگلیس گفت آیا شما تصدیق ندارید که اصولاً یک حس ضد اروپائی در ایران
تولید شده است؟ ملاحظه بفرمائید احساس حق [illegible] دارد و با [illegible] دیگر شخصی
دیگر هم به سفارت نمی‌آید و با بعضی از [illegible] سفارت همکاری و آشنائی داشت الان
مدت‌هاست [illegible] است در حس [illegible] ... بعضی [illegible] رشیدی است و چند روز به
سفیر چین گفته‌اند [illegible] در باب [illegible] کرده‌اند [illegible]
جواب دادم که این شخص [illegible] ایران است شما چرا در کار او مداخله می‌کنید
[illegible] که از قضیه رشیدی هیچ خبر ندارم و تعجب دارم که [illegible] داشته باشم
که [illegible] توقیف او علت و جهتی نیست و لی [illegible] رئیس الوزراء با جای دیگر
در این موضوع [illegible] کافی است. ... در خصوص حس ضد اروپائی که اظهار داشته‌اند
[illegible] با اطلاع شما ایرانی هستم و حس عقیده دارم که ایرانی در رابطه اخلاق [illegible]
و [illegible] که دارد [illegible] خارجی [illegible] راست است که [illegible] طبقه [illegible]
از [illegible] در [illegible] خارجی تا حدی [illegible] می‌کنند و لی این
[illegible] و [illegible] ایران با انگلیس است که [illegible]
[illegible] شما بدانند که اگر [illegible]
ممکن است [illegible] نه تنها برای ایران بلکه [illegible]
من [illegible] که [illegible] انگلستان [illegible] از آن روز [illegible] اظهار [illegible]
باشند [illegible] زیرا [illegible] آن [illegible] حقیقت [illegible] است که

ره ....
ـه ....
یخ ....
میمه ....

صفحه ۴۵

وزارت امور خارجه

من شخصاً از اظهارات شما تعجب میکنم زیرا تصور میکردم دولت انگلستان منافع عالیتری در شرق نزدیک و شرق وسطی دارد که نمیتوانیم به این جزئیات اهمیت بدهند و در اینجا وظیفه [illegible] شخص سفیران شناسائی کردیم که واقعه دستگیری و تبعید مدیر گمرک با تبعید [illegible] محیط خوق العاده نامساعدی را برای ما تولید نمود و تا زمانیکه دیپلماسی جبران نشود دولت انگلیس رضایت خاطر ما را فراهم ننماید بهیچوجه نخواهیم توانست بیکدیگر نزدیک شویم و [illegible] یک همکاری در مقابل ضدیت مستقیمی [illegible] داشته باشیم و حال آنکه وظیفه ما این است که اهالی سلطان [illegible] دولت [illegible] آن را اطلاع بدهید و چگونه قضایا را [illegible] نمایند و کوشش کنید [illegible] اقدام [illegible] رضایت خاطر ما بنماید زیرا دوام این وضع تولید کدورتهائی خواهد نمود که بآسانی رفع آن ممکن نخواهد گردید.

[illegible]

شماره: ۱۳۶
فرستنده: یادداشت برای ضبط در دوسیه (پرونده) توسط آقای شایسته
گیرنده:
تاریخ: ۲ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

در تاریخ چهارشنبه اول آذر ماه جاری یک ساعت قبل از ظهر که حسب الامر مقام وزارت به ملاقات وزیرمختار انگلیس رفته بودم، مذاکرات مختلفی به عمل آمد که یادداشت هریک در دوسیهٔ مربوطه ضبط است. در مسئلهٔ باسعیدو نیز مذاکراتی شد که خلاصه آن به قرار ذیل است: بنده اظهار داشتم در مدت غیبت جنابعالی از طهران پارهٔ حوادث ظاهر شد که متأسفانه چندان مطبوع نیست. آیا از جزئیات آنها اطلاع حاصل نموده اید؟ وزیرمختار جواب داد که در لندن به طور کلی و اجمال مطلع شدم در اینجا هم این دو روزه مقداری زیاد کاغذ خوانده‌ام. بنده گفتم چنین رفتاری گویا از طرف مأمورین انگلیسی سابقه نداشته باشد و مخصوصاً چیزی که بیشتر باعث تأثر و هیجان افکار عمومی می باشد این است که همه تصور می کنند این واقعه مخصوصاً فراهم شده و نیت و مقصود خاصی در این عمل بوده است. وزیرمختار اظهار داشت، مطمئن باشید که این‌طور نیست و اگر درست دقت کنید خواهید دید که در هر دو واقعه شروع امر از طرف مأمورین ایران بود. پیشامد پایین آوردن بیرق به دست صاحب منصب بحریهٔ شاهنشاهی شده در این واقعه هم مدیر گمرک داخل در محوطهٔ انگلیس شده است. ملاحظه نمودید که در واقعهٔ بیرق، ما این قدر سخت گیری نکردیم و اهمیت ندادیم و حال آنکه حق داشتیم ایستادگی کنیم. بنده جواب دادم قضیهٔ بیرق که خوشبختانه خاتمه یافته و دولت انگلستان موافقت خود را در ختم مسئله اطلاع داده اند لکن در هرحال این دو مطلب به هیچ وجه به یکدیگر شباهت ندارند. در قضیهٔ بیرق پس از آنکه شارژدافر شما مطلب را به وزارت امور خارجهٔ طهران اطلاع داد، فوراً به ایشان گفتیم که امر خوبی واقع نشده و دولت ایران دستوری در این باب نداده بود و در حقیقت این واقعه را تصدیق ننمودیم. بعد که هم لندن تقاضا کردند، همین مطالب را بنویسیم به هیچ وجه کوتاهی نکرد فوراً همان اظهارات شفاهی خودمان را کتباً تأیید نمودیم. لکن در مورد توقیف مدیر گمرک خود شما یعنی سفارت انگلیس به دولت ایران رسماً نوشت و تمام قضایا را اقرار و تصدیق نمود. البته حوادث غالباً اتفاق می افتد ولی اصرار به اینکه این واقعه صحیح

بوده، غیرقابل قبول می‌باشد. بعلاوه مأمورین انگلیس چندین خلاف را یکمرتبه مرتکب شده‌اند. اولاً دستگیری مدیر گمرک در حین انجام‌وظیفه؛ ثانیاً استنطاق و توقیف او در مدت پنج روز؛ ثالثاً تبعید او با کشتی جنگی و به وسیلهٔ قوای نظامی بحری از محل مأموریت؛ رابعاً داخل شدن کشتی جنگی انگلیس در آبهای بندرعباس بدون اطلاع و اجازه قبلی. ملاحظه می‌فرمائید که این رفتار مثل یک کینه‌ورزی و تلافی می‌باشد. وزیرمختار گفت مکرر به مدیر گمرک گفته شده بود که به حدود «بگوییم باسعیدوی انگلیسی» نیاید و باز هم اصرار درآمدن داشته و عجمهایی که در آن حدود بوده‌اند، تفتیش می‌نموده. بنده اظهار داشتم که خود شما برای پیدا کردن یک اسمی یعنی یک صفتی برای باسعیدو که منتسب به خودتان نمایید اشکال و زحمت دارید. با این حال به جهت آبهای آنجا حدودی قایل شده‌اید؟! مگر شما باسعیدو را خاک انگلیس می‌دانید؟ وزیرمختار بعد از مختصر تأملی جواب داد «بگوییم که خیر» بنده گفتم پس در این صورت به آب ساحلی آنجا چه تملک و نفوذی دارید؟ وزیرمختار گفت اگر در یک خاک ساحلی باشید و آب آنجا در تحت تسلط شما نباشد، نمی‌توانید در آن خاک نفوذ داشته باشید. راست است که شما در باسعیدو مالیات گرفته‌اید اما همیشه مورد اعتراض ما بوده. مکرر به وزارت امور خارجه نوشته‌ام که رفتار مأمورین جزء ممکن است تولید اشکالی بکند. در سال گذشته صحبتی با جناب اشرف آقای فروغی کرده‌ام که تا حدی آن را تصدیق فرمودند. مطلب من این بود که مأمورین ایران در جنوب دارای این عقیده هستند که اگر نسبت به خارجی‌ها بدرفتاری بکنند، مرکز نسبت به آنها بدبین نخواهد بود. آقای فروغی فرمودند که چون سابقاً ایرانیان نسبت به خارجی‌ها خیلی تواضع می‌نمودند، شاید حالا این یک عکس‌العملی است که تا حدی وضع سابق را تعدیل خواهد کرد. بنده گفتم شخصاً من از مأمورین جنوب اطلاعی ندارم ولی ما در وزارت امور خارجه هروقت حق با خارجی‌ها است صریحاً می‌گوییم و هرگاه هم حق ندارند آن را هم بدون پرده اظهار می‌داریم و دولت ایران از این رویهٔ ما ناراضی نیست. بعلاوه اگر مأمورین گمرک یا مأمورین مالیه و سایر ادارات به باسعیدو برای انجام وظایف می‌روند آنجا را خاک ایران می‌دانند. مکرر دولت ایران از سفارت انگلیس تقاضا کرد که اگر مدرکی در مالکیت باسعیدو دارند، ارائه دهند و تاکنون هیچ چیزی دیده نشده. خوب است بفرمایید سند و مدرک شما نسبت به باسعیدو چیست؟ وزیرمختار قدری تأمل نمود، گفت در طرح عهدنامه که ابتدا با وزیر دربار سابق و بعد با ایشان و حضرت اشرف آقای فروغی تهیه و تنظیم شده، قید گردیده که دولت انگلیس از

کلیهٔ حقوق خود نسبت به باسعیدو صرف‌نظر خواهد کرد. اگر دولت انگلیس حقوق نداشته، صرف‌نظرکردن چه معنی دارد؟ بنده با خنده گفتم منطق جنابعالی به نظر بنده خیلی غریب می‌آید! و تصور نمی‌کنم حقوقاً تأثیری داشته باشد زیرا یک عهدنامه تا امضا نشده، کان‌لم‌یکن است و نمی‌توان بدان استناد نمود. پس از امضا هم دیگر حق یا ادعایی نیست زیرا برگذار شده است. ملاحظه بفرمائید تمام قضایایی که در آنجا پیش می‌آید به دولت ایران حق اعتراض و گله می‌دهد مسترمالت صریحاً به وزارت خارجه نوشتند که هیچ قسم تأسیسات جدیدی در باسعیدو نشده حالا می‌شنویم که گویا خیال دارند بی‌سیم دایر نمایند. علایم جدیدی در دریا و خشکی گذارده‌اند. یک مغازهٔ بزرگی تأسیس نموده‌اند که کلیهٔ اجناس انحصاری یا ممنوعه را در آنجا می‌فروشند و مردم رفته به آزادی می‌خرند و به داخله خاک ایران می‌آورند. یک عده نظامی بحری در حدود سی نفر در آنجا نگاهداشته‌اند. بعلاوه برای تبلیغات و جلب اهالی روزی هشت‌انه به سکنهٔ آنجا پول می‌دهند. با این حال چگونه می‌خواهید که دولت ایران معترض نباشد؟ وزیرمختار گفت هیچ مانعی ندارد که اگر شما تصور می‌کنید در آنجا اجناس ممنوعه را می‌فروشند به ما اطلاع بدهید که جلوگیری بشود. بنده جواب دادم که پیشامد اخیر و رفتاری که نسبت به مدیر گمرک شده، به قدری مهم است که قبل از تسویهٔ آن و تحصیل استرضای دولت شاهنشاهی تصور نمی‌کنم بتوان به مسائل دیگر پرداخت و تا خاتمهٔ رضایت‌بخش این قضیه یک محیط نامساعدی مابین ما موجود خواهد بود که هرگونه معاضدت و همکاری و حسن تفاهم غیرممکن به نظر می‌رسد و ما انتظار داریم که جنابعالی با شخصیت و مقامی که در پیشگاه دولت انگلستان دارید، چگونگی مطلب و حقانیت دولت ایران را به آنجا بفرمایید که اقدام لازم در ترمیم فوری این پیشامد بنمایند.

محمد شایسته

وزارت امور خارجه

یادداشت ملاقات با [illegible]

در تاریخ چهارشنبه اول [illegible] ماه جاری ساعت [illegible] قبل از ظهر حسب الامر [illegible] به [illegible] رفته بودم

وزیر مختار انگلیس رفته بودم مذاکرات مفصلی به عمل آمد یادداشت [illegible] راجع به [illegible] خطرات

در مسئله [illegible] و نیز مذاکرات شده خصوصاً آنچه [illegible] : بنده اظهار داشتم

در مدت غیبت جنابعالی از طهران [illegible] حوادث ظاهر شده تا نشانه [illegible] [illegible] نیست

که از جزئیات آنچه اطلاع حاصل نموده‌اند؟ وزیر مختار جواب داد [illegible] [illegible] و اطلاع شده

بود اینها هم [illegible] مقداری [illegible] خوانده‌ام. بنده گفتم چنین رفتاری [illegible] از طرف مأمورین انگلیس سابقه

نداشته [illegible] و خصوصاً چیزی [illegible] نبایست [illegible] اظهار [illegible] [illegible] [illegible] میکنند

[illegible] واقعه خصوصاً [illegible] و نیست و [illegible] [illegible] است. — وزیر مختار اظهار داشت

[illegible] شنیده [illegible] نیست و اگر درست دقت کنید خواهید دید [illegible] واقعه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] پیش آمد [illegible] آورده [illegible] به دست [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] واقعه [illegible] [illegible] واقعه [illegible] انگلیس [illegible] است [illegible] [illegible] واقعه [illegible] اینقدر

[illegible] گیری کردیم و اهمیت ندادیم [illegible] آنچه حق را داشتیم [illegible] نگیریم. بنده جواب دادم [illegible]

[illegible] خاتمه یافته و دولت انگلستان [illegible] خود [illegible] [illegible] اطلاع داشته‌اند

[illegible]

وزارت امور خارجه

۲

لکن در هر حال این دو مطلب بهیچوجه بیکدیگر شباهت ندارند: در قضیه برق پس از آنکه شش روز از وقوع گذشته
سفارت را بوزارت امور خارجه مراجعه و اطلاع داد فوراً باشها گفتیم در امر خود با دقت تمام رسیدگی نموده
و دستوری ... خواهیم داد در حقیقت این واقعه را تصدیق نکردیم بعد از اینکه اعتراض کردند
بعد مطالب را نپرسیم بهیچوجه کتبی نکردیم فوراً بعد اظهارات شفاهی خودمان را کتباً تأیید نمودیم لکن
در مورد توقیف مدیر گمرک خود ... سفارت انگلیس و دولت دیروز را گذشت روز ... با
اقرار و تصدیق نمود. البته حوادث غالباً اتفاق افتاده ولی اصرار بنده باین واقعه صحیح ...
قایق ... بعد ... مامورین انگلیسی چندین صدف را گرفته رنگ شده اند و اولاً دستگیری
مدیر گمرک در حین انجام وظیفه ثانیاً استنطاق و توقیف او در مدت یکروز ثالثاً تبعید او با کشتی
جنگی و بوسیله قوای نظامی بحری ... را با واقع شده کشتی جنگی انگلیسی در آبهای بندر عباس
بدون اطلاع و اجازه قبلی. ملاحظه میفرمائید در این رفتار شوخی یک کینه عداوتی و تحدی پیدا نیست. — وزیر مختار
گفت مگر به مدیر گمرک گفته نشده بود که بدهد؟ مگر نه با سعیدی انگلیسی نباید ... اصرار
ورزیده داشته ... تفتیش میشود. بنده اظهار داشتم در خود ... پیدا کرد
یک ... صفتی برای ... ساعد ... و زحمت دارید با اینها بچه آبهای آنجا حدودی قائل شده اید؟!
مگر شما با سعیدی ... خاک انگلیسی پیدا اند؟ وزیر مختار ... تا چه جواب بدهد، بگویم نمیدانم. بنده
گفتم ... به آب سواحل آنجا چه تکلیف و نفوذی دارید؟ وزیر مختار گفت اگر در یک
خاک سواحل باشید و آب آنجا در تحت تسلط شما نیست؟ میفرمائید در آن خاک نفوذ داشته باشید

وزارت امور خارجه

۳

راحت است در موضوع باسعیدو هم ایالت گرفتاری [illegible] همیشه مورد اعتراض نماییم. مگر وزارت امور خارجه
نوشته ام در رفتار مأمورین جزء ممکن است تولید اشکال کند. در سال گذشته حضرت اجل جناب اشرف
آقای فروغی اظهار کرده اند که مأمورین آنرا تصدیق خواهند. مطلب من این بود مأمورین ایران [illegible]
دارای این عقیده هستند اگر نسبت به خارجه بد رفتاری کنند ترک نسبت با آنها بد رفتاری نخواهد شد
آقای فروغی فرموده اند در چهل سال قبل ایران نسبت به خارجه خیلی متواضع بوده و بعد حالا این یک
عکس العمل است در مأمورین وضع سابق را تجدید خواهد کرد. — بنده گفتم شنیده ام از مأمورین بندر
اطلاع ندارم ولی باید وزارت امور خارجه هر وقت حق با خارجه است صریحاً بگوییم و هر گاه [illegible]
حق ندارند آنرا هم بدهد. چون اظهار میداریم دولت ایران از این رو تا ناراضی نیست [illegible]
اگر مأمورین گمرک یا مأمورین نظمیه و سایر ادارات به باسعیدو [illegible] وظایف [illegible] آنجا
را خاک ایران میدانند. — مگر دولت ایران از سفارت انگلیس تقاضا کرده اگر [illegible]
باسعیدو وارد کنند [illegible] خوب است [illegible]
نسبت به باسعیدو چیست؟ وزیر مختار قدری تأمل کرد گفت در طرح عهدنامه در ابتدا با وزیر دربار
سابق دیده باشید و حضرت اشرف آقای فروغی تهیه و تنظیم شده قید گردیده دولت انگلیس از
کلیه حقوق خود نسبت به باسعیدو صرف نظر خواهد کرد. اگر دولت انگلیس حقوقی نداشته صرف نظر
کردن چه معنی دارد؟ بنده با خنده گفتم منطق جنابعالی بنظر بنده خیلی غریب میآید! و تصور نمیکنم
حقوقاً تأثیری داشته باشد زیرا یک عهدنامه تا امضا نشده که قابل عمل نیست و [illegible] ۱۵ [illegible]

....

....

خ ....

بمه ....

وزارت امور خارجه

۴

[illegible] در دیگر حق یا ادعای تبعیت زنها برگذار شده است. مقامات [illegible] تا اقتضا [illegible]

و در آنجا پیش می‌کند که دولت ایران حق اعتراض و گله ندارد. [illegible] وزارت خارجه [illegible]

و این قسم تا سیاست جدیدی [illegible] حالا [illegible] هر گاه خیال دارید [illegible]

جدیدی [illegible] گذاشته‌اند که کشتی‌ها [illegible] بزرگ [illegible] و کلیه اجناس انحصاری یا ممنوعه

را در آنجا دستگیر شدند و مردم رفته به آزادی [illegible] به داخله خاک ایران می‌آوردند. یک عده [illegible]

[illegible] آنها نگاه داشته‌اند عده‌ای برای تفتیش [illegible] شکست آنها به سکنه

آنها پناه داده‌اند. با این حال چون نمی‌خواهد دولت ایران [illegible] قرار گرفت [illegible]

و اگر تصور [illegible] در آنجا اجناس ممنوعه دستگیر شدند با اطلاع [illegible] جلوگیری شود. بنده جواب دادم

و می‌دانید که امید و رفتار [illegible] نسبت به [illegible] گذشته [illegible] است و قبل از [illegible] ایران [illegible]

دولت شاهنشاهی تصور [illegible] تا خاتمه [illegible]

یک [illegible] عدم [illegible] موجود خواهد بود هر گونه مساعدت و همکاری [illegible] غیرممکن [illegible]

[illegible] ۱۳۱۲ [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۳۷
فرستنده: سفارت ایران در لندن
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

چون تلگرافاً امر فرموده بودند که هرگاه راجع به قضیهٔ باسعیدو مقالاتی در جراید انگلیس درج شود مطلب را تلگرافاً به عرض رسانید، لهذا پس از انتشار شرحی که در نمرهٔ ۱۶ نوامبر مجلهٔ شرق نزدیک درج شده بود، مراتب را تلگراف نمود. چنانکه ملاحظه می‌فرمایند سردبیر مجلهٔ مزبور بیطرفانه شرح واقعه و نظریات دولتین را نسبت به این امر نگاشته و هیچ نوع ایهام و اشاره که موهن به حال ایران باشد، ننموده است. چون قطعهٔ مزبور در جزو سایر قطعات به وزارت جلیله ایفاد شده، ارسال مکرر را زاید می‌داند. ضمناً به عرض می‌رساند که تا به حال جراید در این خصوص هیچ خبر و مقاله منتشر ننموده‌اند و بعضی‌ها هم به بنده مراجعه و اظهار داشتند اگر مایل باشید چیزی در این باب بنویسیم، اطلاعاتی به ما بدهید تا منتشر کنیم. ولی از آنجا که ممکن بود انتشار یک خبر جلب توجه کرده و سایر روزنامه‌نگاران را متوجه و بیدار کند و اخبار و مقالاتی در اطراف امر بنویسند که در آتیه اسباب زحمت و محتاج به تکذیب باشد، بنده صلاح را در این دیدم حالا که جراید به طور کلی چیزی ننوشته‌اند، ادامهٔ سکوت به حال ما مفیدتر خواهد بود.

شارژدافر نوری اسفندیاری

سفارت شاهنشاهی ایران
لندن

۸۳۰
۱۳۱۲/۹/۷

وزارت جلیله امور خارجه

چون تلگرافاتی که امر فرموده بودند در آن درگاه راجع به قضیه [illegible] در جراید انگلیس درج شود مطلب را [illegible] بعرض رسانیده بودند
پس از نشر شرحی در نمره ۱۰۲ [illegible] درج شده بود [illegible]
بطوریکه شرح داده شد نظریات [illegible] هیچ نوع اهمیتی [illegible] رجال ایرانی [illegible]
چون قطعه [illegible] در جزو سایر قطعات [illegible] ارسال گردید [illegible] بعرض رسانیده [illegible]
هیچ خبر و مقاله منتشر شده [illegible] اگر مایل باشند چیزی در این باب [illegible]
ولی از آنجا [illegible] روزنامه‌نگاران [illegible]
در [illegible] بنده [illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۴۴۲۵
نمره ضبط
۱۳۱۲/۹/۲۲

[illegible]

شماره: ۱۳۸
فرستنده: راپرت ملاقات با وزیرمختار انگلستان توسط آقای کاظمی
گیرنده:
تاریخ: ۸ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

راپرت ملاقات با وزیرمختار انگلستان

سررجینالدهور وزیرمختار انگلستان روز چهارشنبه هشتم آذر ۱۳۱۲ به ملاقات اینجانب درعمارت وزارت امورخارجه آمده و در ضمن مذاکره سایر مسائل تلگرافی را که از دولت متبوعهٔ او راجع به قضیه مدیر گمرک باسعیدو به سفارت رسیده بود، قرائت نمود. تلگراف مزبور مشعر بود که دولت انگلیس پس از مداقه کامل در جریان امر و وصول اطلاعات تفصیلی قضیه اعتراف می کنند که اقداماتی که نسبت به مدیر گمرک با سعیدو به عمل آمده، مورد نداشته و ممکن بود فقط به اجازهٔ او به باسعیدوی نو اکتفا می‌شد و مراتب به استحضار دولت ایران می‌رسید و دولت ایران می‌تواند این اعتراف را به منزلهٔ اظهار تأسف تلقی نماید. اینجانب به مشارالیه اظهار داشتم با موضوع مهم دیگری که این ایام در پیش داریم، بهتر است مذاکره در این باب رابه موقع مناسبتری بگذاریم و اصلاً در ورود به موضوع و مذاکره در آن امتناع کردم.

وزیرمختار انگلستان مجدداً شرحی بیان نمود که پس از ملاقات پنجشنبهٔ گذشته که مفصلاً نقطه نظر دولت شاهنشاهی را برای من توضیح دادید، تلگراف مفصلی به لندن کردم و تمام نظریات شما را تشریح کردم و این جواب آن تلگراف می‌باشد و خوشوقتم که توضیحات شما و اقداماتی که من متعاقب آن کردم ما را به این نتیجه رسانید که دولت انگلیس چنین اعتراف و تصدیقی بکند و بعلاوه بمن دستور داده‌اند اطمینانهای مجدد و مکرری راجع به حسن نیت دولت انگلستان و علاقه‌ای که در حفظ و ازدیاد دوستی با دولت شاهنشاهی دارد، بدهم و اگر سوء تفاهمی حاصل شده باشد که مقصود از اقدامات نسبت به مدیر گمرک باسعیدو اهانت به مأمورین ایران بوده است، آن را نیز مرتفع سازم.

اینجانب جوابی به این اظهارات نداده و موضوع مهمتری را که در پیش بود، مذاکره کردم.

توضیحاً اشعار می‌دارد که روز پنجشنبه دویم آذر ۱۳۱۲ پس از اینکه

سررجینالدهور به طهران مراجعت کرده بود، در عمارت وزارت امور خارجه او را ملاقات و به تفصیل هرچه تمامتر موضوع مدیر گمرک باسعیدو را مطرح و نقطه‌نظر دولت شاهنشاهی را کاملاً تشریح و جبران امر و تأدیب مأمورین مربوطه را خواستم و اظهارات امروز وزیرمختار انگلیس اشاره به آن مذاکرات بود.

امضا: کاظمی

وزارت امور خارجه

راپرت ملاقات با وزیرمختار انگلستان

سر رجینالد هور وزیرمختار انگلستان روز چهارشنبه هشتم آذر ۱۳۱۲ بملاقات اینجانب در وزارت امور خارجه آمده [illegible]

در ضمن مذاکره سایر مسائل [illegible] را که از دولت متبوعه او راجع بقضیه مرز گمرک باسعیدو بسفارت رسیده بود قرائت نمود

[illegible] مورخ [illegible] بود دولت انگلیس پس از مذاکرات کامل در این امر و جمع اطلاعات تفصیلی قضیه [illegible]

و اقدامات [illegible] نسبت بمرز گمرک باسعیدو و بعضی آنچه مورد نظر داشته و ممکن بود فعلاً جواب او به باسعیدو [illegible]

مراتب باطلاع دولت ایران برسد و دولت ایران متقاعد باین [illegible] اظهار [illegible]

اینجانب [illegible] اظهار نموده ام با موضوع مهم دیگری در این ایام در پیش داریم بهتر است مذاکره در این باب

بوقت مناسب تری بگذاریم و چون [illegible] موضوع و مذاکره در آن [illegible] کنم.

وزیرمختار انگلستان [illegible] در ملاقات [illegible] گذشته [illegible] نقطه نظر دولت [illegible]

برای [illegible] توضیح داده [illegible] تقاضا نمودن که [illegible] نظریات شما را تشریح کنم و در جواب آن [illegible]

[illegible] توضیحات شما [illegible] آن که [illegible] دولت انگلیس

چنین [illegible] دولت انگلیس

[illegible] دولت [illegible] دارد [illegible] از [illegible]

نسبت بمرز گمرک باسعیدو [illegible] ایران [illegible] آن [illegible] سازیم.

اینجانب جوابی باین اظهارات نداده و موضوع مهم تری را که در پیش بود مذاکره کردیم.

توضیح [illegible] روز پنجشنبه [illegible] آذر ۱۳۱۲ پس از اینکه سر رجینالد هور [illegible] که بود در وزارت

[illegible] و [illegible] موضوع مرز گمرک باسعیدو [illegible] و نقطه نظر دولت [illegible]

[illegible] ۸/۹/۱۲

شماره: ۱۳۹
فرستنده: وزارت مالیه
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسلات سابقه، سواد چند فقره راپرت واصله از بوشهر را راجع به قضایای اخیر باسعیدو، تلواً برای استحضار خاطر محترم ایفاد می‌دارد.

وزیر مالیه

[پی نوشت:]

آقای شایسته در دوسیهٔ مربوط ضبط شود. از بعضی از اطلاعات مندرجه در ضمائم می‌توان استفاده نمود.

راپورت نمرهٔ ۲

توقیف شدن مدیر و مستحفظ باسعیدو توسط کشتی جنگی انگلیسی شورهم

پس از آنکه عمل تحویل اداره به آقامیرزاعلی‌خان خوشکیش نمره ۱۵۹۶ مدیر جدید باسعیدو خاتمه یافت، عیال مستحفظ باسعیدو را (شهری) محرمانه خواسته تحقیقات کامل به شرح ذیل در خصوص گرفتاری مدیر و مستحفظ از مشارالیها گردید ذیلا قضیه واقعه را معروض می‌دارد

در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۱۲ طرف عظر جهاز بادی متعلق به حاج علی‌سودی اهل عباسی حامل کرده، مویز و هندوانه جهت دوبی از طرف عباسی وارد باسعیدو می‌شود و در طرف شمال اداره لنگر می‌اندازد فعلاً مدیر و مستحفظ جهت تفتیش جهاز مذکور از اداره حرکت می‌کند. هر دو بدون اسلحه موقعی که وارد می‌شوند عبدالله پسر محمد موسی و محمد پسر عبد محمد موسی هر دو نزدیک جهاز بادی حاضر بودند به محض مشاهدهٔ مدیر مستحفظ برای تفتیش جهاز فوراً به ادارهٔ سیاسی انگلیسها در باسعیدو رفته (راپورت ادارهٔ سیاسی و غیره علی‌حده تحت نمرهٔ ۳ معروض می‌شود) و از حضور و تفتیش

و عملیات مدیر ادارۀ سیاسی انگلیس را مطلع ساخته، اداره سیاسی فوراً یک نفر صاحب منصب با چهار نفر نظامی اروپایی مسلح به اتفاق یک نفر مترجم به طرف کشتی بادی اعزام به محض ورود مدیر و مستحفظ را از جهاز بادی حاج علی‌سودی صدا زده در اثر صدا مدیر و مستحفظ از جهاز بادی پایین وقتی که روبرو می‌شوند، مترجم از قول صاحب‌منصب به مدیر می‌گوید که شما باجازۀ کی جهت تفتیش به این محل آمده‌اید. مدیر جواب می‌دهد که ما اجزای گمرک دستور تفتیش جهازات که در هر نقطۀ باسعیدو توقف نمایند، داریم. مترجم از قول صاحب‌منصب می‌گوید همان‌طوری که شما دستور تفتیش جهازات را دارید ما هم دستور توقیف شما را داریم. بنابراین بفرمائید شما را به کشتی جنگی باید ببرم مدیر جواب می‌دهد که ما دستور مدافعه در این گونه موارد نداریم به هرجا که بخواهید شده حاضرم به اتفاق آنها از آن محل حرکت می‌کنند و مدت شش روز در همان کشتی شور هم (Shorehame) توقیف بوده و در این مدت از سلامتی خودشان با خانواده از کشتی جنگی مکاتبه می‌نمودند و جواب خانواده نیز به آنها می‌دادند. (لاکن تمام مراسلات که ردوبدل می‌شود سانسورمی‌نمودند) در روز ششم مدیر و مستحفظ هریک رختخواب و چند دست لباس از خانۀ خود خواسته و فرستاده شد و به وسیلۀ کشتی جنگی لوپن (Lopen) آنها را از باسعیدو حرکت می‌دهند ولی حرکت آنها به کدام طرف نبوده افواهاً می‌گویند به طرف عباسی برده‌اند.

مورخه ۲۴ مهر ۱۳۱۲

رئیس محاسبات گمرک لنگه

مورخۀ ۱۹ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم‌ولایتی گمرکات لنگه

از قرار مسموع عصر ۱۷ مهر ماه آقای مدیر باسعیدو با مستحفظ رفته‌اند در باسعیدوی کهنه. مأمورین خارجی برده‌اند در جهاز آتشی و تاکنون معلوم مرخصی آنها نیست.

مدیر گمرک نمکدان ــ نعمت‌الله ۶۳۷

رابورت نمرۀ ۳:

اقدام و عملیات انگلیسها در باسعیدو

محوطه‌ای که انگلیسها فعلاً در باسعیدو تصرف و مشغول ساختمان می‌باشند، طبق نقشۀ ضمیمه طرف مغرب جزیرۀ قشم و تقریباً سه‌هزار قدم طرف مغرب ادارۀ

گمرک باسعیدو واقع ــ سابقاً انگلیسها فقط دارای یک چوب بیرق و عمارت کوچکی به نزدیک ساحل دریا طرف مغرب جزیره بودند و در اسفند ۱۳۱۱ که شخصاً خودم آنجا را بازدید نمودم، محوطهٔ آنها دارای حدود معینی نبوده یعنی حدودی رسماً برای خود قایل نشده بودند. لکن امروزه هزاران ذرع به طرف داخل جزیره قلو رفته‌اند و به وسیلهٔ بیرقهای کوچک که در زمین نصب نموده‌اند حدود را تشخیص داده ودر هر طرف از حد شخصی یک خیمه بر پا نموده که مأمن و مسکن مستحفظین مسلح اروپایی و یک توپ مسلسل است.

بعلاوه از ساختمان اولیه یک ساختمان بزرگی برپا نموده‌اند که در طرف آن ادارهٔ سیاسی یا چند نفر اعضا و طرف دیگر اداره تلفون بی‌سیم (رادیو) معین نموده و در وسط عمارت مسافرخانه برای واردین و محل ورزش داخلی از قبیل (بلیارد) تهیه نموده و نزدیک آن عمارت یک مغازهٔ بسیار بزرگ باز و از هر قسم جنس از قبیل مشروبات اروپایی، زیرپیراهن، چادرشب، جوراب، بیسکویت، چاه کیت، شکرجارمی، برنج، آرد، سیب زمینی و غیره و غیره برای فروش تهیه دیده‌اند و هرکس می‌تواند در مقابل وجه نقد جنس خریدای نماید. جهت نمونه قدری شکر آن دکان که دومن گمرک به یک روپیه قیمت دارد ضمیمه تقدیم می‌شود. شکر مذکور شکر تجارتی ایران وعمانات نیست، بلکه شکری است که در اروپا مصرف می‌شود، زیرا که رنگ آن قرمز و شیرینی آن دو مقابل شیرینی شکر تجارتی است معروف شکر (گو) به غیر از بیرق بزرگ که در ساحل غربی و سایر بیرقهای کوچک که در حدود معینه بین آن محوطه و شهر باسعیدو نصب نموده‌اند، ضمناً همه روزه عملهٔ ایرانی یعنی اهالی باسعیدو مشغول خرد نمودن سنگ جهت ساختمان و جاده برای اتومبیل‌رانی می‌باشند. حالیه به طور دایم در دریای باسعیدو یعنی در مقابل حدود مشخصه یک فروند کشتی جنگی در اول دیک موتور لانج زره‌پوش در آخر حد لنگر انداخته هروقت جهازی در مقابل بیرقهای حدود مشخصه توقف کند، انگلیسها ممانعت و صریحاً اخطار می‌کنندکه یا باید در جلو گمرک یا در لنگرگاه آزاد اشغال شده بایستید کما اینکه موتور خود بنده روبه‌روی بیرقهای مزبور لنگر انداخت، فوراً از طرف موتور زره‌پوش اخطار فوق ابلاغ گردید ــ لنگه، مورخهٔ ۲۴ مهر ۱۳۱۲.

رئیس محاسبات گمرک لنگه

بتاریخ ۱۱ ماه ۹ ۱۳۱۲

نمره ۷۰ [illegible] ضمیمه [illegible]

وزارت مالیه

اداره [illegible]

دایره

محرمانه مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب مراسله سابقه [illegible] و [illegible] وزارت

[illegible] را [illegible] تقاضای اخیر [illegible]

[illegible] خاطر [illegible]

وزیر مالیه

[illegible]

ضبط شود

[illegible] در [illegible]

[illegible]

۱۲/۹/۱۲

[illegible]

نمره ثبت ۳۳۵۳۸

تاریخ ۱۲/۹/۱۲

۳۵۰۰

۵۰۰ - [illegible]

رابورت نمره ۲

توقیف شدن مدیر وستحفظ باسعید و توسط کشتي جنگي انکلیسي شورهم

پس ازآنکه عمل تحویل اداره باقا میرزا علي خان حونشکیش نمره ۱۵۹۶ مدیر جدید باسعید و خاتمه یافت عیال مستحفظ باسعید و را (شهری) محرمانه خواسته تحقیقات کامل بشرح ذیل درخصوص کرفتاری مدیر وستحفظ ازمشارالیها کردید ذیلا قضیه واقعه رامعروض میدارد

در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۱۲ طرف عظر جهاز بادب متعلق بحاج علي سودی اهل عباسي حامل کرد د — موز وهندوانه جهت دوبي ازطرف عباسي وارد باسعید و میشود ودرطرف شمال اداره لنگر میاندازد فعلا مدیر وستحفظ جهت تفتیش جهاز مذکور ازاداره حرکت میکند هرد و بدون اسلحه موقعیکه وارد میشوند عبد الله پسر محمد موسي ومحمد پسر عبد محمد موسي هرد ونزدیك جهاز بادی حاضر بودند بمحض مشاهده مدیر مستحفظ برای تفتیش جهاز فورا باداره سیاسي انکلیسها در باسعید و رفته (رابورت اداره سیاسي وغیره علیحده تحت نمره ۳ معروض میشود) و ازحضور وتفتیش وعملیات مدیر اداره سیاسي انکلیس رامطلع ساخته اداره سیاسي فورا یکنفر صاحب منصب باچهار نفر نظامي اروپائي مسلح باتفاق یکنفر مترجم بطرف کشتي بادی اعزام بمحض ورود مدیر وستحفظ را ازجهاز بادی حاج علي سودی صدا زده درانر صدا مدیر. وستحفظ ازجهاز بادی پائین وقتیکه روبرو میشوند مترجم ازقول صاحب منصب بمدیر میکوید که شما باجازه کي جهت تفتیش باین محل آمده اید مدیر جواب میدهد که ما اجزاء کمرك دستور تفتیش جهازات که درهرنقطه باسعید و توقف نمایند داریم مترجم از قول صاحب منصب میکوید همانطوریکه شمادستور تفتیش جهازات را دارید ماهم دستور توقیف شما را داریم بنابراین بفرمائید شما رابکشتي جنگي باید ببرم مدیر جواب میدهد که ما دستور مدافعه دراینکونه موارد نداریم بهرجا که بخواهید حاضرم باتفاق آنها ازآن محل حرکت میکنند ومدت شش روز درهمان کشتي شورهم (Shoreham) توقیف بوده و دراینمدت از سلامتي خودشان باخانواده ازکشتي جنگي مکاتبه مینمودند وجواب خانواده نیزبآنها مي دادند (لاکن تمام مراسلات که رد وبدل میشود سانسور مینمودند) در روز ششم مدیر وستحفظ هریك رختخواب و چند دست لباس ازخانه خود خواسته وفرستاده شد و بوسیله کشتي جنگي لوپن (Lopeen) آنها را ازباسعید و حرکت میدهند ولي حرکت آنها بکدام طرف نبوده انواها میکویند بطرف عباسي برده اند

مورخه ۲۴ مهر ۱۳۱۲

رئیس محاسبات کمرك لنکه

سواد مطابق با اصل است

مورخه ۱۹ مهر ۱۳۱۲

ریاست محترم ولایتی گمرکات لنگه

ازقرارمسموع عصر ۱۷ مهرماه آقای مدیر باسعید و با مستحفظ رفته اند درباسعیدوی
کهنه مامورین خارجی برده اند درجهاز آتشی وتاکنون معلوم مرخصی آنهانیست
مدیرگمرک نمکدان ـ نعمت الله ۶۲۷

سواد مطابق باسواد است

راپورت نمره ۲

(اقدام وعملیات انکلیسها در باسعیدو)

محوطه که انکلیسها فعلا در باسعید و تصرف ومشغول ساختمان میباشند طبق نقشه ضمیمه طرف مغرب جزیره قشم وتقریبا سه هزار قدم طرف مغرب اداره کمرك باسعید و واقع – سابقا انگلیسها فقط دارای یك چوب بیرق وعمارت کوچکي بنزدیك ساحل دریا طرف مغرب جزیره بودند و دراسفند ۱۲۱۱ که شخصا خودم آنجارا بازدید نمودم محوطه آنها دارای حدود معیني نبوده یعني حدودی رسما برای خود قائل نشده بودند لکن امروزه هزاران ... ذرع بطرف داخل جزیره قلو رفته ... و بوسیله بیرقهای کوچك که درزمین نصب نموده اند حدودرا تشخیص داده و در هرطرف ازحد شخصي یك خیمه برپانموده که مامن ومسکن مستحفظین مسلح اروپائي و یك توپ مسلسل است

بعد ... از ساختمان اولیه یك ساختمان بزرگي برپا نموده اند که درطرف آن اداره سیاسي یاچند نفر اعضاء و طرف دیگر اداره تلفون بي سیم (رادیو) معین نموده و در وسط عمارت مسافرخانه برای واردین ومحل ورزش داخلي ازقبیل (بلیارد) تهیه نموده ونزدیك آن عمارت یك مغازه بسیاربزرك باز و از هر قسم جنس ازقبیل مشروبات اروپائي زیرپیراهن چادرشب – جوراب – بسکویت چاه کیت شکر چارمي برنج ارد سیب زمیني وغیره وغیره برای فروش تهیه دیده اند وهرکس میتواند درمقابل وجه نقد جنس خریداری نماید جهت نمونه قدری شکر آن دکان که دومن کمرك بیکروپیه قیمت دارد ضمیمه تقدیم میشود – شکر مذکور شکرتجارتي ایران وعمانات نیست بلکه شکریست که دراروپا مصرف میشود زیرا که رنك آن قرمز وشیریني آن درمقابل شیریني شکر تجارتي است معروف شکر (گر) بغیر ازبیرق بزرك که درساحل غربي وسایربیرقهای کوچك که درحدود معینه بین آن محوطه و شهر باسعید و نصب نموده اند ضمنا همه روزه عمله ایراني یعني اهالي باسعید و مشغول خورد نمودن سنك جهت ساختمان وجاده برای اتومبیل راني میباشند حالیه بطور دائم در دریای باسعید و یعنی درمقابل حدود مشخصه یکنفر ولد کشتي جنگي در اول دیك موتور لانچ زره پوش درآخر حد لنکر انداخته هروقت جهازی درمقابل بیرقهای حدود مشخصه توقف کند انکلیسها ممانعت وصریحا اخطار میکنند که یابایند درجلو کمرك یا درلنگر گاه آزاد اشغال شده بایستید کما اینکه موتور خود بنده روبروی بیرقهای مزبور لنگر انداخت فورا ازطرف موتور زره پوش اخطارفوق ابلاغ گردید – لنگه مورخه ۲۴مهر ۱۳۱۲

رئیس محاسبات کمرك لنکه

سواد مطابق باسواد است

شماره: ۱۴۰
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مراسلهٔ محترمهٔ مورخهٔ ۱۲/۹/۱۵ تحت نمرهٔ ۳۳۸۰۸ متضمن سواد راپورتی که به دفتر مخصوص شاهنشاهی راجع به عملیات عمال انگلیس در باسعیدو شرف وصول داد. مطالبی که نوشته شده است، راپورتهای واصله به وزارت داخله را که سواد آنها در موقع خود به آن وزارت جلیله ارسال شده است، تأیید می‌نماید. موضوع همان توقیف مدیر گمرک باسعیدو بردن مشارالیه به عباسی و تعیین حدود باسعیدوی کهنه که اسم آن را با سعیدوی انگلیس گذارده‌اند، می‌باشد. این راپورت خبر تازه بر معلومات وزارت جلیله نمی‌افزاید. تمام اقدامات حق‌شکنانه که به آن در راپورت ضمیمه اشاره شده است، تأیید می‌شود. چون تقاضا کرده‌اند که در این باب تحقیق بشود، در واقع تکرار یک وقایعی خواهد بود که مکرر و مشروحاً راپورتهای آن به وزارت جلیلهٔ خارجه ارسال گردیده است.

مهر وزارت داخله

در هر صورت به حکومت بنادر دستور داده شد که در مندرجات راپورت مذکور دقیقاً تحقیق نموده نتیجه را اطلاع دهد.

[پی نوشت:]
ادارهٔ اروپا و آمریکا
باید منتظر راپورت حکومت بنادر شد.

وزارت داخله

کابینه ....

تاریخ ۱۸ آذر ماه ۱۳۱۰

نمره ۱۴۵۵۰ ضمیمه

۸۳۰

محرمانه

وزارت جلیله امور خارجه

مراسله محترمه نمره ۱۲/۹/۱۵ – ۳۳۸۰۸ متضمن سواد راپرت [illegible] در خصوص [illegible]

راجع بتقویت عمال انگلیس در باسعیدو و تصرف قسمتی [illegible] که سابقاً نوشته شده است راپورتهای [illegible]

که سواد آنها در مرقومه [illegible] وزارت جلیله ارسال شده است تأیید میکند موضوع [illegible] توقیف مدیر گمرک باسعیدو

بدون شک [illegible] و تعیین حدود باسعیدو که [illegible] در امر اراضی باسعیدو انگلیس گذارده [illegible]

خبر تازه برای وزارت جلیله [illegible] تمام اقدامات [illegible] در راپورت ضمیمه اشاره شده است

تأیید میشود چون اقداماتی که لازم [illegible] تحقیق شود در واقع تکرار [illegible] خواهد بود [illegible]

راپورتهای آن را بوزارت جلیله خارجه ارسال کرده است [illegible]

در هر صورت [illegible] باید [illegible] دقیق تحقیق [illegible]

[illegible]

۳۴۱۷۴

۱۲/۹/۱۹

۱۲/۹/۱۸

باید منتظر راپورت [illegible] شد.

شماره: ۱۴۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۱۲
متن سند:

شخصی و محرمانه

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه

وزیر عزیزم

پس از تفکر در اطراف مذاکرات پریروز که فی‌مابین به عمل آمد، دو نکته به نظر دوستدار رسید که برای اینجانب روشن نیست:

موضوع اول این است که آیا برحسب میل صریح اعلیحضرت اقدس همایونی بوده است که به دوستدار اشعار فرمودید که خوب است در طی مذاکرات خود با اعلیحضرت اقدس همایونی از بحث در مسائل سیاسی خودداری نمایم یا خیر؛ و موضوع ثانوی اینکه یادداشتی را که اصرار می‌فرمایید درباب مدیر گمرک تهیه نمایم برای چه منظوری احتیاج دارید.

لازم است در باب موضوع ثانی قدری بحث کنم. این است که سعی می‌نمایم مقصود خود را واضح سازم. در فلان موقع یک دولتی (مثلاً دولت x) ممکن است بخواهد مخصوصاً با دولت دیگر (دولت y) رویهٔ صلح‌جویانه اتخاذ کند و بنابراین ممکن است یک اقدام مخصوص به عمل آورد، مشروط براینکه این اقدام به اطلاع عموم نرسد، دو ایراد در مورد انتشار این اقدام در بین عموم موجود است، الف) در صورت اشتهار موضوع ممکن است دول دیگر توقع داشته باشند نظیر این معامله نیز دربارهٔ آنها به عمل آید؛ ب) ممکن است به وسیلهٔ تحریک مذاکرات و تنقیدات در مملکت x نتایجی را که به واسطهٔ اقدام صلح‌جویانه در مورد مملکت y حاصل گردیده است خنثی نماید.

اجازه دهید این موضوع را تطبیق نماییم با مسئله راجع به اتفاقات مربوط به بیرق و مدیر گمرک (در حالی که مسلماً اختلاف نظر خود را در مورد بعضی جنبه‌های مسئلهٔ اخیر محفوظ می‌داریم.)

دوستدار می‌توانم تصور نمایم که در صورتی که دولت انگلیس اصرار می‌ورزیدند، ممکن بود دولت ایران حاضر شوند تأسفات رسمی خود را در ضمن یادداشتی برای

توهینی که به بیرق انگلیس وارد آمده است، اظهار دارند. با این مفهوم که یک چنین یادداشتی به طبع نخواهد رسید و ممکن بود در تحت این عنوان به طبع یادداشت مزبور ایرادی نمودند که انتشار این مسئله منجر به مذاکرات و مذاکرات منجر به مشاجراتی می‌گردید که باعث تهییج افکار عمومی و مضر نسبت به منظوری شود که یادداشت برای آن منظور نوشته شده بود.

به همچنین به طریق اولی در خصوص مسئلهٔ مدیر. دوستدار شفاهاً بعضی مسائل را به آنجناب بیان کردم که از دوستدار خواهش می‌نمایند روی کاغذ بیاورم.

تصور فرمایید مطالب مزبور را نوشتم و آن جناب آنچه را نوشتم در مجلس قرائت فرمودید، در نتیجه آن ممکن است سؤالاتی در مجلس پارلمان انگلیس به عمل آید که مفاد آن این باشد (آیا عقیدهٔ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان براین است که مدیر گمرکات در اتخاذ اقدامی که به عمل آورده‌و منجر به این اتفاق گردیده، محق بوده است و چنانچه محق نبود چرا دولت انگلیس این رویهٔ صلح‌جویانه غیرلازم را اتخاذ نموده‌اند.)

این مسئله تقریباً بلاشک منجر به مذاکراتی در باب قضیهٔ بیرق خواهد گردید و قس علی ذلک.

خلاصه اینکه بایستی بار دیگر خود را دچار مذاکرات و مشاجرات عمومی مشاهده نمود و در نتیجه از اقدام به اموری که وظیفهٔ حقیقی ما محسوب و در مقابل داریم بازخواهیم ماند.

خواهشمندیم لطفاً در باب نکات فوق دقت فرمایند تا دوستدار بتوانم وضعیت را با کمال وضوح به دولت متبوعهٔ خود اطلاع دهم.

ضمناً بی‌نهایت ممنون خواهم شد جواب سؤالی را که در قسمت اول این مراسله نموده‌ام و راجع است به موضوع شرفیابی دوستدار، در طی امروز جواب بدهید.

دوست صمیمی: ر. هور

ترجمه

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

۱۸ دسامبر ۱۹۳۳
۲۷ آذر ۱۳۱۲

شخصی و محرمانه

وزیر محترم،

بی‌نهایت تشکر در الطاف و مذاکرات پریروز که فیما بین بعمل آمد. در گفتگو خیلی دوستانه دیروز یک چیز که برای من

روشن نیست:

موضوع مهمی است که آیا بر حسب سیر جریان اعلیحضرت اقدس همایونی میل دارند که دوستانه یک رفع سوء تفاهم بعمل آید

راجع مذاکرات خود با اعلیحضرت اقدس همایونی در نجف و در شکل سیاسی خود در این باب یا خیر

در موضوع تأثر انگلیس یا دولتی را که جدا در نظر میگیرید در باب تبدیل کرک شبیه آنها مطرح منظور

جواب بدهید.

مقصود در باب موضوع تأثر قدری کسب کنم این است که من شخصاً مقصود خود را واضح سازم

در خلال مرتع یک دولتی (مثلاً دولت X) ممکن است بخواهد منصرف از دولت انگلیس

(دولت Y) رو به صلح جویانه پیشنهاد کند و بنا براین ممکن است یک اقدام مخصوص

مبرا کرده مشروط به اینکه این اقدام با اطلاع عموم نرسد دو ایراد در مورد اشاره

این اقدام در این عموم موجود است (الف) در صورت اشتهار موضوع ممکن است

جناب مستطاب اجل آقای ... با تجدید احترامات فائقه حافظ وزیر امور خارجه

(۲)

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

ممکن است (ب) [illegible] آنها نیز در این مسئله نظریاتی نسبت [illegible] داشته توقع [illegible] دول دیگر

[illegible] صلح جویانه [illegible] که [illegible] تاکتیکی را × در مملکت تغییرات و ترتیبات [illegible] بوسیله [illegible]

[illegible] حاضر کرده است [illegible] در مورد مملکت

[illegible] مربوط به برق [illegible] مسئله [illegible] تطبیق [illegible] موضوع را [illegible] چنانچه

[illegible] مغشوش [illegible] اخیر [illegible] در مورد بعضی [illegible] نظر خود را [illegible] اختلاف [illegible] در حالیکه

ممکن بود [illegible] دولت انگلیس [illegible] تصور نمایم [illegible] میتوانم [illegible] دوستدار

[illegible] انگلیس که [illegible] توضیح [illegible] برای [illegible] در ضمن [illegible] حاضر شوند [illegible] دولت ایران

[illegible] ممکن بود [illegible] چنین [illegible] مفهوم با این [illegible] اظهار [illegible] است دارد

[illegible] مسئله [illegible] که [illegible] میشوند [illegible] بعنوان [illegible] در تحت این عنوان

[illegible] منظور شود [illegible] نسبت [illegible] گفتار [illegible] تهیه [illegible] که [illegible] جواب [illegible]

[illegible] در خصوص اولا [illegible] دیپلماتیکی [illegible] نوشته شده بود [illegible] برادران [illegible] دولت [illegible]

[illegible] که از دوستدار [illegible] بیان کردم [illegible] دوستدار [illegible] مسئله

[illegible] آنچه را نوشتم [illegible] مطالب [illegible] تعهد [illegible] بیاورم [illegible] روی کاغذ

(۳)

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

در مجلس وزارت فرموده‌اید ـ در نتیجه آن نطقی است سر ادوارد گری در مجلس پارلمان انگلیس ایراد کرده

که مفاد آن این باشد (آیا حقیقتاً دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بر این است که

در این ترتیبات در انتظار اقدامی که اظهار کرده‌اند و منجر باید اتفاق گردیده محق بوده است

و خاتمه محقق نبوده مرا دولت انگلیس این رویه صلح جویانه غیر از دو دولت اتخاذ نمی‌نماید).

این مسئله تقویت به آن گشت منجر بنماید تا در باب قضیه برقی خواهد گردید و قرار جمع ذکر.

ـ علاوه بر آنکه با ترتیب با تأکید عرض و چاره داده‌ام که و شاید جواب محرمی شاه نعمی داریم.

از قدرت با دوره‌ای که کیفیه حقیقی با محسوب دو دولت بر داریم باز خواهیم ماند.

ـ خواهشمندم از لطف در باب نکات فوق دقت کافیه که دوستدار بتوانم چنانچه باید کامل

وضوح دولت متبوعه خود اطلاع دهم.

ـ ضمناً به نهایت ممنون خواهم بود جواب مستدعیات را که در قسمت اخیر راجع به تلگراف

در اجر است به صفحه شرفیاب دوستدار دولت انگلیس جواب بدهید. دوستدار صمیمی

۱۰ مه

شماره: ۱۴۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دفتر مخصوص شاهنشاهی
تاریخ: ۶ دی ماه ۱۳۱۲
متن سند:

ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

جریدهٔ العام‌العربی از قول جراید سوریه خبری راجع به باسعیدو نقل نموده که ترجمهٔ آن تلواً ایفاد می‌گردد.

وزیر امور خارجه: کاظمی

ترجمه از العام‌العربی ـ بغداد

تغییر سیاست انگلیس

جراید سوریه خبر ذیل را انتشار داده‌اند:

دولت انگلیس به قشون و مؤسسات نظامی خود در باسعیدو دستور داده است که آنجا را تخلیه کنند. وجود مؤسسات مزبوره موجب سوء تفاهم دایمی بین دربار طهران و لندن شده بود. اکنون که قوای نظامی انگلیس اراضی ایران را تخلیه نمود، انتظار می‌رود که تأثیرات سوئی که از وجود قوای مزبور در آنجا بین دولتین تولید شده بود، به کلی زایل و برطرف گردد.

نمونهٔ ۳

وزارت امور خارجه

نمره ضبط ....

نمره ۳۷۰۶۴

دوسیه ....

اداره ....

موضوع مسوده ....

ضمیمه ....

مسئول پاکنویس ....

۷۸۹	تاریخ تحریر ۶ دی‌ماه ۱۳۱۲	تاریخ پاکنویس	تاریخ ثبت و خروج ۱۲/۱۰/۱۱ .... ۱۳

عنوان مسوده ....

جزوه ...

جریده (العالم العربی) ... سوریه ...

با ... نقل نموده ... که ترجمه آن ... انتقاد میکند ...

... امور خارجه

وزارت امور خارجه

ترجمه از العالم العربی — بغداد
شماره ۳۰۰٤
مورخه ۲۳ کانون اول ۱۹۳۳

تغییر سیاست انگلیس

جرائد سوریه خبر ذیل را انتشار داده اند :
دولت انگلیس به قشون و مؤسسات نظامی خود در باسعید و دستور داده است.
که آنجارا تخلیه کنند وجود مؤسسات مزبوره موجب سوء تفاهم دائمی بین دربار
طهران و لندن شده بود اکنون که قوای نظامی انگلیس اراضی ایران را تخلیه نمود انتظار
میرود که تاثیرات سوئی که از وجود قوای مزبور در آنجا بین دو لتین تولید شده بود بکلی
زایل و برطرف گردد.

شماره: ۱۴۳
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۷ دی ۱۳۱۲ (در مراسله اشتباهاً ۷ آذر ۱۳۱۲ ذکر شده)
متن سند:
جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی وزیر امور خارجه دولت علیه ایران
آقای وزیر

برحسب تعلیمات وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان، محترماً به استحضار خاطر جناب مستطاب عالی می‌رسانم که از تاریخ وقوع قضیه باسعیدو که در تاریخ نهم اکتبر (۱۷ مهر) اتفاق افتاد، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس دقیقاً موضوع را تحت توجه خود قرار داده‌اند.

تعلیماتی را که به محض وصول راپورت تلگرافی راجع به توقیف مدیر گمرک باسعیدو دولت انگلستان صادر نموده است، بدیهی است بایستی بدون تأخیر صادر شده باشد تا مأمور مزبور در قید توقیف نماند. راپورت اولی تلگرافی این واقعه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را دلالت به اخذ این نتیجه نموده بود که اقدام مدیر گمرک مزبور عامراً تهیج آمیز بوده است. ولی راپورتهای کتبی مشروحتری که بعداً واصل می‌شود، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را متقاعد می‌سازد که این تصور مقرون به اشتباه بوده و حالیه متوجه می‌شوند که تنها مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که عبارت از تجدید تأیید از تفسیر آنها از **Status quo** بوده بخوبی حاصل می‌شد. در صورتی که فقط تعلیماتی صادر می‌کردند که مدیر مزبور را به محل مأموریت خود عودت داده و بعد اقدام مشارالیه را به استحضار خاطر اولیای دولت علیه می‌رساندند. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این طور استنباط می‌کنند که ممکن است برای دولت علیهٔ ایران چنین تأثیری حاصل شده باشد که مقصود از اقدامی که در اعزام مدیر گمرک مزبور به بندرعباس شده، اعمال تحقیر بوده است. برحسب دستور وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان، دوستدار موظفم که رفع این تأثیر بکلی غیرواقعی را در صورتی که حقیقتاً وجود داشته باشد، نموده و خاطر جناب مستطاب عالی را به این نکته معطوف دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است روابط دوستانه و تاریخی موجود بین مملکتین نه تنها بادوام و پایدار بوده، بلکه از نظر منافع مشترکهٔ ذات‌البین همواره مزید گردد.

موقع را مغتنم شمرده، احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

ر.هور

[پی نوشت:]

این مراسله به عرض خاکپای مبارک ملوکانه ارواحنافداه و به عرض هیئت محترم وزرای عظام هم رسید.

۱۲/۱۰/۱۱

سفارت انگلیس - طهران
۷ آذر ۱۳۱۲
نمره ۶۶۲

آقای وزیر

برحسب تعلیمات وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان
محترماً بحضور عالی خاطر نشان می‌نماید که از تاریخ وقوع
قضیه باسعیدو که در تاریخ نهم اکتبر (۱۷ مهر) اتفاق افتاد
دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگلیس
دقیقاً موضوع را تحت توجه خود قرار داده‌اند -
تعلیماتی که بمحض وصول راپرت تلگرافی راجع به
توقیف مدیر گمرک باسعیدو دولت انگلستان صادر نمودند
بدیهی است بایستی بدون تأخیر صادر شده باشد تا
مأمور مزبور در حالت توقیف نماند - راپرت اولیه تلگرافی
این واقعه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را وادار
باخذ این نتیجه نموده بود که اقدام مدیر گمرک مزبور عمداً
تحریک آمیز بوده است. ولی راپرتهای کتبی مشروح‌تری که
بعداً واصل شد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را
متقاعد می‌سازد که این تصور مقرون باشتباه بوده و حالیه
تصدیق می‌نمایند که تنها مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان
که عبارت از تجدید تأکید از تعبیر آنها از وضع ستاتکو

جناب مستطاب اجل آقای میرزا سید باقرخان کاظمی
وزیر امور خارجه دولت علیه ایران

No. 662.

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

December 28th, 1933.

Monsieur le Ministre,

I have the honour under instructions from His Majesty's Secretary of State for Foreign Affairs to inform Your Excellency that since the incident which occurred at Basidu on October 9th His Majesty's Government in the United Kingdom have given careful consideration to the question. The instructions issued by them on receiving a telegraphic report of the arrest of the Mudir of Customs at Basidu had obviously to be issued without delay in order that this official should not remain in detention. The original telegraphic report of this incident led His Majesty's Government to infer that the Mudir's action was intentionally provocative. More detailed written reports subsequently received however convinced His Majesty's Government that this supposition was erroneous and they now realise that their sole purpose, that is to say, the reaffirmation of their interpretation of the status quo would

have

His Excellency
Mirza Seyyid Bagher Khan Kazemi
Minister for Foreign Affairs.

۲۶۵۱

BRITISH LEGATION,
TEHRAN.

-2-

have been equally well served had they simply issued instructions for the Mudir to be sent back to his post and had then brought his action to the notice of the Imperial Government. They understand that the Imperial Government may have formed the impression that the action taken in causing the Mudir to be conveyed to Bander Abbas was intended to inflict humiliation. I am instructed by His Majesty's Secretary of State for Foreign Affairs to remove this entirely erroneous impression, if indeed it exists, and to remind Your Excellency that it is the desire of His Majesty's Government that the traditional friendship existing between our two countries shall not only continue but be increased to their mutual advantage.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my highest consideration.

R. H. Hoare

موجود بود چنانچه در صورتیکه فقط تعلیمات صادر میکردند که مدیر
نزد را به محل ماموریتش عودت داده و بعد اقدام شان را
باستحضار خاطر اولیای دولت علیه میرسانیدند - دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینطور استنباط میکنند که ممکن است
برای دولت علیه ایران چنین تاثیری حاصل شده باشد که مقصود از
اقداماتیکه در اعزام مدیر گمرک نزد به بندرعباس شده اهانت و تحقیر
مدیر بوده است - حسب الامر جناب وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه
انگلستان دوستدار مامور است که رفع این تاثیر بکلی غیر واقعی را
در صورتیکه حقیقة وجود داشته باشد نموده و خاطر جناب مستطاب عالی
را باین نکته معطوف دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه
انگلستان مایل است روابط دوستانه و تاریخی موجود بین
مملکتین نه تنها بردوام بماند بلکه از نقطه نظر منافع مشترکه
دولتین بیش از پیش تزاید گردد -
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید مینمایم -

[illegible]
۱۲/۱۰/۱۱

۳۷۳۲۱
۱۳۱۲/۱۰/۱۲

شماره: ۱۴۴
فرستنده: وزارت داخله
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ دی ۱۳۱۲
متن سند:

محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو راجع به تخلیه باسعیدو لفاً برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال می گردد.

مهر: وزارت داخله

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو مورخ ۱۲ آذر ۱۳۱۲

تبریک ـ زنده باد اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران ارواحنا فداه

بعد العنوان ـ با کمال احترام معروض می دارد که مورخهٔ دهم آذرماه ۱۳۱۲ کلیهٔ مستخدمین دولت انگلیس ساکن باسعیدو کهنه با تمام اثاثیهٔ خودشان حرکت نمودند. در کشتی بیدفرد مورخهٔ ۱۱ آذرماه، صبح کشتی شورای وارد شد و عصر ۱۳۱۲/۹/۱۱ کشتی بیدفرد و شوران از باسعیدو حرکت کردند. فقط چوب علم کوچک بالای مسافرخانه باقی است. بدون پردهٔ علم و علم بزرگ سابقی با پرده علم به حال خود باقی است و ابداً از اعضا و اجزای انگلیسها در باسعیدو حاضر نیست. محض اطلاع عرض شد.

امضاء: مدیر گمرک باسعیدو

بتاریخ ۱۰ دی ماه سنه ۱۳۱۲
نمره ۸۹۳ ضمیمه
۱۶۲۰/

وزارت داخله
اداره سیاسی
دایره

محرمانه
مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

سواد راپرت مدیر گمرک باسعید راجع به تخلیه باسعید لنگه برای اطلاع آن وزارت جلیله ارسال میگردد

۱۲/۱۰/۱۰

۳۷۰۹۶
۱۳۱۲/۱۰/۱۱

۱۲/۱۰/۱۲

۳۱

۳۶۳۳

اداره امور مالی

وزارت داخله

سواد راپرت مدیر گمرک باسعیدو که اصل آن بنمره ۱۱۵ مورخه ۲۴/آذر/۱۲ وزارت / اداره ثبت شد

تبریک – زنده باد اعلیحضرت پهلوی شاهنشاه ایران ارواحنا فداه

بعدالعنوان – با کمال احترام معروض میدارد در مورخه دهم آذرماه ۱۳۱۲ کلیه مستخدمین دولت انگلیس ساکن باسعیدو کهنه با تمام اثاثیه خودشان حرکت نمودند در کشتی بعد فردا مورخه ۱۱ آذرماه صبح کشتی شوروی وارد و عصر ۱۳۱۲/۹/۱۱ کشتی سابق و شورویان از باسعیدو حرکت کردند فقط چوب علم کوچک بالای مسافرخانه باقی است بدون پرده علم و علم بزرگ سابق با پرده علم بحال خود باقی است و ابداً از اعضاء و اجزاء انگلیسیها در باسعیدو حاضر نیست محض اطلاع عرض شد. امضاء مدیر گمرک باسعیدو. سواد مطابق اصل است

شماره: ۱۴۵
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۳ دی ۱۳۱۲
متن سند:

آقای وزیرمختار

مراسلهٔ محترمهٔ مورخه ۷دی جاری (۲۸دسامبر ۱۹۳۳) نمرهٔ ۶۶۲ راجع به توضیحاتی که در قضیهٔ مدیر گمرک باسعیدو اشعار فرموده بودند، زیب وصول بخشیده و به استحضار اولیای دولت شاهنشاهی رسید. دوستدار وظیفهٔ خود می دانم خاطر محترم را به جمله‌ای که راجع به استاتوکو مرقوم فرموده‌اند، معطوف ومخصوصاً تصریح نمایم که نقطه‌نظر دولت شاهنشاهی در این باب سابقاً چه کتباً و چه شفاهاً توضیح گردیده و تعبیری که در این خصوص می‌فرمایند مورد موافقت دولت شاهنشاهی نمی‌باشد و حتی هرگاه چنانکه مرقوم فرموده‌اند فقط به اعادهٔ مدیر گمرک هم اکتفا می‌شد، باز هم این مسئله مورد اعتراض دولت شاهنشاهی می‌بود. زیرا دولت ایران هیچ‌وقت هیچ نوع حقی برای دولت انگلستان در باسعیدو نشناخته و نخواهد شناخت.

در خاتمه اشعار می‌دارد که اگر چه توضیحات آن جناب راجع به قضیهٔ مدیر گمرک باسعیدو به هیچ‌وجه قانع‌کننده نیست، لکن چون در آخر مراسلهٔ محترمه فوق‌الذکر تصریح به میل دولت فخیمهٔ انگلستان در حفظ و ازدیـاد روابط دوستانهٔ موجوده بین مملکتین فرموده‌اند و دولت شاهنشاهی نیز عین همین تمایل را دارد (و) نمی‌خواهد دولتین در این مورد مشاجره و کشمکش داشته باشند و مترصد است که دولت انگلستان تدابیری اتخاذ نماید که از تکرار نظایر این قبیل پیشامدهای مخالف انتظار در آتیه کاملاً جلوگیری به عمل آید. موقع را برای تجدید احترامات فایقه مغتنم می‌شمارد.

وزیر امور خارجه: کاظمی

اداره اروپای غربی و امریکا
نمره ۴۷۴۳۱
تاریخ ۱۲/۱۰/۱۳
ضمیمه

وزارت امور خارجه

آقای وزیر مختار

مراسله محترمه مورخه ۷ دی جاری (۲۸ دسامبر ۱۹۳۴) نمره ۶۶۹ راجع بتوضیحاتی که در قضیه مدیر گمرک باسعیدو اشعار فرموده بودند کیب وصول بخشیده و باستحضار اولیای دولت شاهنشاهی رسید.

دوستدار وظیفه خود میدانم خاطر محترم را بنقطه که راجع به استاتوکو مرقوم فرموده اند معطوف و مخصوصاً تصریح نمایم که نقطه نظر دولت شاهنشاهی در این باب سابقاً چه کتباً و چه شفاهاً توضیح گردیده و تعبیری که در این خصوص میفرمایند مورد موافقت دولت شاهنشاهی نمیباشد وحتی هرگاه چنانکه مرقوم فرموده اند فقط بلعاده مدیر گمرک هم اکتفا میشد باز هم این مسئله مورد اعتراض دولت شاهنشاهی میبود زیرا دولت ایران هیچوقت هیچ نوع حقی برای دولت انگلستان در باسعیدو نشناخته و نخواهد شناخت.

در خاتمه اشعار میدارد که اگرچه توضیحات آنجناب راجع بقضیه مدیر گمرک باسعیدو بهیچوجه قانع کننده نیست لکن چون در آخر مراسله محترمه فوق الذکر تصریح بمیل دولت فخیمه انگلستان در حفظ و ازدیاد روابط دوستانه موجوده بین مملکتین فرموده اند و دولت شاهنشاهی نیز عین همین تمایل را دارد نمیخواهد دولتین در اینمورد مشاجره و کشمکش داشته باشند و مترصد است که دولت انگلستان تدابیری اتخاذ نماید که از تکرار نظائر این قبیل پیش آمدهای مخالف انتظار در آتیه کاملاً جلوگیری بعمل آید.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد.

کاظمی - وزیر امور خارجه

ازد ۳۶۱

عالی ملحوظ است

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. ______ Book No. ______

Vol. ______ Copy ______

Accession No. ______

فصل ۴

کیش

شماره: ۱۴۶
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۳صفر ۱۳۲۶
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

در ماه ژانویهٔ گذشته معاون وکیل انگلیس در لنگه و نمایندهٔ شیخ چارک با قایقی عازم جزیره قیس بوده‌اند که به شکایات بعضی از رعایای انگلیس ساکن جزیرهٔ مزبور رسیدگی نمایند؛ قایق مزبور بیرق انگلیس را افراشته. مع هذا شخصی موسوم به شیخ محمد حسن که موقتاً ضابط جزیرهٔ مزبور بود، خودش به قایق تیر انداخته یا باعث تیراندازی به قایق مزبور شده است. اهمیت این بی‌احترامی که نسبت به بیرق یک دولت دوست شده است، احتیاج به اظهار ندارد. به موجب قانون بین ملل و بر حسب اصول احترام و برای حفظ نام نیک خود دولت علیه مجبور است که تنبیه علنی مناسب عاجلی به مقصر که حال از جزیره به داخله فرار کرده است، بنمایند. خواهشمندم دولت علیه عاجلاً به فرمانفرمای فارس دستورالعمل دهند که صولت‌الملک حکمران جزیرهٔ مزبور را مجبور دارند که شیخ محمد حسن را دستگیر و برای تنبیه در بوشهر به حکمران بنادر تسلیم دارد. حکمران بنادر از این واقعه مطلع و باقونسول جنرالگری انگلیس در این باب در کار مذاکره‌اند. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

۱۳۲۶
سیم صفر

British Legation.
Tehran.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم [illegible] وزیر امور خارجه [illegible]

در ماه [illegible] گذشته معاون [illegible] در [illegible] و نماینده شیخ جابر که با قایقی عازم جزیره [illegible] در باره [illegible] دولت [illegible] .

از [illegible] یکی از [illegible] جزیره مزبور [illegible] نماینده [illegible] قایق مزبور برای [illegible] شیخ [illegible] .

جزیره مزبور به خودی خود [illegible] قابلیتی ندارد [illegible] باعث [illegible] قایق مزبور [illegible] است اهمیت این [illegible] .

یک دولت [illegible] احتیاج [illegible] ندارد [illegible] .

دولت علیه مجبور است [illegible] جزیره [illegible] قرار [illegible] .

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۴۷
فرستنده:
گیرنده:
تاریخ: ۱۵صفر ۱۳۲۶
متن سند:

فدایت شوم. رقیمهٔ شریفهٔ نمره ۲۴۰۱ زیارت شد. اینکه ازسفارت انگلیس اظهارشده است در ماه ژوئن در جزیرهٔ قیس شیخ محمد حسن نام به قایقی که بیرق انگلیس را داشته تیراندازی کرده و در مجازات او اقدامات خواسته بود، عجالتاً چون نقطهٔ مزبور به فارس دوردست است و خود دریابیگی به آن طرفها رفته به اقتضای تکلیف تلگراف لازم صادر و اینک لفاً ارسال خدمت عالی داشتم که پس از ملاحظه مقرر دارید مخابره شود و سوادی را هم که در جواب مراسله سفارت ارسال فرموده اید، ملاحظه نمودم و این مطلب را برای استحضار خاطر عالی عرض می نمایم که رعیت انگلیس در آن حدود معین است، هندی است و سندی حیدرآبادی و اغلب از اهالی آنجا در قایقهای خودشان برای اینکه بیشتر رعایت امنیت بشود پردهٔ بیرق انگلیس را بلند می کنند و این مسئله طبعاً اسباب زحمت فراهم می کند چرا که اهالی آن حدود غیر از کشتی های بزرگ، قایق زیاد دارند و هریک از سکنهٔ سواحل قایقهای یکدیگر را می‌شناسند و با هرکسی که عداوت دارند یقیناً در بعضی موارد استعمال اسلحه می‌شود و آن وقت در حالتی که هر دو طرف رعیت داخله است، بودن بیرق انگلیس تولید یک زحمتی می کند و این کار تا ممکن است باید جلوگیری بشود. طوری که آقابدر نام پسر حاج محمدامین با اغلب عداوت دارد و البته مطلع هستید اهالی لار را سابقاً خسارتی وارد و هشتادهزار روپیه ادعا می کردند و باعث همین آقابدر بوده و نبیل السلطنه هم کمال اطلاع را دارد. پس از آنکه خاطر محترم تا یک اندازه از این ترتیبات اطلاع حاصل نمود، به هر طوری که مقتضیات تکلیف است به سفارت جواب مرقوم فرمایید زیاده عرضی ندارد. در این فقره بعضی مطالب هست که باید حضوراً ملاقات بشود. بعد هر اقدام لازم باشد به تصویب خود حضرتعالی خواهد شد. به همین ملاحظه عجالتاً تلگراف نکردم تا خدمت عالی حضوراً مذاکره شود.

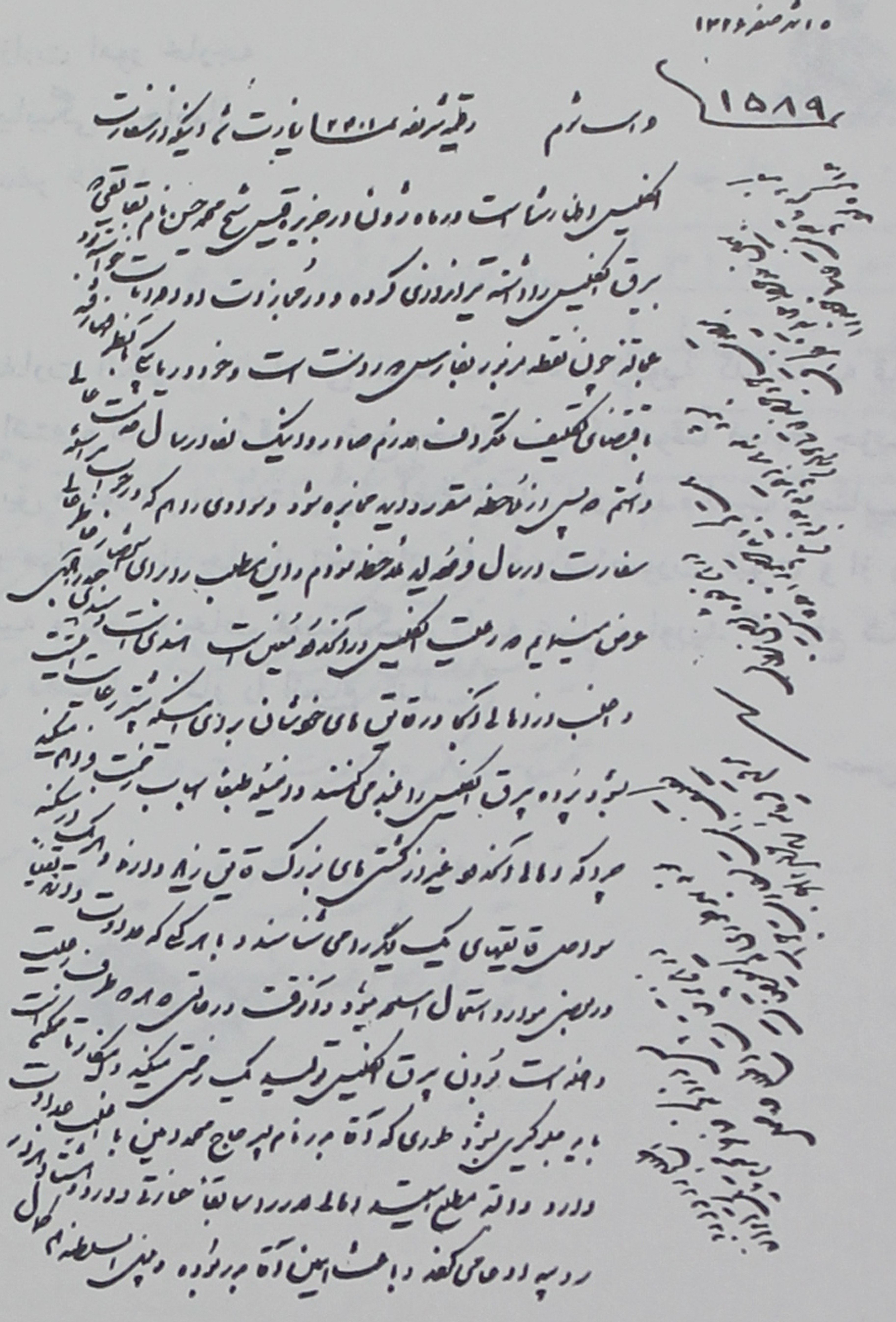

۱۵ شهر صفر ۱۳۲۶

۱۵۸۹

واصل شد — رقیمه شریفه نمره ۲۲۰۱ با یادداشت دیگر از سفارت

انگلیس واصل و مشار است در ماه ژوئن در جزیره قیس شیخ محمد حسن نام تفنگچی

بیرق انگلیس را دانسته تیراندازی کرده و در مجاورت دو اداره آنجا خواسته‌اند

عاقبت چون نقطه مزبور در نظارت پرسی? روشن است و خود در پایتخت باطلاع اولیای دولت

باقتضای تکلیف مترادف هم حکم صادر و ...نیک ... در سال [illegible] حضرت عالی

داشتم و پس از ملاحظه مقرر دارید مجازات شود و در روزی که در جواب ...

سفارت در سال ... ملاحظه نمودم و این مطلب را برای ...

عرض شده ایم در رعیت انگلیس و دارنده تعیین است ... ملاحظه است

و حسب ... در قایق‌های خودشان برای ... تجارت

بشود و پاره بیرق انگلیس را بلند می‌کنند و در نتیجه طبعاً سبب زحمت و ...

چرا که ... غیر از کشتی‌های بزرگ قایق زیاد دارند و ...

صاحب قایق‌های یکدیگر را می‌شناسند و بار کسی که ...

در بعضی موارد استعمال اسم می‌شود ... از طرف ...

و ممنوع است بردن بیرق انگلیس توسط یک رعیت ...

با ید ... طوری که ... حاج محمد ... با ...

وارد ... مطلع ... حال ...

... ایشان ... و ...

شماره: ۱۴۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: دریابیگی—چابهار
تاریخ: ۲۶صفر ۱۳۲۶
متن سند:

از سفارت انگلیس اظهار می‌دارند که در ماه ژانویهٔ گذشته به قایقی که پردهٔ انگلیس را داشته و در جزیرهٔ قیس شیخ محمد حسن که موقتاً ضابط جزیرهٔ مزبور بود، خودش به قایق مزبور تیر انداخته و یا باعث تیراندازی شده است. جناب سامی مأمور هستید که در مراجعت از چابهار تحقیقات کرده و در صورت ثبوت و از روی حقانیت مرتکب را تنبیه و ترضیه خاطر قونسولگری را به عمل بیاورید که رفع شکایت بشود. البته با کمال دقت این کار را انجام کنید.

حسن مشیرالدوله

وزارت امور خارجه

نمرهٔ کتاب ثبت	۳۱۸۱
کارتن ۱۱	دوسیه ۱
نمره های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج ۲۶ صفر ۱۳۲۶

سواد تلگراف وزارتخارجه به دریابیگی چابهار

از سفارت انگلیس اظهاری دارند در دو روز قبل تلگرافچی [illegible] تعاقب دزدی [illegible] برده‌اند [illegible]
و در جزیره قیس شیخ محمد حسن موقتاً ضابط جزیره [illegible] خود [illegible] انداخته
و [illegible] جناب سالار [illegible] در حقیقت از چابهار
تحقیقات کنید و در صورت ثبوت واقعه از روی حقانیت [illegible]
ترضیه خاطر [illegible] نتیجه [illegible]
دیگر را انجام [illegible] مشیرالدوله

شماره: ۱۴۹

فرستنده: وزارت امور خارجه

گیرنده: سفارت انگلستان

تاریخ: ۲۶صفر ۱۳۲۶

متن سند:

از مضمون مراسلهٔ آن جناب مورخهٔ (۳) شهر صفرالمظفر ۱۳۲۶ در باب اینکه اظهار نموده بودند در ماه ژانویهٔ گذشته به قایقی که بیرق انگلیس داشته ، شیخ محمد حسن نام تیر انداخته و یا باعث تیراندازی شده بوده است، با حصول تأسف اطلاع حاصل نمود و هرگاه این مسئله به طور عمد واقع شده باشد، بیشتر محل افسوس خواهد بود زیرا که احترامات بیرق دولتی همه وقت منظور نظر خاص اولیای دولت علیه بوده و می‌باشد و برای تحقیق امر مخصوصاً به جناب دریابیگی تلگراف شد که در مراجعت از چابهار به جزیرهٔ قیس رفته مرتکب را معلوم و تنبیه لازم بنماید و زاید نمی‌داند خاطر محترم را متذکر شده توضیح فقرات ذیل را خواستار شود که تاکنون معاونی برای وکالت قونسولگری آن دولت فخیمه در بندر لنگه یا جاهای دیگر به وزارت خارجه معرفی نشده و افراشتن پردهٔ بیرق آن دولت فخیمه را به قایقی که راکب آن نمایندهٔ شیخ چارک تبعهٔ دولت علیه بوده، نمی‌داند به چه ملاحظه بوده این موقع را مغتنم شمرده.

حسن مشیرالدوله

وزارت امور خارجه

نمرهٔ کتاب ثبت	۱۷۸۸
کارتن ۳	دوسیه ۱۳
نمره های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج ۲۶ صفر ۱۳۲۶

سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت انگلیس

از مضمون مراسله آنجناب مورخه (۳) شهر صفر المظفر ۱۳۲۶ در باب اینکه اظهار نموده و خبر
در ماه ژانویه گذشته تقاضای زیر بیرق انگلیس و [illegible] شیخ محمد حسن نام تیر انداخته و باعث تیرخوردن
[illegible] شده بود دوستدار با کمال تأسف اطلاع حاصل نموده و در گاه این مسئله بطوریکه واقع شده باشد
بیشتر محل افسوس خواهد بود زیرا که احترامات بیرق انگلیس همه وقت منظور نظر اولیای
دولت علیه بوده و میباشد و برای تحقیق امر مخصوصاً جناب [illegible] طرفین که در آن حین
از چاه‌بهار بجزیره قیس رفته مرتکب را معلوم داشته الان [illegible] و راپورت فرستاده اند [illegible]
را مشعر است توضیح مغفرت [illegible] تا کنون معاودت [illegible] وکلای
اندولت محترمه در بندر لنگه [illegible] وزارت خارجه معرفی نشده و احترامات
بیرق اندولت محترمه را [illegible] آن [illegible] شیخ [illegible] بوده نمیدانند
بهم [illegible] بوده این موقع را مغتنم شمرده احترامات را [illegible]

شماره: ۱۵۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: رئیس الوزرا ـ وزیر داخله
تاریخ: ۲۷صفر ۱۳۲۶
متن سند:

رقیمه مبارکهٔ نمره ۱۵۸۹ در باب تیراندازی که برحسب اظهار سفارت انگلیس در جزیرهٔ قیس به پردهٔ بیرق انگلیس شده است، زیارت شد. شرحی را که در موضوع مرقوم فرموده بودند تمام در جای خود متین است که مزیدی برآن متصور نیست ولی نکته دراین است که بیرق هر دولت در خاک دولت دوست محترم است و باید در همه جا رعایت احترام آن را منظور بدارند و گذشته از این هم راکب قایق را چنانکه اظهار داشته‌اند، معاون وکیل قونسولگری انگلیس مقیم بندر لنگه بوده‌است. در این صورت مسلم است که باید ترمیمی به عمل بیاید که رفع شکایت سفارت بشود و چون حدوث این واقعه و تأخیر در اقدام آن مستلزم شدت شکایت سفارت و موجب مزید زحمت بود، از طرف وزارت خارجه به دریابیگی تلگراف شد که در مراجعت از چابهار به آنجا رفته بعد از تحقیقات دقیقتر و معلوم نمودن، مرتکب را تنبیه و موجبات رضایت قونسولگری انگلیس را فراهم نمایند. لازم است که از طرف باشرف حضرت مستطاب‌عالی هم به مشارالیه همین‌طور تلگراف شود که اقدامات به عمل آورند.

حسن مشیرالدوله

وزارت امور خارجه

نمرهٔ کتاب ثبت	۱۴۵۱ م
کارتن ۳	دوسیه ۱۳
نمره های قبل	
ضمیمه	

تاریخ خروج ۲۷ صفر ۱۳۲۶

سواد رقعهٔ وزارت خارجه به رئیس الوزرا وزیر داخله

رقیمهٔ ... که نمره ۱۵۸۹ ... در جواب اظهارات سفارت انگلیس در موضوع ... [illegible]

... را که ... مرقوم فرموده ... [illegible]

در ممالک ... [illegible]

... را جانبخه اظهار داشته اند ... قونسولگری انگلیس ... [illegible]

... [illegible] ... سفارت ... [illegible]

... [illegible] ... سفارت ... [illegible]

... [illegible]

رضایت قونسولگری انگلیس را فراهم ... [illegible]

... [illegible] ... میرزا ... [illegible]

شماره: ۱۵۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت مالیه
تاریخ: ۳آبان ۱۳۰۰
متن سند:

راپورت از کارگذاری لنگه به کارگذاری بنادر جنوب در باب جزیرهٔ قیس و مالیات آنجا رسیده است که به وزارت خارجه فرستاده‌اند. اینک سواد آن را لفاً برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌شود.

سواد کارگذاری بندرلنگه به تاریخ ۲۳شهریور ۱۳۰۰

مقام منیع کارگذاری کل بنادر خلیج‌فارس

جزیرهٔ قیس از جمله جزایر مهمهٔ خلیج‌فارس و محل صید مروارید است. چند نفر اتباع انگلیس از هندو و حیدرآبادی در آنجا اقامت دارند. در این سنوات اخیره یک فروند کشتی دولتی انگلیس موسوم به (کاید) به عنوان اینکه حامل یک چراغ دریایی برای راهنمایی کشتیهای بخاری است، همیشه در آنجا لنگر انداخته. جزیرهٔ مزبوره را قوام‌الملک هرساله به مبلغ جزئی اجاره می‌دهد ولی عایدات سالیانه آن نقطه فقط از مالیات مروارید تخمیناً بیست هزار تومان است و از عایدات مزبوره معلوم نیست که در سال چه مبلغ به دولت می‌رسد.

حسین (مهر) (حسام‌السادات)

نمره عمومی ۱۴۴۸
نمره خصوصی ۱۱۶۰
کارتن ۵۱
دوسیه ۱۴

وزارت امور خارجه
اداره [illegible]
بتاریخ [illegible] ۱۳۰۰

نوع مسوده [illegible]
موضوع مسوده
ضمیمه
پاک‌نویس کننده

راپرتی از کارگزاری لنگه بکارگزاری بندر [illegible]
[illegible] جزیرهٔ قیس [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

مورخه ۱۲ شهر محرم ــــ ۱۳۴۰

مطابق ۲۳ برج سنبله تخاقوی ئیل ۱۳۰۰

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس و عربستان

سواد راپورت کارگذاری بندر لنگه

نمره مراسله ۱۷۷

مقام منیع کارگزاری کل بنادر خلیج فارس

جزیره قیس از جمله جزایر متعلقه خلیج فارس و محل صید مروارید است چند نفر اتباع انگلیس از هندو

حیدرآبادی در آنجا تجارتخانجات دارند ــ در این سنوات اخیره یک فروند کشتی دولت انگلیس موسوم به

دکاید) بعنوان اینکه محل یک چراغ دریائی برای راهنمائی کشتیهای تجارتی است بعضیه در آنجا

مگر از جهة جزیره مزبوره را قوام الملک از [illegible] بمبلغ جزئی اجاره میدهد و السعادات

سالیانه آن نقطه فقط از مالیات مروارید تخمیناً بیست هزار قران است دارد جامات

مزبوره معلوم نیست در سالی چه مبلغ به دولت میرسد ــ حسین [illegible] (حسام السادات)

محل امضاء سلطان [illegible]

[illegible]

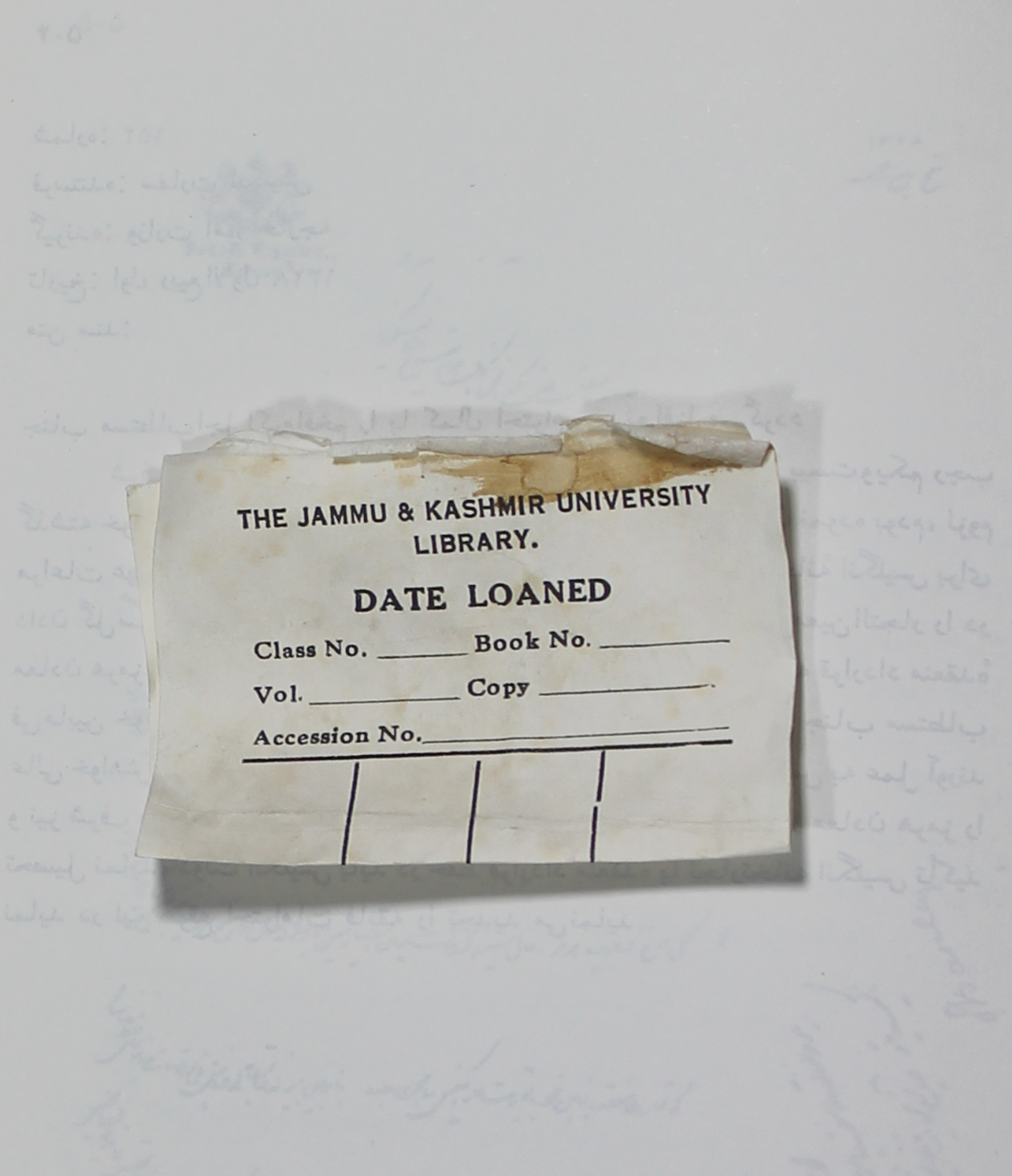
THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.
DATE LOANED
Class No. Book No.
Vol. Copy
Accession No.

فصل ۵

هرمز

شماره: ۱۵۲
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد

شرف دارم خاطر جناب مستطاب عالی را به مراسلهٔ مورخهٔ بیست و یکم رجب گذشته خود مراجعه دهم. در مراسلهٔ مزبور به دولت ایران خاطر نشان نموده بودم، لزوم مراعات عهود با معین‌التجار را که مأخذ قراردادی است با یک تجارتخانهٔ انگلیس برای دادن گل سرخ از جزیرهٔ هرمز، حال می‌شنوم که دولت ایران امتیاز معین‌التجار را در معادن هرمز فسخ نموده و از این جهت برای مشارالیه غیرممکن است که قرارداد منعقدهٔ فی‌مابین خود با تجارتخانه انگلیس را مجری بدارد. بنابراین باید از جناب مستطاب عالی خواهش نمایم، اقدامات لازمه برای حفظ مصالح تجارتخانه انگلیس به عمل آورند و نیز شرف دارم به جناب مستطاب عالی اطلاع دهم که هرکس امتیاز معادن هرمز را تحصیل نماید، دولت انگلیس باید در حفظ قرارداد منعقده با تجارتخانه انگلیس تأکید نماید در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

British Legation,
Tehran.

۱۳۲۸
سلخ ربیع الاول

جناب مستطاب اجل اکرم افخم دوستان مهربان [illegible]

شرف دارم خاطر جناب مستطاب عالی را به مراسلهٔ نمره ۲۰ بیست و هفتم رجب گذشته خود مراجعه داده [illegible] دولت ایران

خاطرنشان نمایم که بر حسب مراعات معاهده بین انگلیس و ایران قرار داده شده [illegible] تجارتخانهٔ انگلیس [illegible]

که کل مبلغ از جزیره هرمز حاصل [illegible] دولت ایران [illegible]

که قرار داد منعقده [illegible] تجارتخانهٔ انگلیس [illegible] بنابراین [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible] شرف [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۵۳
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: غره ربیع الثانی ۱۳۲۸
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد
نظر به مراسلهٔ خود مورخهٔ دیروز شرف دارم به جناب مستطاب عالی اطلاع دهم که از قرار مسموع دولت ایران کار معادن گل سرخ هرمز را تصرف نموده و قراردادی با استریک کمپانی امضا نموده اند که مقدار پنج هزار تن گل سرخ از هرمز به کمپانی مزبور بدهند. این معامله بر نقض قرارداد فی مابین معین التجار و اندروویر کمپانی انگلیس می باشد که کمپانی مزبور به موجب آن قرارداد منحصراً باید مقدار معینی گل سرخ از جزیرهٔ هرمز برای مدت معینی تحصیل نماید. مبنای قرارداد مزبور بر فرمان همایونی است که به معین التجار امتیاز معادن هرمز داده شده و بنابراین برای تمام خسارتی که به کمپانی اندروویر به واسطهٔ فسخ امتیاز معین التجار وارد آید، باید دولت ایران را مسئول بدارم و حال که دولت ایران کار معادن را تصرف کرده اند باید حفظ قرارداد اندروویر کمپانی را تأکید نمایم. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می نمایم.

۱۳۲۸
شنبه ۶ ربیع ۲

British Legation,
Tehran.

جناب مستطاب اجل اکرم افخم با کمال احترام تصدیع می‌دهد

نظر بسته خودم را که دیروز شرف ورود به جناب مستطاب عالی اطلاع دادم که در قورق مسموع شد دولت ایران کار معادن نمک سرخ جزیره هرمز را بعض [illegible] تفویض [illegible]

و قرارداد دولتی با استریک کمپنی که یک [illegible] انگلیس است که مدت چند سال نمک سرخ از جزیره هرمز بکمپانی مزبوره برند این معادن را به تعرض قرار داده‌اند [illegible]

و اندرو ویر کمپانی انگلیسی می‌باشد که کمپانی مزبوره بموجب آن قرارداد منحصراً باید مقدار معینی نمک سرخ در جزیره هرمز در مدت معین تحصیل نماید

بنابر قرارداد مزبور برخلاف [illegible] است که بعض الاتباع اجانب معادن هرمز [illegible] و بنابراین بعضی [illegible] اندرو ویر کمپانی

بواسطه فسخ اجاره بعض الاتباع [illegible] با دولت ایران [illegible] می‌دارم و حال که دولت ایران کار معادن [illegible]

با [illegible] اندرو ویر کمپانی [illegible] در این موقع احترامات فائقه [illegible]

Marling

۲ م۱

شماره: ۱۵۴
فرستنده: وزارت فواید عامه
گیرنده: (وزارت امور خارجه)
تاریخ: ۲۰ربیع الثانی ۱۳۲۸
متن سند:

راجع به بنادر و جزایر جنوب در خصوص معادن کلک و گوگرد و نمک و غیره در جنوب ایران که چند کمپانی جهت اجاره و امتیاز گرفتن به توسط وزارت فواید عامه، لوایح پیشنهاد مجلس نموده بودند، در کمیسیون مذاکرات شد. چون حاج معین التجار ادعا می نماید که جزایر مزبوره در اجاره من است، لهذا ایشان را با تمام اسناد مربوط به امتیاز و اجاره به کمیسیون دعوت می‌شود چندین جلسه با حضور وزیر فواید به اسناد ایشان مراجعه و مداقه شد و تفصیل آنها از قرار تفصیل ذیل است:

۱. فرمانی بود مشعر بر واگذاری معادن گل‌سرخ از طرف دولت به حاج ناخدا علی بوشهری، در تاریخ پنجم ذیقعده ۱۳۰۷.

۲. فرمان دولتی که معادن گل‌سرخ را ده ساله از قرار مبلغ دوازده هزار تومان در سال به ملک التجار بندر عباس داده‌اند، در تاریخ قوی ئیل ۱۳۱۲.

۳. ورقهٔ انتقالنامه که ورثهٔ ملک التجار بندر عباس آقامحمد شریف نام در سنهٔ ۱۳۱۴ حقوق امتیازنامهٔ خود را به حاج معین التجار بوشهری واگذار نمود.

۴. فرمان امتیازی که دولت به موجب آن امتیاز معادن گل‌سرخ و غیره را به ارسم و ملکم تکران تجار مسیحی واگذار نموده، در تاریخ رجب ۱۳۱۴. در حاشیهٔ همان فرمان در تاریخ ۱۱محرم ۱۳۱۷ از طرف دولت به مهر مرحوم میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه، بطلان امتیاز تجار مسیحی را تصریح امتیاز حاج معین التجار را تصدیق نموده و سفارت انگلیس نیز امضا نموده که حاج معین التجار خسارت تجار مسیحی را داده و حقوق آنها باطل شده است.

۵. مراسلهٔ مرحوم امین الدوله صدراعظم به سفارت انگلیس در باب تصدیق حکمیت راجع به حقانیت معین التجار و بطلان تجار مسیحی.

۶. فرمان دولتی به تاریخ رمضان ۱۳۱۵ راجع به حقانیت و ابقای امتیاز معادن خلیج فارس برای حاج معین التجار از زمان اجارهٔ سابق و بطلان فرمان دولتی که به تجار مسیحی داده شده بود.

۷. فرمان دولتی به تاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ که امتیاز معادن مزبور را بدون مدت

به حاج معین‌التجار و قراردادهای سابقه را تصدیق می کند.

۸. دستخط شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه طاب‌ثراه خطاب به ولیعهد به تاریخ ایلان‌ئیل ۱۳۲۳ در تأیید و تقویت فرمان سنهٔ ۱۳۲۲ و نیز حاج معین‌التجار در کمیسیون اظهار نمودند که من به موجب فرمان و دستخط اخیر که در دست دارم، محق هستم لیکن هر قرار عمومی که دولت در کار معادن بدهد من هم تابع آن قرارداد خواهم بود؛

ثانیاً کسانی که مایل به قبول اجارهٔ این معادن هستند، خوب است دولت مقرر فرمایند، معادن بنادر خلیج‌فارس به طور کمپانی و شرکت دایر شود و سرمایه تقسیم با سهام شود که این اشخاص یا هرکس که خواسته باشد قبول سهم و شرکتی نماید، آزاد باشد.

ثالثاً نظر به مقدمات چندین ساله و زحماتی که در طول مدت در آبادانی و حفظ این بنادر برده‌ام، البته حق تقدم من در مجلس تصدیق خواهد شد و مع‌هذا حاضرم که به هرطور عدل و انصاف اقتضا و حکم نماید، تابع و مطیع باشم. نظریات کمسیون در خصوص اسناد حاج معین‌التجار در حقانیت و عدم آن از قرار ذیل است:

بعد از فرمان پادشاهی که در سنهٔ ۱۳۱۵ صادر شده و اجارهٔ ده سالهٔ حاج معین‌التجار را که شروعش از سال ۱۳۱۳ بوده است، به موجب فرمان، ملک بندرعباس که ورثهٔ آن شرعاً منتقل نموده است، تأکید می نماید اوراقی که بعد از آن فرمان حجت خود می داند اعضای کمیسیون در تصدیق آنها رأی ندارند، چنانچه ملاحظه می شود قبل از ختم مدت اجاره فرمانی صادرنموده‌اند. در سنهٔ ۱۳۳۲ توضیح که چون مدت اجاره و امتیاز حاج معین‌التجار منقضی شده بود، این فرمان صادر می‌شود که از این تاریخ و مابعد معادن بنادر خلیج‌فارس کماکان در تصرف مشارالیه بوده، همان سالیانه چهارده هزار و چهارصد تومان را به دولت بپردازد و دستخط هم که در سنهٔ ۱۳۲۳ صادر شد، فرمان مزبور و مدلول آن را تأکید نموده و حاج معین‌التجار نظر به کلمهٔ مابعدها که در فرمان است و عبارت تغییرناپذیر که در دستخط است، اجاره و امتیاز خود را ابدی فرض می‌نمایند و کمیسیون نمی‌تواند یک اجارهٔ ابدی را تصویب و آن فرمان و دستخط سنه ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ در باب ابدی بودن را باطل می‌داند و لغت او را توصیه می داند و هرگاه خواسته باشد مدت اجاره را مطابق فرمان ۱۳۱۵ که از سال ۱۳۱۳ می‌داند، مدت در سنهٔ ۱۳۲۳ منفصل و تصرفات حاج معین‌التجار از آن به بعد به موجب سند است.

کمیسیون مورخهٔ ۹ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ با حضور جناب وزیر مالیه و جناب وزیر فواید عامه و چند نفر دیگر از نمایندگان تشکیل شد و اوراق و اسناد را کاملاً ملاحظه

شده، رأی اخیر کمیسیون و وزرای محترم این نوع قرار گرفت که چون حاج معین‌التجار سندی ندارند که حقانیت ایشان را مدلل نماید و این معادن جنوب هم از قانون کلیهٔ معادن مستثنی است و تقریباً حکم خالصه معدن فروزج را دارد، چون مکشوف بوده و خرج استخراج از معدن و کیسه نمودن خاک را و حمل به انبار و از انبار به کشتی، کلیهٔ صدی هشت خرج برمی‌دارد، یعنی از یکصد هزارتومان خاک نودودوهزار تومان نفع می‌برده است؛ لهذا اجاره دادن را هم مناسب ندانسته بهتر این است که خود دولت معادن خلیج فارس را تصرف نماید و به توسط مأمورین خود در جزایر و بنادر به هرنوع که صلاح می‌دانند اقدام نمایند. حال بسته به نظر مجلس است.

منتصرالسلطان

وزارت فوائد عامه

وزارت امور خارجه
آرشیو

سواد نمره دوازده راپورت کمیسیون
بین‌الملل و فوائد عامه
مورخه ۲۰ شهر ربیع ۲ ۱۳۲۸
نمره

... بنادر و جزایر جنوب در خصوص معادن گلک و گرکو و تنگ و غیره واقعه در جنوب ایران که در ...

جهة اجاره و استیجار آنها توسط وزارت فوائد عامه به لوایح پیشنهاد ... در کمیسیون

مذاکرات شد چون صاحب منصبان تجار و حامی ... که در جزایر مزبوره در اجاره ... نهاد

ایشان را با تمام اسناد مربوطه با امتیاز و اجاره به کمیسیون دعوت شده ... جلسه با حضور وزیر

فوائد عامه ثانی مراجعه و ملاحظه شد و تفصیل آنها از قرار تفصیل ذیل است

(۱) فرمان ... واگذاری معادن گل سرخ از طرف دولت به حاج ... ضراب ... بوشهری

در تاریخ پنجم ذی‌قعده ۱۳۰۲

(۲) فرمان دولتی که معادن گل سرخ را ده ساله از قرار مبلغ دوازده هزار تومان در سال

به ملک التجار بندرعباس واگذار شد در تاریخ ذی‌قعده ۱۳۱۲

(۳) ورقه انتقال نامه که ورثه ملک التجار بندرعباس به آقا محمد شریف نام در سنه ۱۳۱۴

حقوق امتیاز نامه خود را به حاج معین التجار بوشهری واگذار نموده

(۴) فرمان امتیازی که دولت بر حسب آن امتیاز معادن گل سرخ ... را به ارم و ... کرمان

تجار ... واگذار نموده در تاریخ رجب ۱۳۱۴ در حاشیه همان فرمان در تاریخ ۱۱ محرم ۱۳۱۷ از

طرف دولت بهر مرحوم میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه به بطلان امتیاز تجار ... تصریح

و امتیاز حاج معین التجار را تصدیق نموده و سفارت انگلیس نیز امضا و ضمیمه که حاج معین التجار امتیازات تجار

روسی را داشته و حقوق انها باطل شده است

(۵) مراسله مرحوم امین الدوله صدر اعظم به سفارت انگلیس در باب تصدیق حقیقت امتیاز حاج معین التجار

و باطل بودن امتیاز تجار روسی

(۶) فرمان همایونی مورخه رمضان ۱۳۱۵ راجع به تجدید امتیاز معادن خلیج فارس برای حاج معین التجار از

بابت اجاره سابق و باطل بودن فرمان همایونی که به تجار روسی داده شده بود

(۷) فرمان همایونی به تاریخ شهر رجب ۱۳۲۲ که امتیاز معادن نیز به مدت حاج معین التجار را و قراردادهای سابق را

تصدیق میکند ۱۳۲۲

(۸) دستخط شاهنشاه مرحوم مظفرالدین شاه طاب ثراه خطاب به ... تاریخ ... ۱۳۲۳ ... و تقویت فرمان ۱۳۲۲

و نیز حاج معین التجار در کمیسیون اظهار نمودند که فرمان رجب و دستخط اخیر که در دست هست ... قرار

عمومی که مدت در کار معادن ... تا سی ... بوده

ثانیاً کمیسیون ... قبول اجاره این معادن ... معادن را در خلیج فارس ...

و شرکت دارند و سرمایه تقسیم ... سهام ... که این ... هر کس که خواسته ... سهم ... آزاد ...

ثالثاً نظر به مقدمات ... که در طول مدت ... این ... سهام ... حق ...

تصدیق ... و ... که ... عدل و انصاف ... کمیسیون

در خصوص ... حاج معین التجار ... از ... است

... که ... ۱۳۱۵ ... حاج معین التجار ... از سال ۱۳۱۲ ...

... که ... است ... که ... جهت ...

کمیسیون در تصدیق انها رای ... چنانچه ملاحظه میشود ... از ختم مدت اجاره فرمان ... ۱۳۲۲

وزارت امور خارجه
آرشیو

وضع که چون مدت اجاره و امتیاز حاج معین التجار منقضی شده بود این فرمان صادر شود که از ابتدای ...
و ما بعد معادن را در ضلع فارس کما کان در تصرف شان به مبلغ سالیانه چهارده هزار و چهارصد تومان از
مدت بپردازند و در نظر دارم که در سنه ۱۳۲۳ صادر شده فرمان مزبور در مرکز اعاده گشته نشده و حاج معین التجار
نظر بکلیه مایعها در فرمان است و عبارت تغییر ناپذیر که در ملاحظات اجاره و امتیاز خود را بر فرمان مزبور
و کمیسیون نمی‌تواند یک اجاره‌نامه را در تصرف و آن فرمان و ملاحظات ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ در باب اجاره ...
باطل میدانند و نقشه اوراق مشتمیه می دانند و هرگاه خواسته شد مدت اجاره را مطابق فرمان ۱۳۱۵ که از ... ۱۳ تا ...
بیست مدت مدت ۱۳۲۳ منقضی و تصرفات حاج معین التجار از آن به بعد بموجب بند است
کمیسیون در روز شنبه ۹ ربیع الثانی ۱۳۲۸ با حضور جناب وزیر مالیه و جناب وزیر فواید عامه و چند نفر دیگر از
مأمورین کان کشیده شد و اوراق و اسناد را کاملاً ملاحظه شد رأی اخیر کمیسیون و وزرای محترم این طور قرار
گرفت که چون حاج معین التجار ... که حقانیت ... را ... و این معادن ... از
قانون کلیه معادن مستثنی است و تقریباً حکم خالصه و معدن فروزیج را دارد چون تکلیف ...
استخراج از معدن و کیسه نمودن خاک را و حمل به بنادر ... بگیرد کلیه ... خرج بر می دارد
مبلغ ... هزار تومان خاک نمود و ... هزار تومان نفع میبرده است لهذا اجاره ... را ... بنظر ...
بهتر این است که خود دولت معادن ضلع فارس را در تصرف نماید و توسط مامورین خود در جزایر و بنادر
بهر نوع که صلاح می دانند اقدام نماید حال بسته بنظر مبارک است   مفتش المعادن
... مدیر ...

دفتر ... اسناد ...
۵۱ ۳

شماره: ۱۵۵
فرستنده: سفارت انگلیس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳ذیحجهٔ ۱۳۲۸ـ۱۶دسامبر ۱۹۱۰
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می گردد

در باب قراردادی که در این اواخر فی‌مابین دولت علیه و استریک کمپانی برای فروش مقداری گل سرخ از جزیرهٔ هرمز امضا شد. به تاریخ بیست و پنجم ذیقعدهٔ گذشته مراسله به جناب مستطاب عالی نگاشته و اظهار داشتم که دولت دوستدار برای هر خسارتی که به مصالح انگلیس وارد آید، دولت علیه را کماکان مسئول خواهد دانست مگر اینکه دلیل مثبتی به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ارائه دهند که امتیاز معین التجار قبلاً منقضی شده بوده است. حال شرف دارم از جناب مستطاب عالی مسئلت نمایم به دوستدار اطلاع دهند که آیا چنین ثبوتی را می‌توانند ارائه دهند یا خیر. در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

[پی نوشت:]

ادارهٔ انگلیس به وزارت فواید عامه و معارف بنویسید و کسب تکلیف نماید و مراقب باشید که خیلی زود جواب نوشته شود همین کاغذ را هم روز یکشنبه ۱۵ ذیحجه به مجلس وزرا بیاورید.

۱۳۲۸
۱۴ محرم — ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰

British Legation,
Tehran.

جناب مستطاب وزیر [illegible] را به جمال [illegible] [illegible]

[illegible] قرارداد [illegible] در این [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] به [illegible] فروش [illegible] [illegible] [illegible]

تاریخ بیست و پنجم ذیقعده گذشته به جناب مستطاب اجل [illegible] نوشته و اظهار داشتم که دولت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] وارد آید دولت علیه را [illegible] مسئول خواهد دانست [illegible] [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حال شرف دارم از جناب مستطاب اجل [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] در این [illegible] [illegible] [illegible]

Barclay

[illegible]

شماره: ۱۵۶
فرستنده: مجلس شورای ملی
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳۲۸ق
متن سند:

[تلگراف اهالی هرمز به مجلس شورای ملی و نخست وزیر و وزیر داخله]

مجلس مقدس شورای ملی مقام حضرت اشرف رئیس الوزرا، مقام وزارت داخله عرض می کنیم. ما بیچارگان رعایای جزیرهٔ هرمز از دست تعدیات کسان گمرک از جان خود سیر شده‌ایم. متصل بهانه‌جویی می کند ماها را چوب می‌زنند، اخراج بلد می‌نمایند، فرنگی‌ها و ارامنه از دست اندازی به ناموس ما می‌نمایند. آخر کجا انصاف است ما بیچارگان رعایای ایران این طور گرفتار باشیم. از این هوای گرم ما را مجبور می‌کند به کار کردن، نصف اجرت به ما می‌دهند. سابقاً که دست معین‌التجار بود، سالی چهار ماه خودمان کار می‌کردیم یک ماه بعد از عید دست از کار می‌کشیدیم. حال این قسم گرفتار شده‌ایم. اغلبی از ما را اخراج کرده‌اند که پناه برده‌اند به مشایخ عمان و آنقدر به ما سخت گرفته‌اند که جرئت نداریم شرح حال خود را به جایی بگوئیم. هرگاه مطلع شوند فوراً چوب‌زده خانمان را تصرف کرده از هرمز خارجمان می‌کنند. چنانچه جمعی را کرده‌اند، محض‌اله این غلامان را از دست این فرنگی و ارامنه نجات دهید. یک نفر آدم محرمانه خرج دادیم فرستادیم بوشهر این تلگراف را بکند و جواب بگیرد. هرگاه به داد این بیچارگان نرسید، همگی مجبوریم پناه می‌بریم به مشایخ جزیره‌هایی که از خاک ایران خارج شده که اقلاً جان و ناموسمان محفوظ شود. عموم اهالی هرمز ابوالقاسم‌الموسوی، محمد حسین، احمد بحرینی، محمد تقی، باقر، رضاعلی، غلامعلی، محمد امین، رضا، علی‌رضا، احمد، عمانی، محمد، ابراهیم، عباسقلی، مرتضی الموسوی، عیسی، محمد علی، حسین، علی، صفر، رستم، عبدالرحیم، خلیل، علی، حسین، ناصر.

مجلس شورای ملی

سواد تلگراف نوبهار ۱۳[illegible]

اداره ....

نمره ....

مورخه ....

مجلس مقدس شورای ملی توسط مقام حضرت اشرف رئیس الوزرا بمقام وزارت جلیله عرض میکنیم، ما بیچارگان رعایای [illegible]
[illegible] تعدیات [illegible] خود را [illegible] شده ایم تقصیر بهانه جویانه میکنند ۲۰۰ تا چوب میزنند اخراج بلد
[illegible] فرستاد ۲ [illegible] اخذ [illegible] ما بیچارگان رعایای
ایران اینطور گرفتار باشیم [illegible] جای گرم [illegible] ما مجبور میکنند بکار کردن نصف اجرت [illegible]
[illegible] چهار ماه [illegible] کار میکردیم [illegible] دست [illegible] کار میکشیدیم حال این قسم گرفتار
شده ایم [illegible] ما را اخراج [illegible] پناه [illegible] تلگرافخانه [illegible] باعث [illegible] حضرت
شرح حال خود را [illegible] بگوئیم هرگاه مطلع شوند فورا چوب [illegible] تصرف [illegible]
میکنند [illegible] این [illegible] دولت این [illegible] نجات [illegible]
[illegible] فرستادیم [illegible] مخابره [illegible] چوب [illegible] هرگاه [illegible]
این [illegible] مجبوریم [illegible] پناه [illegible] ایران خارج شویم [illegible]
[illegible] محفوظ شود. عموم [illegible] ابوالقاسم [illegible] محمد حسین احمد [illegible]
محمد تقی [illegible] رضا [illegible] محمد [illegible] رضا [illegible] محمد ابراهیم [illegible]
مرتضی الموسوی [illegible] حسین [illegible] اصغر رستم عبدالرحیم [illegible]

Call No..........

Account No..........

Date........................

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

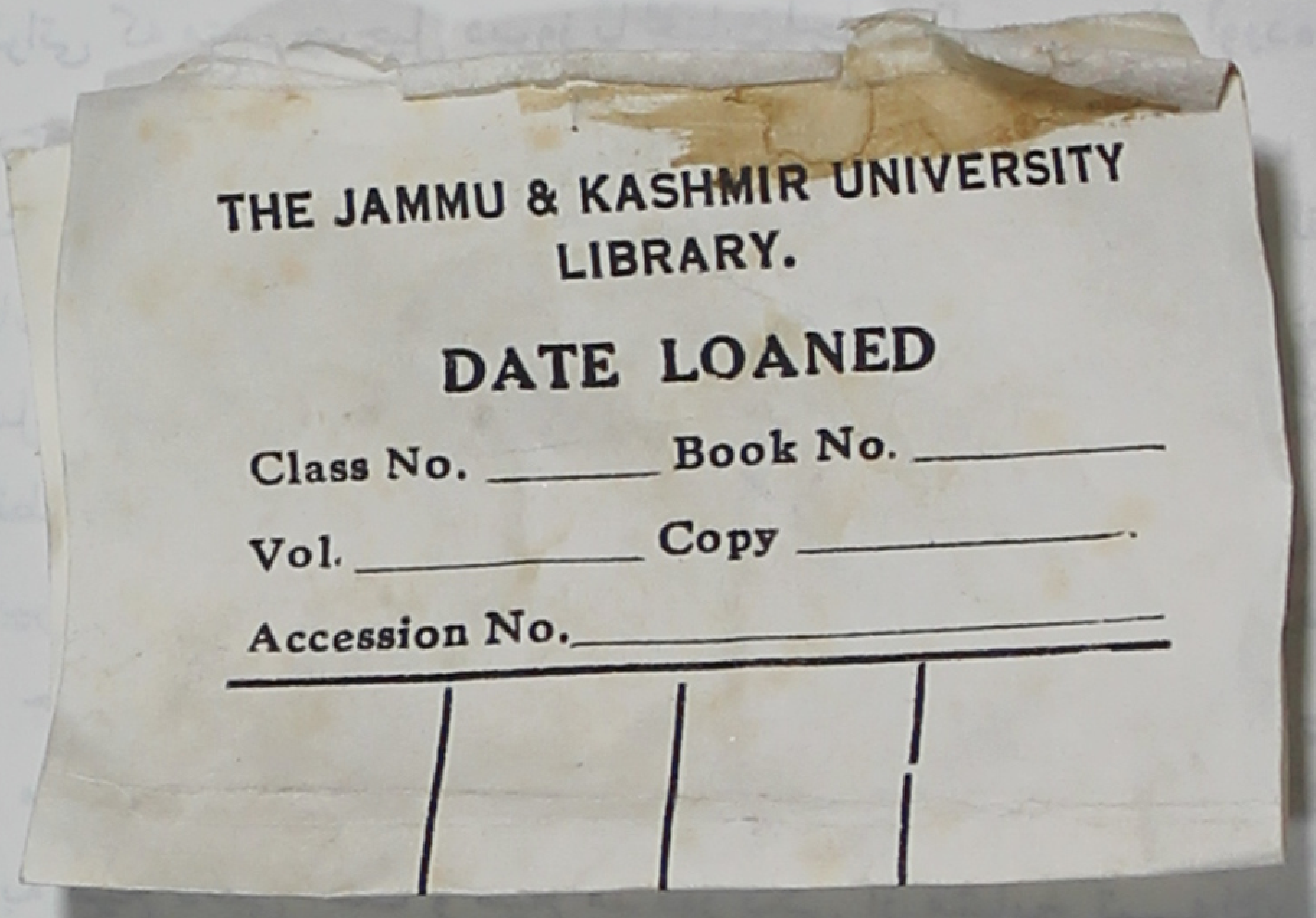
THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.
DATE LOANED
Class No. Book No.
Vol. Copy
Accession No.

فصل ۶

هنگام

شماره: ۱۵۷
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۸ربیع الثانی ۱۳۲۲
متن سند:

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد، نظر به مذاکراتی که جناب محتشم السلطنه به تاریخ دوازدهم شهر حال با دوستدار داشته و مذاکراتی که متسر چرچیل دیروز با جناب اجل عالی به عمل آورده، دوستدار شرف دارد که ترجمهٔ تلگرافی که از بالیوز موقتی بوشهر در جواب تحقیقاتی که دوستدار از بابت برداشتن و نصب بیرق انگلیس از مشارالیه نموده بود رسیده است، لفاً ایفاد دارد. جناب مستطاب اجل عالی ملاحظه خواهند فرمود که این راپرت اظهاریه جناب محتشم السلطنه بی اصل است. از قراری که دوستدار استنباط می کند هرگز در هنگام بیرق ایران نبوده ولی فقط در شالوده که در محل انگلیسی‌ها بوده است چوب بیرقی وجود داشته و این چوب بیرق را چندین سال قبل از این جناب ملک التجار بعد از اینکه نتوانستند در ساحل جنوبی جزیره نصب کنند، در آنجا نصب کردند. در نصب این چوب بیرق از طرف اعراب محلی در همان اوقات مقاومت به عمل آمده به این جهت که می گفتند هنگام متعلق به شیخ دعبی است و شیخ مذکور یکی از مشایخ تبــه‌ای است که در ساحل جنوبی خلیج فارس در تحت حمایت دولت هندوستان می‌باشد. دولت مشارالیها قصد این را ندارد که این دعوی شیخ دعبی را تقویت نماید و یا اینکه اقتدار دولت ایران را در هنگام رد کند. هرگاه لازم شود (چنانچه احتمال دارد لزوم به هم رساند) این چوب بیرق را محض اتمام عمارت برده‌اند این مسئله را نباید سیاسی تصور نمود. خصوصاً که بیرقی نیست و فقط چوبی است بی‌بیرق که باید به جهت منظورات بنایی برداشته شود و در صورتی که لازم شود، می‌توان مجدداً آن را در جای دگر نصب نمود. هرگاه بعد از این در هنگام بیرقی نصب شود، بیرق مزبور مثل بیرقهای دیگری خواهد بود که چندین سال است به رضایت دولت ایران در سایر تلگرافخانه های ساحل دریا مثل کوادر و جاشک و بوشهر نصب است و ضمناً باید این مسئله را اظهار نماید که این بیرقها برای نشان دادن علایم لازم است و نمی‌توان آنها را برای منظورات سیاسی تصور کرد. امیدوارم که این توضیحات مطبوع طبع جناب مستطاب اجل عالی واقع گردد. چندان لزومی ندارد

اظهار نماید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز حقوق سلطنتی ایران را بر هنگام انکار ننموده و این مسئله از این مشهود می گردد که تصرف ما در آنجا بر حسب امتیازی است که از طرف اعلیحضرت شاه مرحوم نوراله مضجعه به ما داده شده است در این موقع احترامات فایقه قلبیه خود را تجدید می‌نماید.

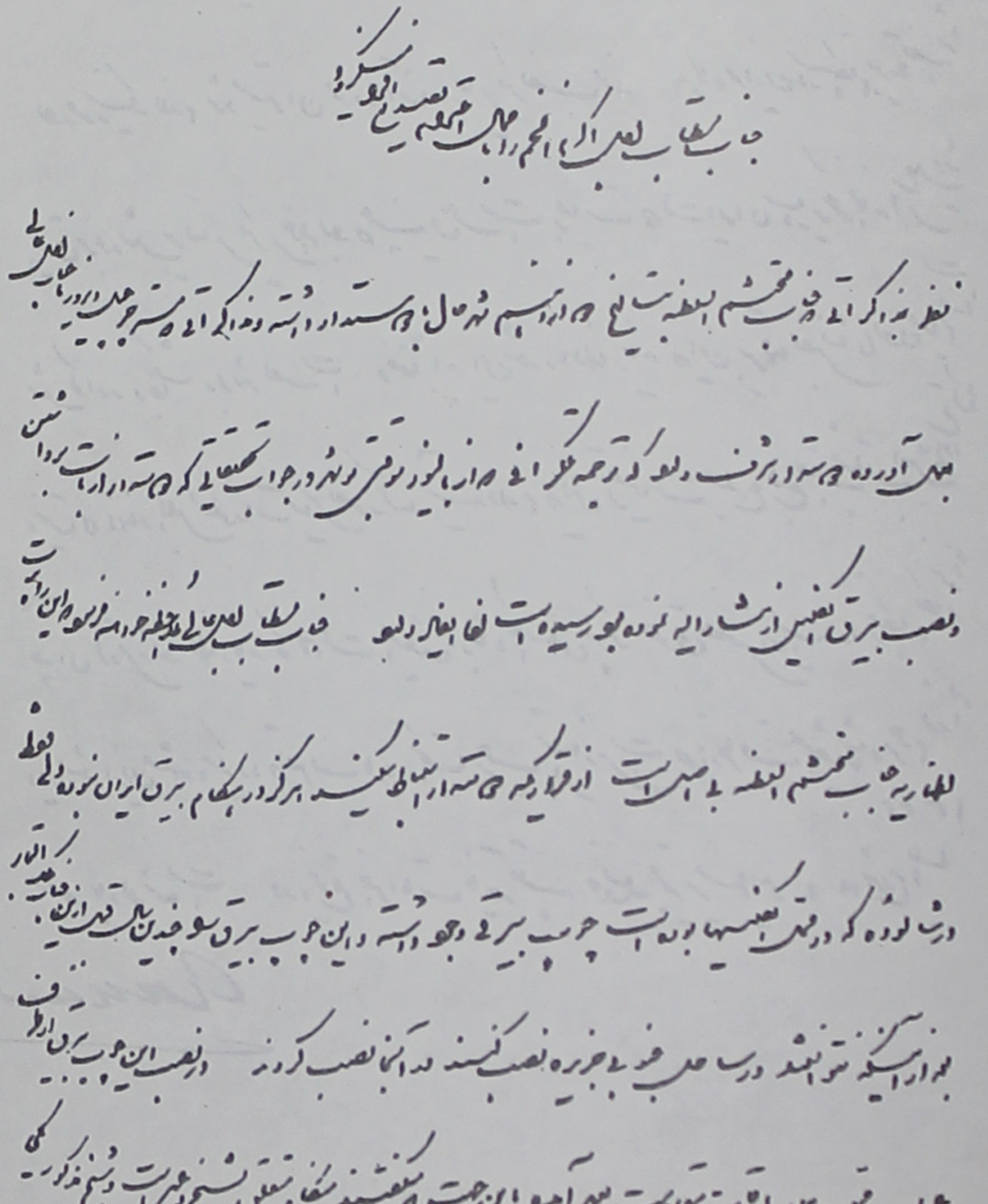

ندارد که این جزیره [illegible] را تقویت نماید و یا اینکه بقدر دولت ایران سعی در نگاهداری کند هرگاه تعلیقه نموده

(چنانچه چند سال قبل هم بوده‌اند) این چوب بیرق را محض اتمام عمارت زده‌اند همیشه را [illegible] شنیده‌ایم سابق

تصور نمود خصوص که بیرق نیست و فقط چوبی که بیرق دارد باید بموجب منظورات بنائی برداشته شود

بعد هم بیرقی که لازم شود بتوان برد آنجا و در جای دیگر نصب نمود هرگاه بعد از این در سکنای بیرقی نصب شود

بیرق بزور نشود بیرقهای دیگری خواهد بود چنانچه معلوم است بر خلاف دولت ایران و در سایر نقاط سواحل و جزایر

مثل گوادر و جاشک و بوشهر نصب است ضمناً باید این نکته را اظهار نمایم در این بیرقها بعضی نشان علامات

وسیله اظهار بعضی منظورات بنائی تصور کرده‌ایم در این توضیحات مطلع [illegible]

چنانکه [illegible] اظهار نماید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز حقوق سلطنتی ایران را [illegible] انکار ننموده

و این نکته از این مشهود است که در تصرف ما در آنجا بر حسب [illegible] از طرف اعلیحضرت شاه مرحوم

۱۳۲۲

منضم [illegible] در انجام احترامات فائقه [illegible] تحریر [illegible] ۱۸ [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۵۸
فرستنده: وزارت گمرک و پست
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۳۲۳
متن سند:

سواد راپرت مسیواستاس رئیس گمرک بندر عباس

در جواب تلگراف مورخهٔ ۱۲دسامبر گذشته، خاطر شریف را از نتیجهٔ تفتیش شخصی خودم در خصوص سفر سلطان مسقط به جزیرهٔ هنگام مستحضر می‌دارم. سلطان پس از آنکه در چندین بنادر عرب ساعتی توقف نمود، بالأخره صبح ۳۰نوامبر گذشته با کشتی خودش که موسوم به نورالبحر است، وارد جزیره هنگام گردید. مترجم از کشتی به ساحل به ملاقات رئیس تلگراف انگلیس رفته و بعد به میرزا کریم‌خان مدیر گمرک اظهار داشت که سلطان در کشتی مایل است او را ملاقات نماید. مدیر فوراً رفت در کشتی و سلطان بعضی سؤالات از او نمود. من‌جمله پرسید شما در اینجا چه می‌کنید و این بیرق اینجا چیست؟ این جزیره مال ایران نیست و متعلق به انگلیس است و از او پرسید عایدات این جزیره چقدر است. بعد مسیو لولو رئیس تلگراف وارد شد و میرزا کریم‌خان اجازه گرفته بیرون آمد. بعد از ظهر شخصاً به دفتر تلگرافخانه آمده و در آنجا شیخ هنگام را ملاقات نمود و شیخ هنگام را قبل از وقت رئیس تلگراف اطلاع داده بود که به تلگرافخانه بیاید. شیخ چندین نفر عرب مسلح که تماماً تفنگهای مارتین داشتند، همراه داشت که بلاانفصال از هر طرف شروع به شلیک گذاشته بودند به قسمی که میرزا کریم‌خان خود را در خطر می‌دانسته که مبادا به او آسیبی برسد و دو جای بیرق به واسطهٔ گلولهٔ سوراخ به هم رسانده و مخصوصاً پس از حرکت سلطان اعراب نزدیک چوب بیرق شده و آن وقت اصل واقعه اتفاق افتاد. من فوراً روانهٔ این نقطه شدم که ببینم آیا مقصود آنها و هدف تیر آنها مخصوصاً بیرق بوده است یا خیر. محلی که بیرق در آنجا واقع است ترتیب زمین مخصوصاً مدلل می‌سازد که اگر تیراندازی آنها از برای بیرق نبوده، ممکن بود که هیچ تیر به امتداد بیرق نیاید. بالأخره شیخ به میرزا کریم‌خان گفته بود که او نمی‌تواند مسئول حرکات اخیراً خود بشود. منهم خواستم او را ببینم فوراً حرکت کرده وقت برای ملاقات من نداد.

فقط شرحی بود که از این واقعه عرض نمودم. اظهارات سلطان مسقط کافی است

که بفهماند این مسئله چقدر مهم است و که جزیرهٔ هنگام تا چه اندازه در خطر است. چنانچه مسبوق هستید دفتر گمرکی هنگام در انتهای جزیره نزدیک تلگرافخانه مقابل تنگه (دیریستان) خیلی دور از دهکده اعراب واقع است و ساختمان تازه هم باید در همین مکان بشود و جهت انتخاب این مکان این است که در مقابل تنگه دیریستان واقع شده و بعلاوه ملاحظه بعضی خطرها از محل اعراب هم دور است تا امروز تمام اقدامات ما بی نتیجه مانده ولی گمانم این است موقع برای بردن نتیجه مساعد است. خوب است یک نفر اجزای کاری قابل یا چند نفر تفنگچی برای این دفتر روانه نموده و نیز بخواهید که به حاکم بوشهر حکمی صادر گردد که با کشتی (پرسه پولیس) گوش‌مالی به آنها بدهد و با همین پست یک قطعه گلوله که در پای چوب بیرق بوده است، فرستادم و چون بیرق را با همان حال فردای آن روز میرزا کریم‌خان بلند کرده است، باد در سوراخ جای گلوله پیچیده و بکلی او را پاره کرده است. جز فراش گمرک و معماری که در تلگرافخانه کار می کند، شاهد دیگری در این خصوص ندیده‌ام ولی اظهارات هر دوی آنها موافقت باهم دارد.

EMPIRE de PERSE

MINISTÈRE DES DOUANES
ET DES POSTES

ADMINISTRATION
DES POSTES

Ind: №

مطلب راپرت مسیو [illegible] رئیس گمرک [illegible]

ANNEXE:

در جواب تلگراف نمره (۱۲) و سایر گذارشات خاطر شریف را از نتیجه تحقیقات شخصی خودم در خصوص سفر سلطان مسقط به جزیره هنگام مستحضر میدارم

سلطان پس از آنکه در چندین بازار عرب [illegible] (۲۰) [illegible] گذشته با کشتی خود [illegible] جزیره هنگام [illegible]

بهادرت رئیس تلگرافخانه انگلیس رفته و دیدن نمود [illegible] سلطان [illegible] کشتی [illegible] ملاقات [illegible]

در کشتی و سلطان بعضی [illegible] برق [illegible] جهت این جزیره [illegible] متعلق به انگلیس

[illegible] رئیس تلگراف [illegible]

تلگرافخانه [illegible] شیخ [illegible] ملاقات [illegible] رئیس تلگراف [illegible] شیخ

چندین نفر عرب [illegible] شیخ [illegible] از هر طرف [illegible]

به قسمتی [illegible] برق [illegible]

حرکت سلطان [illegible] جواب برق [illegible] فوراً [illegible]

مقصود [illegible] برق [illegible]

[illegible] برق [illegible]

و از آن تو از سفر حرکات چیزی رخ نداده منهم خواستم اداره خیر خواه حرکت کنم وقت برای تجارت فرستاد

فقط شرحی بود که از این رقعه عرض نمود به اطلاعات سلطان مستقلاً نوشت که نمی‌خواهد این مسئله حقیقه رهم بکند در جزئیه انجام تا حد امکان در حضرات خیالی به سیف مقید

دیگر گمرک انجام در اینهای جزیره نزدیک کشور افغانستان مقابل گمرک دریستان با خیلی به روز ... راجب واقعی است و ساختمان تا آخر تاریخ ... بنگاه نمود

و چه اشاره اب این بنگاه این است که در مقابل گمرک دریستان فسخ شده و چه در عمل تبعیض حضرات از حق اجرات است در رکت   تا امروز در تمام امورات

به نتیجه نداد ولی کلا از این است رقعی برای شما ی نیمه ساعت است   خوب است که نفر اجزای کار رقیب با چند نفر تشکیل برای این دفتر روزانه هم زیر نگاه است

و سکام به شهر مکی صالحه کرده باشند به سه روبی اگر ثابت ... با همین جهت یک دفتر کرده در یک جواب برای پهلوی فرستادم

و چون برقرار با آن حال فردای آن روز میرزا کوچک خان بنده که به است بار در تاریخ بار گمرک به جیب و کجا ... که است

جز فروش گمرک و مصارف در تلگراف خانه کار کنید تا و دیگری در این جنبه من نمی‌تونم   ولی الان را است به همه آنها عموماً حضرت ... والدین

شماره: ۱۵۹

فرستنده: وزارت گمرک و پست

گیرنده: وزارت امور خارجه

تاریخ: ۲۴صفر ۱۳۲۴

متن سند:

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف آقای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه دامت شوکته. مرقومهٔ مبارک مورخه ۹صفر نمره ۲۵۹ که به افتخار این بنده صادر و از جهت فرستادن سی و چهل نفر مسلح به جزیرهٔ هنگام تحقیق فرموده بودید، زیارت گردید. علت غایی فرستادن این تفنگچی‌ها به جزیرهٔ مزبوره در چهارم آوریل و در راپرت نمرهٔ ۲۵۹۸۸ به حضور مبارک تقدیم شده است که به واسطهٔ ترتیب و قرارداد با کمپانی تلگراف مسترد شده در جزیرهٔ هنگام بنای اداره گمرک بشود ولی همین که شروع به ساختمان آنجا کردند، دویست نفر عرب مسلح با تفنگ ورود می کنند و زمین آنجا را متصرف شده و عمله‌جات را از کار کردن ممانعت نمودند و در حقیقت برای اینکه حمایت از عمله‌جات آنجا شده، مجدداً شروع به ساختمان بنمایند. رئیس گمرک بندرعباسی این تفنگچیان را فرستاده با این حال، کمـــــاندن کشتی انگلیس (فوکس) مانع از پیاده شدن سربازان گمرک به آن جزیره شده است. در حالی که اظهار داشته است که جزیرهٔ هنگام متعلق است به شیخ مسقط و شیخ مزبور هم در تحت حمایت دولت فخیمهٔ انگلیس است.

قبول این مسئله محل تردید است. جزیرهٔ هنگام محققاً حق دولت ایران است در این صورت حق داریم که در آنجا ادارهٔ گمرک ایجاد نماییم. با این تفصیل برای رفع این غائله، تلگراف کردم که کار بنایی و ساختمان جزیرهٔ هنگام را تا پس از برطرف شدن اشکالات حالیه در عهدهٔ تعویق بگذارد. در این موقع مراتب عبودیت و بندگی خود را حضور مبارک عالی تجدید می‌نماید.

Téhéran, le 18 avril 1906

EMPIRE DE PERSE

MINISTÈRE DES DOUANES
ET DES POSTES

No 21697

۲۱۴۹۷

[illegible]

A Son Excellence Mochir-ed-Douleh
Ministre des Affaires Etrangères
à TEHERAN.

Par Sa lettre en date du 19 Safar No. 259, Votre Excellence a bien voulu me demander des renseignements au sujet de l'envoi de 30 à 40 personnes armées à l'île d'Hendjam.

Les événements qui ont motivé l'envoi de ces tofangtchis ont été exposés à Votre Excellence par mon rapport en date du 4 avril courant, No. 20988.

En vertu d'un arrangement conclu avec la Compagnie télégraphe on a commencé à Hendjam, île incontestablement persane la construction d'une douane.

Les travaux étaient a peine commencés que deux cents arabes armés de fusils envahirent notre terrain et défendirent à nos ouvriers de travailler. C'est pour protéger ces gens et pouvoir continuer la construction de notre douane que le Directeur de Bender-Abbas envoya des tofangtchis.

Mais le commandant du "Fox" croiseur anglais, étant intervenu, empêcha le débarquement de nos soldats en disant

[illegible]

que l'île d'Hendjam appartenait au Cheik de Mascate, lequel est sous le protectorat anglais.

Cette assertion est évidemment erronée; Hendjam appartient sans conteste à la Perse, et nous avons par conséquent le droit d'y établir une douane.

Néanmoins, pour éviter tout conflit, j'ai télégraphié de suspendre tous travaux à Hendjam jusqu'après règlement des difficultés actuelles.

Je prie Votre Excellence de vouloir bien agréer les assurances de mon respectueux dévouement.

L'ADMINISTRATEUR DES DOUANES
GERANT AD INT. DU MINISTERE DES DOUANES
DES POSTES ET DE LA TRESORERIE GENERALE

[signature]

شماره: ۱۶۰
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۸ربیع‌الثانی ۱۳۲۴
متن سند:

فوری است

جناب مستطاب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا می‌گردد
الآن تلگرافی از قونسول جنرال انگلیس مقیم بوشهر رسیده که جناب دریابیگی در شرف هستند که با جهاز پرس پلیس به هنگام بروند. یقین است که این فقره بر حسب دستورالعملی است که از طرف دولت ایران به ایشان داده شده است. مقصود از این عزیمت این است که در صورت امکان اعراب آنجا را متقاعد و در صورتی که ممکن نشود آنها را مجبور نمایند که بگذارند گمرکخانه در آنجا احداث گردد. جناب مستطاب اجل عالی وعده فرمودند که عجالتاً در این کار اصراری نخواهد شد و امیدوارم که به جناب حکمران بوشهر دستورالعمل داده شود که از هر قسم اقدامات حربیه صرف نظر نمایند تا اینکه قراری در این باب داده شود در این موقع احترامات فایقه قلبیهٔ خود را تجدید می‌نماید.

British Legation
Tehran

۱۳۳۳
هشتم ربیع الثانی

فوری است

جناب مستطاب اجل اکرم افخم [illegible]

امروز تلگرافی از قونسول جنرال انگلیس مقیم مشهد رسیده [illegible]

پس [illegible] تعیین است [illegible] دستور [illegible] از طرف دولت ایران [illegible]

[illegible] مقصود از این عریضه این است که در صورت امکان جواب [illegible]

ممکن نشود [illegible] جناب مستطاب اجل [illegible]

[illegible] جناب حکمران [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۶۱
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت داخله
تاریخ: ۱۹مرداد ۱۳۰۲
متن سند:

در موقعی که آقای مبین‌الممالک متصدی حکومت بنادر جنوب بوده‌اند، راپورتی به تاریخ بیست‌ودویم دلو ۱۳۰۱ راجع به اوضاع جزیرهٔ هنگام به وزارت امور خارجه داده‌اند و اینک سواد آن را لفاً ارسال می‌دارد که در خصوص اداره کردن جزیرهٔ مزبور تعلیمات لازمه به حکومت بنادر صادر فرمایند.

راپورت کارگذاری اول بنادر خلیج‌فارس بتاریخ ۲۲دلو ۱۳۰۱

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

جزیرهٔ هنگام مطابق صورت مجلسین که بنا به تحقیقات از دو محل هنگام که یکی را (هنگام) و دیگری را (هنگام عرب) می‌نامند، به عمل آمده. از نظر مبارک خواهد گذشت و با تحقیقات و اظهاراتی که شده و در دو سیه ضبط و در صورتمجلس درج است، محتاج نیست از وضعیت و خصوصیات محل جداگانه توضیحاتی را عرض نماید. (شیخ احمد بن عبید) تقریباً شصت سال دارد و سنی و طریقهٔ وهابی را پیروی می کند و تصور نمی‌رود با توجهات دولت و اقداماتی که باید بشود بتواند مقاومت کند. فقط امر صریح دولت با تصمیم قطعی و اعزام مأمور مهمی و یا شخص حاکم بنادر که مطیع اوامر مرکز و علاقه‌مند به مملکت خود باشد و با هیچ گونه تهدید و تطمیع محلی از اطاعت امر خارج نشده و اشکالاتی را فراهم نیاورد، با جهاز دولتی و یکصد نفر نظامی و توپ که یکصد نفر هم از چریک محلی همراه باشد، بکلی رفع غائله نموده شیخ فراری یا دستگیر ضابط دیگری از طرف حکومت بنادر خلیج انتخاب. مالکیت دولت محفوظ و در سال که مانعها به واسطهٔ قاچاق مال‌التجاره و عدم پرداخت تعرفهٔ گمرکی ضرر دولت است، بر عایدات دولت افزوده خواهد شد. در هنگام عرب باستثنای دو نفر هندو که مشغول کسب و شاید مال‌التجاره قاچاقی هم به دست آنها فروش می‌رسد، انگلیسی نیست ولی در هنگام که مأمور گمرک هست انگلیسها تلگرافخانهٔ بی‌سیم و با سیم دارند و مرکز زغال‌سنگ هم که از لندن حمل و جهت جهازات انگلیسی در خلیج به مصرف می‌رسد،

هنگام است و ادارۀ دیگر هم دارند که مشهور به ادارۀ نفط و متعلق است به جزیرۀ قشم و برای اشیا، جهت معدن و آذوقه، جهت اشخاص جهازات به هنگام وارد می‌نمایند و از هنگام به (کارگه) حمل می‌شود و از قرار مذکور، ادارۀ گمرک مکرر خواسته است در هنگام برای گمرک آنجا محلی بسازد انگلیسها مانع شده و به معاذیری این اقدام را جلوگیری کرده‌اند. اینک که بنده به حکومت بنادر منصوب شده‌ام هیچ مذاکره و اقدامی در این مسائل نخواهم نمود یا اینکه صورت مجلسها و راپورتها به عرض اولیای معظم دولت رسیده، هر طور امر و مقرر فرمایند با کمال افتخار برای انجام اوامر مطاعه حاضر و امیدوارم موفقیت حاصل نمایم.

[پی‌نوشت:]

سواد به وزارت داخلـه فرستـاده و نوشته شود که به حکومت بنـادر تعلیمات لازمه در اداره کردن آنجا بدهند.

وزارت امور خارجه

نوع مسوده: مخابرات داخله
موضوع مسوده:
ضمیمه:
پاک نویس کننده:

اداره: ...
بتاریخ ۱۹ ... ۱۳۰۲

نمره عمومی: ۴۳۷۹
نمره خصوصی:
کارتن: ۸۵۱
دوسیه: ۸۲۱
۹/۵/۰۲

در موقعیکه ... تصدی حکومت بنادر جنوب بعهده ... راپورتی بتاریخ
بیست و دوم دلو ۱۳۰۱ راجع باوضاع جزیره ... بوزارت امور خارجه
داده شده ... ارسال ... در خصوص ... کرده ...
زیر ... بنادر ...

... الملک

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

مقام منیع وزارت جلیله خارجه

دایره

بتاریخ ۲۲ دلو ۱۳۰۱

نمره ۱۱۶۹

[illegible]

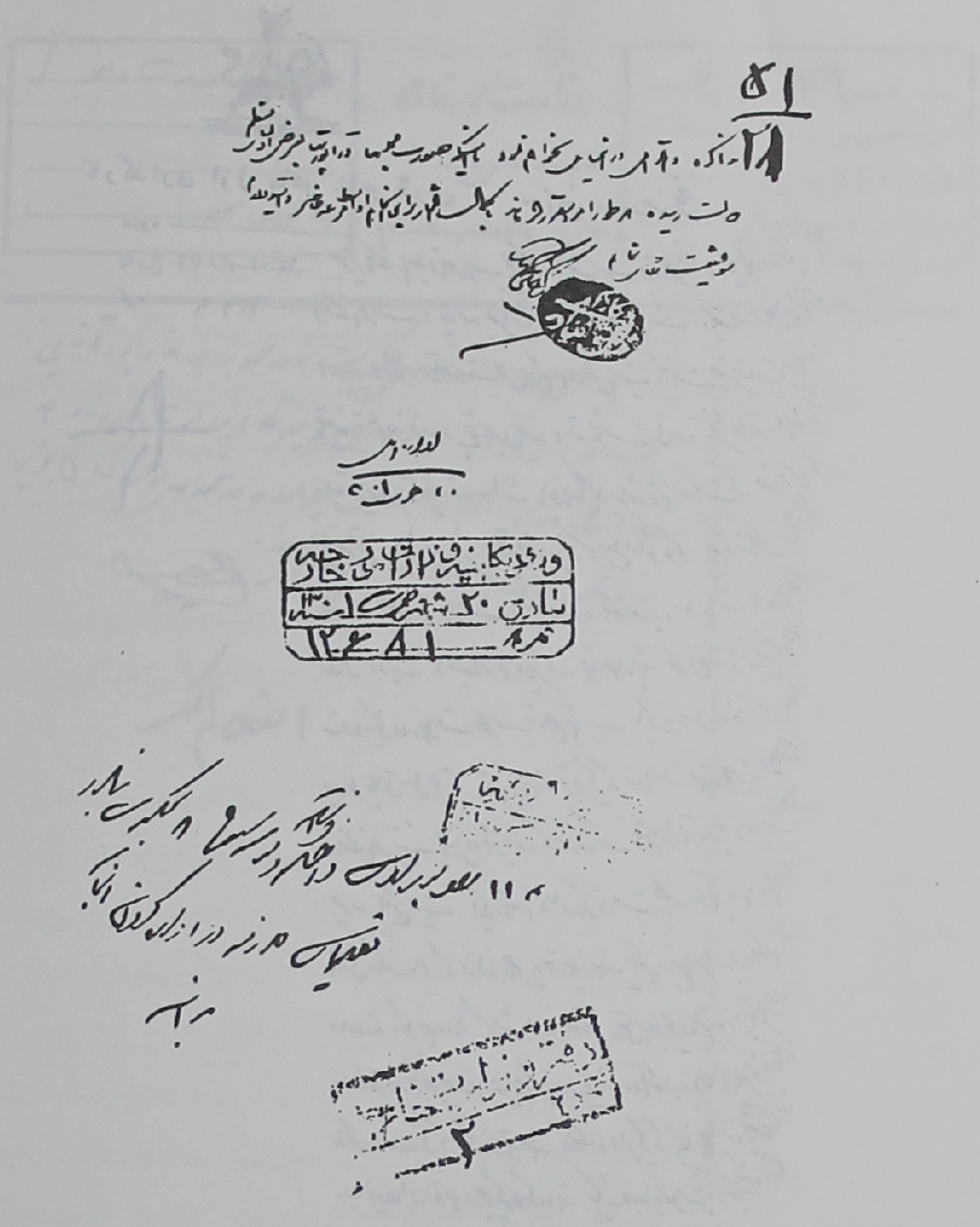
ورود بکابینه وزارت امور خارجه
بتاریخ ۲۰ شهر
نمره

شماره: ۱۶۲
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۷آذر ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

عطف به معروضات سابقه و راپورت کنونی کارگذار عباسی نمرهٔ ۶۳۳ که سوادش در ضمن معروضه نمره ۱۴۲۰ تقدیم شده است. جزیرهٔ هنگام نظر به موقعیت استراتژی که دارد، اهمیتی را جایز و امروز تکیه‌گاه بحری دولت انگلیس است و اینکه برخلاف معمول (فاس میل) کشتی سریع‌السیر پستی که در موقع معین به بندرعباس و بوشهر و بصره می‌آمد و بدون توقف پست را تحویل می‌دهد و می‌گیرد و بلادرنگ به نقطهٔ مقصود عزیمت می‌نماید، به هنگام رفته، دلیل بر این است که انگلیسها بر اهمیت آنجا افزوده و پست مقرر نیز دایر کرده و یا می‌خواهد تأسیس نمایند. جزیرهٔ هنگام سوای معدن نمک که گویا وزارت فواید عامه به میرزا حسینعلی کلش اجاره داده است، دیگر اهمیت اقتصادی ندارد. ولیکن اهمیت سیاسی و نظامی او بسیار و قابل توجه است چنانکه خاطر اولیای وزارت جلیله مسبوق است، انگلیسها از دولت علیه فقط اجازه ساختن یک تلگرافخانه در آنجا دارند. در اوان جنگ بین‌الملل که دورهٔ فترت برای ایران پیش آمد، انگلیسها برای عملیات نظامی در بین‌النهرین که کشتی‌های جنگی علی‌التوالی به آن حدود می‌فرستادند جزیرهٔ هنگام را تکیه‌گاه بحری قرار داده، انبار ذغال و چندین آب‌انبار در آنجا بنا نموده و عدهٔ سپاهی در آنجا گماشته‌اند. از ادارهٔ گمرک عباسی فقط شعبهٔ کوچکی در آنجا است که نسبت به مؤسسات انگلیس حکم صفر را دارد و اگر توجهی مبذول نشود از دست می‌رود. راست است که هنگام منافع مادی برای دولت چندان ندارد ولی موقعیت نظامی و بحری آنجا به قدری در خلیج مهم است که از توصیف خارج است. علی‌هذا تذکراً عرضه می‌دارد که اگر مقتضی بدانند برای سنهٔ آتیه در بودجهٔ مقرری جهت یک نفر نایب‌الحکومه با لوازماتش منظور و امر شود. حاکم بنادر با اطلاع کارگذار یک نفر تربیت شده با سواد و با اطلاع انتخاب و به آنجا مأمور بفرستند و اینکه عرض می‌کنم با اطلاع کارگذاری محض این است آدم بی‌سواد بیکاره و بی‌اطلاع چنانکه معمول به این صفحات است، مأمورننمایند که

عدمش به از وجود باشد، دیگر مصارف ابتدایی هم برای ساختن یک آب‌انبار و منزل مسکونی لازم خواهد بود، منوط به ارادهٔ قدسیه اولیای دولت است.

معاضه‌السلطان

[پی نوشت:]

به اطلاع هیئت وزرا رسید، قرار شد به وزارت داخله نوشته شود. فرمودند به وزارت داخله نوشته شود.

۱/۱۲

[illegible]

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دایره

بتاریخ ۲۷ قوس ۱۳۰۲

نمره ۱۴۴۳

۱۴۲۰

عطف به [illegible]

تقدیم شده [illegible]

[illegible]

شماره: ۱۶۳
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: کارگذاری بنادر خلیج‌فارس
تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۰۲
متن سند:

راپورت مورخهٔ ۱۷قوس نمرهٔ ۱۴۲۳ راجع به وضعیات جزیرهٔ هنگام و لزوم اعزام یک نفر نایب‌الحکومه به آنجا واصل گردید. مدلول آن به وزارت داخله اشعار گردید که اقدام مقتضی بنمایند.

۴ لوله (۸)

نمرهٔ عمومی ۲۲۳۳۷
نمرهٔ خصوصی
کارتن ۹ ۵۱
دوسیه ۱ ۶

وزارت امور خارجه
اداره
دایره .... شعبه

نوع مسوده
موضوع مسوده
ضمیمه
مسئول پاکنویس

تاریخ پاکنویس — برج — تاریخ ثبت ۱۸ برج حوت تاریخ تحریر — برج — تاریخ خروج ۱۸ برج حوت — سنه ۱۳۰۰

راپورت مورخه ۲۷ قوس نمره ۱۲۲۳ راجع بوضعیات جزیره بحرین و لزوم اعزام
کمیسیونی [illegible] بانجا [illegible] آن بوزارت داخله [illegible] گردید در آتیه
مقتضی باشد

[signature]

[signature]

شماره: ۱۶۴
فرستنده: کارگذاری اول بنادر خلیج فارس
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۰۲
متن سند:

مقام منیع وزارت جلیلهٔ امور خارجه

مرقومهٔ مبارکهٔ نمرهٔ ۲۲۳۳۷، حاکی از وصول معروضهٔ نمرهٔ ۱۴۲۳ این کارگذاری دایر به وضعیات جزیرهٔ هنگام و لزوم اعزام یک نفر نایب الحکومه به آنجا زیارت گردید. از قرار معلوم وزارت جلیله خارجه به عرایض این کارگذاری ترتیب اثر داده و مقرر فرموده‌اند که در سال آتیه نایب الحکومه به جزیرهٔ هنگام اعزام شود.

معاضه السلطان

X

کارگذاری اول بنادر خلیج فارس

دایره
بتاریخ ۱۶ دلو ۱۳۰۲
نمره ۱۷۸۵

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

[illegible] ۲۲۳۳۷ [illegible] ۱۳۲۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اداره [illegible]

۲۴۳۵۰

شماره: ۱۶۵
فرستنده: وزارت جنگ ـ ارکان حر ب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۴ تیر ۱۳۰۷
متن سند:

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

در موقع ورود قوای ساخلو هنگام به محل مزبور کاپتن جهاز انگلیسی موسوم به انترپریز، شرحی کتباً به صاحب‌منصب قوای اعزامی دولت علیه نوشته که ترجمهٔ آن را لفاً برای استحضار خاطر محترم ارسال می‌دارد. به طوری که ملاحظه خواهند فرمود، صدور چنین مراسله از طرف صاحب‌منصب بحری انگلیس غیر مقتضی بوده. علی‌هذا متمنی است، مقرر فرمایند مقامات مربوطه را به این نکته متوجه دارند، که از صاحب‌منصب خود مؤاخذه نموده و قویاً از تکرار نظایر آن خودداری نمایند. بدیهی است نتیجه اقدامات مبذوله را به وزارت جنگ اعلام خواهند فرمود.

سواد ترجمه

به من دستور داده شده است که با صاحب منصب فرماندهٔ قوای ایرانی تماس حاصل کنم. احکام صادره به من این است که وظیفهٔ من فقط حفظ جان و مال اتباع انگلیس است. به هیچ‌وجه نمی‌توانم اجازه بدهم که مشارالیه (فرماندهٔ ایرانی) داخل اراضی امتیازی انگلیس بشود و یا اینکه در قضایای مربوطه به بحریه یا تلگرافخانه یا املاک رعایای انگلیس دخالتی بشود. به هیچ کار دیگر علاقه نداشته و میل هم ندارم که دخالت نمایم. ۱۰مه ۱۹۲۸.

کاپتن...
فرماندهٔ قوای انگلیس در هنگام

وزارت جنگ

ارکانحرب کل قشون

دکن [illegible] مراسله

شعبه

مورخه [illegible] ماه ۱۲۰۷

ضمیمه

نمره ۱۹۳۲ ۱۹۴۵ / د

در جواب مراسله حروف و اعداد ممیزه که متمم نمره است با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

در موقع ورود قوای [illegible] کاپیتن [illegible] انگلیسی موسوم به [illegible]

[illegible] جناب [illegible] قوای [illegible] نوشته که ترجمه آن از لحاظ استحضار

خاطر محترم ارسال میشود بطوریکه ملاحظه خواهند فرمود [illegible]

[illegible] کاپیتن انگلیسی [illegible] بوده [illegible]

با این نکته [illegible] ملاحظه [illegible]

آن خودداری نمایند [illegible] وزارت جنگ

[illegible]

[illegible]

ارکان حرب کل قشون

سواد ترجمه

مورخه .... ماه ۱۳

نمره ....

ضمیمه مکتوب نمره ....

وزارت جنگ

بنا به دستور دولتم شرحی داده شد: با صاحب منصب قوه هوائی ایرانی تماس حاصل کنم. احکام صادره بمن این است

در وظیفه من فقط حفظ جان و مال اتباع انگلیس است بهیچوجه نمی‌توانم اجازه بدهم طیاره (طیاره ایرانی)

داخل اراضی استیجاری انگلیس بشود و یا اینکه در قضایای مربوط به بحریه یا تلگرافخانه یا املاک رعایای انگلیسی

دخالت بشود. با هیچ کار دیگر علاقه نداشته و میل هم ندارم در دخالت نمایم ۱۰ مه ۱۹۲۸

کاپیتن ....

..فرمانده قوای انگلیسی در هنگام

شماره: ۱۶۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۳۱ تیر ۱۳۰۷
متن سند:

مسترپار شارژدافر دولت فخیمه انگلیس
آقای شارژدافر

از وزارت جنگ ترجمهٔ شرحی را که کاپیتن کشتی انگلیسی به رئیس ساخلو هنگام در موقع اعزام قوای دولتی به محل مزبور نوشته است، ارسال داشته‌اند که فوق‌العاده باعث تحیر است. اینک دوستدار سواد شرح مزبور را لفاً برای اطلاع آن سفارت ارسال می‌دارد ضمناً لازم می‌داند خاطر محترم را به مندرجات شرح مزبور که تماماً مورد اعتراض دولت ایران است، حتی عنوانی که کاپیتن مزبور برای خود قایل شده و یقین دارم از بی‌اطلاعی کاپیتن مزبور به روابط و مناسبات بین‌المللی می‌باشد، متوجه سازم.

اولاً اینکه کاپیتن مزبور نوشته است حفاظت جان و مال اتباع انگلیس مربوط به او است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند فرماندهٔ ایرانی را اجازه دهد که داخل اراضی امتیازی انگلیس بشود، امری است که برخلاف استقلال و حق حاکمیت ایران در جزیرهٔ مزبور می‌باشد. و هیچ جای شبهه نیست که حفاظت جان و مال اتباع خارجه در تمام خاک ایران به عهدهٔ مأمورین مملکتی بوده و فقط مشارالیهم می‌توانند برطبق قوانین از آنها حمایت نمایند.

ثانیاً به طوری که در مراسلهٔ سابق نمرهٔ ۱۸۰۳ نوشته است، دولت ایران امتیازی در آن حدود واگذار ننموده که کاپیتن مزبور به آن اشاره می‌نماید. بعلاوه حفاظت هر امتیازی هم که دولت به دیگران بدهد، به عهدهٔ خود او است و مأمورین خارجی حق هیچ عنوانی در این خصوص ندارند. ضمناً کاپیتن می‌نویسد که اجازه نخواهد داد فرماندهٔ ایرانی در بحریه وتلگرافخانه و املاک رعایای انگلیس دخالت کند، بر وزارت امور خارجه معلوم نیست، مقصود کاپیتن مزبور از این عنوان چیست، مؤسسات و املاک رعایای خارجه در خاک ایران که در حدود قوانین تحصیل شده باشد مطیع مقررات مملکتی بوده و دولت ایران به هیچ‌وجه اجازه نخواهد داد که برخلاف حق حاکمیت

ایران مأمورین خارجه در این خصوص دخالت نمایند.

در خاتمه، دوستدار به نام دولت متبوعهٔ خود به این رفتار صاحب‌منصب مزبور که به خود اجازه داده است برخلاف اصول حقوق بین‌المللی و حق استقلال و حاکمیت دولت ایران چنین مراسله‌ای به رئیس قوای ایرانی در هنگام بنویسد، قویاً اعتراض نموده و از اولیای آن سفارت محترم تقاضا دارم صاحب‌منصب مزبور را به وظایف خود متوجه و این رفتار را مورد مؤاخذه قرار داده و از نتیجه دوستدار را مستحضر فرمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

۴ نمونه (۸)

بتاریخ .... ماه سنه ۱۳۲۰

نمره .... ضمیمه ....

وزارت امور خارجه

اداره: ....

دائره: ....

[illegible]

وزارت جنگ – ترجمه شرحی را که کاپیتان [illegible] انگلیسی [illegible] نوشته [illegible] ارسال داشته اند [illegible]

[illegible]

شرح [illegible] که [illegible] کاپیتان [illegible]

[illegible]

[illegible] کاپیتان [illegible] انگلیس [illegible] فرمانده [illegible]

[illegible] انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible] (۱۸۰۲) [illegible] کاپیتان [illegible]

[illegible]

[illegible] فرمانده [illegible] انگلیس [illegible] کاپیتان [illegible]

[illegible] انگلیس

[illegible]

مقرر است [illegible] که [illegible] این [illegible] قوانین [illegible]

بهیچوجه اجازه [illegible] که به صرف حق مالکیت ایران [illegible] در خصوص [illegible]

[illegible] به صرف [illegible]

استقلال و مالکیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۰/۲/۷

[illegible] خارجه
نمره [illegible]

شماره: ۱۶۷
فرستنده: وزارت جنگ ـ ارکان حرب کل قشون
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۵ مهر ۱۳۰۷
متن سند:
محرمانه

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

معطوفاً به مرقومهٔ نمرهٔ (۱۳۴۲۵) ادارهٔ اول سیاسی متضمن سواد رقعهٔ خصوصی شارژدافر انگلیس در موضوع محل اقامت نظامیان ایرانی در هنگام زحمت‌افزا می‌شود: اولاً در موضوع محلی که بنابر مفاد رقعهٔ مزبور (سالهاست برای ادارهٔ تلگراف هند و اروپایی اختصاص داده شده) چون کیفیت تخصیص محل مزبور برای ادارهٔ تلگراف هند و اروپ بر این وزارتخانه مجهول است، لهذا از اظهار نظریه در این قسمت خودداری نموده و چنانکه ضرورت داشته باشد که در جواب این قسمت از مراسلهٔ خصوصی شارژدافر توضیحاتی داده شود، موکول به مطالعات مخصوصی است که البته از طرف آن وزارت جلیله بایستی به عمل آید. ثانیاً اینکه شارژدافر در مراسلهٔ خصوصی خود می‌نویسد وجود نظامیان در آن قسمت از جزیرهٔ اسباب زحمت تلگرافچی‌ها است و انتظامات و عملیات محلی معمولی را مشکل می‌سازد، محتاج به توضیحات کاملتری است زیرا که در هنگام فقط ده نفر نظامی توقف دارند. طبل و شیپور هم ندارند که اسباب زحمت تلگرافچی‌ها فراهم شود و بالأخره چگونه ممکن است وجود ده نفر نظامی ایرانی در آنجا محلی را دچار اشکال نماید. ثالثاً اینکه اظهار شده است دولت انگلیس حق دولت ایران را به اعزام نظامی به محل مزبور (در موقع لزوم) انکار نمی‌کند، قابل مطالعه و تامل است. زیرا که جزیرهٔ هنگام جز لایتجزای ایران و بنابراین حق اعزام قوای نظامی اولیای دولت در آن حدود اعم از موقع لزوم یا غیر موقع لزوم غیر قابل انکار است. در هر حال تشخیص (موقع لزوم) فقط مربوط به اولیای دولت علیه می‌باشد. رابعاً راجع به اینکه آیا ممکن است نظامیان از محل فعلی به قسمت دیگر از جزیره انتقال داده شوند. متمنی است مقرر فرمایید اعلام دارند که از نقطه نظر سوابق موجوده در آن وزارت جلیله و از نقطه نظر حقوقی و بین‌المللی چه تفاوت و امتیازی بین این قسمت از جزیره و سایر قطعات جزیره هنگام موجود است. زیرا مادامی که خصوصیاتی برای این

قسمت معین از جزیره اثبات نشود، به عقیدهٔ این وزارتخانه تفاوتی بین قسمت مزبور و سایر قطعات مملکت شاهنشاهی نمی‌توان قایل شد. خامساً راپرتهای واصله به ارکان حرب کل قشون حاکی است که محل اقامت نظامیان نسبت به ابنیه و عمارات ادارهٔ تلگراف هند و اروپ مسافت زیادی دارد و حقیقتاً این وزارتخانه نمی‌تواند استنباط نماید که وجود نظامیان در محل فعلی چه اذیتی ممکن است برای مأمورین تلگرافخانه داشته باشد.

با مراتب فوق چنانچه بر طبق سوابق موجود در آن وزارت جلیله و از نقطه نظر حقوقی و سیاسی لازم باشد که مابین قسمتهای مختلفه جزیرهٔ هنگام تفاوتی گذاشته شود و نظامیان ساخلوی جزیرهٔ مزبور از محل فعلی به قسمت دیگری از جزیره انتقال داده شوند، متمنی است مقرر فرمایید نظریات هیئت معظم دولت را در این موضوع اعلام دارند تا تصمیمات لازمه اتخاذ شود.

از طرف وزیر جنگ ــ کفیل ارکان حرب کل قشون

امضا: سرتیپ نخجوان

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن ۲م

شعبه

محرمانه

مورخه ۲۵ مهر ماه ۱۳۰۷

ضمیمه

نمره ۴۳۶۴ / ۱۳۴۳۱ / د

در جواب مراسله حروف واعداد ممیزه که مقدم نمره است با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

معطوفاً به مرقومه نمره (۱۳۴۲۵) اداره اول سیاسی متضمن سواد مراسله خصوصی شارژدافر انگلیس در موضوع عدم اقامت نظامیان ایرانی در هنگام
جهت اطلاع [illegible] میشود اولاً در موضوع تپه (؟) که بنا به مفاد مراسله مزبور (ساختمانهائی برای اداره تلگراف هند و اروپ اختصاص داده شده) چون کیفیت
تخصیص تپه مزبوره برای اداره تلگراف هند و اروپ بر این وزارتخانه مجهول است تنها از اظهار نظریه در این قسمت خودداری نموده چنانچه
ضرورت داشته باشد در جواب این قسمت از مراسله خصوصی شارژدافر توضیحاتی داده شود موکول باطلاعات مخصوصی است که پس از این
آن وزارت جلیله باید تحصیل کند ثانیاً اینکه شارژدافر در مراسله خصوصی خود مینویسد وجود نظامیان در آن قسمت از جزیره باعث جلوگیری از عملیات
و تحقیقات [illegible] معمولی انگلیس خواهد بود محتاج بتوضیحات کاملتری است زیرا در هنگام فقط ده نفر نظامی توقف دارند که ظاهراً
و مشغول هم هستند در باب جهت [illegible] فراهم شود و با وجود این چگونه ممکن است وجود ده نفر نظامی ایرانی در آنجا (تحقیقات) [illegible] را دچار
اشکال نماید ثالثاً اینکه اظهار میکند دولت انگلیس حق دولت ایران را با اعزام نظامی بجزیره مزبور (در موقع لزوم) انکار میکند قابل دقت
و تأمل است زیرا که جزیره هنگام جزو خاک ایران و بنا بر این حق اعزام قوای نظامی از طرف اولیای دولت در هر وقت و هم در موقع
لزوم یا غیر موقع لزوم غیر قابل انکار است و در هر حال تشخیص (موقع لزوم) فقط مربوط باولیای دولت علیه میباشد رابعاً راجع باینکه اظهار داشته است
نظامیان از محل قطع نقیصه دیگر از جزیره [illegible] داده شده قسمتی است منفرد و به هنگام داده شده از نقطه نظر سوابق موجوده و مراتب فوق و از نقطه
نظر حقوق بین الملل چه تفاوت و امتیازی بین این قسمت از جزیره و سایر قطعات جزیره هنگام موجود است زیرا مادامیکه خصوصیات بر این قسمت
معین از جزیره ثابت نشود بعقیده این وزارتخانه تفاوت و امتیازی بین قسمت مزبوره و سایر قطعات ممکن نیست قائل شد فقط [illegible]
با رسالة [illegible] است که منحصراً به نظامیان [illegible] و عمارات اداره تلگراف هند و اروپ [illegible] وارد [illegible] حقیقتاً هنوز از این [illegible]
[illegible] در وجود نظامیان در [illegible] چه ذیحقی ممکن است برای مأمورین تلگرافخانه داشته باشد —
بنا بر مراتب فوق چنانچه بر طبق سوابق موجوده و از نقطه نظر حقوقی و سیاسی لازم باشد که با این قسمت مختلفه جزیره هنگام تفاوتی گذاشته شود
و نظامیان ما فقط در جزیره مزبوره از محل قطع نقیصه دیگری از جزیره [illegible] داده شده قسمتی است منفرد و به نظر آن وزارت جلیله را در این
موضوع اعلام دارند تا تعلیمات لازمه اتخاذ شود — از طرف وزیر جنگ — کفیل ارکان حرب کل قشون سرتیپ

[illegible signature]

اداره سیاسی

۴۳۰

شماره: ۱۶۸
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۱۶دی ۱۳۰۸
متن سند:

جناب سر ربرت‌هانری کلایو وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمهٔ انگلیس
آقای وزیر مختار

از قرار اطلاعات واصله انبار زغال‌سنگ در جزیرهٔ هنگام چند نفر مسلح به عنوان مستحفظ نگاه داشته است. البته آن جناب تصدیق دارند که نگاه داشتن مستحفظ مسلح از طرف انبار زغال‌سنگ خارج از رویه است. لهذا از جنابعالی محترماً متمنی است در این خصوص تحقیق نموده و دوستدار را مطلع فرمایند که اگر انبار زغال‌سنگ جزیرهٔ هنگام محتاج به مستحفظ است از طرف دولت عدّهٔ مستحفظ که لازم است تعین شود. در این موقع احترامات فایقهٔ خود را تجدید می‌نماید.

٤ نمونه (٨)
بتاریخ ۱۶ / ۱۰ ماه ... سنه ۱۳۰۸
نمره ۱۲۲۹۸ ضمیمه ......

وزارت امور خارجه

اداره کل: [illegible]
اداره: انگلیس

آقای وزیر مختار

در قسمت ملاحظات [illegible] انبار خاک سنگ در جزیره هنگام [illegible] مسلح [illegible] که گویا پرچم [illegible] تحت [illegible] مسلح از طرف [illegible] انبار خاک سنگ خارج [illegible] است تقاضا [illegible] در این خصوص تحقیق نموده و [illegible] نتیجه [illegible] که اگر [illegible] تخلفات از طرف [illegible] که مقدم است تعیین شود. در این موقع احترامات فائقه خود را تجدید می‌نماید

[illegible]

۱۵ دی [illegible]

جناب سر رابرت هاری کلایو وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمه انگلیس

[illegible] ۱۵ / ۱۰

شماره: ۱۶۹
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۳ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

به کلی محرمانه ــ مستقیم

وزارت جلیله امور خارجه

نظر به اینکه عنقریب کشتی‌های بحریهٔ شاهنشاهی از ایطالیا وارد خلیج فارس خواهد شد و جزیرهٔ هنگام برای توقف کشتی‌های ایران ضرورت دارد، علی‌هذا متمنی است مقرر فرمایند از طرف آن وزارت جلیله شرح لازم به سفارت انگلیس صادر و تقاضا شود که جهازات جنگی انگلیس از اقامت در هنگام صرف نظر نمایند.

از طرف وزیر جنگ: کفیل ارکان حرب کل قشون

مورخه ۳ ... ماه ۱۳۱۱
ضمیمه

وزارت جنگ

بکلی محرمانه — مستقیم

ارکان حرب کل قشون

دائره ...

شعبه ...

نمره ۷۴۵۴

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

وزارت جلیله امور خارجه

نظر باینکه عنقریب کشتی های بحریه شاهنشاهی از ایطالیا وارد خلیج فارس خواهد شد و جزیره هنگام برای توقف کشتی های ایران ضرورت دارد علیهذا اشعار میشود مقرر فرمایند از طرف آنوزارت جلیله شرح لازم بسفارت انگلیس صادر و تقاضا شود که جهازات متبوع انگلیس از آن ... دستگاه صرف نظر نمایند. — از طرف وزیر جنگ: کفیل ارکان حرب کل قشون

انگلیس
۲۳/۲/۱۱

۷۴۱۵

شماره: ۱۷۰
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: سفارت انگلستان
تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

مراسله به وزیر مختار انگلیس

آقای وزیر مختار

خاطر شریف استحضار دارد که دولت شاهنشاهی برای محافظت سواحل خود در خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق، شش فروند کشتی ابتیاع نمود که قریباً به خلیج مزبور وارد خواهند شد.

به طوری که حضرت اشرف آقای وزیر دربار پهلوی و حضرت اشرف آقای وزیر امور خارجه در ضمن مذاکرات شفاهی خاطر آن جناب را مستحضر داشته‌اند، برای اقامتگاه کشتی‌های مزبور جزیرهٔ هنگام محل مناسب تشخیص داده‌شده‌و کشتی‌های ایران لنگرگاه خود را در آنجا قرار خواهند داد. بنا به مراتب فوق از آن جناب خواهشمند است، اقدام فرمایید که به مأمورین مربوطهٔ دولت پادشاهی انگلستان دستور فوری صادر گردد که جهازات جنگی دولت معزی‌الیها از اقامت در جزیرهٔ هنگام صرف نظر نمایند. نظر به اینکه قبل از ورود کشتی‌های بحریهٔ ایران باید وسایل لازمه برای اقامتگاه در محل مزبور تهیه گردد، تسریع در انجام مقصود از طرف آن جناب موجب تشکر دوستدار خواهد بود.

موقع را...

نمونهٔ ۴

نمره ضبط ۴۱۰۳۵۲۳

نمره ۲۲۰۴۴

دوسیه ۷۴۱۵

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

موضوع مسوده ....

ضمیمه ....

مسؤل پاکنویس ....

تاریخ تحریر .... تاریخ پاکنویس .... تاریخ ثبت و خروج ۱۳۱۹/۶/۲۴

عنوان مسوده: مراسله به سفارت انگلیس

آقای وزیر مختار

~~[illegible]~~ خاطر شریف را استحضاراً میدارد در [illegible] [illegible] [illegible] برای حفظ

در خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق [illegible] کشتی‌های [illegible] [illegible] بلوچستان

وارد خواهند شد. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و

[illegible] [illegible] [illegible] در [illegible] سرحدات [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از کشتی‌های [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و کشتی‌های ایران لنگرگاه [illegible] خواهند داد

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اقدام فرمایند [illegible]

دولت [illegible] انگلستان [illegible] [illegible] صادر [illegible]

[illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] قسمتی از [illegible] کشتی‌های [illegible] ایران [illegible] [illegible] لنگرگاه.

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خواهد [illegible]

موقع را [illegible]

شماره: ۱۷۱
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۹ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسنعلی‌خان غفاری کفیل وزارت امور خارجه

آقای کفیل

محترماً وصول مراسلهٔ جناب مستطاب عالی نمرهٔ ۲۳۰۴۴/۴۱۰۳۵۲۳ مورخه ۲۸ شهریور (۱۹ سپتامبر) را که در آن اشعار شده بود که به ملاحظهٔ اینکه قرار است جهازات بحریهٔ ایران قریباً وارد شود، مایل‌اند جهازات اعلیحضرت پادشاه انگلستان از استفاده از لنگرگاه هنگام صرف‌نظر نمایند، اطلاع می‌دهم.

دوستدار مندرجات مراسلهٔ مزبور را به دولت متبوعهٔ خود اطلاع می‌دهم و محترماً در موقع معین جواب دولت مشارالیها را به آن جناب ارسال خواهم داشت. ضمناً یک موضوعی است که مایلم توجه آن جناب را بدان متوجه سازم. در طی مذاکراتی که با حضرت اشرف آقای وزیر دربار و جناب اشرف آقای وزیر امور خارجه در روز قبل از حرکت شخص محترم اخیرالذکر به اروپا به عمل آوردم، جناب اشرف آقای فروغی اظهار داشتند که قصد دارند در صورتی که در ژنو فرصتی به دست آید، در باب مسائل معوقه راجع به روابط انگلیس و ایران با وزیر امور خارجهٔ اعلیحضرت پادشاه انگلستان مذاکراتی به عمل آورند. یکی از این مسائل بلاشک موضوع راجع به مؤسسات بحری انگلیس در هنگام می‌باشد. بنابراین دوستدار به هیچ‌وجه سعی نمی‌نمایم تعجب خود را از تقاضای مندرجه در مراسلهٔ جناب مستطاب عالی مخفی دارم. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

۵۶۱

۲۹ شهریور ۱۳۱۱

British Legation,

Gulhek,

September 20th,1932.

No. 461.

Monsieur le Gérant,

I have the honour to acknowledge receipt of Your Excellency's Note No. 23044/4103523 of September 19th stating that in view of the imminent arrival of the vessels of the Persian navy it is desired that His Majesty's Ships shall cease to use the Henjam anchorage.

I am communicating the contents of this note to my Government and shall have the honour to forward their reply to Your Excellency in due course.

Meanwhile there is one point to which I desire to invite Your Excellency's attention. In the course of the conversation which I had with Their Highnesses the Minister of Court and the Minister for Foreign Affairs on the day before the latter left for Europe, His Highness Feroughi expressed the

His Excellency
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari
Gérant du Ministère des Affaires
Etrangères.

Presented By
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

-2-

اظهار داشته‌اند که قصد دارند در صورتیکه در ژنو فرصتی
بدست آید در باب مسائل معوقه راجع بروابط ایران و انگلیس
دایران با وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان مذاکره
بنمایند. یکی از این مسائل بلاشک موضوعات
مؤسسات بحری انگلیس در هنگام میباشد بنابراین بدون پرده
بهیچوجه سعی نمیکنم تعجب خود را از تقاضائیکه در
مراسله جناب مستطاب عالی مخفی دارم.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید
مینمایم

the intention of discussing with His Majesty's Principal Secretary of State for Foreign Affairs the outstanding questions affecting Anglo-Persian relations, if opportunity offered at Geneva. One of these questions is undoubtedly the British naval establishments at Henjam. I will not therefore make any attempt to conceal my surprise at the request formulated in Your Excellency's note.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. H. Hoare

Presented By :
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

شماره: ۱۷۲
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۳۱ شهریور ۱۳۱۱
متن سند:

وزارت جلیلهٔ جنگ

در جواب مرقومهٔ مورخهٔ ۱۱/۶/۲۳ نمره ۷۴۵۳ راجع به صرف‌نظر کردن جهازات انگلیس از توقف در جزیرهٔ هنگام تصدیع می‌دهد که مراتب به سفارت انگلیس در طی مراسله ابلاغ و تقاضا شد که هرچه زودتر مقدمات این کار را فراهم آورند.

نمونهٔ ۳

نمره ضبط ۴۱۳۳۲

نمره ۲۳۳۴۲

دوسیه خ ۱ م ۷

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

موضوع مسوده

ضمیمه

مسؤل پاکنویس

تاریخ تحریر ۲۱/۶/۲۱ تاریخ پاکنویس ۱۳ تاریخ ثبت و خروج ۱۳

عنوان مسوده سفارت [illegible]

فوری – محرمانه

در جواب مرقومه نمره ۲۳/۶/۱۱ – ۷۴۵۳ راجع به درخواست [illegible]

[illegible]

[illegible]

شماره: ۱۷۳
فرستنده: فروغی نخست وزیر از ژنو
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۰ مهر ۱۳۱۱
متن سند:

از ژنو

معاون وزارت خارجهٔ انگلیس به ملاقات آمده از قضیه هنگام گله کرده گفت در مذاکراتی که اخیراً شد، گفتگوی این بود که کشتی‌های که نیز آنجا باشند و به‌طوری که لازم است مسئله جزء عهدنامه حل شود. حالا اگر در بیرون کردن کشتی‌های ما از هنگام اصرار و عجله نمایید، چنین خواهیم دانست که مذاکرهٔ عهدنامه را قطع می‌کنید. گفتم ما قطع نمی‌کنیم شما اهمال دارید و علاقه نشان نمی‌دهید. پرسید آیا هم منزلی ما و شما ممکن خواهد بود. گفتم می‌دانید من صلاحیت تصدیق این مسئله را ندارم باقی قشون کشتی‌های شما در آب و خاک ایران مطلوب نیست اما تا وقتی که از طهران حرکت کردم تصمیمی از دولت در این باب ندیده بودم. و در عالم دوستی معتقدم به وزیر مختار خودتان در طهران دستور بدهید در حل مسائل اهتمام کند. گفت این فقره را به وزیر خارجه می‌نویسم و می‌گویم شما مأیوس نمی‌شوید خود او هم دوسه روز دیگر ژنو بر می‌گردد و با شما ممکن است مذاکره کند چون طبع او را مستعد مذاکرهٔ بعضی ندیدم دیگر حرفی نزدم، اما با کمیسر عالی عراق مفصلاً صحبت کنم چون خودش مایل بود و مبادرت کرد.

فروغی

وزارت امور خارجه

اداره کل ....

اداره ....

نمره ....

تاریخ ....

۵۱۳

۱۰ مهر ۱۳۱۱

وزیر دربار

معاون وزارت خارجه انگلیس [illegible] ساعت [illegible] از قضیه [illegible] گله کرده گفت [illegible]

چرا [illegible] گفتگوی این دو هفته گذشته [illegible] نشده و [illegible]

[illegible] دیگر در [illegible] گفتگوهای ما از [illegible]

[illegible] خواهیم. در [illegible] که [illegible] قطع [illegible] قطع نکنیم تا [illegible]

و [illegible] هم [illegible] و شما [illegible] گفتم [illegible]

[illegible] را [illegible] گفتگوهای ما [illegible] چون [illegible]

اما تا وقتی که از طهران حرکت کردم [illegible] در [illegible]

[illegible] در طهران [illegible] در [illegible] گفت [illegible]

[illegible] شما [illegible] روز دیگر [illegible] برگردد [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] ندارم اما [illegible]

[illegible] خوش [illegible] ذوق

شماره: ۱۷۴
فرستنده: سفارت انگلستان
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۱۹ آبان ۱۳۱۱
متن سند:

جناب مستطاب اجل آقای حسنعلی خان غفاری کفیل وزارت خارجه
آقای کفیل

در ضمن مراسلهٔ خود نمرهٔ ۴۴۱ مورخه ۲۰سپتامبر ۱۹۳۲ (۲۹شهریور ۱۳۱۱)، محترماً خاطر جناب مستطاب عالی را مستحضر ساختم که تقاضای دولت علیه را در باب برچیدن فوری مؤسسه بحری انگلیس در هنگام که خیلی موجب تعجب دوستدار گردیده بود، به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحدهٔ انگلیس مخابره نمودم. حال دستورالعمل دارم جواب ذیل را بنگارم:

۲. چندین سال است مذاکراتی در باب انعقاد عهدنامه مودت بین دولتین ما جریان دارد در مورد بسیاری از مسائل موافقت حاصل شده است. سایر نکات هنوز معوق مانده و در تحت مذاکره است. از جملهٔ موضوع مؤسسه بحری هنگام می‌باشد که چندین سال است که در روی اساس فعلی باقی می‌باشد. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل‌اند که وقایهٔ مؤسسه مزبور را برای یک عده سنوات دیگر در تحت شرایط عهدنامه کمافی‌السابق تأمین نمایند و از ابتدای مذاکرات اطلاع یافته‌اند که دولت علیه اصولاً با این مسئله که یک قسمت از تصفیهٔ کلی مسائل معوقه محسوب می‌شود، موافقت داەند.

۳. این موضوع مفهوم عموم است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز سعی نکرده‌اند ادعایی ثابت کنند در اینکه تسهیلات راجع به تهیهٔ سوخت جهازات و تسهیلات راجع به تفریح اعضای جهازات را که اسکوادرن آنها در خلیج فارس در هنگام از آن استفاده می‌نموده‌اند یک قسم حق حاکمیت محسوب می‌شود یا اینکه به حق حاکمیت ایران خللی وارد می‌آورد و نیز دولت مشارالیها در طی مذاکرات جاری سعی نکرده‌اند که بیش از رضایت دولت علیه در مورد ادامهٔ استفاده از تسهیلات مزبور در مقابل یک حق سالیانه چیزی تحصیل کنند

۴. از مراتب فوق واضح است که موضوع هنگام قطعاً مربوط می‌شود به مذاکرات راجع به عهدنامهٔ کلی و نمی‌تواند از آن تفکیک شود و دولت اعلیحضرت پادشاه

انگلستان مایل‌اند که دوستدار مؤکداً اشعار دارم. که نمی‌توانند مذاکرات فعلی را ادامه دهند مگر اینکه تقاضایی که تحت مذاکره است، مسترد شود.

۵. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطمئن‌اند که منفعت طرفین چنین اقتضا می‌نماید که روابط خود را بر روی یک اساس معاضدت ضمیمانه قرار دهند و تعیین دارند که دولت ایران در این نظریه شرکت دارند و دولت علیه حاضر خواهند بود که پس از رسیدگی مجدد به این مسئله تقاضای خود را تعقیب ننمایند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فایقه خود را تجدید می‌نمایم.

۵۶۹

10th November, 1932.

No. 548.

Monsieur le Gerant,

In my note No. 441 of the 20th September 1932 (29th Shahrivar 1311) I had the honour to inform Your Excellency that I had submitted to His Majesty's Government in the United Kingdom the request of the Imperial Government, which had greatly surprised me, for the immediate withdrawal of the British naval establishment at Henjam. I am now instructed to formulate the following reply:

2. For some years past negotiations directed to the conclusion of a treaty of friendship have been conducted between our two Governments. Agreement has been reached on a variety of points. Others are still outstanding and are still under discussion. Among them is the question of the British naval establishment at Henjam, which has existed on its present basis for many years. His Majesty's Government

/desire

Son Excellence
Mirza Hassan Ali Khan Ghaffari,
Gerant du Ministere des Affaires
Etrangeres.

۱۹ آبان

دبیره
الف
۱۱/۹/۱۲

ترجمه کنید

در ضمن یادداشت نمره ۴۴۱ مورخه ۲۰ سپتامبر ۱۹۳۲
(۲۹ شهریور ۱۳۱۱) مراتب خاطر جناب مستطاب عالی را
مستحضر ساختم که تقاضای دولت علیه را در باب برچیدن فوری
موسسه بحری انگلیس را که خیلی موجب تعجب دوستدار گردیده
به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ممالک متحده انگلیس
مخابره نمودم حال دستورالعمل دارم جواب ذیل را
ابلاغ دارم :-
۲- چندین سال است مذاکرات در باب انعقاد عهدنامه
مودت بین دولتین ما جریان داشته و در موارد بسیاری
از مسائل موافقت حاصل شده است سایر نکات هنوز
معوق مانده و در تحت مذاکره است از جمله
موضوع موسسه بحری هنگام میباشد که چندین سال است
که در روی اساس فعلی باقی میباشد. دولت اعلیحضرت
پادشاه انگلستان مایلند که موسسه مزبوره را برای
یک عده سنوات آتیه در تحت شرایط عهدنامه

جناب مستطاب اجل آقای میرزا حسنعلی خان غفاری کفیل وزارت امور خارجه

desire to secure the continued existence of this establishment for a further period of years under the terms of the treaty, and they have understood from the outset of the negotiations that the Imperial Government were agreeable to this in principle as part of a general settlement of outstanding questions.

3. It is a matter of common knowledge that His Majesty's Government have never sought to establish any claim that the fuelling and recreational facilities which their squadron in the Persian Gulf have enjoyed at Henjam constitute any sort of sovereign right or in any way impair Persian sovereignty nor have they endeavoured in the course of the current negotiations to obtain anything more than the consent of the Imperial Government to the continued use of these facilities in return for an annual rent.

4. It is evident from the foregoing that the question of Henjam is definitely connected with, and cannot be divorced from, the general treaty negotiations and His Majesty's Government desire me to state categorically that they cannot continue the present

/negotiations

کما فی السابق تامین نمایند و از ابتدای مذاکرات
اطلاع یافته‌اند که دولت علیه ایران با این مسئله
که یک قسمت از تصفیه کلیه مسائل معوقه محسوب بشود
موافقت دارند.

۳ - این موضوع مفهوم عموم است که دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز سعی نکرده‌اند ادعا
ثابت کنند که تسهیلات راجع بتهیه سوخت
جهازات و تسهیلات راجع بتفریحات جهازات را
که اسکادرون آنها در خلیج فارس در هنگام از آن
استفاده نموده‌اند یک قسم حق حاکمیت محسوب بشود
یا اینکه بحق حاکمیت ایران خللی وارد آورد
و نیز دولت متبوعه اینجانب در طی مذاکرات جاری سعی نکرده‌اند
که بیش از رضایت دولت علیه در مورد ادامه
استفاده از تسهیلات مزبوره در مقابل یک حق سالیانه
چیزی تحصیل کنند.

۴ - از مراتب فوق واضح است که موضوع
هنجام قطعاً مربوط بمذاکرات راجع بعهدنامه کلی
و نمیتواند از آن تفکیک شود و دولت اعلیحضرت
پادشاه انگلستان مایلند که دوستدار صریحاً اظهار دارد

که گرفته شده مذاکرات قطع و ادامه داده نخواهد شد مگر آنکه
تقاضائی که تحت مذاکره است مسترد شود.

۵ — دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطمئن‌اند
که منفعت طرفین چنین اقتضا می‌نماید که روابط خود را
بر روی یک پایه مساعدت صمیمانه قرار دهند و یقین دارند
که دولت ایران در این نظریه شرکت دارد و در تعقیب
حاضر خواهد بود که پس از رسیدگی مجدد با این مسئله
تقاضای خود را تعقیب ننمایند.
موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم

negotiations unless the request under discussion is withdrawn.

His Majesty's Government are convinced that it is to the interest of both parties to establish their relations on a basis of cordial cooperation and they are confident that this view is shared by the Persian Government and that the latter will be prepared on a re-examination of the matter not to press their request.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

R. H. Hoare

شماره: ۱۷۵
فرستنده: وزارت جنگ
گیرنده: وزارت امور خارجه
تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۱۱
متن سند:

خیلی فوری محرمانه مستقیم

وزارت جلیلهٔ امور خارجه

سواد راپرت نمره ۲۱۰۸ کفیل فرماندهی قوای بحریهٔ جنوب راجع به رفتار سفاین شاهنشاهی در نقاط شمالی آبهای خلیج‌فارس و بحر عمان تلواً ارسال، متمنی است مقرر فرمایید نسبت به مفاد راپرت مزبور نظریهٔ آن وزارت جلیله را اعلام دارند تا از همان قرار به قوای مزبور دستور مقتضی صادر گردد.

مهر وزارت جنگ

سواد راپرت کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب

محرمانه

مقام رفیع بندگان حضرت ریاست محترم ارکان حرب کل قشون

مفتخراً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، مطابق اطلاعات غیرمستقیمی که فدوی تحصیل کرده، گویا دولت انگلیس راجع به قسمت شمالی جزیرهٔ هنگام ادعایی دارد و نظر به اینکه در تمام نقاط شمالی آبهای خلیج‌فارس و بحرعمان کشتی‌های شاهنشاهی بدون هیچ احتیاط ملاحظه رفتار کرده و همه را متعلق به دولت شاهنشاهی می‌دانند مستدعی است اگر دربارهٔ بعضی از این نقاط ملاحظاتی باید بشود، مقرر فرمایید مراتب اطلاع داده شود که برخلاف نظریهٔ آن مقام رفیع رفتاری نشده باشد.

کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب یاور بایندر

وزارت جنگ

ارکان حرب کل قشون

رکن ۲

شعبه ۱

نمره ۱۱۳۷۱ / ۷۰۰۰

در جواب مراسله حروف و اعداد
ممیزه که متمم نمره است
با نمره ذکر شود

مورخه ۲۷ / ۹ / ۱۱ ماه ۱۳۱۱

ضمیمه ۱

و تعقیب

خیلی فوری محرمانه [illegible] ۲۸۰۰ ۱۱/۹/

وزارت جلیله امور خارجه

سواد راپرت نمره ۲۱۰۸ کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب راجع به [illegible]

[illegible] در نقطه [illegible] آبهای خلیج فارس و بحر عمان [illegible]

منضماً [illegible] مقرر فرمایند [illegible] راپرت [illegible] از وزارت جلیله

[illegible] تا از [illegible] دستور [illegible] صادر گردد.

[illegible]

۱۱۴۴۱

[illegible]	[illegible]
نمره	۳۴۹۶۷
[illegible]	۱۰۱۲۵۴
[illegible]	۲۸/۹/۱۱

مربوط به اداره [illegible]
۲۹ آذر

نمره ۱۵۳۰
۱۱/۹/۲۹

ارکان حرب کل قشون –

اداره بحریه حرب

محرمانه

وزارت جنگ

وارده ... ۱۳۱۱/۹/۱۷

مورخه ۱۷ آذر ماه ۱۳۱۱

نمره ۲۱۰۸

ضمیمه مکتوب نمره ۱۵۴۷۱/۱/۵

مقام منیع ریاست محترم ارکان حرب کل قشون

نقشه‌جات ما که از انگلستان رسیده مطابق اطلاعات غیر مستقیم دولت انگلیس که سالها است

انگلیس راجع به قسمت شمالی جزیره هنگام ادعائی دارد و نظر باینکه در تمام نقاط سواحل و جزایر

خلیج فارس و بحر عمان کشتی‌های جنگی ایران بدون هیچ اشکال [illegible] حفظ قسمت را کرده و همه را

متعلق به دولت شاهنشاهی میدانند مستدعی است اگر درباره بعضی از این نقاط ملاحظاتی

باید بشود مقرر فرمایند مراتب [illegible] در [illegible] نظریه اعلام [illegible] نشان

دهند – کفیل فرماندهی قوای بحریه جنوب یاور بایندر

ملاحظه [illegible]

شماره: ۱۷۶
فرستنده: وزارت امور خارجه
گیرنده: وزارت جنگ
تاریخ: ۳ دی ۱۳۱۱
متن سند:

فوری محرمانه مستقیم

وزارت جنگ

با عطف به مراسلهٔ نمرهٔ ۵۴۷۱،د،۷۰۰۰ حاوی سواد راپورت کفیل فرماندهٔ قوای بحری جنوب راجع به اطلاعات مشارالیه مربوط به قسمت شمالی جزیرهٔ هنگام، به استحضار آن وزارت جلیله می‌رساند که مطابق اطلاعات وزارت امور خارجه دولت انگلیس نسبت به جزیرهٔ هنگام هیچ‌وقت دعوی نداشته است. سابقاً قطعه زمینی برای سکنی و عملیات تلقرافچیان [تلگرافچیان] انگلیس و انبار زغال‌سنگ برای کشتی تجارتی از طرف دولت معین شده بود. در اواخر کشتی‌های جنگی انگلیس برای زغال‌گیری بدانجا تردد می کردند. در ۲۸شهریور به سفارت انگلیس نوشته شد. دولت شاهنشاهی ایران برای محافظت سواحل خود در خلیج فارس و جلوگیری از قاچاق، شش فروند کشتی ابتیاع نموده و قریباً به خلیج وارد می‌شوند و به‌طوری که شفاهاً تذکر داده شد برای اقامت کشتی‌های ایران جزیرهٔ هنگام محل مناسب تشخیص داده شد. و خواهش گردید اقدامات نمایند که جهازات جنگی انگلیس از اقامت در جزیرهٔ هنگام صرف‌نظر نمایند ولی سفارت انگلیس و دولت انگلیس در مکاتبات و مذاکراتی که شد علاقه به حفظ ترتیبات سابقه نشان داده و اظهار امیدواری برای کنارآمدن در این خصوص نموده‌اند اگرچه دولت شاهنشاهی در زمینهٔ تصمیم نظریهٔ اولیه جواب داده ولی مذاکرات هنوز کاملاً خاتمه نیافته. نظر به مراتب فوق بهتر است وضعیت موجوده عجالتاً در هنگام از طرف مأمورین مرعی شود تا مذاکرات خاتمه یابد.

نمونه ۳

نمره ضبط ۲۳۱۲۵۴

وزارت امور خارجه

اداره [illegible]

نمره ۳۳۴۶۴۷

دوسیه [illegible]

موضوع مسوده [illegible]

ضمیمه [illegible]

مسؤل پاکنویس [illegible]

تاریخ تحریر ۱ دی — تاریخ پاکنویس [illegible] — تاریخ ثبت و خروج ۱۰ / ۹ / ۱۳۱۱

عنوان مسوده: وزارت [illegible]

عطف به مراسله نمره ۳۲۷۱/۱۵۰ مورخه [illegible] ۲۰۰۰ صادره از اداره [illegible] راجع به [illegible]
[illegible] از وزارت [illegible] در [illegible]
[illegible] در [illegible] به [illegible]
[illegible] سفارت بلژیک [illegible]
زغال سنگ برای [illegible] از طرف دولت [illegible] در [illegible]
برای زغال [illegible] در ۲۸ [illegible] سفارت بلژیک [illegible]
[illegible] دولت شاهنشاهی ایران برای [illegible] برای [illegible]
و [illegible] اطلاع [illegible]
[illegible] ایران [illegible] بلژیک [illegible]
[illegible] بلژیک از [illegible] در [illegible] بلژیک [illegible]
در [illegible] اگر [illegible] * [illegible] در [illegible] در [illegible]
اگر دولت شاهنشاهی [illegible] نظر [illegible] داده [illegible]
[illegible] در [illegible] از [illegible]
[illegible]

[Marginal note:] [illegible] اطلاعات [illegible] وزارت [illegible]

[Marginal note:] * علاوه [illegible] ادارهٔ [illegible]

THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. ______ Book No. ______

Vol. ______ Copy ______.

Accession No. ______

نقشه ها

یک نقشهٔ پرتقالی (تهیه‌شده‌در سال ۱۵۱۹م) موجود در کتابخانهٔ ملّی پاریس که در آن خلیج فارس «میرپرسیو» (MARE PERSICV) به معنی دریای پارس و همچنین دریای سرخ با نام «سینوس عربیکوس» (SINNVS ARABICVS) ذکر گردیده‌است.

DESSERTO
CIRCVL9
INDIA
MAREINDICVM
SINVS
ARABICVS
CIR
CVL
VS

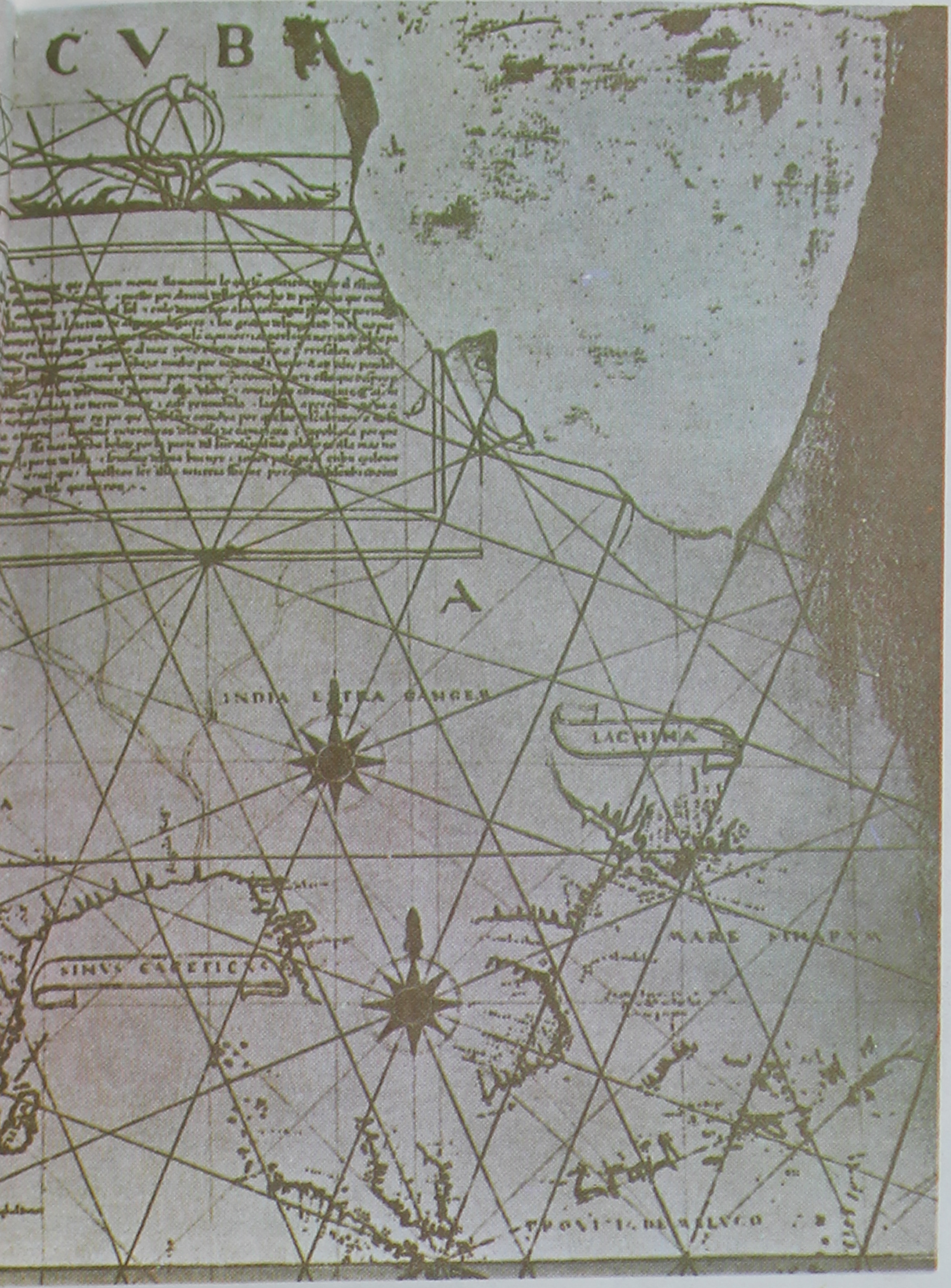

یک نقشهٔ پرتقالی (تهیه شده در سال ۱۵۲۷م) موجود در وایمار آلمان شرقی که در آن خلیج فارس «سینوس پرسیک» (SINVS RERSIC) و دریای سرخ «سینوس عربیک» (SINVS ARABIC) ذکر شده‌است.

VNDO SEA DES
MARE CAS
PIVM
BABILONIA
PERSIA
SINVS
PERSICVS
SINVS ARABICVS

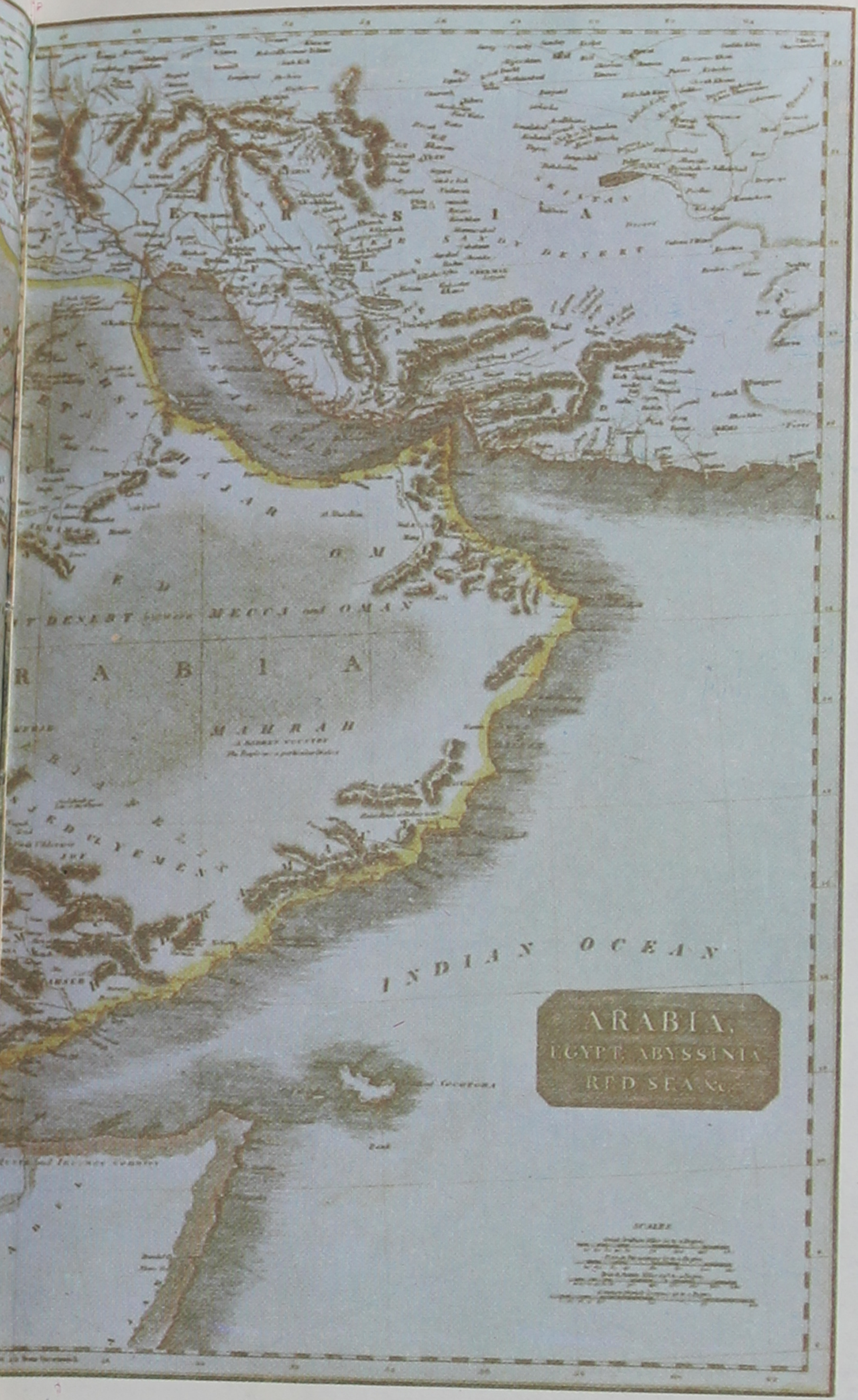

یک نقشهٔ قدیمی موجود در آرشیو وزارت امور خارجه که در آن خلیج فارس به‌همین نام (PERSIAN GULF) آمده‌است.

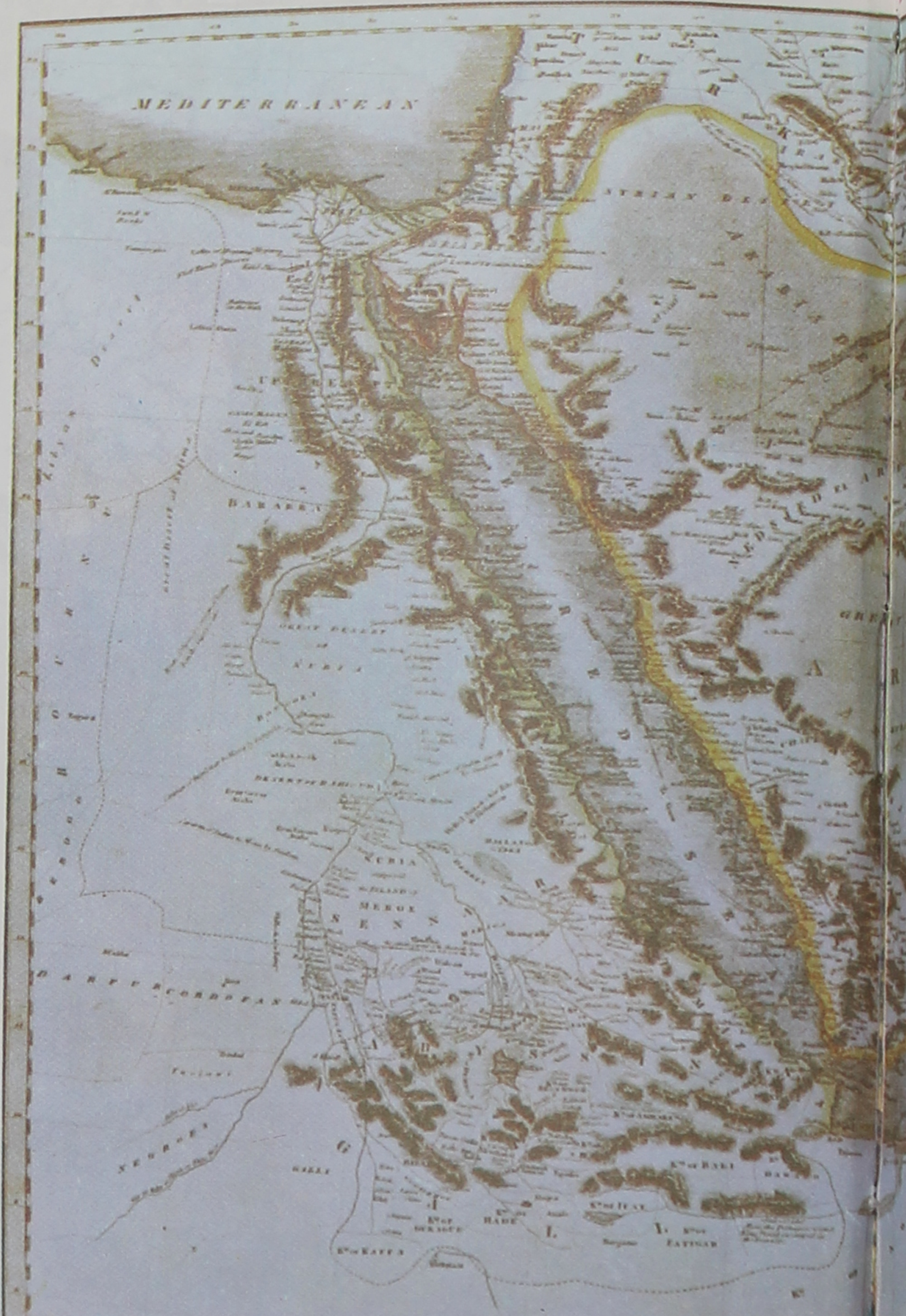
MEDITERRANEAN
BARABRA
NUBIA
MEROE
DARFUR
CORDOFAN
NEGROES

PER

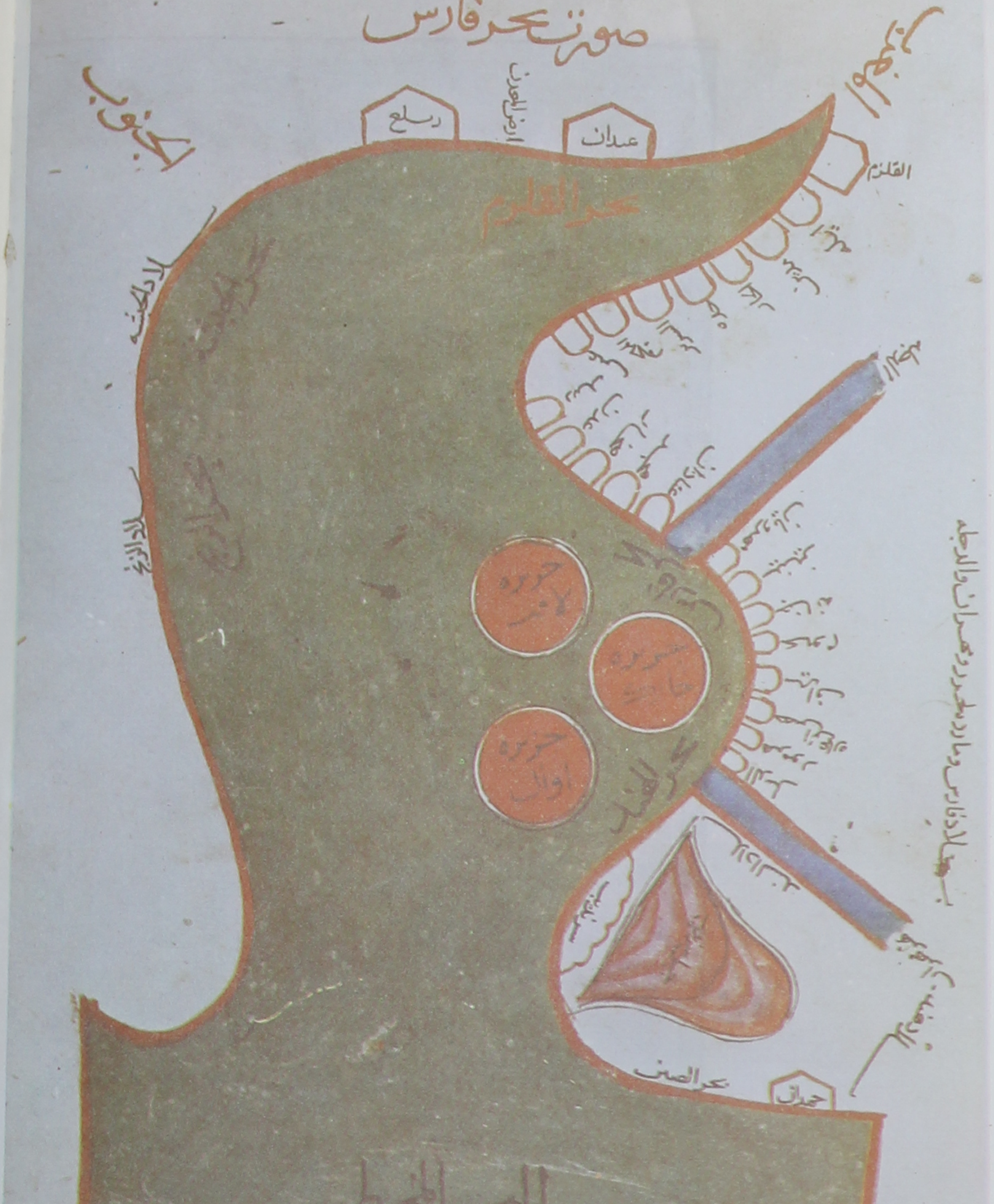

یک نقشهٔ قدیمی که در آن خلیج فارس «بحر فارس» ذکر شده‌است.

KASHMIR UNIVERSITY
Iqbal Library
Acc. No. 563151

Call No........... *Date*.........................

Account No..........

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last stamped above. An overdue charges of 6 nP. will be levied for each day. The book is kept beyond that day.

Presented By :
IRAN CULTURE HOUSE
NEW DELHI

طرح روی جلد از: اسدالله کب

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
وابسته به وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران

تهران ــ خیابان شهید باهنر ــ خیابان شهید آقایی
صندوق پستی: ۱۷۹۳ ــ ۱۹۳۹۵

بها ۳۲۰۰ ریال